

فرہنگ الفبائی اخبار آخر الزمان

فرہنگ نامہ آخر الزمان

مؤلف
عبدالحمید زاروہ

فرہنگ الفبائی اخبار آخر الزمان

فرہنگ نامہ آخر الزمان

مؤلف،
عبدالحمید زاروہ



«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ»

سلام و درود پروردگار جلیل بر تو ای عصاره پاک‌ترین سلیل و ای جانشین خدا در آسمان و زمین، بر تو ای روشنی بخش این دنیای ظلمت‌زده و ای نور امید بر چشمان منتظران دیده به راه.

ای آینه جمال مصطفی، ای یادگار علی مرتضی و ای میوه قلب فاطمه‌زهرا، ای خاتم اوصیا، ای مایه مباهات انبیا، بیا بیا بیا.

بیا که جهان از فراق تو به سوی کژی شتابان و در سیاهی جهل غوطه می‌خورد و جز رایت هدایت گستر تو، او را به راه راست رهنمونی نیست. طلوع کن ای پرتو روح‌بخش حیات و این کالبد بی جان را جانی نو بخش؛ آری «بِهِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ همانا به دست تو گیتی سراسر آکنده از عدل و داد خواهد شد، آن‌گونه که از ستم و نادرستی پر شده است.

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت و اینک؛ مشتاقان تو، صدایت می‌زنند، چنان تشنه‌ای، در بیابان تفتیده، که:

«هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى»

آیا راهی هست که به جناب تو برسم، و به دیدار تو نایل شوم، ای فرزند رسول خدا؟! و هر گوشه‌ای را برای رسیدن به نشانه‌ای جستجو می‌کنند و وصال محبوب خویش را به «انتظار» می‌نشینند.

«انتظار»؛ عبادتی که از تمام عبادات برتر است، و معنایی به وسعت تاریخ بشر دارد، زیرا خدا از تمام انبیا از آدم تا خاتم، درباره «مهدی» میثاق گرفته و آنان که بر این پیمان

فتنه‌های آخرالزمان می‌توانیم برای گرفتار نشدن و یا برون‌رفت از این فتنه‌ها بهتر چاره‌اندیشی کنیم. البته همین احادیث که دلالت بر وقوع فتنه‌ها و بلاهای فراوانی در آخرالزمان دارد، گروهی را بر آن داشته که نسبت به ظهور منجی آخرالزمان خوش‌بین نباشند و ترس از کشتارها و حوادث ناگوار، انتظار موعود را در آنان کم‌رنگ نموده است؛ اما این توجیه نمی‌تواند دلیلی برای بی‌توجهی به ظهور منجی باشد، چون به یقین آخرالزمان آمدنی است و دنیا را از آن گریزی نیست و اگر انسان‌ها با توجه به روایات آخرالزمان زیرکانه رفتار کنند، قطعاً در بلاها و کشتارها و فتنه‌ها در امان خواهند بود. از طرفی برخی از دشمنان نیز با القاء این سخن که آمدن منجی با کشتارهای فراوانی همراه خواهد بود و او عده‌ی زیادی را خواهد کشت، سعی می‌کنند که اعتقاد مردم را به موعود آخرالزمان به یغما ببرند، در حالی که بشر در طول حیات خود بر روی این خاکدان همواره از سوی شیاطین جن و انس همواره رو به گمراهی بوده است و اکثر مردم به رهنمودهای پیامبران الهی و اوصیای ایشان گوش نمی‌دادند و ظهور منجی با پایان بخشیدن به تمام شیطنت‌ها، بساط گمراهی را برخواهد چید و کسانی که همواره ایمان خود را به ظهور منجی آخرالزمان از دست نداده‌اند، در آن دوران طلایی علاوه بر این که کشته نمی‌شوند بلکه زندگی در بهترین شرایط انسانی را شاهد خواهند بود. ائمه علیهم‌السلام در روایات به این مهم اشاره نموده‌اند و اصولاً بیان این گونه روایات برای شیعیان بدین منظور بوده است که مؤمنین با صبر و بردباری ایمان خود را حفظ نمایند و در فتنه‌ها بصیرت لازم را دارا باشند. ما می‌دانیم که ظهور منجی جزو وعده‌های الهی است، وعده‌ای که خداوند بدان تعهد نموده است و هرگز تخلف‌پذیر نیست. اما سایر نشانه‌هایی که پیش از ظهور پیش‌بینی شده است، محکوم مشیت الهی است که امکان بداء و تغییر در آن ممکن خواهد بود و حتی امکان برپایی ظهور بدون نشانه‌ها نیز وجود دارد.

ما بخش زیادی از تاریخ اسلام را در متون اهل سنت می‌یابیم زیرا با توجه به

جلوگیری شدید از نقل حدیث در صدهای اولیه اسلام و تقیه شدیدی که میان شیعیان و اهل بیت علیهم‌السلام حاکم بود و امحاء بسیاری از کتب شیعه در طول تاریخ توسط دشمنان، متون شیعی که حاوی اخبار آخرالزمان باشد کمتر در دسترس است و همین قلیل روایاتی که به دست ما رسیده است نیز اکثراً از سوی برخی افراد ناآگاه تکذیب می‌شود، چون با نامعقول دانستن بسیاری از حوادث پیش‌بینی شده، وقوع این اتفاقات را بعید می‌دانند. ولی به صرف استبعاد نمی‌توان احادیث را رد کرد زیرا برهه‌ی آخرالزمان، برهه‌ای خاص است و اتفاقات آن نیز خاص خواهد بود. همان گونه که در امت‌های پیشین پیامبران مردم را از عذاب‌های الهی بیم می‌دادند، اما آنان وعده و وعید الهی را به سخره می‌گرفتند و در نهایت به عقوبت الهی دچار می‌شدند. البته ممکن است که روایات آخرالزمان به روشی رمزگونه بیان شده باشد، زیرا در زمان صدور این احادیث سطح فکری مردم آنقدر نسبت به پدیده‌های نو امروزی گسترده نبوده که آشکارا وقایع آخرالزمان بیان شود، از آن روی حوادث عجیب آخرالزمان را به صورت استعاره و تشبیه بیان کرده‌اند. مثلاً درباره سلاح حضرت مهدی علیه‌السلام فرموده‌اند هزار کلمه بر آن است که از هر کلمه‌ای هزار کلمه استخراج می‌شود. در حدیث دیگری می‌فرماید سلاح یاران حضرت از آهن است، اما گویا از آهن نیست، اگر آن را بر کوهی بزنند، دو نیم خواهد شد. به وضوح می‌توان رمزگویی و استعاره از سلاح‌های امروزی را در این تعبیرات دید. در روایات از سوار شدن حضرت بر ابرها خبر داده شده است. او نیرویی خواهد داشت که بر شرق و غرب دنیا فایق می‌آید و کسی را یارای مقابله با حضرت نیست و سلاح دشمن بر آنان کارگر نخواهد بود. این نشان از برتری تجهیزات و پیش‌رفتگی تسلیحات حضرت دارد. ممکن است این عبارت کنایه از ادوات جنگی مدرن باشد و یا همان ادوات جنگی قدیم با نیرویی فوق‌العاده باشد، در حالی که تسلیحات جدید در آخرالزمان به علت‌های مختلف از قبیل فقدان سوخت و بمباران‌های بزرگ، ناکارآمد شده‌اند.

درباره وسایل ارتباطی میان حضرت و یاران خود نیز به همین صورت رمزگونه سخن گفته‌اند. آنان در هر مکانی همدیگر را دیده و با هم سخن می‌گویند، به اندک زمانی مسافت‌های طولانی را طی می‌کنند، هر اطلاعاتی را که لازم داشته باشند در کف دست آنان ثبت می‌شود. این عبارات را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد، یکی روشی معجزه‌گونه و اسرار آمیز و دیگری وسایل فوق پیشرفته ارتباطی و هواپیماهای بسیار سریع. بنابراین ما با مطالعه این احادیث نباید آن‌ها را رد کنیم زیرا اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند که هر گاه حدیثی را نفهمیدید و قبول محتوای آن برای شما دشوار آمد، آن را انکار نکنید بلکه علم آن را به ما بسپارید چون اهل بیت علیهم‌السلام معدن علوم الهی‌اند. امید آن‌که خوانندگان با مطالعه این کتاب بهره‌مند شده و ما را از دعای خیر خود فراموش نکنند.

و من الله توفیق

عباس حیدرزاده

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۳۲ هـ ق



آتش

یکی از نشانه‌های ظهور امام عصر ارواحنفاذیه پیدایش آتش در مناطق مختلف زمین می‌باشد، آتشی که گاه ویران کننده و گاه ترس برانگیز توصیف شده است. ما واقعاً نمی‌دانیم که منظور از این آتش چیست. آیا واقعاً آتشی برپا خواهد شد، این آتش آیا زمینی خواهد بود، یا منشأی غیبی و آسمانی خواهد داشت. زیرا حوادث زمان ظهور اکثراً خلاف عادت بوده و حوادث آسمانی و غیر طبیعی در آن زمان فراوان خواهد بود؛ یا اینکه این تعبیر کنایه و اشاره به برپایی جنگ‌هاست. چرا که در جنگ‌ها خصوصاً جنگ‌های امروزی معمولاً حمله‌ها به وسیله ابزارهای آتشین صورت می‌گیرد و ویرانی و خرابی آن‌ها آتش برانگیز است که در تعبیر به «نائرة حرب» یعنی آتش جنگ تعبیر شده است. شاید هم به معنای نزاع و کشمکش باشد زیرا دعوا و زدو خورد را نیز با آتش توصیف می‌کنند. فرد پرخاشگر و جنگجو و پرهیجان را نیز به آتش تعبیر می‌کنند و امکان دارد خروج آتش از منطقه‌ای عبارت باشد از به پا خاستن مردی که جنگ افروز است و مدام در پی برافروختن آتش جنگ و خونریزی است.

روایت شده که آتشی در سرزمین یمن به پا خواهد شد که مردم را به سوی شام (سوریه) گسیل می‌دارد، هر روز که مردم صبح می‌کنند آن نیز صبح می‌کند و هرگاه که مردم استراحت می‌کنند، آن نیز به استراحت می‌پردازد و گاهی که مردم به حرکت افتند او نیز حرکت می‌کند. روشنی آن تا به حدی است که گردن شتران در بصری دیده

می‌شود.^۱ پس هرگاه که این خبر را شنیدید به سوی شام بروید.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: ساعت ظهور برپا نشود تا این که آتشی از سرزمین حجاز افروخته شود که گردن شتران بصری از روشنی آن آتش دیده شود.^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: آتشی در سرزمین عدن به پا خیزد که مردم آن را با بوزینه و خوک یک‌جا جمع کند، هر کجا ایشان بخوابند، آن نیز بخوابد و هر جا که ایشان استراحت کنند، او نیز استراحت کند و هر چه از آن‌ها جدا شود، او خواهد گرفت.^۴

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: آتشی در سرزمین عدن برافروخته شود که مردم و پرندگان و درندگان را به سوی بصری (در سوریه) روان می‌کند و چهل سال این آتش اقامت خواهد کرد.

(ممکن است بوزینه و خوک اشاره به صورت باطنی کفاری باشد که در قالب لشکرهایی به آن سرزمین حمله می‌کنند و در میان آنها رفت و آمد دارند، مثل عراق و افغانستان که لشکریان کفر در میان مردم آمد و شد دارند و در سرزمین آنان می‌خوابند و استراحت می‌کنند و علاوه بر آن آتش جنگ و ویرانی نیز به بار می‌آورند و بنا بر حدیث دوم می‌توان گفت که مردم و تمام حیوانات با هم به طرف سوریه به حرکت می‌افتند و از این روی با هم جمع می‌شوند. والله العالم)

در حدیثی دیگر آمده: آتش و دودی چهل شب در مشرق برافروخته خواهد شد.^۵

۱. بصری! شهری بزرگ در سوریه بوده و مرکزیت داشته است. معلوم نیست روشنی دادن این آتش به گردن شتران بصری، به چه معناست. شاید آن آتش که شخص معینی است، با ابزاری آن شتران را نشان می‌دهد و شاید ابزاری آسمانی و نیرویی ماورایی در کار باشد. (والله عالم)

۲. ملاحم: ص ۸۸.

۳. یأتی: ص ۱۲.

۴. ملاحم: ص ۸۹.

۵. همان.

در روایتی آمده است: هرگاه آتشی در آسمان از سوی مشرق به وجود آمد، غذای یک سال را برای خود آماده کن.^۱

(از این حدیث می‌توان این را استفاده کرد که این آتش از علامت‌هایی است که حدود یک سال تا قیام حضرت صاحب‌السلام فاصله دارد.)

امام صادق علیه السلام فرمود: بدون شک آذربایجان به آتشی دچار خواهد شد که هیچ چیزی را یارای مقابله با آن نیست، هرگاه که آن زمان را دریافتید، مانند گلیم خانه خویش باشید. (کنایه از خودداری و تقیه کردن است).^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه آتشی سرخ یا زرد رنگ را از سوی مشرق مشاهده کردید که سه یا هفت روز طول بکشد، پس توقع داشته باشید که فرج آل محمد علیهم السلام (و ظهور حضرت مهدی علیه السلام) به وقوع بپیوندد...^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آینده آتشی از بیابان برهوت برافروخته خواهد شد که اکنون خاموش است، مردم را در خود فروگیرد و عذابی دردناک در آن خواهد بود. جان و مال مردم را بخورد (و از بین ببرد) و دنیا را در هشت روز دور می‌زند، مانند ابر و باد پرواز می‌کند. حرارت او در شب بیشتر از حرارتش در روز است، در میان آسمان و زمین همچون رعد غرش مهیب دارد، و از عرش بر سر خلائق نزدیک‌تر است. پرسیدند یا رسول الله آیا مردان و زنان مؤمن در آن روزگار سالم خواهند بود؟ حضرت فرمود: در آن روز زن و مردان با ایمان کجا خواهند بود؟! آنان از بهایم شرورتر هستند، مانند چهارپایان در ملأ عام اعمال زشت و بی‌عفتی انجام می‌دهند و کسی نیست که آنان را بازدارد.^۴

۱. ملاحم: ص ۱۶۰.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۹۴.

۳. یاتی: ص ۱۲.

۴. کنز العمال ج ۱۴، یاتی ص ۱۳.

این حدیث اشاره‌ی واضحی به هواپیماهای جنگی امروزی و هلیکوپترهای جنگی دارد و گروهی را اعتقاد بر این است که این حدیث یقیناً توضیحی است که رسول خدا ﷺ با علم الهی خود در بیش از هزار سال پیش برای ابزارهای جنگی امروزی بیان داشته‌اند. معجزه‌ی دیگر در این حدیث خبر دادن از غوغای فساد در دنیای امروز است. به وضوح می‌بینیم که چگونه دنیای مجازی اینترنت و وسایل الکترونیکی و دنیای واقعی مدعیان تمدن! چگونه از فساد به تباهی کشیده شده است به حدی که حتی خود آنها دیگر پی به بیهودگی این راه برده‌اند، اما نمی‌توانند از آن دست بردارند، زیرا حق را شناخته‌اند تا از باطل به آن پناه ببرند، یا اگر شناخته‌اند، در آنها قابلیت برای پذیرش آن نیست و روز به روز در این منجلاب بیشتر فرو می‌روند.

رسول خدا ﷺ فرمود: در ماه رمضان مردم صدایی را می‌شنوند و در ماه شوال مردان جنگی به صدا در می‌آیند، و در ماه ذی‌قعدة با هم جنگ کنند و در ماه ذی‌حجة آتشی بدون دود حاجیان را فراگیرد و در محرم نداکننده‌ای صدا بزند: آگاه باشید که بهترین خلق خدا فلان شخص است (یعنی حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد) است پس سخن او را بشنوید و امرش را اطاعت کنید.^۱

ممکن است صدایی در رمضان، تعبیر از صحبت یا گفتگو یا بیانیه‌ای باشد که برانگیزاننده‌ی اختلاف و منشأ جنگ باشد و پس از آن لشکر آرای و جنگ باشد و شاید صدایی غیبی و آسمانی باشد. والله العالم

امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام مردم برای انجام کارهای زشت و گناهایی که مرتکب شده‌اند با آتشی مجازات خواهند شد، آتشی که در آسمان ظاهر شده و تمام آسمان را می‌پوشاند و نیز خسفی^۲ در بغداد روی خواهد داد، همچنین

۱. کنز العمال؛ ج ۱۴ ص ۲۷۴.

۲. خسف: فرورفتن در زمین را می‌گویند.

خسفی که در بصره واقع خواهد شد که خون‌های زیادی در آن ریخته می‌شود و خانه‌های بسیاری ویران می‌شود و ساکنین آن از بین می‌روند و اهل عراق را ترسی در برگیرد که آرامش و قرار آنان را بستاند.^۱

آخرالزمان

آخرالزمان در لغت به معنای پایان یک دوره‌ی زمانی است و در اصطلاح به معنای زمانی است که دنیا به آخرین دوره‌ی خود برسد و آخرین منجی الهی ظهور کند. این معنا در نزد مسلمانان به خصوص شیعیان شامل زمانی است که مهدی موعود علیه السلام ظهور نموده و قیام جهانی خود را بر پا نماید، جهان را از لوث ناپاکی‌ها و ظلم‌رها کند و عدالت را در سرتاسر گیتی برقرار نماید. اعتقاد به آخرالزمان و ظهور یک منجی، اختصاصی به مسلمانان ندارد بلکه در تمام ادیان الهی و مکاتب مختلف آسمانی اعتقاد به چنین شخصی و پیدایش آخرالزمان وجود دارد. آخرالزمان دورانی است که پس از پایان یافتن آن قیامت برپا خواهد شد. درباره این که دقیقاً آخرالزمان از چه دورانی شروع می‌شود و منجی بشریت کیست، میان ادیان و مکاتب اختلاف است.^۲

در اسلام و به ویژه مذهب تشیع، آخرالزمان به دوران بعد از بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله اطلاق می‌شود و آخرین منجی نیز امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. در مذهب تشیع هیچ گاه زمین خالی از امام و حجت معصوم نبوده و نیست، بنابراین منجی آخرالزمان همواره وجود دارد، اما زمانی ظهور خواهد کرد که موعود ظهور فرا برسد. با توجه به این مطلب در اسلام، آخرالزمان را به دو بخش اصلی می‌توان تقسیم کرد، یکی دوران پیش از قیام منجی و دیگری دوران پس از قیام. در روایات و احادیث و آیات قرآن برای این دو دوره ویژگی‌های فراوانی یاد شده است. بر

۱. ارشاد شیخ مفید: ص ۳۶۱.

۲. ر.ک: موعود و منجی آخرالزمان.

این اساس در دوره‌ی پیش از قیام آخرالزمان و در دوران قریب به ظهور، ما شاهد ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های فراوانی هستیم، شیطان و طاغوت‌ها در پهنه‌ی زمین جولان می‌دهند و فساد و تباهی بیداد می‌کند و... و نشانه‌های پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام از یک منظر به دو بخش تقسیم می‌شود، برخی نشانه‌های عمومی است که بسیار زیاد هستند، برخی نشانه‌های خصوصی است که به نشانه‌های حتمی از آن یاد شده است.

اما در دوره‌ی پس از قیام که خود به دو بخش عمده تقسیم می‌شود، دنیا رو به اصلاح پیش خواهد رفت و چهره‌ی او کاملاً تغییر می‌کند. دوره‌ی اول، پس از قیام آخرالزمان، وقوع جنگ‌ها و کشتارهای فراوانی را در بر خواهد داشت و به مرور جهان از وجود ظالمان پاک خواهد شد. در دوره‌ی دوم پس از قیام آخرالزمان، دورانی را شاهد هستیم که همه چیز سر جای خود قرار گرفته است و هیچ ناعدالتی در سرتاسر دنیا یافت نمی‌شود. دوران آخرالزمان را نباید با دوره‌های دیگر مقایسه کرد، زیرا این دوران عصاره‌ی تمام ادوار گذشته‌ی تاریخ است، و هنگامی است که هدف اصلی از خلقت دنیا در آن محقق خواهد شد. حوادث عجیب و شگفت در این دوران بسیار رخ خواهد داد. حوادث آن دوره برخی چنان عجیب است که گاهی بسیار غریب و معجزه گونه به نظر می‌رسد.

البته برخی از علما حوادث و اتفاقات غریب آخرالزمان را به واقعیت‌های امروزی تفسیر می‌کنند و برخی نیز آن حوادث را به همان‌گونه پذیرفته‌اند و معتقدند که آن دوران ویژگی‌هایی خاص دارد و حوادث آن نسبت به دوران حاضر غیرطبیعی خواهد بود.

آخرالزمان پیش از ظهور

درباره حوادث، مفاسد و نشانه‌هایی که پیش از ظهور، و حوادث آستانه‌ی ظهور که در جامعه جهانی واقع می‌شود، روایات زیادی در کتاب‌های شیعه و اهل سنت آمده است که جمع آوری این روایات نیاز به کتابی مستقل و مفصل دارد. در این بخش ما به

طور خلاصه و فهرست این نشانه‌ها را جمع نموده‌ایم و احادیثی را نیز در این باره ذکر می‌نماییم. در ابتدا ویژگی‌های این دوره‌ی خاص و سپس برخی نشانه‌های قریب به ظهور را بیان می‌کنیم.

زلزله‌های شدید رخ خواهد داد؛ کشتارهایی بی نظیر و بی سابقه به وقوع می‌پیوندد؛ گیاهان از زمین رویش نمی‌کنند؛ از آسمان باران می‌بارد اما گیاهی سبز نمی‌شود (زیرا باران رحمت نیست بلکه باران عذاب است، چیزی که ما در دنیای امروز شاهد آن هستیم)؛ بادهایی سخت وزیدن خواهد گرفت؛ گروهی مسخ شده و گروهی به زمین فروخواهند رفت و گروهی سنگباران می‌شوند؛ یمانی، سید حسنی، خراسانی، شعیب بن صالح، سفیانی و دجال قیام می‌کنند؛ خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی‌های غیر معمول رخ خواهد داد؛ خورشید از سوی مغرب طلوع خواهد کرد؛ از آسمان صدایی شنیده خواهد شد؛ نفس زکیه به شهادت خواهد رسید؛ برخی از مردگان زنده می‌شوند؛ سر مردی از فرزندان رسول خدا ﷺ را در میان رکن و مقام در مسجد الحرام خواهند برید؛ دیوار مسجد کوفه ویران خواهد شد؛ گروهی با پرچم‌های سیاه از سوی شرق و خراسان قیام می‌کنند؛ در مشرق زمین ستونی از آتش به مدت هفت روز برافروخته شود؛ آتش در مکان‌های مختلفی از زمین برپا شود؛ میان سه گروه به سرکردگی اَصْهَب و اَبْقَع و سفیانی در شام جنگی سخت در خواهد گرفت؛ سپاهیان اَبْقَع و اَصْهَب به دست سفیانی تار و مار می‌شوند؛ دوازده نفر که به دروغ ادعای امامت می‌کنند ظاهر خواهند شد؛ شصت نفر ادعای پیامبری خواهند کرد؛ آسمان به رنگ سرخ در خواهد آمد؛ کسانی که هیچ سنخیتی با حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه ندارند و اصلاً اعتقادی به او ندارند برای آن حضرت کوشش می‌کنند و مردم را به سوی او دعوت می‌نمایند؛ مردم با فتنه‌ها و آزمایش‌های مختلف امتحان می‌شوند و خوب از بد جدا خواهد شد، و بسیاری از مردم در امتحانات آخرالزمان سربلند نخواهند شد؛ بصره ویران می‌شود؛ بنی‌العباس به

جان هم می‌افتند؛ مسجد دمشق خراب می‌شود؛ لشکر سفیانی به قرقیسا و کوفه هجوم می‌برند و در آن‌جا به کشتاری وسیع دست خواهند زد؛ در سرزمین «بیداء» (میان مکه و مدینه) لشکری بزرگ از سفیانی به زمین فرو خواهد رفت؛ عقل‌های مردم در آن روزگار مخفی می‌شود و از کار می‌افتد؛ دودی بی‌نظیر عالم را فراگیرد؛ حضرت عیسی علیه السلام همراه گروهی از مردان پاک و ملائکه از آسمان نازل خواهند شد؛ دابة الارض به دنیا رجعت خواهد کرد؛ یاجوج و ماجوج خروج می‌کنند؛ از زمان طلوع خورشید تا دو سوم از روز کسوف روی می‌دهد؛ ماه بیست و سه ساعت در خسوف خواهد ماند؛ رود نیل خشک شود؛ علم رخت بریندد و جهل روی آورد و گسترش یابد؛ علما و فقیهان حقیقی نایاب شوند؛ افراد شرور از ترس شرارتشان مورد احترام قرار خواهند گرفت؛ مردم به پیشینیان خود ناسزا می‌گویند؛ مردها و زن‌های آزاد به خاطر مشکلات، خود را بنده و غلام مشرکین می‌گردانند و به استخدام آنان درمی‌آیند و از این کار هیچ عار و ننگشان نمی‌آید؛ یأس بر مردم چیره می‌شود و راه نجاتی برای خود نمی‌یابند؛ بدگمانی در میان مردم می‌افتند؛ مردی صاحب جاه از طرفداران بنی‌العباس را در خانقین می‌سوزانند؛ مردم گروه گروه از دین خارج می‌شوند؛ دو سوم مردم دنیا کشته خواهند شد؛ ستاره‌ی دنباله دار ظاهر خواهد شد؛ کشتاری در منی در ذی‌قعدة‌ی آخرین سال غیبت واقع شود که افراد بسیاری در آن کشته شوند، و خون همه‌ی صحرای منی را فرا گیرد؛ مردم در آن زمان دچار هوس‌رانی خواهند شد؛ کسانی که پول و ثروت دارند مورد احترام خواهند بود؛ مردم دائماً در اختلاف هستند؛ در امانت‌ها خیانت می‌کنند؛ به عهد خود وفا نمی‌کنند؛ زن‌های آخرالزمان بدنشان پوشیده است اما گویا برهنه هستند؛ روز به روز سختی فزونی می‌یابد؛ افراد بخیل در میان مردم زیاد شوند؛ مردمی شرور دنیا را فراخواهند گرفت؛ چنان سختی بالا گیرد که مردم تمنای مرگ کنند؛ قرائت

کنندگان قرآن و حدیث فراوان باشند، اما کمتر کسی در آن‌ها به ژرف اندیشی می‌پردازد؛ خواندن قرآن فقط زبانی باشد و بس؛ علم از میان رخت می‌بندد، هرج و مرج و آشوب فراوان خواهد بود؛ پادشاهانی ظالم بر امت رسول الله ﷺ حاکم خواهند شد؛ مؤمنین در روی زمین پناهی نداشته باشند و زمین با همه‌ی بزرگی، بر ایشان تنگ باشد؛ ذلت بر مردم مستولی می‌شود؛ دروغگو را تکریم و تصدیق می‌کنند؛ شخص راستگو مورد اتهام و تکذیب قرار می‌گیرد؛ افرادی خیانت پیشه امین مردم می‌شوند؛ مردم امانت‌دار مورد بی‌توجهی و خیانت قرار می‌گیرند؛ افراد پست و نالایق برای عموم مردم تصمیم می‌گیرند؛ فرزندان مایه‌ی اندوه پدر و مادر هستند، و اهل و عیال گرفتاری به حساب می‌آید، فرزندان به خاطر بی‌توجهی پدر و مادرشان به تباهی کشیده می‌شوند؛ مردم از علمای خود پیروی نمی‌کنند و از افراد درستکار حیا ننموده و علناً مرتکب گناه می‌شوند؛ عالمان حقیقی از ترس، علم خود را مخفی می‌کنند؛ مردم نسبت به کسب دانش‌های الهی چنان سستی به خرج می‌دهند که رفته رفته علوم الهی از میان خواهد رفت؛ ظلم و جور تمام زمین را فرا خواهد گرفت؛ پادشاهانی کافر در امت رسول الله ﷺ به حکومت خواهند رسید؛ تجارت زیاد خواهد بود، اما سودی از تجارت نمی‌برند؛ ریا و ریاکاری فراوان باشد؛ زنا و هم‌جنس‌گرایی فراوان شود؛ منکر معروف شمرده شود، و معروف منکر به حساب آید؛ امر به معروف و نهی از منکر فراموش شود، بلکه دقیقاً بر عکس شود، یعنی به منکر امر می‌کنند و از معروف نهی می‌نمایند؛ قرائت کنندگان قرآن فاسق شوند و به سوی پادشاهان ظالم گرایش پیدا کنند؛ حفظ ایمان در آن روزگار از نگاه داشتن آتش گداخته در کف دست سخت‌تر خواهد بود؛ مؤمنین حقیقی منفور جامعه قرار خواهند گرفت؛ علما فراوان هستند، اما کسی به علم عمل نمی‌کند؛ دین وسیله‌ای برای رسیدن به دنیا خواهد بود؛ گرگ‌ها لباس گوسفند می‌پوشند (یعنی افراد دیو سیرت، ظاهری بسیار نیک خواهند داشت)؛ به دروغ گواهی دهند و بدون جهت سوگند

یاد کنند؛ عبادت کنندگانی می‌آیند که از دانایی بی‌بهره‌اند؛ پادشاهان بر مردم ستم روا دارند؛ حاکمانی از میان کودکان انتخاب خواهد شد؛ فروشندگان کم‌فروشی کنند؛ به بزرگان خود احترام نمی‌گذارند، و به فرزندان کوچک خود رحم نمی‌کنند؛ فرزندان نامشروع بسیار شود؛ در میان راه و در ملاء عام اعمال بی‌عفتی انجام می‌دهند؛ روزها و ساعت‌ها به سرعت می‌گذرد به گونه‌ای که یک سال مانند یک ماه، و یک ماه چون یک هفته، و هفته برابر یک روز، و یک روز به اندازه‌ی سوختن قطعه‌ای هیزم طول می‌کشد؛ ربا خواری فراوان شود و مردم آشکارا ربا می‌گیرند و حیا نمی‌کنند؛ افراد ثروتمند بخیل می‌شوند؛ علما دوست‌دار دنیا خواهند شد؛ به دروغ اظهار فقر می‌کنند؛ پیرمردهایی بدکار می‌آیند (یعنی مرگ خود را نزدیک می‌بینند اما توبه نمی‌کنند و از کردار زشت خود دست برنمی‌دارند)؛ زکات نمی‌دهند و دادن زکات را ضرر می‌دانند؛ سرای فانی دنیا را ارج می‌نهند و جهان ابدی آخرت را فرومی‌نهند؛ به راحتی و بسیار دروغ می‌گویند؛ غیبت کردن شیرینی محافل آنان خواهد بود؛ اگر مال حرامی به دست آورند، آن را تصرف کرده و حق خود می‌دانند؛ دین فقط زبانی خواهد بود و دل‌هایشان از ایمان تهی است؛ آشکارا شراب می‌نوشند؛ به پدر و مادر خود احترام نمی‌گذارند، و به آنان توهین می‌کنند و دشنام می‌دهند؛ به همسایه احترام نمی‌گذارند؛ صله‌ی ارحام به جای نمی‌آورند، و قطع رحم می‌نمایند؛ کودکان پرخاشگر و بی‌حیا زیاد خواهد شد؛ ساختمان‌های بلند خواهند ساخت؛ به زیردستان و خدمت‌گذاران خود ستم می‌کنند؛ به لهو و لعب می‌پردازند؛ قضاوت‌های نادرست و ظالمانه می‌کنند؛ حسادت رواج می‌یابد؛ وفا داری کم خواهد بود؛ مردها خود را شبیه به زن‌ها کنند، و زن‌ها خود را مانند مردها می‌آرایند؛ مردم متکبرانه رفتار خواهند کرد؛ گناهان را کوچک می‌شمارند؛ برای لهو و لعب و غنا، مال‌های فراوان خرج می‌کنند؛ زهد و پارسایی رخت برمی‌بندد؛ طمع روز افزون گردد؛ منافق‌ها و چاپلوس‌ها عزیز داشته شوند؛ مساجد آن‌ها آباد و پر جمعیت

است، ولی دل‌هایشان از ایمان خالی می‌باشد، و با هم همدل و یک‌رنگ نیستند، و باطناً از همدیگر دور هستند؛ قرآن حقیقی نزد آنان بی اهمیت خواهد شد؛ در ظاهر چون آدمیان هستند ولی در باطن مانند شیاطین می‌باشند؛ در شیرین‌زبانی مانند عسل هستند، ولی دل‌هایشان مانند زهر تلخ می‌باشند و باطنی چون مردار خواهند داشت؛ مال و ثروت خدای آن‌ها می‌باشد؛ آرزوهای دور و دراز خواهند داشت؛ عمرهایشان کوتاه خواهد بود؛ به نماز بی‌توجه هستند و نماز را سبک می‌شمارند؛ زن‌ها حاکم و پادشاه شوند؛ به عنوان شوخی و تفریح دروغ می‌گویند؛ مردم از دادن خمس امتناع می‌کنند؛ آنقدر طمع‌کار شوند که زن و مرد با هم به تجارت و پول درآوردن بپردازند؛ در کارهای خداوند اعتراض می‌کنند؛ پادشاهان کسانی را که به آنان اعتراض کنند به قتل می‌رسانند؛ حق کسانی را که اعتراض نکنند غصب می‌کنند و حرمت آن‌ها را پایمال می‌کنند؛ ترس جوامع را فرامی‌گیرد؛ ناسزاگویی فراوان شود؛ زن‌ها بر زین سوار شوند؛ مساجدی آزین بسته چون معابد یهود و نصاری می‌سازند؛ مناره‌هایی بلند بر مساجد بنا می‌کنند؛ صف‌های نماز تنگاتنگ و پر جمعیت است اما دل‌هایشان از بغض و کینه آکنده است؛ مردها انگشتر طلا به دست می‌کنند و لباس فاخر از حریر و دیبا به تن می‌کنند؛ رشوه دهی و رشوه خواری فراوان شود؛ طلاق بسیار می‌شود؛ حدود الهی اجرا نمی‌شود؛ زنان آوازه خوان بسیار می‌شوند و آلات لهو و لعب فراگیر می‌شود؛ حج وسیله‌ای برای تفریح و جهانگردی ثروتمندان، تجارت قشر متوسط و ریاکاری فقیران خواهد بود؛ قرآن را با آلات لهو و موسیقی می‌خوانند؛ به لباس و مال دنیا به همدیگر فخر فروشی می‌کنند؛ باران‌های بی‌موقع خواهد بارید؛ ثروتمندان وقتی فقیری را می‌بینند به ترس می‌افتند که مبادا به او پول بدهند و فقیر هر چه سعی می‌کند، چیزی دستگیر او نمی‌شود؛ حق پنهان‌ترین چیزها، و باطل آشکارترین چیزها در آن زمان خواهد بود؛ بسیار به خدا و پیامبر ﷺ دروغ نسبت می‌دهند؛ اگر کتاب خدا به حقیقت خوانده شود، اصلاً بدان

توجه نمی‌شود، ولی اگر به غیر حقیقت و اصل آن تلاوت شود مورد استقبال قرار گرفته و ترویج می‌شود؛ گناهان بزرگ قبیح شمرده نمی‌شود؛ از اسلام نزد آنان جز اسمی باقی نمی‌ماند، و از قرآن جز نوشته‌ای بر جای نمی‌ماند؛ آمال و آرزو در میان آنان بسیار شود تا جایی که آن‌ها را هلاک کند؛ مساجد آن‌ها مرکز گمراهی خواهد شد، و در آن از هدایت خبری نیست؛ بدعت گذاری رواج یابد؛ نادانی خود را از علم برتر می‌دانند، و به دنبال کسب علم نمی‌روند؛ فقیه‌هایی در آخرالزمان بیایند که شرورترین افراد روی زمین خواهند بود، زیرا آن‌ها خود معدن فتنه‌اند و هر فتنه‌ای زیر سر آن‌هاست؛ پادشاهان با ستم و کشتار مردم به سلطنت می‌رسند؛ ثروتمندان با بخل و غصب اموال مردم به توانگری دست می‌یابند؛ کسی مورد محبت قرار می‌گیرد که به دین خود پایبند نباشد، و هوای نفس را پیروی کند؛ کسانی که به ایمان خود عمل می‌کنند به کم خردی متهم می‌شوند؛ کسی که به انصاف رفتار کند ضعیف شمرده می‌شود؛ عبادت برای مردم خسته کننده خواهد بود؛ برای دیدار همدیگر بر هم منت می‌گذارند؛ اغینا از گفتن اذان شرم می‌کنند؛ امر به معروف و نهی از منکر را فقط زمانی انجام می‌دهند که ضرری به آن‌ها نرسد؛ مساجد برای خوردن غذا قرار داده می‌شود؛ جوانان به نواختن موسیقی و نوشیدن شراب روی می‌آوردند؛ در تجارت و کسب و کارشان دروغ می‌گویند و در معامله غش می‌نمایند؛ سلاطین شرور به وجود خواهند آمد؛ مذہب‌های مختلف پدیدار شود؛ شبانه روز نماز می‌خوانند ولی مقبول واقع نشود زیرا در حال نماز در فکر حیل و ستم بر مسلمانان هستند؛ به خاطر کینه همدیگر را می‌کشند؛ مردم کم طاقت می‌شوند و سست می‌گردند؛ کشت و زراعت‌ها با آفت از بین می‌رود؛ اعمال وحشیانه انجام می‌دهند؛ فقها به میل و دلخواه خود فتوا می‌دهند؛ قاضی‌ها نادانسته حکم صادر می‌کنند؛ سخن‌چین بزرگ داشته می‌شود؛ مرغ‌های چاق می‌خورند؛ پدرها فرزندان خود را از کارهای نادرست باز نمی‌دارند؛ زنی که اعمال ناشایست انجام می‌دهد، از طرف شوهرش مورد

..... فرهنگ‌نامه آخرالزمان

اعتراض قرار نمی‌گیرد، زنی از راه نامشروع درآمد کسب می‌کند، و شوهر او نیز آن درآمد را خرج می‌کند و اهمیت نمی‌دهد که همسر او چه کارهای ناشایستی مرتکب می‌شود؛ فرزندان رسول خدا ﷺ و سادات مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند؛ رزق حلال بسیار نایاب شود؛ فقرا آخرت خود را به دنیا بفروشند؛ آوارگی و بی‌خانمانی زیاد می‌شود؛ شهرها ویران می‌شود؛ پرده‌ی حیا دریده می‌شود؛ دعای افراد خوب نیز به اجابت نمی‌رسد؛ شکم پرست می‌شوند و زن‌های آنان مانند قبله نصب‌العین آن‌ها خواهد بود؛ اموال آن‌ها دین‌شان می‌شود و شرف و حیثیت خود را به خاطر مال دنیا به باد می‌دهند؛ قحطی بر آنان مسلط می‌شود؛ زمستان‌هایی گرم خواهد آمد؛ در مساجد یکسره از دنیا و مال دنیا سخن می‌گویند؛ مردم از عالمان حقیقی و درستکار، مانند گوسفندهایی که از گرگ می‌گریزند، فراری هستند؛ فقط در ماه رمضان قدری به عبادت رو می‌آورند و در بقیه‌ی سال ایمان را فراموش می‌کنند؛ رخسار آن‌ها خندان و شاد است، ولی دل‌هایشان گرفته و تاریک است؛ علمایی خواهند آمد که به عرفان و فلسفه‌های نادرست و غیر اسلامی گرایش پیدا می‌کنند؛ افراد دانا فریفته‌ی پست و مقام خواهند شد؛ با دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام دوست و رفیق خواهند بود؛ مال یتیمان را به ناحق تصرف می‌کنند؛ روسپی‌گری نوعی شغل محسوب خواهد شد؛ رشوه را به عنوان هدیه می‌ستانند، و حلال می‌دانند؛ اول ماه و روز عید فطر به سختی مشخص می‌شود؛ مرگ‌هایی ناگهانی رخ خواهد داد، به گونه‌ای که مردی صبح سالم است، ولی شب می‌میرد و دفن می‌شود و شب سالم است و صبح مرده است؛ مردم برای کسب روزی، به ناچار مرتکب معصیت الهی می‌شوند؛ بازی با شطرنج فراوان می‌شود؛ مرد از طرف اطرافیان به طوری در تنگنا و توقعات بی‌جا قرار می‌گیرد که به گناه و هلاک دچار می‌شود؛ اگر دنیای آن مردم سالم بماند، از خرابی دین خودبیم ندارند؛ مردم خوب نیز در ظاهر باید لباس گرگ بر تن کنند، و اگر نه گرگ صفتان او رانابود می‌کنند؛ اسلام را

مانند پوستینی وارونه بر تن می‌کنند؛ دین مانند ظرفی است که واژگون شده باشد و از محتویات ظرف جز اندکی در ته آن باقی نمانده باشد؛ کسب یک درهم درآمد حلال از تحمل ضربت شمشیر سخت‌تر خواهد بود؛ فقرای آن زمان محکوم به مرگ هستند؛ مؤمنان انیسی نداشته باشند جز کتاب‌هایی که از پیشینیان برایشان به یادگار مانده است؛ تعداد زن‌ها در آن زمان چندین برابر مردها است، تا جایی که چهل زن تحت تکفل یک مرد قرار می‌گیرد؛ زن و مرد اعمال بی‌عفتی انجام می‌دهند و هر دو از کردار هم خبر دارند، اما یکدیگر را باز نمی‌دارند بلکه تشویق هم می‌کنند؛ زن‌ها فتوی صادر می‌کنند؛ حیا از میان می‌رود و مردم چون چهارپایان در میان راه آمیزش می‌کنند؛ گروهی بی‌سر و پا و بیابانگرد به مقام می‌رسند و ساختمان‌هایی آسمان خراش ساخته و بدان‌ها به هم فخر فروشی می‌کنند؛ مؤمنان از مشکلات و گرسنگی و فشارها و کشتارها دل‌مرده می‌شوند؛ مردی از حبشه به نام «ذوالسویقتین» کعبه را ویران خواهد کرد؛ دل‌های مردم سخت و بی‌رحم خواهد شد؛ قرآن را از روی هوی و هوس تأویل می‌کنند؛ برای کسانی که کار ناشایست انجام می‌دهند عذر تراشی می‌کنند و کار بد او را توجیه می‌کند؛ مؤمنین ساکت خواهند بود و اگر هم حرف راستی بزنند حرف آن‌ها رد می‌شود، اما فاسق‌ها دائماً دروغ می‌گویند ولی کسی حرف دروغ آن‌ها را رد نمی‌کند؛ اگر به کسی نسبت کاری زشت را بدهند ناراحت نمی‌شود و علاوه بر آن خنده هم می‌نماید و اعتراضی هم نمی‌کند؛ همسایه آزاری شایع خواهد بود؛ کفار شاد خواهند بود و مؤمنین گرفتار و ناراحت؛ کسی که امر به معروف می‌کند خوار شمرده می‌شود؛ اگر کسی بخواهد خیری برساند، با مشکل روبروست و اگر کسی بخواهد شری برساند، شرایط برای او فراهم خواهد بود؛ خانه خدا رها می‌شود و مردم به ترک خانه خدا تشویق می‌شوند؛ مردم سخنانی را که خود عمل نمی‌کنند به این و آن دستور می‌دهند؛ زن‌ها و مردهایی خواهند آمد که با اعمال بی‌عفتی امرار معاش می‌کنند؛ زنان مردهای خود را به سوی کارهای

ناشایست سوق می‌دهند؛ حلال را حرام، و حرام را حلال میکنند؛ با نظر شخصی خود دین را تفسیر می‌کنند؛ مؤمن قدرت نهی از منکر ندارد و فقط می‌تواند در قلبش از کارهای منکر بیزاری بجوید؛ در اموری که باعث خشم خدا می‌شود مال‌های بسیار خرج می‌کنند؛ تنها با گمان به جرم، افراد کشته می‌شوند؛ آشکارا قمار بازی می‌کنند؛ به راحتی به اهل بیت علیهم‌السلام جسارت می‌کنند و مورد احترام هم قرار می‌گیرند؛ محبت اهل بیت علیهم‌السلام باعث منفور شدن شخص در اجتماع می‌شود و گواهی چنین شخصی را قبول نمی‌کنند، و او را دروغ‌گو می‌پندارند؛ مردم بدزبانی می‌کنند تا دیگران از او حساب ببرند و بترسند؛ قلب‌ها مانند سنگ می‌شود و چشم‌هایشان (از ترس خدا) اشکی نمی‌ریزد، و ذکر و دعا و خواندن قرآن برای آن‌ها بسیار سخت و گران است؛ در حرم امن الهی و مسجد رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کارهای ناشایستی انجام می‌دهند و کسی آنان را نهی از منکر نمی‌کند؛ در مکه و مدینه (دو شهر مقدس مسلمانان) لهو و لعب آشکارا نواخته شود؛ در کارهای ناروا از همدیگر تقلید می‌کنند؛ اگر به محتاجی کمک کنند او را استهزا نموده و ریاکارانه کمکش می‌کند؛ از بلاهای آسمانی که نازل می‌شود باکی ندارند؛ پدر و مادرها در نظر فرزندان افرادی حقیر و ذلیل هستند، و به مردن آن‌ها خوشحال می‌شوند؛ پادشاهان اموال عمومی و ارزاق مردم را احتکار می‌کنند و خمس و زکات را تصرف نموده و در راه حرام مصرف می‌کنند؛ برای خواندن نماز و گفتن اذان اجرت طلب می‌کنند؛ پادشاهان اموال را به دست افرادی خاص می‌دهند و با گرفتن درصد به آنان اختیار تام می‌دهند؛ مردم فقط دنبال سیر کردن شکم و ارضای شهوت خود هستند و اصلاً در فکر این نیستند که چه می‌خورند و با چه کسی آمیزش می‌کنند؛ مردم بدون اینکه شراب نوشیده باشند، مانند مست‌ها خواهند بود زیرا مال و نعمت بسیار دارند (و از پول زیاد مست گشته‌اند)؛ در فاصله‌ی یک شب یا یک روز فرد دین خود را از دست می‌دهد؛ امت رسول خدا به جان هم می‌افتند و همدیگر را می‌کشند، تا جایی که برادری،

برادر دیگر را می‌کشد؛ بیشتر مردم گمان می‌کنند که بر حق هستند در حالی که بر حق نیستند، چنان ساختمان‌های بلند می‌سازند که مساجد در میان آن‌ها مخفی می‌شود؛ آبادی‌ها به ویرانه تبدیل می‌شود؛ ویرانه‌ها آباد می‌شود؛ حاضر هستند پول داده و ذلت را بخرند، ولی به جنگ با کفار و مشرکین نروند؛ میان نمازگذاران در مساجد، هیچ کسی دیگری را به عدالت قبول ندارد که به امامت جماعت بایستد؛ مردم تمام خطاها و گناهان پیشینیان و امت‌های گذشته را تکرار کنند؛ دخترهای فامیل را رها می‌کنند و با دختران غریبه و دور دست ازدواج می‌کنند؛ مسلمانان به روم حمله می‌کنند و آنجا را فتح می‌کنند و گنج‌های آنجا را تصرف نموده و در آن سرزمین صدا به اذان بلند می‌کنند؛ میان مسلمانان و بنی‌قنطورا جنگ رخ می‌دهد؛ عمرها کوتاه می‌شود و زمان سریع می‌گذرد؛ روزگار مردم را به سرعت پیر می‌کند؛ مردم فقط به کسانی که آشنا هستند سلام می‌کنند، و به سایر مسلمانان سلام نمی‌کنند...^۱

در روایات، نشانه‌های حتمی ظهور را پنج نشانه یاد کرده‌اند، البته با جمع بندی روایات شش مورد خواهد شد و آن‌ها قیام سفیانی در ماه رجب، فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء، کشته شدن نفس زکیه، صدایی آسمانی که در ماه رمضان شنیده می‌شود و نام حضرت و نام پدرشان را می‌گوید، قیام یمانی، نمایان شدن یک

۱. ملاحم: ۴۶، ۹۴، ۱۳۱-۱۳۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۲۱۰ و یأتی: ص ۲۷۰، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۲، ۳۱۵، ۴۵۹، ۴۶۵، ۵۱۲، ۵۱۹ و روضه کافی: ج ۲۵، ۷ و نواب الدهور: ج ۲ ص ۴۷ و ج ۳ ص ۳۰ و کمال الدین: ج ۲ ص ۵۲۵، ۵۲۶، ۶۱۴، ۶۱۵ و غیبت نعمانی: ۱۵۹، ۲۴۸، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۸ و تهذیب: ج ۲ ص ۲۸۳ و ارشاد مفید: ص ۳۵۶ و جامع الاخبار: ص ۱۲۹، ۱۳۰ و تحف العقول: ص ۳۷ و کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۴-۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۶-۲۲۸، ۲۳۰-۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۶۰، ۵۹۱، ۶۰۳ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۶۳ و ج ۱۸ ص ۱۴۶-۱۴۷ و ج ۶ ص ۳۰۶، ۳۰۷ و ج ۹۶ ص ۳۰۳ و کافی: ج ۲ ص ۹۱، ۱۱۷، ۲۹۶ و ج ۱ ص ۵۲ و الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۸۳، ۱۴۸ و نهج البلاغه: خطبه ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۸۷، ۲۳۳. رک: آتش، آزمایش مردم قبل از ظهور، اسلام، اصب، یاد، بنی قنطورا، بیداء، خراسانی، خسف، خورشید، دابة الارض، دجال، زن، سفیانی، سلام، سید حسنی، شعیب بن صالح، صدا، عدالت و عدالت گستری، فتنه، فرزند، قذف، کشتار، مرگ، مسخ، نفس زکیه، یاجوج و ماجوج، یمانی.

کف دست در آسمان می‌باشد.^۱ البته در برخی روایات از ظهور حضرت نیز یاد شده است، اما ظهور حضرت نمی‌تواند علامتی حتمی برای ظهور باشد و منظور از ذکر کردن ظهور در میان نشانه‌های حتمی ظهور، این است که ظهور به یقین واقع خواهد شد.

شخصی از امام هادی علیه السلام سؤال کرد: آیا ممکن است در وقوع نشانه‌های حتمی ظهور «بدهاء»^۲ ایجاد شود؟ حضرت فرمودند: بلی. آن شخص دوباره پرسید: آیا در ظهور حضرت قائم علیه السلام نیز ممکن است بدهاء ایجاد شود؟ حضرت فرمودند: خیر، زیرا خداوند ظهور حضرت قائم علیه السلام را به بندگان وعده داده است و خداوند هیچ‌گاه خلاف وعده‌ی خود عمل نمی‌کند **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾**.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: قیام سفیانی، کشته شدن نفس زکیه، فرورفتن یاران سفیانی در سرزمین بیداء، صدایی آسمانی که نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش را صدا می‌زند، نمایان شدن کف دستی در آسمان، این پنج نشانه از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و ظهور حضرت جزو وعده‌های الهی است که حتماً رخ خواهد داد.^۴ با توجه به این حدیث و امکان وقوع بدهاء حتی در نشانه‌های حتمی، درمی‌یابیم که ظهور حضرت را نباید منحصر در نشانه‌ها دانست و نباید به جای انتظار ظهور حضرت، منتظر نشانه‌ها باشیم. بلکه انتظار ظهور حضرت بستگی به هیچ کدام از نشانه‌ها ندارد و خود حقیقتی مستقل است که قطعاً واقع می‌شود، یعنی ممکن است که در نشانه‌ها تقدیم و تأخیر ایجاد شود و حتی ظهور حضرت بدون هیچ کدام از نشانه‌ها واقع شود. این به

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۸۹، ۳۰۳، ۳۰۰ و کمال الدین: ص ۶۰۸، ۶۱۰ و غیبت طوسی: ص ۲۶۷، ۲۷۴ و اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۳۵ و یاتی: ص ۲۵۷.

۲. بدهاء یعنی تغییر مشیت الهی نسبت به واقع شدن یک حادثه. البته با توجه به حتمی بودن این نشانه‌ها و امکان بدهاء در آن، می‌توان این گونه گفت که بدهاء و تغییر، در زمان آن ایجاد می‌شود نه در اصل وقوع آن نشانه‌ها. والله العالم (ر.ک: بدهاء).

۳. آل عمران / ۹.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

معنی دروغ بودن احادیث نیست بلکه با امکان وقوع بدا ممکن است مشیتی که از جانب خداوند مقدر شده، تغییر کند و این احادیث قبل از تغییر مشیت الهی صادر شده‌اند. در احادیث مختلفی ما به دعا برای تعجیل ظهور حضرت امر شده‌ایم، به این معناکه خداوند در اراده‌ی خود تجدید نظر نموده، و ظهور آن جناب را زودتر محقق نماید؛ در بعضی روایات وعده داده‌اند که اگر بسیار دعا کنید به یقین ظهور به تأخیر نمی‌افتد.^۱

عبدالله بن مسعود روایت می‌کند: در زمان ما کسانی که ندای حق را بلند می‌کنند و برای اقامه‌ی حق به پا می‌خیزد بهتر از کسانی هستند که سکوت نموده و خلوت گزیده‌اند، اما در آخرالزمان (گفتن حق چنان سخت خواهد بود) که افراد ساکت و آرام بهتر خواهند بود...^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان اوضاعی پیش خواهد آمد که مرد یا باید تن به عجز و ناتوانی دهد، یا این‌که گناه مرتکب شود. اگر در آن زمان قرار گرفتید، ناتوانی را بپذیرید و از گناه دوری کنید.^۳

در روایتی دیگر حضرت فرمود: در آخرالزمان مردم گروه گروه در مساجد جمع می‌شوند، اما یک مؤمن در میان آن‌ها نیست.^۴

در روایتی دیگر نقل شده است: امروز مردم دوست دارند که اهل و عیال فراوان و فرزندان بسیار داشته باشند، اما در آخرالزمان مردم به کسی که فرزند و اهل و عیال کمتری داشته باشد غبطه می‌خورند (و فرزند مایه‌ی گرفتاری مردم خواهد بود).^۵

رسول خدا ﷺ فرمود: امروز اگر کسی یک دهم از دستورات الهی را ترک کند،

۱. رک: بداء.

۲. یأتی: ص ۲۶۸.

۳. همان.

۴. همان: ص ۲۶۹.

۵. رک: اسلام.

گمراه محسوب می‌شود و جزو هلاک شدگان خواهد بود، اما در آخرالزمان (چنان اوضاع سخت شود و عمل به دستورات الهی با دشواری روبرو می‌شود که) اگر کسی موفق شود یک دهم از ایمان خود را هم حفظ کند، اهل نجات است (و بالاخره آن یک دهم ایمان دست او را خواهد گرفت).^۱

در دوره آخرالزمان اوضاع برای اهل ایمان بسیار سخت خواهد بود، به گونه‌ای که اگر کسی بخواهد ایمان خود را حفظ نماید مانند کسی است که آتش گداخته را در کف دست نگاه داشته است، و از آن نیز سخت‌تر خواهد بود و اگر کسی با ایمان از دنیا برود، فرشتگان آسمان شگفت‌زده خواهند شد. کسانی که به حقیقت در آن روزگار اهل ایمان باشند در میان مردم ذلیل هستند و ارزشی نخواهند داشت و کسی به آنان توجه نخواهد کرد. مؤمنین مجبورند برای حفظ ایمان خود پیاپی از جایی به جای دیگر هجرت کنند و ناشناخته باقی بمانند.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید که امروز شما مانند گیاهی بی خار هستید، اما پس از صد و چهل سال مانند گیاهی خاردار خواهید بود و این وضعیت تا دو بیست سال پس از این ادامه خواهد داشت. پس از آن دیگر زمانه گویا گیاهی است که فقط خار است...^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان مردم برای کسب معاش ناچار به انجام گناه و معصیت می‌شوند، و اعتماد از میان مردم برداشته می‌شود، اگر آن زمان را دریافتید به کتاب الهی قرآن و سنت پیامبر پناه ببرید و بدان عمل نمایید.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: در آخرالزمان نایاب‌ترین چیزها کسب حلال و برادری است که با انسان همراهی و همدلی کند.^۵

۱. کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۴.

۲. یأتی: ص ۲۶۸.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۶۳.

۴. کنز العمال ج ۱ ص ۱۹۸.

۵. یأتی ص ۲۹۳.

رسول خدا ﷺ به ابوذر غفاری فرمود: در آخرالزمان گروهی خواهد آمد که در همه‌ی اوقات سال پشمینه می‌پوشند و گمان آن‌ها این است که از سایر مردم برترند. آنان مورد نفرین ملائکه هستند. (یعنی صوفی‌هایی که با عقاید باطل و بدعت‌های گوناگون روشی را غیر از شریعت مقدس اسلام اتخاذ می‌کنند و آن را به عنوان سیر و سلوک، عرفان می‌نامند.)

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: دروغ می‌گویند کسانی که معتقدند ظهور حضرت مهدی علیه السلام بدون کشتار و خون‌ریزی خواهد بود، سوگند به آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست! اگر کارها بدون زحمت و دشواری درست می‌شد، همانا برای رسول خدا ﷺ درست می‌شد و دندان‌های پیشین ایشان نمی‌شکست و صورت مبارکش مجروح نمی‌شد. هرگز در زمان قیام حضرت قائم علیه السلام، امور درست نمی‌شود مگر زمانی که (از شدت جنگ) عرق و خون لخته را از پیشانی خود پاک کنید.^۱

در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: گشایش و فرج شیعیان زمانی خواهد بود که... هر کسی که قدرت دارد به قدرت نمایی بپردازد، سفیانی و یمانی و سید حسنی قیام می‌کنند و صاحب الامر علیه السلام از مدینه به سوی مکه می‌رود و میراث رسول خدا ﷺ را با خود می‌برد. این میراث عبارتند از شمشیر، زره، عمامه، عبا، چوب دستی، پرچم، سلاح و زین رسول خدا ﷺ. در مکه آن شمشیر را از نیام می‌کشد و زره را بر تن می‌کند و پرچم را برافراشته می‌کند و عبا و عمامه‌ی رسول خدا ﷺ را پوشیده، و چوب دستی ایشان را به دست می‌گیرد و به درگاه خداوند دعا می‌کند که فرج و ظهورش را برساند. سید حسینی از این قیام با خبر می‌شد و در مکه قیام می‌کند. اما اهالی مکه او را می‌کشند و سرش را از تن جدا کرده و برای سفیانی می‌فرستند. در آن هنگام حضرت قائم علیه السلام دیگر ظهور نموده و مردم با او بیعت می‌کنند. سفیانی لشکری

را به سوی مدینه می‌فرستد، اما لشکر او در بیابانی نزدیک مدینه به امر خداوند به زمین فرو می‌روند. سپس تمام سادات از مدینه به سوی مکه می‌روند و به لشکر حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند و حضرت از مدینه به سوی عراق رهسپار می‌شود و لشکر را مهیا نموده و به مدینه می‌فرستد تا امنیت را در آنجا برقرار کند.^۱

در روایتی نقل شده: صد سال پیش از ظهور زمانی خواهد بود که دیگر کسی در آن سال‌ها خداوند را به راستی عبادت نخواهد کرد. «لااله الاالله» تعطیل خواهد شد و نام خدا را کسی نخواهد برد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود در آخرالزمان سه چیز بسیار نایاب می‌شود؛ درآمد حلال، علم خوب و نافع، برادران ایمانی.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیش از ظهور در آخرالزمان علمایی خواهند آمد که به پادشاهان گرایش پیدا می‌کنند و به سلاطین متکی هستند، هر چه از آنان بخواهند، انجام می‌دهند و هر حرام و حلالی را دستور دهند جا به جا می‌کنند و اصلاً آن‌ها دنبال کسب علم می‌روند تا به دنیا برسند، و قرآن برای آنان وسیله‌ای برای تجارت و درآمدزایی است.^۴

در روایات آخرالزمان از وقوع حوادث عجیب و غریب در ماه‌های آخرین سال غیبت خبر داده شده است. این حوادث را می‌توان به ترتیب چنین گفت: در ماه صفر یا ربیع‌الاول و یا ربیع‌الثانی ستاره‌ای دنباله دار طلوع خواهد کرد و در آسمان سرخی‌ای ظاهر می‌شود، و ندایی آسمانی شنیده خواهد شد؛ در ماه جمادی‌الثانی و رجب صدایی از آسمان شنیده می‌شود، مردم صورتی را در میان آسمان، در وسط خورشید مشاهده خواهند کرد، گروهی از مرده‌گان زنده شده و به دنیا رجعت خواهند نمود، بارانی بسیار

۱. روضه کافی: ح ۲۸۵.

۲. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۴۴ و یاتی: ص ۲۲۷.

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۴۹.

۴. همان: ص ۲۴۱.

شدید و بی‌نظیر خواهد بارید، خورشید در نیمه‌ی ماه رجب خواهد گرفت، و خراسانی و سفیانی و یمانی قیام خواهند کرد؛ در ماه شعبان جناح‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های حق و باطل مشخص می‌شود، گروهی به لشکریان باطل یعنی سفیانی و گروهی به لشکر خراسانی و یمانی که حق طلب هستند ملحق می‌شوند، و صف آراییی دو لشکر حق و باطل نظام خواهد گرفت؛ در ماه رمضان در روز جمعه، نیمه‌ی ماه، صیحه‌ای در آسمان شنیده می‌شود و مردم بسیاری کشته می‌شوند، اختلاف شدیدی میان مردم خواهد افتاد، خورشید گرفتگی و ماه‌گرفتگی‌های غیر طبیعی رخ خواهد داد، میان خراسانی و سفیانی جنگ رخ خواهد داد؛ در ماه شوال گروهی مردان جنگی در پی یارگیری و برپایی جنگ رفته و قبایل به جان هم می‌افتند، بازرسی در راه‌ها فراوان شده، و از مسافرت کردن جلوگیری خواهد شد، و بلا نازل می‌شود؛ در محرم نیز جنگ‌های خونینی از جمله در بین‌النهرین در عراق رخ خواهد داد و نداکننده‌ای از آسمان خبر ظهور حضرت را خواهد داد، حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا (بنا بر نقلی) ظهور خواهد نمود، سفیانی به مدینه یورش می‌برد و لشکر او در سرزمین بیداء به زمین فرو خواهد رفت و نابود خواهد شد.

شیخ طوسی در کتاب غیبت خود از فردی به نام عبدالله یاد می‌کند که آخرین پادشاه ممالک اسلامی خواهد بود. پس از او بر سر قدرت و پادشاهی نزع و کشمکش روی می‌دهد، به گونه‌ای که دیگر قبای سلطنت بر اندام کسی مستدام نخواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی به راستی خبر مرگ عبدالله را بیاورد، من نیز قیام حضرت قائم علیه السلام را وعده می‌دهم. هرگاه عبدالله بمیرد، دیگر مردم بر (پادشاهی) کسی متفق القول نخواهند شد و تنها کسی که انشاءالله پس از او به پادشاهی می‌رسد، صاحب الامر علیه السلام خواهد بود. در آن روز دیگر کسی حتی به مدت یک سال هم ردای سلطنت را به بر نمی‌کند، بلکه مدت پادشاهی کسانی که بر تخت می‌نشینند، ماهانه و روزانه

خواهد بود. سپس راوی از حضرت سؤال کرد: آیا پس از این (که عبدالله مرد، ظهور حضرت) طول خواهد کشید؟ حضرت پاسخ داد: هرگز!^۱

آخرالزمان پس از ظهور^۱

زمین پس از ظهور منجی آخرالزمان و برقراری عدالت و حقیقت در دنیا، به اوج شکوفایی خود خواهد رسید. نه تنها زمین، بلکه تمام کسانی که در آن زمان زندگی می‌کنند نیز به تکامل می‌رسند. زمین به گونه‌ای خواهد بود که رشک بهشت خواهد شد.

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان، زمانی که ظلم و ستم تمام جهان را فراگرفته، مردی از خاندان من به پا می‌خیزد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، ساکنان آسمان و زمین از او راضی خواهند شد. زمین هر دانه‌ی گیاهی را می‌رویاند و آسمان پی در پی باران رحمت فرو می‌فرستد... در آن زمان زمین آنقدر مورد رحمت و نعمت الهی قرار گرفته است که مردم آرزو می‌کنند مرده‌هایشان زنده شده و آن روزگار را می‌دیدند.^۲

امام حسین علیه السلام فرمود: در آخرالزمان فتنه‌ای همه جا را فراخواهد گرفت، سپس حضرت قائم علیه السلام ظهور خواهد کرد و تمام اختلافات برطرف خواهد شد.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیثی مفصل به جناب جابر جعفی فرمود:... در شام سه گروه به سرگردگی اَبَق و اَصْهَب و سفیانی با هم درگیر شوند و جنگ سختی نمایند، لشکر سفیانی با سپاه اَبَق جنگ می‌کند و آنان را شکست می‌دهد. سپس به جنگ لشکر اَصْهَب آمده و او را نیز از بین می‌برد. سپس شتابان به سوی عراق روانه می‌شود و در قرقیسا نبردی رخ می‌دهد که صد هزار نفر از ستمگران در آن کشته می‌شوند. سپس با هفتاد هزار لشکر به کوفه سرازیر می‌شود و در کوفه گروهی را می‌کشد و گروهی را به

۱. غیبت طوسی: ص ۲۱۷ و یاتی: ص ۴۴۱.

۲. رک: انتقام، برکت، جامه‌ی حضرت، جدید، حکومت حضرت، رجعت، عدل، قریش.

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۵.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۰۶.

دار می‌آویزد و گروهی را به اسارت می‌گیرد. سفیانی با لشکرش مشغول این جنایات هستند که ناگاه لشکر خراسانی وارد کوفه می‌شود. در لشکر خراسانی تعدادی از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام وجود دارند. برخی در کوفه دست به شورش می‌زنند، اما چون از قدرتی قابل ملاحظه برخوردار نیستند، به دست سفیانی گرفتار می‌شوند و در میان «حیره» و «کوفه» کشته می‌شوند. سفیانی برای جنگ با حضرت مهدی علیه السلام لشکری را به سوی مدینه می‌فرستد، حضرت مهدی علیه السلام که در مدینه به سر می‌برد، به سوی مکه کوچ می‌کند، شخصی به فرماندهی لشکر سفیانی گزارش می‌دهد که حضرت مهدی علیه السلام به سوی مکه رفته است. لشکر سفیانی نیز راه خود را کج کرده و به سوی مکه پیشروی می‌کنند، اما نمی‌توانند حضرت را بیابند و حضرت متفیانه و با احتیاط وارد مکه می‌شود. لشکر سفیانی در راه مکه به منطقه‌ی بیداء می‌رسد. در آنجا صدایی از آسمان شنیده می‌شود که به زمین دستور می‌دهد: لشکر را در خود فرو ببرد! ناگاه زمین دهان باز کرده و کل لشکر را یک جا در خود فرو می‌برد و از آنان فقط سه نفر باقی می‌ماند. سه مرد که خداوند صورتشان را به عقب برگردانده است. این تأویل آیه‌ی قرآن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتُّوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا»؛ (ای اهل کتاب، به اسلام که تورات و انجیل را تصدیق می‌کند، ایمان بیاورید، قبل از آن که بر صورت‌ها [ی شما] بزیم و آن را به پشت سر برگردانیم).^۱

در آن هنگام حضرت در مکه می‌باشد و تکیه به خانه‌ی کعبه داده و به حرم امن الهی پناهنده شده است، مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم و نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت می‌باشیم، هر کسی که درباره حضرت آدم، نوح، ابراهیم علیهم السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و تمام پیامبران سؤال دارد، من

بهترین شخصی هستم که می‌تواند جواب آن سؤال را بدهد. من نسلی باقی مانده از آدم هستم، فرزندی هستم که نوح برای این روز ذخیره نموده، و برترین کسی هستم که ابراهیم برگزید، من شخص انتخاب شده‌ی رسول خدا محمد ﷺ هستم، من آگاه‌ترین فرد به کتاب خدا و سنت رسول خدا هستم. شما را به خدا سوگند می‌دهم که به غایبان این خبر را برسانید، شما را به حقی که خدا و رسول او و اوصیای حضرت محمد ﷺ و ذوی القربی به گردن شما دارند، سوگند می‌دهم که مرا یاری نموده و با دشمنان من نبرد کنید. زیرا ما (به خاطر ستم مردم) از دیده‌ها غایب شدیم و به ما ظلم روا داشتند و ما را از شهر خود بیرون نموده و فرزندان ما را پراکنده کردند و حق ما را غصب نمودند و بر ما افترا بستند. زنه‌ها را که ما را سبک شمارید و به یاری ما بشتابید تا خدا شما را یاری کند.

آنگاه خداوند سیصد و سیزده نفر یاران او را جمع خواهد کرد، مانند پاره‌های ابری که در پاییز به هم متصل می‌شوند... و در میان رکن و مقام با حضرت بیعت می‌کنند. عهدنامه‌ی رسول خدا (که نشانه‌ی امامت اوست) همراه اوست. این عهدنامه پیمانی است که اوصیای الهی به همدیگر به ارث داده‌اند، زیرا حضرت قائم علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام است و کار او در یک شب اصلاح می‌شود و ظهور می‌کند. اگر (تشخیص اینکه او همان مهدی علیه السلام است) بر شما مشکل آمد، اما وارث بودن او از اوصیای قبل خود واضح می‌باشد، و اگر این هم برای شما واضح نبود، ندایی آسمانی خواهید شنید که اسم او و پدر و مادرش را صدا می‌زند، و این دیگر علامتی آشکار و انکار ناپذیر است.^۱

حضرت مهدی علیه السلام در حدیثی طولانی خود از حوادث زمان ظهور سخن می‌گوید و می‌فرماید: وقتی از سوی خدا اذن خروج یافتم، در میان صفا و مروه در میان سیصد و سیزده نفر ظهور خواهم کرد. به کوفه می‌روم و مسجد آن را خراب کرده و مانند روز

اول که بنا شده بود دوباره می‌سازم. ساختمان‌های افراد ستمگر که در حوالی مسجد کوفه بنا شده را ویران می‌کنم. سپس با مردم به حج می‌روم و پس از آن به مدینه می‌روم و حجره‌ی رسول خدا ﷺ را خراب می‌کنم، دو تن از منافقین صدر اسلام (جبت و طاغوت) را از قبر بیرون می‌آورم و در حالی که بدن‌شان تر و تازه است، آن‌ها را مقابل بقیع به دو چوبه دار می‌آویزم. آنگاه چوبه‌ی دار آن‌ها سبز می‌شود و برگ می‌رویاند و این امتحانی سخت برای مردم آن زمان خواهد بود. در آن هنگام ندایی از آسمان برمی‌خیزد که ای آسمان هلاک کن (کافران را) و ای زمین آنان را فرو ببر. پس از آن دیگر در روی زمین هیچ کافری باقی نمی‌ماند و تمام مردم مؤمن خواهند بود که دل‌هایی آکنده از ایمان خالص دارند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: ... در اوج یأس و ناامیدی و بدگمانی‌ها به ناگاه گشایش برای مردم رخ خواهد داد. مردی از بهترین افراد خاندان من و پاک‌ترین فرزندان من خواهد آمد، به همراه او عدالت و برکت و نیکی فراگیر می‌شود و حتی ذره‌ای ناعدالتی در او نخواهد بود. خداوند قرآن و اسلام و مسلمانان را به واسطه‌ی او عزیز می‌گرداند و مشرکین و بت‌پرستی را خوار می‌کند. او به شدت پرهیزکار و پارساست و از دنیا حتی ریگی را نیز برای خود اندوخته نمی‌کند. در حکومت او هیچ کس به ناحق تازیانه‌ای نمی‌خورد. خداوند به سبب او بدعت‌ها را از بین خواهد برد و تمام فتنه‌ها را خاموش خواهد کرد، دروازه‌ی حق به واسطه‌ی او باز و دروازه‌ی هر باطلی بسته خواهد شد. هر مسلمانی که اسیر شده به دست او آزاد خواهند شد... به درستی که اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌کند که تمام این وقایع در آن اتفاق بیفتند.^۲

۱. نواب‌الدهور: ج ۳ ص ۲۵۴

۲. ملاحم: ص ۱۲۲.

یکی دیگر از وقایع پس از ظهور، جنگ مسلمانان با یهود است، در آن جنگ، یهود تار و مار می‌شوند و فرار می‌کنند. زمانی که مسلمانان بر مخفی‌گاه یهودیان می‌گذرند، به اذن خداوند آن مخفی‌گاه به صدا درمی‌آید و به حضور آن یهودی در میان خود خبر می‌دهد تا او را دستگیر کنند و به قتل برسانند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: هنگام ظهور حیوانات با مردم سخن خواهند گفت، حتی تازیانه‌ای که مرد به دست دارد و بند کفش او نیز با وی سخن می‌گویند و خبرهای داخل خانه‌اش را گزارش می‌کنند.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردم مستغنی خواهند بود و فقری پیدا نخواهد شد، تا جایی که اگر کسی بخواهد صدقه بدهد، کسی را نمی‌یابد که احتیاج به صدقه داشته باشد و کسی صدقه از او قبول نمی‌کند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند، زمین چنان از نور الهی آن جناب نورانی شود که مردم دیگر احتیاجی به خورشید نداشته باشند و تاریکی‌ها برطرف شود و شب و روز یکسان و مساوی می‌شود. هر نفر در آن روزگار عمری هزار ساله خواهد داشت، و هزار پسر از خود خواهد داشت. لباس را که بر تن فرزند خود می‌کند همواره با بلند شدن قد آن بچه بلندتر می‌شود و احتیاجی به تعویض لباس نخواهد بود و به هر رنگی که دلخواه اوست در خواهد آمد. زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و آن گنج‌ها روی زمین قرار می‌گیرد. مردم به واسطه‌ی معرفت خدا غنی می‌شوند و فقیر یافت نمی‌شود و خداوند همه‌ی مردم را از فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌گرداند، تا جایی که اگر کسی بخواهد زکات بپردازد، فقری را نمی‌یابد که مستحق

۱. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۰۴.

۲. یاتی: ص ۳۲۵

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۰۴.

گرفتن زکات باشد. او در پشت شهر کوفه مسجدی بنا خواهد کرد که هزار درب داشته باشد و خانه‌های کوفه به شهر کربلا متصل می‌شود.^۱

در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید: ابتدا به سراغ قریش می‌رود و حق ستانی را از قبیله‌ی خود شروع می‌کند و این حق ستانی جز با شمشیر نخواهد بود، اگر حقی را بدهد، با شمشیر می‌دهد و اگر حقی را بستاند با شمشیر می‌گیرد. او در میان قریش چنان شمشیر می‌نهد که مردم دست به اعتراض می‌زنند و می‌گویند: اگر این شخص، فردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود رحم می‌کرد.^۲

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام به تمام شهرهایی که ذوالقرنین^۳ سفر کرده است، خواهد رفت و آن شهرها را اصلاح کرده و تمامی ستمکاران را به هلاکت می‌رساند و دل مؤمنان را (از این انتقام) شفا خواهد داد. او گنج‌های بیت المقدس را برداشته و به شهری می‌رود که هزار بازار دارد و در هر بازاری هزار باب مغازه وجود دارد و آن شهر را به تصرف خود در خواهد آورد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: در حضرت مهدی علیه السلام شباهت‌هایی به چهار پیامبر الهی خواهد بود. شباهت‌هایی به موسی، عیسی، یوسف علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله ... او زمانی که قیام نماید به شیوه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد. البته او احکام و شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله را توضیح می‌دهد و تأویل و تبیین می‌نماید. او هشت ماه شمشیر بر دوش می‌نهد و آنقدر (از دشمنان خدا) خواهد کشت که خداوند راضی گردد. از حضرت پرسیدند: چگونه متوجه خواهد شده که خداوند راضی گشته؟ حضرت فرمود: خداوند

۱. وافی: ج ۲ ص ۱۱۳ و غیبت طوسی: ص ۲۸۰ و دلائل الامامة: ص ۲۶۰.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۳۳. رک: قریش.

۳. رک: ذوالقرنین.

۴. یاتی: ص ۴۰۳.

شفقتی خاص در دل او قرار می‌دهد (و او از این نشانه خواهد فهمید که خداوند دیگر از انتقام راضی شده است)^۱

یکی از ویژگی‌های پس از ظهور حضرت، کامل شدن عقول مردم است. حضرت دست بر سر مؤمنین می‌نهد و عقل‌های آنان را کامل می‌گرداند.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یکی از ویژگی‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام این است که دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد. آن‌گاه مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه قلبش از پاره‌های آهن محکم‌تر خواهد بود و کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل بندگان زدوده می‌شود و بی‌نیازی و استغنا را خداوند در دل مردم قرار می‌دهد. در آن هنگام خداوند علم را در دل مؤمنان قرار می‌دهد، بنابراین کسی در آن روز به دانش دیگری محتاج نخواهد بود و این تاویل سخن خداست که می‌فرماید: «يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ»^۳ (خداوند هر کسی را از توانگری خود بی‌نیاز می‌گرداند).^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، شیعیان ما در چشم‌ها و گوش‌های خود چنان قدرتی به دست خواهند آورد که با حضرت مهدی علیه السلام سخن می‌گویند و ایشان را می‌بینند، در حالی که میان‌شان چهار فرسخ فاصله است. در روایت دیگری فرمود: زمان ظهور، مؤمنی که در شرق عالم است برادر خود را که در مغرب عالم است، می‌بیند و زمین زیر پای مؤمنین پیچیده می‌شود و با طی الارض رفت و آمد خواهند کرد.^۵

امام باقر علیه السلام در حدیثی به ابوبصیر فرمود: در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام خداوند

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۶۴.

۲. رک: عقل.

۳. نساء/ ۱۳۰.

۴. نجم الناقب، باب سوم، فصل دوم.

۵. رک: طی الارض. نجم الناقب: ص ۱۶۵.

به فلک دستور می‌دهد که آهسته حرکت کند، بنابراین روزها و سال‌ها طولانی خواهد شد. ابوبصیر گفت: مردم معتقدند که اگر گردش اجرام تغییر کند، افلاک به هم خواهند خورد. حضرت فرمود: این سخن زندیق‌ها و کفار است؛ اما مسلمانان چنین عقیده‌ای ندارند، زیرا خداوند ماه را برای رسول خدا ﷺ دونیم کرد و آفتاب را برای یوشع بن نون برگرداند و خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾^۱ (همانا روزی هست که در نزد پروردگار همانند هزار سال از سال‌های شماست!) و روز قیامت بسیار طولانی است و یک روز آن به اندازه‌ی هزار سال خواهد بود. در آن ایام روزها مانند ده روز، و ماه مانند ده ماه، و سال مانند ده سال می‌شود.^۲

در روایتی آمده است که ابری سفید همیشه بر سر آن جناب سایه می‌افکند و نداکننده‌ای از میان آن ابر صدا می‌زند: «این مهدی آل محمد ﷺ است که زمین را از عدل پر می‌کند، چنان که از ظلم پر شده است». این ندا را جن و انس در شرق و غرب عالم می‌شنوند.^۳

امام صادق علیه السلام در توصیف زمان پس از ظهور فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید، به همراه لشکر خود از مکه خارج می‌شود، منادی ایشان ندا می‌کند: هیچ کس آب و غذا و آذوقه همراه نیاورد. حضرت قائم علیه السلام سنگ حضرت موسی علیه السلام (همان سنگی که برای بنی اسرائیل از میان آن آب بیرون می‌آورد) برمی‌دارد و در هر مکانی که اتراق می‌کنند، از آن سنگ چشمه‌ای خواهد جوشید که هر گرسنه‌ای از آن بیاشامد سیر، و هر تشنه‌ای سیراب خواهد شد؛ و بدین منوال سیر خواهند نمود تا به شهر نجف برسند. حضرت مهدی علیه السلام به کوفه خواهد رفت و مسجد سهله را خانه

۱. حج/۴۷

۲. نجم‌الناقب؛ ص ۱۴۸.

۳. همان.

خود و مسجد کوفه را دارالحکومه و محل قضاوت خود قرار می‌دهد. او در قضاوت‌ها روشی را به کار می‌گیرد که حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهم‌السلام بدان روش قضاوت می‌نمودند. حضرت در محاکمه‌های خود از کسی گواهی نمی‌طلبد و با علم الهی خود از حقایق امور آگاه است و بدون شاهد حکم صادر خواهد نمود.^۱

پیش از ظهور زمانی است که مؤمنان در رنج و سختی به سر می‌برند. پایداری در دین از نگاه‌داشتن پاره‌ی آتش در کف دست سخت‌تر خواهد بود و دوران سلطه‌ی کفار و مغلوب بودن مؤمنان است. اما زمانی که حضرت قائم علیه‌السلام حکومت خود را برقرار نماید، هیچ کافری باقی نخواهد ماند و سرتاسر گیتی از ندای توحید پر خواهد شد. با کسانی که در ظاهر مسلمان هستند و شهادتین را بر زبان جاری می‌کنند، اما به اهل بیت علیهم‌السلام بدگویی می‌کنند، در آن روزگار مانند یهود و نصاری رفتار خواهد شد. آنان باید به حضرت ایمان بیاورند یا اینکه مانند یهود و نصاری جزیه بدهند.

امام صادق علیه‌السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابو محمد! در زمان حضرت قائم علیه‌السلام در دولت حقه‌ی ما، مخالفین و دشمنان ما هیچ بهره‌ای ندارند. اکنون کشتن آنها بر ما و شما حرام می‌باشد، اما در زمان ظهور، ریختن خون آنان حلال خواهد بود.^۲

حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه‌السلام قیام نماید، کسانی را که با اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی دارند و بدگویی ایشان می‌نمایند، به دین حق دعوت می‌نماید. اگر بپذیرند، نجات می‌یابند و اگر نه، یا سر از تن آنان جدا خواهد کرد و یا آنان را مانند کافران ذمی به دادن جزیه مجبور می‌کند و کیسه‌ای به گردن آنان می‌آویزد و از شهر بیرون می‌کند.^۳

۱. رک: قضاوت، مسجد سهله، مسجد کوفه. کافی: ج ۱ ص ۲۳۱.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۷.

۳. همان: ص ۳۷۲ و روضه کافی: ج ۲۲۸.

مرحوم علامه مجلسی در کتاب *مرآة العقول* می‌فرماید: این حکم مربوط به ابتدای قیام است، ولی زمانی که حکومت حضرت گسترش می‌یابد، دیگر حق حیات نخواهند داشت، یعنی یا باید ایمان بیاورند و یا کشته خواهند شد.

حضرت تمام سنت‌هایی که فراموش شده و از میان رفته است دوباره احیا خواهد نمود و هر تغییری که در دین ایجاد شده باشد دوباره به حالت اول بازخواهد گرداند. این اصلاحات اساسی از سوی حضرت تا جایی غیرمنتظره خواهد بود که مردم گمان می‌کنند دین و شریعت و کتابی جدید آمده است.^۱ اما حقیقت امر این است که تغییرها و تبدیل‌های بسیاری در دین ایجاد شده است، و زمانی که حضرت احکام را به صورت اصلی خود اجرا می‌نماید طبیعتاً عجیب خواهد بود. حضرت مساجد را خراب نموده و به همان روشی خواهد ساخت که در زمان رسول خدا ﷺ ساخته می‌شد.^۲

امام صادق علیه السلام درباره یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، هر شیعه‌ای صبح که از خواب برمی‌خیزد زیر سر خود نامه‌ای می‌یابد که در آن نوشته شده «طاعة معروفة». این واژه به معنای «پیروی شناخته شده» است.^۳ (این عبارت شاید به معنای پیامی است که به تمام شیعیان داده می‌شود، یعنی زمان اطاعت از امامی که بدان نوید داده شده‌اید و در انتظار آن به سر می‌بردید فرارسیده است)

یکی از ویژگی‌های زمان ظهور آن است که ملائکه و اجنّه‌ی مسلمان در میان مردم رفت و آمد خواهند داشت. آنان در حکومت حضرت به یاری مؤمنین می‌آیند، جبرئیل، میکائیل و فرشتگانی که در جنگ بدر به یاری پیامبر ﷺ آمدند در آن روزگار نیز نازل

۱. رک: جدید.

۲. رک: مساجد آخرالزمان.

۳. یاتی: ص ۵۳۰ و واف: ج ۲ ص ۱۱۲.

می‌شوند. در روایات از لشکرهایی از ملائکه و ترس یاد شده است که مسلمانان را در جنگ‌ها یاری می‌کنند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: ترس حضرت قائم علیه السلام و یارانش را یاری می‌کند (یعنی ترس در دل دشمنانش رخنه می‌کند) و در کارهایشان همیشه به پیروزی دست می‌یابند، زمین در زیر پای آنان پیچیده می‌شود و با طی الارض در زمین جابجا می‌شوند. او بر شرق تا غرب عالم پادشاهی خواهد نمود و تمام گنج‌های زمین برای آن حضرت آشکار خواهد شد. آن روز دین حضرت مهدی علیه السلام بر تمام دین‌ها فایق می‌آید، هر چند مشرکان این امر را خوش نداشته باشند. همچنین در روی زمین هیچ مکان ویرانی باقی نخواهد ماند مگر آنکه آباد می‌شود و حضرت مسیح عیسی بن مریم علیه السلام بر زمین نازل می‌شود، و به حضرت در نماز اقتدا می‌نماید... حضرت قائم علیه السلام پس از ظهور به مسجد الحرام رفته و تکیه به دیوار کعبه می‌دهد و سیصد و سیزده تن یاران خاص او به گرد او حلقه می‌زنند و با وی بیعت می‌نمایند. حضرت در ابتدا این آیه را می‌خواند: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲ (جانشین الهی [بر روی زمین] برای شما سودمندتر خواهد بود، البته اگر ایمان داشته باشید) سپس می‌فرماید: من «بقیة الله» هستم و حجت و خلیفه‌ی پروردگار در میان شما هستم. از آن پس مردم فقط به ایشان این گونه سلام خواهند نمود: «السلام علیک یا بقیة الله». حضرت قائم علیه السلام زمانی که ده هزار نفر به یاری او بیایند قیام خود را آغاز خواهد نمود. پس از آن تمام خدایان دروغین از بین خواهند رفت و به آتش می‌سوزند و فقط خدای یگانه پرستیده خواهد شد.^۳

در روایتی دیگر حضرت فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، در هر

۱. رک: ترس، ملائکه.

۲. هود/۸۶.

۳. یاتی: ص ۵۲۰.

منطقه شخصی را می‌گمارد و به او می‌فرماید: کارهایی که باید انجام دهی در کف دست تو نوشته خواهد شد، اگر بامشکلی روبرو شدی که وظیفه‌ی خود را در آن نمی‌دانستی، به کف دست خود نظر کن و هر چه در آن می‌یابی رفتار کن.^۱

برخی این حدیث را به معنی وسایل ارتباطی امروزی معنی می‌کنند و به وسایلی چون بی‌سیم و موبایل تفسیر می‌کنند. هرچند این گونه تفاسیر نمی‌تواند غیر معقول و غیر شرعی باشد، اما امکان بروز پدیده‌ای معجزه‌آسا و خارق‌العاده نیز دور از ذهن نیست، زیرا حوادث زمان ظهور پر از رخدادهایی ماورایی و غیر منتظره است.

ابی‌الجارود از امام باقر علیه‌السلام پرسید: چه زمانی حضرت قائم علیه‌السلام قیام خواهد نمود؟ حضرت فرمود: آن زمان را درک نخواهی کرد، قائم آل محمد علیهم‌السلام هنگامی برای اجرای حقایق ظهور خواهد کرد که شیعیان ناامید شده‌اند. او سه روز مردم را دعوت خواهد کرد ولی کسی به دعوتش پاسخ نمی‌دهد. در روز چهارم او پرده‌ی خانه‌ی کعبه را در دست می‌گیرد و به درگاه خداوند عرضه می‌کند: «خدایا مرا یاری برسان» دعای او مستجاب می‌شود و فرشتگانی که در جنگ بدر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را یاری رساندند فرود می‌آیند و با او بیعت می‌کنند. آن فرشتگان هنوز سلاح‌های جنگی خود را از خود جدا نکرده‌اند. پس از بیعت ملائکه، سیصد و سیزده تن از مردم با حضرت بیعت می‌نمایند. آنگاه حضرت به سوی مدینه رهسپار می‌شود و مردم نیز همراه وی به راه می‌افتند. او هزار و پانصد نفر از قریشی‌ها که همه فرزندان نامشروع هستند را به هلاکت می‌رساند. سپس به مسجد النبی رفته و دیوار مسجد را از بنیان خراب می‌نماید. «ازرق» و «زریق» (جبت و طاغوت که دو تن از منافقان صدر اسلام هستند) را از قبر بیرون می‌کند. برخی از مردم به خاطر این کار به شک و تردید دچار می‌شوند (وبه آن حضرت کافر می‌شوند) و حضرت آنان را به درک واصل می‌کند. سپس باقی‌مانده‌ی هیزم‌هایی که

مردم پس از رسول خدا ﷺ جمع نموده و می‌خواستند با آن خانه‌ی فاطمه‌زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را بسوزانند، حاضر می‌نماید و ازرق و زریق را با آن هیزم‌ها می‌سوزاند. آن هیزم‌ها اکنون نزد ما به امانت قرار دارد. حضرت قصر (دارالاماره‌ی) مدینه را ویران می‌کند و سپس به سوی کوفه حرکت می‌کند. در کوفه شانزده هزار نفر زیدی مذهب هستند. آنان مردانی دین شناسند که تا دندان مسلح‌اند و قرآن می‌خوانند و از شدت عبادت پیشانی آنان پینه بسته است، اما نفاق تمام‌شان را فرو گرفته است. آن‌ها به حضرت می‌گویند: ای فرزند فاطمه! برگرد، ما به شما نیازی نداریم. حضرت در پشت شهر نجف، در روز دوشنبه، هنگام عصر با آنان درگیر می‌شود و همه را در یک نیم‌روز از دم شمشیر می‌گذراند و جملگی چون شتران قربانی کشته می‌شوند و حتی یک نفر از اصحاب حضرت هم آسیبی نمی‌بیند. سپس به کوفه برمی‌گردد و با گروهی از مردان جنگی نبرد میکند و آنان را شکست داده و می‌کشد، تا اینکه خداوند از او راضی گردد. ابوجارود پرسید: از کجا می‌فهمد که خدا راضی شده است؟ حضرت فرمود: ای اباجارود! خداوند (درقرآن می‌فرماید) به مادر موسی وحی نمودیم و به زنبور عسل نیز وحی می‌نماییم،^۱ حضرت مهدی علیه السلام از مادر موسی و زنبور عسل بهتر است! (یعنی خداوند به حضرت مانند مادر موسی وحی می‌فرستد و رضایت خود را به ایشان می‌رساند). سپس حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام سیصد و نه سال مانند اصحاب کهف در زمین باقی می‌ماند و خداوند شرق و غرب عالم را برای او مهیا می‌سازد و تمام کفار کشته خواهند شد، تا جایی که جز اسلام محمد صلی الله علیه و آله بر روی زمین دینی برقرار نخواهد ماند. او

۱. قصص/۷: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (ما به مادر موسی وحی نمودیم که به او شیر بدهد و هر گاه بر او ترسیدی، او را در دریا بینداز و نترس و محزون مباش، به درستی که ما او را به تو بازخواهیم گرداند و او را از پیامبران قرار خواهیم داد). نحل/۶۸: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»؛ (و پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که در میان کوه‌ها و درختان و بناهای بلند لانه سازی نماید)

همانند سلیمان نبی علیه السلام رفتار می‌کند، به خورشید و ماه هر دستوری بدهد اطاعت می‌کنند، زمین در زیر پای او می‌پیچد و دستورات الهی را خداوند به قلب حضرت فرو می‌فرستد و ایشان نیز همان‌گونه عمل می‌نمایند.^۱

جناب مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در زمان ظهور، مؤمنان به پرندگان آسمانی دستور می‌دهند و پرنده‌ها فرود می‌آیند و مؤمنان آن پرنده‌ها را ذبح نموده و گوشت آن را کباب می‌کنند و می‌خورند، اما استخوان‌های آن پرنده را نمی‌شکنند. سپس به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «به اذن الهی زنده شو!» آن پرنده دوباره زنده می‌شود و به پرواز درمی‌آید. مؤمنان همین کار را با شکارهایی چون آهو نیز انجام می‌دهند. شهرها همه نورانی است و احتیاجی به خورشید و ماه نمی‌باشد. هر حیوان گزنده و اذیت‌کننده‌ای، بی‌آزار خواهد شد و قدرت شیطان از بین رفته است و وسوسه و حسد و فساد از میان خواهد رفت. درختان خاردار دیگر خار نخواهند داشت و زمین یکسره سبزه‌زار است و هرچه که برچینند، به جای آن دوباره رویده شود... کفار به هر جایی که پناه ببرند، آن مکان به سخن آمده و وی را معرفی می‌کند تا کشته شود. ملائکه در میان مردم رفت و آمد می‌کنند و بر مؤمنان از سوی خدا پیام می‌رسد و مردم کسانی را که دوست دارند به اذن الهی دوباره زنده می‌کنند و با هم زندگی می‌کنند.^۲

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: به خدا سوگند ای مفضل! گویا می‌بینم که حضرت مهدی علیه السلام به مکه آمده است، او عبای رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر دوش دارد و عمامه‌ی زرد رنگ پیامبر را بر سر بسته است، کفش‌های حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پای کرده است و عصای آن حضرت را در دست گرفته است. چند رأس بز لاغر اندام پیشاپیش او می‌روند و تا نزدیکی خانه‌ی خدا پیش می‌رود و هیچ کس هم او را نمی‌شناسد. او به صورت جوانی ظاهر می‌شود و به تنهایی به سوی کعبه خواهد رفت و داخل کعبه می‌شود. او

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۶۵ و غیبت نعمانی: ص ۳۱۹.

۲. یأتی: ص ۵۴۴ و دلایل الامامة: ص ۲۴۱.

همچنان در تنهایی خواهد بود، تا نیمه‌های شب فرارسد. سپس جبرئیل و میکائیل علیهم‌السلام و گروه گروه فرشتگان به سوی حضرت می‌آیند. جبرئیل علیه‌السلام به حضرت عرض می‌کند: سرور من! فرمان ده که دستور تو حق است و اطاعت می‌کنیم. سپس حضرت دست به صورت مبارک خود کشیده و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^۱ (حمد خدایی را سزااست که وعده‌ی خود را برای ما به انجام رسانید و ما را وارثان زمین قرار داد و بهشت را در اختیار ما قرار داد که هر جای آن بخواهیم به گردش درآییم، پس چه نیکوست پاداش نیکوکاران!) سپس حضرت در میان رکن و مقام می‌ایستد و با صدای بلند می‌فرماید: «ای گروه نقبای من، و ای کسانی که از خواص پیروان من هستید، و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور شما را برای من ذخیره نموده است تا به یاری من آید، پس با رضایت خاطر و اشتیاق به سوی من بیایید» آنگاه صدای حضرت به تک تک آنان می‌رسد، در حالی که برخی در محراب عبادتند و برخی در رختخواب خود می‌باشند. آنان در یک چشم به هم زدن از شرق و غرب عالم نزد حضرت حاضر می‌شوند، آنان سیصد و سیزده نفرند که در صبح همگی در رکاب حضرت خواهند بود. آن‌گاه خداوند نوری را به صورت ستوناز زمین تا آسمان می‌تاباند و تمام ساکنین زمین از آن نور منور شوند و در هر خانه‌ای خواهد تابید و دل مؤمنین از این نور شاد می‌شود، در حالی که هنوز از قیام حضرت آگاهی ندارند. مفضل پرسید: سرور من! آیا حضرت قائم علیه‌السلام در مکه باقی خواهد ماند؟ حضرت فرمود: خیر، بلکه مردی از اهل بیت خود را نایب قرار داده، بر مردم مکه حاکم می‌کند و از مکه خارج می‌شود. اما زمانی که حضرت از شهر بیرون می‌رود، اهل مکه شورش نموده و حاکم خود را می‌کشند. حضرت قائم علیه‌السلام به سوی مکه باز می‌گردد و مردم به عنوان عذر خواهی نزد او آمده و شروع به گریه و زاری می‌کنند و از محضر ایشان طلب توبه می‌کنند. آن‌گاه

حضرت بدان‌ها پند می‌دهد و آنان را زنهار می‌دهد که دیگر چنین عملی را مرتکب نشوند و شخصی را از میان خودشان منصوب نموده و حاکم مکه می‌نماید. هنگامی که حضرت از مکه خارج می‌شود، باز هم مردم مکه دست به آشوب زده و آن خلیفه را نیز می‌کشند. آن‌گاه حضرت نقباء خود را به همراه گروهی از اجنه که او را یاری می‌کنند، پیش فرامی‌خواند و بدان‌ها می‌گوید: من جلوه‌ی رحمت الهی هستم که بر همه چیز گسترده است، من نمی‌توانم به انتقام از آنان برخیزم، شما بروید و احدی از آنان را باقی نگذارید و همه‌ی آنان را به جز مؤمنین به قتل برسانید، زیرا آنان بهانه‌ای برای خود در نزد پروردگار و من باقی نگذاشتند. آن‌گاه لشکر حضرت به سوی مکه می‌رود؛ سوگند به خدا! از هر صد نفر آنان یکی هم باقی نمی‌ماند، بلکه بالاتر، از هر هزار نفر هم یکی باقی نمی‌ماند.^۱ در روایتی آمده است که حضرت مهدی علیه السلام با لشکر خود به سوی سوریه رفته و آن‌جا را فتح می‌کند. او هر بنده و غلامی را از صاحبش می‌خرد و آزاد می‌نماید.^۲

آخرین حکومت دنیا

ر.ک: حکومت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور.

آدم

حضرت علی علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید پیراهن حضرت آدم علیه السلام بر تن او خواهد بود و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام را در دست دارد و عصای موسی علیه السلام را در اختیار خواهد داشت.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۶ و ۱۱۰.

۲. ملاحم: ص ۷۲.

۳. کافی: ج ۱ ص ۲۲۱.

آذربایجان

ر.ک: آتش

آرماگدون

کلمه آرماگدون «Armageddon» یا «هرمجدون» واژه‌ای است اصلاً یونانی که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آنجا رخ می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد. حادثه آرماگدون با حادثه عظیم ظهور مهدی آل محمد علیه السلام رابطه‌ای مستقیم دارد. این حادثه با توجه به شرایط سیاسی کنونی منطقه قابل اهمال نیست.

حادثه شریف ظهور، حادثه‌ای بزرگ است و قدرتهای بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می‌دهد جهت داده و نقشه‌های نظامی خود را به شکلی سامان داده‌اند که آمادگیهای لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه‌های این دولتها نیز، مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می‌سازند. این مؤسسات دینی به همراه رسانه‌های دیداری و شنیداری این دولتها، از سالهای دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه‌ای بزرگ در سرزمین شام، که به نبردی هسته‌ای خواهد انجامید توجه داده‌اند. این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می‌خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیونها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می‌کند و پس از گذشتن از رود فرات - که در آن زمان به خشکی گراییده است - به سوی قدس رهسپار می‌شود. اما نیروهای مؤمن به مسیح راه این لشکر را سد

کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره‌ها ذوب می‌شوند... دیوارها بر زمین فرو می‌غلتنند... پوست تن انسانها در حالیکه ایستاده اند ذوب شده و میلیونها نفر از بین می‌روند... و این نبردی نهایی و هسته‌ای است... سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می‌آید... و پس از چندی زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می‌کند... او دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمانی تازه بنا می‌کند... و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می‌سازد.

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵ م. به نشر رسیده است، نشان می‌دهد که در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون گوش خوابانده‌اند و این در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاههای رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته‌اند، در این مجال کوتاه میسر نیست. مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا به پیشگویی حرقیال (فصل ۳۸ و ۳۹) از نظامیانی از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می‌شوند. دانستن این موضوع ما را در تحلیل سیاست خارجی دولتهای آمریکایی و اروپایی درباره مردم کشورهای یاد شده مدد می‌دهد. مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد... و این واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند.

آرماگدونی که این عده از آن سخن می‌گویند همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور مهدی علیه السلام رخ خواهد داد، همان حادثه بزرگی که ائمه علیهم السلام نام «قرقیسیا»^۱ را بر آن اطلاق کرده‌اند. ائمه علیهم السلام از این نکته خبر داده‌اند که میلیون‌ها نظامی از آمریکا، اروپا،

روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل همگی در ناحیه ای در این محدوده تحت عنوان «قرقیسیا» با یکدیگر برخورد کرده و پس از حصول درگیری، این سفیانی است که در پس آنکه همگی را چونان کشتزاری درو شده در هم می‌کوبد از صحنه نبرد پیروز بیرون می‌آید..

در حدیث صحیحی که میسر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است می‌فرماید: ای میسر! از اینجا تا قرقیسیا چقدر راه است؟ عرض کردم: همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد. سپس حضرت فرمودند: اما در این ناحیه واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمانها و زمین را آفریده بی سابقه بوده، چنانکه تا وقتی آسمانها و زمین برپا هستند هم، واقعه‌ای همچون آن اتفاق نخواهد افتاد ... سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می‌شوند. امثال این روایات از امام صادق علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است.

حادثه «قرقیسیا» همان حادثه بزرگی است که پیش از ظهور حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام رخ می‌دهد و از آنجا که این حادثه به سفیانی ارتباط دارد و سفیانی از علایم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام است، وقوع این حادثه حتمی است، زیرا امام مهدی علیه السلام پس از حادثه قرقیسیا با سفیانی برخورد خواهد کرد و پس از شکست سفیانی و فرو رفتن سپاه او بین مکه و مدینه، برای دیدار با مسیح علیه السلام رهسپار قدس خواهد شد. حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به همراه نشانه های طبیعی همگی به نزدیک بودن این حادثه عظیم اشعار دارند و این در حالی است که مانه خود و نه فرزندانمان را برای آن آماده نکرده ایم . آماده ساختن نسل آینده از جوانان و مردان در سطوح مختلف روانی، عقلی و بدنی به منظور پیشباز از حادثه شریف ظهور قائم آل محمد علیهم السلام امری بی نهایت مهم است .

گذشته از مسیحیان، ما مسلمین هم با مساله بزرگی مواجه هستیم که پیامبر ما محمد ﷺ و اهل بیت آن حضرت ﷺ از آن به ما خبر داده اند. این مساله پیشگویی صادقانه‌ای است که پاک شدن زمین از انواع ستمها و گرفتاریها و برپایی اسلام در ربع مسکون آن بدان بستگی دارد. پس سزاوار است که ما و فرزندانمان به خود آییم و ایمانمان را به ظهور قائم آل محمد ﷺ عمق بیشتری بخشیده و پافشاری‌مان را بر لزوم تعجیل ظهور آن حضرت و نزدیک شدن وقوع آن ژرفا دهیم و چنانکه سزاوار است شمار کسانی را که به این مساله ایمان دارند و برای پیشباز این ظهور شریف و حوادث پیش از آن آمادگی دارند فزونی ببخشیم.^۱

آزمایش مردم قبل از قیام حضرت حجت

امام حسین ﷺ فرمود: ظهوری را که در انتظار آن به سر می‌برید زمانی رخ خواهد داد که، گروهی از شما از گروه دیگر بیزاری جسته و به صورت همدیگر آب دهان اندازند و دسته‌ای از شما علیه دیگری گواهی به کفر دهد و یکدیگر را لعن و نفرین کنند. راوی عرض کرد: پس خیری در آن زمان نیست! حضرت فرمود: همه‌ی خیرها در آن زمان است، زیرا حضرت قائم ﷺ در آن زمان ظهور می‌کند و همه‌ی اختلاف‌ها را برطرف می‌سازد.^۲

امام باقر ﷺ فرمود: ای شیعیان آل محمد! باید امتحان شوید (امتحانی که در مثال) مانند سرمه کشیدن به چشم است، زیرا انسان می‌داند که چه موقع سرمه در چشم کشیده، اما نمی‌داند که چه زمانی سرمه از چشمش فروریخته است. به همین صورت مردم صبح بر دین ما هستند، اما در شب از دین خارج شده‌اند، و دیگری شب را با دین

۱. برگرفته از سایت حوزه. www.hawzeh.net با تلخیص.

۲. یاتی: ص ۸۳ و غیبت نعمانی: ص ۲۰۵.

خوابیده اما در صبح بی دین خواهد بود.^۱ (یعنی امتحان و آزمایش به اندازه‌ای سخت خواهد بود که در طول یک روز فرد را این‌گونه متحول خواهد کرد، بنابراین فقط کسانی می‌توانند از این آزمایش‌ها سر بلند بیرون بیایند که از ایمانی استوار برخوردار باشند و با اندک سختی از راه راست منحرف نشوند)

امام صادق علیه السلام فرمود: از اعراب به همراه حضرت قائم علیه السلام افراد کمی خواهند بود. شخصی پرسید: اما کسانی که ادعای تشیع دارند بسیارند! حضرت پاسخ داد: باید مردم آزمایش شده و مشخص شوند، و باید آن‌ها غربال شوند و با غربال شدن، بسیاری از آن‌ها خارج می‌شوند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: شکستن (و لغزیدن) شما (در امتحان‌ها) باید مثل شکستن شیشه باشد که دوباره آن را ذوب کرده و شیشه می‌سازند؛ ولی شما مانند سفال می‌شکنید که نمی‌توان آن را به حالت اولیه برگرداند. به خدا قسم باید غربال شوید، به خدا قسم باید دسته بندی شوید، به خدا قسم باید امتحان شده و خالص گردید، تا این‌که جز گروه اندکی از شما باقی نمانند؛ حضرت در این لحظه کف دستشان را وارونه کردند^۳ (یعنی امتحان به قدری شدید است که مانند وارونه کردن کف دست است که جز نم چیزی در کف آن نمی‌ماند)

شخصی حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: فدایت شوم! من شما را دوست دارم و هر که شما را دوست دارد نیز دوست دارم، چقدر دوستان شما فراوانند! حضرت فرمود: نام ایشان را بگوی. راوی عرض کرد: خیلی زیادند. حضرت فرمود: تعداد آن‌ها را بگو. باز هم راوی گفت: بیش از آن هستند که بشمارم. حضرت فرمود:

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۰۶.

۲. همان: ص ۳۷۰.

۳. همان: ص ۲۰۷.

هر وقت عده‌ی یاران که سیصد و سیزده نفر هستند کامل شود، شما به آنچه که دنبال آن هستید خواهید رسید؛^۱ اما بدان! شیعیان ما کسانی هستند که صدای آن‌ها از گوششان تجاوز نمی‌کند (اهل فریاد و پرخاشگری نیستند)، کینه و حسادت او بر نفس خویش است (خود را بر بدی‌ها و نداشتن خوبی‌ها مذمت می‌کند)، مدح ما را آشکارا نمی‌گوید و با مخالفین ما به جنگ بر نمی‌خیزد^۲ و با کسی که بدگویی ما را می‌کند نشست و برخاست نمی‌کند و با دشمنان ما به گفتگو نمی‌نشیند و دوستان ما را دوست دارد و دشمنان ما را دشمن می‌دارد. راوی عرض کرد پس تکلیف ما با این گروه مختلف که ادعای تشیع دارند چیست؟ حضرت پاسخ داد: آن‌ها آزمایش خواهند شد و تغییر خواهند کرد و به سال‌های گرانی مبتلا خواهند شد به گونه‌ای که آنان را نابود کند. با شمشیرها کشته شوند و با اختلاف به هلاکت بیفتند! به درستی که شیعیان ما کسانی‌اند که مانند سگ صدا نمی‌کنند (پرخاش کننده و نزاع‌گر نیستند) و مانند کلاغ طمع‌کار نیستند. اگر چه از گرسنگی بمیرند، اما گدایی و تکدی‌گری نمی‌کنند.

راوی پرسید: فدای شما شوم! این افراد را کجا پیدا کنم؟ حضرت فرمود: آن‌ها را در گوشه‌های زمین (مکان‌هایی که کمتر در معرض توجه است) پیدا کن؛ این افراد انسان‌هایی هستند که زندگی‌ای بی‌تکلف و بی‌آلایش دارند و خوشی آنان در آرامش است، مکان ثابتی ندارند و اگر در جایی حاضر شوند، کسی آنان را نمی‌شناسند و اگر غایب شوند، از آن‌ها تفقد نکنند و اگر مریض شوند کسی به عیادت آن‌ها نمی‌رود و اگر از دختری خواستگاری کنند، قبول نخواهند کرد و اگر بمیرند کسی به تشییع آنان

۱. گویا این شخص از حضرت تقاضای قیام کردن و برپایی حکومت عدل جهانی را داشته است و با برآورد این که مدعیان تشیع بسیار هستند، زمینه را برای قیام حضرت آماده می‌دیده است. اما حضرت بیان می‌کند که ظهور وقتی خواهد بود که سیصد و سیزده تن یاران واقعی برای امام عصر^ع مهیا شود و این مردمی که ادعای تشیع دارند در بوته‌ی امتحان ناخالص خواهند بود و به عبارت دیگر امام فرمودند: در حقیقت اکنون من یاران واقعی بسیاری ندارم.

۲. این دستور مربوط به زمان تقیه شدید در زمان ائمه معصومین^ع بوده است که مردم نمی‌توانستند آشکارا تشیع خود را اظهار کنند.

نخواهد آمد، در اموالشان (با برادران دینی) مواسات می‌کنند (اموالشان را برادران دینی به شراکت می‌گذارند و از آنان دستگیری می‌کنند) و در قبرهایشان به زیارت هم می‌روند و با یکدیگر هم عقیده و یک‌رنگند اگر چه در مناطق مختلفی زندگی می‌کنند.^۱

امام صادق علیه السلام به اصحاب خویش فرمودند: زینهار، زینهار! به خدا قسم آن (ظهور و دولت حقی) را که چشم به راه آن هستید نخواهد آمد مگر زمانی که غربال شوید، به خدا قسم نمی‌آید، مگر زمانی که امتحان شوید، به خدا قسم نمی‌آید، مگر زمانی که جداسازی شوید، به خدا قسم نمی‌آید، مگر وقتی که ناامید شده باشید و زمانی که بدسرشت به بخت بد خویش برسد و نیک سرشت فرجام نیک خود را دریابد.^۲

امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا قسم که ظهور واقع نخواهد شد مگر زمانی که امتحان شده، درست و نادرست از هم جدا شوید و از شما بر راه درست جز کم اندر کم، کسی باقی نمی‌ماند.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: همانا امام شما سال‌های زیادی از میان شما غایب خواهد بود و شما به امتحانی سنجیده شوید که در پایان، گروهی (سست عقیده شده و) می‌گویند: حضرت مهدی علیه السلام معلوم نیست به کدام بیابان رفته و از دنیا رفته است! باید چشم مؤمنین بر او گریان شود. همانا چون کشتی‌ای که در امواج دریا گرفتار آمده، وارونه خواهید شد و کسی از آن (امتحانات) پیروز بیرون نمی‌آید مگر کسی که خداوند

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۰۳. این حدیث در حالی که مضامین بسیار تلخی را برای ما بیان می‌کند اما از واقعیتی سخن می‌گوید که گریزی از آن نیست. همواره اهل بیت با کمبود یاران واقعی مواجه بوده‌اند و از این روی برای حفظ اندک شیعیان حقیقی مجبور بودند که شیوه‌ی تقیه و خودداری را اتخاذ کنند. خصوصاً زمان امام صادق علیه السلام که مردم را به گمان تشیع هم از بین می‌بردند چه برسد به این که شخصی تشیع خود را علنی کرده و ابراز کند. مفاد این حدیث شریف با توجه به زمان امام صادق علیه السلام باید سنجیده شود که شیعیان به شدت تحت تعقیب و مراقبت حاکمان جور بودند و ائمه ^ع به آن‌ها تأکید می‌کردند که خود را حفظ کنید و با توجه به تعداد کم آنان خود را برای هدایت افراد مستعد و رساندن رسالت ائمه ^ع به شیعیان نگه‌دارید.

۲. کافی: ج ۱ ص ۳۷۰.

۳. یاتی: ص ۹۷.

(در ازل) از او پیمان گرفته است و ایمان را در قلب او حک کرده باشد و روح القدس او را یاری کند^۱...

آسیا

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، گروهی را به مکانی در پشت قبر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌فرستد که نهری را حفر کنند و از آنجا آب به سوی کوفه و نجف جاری خواهد شد و در میان راه نجف و کربلا پل و آسیا درست کنند.^۲

آفریقا

در آفریقا پادشاهی دوازده سال حکومت خواهد کرد و پس از آن فتنه‌ای بر پا شود، سپس مردی سبز چهره به پادشاهی برسد و عدالت را برقرار کند و بعد از آن به سوی حضرت مهدی علیه السلام رفته و حکومت را به ایشان تسلیم کرده و دشمنان ایشان را براند.^۳

آمادگی برای ظهور

یک سرباز همیشه آماده‌ی دفاع از حریمی است که به او سپرده است. در دعاهای وارد شده همیشه از خداوند می‌خواهیم که ما را در دولت حقّی امام زمان علیه السلام سهیم نماید و در رکاب آن جناب به فیض شهادت نایل کند. از این روی باید ما همیشه برای خدمت به پیشگاه آن حضرت آمادگی داشته باشیم. این آمادگی دو جنبه می‌تواند داشته باشد، درونی و بیرونی. از جنبه‌ی بیرونی می‌توان اعتقاد درونی به حضرت مهدی علیه السلام و عدم ناامیدی و شک و تردید، زنده نگهداشتن روح انتظار در دزون خویش را نام برد. از جنبه‌ی بیرونی

۱. کافی: ج ۱ ص ۳۳۶.

۲. یاتی: ص ۱۶.

۳. یاتی: ص ۷۴.

فرهنگ‌نامه آخرالزمان هم رعایت دستورات آن حضرت، سوق دادن دوستان او به سوی معرفت ایشان و ساختن بستری مناسب برای ظهور منجی آخرالزمان را می‌توان برشمرد. البته باید یادآور شد که رمز این اعمال همان اعتقاد قلبی است یعنی اگر اعتقاد قلبی سست باشد، در اعمال ظاهری نیز تأثیری منفی خواهد داشت و بالعکس، اگر اعتقاد درونی، ایمانی استوار باشد، اعمال ظاهری هرچند کوچک باشد ارزشی صد چندان پیدا خواهد کرد. مثلاً در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: باید هر شخصی آمادگی لازم را برای ظهور حضرت در خود ایجاد کند، هر چند با ذخیره کردن یک عدد تیر! زیرا زمانی که خدا این آمادگی را در او دید، شاید چنان عمرش را طولانی سازد که حضرت قائم علیه السلام را درک کند.

أبدال

أبدال از نظر لغت جمع بدل است و بدل به معنای جایگزین و جانشین می‌باشد. درباره این که ابدال چه کسانی هستند و چرا به این اسم نامیده شده‌اند و خصوصیات آنان چیست، روایات گوناگونی وراذ شده است.

شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: مردم معتقدند که گروهی به نام ابدال بر روی زمین وجود دارند، این‌ها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: ابدال اوصیایی هستند که وقتی خداوند انبیاء را از روی زمین برداشت، آن‌ها را بدل و جانشین ایشان قرار داد.^۱

ابدال گروهی شایسته‌اند که هیچ‌گاه دنیا از وجود آن‌ها خالی نخواهد بود. تعداد ایشان هفتاد نفر است، که چهل نفر ایشان اهل شام و سی نفر آن‌ها از جاهای دیگرند. هرگاه یکی از آن‌ها فوت کند، شخص دیگری جایگزین او خواهد شد.^۲

مردی از عسقلان از جانب الیاس نبی علیه السلام پرسید: ابدال چند نفرند؟ حضرت فرمود شصت نفر که پنجاه نفر آن‌ها از منطقه‌ی «عریش» در مصر تا کناره‌های فرات هستند، و

۱. موعود نامه: ماده ابدال.

۲. مجمع البحرین، ماده‌ی بدل.

دو نفر از ناحیه‌ی «مصیصه» و یک نفر از «عسقلان» و هفت نفر هم از شهرهای دیگر؛ زمانی که یکی از آنها از دنیا برود خداوند شخص دیگری را به جای او بگمارد. خداوند بلاها را از مردم به واسطه‌ی ایشان دفع می‌کند و به واسطه‌ی ایشان باران نازل می‌کند.^۱

حضرت الیاس علیه السلام یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که همراه حضرت خضر علیه السلام آب حیات خورد و زندگی او طولانی گشت و تا قیامت زنده خواهد بود. حضرت الیاس و حضرت خضر علیهما السلام جزو کسانی هستند که در غیبت کبری مرتباً خدمت حضرت مهدی علیه السلام می‌رسند و این دو پیامبر الهی جزو اوتاد و از یاوران خاص امام علیه السلام می‌باشند. نام الیاس علیه السلام در قرآن نیز آمده است^۲ و طبق برخی روایات جناب خضر علیه السلام مأمور رسیدگی به امور درماندگان در خشکی است و جناب الیاس علیه السلام یاری درماندگان در دریاها را به عهده دارد، و ایشان هر سال در روز عرفه با هم دیدار می‌کنند. داستان‌هایی از ملاقات حضرت الیاس با مردم نقل شده است.^۳

کفعمی در حاشیه‌ی کتاب مصباح می‌فرماید: زمین هیچگاه از «قطب» خالی نمی‌شود، همچنین از چهار نفر «اوتاد» و چهل نفر «ابدال» و هفتاد نفر «نجیب» و سیصد و شصت نفر «صالح»، که قطب همان حضرت مهدی علیه السلام است و اوتاد کمتر از چهار نفر نمی‌باشند چون جهان بسان خیمه‌ای است که امام مهدی علیه السلام (قطب) مانند عمود و ستون آن خیمه است و آن چهار اوتاد چون طناب‌های آن خیمه‌اند (که برپایی خیمه به ستون و طناب‌های آن است) و گاهی اوقات اوتاد بیش از چهار نفر می‌شوند، ابدال بیشتر از چهل نفر و نجباء از هفتاد نفر بیشتر و صالحین از سیصد و شصت نفر فزون‌تر

۱. یاتی: ص ۲۰ و بحار الانوار: ج ۱۳ ص ۴۰۲.

۲. انعام/ ۸۵: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ... وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلِيَّاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ (و ما به ابراهیم اسحاق را عنایت نمودیم و همچنین یعقوب... و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس که همه از نیکان بودند) و صافات/ ۱۲۳: «وَإِنَّا لَأِيَّاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (به درستی که الیاس از فرستادگان [الهی] بود)

۳. لغت نامه دهخدا: ماده‌ی الیاس و سفینه البحار: ماده قطب و موعود نامه: ص ۱۱۷.

می‌شوند؛ و ظاهراً خضر و الیاس علیهم‌السلام از اوتاد هستند که متصل به دایره‌ی قطب هستند. اوتاد کسانی‌اند که چشم بر هم زدنی از خدای خود غافل نمی‌شوند و از مال دنیا فقط به مقدار نیازشان می‌اندوزند و لغزش‌هایی که از بشر سر می‌زند، از آنان صادر نمی‌شود و لازم نیست که آنان معصوم بوده باشند، اما قطب که حضرت مهدی علیه‌السلام است باید معصوم باشد.^۱

در حدیثی آمده که بهترین مردم کسانی‌اند که یاری مهدی علیه‌السلام می‌کنند و با او بیعت می‌کنند و آنان اهل کوفه و یمن و ابدال شام هستند، پیشاپیش آنان جبرئیل و در پی آنان میکائیل است...^۲

در روایتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: به اهالی شام ناسزا نگویند؛ زیرا گروهی از ابدال در سرزمین شام هستند؛ بلکه ستمگران این منطقه را لعنت کنید.^۳

ابدال از اوتاد مقامشان پایین‌تر است و گاهی غفلت می‌کنند، ولی با یاد خدا آن را جبران کرده و عمداً خطایی مرتکب نمی‌شوند.

نجباء نسبت به ابدال در رتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند؛ و صالحین پرهیزگاران هستند عادل، که گاهی گناه هم از ایشان دیده می‌شود، خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾؛ (کسانی که پرهیزکاری را پیشه کردند، هرگاه دچار وسوسه‌ی شیطان شوند به یاد خدا افتاده و بلافاصله متنبه می‌شوند).

هرگاه یک نفر از چهار اوتاد از دنیا برود، یکی از ابدال جایگزین او می‌شود و زمانی

۱. یعنی امام باید نه در گذشته و نه در حال و نه در آینده گناهی مرتکب شده باشد ولی این خصوصیت در اوتاد شرط نیست و شرایط زمان حالشان مورد نظر است.

۲. ملاحم؛ ص ۶۸.

۳. یاتی؛ ص ۲۸۳.

۴. اعراف/۲۰۰.

که یک نفر از ابدال کاسته شود، یکی از صالحین به جای او خواهد آمد و چون یک نفر از صالحین کم شود، یک نفر از مردم جای او را پر خواهند کرد.^۱

ابدال

ابدال به معنای تغییر آمده است و بعد از ظهور حضرت روزی است که آن را «یوم الإبدال» یعنی روز دگرگونی نامیده‌اند زیرا در آن روز بعضی از لشکریان حضرت مهدی علیه السلام به سپاه سفیانی می‌پیوندند و گروهی از سپاه سفیانی به لشکر حضرت حجت علیه السلام ملحق می‌شوند.^۲

ابری

حضرت صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان ظهور می‌کند در حالی که ابری بالای سر او سایه افکنده است و او را از حرارت آفتاب حفظ می‌کند و به همراه او حرکت می‌کند و با زبانی فصیح می‌گوید: این شخص مهدی موعود است!^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قبل از ظهور حضرت ابری سیاه از طرف مغرب می‌آید و مانند سپری روی آسمان را می‌گیرد؛ و صدایی شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای مردم!» بعضی آن صدا را شنیده و بعضی شک دارند و از یکدیگر سؤال می‌کنند. بار دیگر آن ندا می‌آید و همگی می‌شنوند. در سومین بار ندا می‌آید: «ای مردم! فرمان خدا فرا رسید، پس عجله نکنید».^۴

آن‌گاه رسول خدا فرمود: به خدا سوگند (گویا می‌بینم) که در آن روز دو شریک بساط فروش خویش را پهن کرده و جمع نمی‌کنند؛ شخصی که برای آبیاری مهیا شده،

۱. یاتی: ص ۱۲۰ از سفینه البحار ماده‌ی بدل.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۴.

۳. یاتی: ص ۲۱.

۴. «أُتِيَ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» نحل/۱.

به آبیاری نمی‌رود؛ مردی شیر شترش را دوشیده تا بنوشد، اما نمی‌نوشد؛ همگی به گونه‌ای به فکر نجات خود هستند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، در حالی که بالای سر او ابری در حرکت است و صدایی از آن شنیده می‌شود که می‌گوید: این شخص مهدی علیه السلام است، جانشین خداست، ای مردم پیرویش کنید!^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند ابر سخت^۳ را برای صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) ذخیره کرده است، هرگاه چنین ابری پدیدار شد صاحب شما بر آن سوار می‌شود و بی‌گمان او بر ابر سوار خواهد شد و با آن به سوی آسمان بالا رفته و آسمان هفت‌گانه را در می‌نوردد.^۴

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند ذوالقرنین را بین انتخاب ابر سخت و ابر رام^۵ مخیر کرد و او هم ابر رام را برگزید، و اگر او ابر سخت را انتخاب می‌کرد، اجازه‌ی استفاده از آن را نداشت چون این ابر برای حضرت مهدی علیه السلام ذخیره شده است.^۶

أَبَقِعْ

ر.ک: أَصْهَبْ.

إِبْلِيسَ

ر.ک: شَيْطَانَ.

۱. یأتی: ص ۲۲.

۲. وافئ: ج ۲ ص ۱۱۳.

۳. ابر سخت به ابری گفته می‌شود که صاعقه و رعد در آن بوده باشد.

۴. اختصاص ص ۱۹۹.

۵. ابر رام به ابری آرام و بدون رعد و برق گویند.

۶. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۲.

أخلاق

یکی از ویژگی‌های زمان قبل از ظهور گسترش ظلم و جور و بی‌اخلاقی در میان مردم است.

در روایتی آمده است که مردم در آخرالزمان اخلاق خود را به مقدار کمی از مال دنیا می‌فروشند و در روایت دیگری دارد که اخلاق و دینشان را به ازای مال دنیا از دست می‌دهند.^۱

أرمنیه

ارمنیه منطقه‌ای کوهستانی است که در غرب آسیا بین کوه‌های ترکیه و ایران و منطقه‌ی قفقاز قرار دارد در زمان جنگ‌های صلیبی و بعد از آن در جنگ بین ایران و عثمانی‌ها و بین روس‌ها و عثمانی‌ها، بسیار ویران شد و اکنون بین سه کشور ایران و ترکیه و ارمنستان تقسیم شده است.^۲

تا وقتی که ارمنیه خراب نشده، منطقه‌ی جزیره از ویرانی مصون است؛ و تا زمان ویران شدن جزیره، مصر از خرابی در امان است؛ و کوفه ویران نخواهد شد تا زمانی که مصر خراب شود.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ... آن‌گاه حضرت مهدی علیه السلام به حرکت ادامه می‌دهد تا به ارمنیه بزرگ می‌رسد. زمانی که اهل ارمنیه آن حضرت را می‌بینند، یکی از راهب‌های خود را که بسیار دانا است نزد او می‌فرستند و از او می‌خواهند که از حضرت بپرسد برای چه منظوری بدین سرزمین آمده است. راهب نزد حضرت مهدی علیه السلام آمده و سؤال می‌کند: آیا شما «مهدی» هستی؟ حضرت می‌فرماید: آری من همان شخص هستم

۱. یأتی: ص ۲۷.

۲. المنجد.

۳. یأتی: ص ۲۸.

کهدر کتاب انجیل از من یاد شده است کهدر آخرالزمان ظهور خواهم کرد. راهب پرسش‌های زیادی از حضرت می‌کند و ایشان همه را پاسخ می‌دهند. آن‌گاه راهب مسلمان می‌شود اما ساکنین ارمنیه مسلمان نمی‌شوند. سپس اصحاب حضرت مهدی علیه السلام وارد آن شهر شده و پانصد نفر از پهلوانان آن‌ها را نابود می‌کنند و به قدرت خداوند شهرشان بین زمین و آسمان معلق شده و پادشاه ارمنیه و مردم به آن می‌نگرد و تمام قوای خود را جمع کرده تا به جنگ حضرت مهدی علیه السلام بروند. اما با دیدن این منظره فرار می‌کنند و پادشاه ارمنیه به یارانش دستور می‌دهد تا پناهگاهی بیابند. اما همه آن‌ها از اول تا آخر فرار می‌کنند و در این حال شیری مقابل آن‌ها ظاهر می‌شود و راه را بر ایشان می‌بندد و آنان از ترس هر چه در دست دارند از قبیل سلاح و اموالی که همراه دارند می‌اندازند و اصحاب حضرت آن‌ها را به عنوان غنائم جنگی برمی‌دارند...^۱

ما نمی‌دانیم که معلق شدن شهر میان زمین و آسمان به چه معناست. اما به صرف اینکه توجیهی برای آن نداشته باشیم نمی‌توانیم آن را انکار کنیم، چون بسیاری از احادیث آخرالزمان قبل از وقوع آن خیلی بعید به نظر خواهند رسید. علاوه بر این که دوران ظهور دورانی خاص است. دروره‌ای است که از ابتدای خلقت نبوده و پدیده‌ای جدید خواهد بود، با ویژگی‌های نو. قدرت‌های فوق العاده در آن به کار خواهد رفت. مثلاً اگر سیصد سال پیش کسی می‌گفت در یک ساعت می‌شود فاصله‌ای را که ماه‌ها با شتر می‌پیمایند، طی نمود، احتمالاً گوینده را شخصی دیوانه می‌پنداشتند؛ یا اگر کسی اظهار می‌کرد انسان می‌تواند با مستی آهن به سوی ماه پرواز کند او را عاری از عقل می‌نامیدند. ما امروزه می‌دانیم که این نوع کارها و کارهایی بسیار خارق العاده‌تر از آن بسیار عادی تلقی می‌شود. بنابراین اگر اخباری به ما برسد که با علم امروزی توجیهی برای آن نداشته باشیم، ممکن است در سال‌های آینده عادی و توجیه پذیر باشد.

ارث

خداوند احکام دین را توسط پیامبر و اوصیای او به بندگانش می‌رساند، بقا و فنای هر چه را بخواهد نیز به واسطه‌ی جانشینان خود در روی زمین به بندگان ابلاغ می‌کند؛ ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوران ویژه‌ای است که دسته‌ای از احکام در آن به گونه‌ای جدید اجرا می‌شود، مثل قضاوت حضرت که بدون شاهد خواهد بود؛ از جمله حکم ارث است که در آن زمان به واجدان حقیقی آن داده می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید، ارث شخص را به برادرانی می‌دهد که در عالم «أَظْلَهُ»^۱ بین آنان پیمان برادری بسته شده بوده، نه به برادرانی که فقط از پدر و مادر با هم یکی باشند.^۲

در روایات درباره تفسیر این سخن خداوند آمده است: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»^۳ (زمانی که در صور دمیده می‌شود، دیگر نسبت‌های خویشی برداشته می‌شود و کسی از حال کسی جويا نخواهد شد).

خداوند ارواح را دو هزار سال پیش از بدن‌هایشان آفرید و بین آنها برادری برقرار کرد. هر کدام از این ارواح که در آسمان میان‌شان آشنایی برقرار شده، در زمین نیز با یکدیگر آشنا خواهند بود و هر کدام که با هم بیگانه بودند، در زمین نیز بیگانه خواهند ماند. در زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، نسبت‌های خویشی و برادری برداشته می‌شود و ارث به برادران دینی می‌رسد.^۴

۱. «أَظْلَهُ» به معنای سایه‌ها است. عالم اظله یکی از عوالمی است که انسان از ابتدای خلقت خویش آن‌ها را سیر نموده است و بنا بر نظر بعضی از حکما عالم اظله، عالم مجردات است و شاید چون انسانها در آن عالم شبیه سایه بودند و جسمانی نبودند، بلکه فقط وجودی مجرد از ماده داشتند. عالم مجردات نامیده شده است. از جمله عوالم قبل از دنیا، عوالم ذر، اشیاء، اظله، أصلاب، می‌باشد و عوالم بعد از دنیا نیز عالم برزخ و عالم قیامت است.

۲. من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۲۵۴.

۳. مؤمنون/۱۰۱.

۴. تفسیر برهان: ج ۳ ص ۱۲۰ و بحار الانوار: ج ۶ ص ۲۴۹.

استانبول

نام شهری باستانی است که در حاشیه‌ی دریای مرمره در کشور ترکیه قرار دارد. زمانی این شهر در قدیم پایتخت روم باستان بوده است و اکنون یکی از شهرهای مهم ترکیه به شمار می‌رود. این شهر توسط حضرت مهدی علیه السلام و یاران او فتح خواهد شد.^۱

اسرائیل

ر.ک: فلسطین.

اسلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دین اسلام چنان فراگیر شود که مانند شب و روز بر تمامی گیتی گسترده شود و خداوند خانه‌ای یا خیمه‌ای را باقی نگذارد مگر اینکه دین اسلام را به آن داخل کند، اگر اهل آن بدان عمل کنند عزیز خواهند شد و اگر کافر بمانند، ذلیل می‌شوند.^۲ (این گستردگی اسلام فقط در زمان ظهور آخرین منجی متحقق خواهد شد زیرا در هیچ زمانی حتی در زمان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله این چنین اسلام همه‌گیر نشده بود).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام اولش غریب بود و به زودی دوباره غریب خواهد شد، پس خوشا به حال غریبان!

و در حدیث دیگری راوی سؤال کرد: غریبان چه کسانی هستند؟ حضرت پاسخ دادند: این غریبان کسانی هستند که وقتی مردم در پی فساد و تباهی می‌روند آن‌ها به دنبال راستی و درستی‌اند.^۳ (یعنی اسلام در ابتدای بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله یاوران اندکی داشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله با سختی‌های فراوان این دین را جهانی ساخت، و از

۱. ر.ک: قسطنطنیه.

۲. یاتی: ص ۳۱.

۳. یاتی: ص ۳۰.

ناشناختگی خارج کرد، به طوری که چهارگوشه‌ی دنیای آن روز به دین رسول خدا آگاهی یافتند، اما بعد از رحلت رسول خدا ﷺ دوباره به واسطه‌ی توطئه منافقین در میان امت جدایی افتاد و اسلام از درون به غربت اولیه بازگشت و گروه اندکی به اسلام صحیح و راستینی که رسول خدا به آن وصیت کرده بود باقی ماندند. رسول خدا ﷺ در این حدیث می‌فرماید: خوشا به حال کسانی که در این زمان بر اسلام راستین پابرجا بمانند و از آن به خاطر فتنه‌ها روی گردان نشوند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و مردم را به دینی که (به خاطر روی گردانی مردم) به کهنگی گراییده بود، هدایت و راهنمایی می‌کند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام (در آخر الزمان) چنان ناقص خواهد شد که کسی (حقیقتاً) «لا اله الا الله» نمی‌گوید.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام تا زمانی عزیز خواهد شد که دوازده خلیفه از قریش حاکمان آن باشند.^۳

یعنی اسلامی عزیز است و در نزد خدا مقبول خواهد بود که حاکمان آن دوازده نفر از قریش باشند، که این خصوصیت فقط در شیعه‌ی دوازده امامی تحقق یافته است. زیرا هیچ کدام از فرق مسلمان این ویژگی در حاکمان‌شان یافت نمی‌شود. از این روی می‌توان به اقتدار شیعه در طول تاریخ پی برد. شیعه در سخت‌ترین شرایط و حتی زیر تیغ جلادان و دشمنان عزت خویش را از دست نداده است و این سربلندی و پایداری شیعیان، حتی دشمنان را نیز به تعجب واداشته است. زیرا خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

۱. همان.

۲. ملاحم: ص ۱۷۶.

۳. ملاحم: ص ۱۷۹.

و لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ^۱ (همانا عزت و سربلندی فقط مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است، اما منافقان این را نمی‌دانند). چنان که زینب کبری علیها السلام بعد از شهادت برادر و یاران و بعد از اسارت از کربلا تا شام، در مجلس یزید با ابهتی که از پدر خویش علی بن ابی‌طالب علیه السلام به ارث برده بود می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً» (من جز زیبایی هیچ ندیدم!) آری شهادت در راه خدا زیبایی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: زمانی خواهد رسید که اسلام وارونه خواهد شد آن‌گونه که ظرف وارونه شود و محتویات آن بریزد، سپس حضرت قائم علیه السلام ظهور کند و مردم را از نو به اسلام راستین هدایت کند.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (در آینده) اسلام چنان کهنه خواهد شد مانند لباسی که رنگش رفته باشد، تا جایی که بعضی از مردم نسبت به نماز و روزه کلاً بی‌اطلاع باشند.^۳

درباره شرایط مردان و زنان با ایمان و کسانی که حقیقتاً می‌خواهند در آخرالزمان به اسلام حقیقی پایبند باشند، روایات زیادی وارد شده است. این احادیث حاکی از شرایط سخت برای انسان‌های با ایمان در آخرالزمان است، دورانی که امام از دیده‌گان خلق غایب است و شیطان از همین اصل برای مایوس کردن مردم و ترویج بی‌دینی استفاده می‌کند. شرایطی چنان دشوار که اگر شخصی با ایمان از دنیا برود باعث شگفتی ملائکه آسمان خواهد بود!

در برخی روایات از خارج شدن گروهی از افراد با ایمان از دین خبر داده است که این امر شاید به علت همین شرایط سخت و آزمایش‌های الهی است که اکثر مردم در آن

۱. منافقون/۸.

۲. نهج البلاغه: خطبه‌ی ۱۰۳.

۳. یاتی: ص ۳۱.

استقامت نخواهند کرد و بسیاری از مردم در آن امتحان‌ها پیروز نخواهند بود و جز افراد اندکی از فتنه‌ها سرافراز بیرون نخواهد آمد. البته فراگیر شدن بی‌ایمانی، فتنه، دین‌ستیزی و دین‌گریزی خود دلیلی بر سخت شدن شرایط برای آن دسته از مردم است که می‌خواهند حقیقتاً بر ایمان خود استوار بمانند. البته کسانی که بتوانند در آن دوران سخت، ایمان خود را نگاه دارند، از منزلت بسیار بالایی برخوردار خواهند بود. رسول خدا ﷺ از آنان به عنوان برادر خود یاد نموده است.^۱ در روایاتی نیز به ایمان آوردن فوج فوج از غیر مسلمانان به حضرت خبر داده‌اند و این پس از ظهور حضرت و اتمام حجت‌های ایشان و بروز نشانه‌های و معجزه‌های آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: صاحب الامر (حضرت قائم علیه السلام) غیبتی خواهد داشت که اگر کسی بخواهد در آن زمان دین خود را حفظ کند، مانند آن است که با کف دست ساقه‌ی پر خار را پاک نماید. پس پرهیزکاری پیشه کنید و در دین خود استوار باشید.^۲

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، مردم بسیاری که گمان می‌کنند با ایمان هستند کافر شده و بت پرست خواهند شد!^۳

در حدیثی جناب ابوذر غفاری رضی الله عنه فرمود: روزی فرا خواهد رسید که پول، دین مردم خواهد شد. اگر آن زمان را دریافتید از آن مال دوری گزینید (و دین خود را به مال دنیا نفروشید).^۴

در حدیثی دیگر آمده: زمانی فرا خواهد رسید که صبر کردن و استواری بر ایمان مانند آن است که شخصی آتش گداخته در کف دست نگاه داشته باشد! مردم دین و اخلاق خود را به دنیا می‌فروشند، و مؤمنین از میان جماعت بی‌ایمان، مانند روباهی که

۱. رک: برادران رسول خدا.

۲. یأتی: ص ۲۴۹.

۳. همان.

۴. همان: ص ۲۵۰.

از ترس شناخته شدن و شکار شدن بچه‌هایش از سوراخی به سوراخ دیگر می‌خزد، پیایی در حال کوچ کردن است.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: پس از من فتنه‌هایی بر امتم خواهد رسید که چون شب‌های تار آنان را فرا می‌گیرد. در آن فتنه‌ها برخی صبح مؤمن هستند ولی تا شام کافر می‌شوند، و برخی شب را در حال ایمان به سر می‌برند، اما صبح می‌کنند در حالی که کافر شده‌اند؛ در آن زمان مردم دین خود را به دنیایی پست می‌فروشند.

در حدیثی دیگر نیز فرمود: مؤمنین حقیقی در آن زمان مانند طلای سرخ هستند که هر چه در کوره‌ی آتش بروند تغییری در رنگ و وزن آن پدید نمی‌آید.

در روایتی دیگر نیز فرمود: در آخرالزمان کسانی که به راستی اهل ایمان هستند نزد بستگان خود حتی به اندازه‌ی یک گوسفند نیز ارزش ندارند!^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای مفصل فرمود: در آخرالزمان به گونه‌ای بر مؤمنین عرصه تنگ خواهد شد که اگر مؤمنی بخواهد یک درهم رزق حلال کسب نماید، از ضربت شمشیر برای او سخت‌تر خواهد بود.^۳

در بسیاری از احادیث از فتنه‌ها و آزمایش‌های فراوان در آخرالزمان است به حدی که تعداد بسیار کمی از اهل ایمان در این فتنه‌ها و آزمایش‌ها پیروزمندانه سربلند می‌کنند.^۴

رسول خدا ﷺ فرمود: فتنه‌ای روی خواهد داد، در آن فتنه هیچ مسلمانی نماند مگر آنکه قدری از آن فتنه به خانه‌اش راه یابد.

در حدیث دیگر فرمود: فتنه‌ای برپا می‌شود که در آن مردی با ایمان از خانه خارج

۱. یاتی؛ ص ۲۵۲.

۲. همان؛ ص ۶۲۲.

۳. نهج البلاغه؛ خطبه‌ی ۱۸۷.

۴. رک: آزمایش مردم، فتنه)

می‌شود، ولی در حالی به خانه بازمی‌گردد که ایمان او بر باد رفته است.^۱

در روایتی دیگر حضرت فرمود: اکنون شما در زمانی زندگی می‌کنید که (به راحتی می‌توانید ایمان خود را حفظ نمایید، بنابراین) اگر یک دهم از ایمان خود را ضایع کنید، گمراه هستید و به هلاکت دچار خواهید شد؛ اما زمانی فراخواهد رسید که (اوضاع چنان دشوار می‌شود و نگهداری ایمان سخت خواهد بود که) اگر شخصی حتی یک دهم از ایمان خود را عمل نماید بالاخره نجات خواهد یافت.^۲

در روایتی دیگر نیز فرمود: در آخرالزمان مردم دین را وسیله‌ای قرار می‌دهند که به دنیا برسند (و در حقیقت دین را برای آخرت نمی‌خواهند)، آن‌ها مانند گرگ‌هایی خواهند بود که لباس میش بر تن کرده‌اند، در شیرین‌زبانی (و تملق و دروغ‌گویی) بسیار توانا هستند، خداوند بدان‌ها می‌فرماید: آیا بر نافرمانی من گستاخ شده‌اند! سوگند به ذات خویش که فتنه و بلایی بر سر آن‌ها نازل کنم که افراد بسیار با استقامت در آن متحیر شوند.^۳

جناب سلمان رضی الله عنه روایتی نقل می‌کند و می‌فرماید: اکنون به زیادی مسلمانان نگاه کن، همان گونه که اکنون گروه گروه مسلمان می‌شوند، زمانی خواهد رسید که گروه گروه مردم از دین خارج شوند.^۴

در دوران غیبت فتنه‌های سخت مردم را مورد آزمایش قرار می‌دهد که مردم نسبت به آن حضرت اعتقادشان را از دست خواهند داد. در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسانی که در دوران غیبت حضرت قائم علیه السلام بر اعتقاد به امامت او پایدار باشند، از کبریت احمر و گوگرد نایاب نیز کمیاب‌ترند!^۵

۱. یأتی: ص ۵۰۴.

۲. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۵۴.

۳. کنز العمال: ص ۱۲۴.

۴. ملاحم: ص ۱۳۳.

۵. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۷۳.

در روایات مختلفی از غربت و مظلومیت مؤمنین حقیقی و شیعیان در آخرالزمان یاد شده است. دنیای قبل از ظهور آکنده از ظلم و جور است، و بی‌گمان اهل ایمان هستند که در تیررس اهل ستم قرار دارند. تعداد کم مؤمنین و شیعیان خود باعث غربت آنان هست و حق ستیزی اهل باطل نیز به آن افزوده می‌شود. در دعای «عظم البلاء» به پیشگاه خدا شکایت از فزونی بلاها می‌کنیم. و در دعای دیگری شکایت از کمی تعداد مؤمنین و هجوم ستمگران بر مؤمنین داریم: «اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا و قلة عددنا و تظاهر الزمان علينا»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همیشه شیعه در گرفتاری و مشقت به سر خواهد برد، تا جایی که مانند لاشه‌ی بزی باشند که قصاب هر گونه که بخواهد دست در او افکند، نه راه فرار خواهند داشت و نه پناهگاهی که در امور خویش بدان پناه برند.^۲

در این زمانه نیز اگر به دقت نظر کنیم، با توجه به قلت شیعه نسبت به جمعیت دنیا، خواهیم یافت که مظلومیت شیعه از اول تاریخ تا کنون استمرار داشته است، از همه سو تحریم، کارشکنی و حق‌کشی نمونه‌ای از ظلم‌های بارز این دوران به جمعیت قلیل مؤمنین به امام زمان علیه السلام است.

اسماء و القاب حضرت مهدی علیه السلام^۳

در کتاب‌های مختلف آسمانی و در مصادر شیعه و غیر شیعه، نام‌ها و القاب بسیاری برای حضرت قائم علیه السلام یاد شده است، مرحوم میرزا محدث نوری در کتاب نجم الثاقب برخی از این نام‌ها را گردآوری نموده است. ما در این جا برخی از این نام‌ها را از این کتاب به طور اختصار نقل می‌کنیم.

۱. رک: دعا.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۱۹ و یاتی: ص ۱۱۱.

۳. رک: موعود و منجی آخرالزمان.

محمد، ابوالقاسم

رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی عجله الله از اولاد من می‌باشد و اسم او مانند من (محمد) است و کنیه‌ی او مانند کنیه‌ی من (ابوالقاسم) است و شبیه‌ترین مردم به من خواهد بود، چه در رفتار و چه در شمایل و صورت ظاهری.^۱

امام صادق عجله الله فرمود: آن فرزند نیکو و پسندیده (مهدی عجله الله) از اولاد من خواهد بود و او مهدی (نجات دهنده) است و نام او محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است و در آخرالزمان قیام خواهد کرد و نام مادرش «صیقل» می‌باشد.^۲

امام صادق عجله الله فرمود: صاحب الامر (حضرت مهدی عجله الله) شخصی است که نام اصلی او را جز کافر بر زبان نمی‌آورد.^۳

امام مهدی عجله الله در نامه‌ای فرمودند: ملعون است، ملعون است، کسی که در محفلی از مردم اسم مرا ببرد.^۴

«محمد» نام اصلی حضرت است که خداوند این نام را برای آن حضرت اختیار نموده است زیرا در حدیث لوح که جناب جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا عجله الله روایت می‌کند، نام حضرت «محمد» است. در حدیث لوح خداوند نام حضرت مهدی عجله الله را این گونه می‌فرماید: «وَ اكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^۵ (من امامان دوازده‌گانه را با فرزند امام حسن عسکری یعنی «محمد» که رحمت برای جهانیان است، کامل خواهم کرد). در احادیث شیعه و سنی بسیار آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی هم نام من است.

۱. یاتی: ص ۳۲ و المهدی الموعود المنتظر: ج ۱ ص ۲۷۲.

۲. المهدی الموعود المنتظر: ج ۱ ص ۲۸۵.

۳. کمال الدین: ص ۶۰۷ و یاتی ص ۳۳.

۴. احتجاج طبرسی: توقیعات حضرت.

۵. کافی: ج ۱ ص ۵۲۷.

درباره حرمت به زبان آوردن اسم آن جناب نظر فقها مختلف است و در این زمینه روایات مختلفی وارد شده است. برخی از فقها معتقدند در زمانی که تقیه واجب است و در حضور دشمنانی که بردن نام آن حضرت خطری را متوجه آن جناب و یا خاندان و شیعیان آن حضرت می‌کند، بردن نام ایشان حرام خواهد بود و به القاب دیگر باید ایشان را یاد کرد، مانند زمان غیبت صغری. اما در زمان حاضر که تقیه برداشته شده و از این جهت خطری متوجه آن حضرت نمی‌شود، بنابر نظر اکثر علماء حرمت برداشته شده است زیرا حرام بودن آن دلیلی داشته که اکنون آن دلیل منتفی شده است. اما درباره کتابت اسم حضرت و به زبان آوردن القاب و کنیه‌ی حضرت و اشاره کردن به ایشان با تعبیر مختلف، نظر همه‌ی علما جواز می‌باشد. اسم حضرت را می‌توان در دعاها و مناجات‌ها و راز و نیازهای خویش آورد چون در بعضی ادعیه اسم مبارک آن حضرت آمده است و دلیل حرمت در این مورد موجود نیست و بدین مضمون حدیثی از رسول خدا ﷺ آمده است که فرمود: او (مهدی) است که نامش را آشکارا تا قبل از قیام آن حضرت نمی‌برد مگر کسی که نسبت به او کافر باشد. از این حدیث می‌توان فهمید که آشکارا و در ملا عام نباید نام آن حضرت را برد و الا در خفا و در مواقع غیر تقیه جایز خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: سعی کنید که توجه (دشمنان) را به سوی حضرت مهدی علیه السلام معطوف نکنید. همانا امام شما سال‌ها از میان شما غایب شود و شما به گونه‌ای امتحان شوید که گروهی (نا امید شده و) می‌گویند: (معلوم نیست) به کدام بیابان رفته و از دنیا رفته است! باید چشمان مؤمنین بر او گریان شود.

از این حدیث نیز می‌توان فهمید که ممکن است علت حرمت بردن نام حضرت، جلب نکردن توجه دشمنان به سوی آن جناب است.

در مقابل برخی از فقها نیز نام بردن حضرت را حرام می‌دانند، و می‌گویند این

ویژگی خاصی است که خداوند برای آن جناب قرار داده است و تا قبل از ظهور حضرت بردن نام ایشان جایز نیست. خلاصه‌ی دلایلی که این دسته از فقها می‌آورند این است: روایاتی که ما را از نام بردن حضرت به نام اصلی ایشان نهی می‌کند، عام است و تا زمان ظهور آن جناب را شامل می‌شود، و مقید به زمانی خاص نشده است و در بیشتر روایاتی که از ائمه علیهم‌السلام به نام اصلی یاد کرده‌اند، از حضرت مهدی علیه‌السلام با کنیه یاد شده است. اگر منظور از نگفتن نام حضرت تقیه باشد، روایات زیادی از طریق اهل سنت نقل شده است که در آن تصریح شده، نام حضرت نام رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و کنیه‌ی او نیز کنیه‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و همه می‌دانند که نام رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «محمد» است. حتی احادیثی که پیش از ولادت آن حضرت صادر شده است، نام حضرت را نمی‌برد و از ایشان با القاب یاد می‌شود. و نیز تصریح به حرمت نام بردن آن جناب می‌کند.

احمد، عبدالله

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: در آخرالزمان مردی از فرزندان من خواهد آمد، که برای او نامی مخفی و نامی آشکار است. نام مخفی او «احمد» است.
در روایتی دیگر رسول خدا می‌فرماید: یاران حضرت مهدی علیه‌السلام در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، از نام‌های او «احمد»، «عبدالله» و «مهدی» است.

ابوعبدالله

در کتاب «بیان فی احوال صاحب الزمان» در حدیثی حدیفه از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند که فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، هر آینه خداوند مردی را برمی‌انگیزد که نامش نام من و خلق او همانند خلق من است و کنیه‌ی او ابوعبدالله است.

ابو جعفر، ابو محمد، ابو ابراهیم، ابوالحسن، ابوتراب، ابوصالح

در روایتی آمده است که بر آن جناب کنیه‌ی تمام اهل بیت علیهم‌السلام اطلاق می‌شود.

مهدی

مهدی یکی از مشهورترین نام‌های امام دوازدهم می‌باشد که در احادیث شیعه و سنی به فراوانی آمده است. امام صادق علیه السلام درباره دلیل نامگذاری حضرت به این نام فرمود: او مهدی نامیده شده است زیرا مردم را به هر امر پنهانی هدایت خواهد کرد.

در حدیث دیگری فرمود: قائم علیه السلام مهدی نامیده شده است زیرا اموری را که مردم از دست داده‌اند و فراموش نموده‌اند دوباره بدان‌ها نشان خواهد داد و مردم را به سوی آن هدایت می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام را مهدی می‌نامند زیرا امری که مخفی است و مردم از آن خبر ندارند، آشکار خواهد کرد. او تورات و انجیل را از زمینی در انطاکیه بیرون خواهد آورد و یهودیان را بدان دعوت می‌کند و بسیاری از یهودیان به دست آن حضرت هدایت می‌شوند و ایمان می‌آورند.

البته واژه‌ی مهدی به معنای عام آن، یعنی هدایت‌گری مردم و ارشاد انسان‌ها، به تمام امامان اطلاق می‌شود و به این مطلب در زیارت‌های ائمه اطهار علیهم السلام اشاره شده است.

قائم

قائم به معنای انسانی است که به فرمان الهی برپا داشته شود، زیرا حضرت در شب و روز آماده‌ی دریافت فرمان الهی است تا قیام خود را آغاز نماید. قائم یکی از مشهورترین القاب حضرت مهدی علیه السلام است که در روایات بسیاری از حضرت مهدی علیه السلام با این نام یاد شده است.

امام رضا علیه السلام فرمود: به آن جناب قائم گفته می‌شود، زیرا او برای حق قیام خواهد نمود.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یک نفر است و بدان جهت قائم نامیده می‌شود که او پس از آن که مردم یاد و خاطره‌اش را فراموش کردند و بیشتر

کسانی که به او معتقد بودند، کافر شدند، دوباره برمی‌خیزد و رخدادی بزرگ می‌آفریند.

البته قائم به معنای عام، یعنی کسی که متولی امر امامت است و دین خدا را برپا می‌دارد و در این معنا به تمام ائمه علیهم‌السلام لقب قائم اطلاق می‌شود، اما معنای خاص آن که همان قیام‌کننده‌ی آخرالزمان است فقط مخصوص حضرت مهدی علیه‌السلام است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: همه‌ی ما یکی پس از دیگری «قائم» و برپادارنده‌ی امر الهی هستیم...^۱

بَقِيَّةُ اللَّهِ

بقیه الله لقبی است برای ائمه هدی علیهم‌السلام و به معنای باقی مانده و جانشین خداوند بر روی زمین است. این لقب بر تمامی ائمه علیهم‌السلام صادق است. در زیارت جامعه با این لقب به تمامی اهل بیت علیهم‌السلام سلام می‌دهیم، اما از آن جهت که حضرت مهدی علیه‌السلام خاتم الاوصیاء است و پس از او وصیی نخواهد بود، آن جناب تنها جانشین خداوند بر روی زمین خواهد بود، بنابراین این لقب یکی از صفات مخصوصه‌ی حضرت شمرده می‌شود که امروزه با گفتن این لقب، حضرت قائم علیه‌السلام به ذهن متبادر است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه‌السلام قیام کند، تکیه به دیوار کعبه داده و سیصد و سیزده تن یاران او گردش جمع می‌شوند. اولین سخنی که حضرت می‌فرماید این آیه خواهد بود: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲ (اگر مؤمن باشید، جانشین الهی برای شما بهتر است) سپس حضرت می‌فرماید: من بقیت‌الله و حجت الهی و جانشین خداوند بر شما هستم. آنگاه تمام مردم به او بدین گونه سلام خواهند داد: «السلام عليك يا بقية الله»^۳.

۱. اصول کافی: ج ۱ ص ۵۲۶.

۲. هود / ۸۶.

۳. کمال الدین: ص ۲۲۱.

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا می‌توان به حضرت قائم علیه السلام «امیرالمؤمنین» گفت؟ حضرت پاسخ داد: خیر زیرا این لقب را خداوند به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام داده و هیچ شخصی قبل از او و نه هیچ کسی پس از او به این لقب نامیده نمی‌شود مگر این که کافر بوده باشد. راوی پرسید: پس چگونه به آن حضرت سلام دهیم؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بگویید «السلام علیک یا بقیة الله» سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری در حدیثی می‌گوید: در منزل امام حسن عسکری علیه السلام بودیم که حضرت تشریف آورده و فرزندى را بر گردن خود سوار کرده بودند که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید و حدود سه سال داشت. سپس امام عسکری علیه السلام فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر بزرگواری تو نزد خدا و اولیای او ثابت شده نبود، هرگز این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. همانا نام او نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است... سپس احمد بن اسحاق گفت: مولای من! آیا می‌شود معجزه‌ای بینم تا دلم آرام گیرد و مطمئن شوم؟ آن فرزند به سخن آمد و با زبان عربی فصیح فرمود: من بقیت الله در روی زمینم و از دشمنان او انتقام خواهم گرفت، ای احمد بن اسحاق، پس از این که مرا به چشم خود دیدی، دنبال دیدن آثار نباش!...^۲ (یعنی زمانی که امام حاضر تو، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرا به تو معرفی می‌کند دیگر حجت بر تو تمام است و من امام واجب‌الاطاعه‌ی تو خواهم بود و دیگر نباید تردید به خود راه دهی؛ اما ائمه علیهم السلام همواره در اثبات امامت خود هرگونه راه نفوذ شیطان را بسته‌اند و در بسیاری موارد معجزاتی را صادر نموده‌اند و باعث اطمینان قلوب دوستان و شیعیان و گاهی روسیاهی و شکست دشمنان شده‌اند.)

۱. کافی: ج ۱ ص ۴۱۱.

۲. کمال الدین: ص ۲۸۴.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی مفصل فرمودند: معنی بقیة الله در قرآن، حجت‌های الهی‌اند و نام مهدی علیه السلام است که پس از پایان یافتن مهلت جهان ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد می‌نماید آن گونه که پر از ظلم و جور شده است...^۱

حجة الله بقیة الانبیاء، نور الاصفیاء، غوث الفقراء، خاتم الاوصیاء، نور الاتقیاء، صاحب الكرة البیضاء

یعنی حجت الهی، بازمانده‌ی پیامبران، روشنی برگزیدگان، پناه تهی‌دستان، آخرین وصی پیامبر، نور (وجود) پرهیزکاران، صاحب بازگشتی نیک و روشن.

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمد، جناب حکیمه خاتون - دختر امام جواد علیه السلام - حضرت مهدی علیه السلام را نزد امام حسن عسکری علیه السلام آورد. حضرت دست مبارکش را بر روی طفل خود کشید و فرمود: «سخن بگوی ای حجة الله، بقیة انبیاء، غوث فقراء، خاتم اوصیاء، و نور اتقیاء و صاحب كرة بیضاء! آنگاه حضرت مهدی علیه السلام شهادتین را بر زبان جاری کرد...^۲

امام هادی علیه السلام فرمود: پس از من پسر من حضرت امام حسن عسکری علیه السلام جانشین من خواهد بود؛ اما شما چه خواهید کرد، زمانی که جانشین او به امامت برسد؟ زیرا نه شخص او را خواهید دید و نه نام او را می‌توانید آشکار کنید. راوی پرسید: پس چگونه او را نام ببریم؟! حضرت فرمود: بگویید حجت آل محمد صلی الله علیه و آله.

البته حجت نامی است که به تمامی امامان اطلاق می‌شود، زیرا همه‌ی ائمه علیهم السلام حجت‌های خداوند بر مخلوقاتند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: همواره زمین دارای حجتی الهی است که یا ظاهر است و مردم اطاعتش نمی‌کند و یا غایب است و انتظار او را می‌کشند.^۳

۱. احتجاج طبرسی: احتجاجات امیرالمؤمنین، ۸، شماره‌ی ۱۲۷.

۲. رک: ولادت حضرت.

۳. غیبت نعمانی: ص ۶۸.

اما این نام درباره حضرت مهدی علیه السلام ویژگی خاصی یافته که با گفتن این نام، وجود مبارک حضرت مهدی به یاد انسان می‌آید.

نقش نگین آن جناب نیز «أنا حجة الله و خالصته» است، یعنی «من حجت الهی و برگزیده‌ی خداوند هستم».

خادم امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کند: خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف شدم،... آن حضرت به من فرمود: آیا من را می‌شناسی؟ گفتم: آری. حضرت فرمود: بگو من کیستم؟ گفتم: شما سرور من هستید و پسر مولای من می‌باشید. حضرت فرمود: منظور من این نبود. گفتم: پس بفرمایید مقصود شما از این سؤال چیست. حضرت فرمود: من «من خاتم اوصیا هستم یعنی پس از من امامی نخواهد بود. خداوند به واسطه‌ی من بلا را از خویشان و شیعیان من، که دین مرا برپا می‌دارند برطرف می‌کند.

منتظر

امام محمد تقی علیه السلام فرمود: پس از حسن بن علی العسکری علیه السلام، پسرش امام است. او قائم به حق است و منتظر. او را منتظر می‌نامند. زیرا او زمانی طولانی از میان مردم غایب خواهد شد. در آن غیبت افراد مخلص انتظار آمدنش را می‌کشند؛ ولی شک‌کنندگان او را انکار می‌کنند و کسانی که او را یاد می‌کنند به استهزا خواهند گرفت. کسانی که در آن غیبت برای آمدنش زمانی تعیین کنند، دروغگو خواهند بود. کسانی که در ظهور حضرت شتاب کنند به هلاکت خواهند افتاد و کسانی که تسلیم باشند و در غیبت و ظهور حضرت چون چرا نمی‌کنند هدایت می‌یابند و رستگار می‌باشند.

در دعای ندبه از حضرت با این نام نیز یاد شده است: «این المنتظر لإقامة الأمت و العوج»؛ (کجاست آن کسی که مردم برای اصلاح کژی‌ها و نادرستی‌ها در انتظار او به سر می‌برند) و در زیارت حضرت نیز می‌خوانیم: «السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر»؛ (درود بر قائمی که چشم به راه او هستند و آن عدالت‌گستری که همگان او را می‌شناسند).

غایب

به معنی پوشیده و پنهان است. این نام از القاب بسیار مشهور حضرت مهدی علیه السلام است. غیبت و پنهان بودن از دیدگان مردم، یکی از ویژگی‌های حضرت است که در روایات شیعه و سنی بدان اشاره شده است.

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾^۱ (این کتابی است که هیچ شکی بدان راه ندارد و این کتاب برای پرهیزکاران راهنما و هدایت‌گر است، پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب ایمان دارند) پرهیزکاران در این آیه، شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند، و غیب حضرت مهدی علیه السلام است که از میان خلق پنهان خواهد شد و این سخن خداست که می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾^۲ ([ای پیامبر! کافران] می‌گویند چرا یک نشانه‌ی الهی بر او نازل نمی‌شود [که مردم را به اجبار به ایمان وادارد]؟ بگو: همانا غیب [یعنی حضرت مهدی علیه السلام، همان شخصی است که غایب می‌شود و سپس در آخرالزمان می‌آید و هر کسی که اسلام نیاورد می‌کشد و به جبر و اختیار مردم را به اسلام دعوت می‌کند و این امر] فقط به دست خداست، پس منتظر باشید، ما نیز همراه شما به انتظار آن موقعیت نشسته‌ایم).

اصل

شیخ کشی در کتاب رجال خود در ضمن روایت نامه‌ای از سوی حضرت مهدی علیه السلام، امام را به نام «اصل» می‌نامد. «اصل» نام تمام ائمه علیهم السلام نیز هست زیرا آنان اصل و منبع هر علم و خیر و برکت و فیض هستند و مقصود اصلی از خلقت عوالم آسمانی و زمینی وجود مبارک ایشان است.

۱. بقره / ۲.

۲. یونس / ۲۰.

اوقیدمو

در کتاب «ذخیره الالباب» معروف به «دوائر العلوم» آمده است: اسم حضرت مهدی علیه السلام در تورات به زبان ترکوم «اوقیدمو» است.

ایزد شناس، ایزدن نشان

در کتاب دوائر العلوم آمده است که مجوسیان حضرت را به این دو نام می‌خوانند. شیخ بهایی نیز در کتاب کشکول می‌گوید: فرسیان حضرت مهدی علیه السلام را به این دو اسم می‌نامند.

ایستاده، خداشناس

(ایستاده در عربی به معنای «قائم» است که یکی از نام‌های حضرت به شمار می‌رود) در کتاب «شاکمونی» که یکی از کتب مقدس هندوها می‌باشد، از حضرت مهدی علیه السلام با این دو نام یاد شده است.

امیر الامر، قاتل الکفر، سلطان المأمول

یعنی پادشاه پادشاهان، کشنده‌ی کافران، سلطانی که مردم انتظار آمدنش را دارند. امام صادق علیه السلام در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: ... دجال خروج می‌کند و برای گمراه کردن و فریب دادن مردم بسیار کوشش می‌کند، آنگاه «امیر الامر و قاتل الکفر و سلطان المأمول» خواهد آمد، در آن زمان عقل‌های مردم از غیبت او به حیرت دچار شده‌اند، ای حسین! او نهمین فرزند توست. که در بین رکن و مقام ظهور می‌نماید و بر جن و انس چیره خواهد شد.

احسان، اذن سامعه، آیدی

به معنی بخشش و بخشندگی، گوش شنوا، نعمت‌های الهی.

بئر مَعَطْلَة

به معنی چاه آبی است که از آن آب برداشت نمی‌شود. در حدیثی امام صادق علیه السلام

فرمود:

منظور از آیه‌ی «وَبَشِّرِ مُعْطَلَةَ»^۱ امام غایب است و این مثالی است که خداوند درباره آل محمد ﷺ فرموده است. زیرا در دوران غیبت امام ﷺ مانند سایر ائمه ﷺ که در غیبت به سر نمی‌بردند، مردم نمی‌توانند همیشه و به راحتی از علم امامشان بهره‌مند شوند.

بلد الامین

در کتاب جنات الخلود «بلد الامین» یکی از القاب حضرت مهدی ﷺ شمرده شده است. بلد الامین در لغت به معنای «شهر ایمن» است.

بهرام بندمی یزدان

این نام در کتاب «ایستاع» از نامهای حضرت مهدی ﷺ شمرده شده است.

پرویز

این نام نیز برای حضرت در کتاب «برزین» آمده است.

برهان الله

در کتاب «انکلیون» از اسامی حضرت فرموده‌اند.

باسط

در کتاب‌های «هدایت» و «مناقب» از نام‌های حضرت به شمار آمده و به معنی گسترش دهنده و فراخ کننده است، زیرا فیض و الطاف آن حضرت همچون آفتاب به تمام نقاط گیتی خواهد رسید و هر موجودی از آن بهره‌مند خواهد شد و عدالت حضرت همه جا را فرا خواهد گرفت.

تالی

ابن جوزی در مناقب این نام را از القاب حضرت برشمرده است.

تایید

به معنی نیرو و دادن و قدرت بخشی بر انجام کارهاست. حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور، به قدرت الهی بر هر کاری که اراده کند پیروز می‌شود، و خداوند همواره پیروزی را شامل حال او و یارانش خواهد کرد.

تمام

در کتاب هدایه یکی از نام‌های حضرت را «تمام» یاد نموده است. زیرا حضرت در اوصاف پسندیده، کمال، کردار، شرافت خاندان، شوکت، حشمت، سلطنت، قدرت و رأفت تام و تمام و بی عیب و نقص است و ریاست و خلافت الهی و معجزات و علوم و اسرار پیامبران و اوصیا به او ختم می‌شود.

ثائر

ثائر به معنی کینه خواه و انتقام گیرنده است که جز به خونخواهی و قصاص آرام نمی‌گیرد، و اوست که خون جد خود را مطالبه خواهد نمود.

در دعای ندبه نیز می‌خوانیم: «این الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء، این الطالب بدم المقتول بکربلاء»؛ (کجاست کسی که تقاص خون پیامبران را می‌گیرد و انتقام پسران انبیاء را می‌ستاند، کجاست آن کسی که برای کشتگان دشت کربلا به خونخواهی برمی‌خیزد)

جعفر

در کتاب کمال الدین در حدیثی آمده است که حضرت مهدی علیه السلام، محمد نام دارد و کنیه‌ی ایشان جعفر است.

جمعه

در روایتی امام هادی علیه السلام درباره حدیثی نبوی فرمود: «با روزها دشمنی نکنید» یعنی روزهای هفته هر کدام به امامی از امامان منسوب است و روز جمعه حضرت قائم علیه السلام است.^۱

جابر

جابر در لغت به معنای اصلاح کننده شکستگی‌ها است و یکی از نام‌های حضرت است، زیرا فرج اعظم، گشایش همه‌ی کارها، ترمیم همه‌ی دل‌های شکسته، خرسندی همه‌ی دل‌های پژمرده و اندوهگین و شفای تمام دردها به دست اوست.

خُنْسُ جَوَارِ الْكُنْسِ

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنْسِ * الْجَوَارِ الْكُنْسِ﴾^۲ (چنین نیست [که کافران می‌پندارند] قسم به ستارگان بازگردنده، که به گردش درآیند و در مکان خود رخ پنهان کنند)؛ امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود از این ستاره، امامی است که در سال دویست و شصت از دیده‌ها پنهان شود و دوباره مانند شهابی درخشان در شب تاریک آشکار می‌شود.

حق

«حق» نیز در برخی کتب از القاب حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده. امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۳ (ای پیامبر بگو: حق آمد و باطل رفت، همانا باطل رفتنی است) زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌نماید، باطل به کلی رخت برمی‌بندد و از بین می‌رود. در زیارت حضرت مهدی علیه السلام نیز با این اسم به حضرت سلام می‌دهیم «السلام علی الحق الجدید»

۱. مفاتیح الجنان: دعای ایام هفته.

۲. تکویر ۱۵/ و ۱۶.

۳. اسرا/ ۸۱.

حجاب

این اسم به معنی پرده دار حریم قدس الهی است. چنانکه در زیارت حضرت می‌خوانیم: «السلام علی حجاب الله الازلی القدیم» (سلام بر پرده‌دار خداوند، خدایی که نه برای او ابتدایی است و نه انتهایی)

حمد، حامد

این دو اسم در کتاب «هدایه» در نام‌های حضرت یاد شده است.

حاشر

در کتاب «تذکره‌الائمة علیهم‌السلام» می‌نویسد: در صحف ابراهیم علیه‌السلام نام حضرت مهدی علیه‌السلام حاشر است. حاشر به معنی برانگیزاننده و جمع‌کننده است و شاید این نام اشاره به زنده شدن بعضی افراد به دست حضرت، در زمان رجعت باشد^۱ و یا اینکه دنیا در زمان حضرت بر ایمان متحد شده و همه‌ی سخن‌ها بر اعتقاد اسلامی جمع می‌شد و همه‌ی مردم بر یک مذهب حقه خواهند بود.

خاتم‌الائمة

خاتم‌الائمة به معنی آخرین امام است. در کتاب «جنات‌الخلود» یکی از القاب آن جناب آمده است.

خجسته

در کتاب «ذخیره» یاد می‌کند که نام حضرت در کتاب «کندر» آل فرنگیان خجسته یاد شده است.

۱. رک: انتقام، رجعت.

خسرو

خسرو یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام است که در کتاب جاویدان مجوسیان، به این نام خوانده شده است.

خازن

در کتاب «هدایه» این نام ذکر شده است.

خلف خلف صالح

به معنی جانشین نیک و درستکار است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: خلف صالح از فرزندان ابومحمد حسن بن علی علیه السلام است و او صاحب الزمان و مهدی می‌باشد. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خلف صالح از فرزندان من است. او همان مهدی است که نامش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است. او در آخرالزمان خروج خواهد کرد. او جانشین تمام پیامبران و اوصیای پیش از خود می‌باشد، علوم و فضایل همه‌ی آنان در او جمع است و میراث انبیا که دست به دست رسیده، نزد او خواهد بود.

خلیفه الله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام قیام خواهد کرد، در حالی که ابری بر سر او سایه می‌افکند و از آن ابر صدایی به گوش می‌رسد که می‌گوید: «این مهدی است، که خلیفه الله است، پس از او پیروی نمایید»

داعی، داعی الله

یعنی دعوت کننده به سوی خدا. حضرت مهدی علیه السلام این مهم را تا جایی پی می‌گیرد که دیگر در روی زمین جز مسلمان باقی نخواهد بود. در زیارت آن جناب می‌خوانیم: «السلام علیک یا داعی الله».

راهنما

در کتاب «باتنکل» که نوشته‌ی یکی از بزرگ‌ترین علمای غیر مسلمان است، به وجود و ظهور حضرت بشارت‌هایی داده و نام آن جناب را «راهنما» یاد کرده است.

رب الارض

یعنی «پرورنده و مالک زمین». در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۱ (زمین به نور رب خود نورانی می‌شود) رب الارض به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است که در زمان ظهور خود جهان را به نور الهی خویش روشن می‌کند، تا جایی که مردم دیگر به ماه و خورشید نیازی ندارند و جهان یکسره نورانی است و ظلمت برچیده می‌شود.

زند افریس

در کتاب «ماریاقین» که از کتب زرتشت یا صحف ابراهیم علیه السلام است، حضرت بدین نام نامیده شده است. برخی نیز «افریس» گفته‌اند.

سروش ایزد

این نام در کتاب «زمزم» زرتشتیان برای حضرت گفته شده است.

سِدْرَةُ الْمُنتَهَى، سناء، سبیل، ساعة

این چهار نام در کتاب هدایة از القاب حضرت یاد شده است. سِدْرَةُ الْمُنتَهَى نام درختی است در سوی راست عرش الهی که فرشتگان و مؤمنان برتر از آن نمی‌توانند اوج بگیرند و کسی جز اهل بیت علیهم السلام از ماورای سِدْرَةُ الْمُنتَهَى خبر ندارد. سناء به معنای بلندی و برتری و درخشندگی است. سبیل به معنای شاهراه است و حضرت شاهراه رسیدن به حق و حقیقت است، و راهی جز او برای وصول به حق نیست. «ساعة» به

معنی هنگام بر انگیخته شدن قیامت یا زمان وقوع ظهور است. زیرا در قرآن کریم آیات بسیاری هست که در آن واژه‌ی «ساعة» به کار رفته است و در تأویل این آیات فرموده‌اند که منظور از ساعة حضرت مهدی علیه السلام و ظهور ایشان است. از جمله آیات **﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾**^۱ (از تو [ای پیامبر] درباره ساعت می‌پرسند که چه وقتی فرا می‌رسد). **﴿وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾**^۲ (همانا علم ساعت در نزد اوست). **﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾**^۳ (آیا جز ساعت، انتظار چیز دیگری را دارند که ناگاه بر آنان فرا رسد، در حالی که آنان در غفلت و بی‌خبری هستند). **﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ﴾** **﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾**^۴ (تو چه می‌دانی! شاید ساعت بسیار نزدیک باشد، آنان که ایمان ندارند در وقوع ساعت عجله می‌کنند، اما کسانی که ایمان آورده‌اند از آن روز در هراس‌اند و می‌دانند که چنین روزی به یقین خواهد بود. آگاه باشید! کسانی که در ساعت جدل می‌کنند سخت در گمراهی گرفتارند). امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: آنان که در ساعت جدل می‌کنند، کسانی هستند که از روی انکار می‌گویند: قائم علیه السلام کی متولد شده است؟ چه کسی او را دیده است؟ کی ظهور می‌کند؟

در روایتی امام حسن مجتبی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا، حضرت قائم اهل بیت علیهم السلام کی قیام خواهد کرد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: ای حسن! به درستی که ظهور حضرت قائم علیه السلام همانند ساعت قیامت است که خداوند زمان آن را

۱. اعراف/۱۸۷.

۲. زخرف/۸۵.

۳. زخرف/۶۶.

۴. شوری/۱۷ و ۱۸.

مخفی داشته است و احدی از اهل آسمان و زمین بدان آگاهی ندارند. هرگاه که ظهور حضرتش فرارسد، بی خبر و ناگهانی خواهد آمد.

سید

به معنی سرور و آقا و بزرگ قوم است. در برخی روایات، زمانی که شیعیان می‌خواهند نام حضرت مهدی علیه السلام را ببرند، از ایشان با نام سید یاد می‌کنند.

شماطیل

در کتاب «ذخیره» می‌فرماید که نام حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «ارماتش» شماطیل است.

شرید

این لقب به طور مکرر از سوی اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و امام باقر علیهما السلام وارد شده است. شرید به معنی رانده شده است. یعنی حضرت از سوی مردمی بدبخت رانده می‌شود که نه او را می‌شناسند و نه قدر نعمت وجود مبارکش را می‌دانند و در مقام شکرگذاری و ادای حقوق آن جناب برنمی‌آیند، بلکه زمانی که از کشتن ایشان و از بین بردن ذریه‌ی پاک امامت ناامید شدند، با زبان و قلم او را نفی کردند و در پی بیرون راندن حضرت از دل‌های مؤمنین برآمدند و کتاب‌ها برای نفی تولد حضرت و نبودن آن جناب نوشتند، تا مگر بدین روش یاد و خاطره‌ی حضرت را از میان ببرند.

حضرت مهدی علیه السلام به ابراهیم بن علی مهزیار فرمود: پدرم به من وصیت نموده که در روی زمین، جز مخفی‌ترین جای‌ها و دروترین مکان‌ها مأوی نگیرم، تا از دیدگان دورتر باشم و از گزند گمراهان در امان باشم، زیرا هر کدام از اولیای الهی را دشمنی ستیزه‌جو و غلبه‌کننده است.

صاحب

صاحب از القاب مشهور است که علمای رجال تصریح کرده‌اند که یکی از نام‌های حضرت قائم علیه السلام است و در کتاب «ذخیره» می‌گوید که از نام‌های حضرت مهدی علیه السلام در صحف ابراهیم «صاحب» است.

صاحب الزمان صاحب الرجعة

به معنی فرمانروا و حکمران الهی است که در زمان خود از سوی خداوند معین شده است. در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود: پیش از آن که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، جایز نیست که کسی نام مخفی حضرت مهدی علیه السلام (محمد) را ببرد، بلکه اگر با القاب مختلف مثل صاحب الزمان و صاحب الرجعة از او یاد کنند، جایز خواهد بود، تا دشمنان او را نشناسند.

صاحب الرجعة یعنی امامی که در زمان او بسیاری از مردم دوباره زنده خواهند شد و به دنیا باز خواهند گشت و او کسی است که دوباره پس از مرگ رجعت خواهد کرد.

صاحب الغیبه

دارنده‌ی غیبت و کسی که از دیده‌ی خلائق پنهان خواهد بود.

صاحب السیف

به معنی دارنده‌ی شمشیر است. امام صادق علیه السلام فرمود: همه‌ی ما یکی پس از دیگری «قائم» و برپادارنده‌ی امر الهی هستیم و این تا زمانی که «دارنده‌ی شمشیر» قیام کند ادامه خواهد داشت. زمانی که «صاحب شمشیر» آمد، امر و دستوری غیر از آنچه از قبل بوده است خواهد آورد (زیرا سایر ائمه علیهم السلام در زمان امامت خود مأمور به صبر کردن و تقیّه نمودن شده بودند، اما حضرت قائم علیه السلام مأمور به جهاد و براندازی ستم خواهد بود)^۱

صاحب الدار

به معنی صاحب خانه‌ی امامت و نبوت، یا صاحب خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام است. در روایتی امام عصر علیه السلام می‌فرماید: من «صاحب الدار» هستم.

صاحب الناحیه

ناحیه در اصطلاح به مکانی گفته می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری در آن جا بودند و گاه «ناحیه‌ی مقدسه» نیز گفته می‌شود. و از برخی روایات استفاده می‌شود که این لقب بر امام حسن عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام نیز گفته می‌شود.

صاحب العصر

این لقب از القاب بسیار مشهور حضرت مهدی علیه السلام است.

صاحب الدولة الزهراء

در کتاب «هدایه» از القاب حضرت شمرده شده است و به معنی صاحب فرمانروایی درخشانده و نوارنی است. شاید منظور حکومت حضرت زهراء علیها السلام باشد، زیرا حکومت آخرالزمان حکومت اهل بیت علیهم السلام بر عالم است. حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام راز خلقت اهل بیت عصمت و طهارت است زیرا در حدیثی قدسی خداوند می‌فرماید: «لولاک لما خلقت الافلاک و لو لا علی لما خلقتک و لو لا فاطمه لما خلقتکما»؛^۱ (ای محمد! اگر تو نبود، من آسمان و زمین را نمی‌آفریدم، و اگر علی نبود، تو را نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه نبود، شما را نمی‌آفریدم.) بنابراین با توجه به اینکه سر خلقت ائمه علیهم السلام حضرت زهراء علیها السلام است، حکومت حق‌هی آنان نیز به برکت حضرت زهراء علیها السلام خواهد بود.

۱. الجنة العاصمة، ص ۱۴۹ با اندک تفاوت در واژه‌ها؛ ضیاء العالمین، ص ۱۸۷ و کشف اللئالی عن جابر بسند وثیق وفي ذیلہ سم قال جابر هذا من الاسرار التي امرنا رسول الله صلى الله عليه و آله بكتمانه الا عن اهله. ملتقى البحرين، ص ۱۴، و الجنة العاصمة، ص ۱۴۹ و مجمع البحرين.

صالح

مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب شریف حدیقة الشیعه می‌فرماید: یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام «صالح» است.

صاحب الامر

یکی از القاب مشهور حضرت مهدی علیه السلام است و به معنی عهده‌دار امر امامت الهی و دارنده‌ی مقام خلیفة اللهی است.

صمصام الاکبر

به معنای «برترین شمشیر» است. در کتاب ذخیره نقل شده است که صمصام الاکبر یکی از نام‌های حضرت مهدی علیه السلام است که در کتاب «کندرال» آمده است.

صداق صراطه ضیاء

به معنی راستی، راه و روش (حق)، نور و درخشش است. در کتاب «هدایه» هر سه از نام‌های حضرت یاد شده‌اند.

طالب التراث

به معنی میراث خواه است، یعنی حضرت قائم علیه السلام همان شخصی است که ظهور می‌نماید و میراث غارت شده و غصب شده‌ی ائمه علیهم السلام را از ستمگران باز می‌ستاند.

عالم عدل

در کتاب «ذخیره» و کتاب مناقب آمده که این دو نام از القاب حضرت مهدی علیه السلام است. یکی از ویژگی‌های مهمی که به طور متواتر در روایات برای ظهور حضرت وارد شده است، عدل آن جناب است،^۱ در دعای ندبه نیز می‌خوانیم «السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر».

۱. رک: عدل.

غریم

غریم به معنای بستانکار است. این نام را شیعیان در زمان تقیه به کار می‌بردند و حضرت را با این نام یاد می‌کردند، زیرا اموال بسیاری از حضرت در دست ستمگران بود.

غوث

این نام از القاب خاصه‌ی حضرت است و به معنای پناه و پناهگاه می‌باشد.

غایه‌القصوی غایه‌الطالبین

این دو لقب به معنای هدف بلند مرتبه و دور دست، و هدف اصلی جویندگان (حقیقت) می‌باشد.

خلیل

در کتاب ذخیره‌الالباب از القاب حضرت مهدی علیه‌السلام شمرده شده است.

فجر

به معنای صبح است. امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: ﴿حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾^۱ فرمود: حتی مطلع‌الفجر یعنی تا زمانی که قائم علیه‌السلام قیام نماید.

فردوس‌الاکبر

به معنای برترین بهشت است و نام حضرت در کتاب قبرس رومیان می‌باشد.

فیروز

فیروز نام حضرت مهدی علیه‌السلام نزد «آمان» است.

فرخنده

در کتاب حضرت شیخ علیه السلام نام حضرت مهدی علیه السلام فرخنده است.

فرج المؤمنین، فرج الأعظم، مفرج الأعظم، فتح

این سه لقب به معنی گشایش کار مؤمنین، بزرگترین گشایش (بزرگترین گشایش دهنده)، پیروزی است. این سه واژه در کتاب هدایه از القاب حضرت برشمرده شده است.

در تفسیر آیهی ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ «نصرت و یاری الهی و پیروزی به معنای قیام و پیروزی حضرت قائم علیه السلام تفسیر شده است.

فقیه

فقیه به معنای آگاه، عالم، دانای به احکام الهی است. گاهی شیعیان حضرت مهدی علیه السلام را با این نام یاد می‌کنند.

فیدموا

توصیفی است که به زبان عبری از حضرت مهدی علیه السلام در تورات آمده است و بدین معنی است: او کسی است که از پدر و مادر خود مخفی خواهد شد و به دستور الهی غایب خواهد شد و احکام الهی را برپا خواهد کرد.

قابض، قیامت، قسط، قوه، قطب

در کتاب هدایه، حضرت بدین القاب نامیده شده است. این واژه‌ها به معنای گیرنده (ی حقوق ستمدیگان)، رستاخیز، دادگری، نیرومندی، پیشوا است.

در حدیثی آمده است که دنیا هیچ‌گاه از قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیبو سیصد و شصت صالح خالی نخواهد بود که قطب همان حضرت مهدی علیه السلام است.

قائم الزمان

یعنی کسی که برپا دارنده‌ی زمان است، یا کسی که در حال حاضر امام است. در حدیثی قصه‌ی ملاقات حضرت مهدی علیه السلام با شخصی از قبیله‌ی ازد بیان شده است که حضرت خود را با این نام به آن فرد ازدی معرفی می‌نماید.

قیم الزمان

به معنی برپا دارنده‌ی زمان است. زیرا به برکت وجود امام است که زمین و زمان برپاست و بدون وجود او تمام عالم دگرگون خواهد شد. در احادیث بسیاری وارد شده است که «لو خلت الارض من حجة طرفة عین لساخت باهلها»^۱ یعنی اگر زمین لحظه‌ای بدون حجت الهی باقی بماند، ساکنان خود را فرو خواهد برد.

قاطع

به معنی جدا کننده (ی حق و باطل) و نابود کننده (ی ستمگران) است.

کاشف الغطاء

بر طرف کننده‌ی حجاب‌های درونی انسان و حجاب‌های زمینی و آسمانی. در روایاتی که اوضاع عالم پس از ظهور را بیان می‌کند، آمده است که مردم آن دوران بی پرده با ملائکه و جنیان سخن می‌گویند و افراد از مکان‌های دور همدیگر را رو در رو می‌بینند و با هم سخن می‌گویند و با یکدیگر سخن می‌گویند و با طی الارض و در یک لحظه در زمین جابجا می‌شوند و چیزی مانع دیدن و جابجایی آنان نمی‌شود.

کمال کلمة الحق

دو نام از القاب حضرت است که در کتاب هدایه و کتاب ذخیره آمده است.

کیقباد دوم

این نامی است که مجوسیان و گبرهای عجم بر آن حضرت نهاده‌اند و به معنای «عادل و برحق» است

کوکما

در کتاب «نجتا» این نام از القاب حضرت مهدی علیه السلام است.

کار

کار به معنای کرار و تکرار کننده است، و به معنی بازگشت کننده و رجعت کننده نیز هست. کرار یکی از القاب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. زیرا او پی در پی در جنگ‌ها به دشمن یورش می‌برد و هرگز به جنگ پشت نمی‌نمود و فرار نمی‌کرد. کار به معنی بازگشت کننده نیز بدان حضرت اطلاق می‌شود، زیرا در روایات رجعت بسیار ذکر شده که هر امامی پس از اینکه از دنیا می‌رود، دوباره به دنیا باز خواهد گشت. معنای دیگری که برای این واژه می‌توان گفت، رجعت دهنده‌ی گروهی از مردگان است. امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام از پشت کوفه از وادی السلام، بیست و هفت نفر را به دنیا باز می‌گرداند.

لواء اعظم

لواء اعظم یعنی بزرگ‌ترین پرچم و پرچمی که تمام پرچم‌ها و تمام گروه‌ها در مقابل او محکوم به شکست باشند.

ندیطارا

در کتاب هزارنامه‌ی هند، حضرت را بدین نام یاد کرده است.

لسان صدق

یعنی زبانی که به حق گویاست.

ماشع (ماشیح)

یکی از اسماء حضرت است که در تورات آمده است.

مهمید

نام حضرت در انجیل است.

مسیح الزمان

یعنی کسی که در زمان حاضر همچون مسیح عمل می‌کند و معجزات عیسی به دست او ظاهر می‌شود و این نام حضرت است در کتاب فرنگیان.

میزان الحق

میزان الحق یعنی وسیله‌ی سنجش حق و تشخیص آن از باطل. در کتاب آژی پیامبر، حضرت بدین نام خوانده شده است.

منصور

به معنی یاری شده است. در کتاب مقدس برهمنائیان «دید براهمه» نام حضرت مهدی علیه السلام منصور یاد شده است. در زیارت عاشورا نیز حضرت را به این لقب یاد می‌کنیم: «فأستل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله»؛ (من از خدایی که مقام رفیع تو را ارج نهاده و مرا نیز مورد اکرام قرار داده است می‌خواهم، که خونخواهی تو را نصیبم گرداند تا با امام منصور از خاندان محمد صلی الله علیه و آله به خونخواهی برخیزم)

نیة الصابرين

به معنی «هدف افراد بردبار» است. یعنی صابرين برای رسیدن به او رنج‌ها را به دوش می‌کشند.

منتقم

منتقم به معنای حق ستان و انتقام گیرنده است. در حدیث معراج رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید که مهدی عجله الله همان انتقام گیرنده از ستم کاران است. در روایتی حضرت قائم عجله الله که در سن سه سالگی بودند به احمد بن اسحاق قمی فرمودند: «من بقیت الله در روی زمین هستم و من انتقام گیرنده از دشمنان الهی هستم». در دعای ندبه نیز می‌خوانیم: «کجاست آن کسی که به خونخواهی پیامبران و فرزندان آن‌ها برمی‌خیزد و قاتلین سیدالشهدا حسین بن علی عجله الله را قصاص می‌کند». رسول خدا ﷺ در روز غدیر فرمود: آگاه باشید که مهدی عجله الله انتقام گیرنده از ظالمان است! آگاه باشید که او برای هر خون به ناحق ریخته‌ای از اولیای خدا، به خونخواهی برمی‌خیزد.^۱

مؤمل

امام حسن عسکری عجله الله فرمود: زمانی که حضرت حجت عجله الله متولد شد، ستمگران گمان کردند با کشتن من نسل مرا قطع می‌کنند، اما قدرت خداوند را چگونه دیدند (که نسل مرا باقی گذاشت). آن‌گاه حضرت را مؤمل نامید. یعنی کسی خلائق آرزوی دیدن او را دارند و انتظار آمدنش را می‌کشند.

ماء معین

به معنی آب روان می‌باشد. امام باقر عجله الله درباره این آیه فرمود: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۲ (ای پیامبر بگو اگر آب شما فرو رود، چه کسی می‌تواند آب برای شما بیاورد؟) این آیه درباره‌ی حضرت قائم عجله الله نازل شده است، و معنی آن این است: اگر امام شما غایب شود و ندانید که او در کجا قرار دارد، پس چه کسی می‌تواند امامی آشکار بیاورد که خبرهای آسمان و زمین را به شما بگوید و حلال و

۱. بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۱۱.

۲. ملک/۳۰.

حرام الهی را برای شما بیان کند.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نیامده است و پس از این به یقین خواهد آمد.

موعود

یعنی شخصی که وعده‌ی آمدنش داده شده است. در زیارت آن جناب می‌خوانیم: «السلام علی المهدی، الذی وعد الله به الامم»؛ (سلام بر مهدی، آن شخصی که خداوند تمام امت‌ها را به آمدنش وعده داده است).^۱

منجی

این لقب به خاطر ویژگی‌های خاصی است که برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام گفته شده است، ویژگی‌های خاصی که حکایت از نجات بشر از ظلم‌ها و ستم‌ها و نادانی‌ها می‌کند.^۲

مظهر الفضایح

آشکار کننده‌ی رسوایی‌ها و بدنامی ستمگران.

مبلی السرائر

یعنی کسی که درون انسان‌ها را می‌آزماید و حقیقت آدمیان را آشکار می‌کند.

مبدأ الآیات

به معنی «جایگاه بروز نشانه‌های خداوندی» یا «ظاهر کننده‌ی نشانه‌های الهی» است.

محسن، منعم، مفضل

یعنی نیکی کننده، نعمت بخش، فزونی بخش نعمت‌ها.

۱. رک: موعود و منجی آخرالزمان.

۲. رک: موعود و منجی آخرالزمان.

منان

یکی از اسماء الهی است و به معنای کسی است که بسیار نعمت بر خلائق عطا می‌کند. این اسم نیز از القاب حضرت شمرده شده است.

موتور

یعنی کسی که پدر او را کشته‌اند و هنوز خونخواهی او را نموده است. در حدیثی امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابامحمد! حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد کرد در حالی که موتور است و (هنوز از شهادت پدران خود) خشمناک است. لباسی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد پوشیده بود و خون آن جناب بر آن جاری شده است، برتن دارد.

سوشیانس

در کتاب «زند» و «هومن سین» که از کتب مقدسه‌ی زرتشتیان است، نام منجی آخرالزمان سوشیانس می‌باشد و به معنی «نجات دهنده‌ی بزرگ» است.^۱

مدبر، مامور، مقدره مامور

یعنی تدبیر کننده (امور خلائق)، مأمور (الهی)، نیرومند و قدرت‌مند، کسی که همگان انتظار آمدنش را دارند.

مضطر

یکی از القاب حضرت مضطر است که در این آیه‌ی شریفه آمده است: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾؛^۲ (کیست آن کسی که خواهش مضطران را به هنگام دعا کردنشان مستجاب کند و سختی‌ها و ناخوشی‌هایش را

۱. موعود نامه: ص ۳۷۷.

۲. نمل/۶۲.

برطرف سازد، و شما را جانشینان [خداوند بر روی] زمین قرار دهد.) و مضطر در این آیه به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است.

ناحیمی مقدسه

این نام از القابی بوده که در زمان غیبت صغری شیعیان به کار می‌بردند و برای تقیه از دشمنان، حضرت را به این نام می‌خواندند.

واقیدما

به لغت عبری به معنی کسی است که مدتی طولانی غایب باشد، و در تورات یکی از اوصاف و القاب حضرت شمرده شده است.

هادی

به معنی هدایت گراست و یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام است.

یدالباسطه یمین

به معنی دست گشوده و دست تواناست و از القاب حضرت می‌باشد.

اصحاب کهف

اصحاب کهف گروهی از افراد مؤمن بودند که از دست پادشاه کافر و ظالم خود به غاری پناه بردند. خداوند آنان را به خوابی طولانی برد. آنان به گونه‌ای معجزه‌آسا، پس از چند قرن خوابیدن بیدار شدند و پس از مدتی دوباره به خواب فرورفتند. اصحاب کهف از یاران حضرت قائم علیه السلام خواهند بود و در زمان رجعت باز خواهند گشت.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت قائم علیه السلام در پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر را ظاهر خواهد کرد (و به دنیا رجعت خواهد داد). پانزده نفر از بنی اسرائیل که به حق راهنمایی می‌کردند و عدالت می‌ورزیدند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه‌ی انصاری، مقداد و مالک اشتر نخعی. آنان به یاری حضرت خواهند

آمد و از سوی حضرت به امارت منصوب خواهند شد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در ماه مبارک رمضان دو صدا شنیده خواهد شد. ندایی از سوی حق در صبح و ندایی از سوی باطل در عصر... سپس خداوند اصحاب کهف را با سگ‌شان بیدار نموده و از غار بیرون می‌آیند. نام دو تن از آنان «ملیخا» و «خملاها» می‌باشد.^۲

داستان اصحاب کهف یکی از زیباترین و پندآموزترین قصص قرآنی است که در سوره‌ی کهف آمده است، در این سوره سرگذشت این افراد و چگونگی بیدار شدن‌شان بیان شده است.

اصهب

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اولین زمینی که (در حوادث قیام قائم علیه السلام) خراب می‌شود، شام (سوریه) است و این در زمانی است که سه گروه با هم جنگ کنند؛ گروهی به سرکردگی اصبه و گروهی به فرماندهی ابقع و لشکر سفیانی.^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ای بُرَید! از شر اصبه بر حذر باش. برید پرسید: اصبه کیست؟ حضرت فرمود: ابقع. برید سؤال کرد: ابقع چه کسی است؟ حضرت پاسخ داد: اَبْرَص است، هم‌چنین از سفیانی پرهیز و نیز از شر دو نفر که از اولاد فلان هستند و به مکه می‌آیند و اموالی را در آنجا تقسیم می‌کنند و خود را شبیه به حضرت قائم علیه السلام می‌سازند، و نیز از عده‌ای از آل محمد که اعمال شاذ و نادر از آنان سر می‌زند پرهیز کن.^۴

اصهب از سرزمین جزیره قیام می‌کند و اولین شخصی که در وقایع قبل از قیام

۱. وافی: ج ۲ ص ۱۱۳، رک: رجعت.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۷۵.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۲.

۴. همان ص ۲۶۹ و یاقوتی: ص ۷۴.

حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند و سرزمینی‌هایی را تصرف می‌کند، اصهب است.^۱ از مجموع روایات درباره اصهب و ابقع استفاده می‌شود که این دو نفر با سفیانی نبرد می‌کنند و از سفیانی در قرقیسا - که منطقه‌ای بین سوریه و عراق و ترکیه می‌باشد - شکست می‌خورند که این جنگ از جنگ‌های بزرگ و مهم قبل از ظهور است. در بعضی روایات اصهب و ابقع یک نفر معرفی شده‌اند و در بعضی روایات قیام ابقع را از مصر تعیین کرده‌اند. آنچه مسلم است، باید در زمان قبل از ظهور شیعیان خود را از شر و فتنه‌ی اصهب و ابقع و سفیانی در امان بدارند و خود را داخل فتنه‌ی آنان نکنند، و نیز داخل در گروهی که به بهانه‌ی نسبت با خاندان رسول خدا، کارهایی خلاف عرف و اعمالی نادر و شاذ انجام می‌دهند نشوند.

ام ایمن

ام ایمن در ابتدا کنیز آمنه، مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و پس از وفات ایشان، کنیز رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. او در دوران کودکی پیامبر دایه‌ی ایشان بود. پیامبر نسبت به او محبت فراوانی داشت و می‌فرمود: «ام ایمن در حکم مادر من است و جزو خانواده‌ی من به حساب می‌آید!» او دو بار هجرت کرد، یکی به حبشه و دیگری به مدینه. رسول خدا پس از وفات حضرت خدیجه او را آزاد کرد. حضرت زهرا علیها السلام هنگام دادخواست فدک، او را شاهد خود معرفی کرد. امام باقر علیه السلام فرمود: «من گواهی می‌دهم که او از اهل بهشت است.»

او به واسطه‌ی ایمان خویش، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به این جهان باز خواهد گشت و به همراه زنانی دیگر جزو یاران آن حضرت خواهد بود.^۲

۱. یاتی: ص ۷۴.

۲. رک: رجعت، زنان.

امت رسول الله ﷺ

امام باقر علیه السلام فرمود: پس از وفات حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل به هفتاد و یک گروه تقسیم شدند که تنها یک دسته از آنان بر عقیده‌ی درست بوده و مابقی گروه‌ها اهل دوزخ بودند. همچنین پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام، پیروان او به هفتاد و دو گروه منشعب می‌شوند که فقط یک گروه از آنان نجات یافته و بقیه در آتش خواهند بود. این امت (یعنی امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله) نیز پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد سه فرقه خواهند شد، که از آنان، سیزده فرقه گمان می‌کنند که محبت و ولایت ما اهل بیت را دارا هستند و تنها یک فرقه به بهشت خواهند رفت، و بقیه راه‌شان به جهنم منتهی می‌شود. در روایتی نظیر همین حدیث فرمود: فقط کسانی از این امت اهل نجات خواهند بود که به روش من عمل کنند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امت من به هفتاد و چند فرقه تقسیم می‌شوند و بزرگترین فرقه آنان کسانی‌اند که با قیاس کردن حکم می‌کنند و حرام‌ها را حلال و حلال‌ها را حرام می‌کنند.^۲

امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا علیه السلام فرمود: باید مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر کنند، در غیر این صورت انسان‌های بد بر شما حکومت می‌کنند و در آن روز خوبان شما دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود.^۳

امام باقر علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از انسان‌های شایسته‌ی اهل بیت من پیروی نکنند،

۱. روضه کافی: ج ۲۳۸

۲. حنفیان که فرقه‌ای از فرقه‌های اسلامی هستند، احکام خود را با قیاس صادر می‌کنند. یأتی: ص ۷۶.

۳. کافی: ج ۵ ص ۵۶ و یأتی: ص ۸۹.

خداوند افراد بدی را بر آنان مسلط خواهد کرد؛ در آن روز انسانهای خوب دعا کنند، اما دعایشان مستجاب نشود.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: در آخرالزمان گروهی خواهند آمد که از ریاکاران پیروی می‌کنند، و خواندن قرآن و عبادت را برای خود واجب می‌دانند، اما جاهل و نادانند. امر به معروف و نهی از منکر را فقط در زمانی واجب می‌دانند که گزندى به آنان نرسد و برای خود عذر تراشی می‌کنند و کج‌روی علما و کردار ناپسند ایشان را پیروی می‌کنند. و نماز و روزه را در اوقاتی که ضرری به آنها نرسد به پا می‌دارند، و اگر بر مال و جان‌شان ضرری داشته باشد، آن را نیز ترک می‌کنند، آن‌گونه که مهم‌ترین واجبات را ترک کردند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی خواهد آمد که شخصی سخن حق گفته و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، اما دیگری برمی‌خیزد و او را نصیحت می‌کند که این سخنان را مگوی زیرا بر تو واجب نیست.^۳

در روایتی آمده است که (در آخرالزمان) کسی که امر به معروف کند ذلیل و خوار می‌شود و کسی که مرتکب گناه بشود مورد ستایش دیگران قرار می‌گیرد.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی خواهد آمد که مردم در ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر یکی شده‌اند (و ترک آن همگانی شده است) و روی گردانی از دین فراگیر شده و بی‌دینی در میان دانا و غیردانا گسترش یافته است.^۵

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کردند و فرمودند: زمانی خواهد آمد که

۱. کافی: ج ۲ ص ۳۷۴.

۲. کافی: ج ۵ ص ۵۵.

۳. یأتی: ص ۹۰.

۴. موعودنامه: ص ۱۲۱.

۵. کافی: ج ۸ ص ۴۱.

زن‌ها به فساد و جوانان به فسق روی می‌آورند. امر به معروف و نهی از منکر نکنند! سؤال کردند: آیا واقعاً این پیش‌بینی رخ می‌دهد؟! فرمود: بلی، بلکه بدتر هم خواهد شد، امر به منکر و می‌کنند و از معروف باز می‌دارند! سؤال کردند: آیا حقیقاً این واقعه روی خواهد داد؟! فرمود: بلی، بلکه خواهید دید که چگونه معروف به منکر، و منکر به معروف تبدیل می‌شود!^۱

امنیت

رسول خدا ﷺ فرمود: دو نعمت ناشناخته‌اند، تا زمانی که آن‌ها را از دست بدهید؛ یکی امنیت و دیگری سلامتی.^۲ امنیت موهبتی است الهی که بشر برای ادامه‌ی زندگی همواره به آن نیاز دارد. شریعت‌های الهی که به دست انبیاء ﷺ برای انسان‌ها قرار داده شده است، حاوی قوانینی است که این ویژگی‌ها را بر یک جامعه‌ی مدنی حاکم کند. از این روست که با اجرای تمام احکام دین، همان مدینه‌ی فاضله‌ای که آرمان بشر صالح است، ایجاد خواهد شد. این امر از زمان پیدایش بشر به طور کامل در هیچ برهه‌ای به وقوع نپیوسته است. یکی از آثار پربرکت ظهور منجی آخرالزمان، برقراری امنیت در تمام عالم است، به طوری که گوشه‌ای از زمین را نمی‌توان یافت که در آن ناامنی و ترس بوده باشد و این امر زمانی روی خواهد داد که بشر با اعمال جهل و نادانی خویش چنان عرصه دنیا را بر خود تنگ کرده است که سرتاسر دنیا از ظلم و ستم پر شده است. بشر با اتکا به اندیشه‌ی ناقص خویش قوانینی را اتخاذ می‌کند که پس از چندی به ناکارآمدی آن پی می‌برد، و سپس قانونی دیگر را به بوته تجربه می‌برد، و این آزمون و خطاها پیوسته تکرار می‌شود. اینجاست که به اهمیت دستورات اسلام می‌توان پی برد، دستوراتی که خالق انسان با توجه به نیاز حقیقی بشر معین نموده است و حضرت

۱. کافی: ج ۵ ص ۵۹، یأتی: ص ۳۰۲.

۲. روضة الواعظین: ج ۲ ص ۴۷۲.

حجت علیه السلام پس از ظهور آنها را مو به مو اجرا می‌کند و امنیت و عدلی جهان‌گستر را در پهنه‌ی گیتی می‌گستراند. با توجه با این امر روایاتی که در موضوع امنیت وارد شده است، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ یکی روایاتی که عدم امنیت و ترس و ستم را قبل از ظهور بیان می‌کند و دیگر روایاتی که ایجاد امنیت به دست امام زمان علیه السلام را پس از ظهور و پس از مستقر شدن حکومت آن جناب توصیف می‌کند.^۱

در اینجا ما احادیثی را مبنی بر وجود امنیت و آرامش به طور کامل، در دنیای آن روز ذکر می‌کنیم.

در روایتی قتاده نقل می‌کند: ... خداوند به واسطه‌ی حضرت صاحب علیه السلام فتنه‌های کورکننده را از بین می‌برد و چنان در روی زمین احساس امنیت می‌شود که پنج نفر زن بدون اینکه مردی مراقب آنان باشد به سفر حج می‌روند و جز خدا از هیچ گزند هراس ندارند، و زمین و آسمان برکات خود را به مردم ارزانی می‌دارد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ... در زمان حکومت حضرت حجت علیه السلام چنان امنیت فراگیر می‌شود که حتی در میان حیوانات نیز هیچ ناامنی وجود ندارد، گزند هر حیوان گزنده‌ای برداشته می‌شود، تا جایی که اگر طفلی دستش را در دهان افعی کند، هیچ صدمه‌ای نمی‌بیند؛ بچه‌ها با شیر برخورد می‌کنند اما از او آسیبی نمی‌بینند؛ شیرها مانند سگ گله در میان گوسفندان تردد می‌کنند، و گرگ و میش در کنار هم رفت و آمد دارند، گویا گله و سگ پاسبان است؛ مردم از جنگ و جهاد آسوده باشند و به عبادت و مناجات مشغول هستند. فقر برچیده شده، به گونه‌ای که صدقه برداشته می‌شود و دیگر نیازی به صدقه نیست.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردم در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام مانند زنبورهای

۱. برای مطالعه‌ی شرایط ناامنی در دوران پیش از ظهور به موضوع «آخرالزمان پیش از ظهور» مراجعه کنید.

۲. ملاحم: ص ۶۸.

۳. ملاحم: ص ۱۵۲.

عسل که به دور ملکه‌ی خویش می‌گردند، گرداگرد وجود مقدس آن جناب می‌گردند، و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، درحالی که پر از ظلم و ستم شده است (و چنان عدل و امنیت فراگیر شود که) مردم مانند روز اول آفرینش در امنیت کامل‌اند و هیچ خوابیده‌ای (بر اثر ناراحتی) بیدار نمی‌شود و هیچ خونی ریخته نمی‌شود. در حدیث دیگری آمده است: جهان به گونه‌ای شود که مردگان تمنا کنند که زنده شوند (یعنی زندگی در این دنیا رشک بهشتیان شود و حیات این دنیا را بر بهشت برزخ ترجیح دهند).^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: حضرت عیسیٰ علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و دجال را به قتل می‌رساند... پس از قتل دجال چهل سال هیچ کسی نخواهد مرد و هیچ فردی به بیماری دچار نمی‌شود. مردم به گوسفندان و احشام خود می‌گویند: «به فلان جا بروید و بچرید و در ساعت فلان برگردید»، آن رمه نیز دقیقاً همان گونه رفتار می‌کنند. گوسفندان بین دو مزرعه راه می‌روند و حتی یک خوشه نیز از مزرعه نمی‌خورند و ساقه‌ای را هم نمی‌شکنند. مارها و عقرب‌ها آشکارا تردد می‌کنند و هیچ کسی را نمی‌آزارند...

امیر المؤمنین

«امیر المؤمنین» لقبی است که خداوند برای علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داده و کسی جز او به این لقب نامیده نمی‌شود.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند که آیا می‌توان به حضرت قائم علیه السلام «امیر المؤمنین» خطاب کرد؟ حضرت فرمود: خیر زیرا این لقبی است که مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام است و هیچ شخصی به این نام خوانده نمی‌شود مگر کسی که کافر باشد...^۲

اما در حدیثی نقل شده که راوی گفت: من با شخص دیگری به خدمت امام

۱. ملاحم ص ۷۰.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۷۳.

صادق علیه السلام نشسته بودیم، مردی از اهالی سواد داخل شد و به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته». حضرت او را نزد خود خواند و در کنار خود جای داد. راوی می‌گوید من به شخصی که همراهم بود گفتم: واژه‌ی «امیرالمؤمنین» لقبی است که جز به علی بن ابی طالب علیه السلام اطلاق نمی‌شود! سپس امام صادق علیه السلام به من فرمود: «همانا بندگان به ایمان راستین دست نمی‌یابند مگر زمانی که تمام صفات ائمه‌ی پیشین را در دیگر ائمه نیز ببینند».^۱

این دو حدیث در ظاهر معنایی مخالف همدیگر دارند اما به اعتقاد برخی این دو حدیث تضادی با هم ندارد، زیرا حدیث اول معنایی عام دارد که با حدیث دوم تخصیص می‌خورد، یعنی جمع دو حدیث این می‌شود: نامیدن هیچ شخصی بدین نام جایز نیست مگر امامان دوازده‌گانه. دیگر این که در حدیث شریف حضرت بدین خاطر نهی فرموده‌اند که در زمان خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس، خلفای غاصب خود را امیرالمؤمنین می‌خواندند، و چون اهل بیت علیهم السلام تا حد امکان برای حفظ جان خود و شیعیان، مخالفت خود را با حاکمان جور آشکارا بیان نمی‌نمودند، و لذا این معنا را به کنایه می‌فرمودند و نمونه‌ی آن همین حدیث است که اشاره می‌فرماید: کسانی که به ظلم بر مسند خلافت ائمه علیهم السلام تکیه زده‌اند لیاقت این لقب شریف را ندارند و کسانی شایستگی داشتن این نام را دارند که به حق از جانب خداوند خلیفه رسول خدا باشند؛ آنان کسانی نیستند جز ائمه اثنی عشر، که اولین آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها حضرت قائم علیه السلام است، زیرا اگر کسی جز علی ابن ابی طالب لیاقت این نام را نداشته باشد، پس امام بر حق پس از رحلت رسول خدا، علی علیه السلام است و پس از او کسی خلیفه است که ایشان تعیین نمایند و این بطلان حکومت غاصبانه‌ی خلفای جور را نشان می‌دهد.

انتظار

انتظار از ماده‌ی «نظر» است و به معنای نگاه کردن است و انتظار به معنی چشم داشت نیز هست. اما از نظر اصطلاحی در مکاتب مختلف به معنای، امیدواری نسبت به آمدن شخصی که صلح و عدالت را برقرار کند و انسان را به سوی ایجاد یک مدینه‌ی فاضله سوق دهد می‌باشد. انتظار در هر مکتبی به فراخور غنای فلسفی و اعتقادات مذهبی آن مکتب، متفاوت خواهد بود. اسلام و به خصوص تشیع که از فلسفه‌ای قوی در ادله‌ی اعتقادی، و برهانی عقلی و بدیهی در توحید و نبوت و امامت برخوردار است، برای انتظار مفهومی عمیق دارد. شیعه در پی رسالت پیامبر اسلام ﷺ و پس از آن دوازده امام معصوم، سلسله‌ی نبوت و وصایت را خاتمه یافته می‌داند؛ اما جهان را هیچ‌گاه خالی از حجتی معصوم و جانشینی از سوی خدا نمی‌داند. احادیث زیادی در متون شیعه وارد شده است که به این مضمون اشاره دارد که هیچ‌گاه عالم وجود از نماینده‌ی خداوند خالی نخواهد شد، نماینده‌ای که از خطا مصون است و واسطه‌ای میان بندگان و پروردگار می‌باشد، و اگر لحظه‌ای دنیا از وجود این نماینده (امام معصوم) خالی شود، دنیا زیر و زبر خواهد شد و نابود می‌شود. انتظار موقعی واقع است که منتظر در میان نباشد و منتظران حضور او را چشم به راه باشند و این خصوصیت درباره آخرین امام و آخرین وصی پروردگار که از دیدگان خلق غایب است، وجود دارد. در مذهب تشیع انتظار واژه‌ای مقدس و مفهومی با ارزش است، «انتظار» چشم به راه عدالت و حق بودن است، «انتظار» در پی زندگی‌ای سالم، پاک و بدون ظلم بودن است. درباره اهمیت انتظار فرموده‌اند که برترین عبادت و بزرگترین جهاد است. انتظار تأثیرات درونی و بیرونی بسیاری دارد. منتظر در جامعه، در پی اصلاح اعمال خویش برمی‌آید و سعی می‌کند تا حد ممکن خود را با منویات آن حضرت همسو کند؛ دیگران را به سوی آرمان ارزشمند آن حکومت جهانی سوق می‌دهد و کژی‌ها را خود انجام

نمی‌دهد و به دیگران نیز گوشزد می‌کند، در برابر مشکلات استقامت و پایداری به خرج می‌دهد و نا امید نمی‌شود، یأس برای او معنایی نخواهد داشت، برای ایجاد حکومت منجی زمینه‌سازی لازم را انجام می‌دهد، با ستمگران هم کاسه نمی‌شود و ظلم آنان را برنمی‌تابد، در پی فراگیری دانش برای شرکت در حکومت حضرت مهدی علیه السلام است و از این رو به کسب معارف می‌پردازد، و هزاران اثر مثبت دیگر که این مجال را جای ذکر آنها نیست.

البته در این میان کسانی با برداشتی ناصحیح از انتظار و احادیث آن، علاوه بر این که در جهت پیشرفت به سوی ظهور گامی برنمی‌دارند بلکه سیری قهقرایی دارند و دقیقاً جهت عکس هدف انتظار پیش می‌روند. این گونه افراد با توجه به حدیثی که می‌فرماید: «مهدی علیه السلام می‌آید و جهان را آکنده از عدل و داد می‌کند، همان گونه که دنیا از ظلم و ستم پر شده است»، می‌گویند: چون حضرت زمانی می‌آید که جهان از بیداد پر شده است، پس اگر ما بخواهیم ظهور حضرت را محقق کنیم، باید سعی کنیم ظلم و ستم بیشتر شود و ناعدالتی گسترش یابد، از آن روی دست از امر به معروف و نهی از منکر می‌کشند و در مقابل ناعدالتی‌ها سکوت اختیار می‌کنند، و گروهی پا را فراتر نهاده و دست به اشاعه‌ی فساد می‌زنند! یقیناً این گونه انتظار مورد رضایت خدا و اهل بیت علیهم السلام نیست زیرا احکام و حلال و حرام اسلام برای برهه‌ای از زمان تشریح نشده است و تا ابد به قوت خود باقی است. علاوه بر این که در روایاتی فرموده‌اند: هرگاه سیصد و سیزده نفر از یاران مخلص حضرت کامل شود، ظهور آن جناب محقق خواهد شد. بنابراین هر مسلمانی باید سعی کند با فراهم کردن بستر مناسب برای ظهور حضرت در تسریع ظهور سهیم باشد. آزمایش‌هایی که برای مردم در زمان غیبت پیش می‌آید برای این است که انسان‌های خوب و بد، به حقیقت از هم جدا شوند. قیام‌هایی که قبل از ظهور حضرت توسط افرادی انجام می‌شود که ائمه علیهم السلام آنان را تأیید کرده‌اند، حاکی از

این است که حق جویی و ظلم ستیزی باید همیشه در مکتب تشیع زنده باشد.^۱
 انتظار فقط منحصر به مسلمانان و شیعه نیست بلکه در هر ملتی به نوعی انتظار منجی وجود دارد. در میان ادیان ابراهیمی، مسیحیت بیشترین جلوه‌ی انتظار را بعد از تشیع داراست. در کتب آسمانی، مکرر از ظهور منجی یاد شده است.^۲ ملت‌های غیرمسلمان نیز به اهمیت انتظار پی برده‌اند زیرا علاوه بر این که انتظار منجی یکی از پایه‌های اساسی مکاتب انبیاست، یک راهکار مهم برای سالم ماندن جامعه‌ی بشری در گرداب فشارهای روحی و روانی است، چون انتظار منجی و امید به رهایی، انسان را در فشارهای اجتماعی و روانی یاری می‌کند و از بیهودگی و سردرگمی نجات می‌دهد.

یکی از ملت‌های دنیا که انتظار را به گونه‌ای واژگونه و ناصحیح برای خود توجیه کرده‌اند، گروهی از ملت یهود است. آنان با تشکیل یک اندیشه‌ی غلط به نام «صهیونیست» بر این عقیده‌اند که باید یهودیان در سرزمین بیت المقدس جمع شوند و آنجا را پایگاهی برای ظهور مسیح سازند، بنابراین سرزمین فلسطین را اشغال کردند و هر گونه جنایتی را با اتکا به اعتقادات پوچ و باطل، برای خود مجاز می‌دانند، اما پایان آن‌ها بسیار دردناک خواهد بود زیرا در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام آن‌ها را محکوم به نابودی یاد می‌کند.^۳

از دیگر انتظارهای نادرست، انتظاری است که در آن مدتی را تعیین کنند و برای ظهور وقتی را مشخص کنند. این گونه انتظار در جامعه‌ی مسیحیت از دیر زمان رواج داشته است، زمان‌هایی را مشخص می‌کردند و زمانی که موعد آن فرامی‌رسید و خبری از وعده‌ی آنان نمی‌شد، موجی از یأس و بدبینی نسبت به دین در مردم ایجاد می‌شد.

۱. رک: آزمایش مردم قبل از ظهور، قیام‌های قبل از ظهور، یاران امام زمان x.

۲. رک: انجیل، تورات، زبور، موعود و منجی آخرالزمان.

۳. رک: صهیونیست، فلسطین.

مسلمانان و شیعه نیز از این فتنه در امان نبوده‌اند. گاه دیده شده است که به تبعیت از پیشگویی‌های جامعه‌ی مسیحیان و یهودیان، مسلمانان نیز به تاریخی معین دل خوش می‌کنند و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در آن سررسید توقع دارند و تا کنون تمام این پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمده است.^۱

ادعیه‌ای که از سوی اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است، پر از عباراتی است که تعجیل در ظهور آن جناب را می‌خواهد و شرایط انتظار حقیقی را بیان می‌کند. آمادگی‌های ظاهری و باطنی یکی از مشخصه‌های مهم برای انتظار و دعا کننده برای ظهور می‌باشد، زیرا اگر شخص منتظر و دعا کننده در خود شرایط لازم برای حضور در دوران ظهور را مهیا نکند، ممکن است که در آن مقطع دچار تزلزل شود. از این روست که امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خواستید برای تعجیل در ظهور حضرت قائم علیه السلام و حضور در آن دولت حقه دعا کنید، باید دعای شما به همراه عافیت طلبی باشد، یعنی حضور در زمان ظهور را به همراه ایمان درست و استواری دین از خدا بخواهید، زیرا خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را «رحمت» برای عالمیان فرستاد^۲ و او به رأفت و گذشت در میان مردم رفتار می‌کرد، اما حضرت مهدی علیه السلام «نقمت» است یعنی برای انتقام و برقراری عدالت بدون هیچ اغماض و ملاحظه‌ای خواهد آمد.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: هر شخصی از شیعیان ما، در حالت انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام بمیرد، مانند آن خواهد بود که در خیمه‌ی حضرت قائم علیه السلام باشد. در حدیث دیگری فرمود: چنین شخصی مانند کسی است که در رکاب او شمشیر می‌زند و مانند

۱. رک: عجله.

۲. انبیا/۱۰۷: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» [ای پیامبر! ما تو را به پیامبری برنگزیدیم، مگر به عنوان رحمت هر دو جهان.

۳. روضه کافی: ح ۳۰۶ و یاتی: ص ۵۲۵.

کسی است که همراه رسول خدا ﷺ بوده است و در رکابش شهید شده است.^۱

رسول خدا ﷺ فرمودند: برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.^۲

این عبارت در احادیث معصومین علیهم‌السلام بسیار آمده است و ما برای نمونه یکی را ذکر نمودیم.

از حضرت امام رضا علیه‌السلام در باره‌ی ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام سؤال کردند، حضرت پاسخ داد: خداوند در قرآن می‌فرماید: «فانتظروا إني معكم من المنتظرين»^۳ ([خدا به آنان گفت] منتظر باشید که من نیز منتظر هستم).^۴

یعنی خدای عزوجل نیز به حدی ظهور امام زمان علیه‌السلام و برقراری آن دولت حق و عدالت را دوست دارد که خود را جزو منتظرین آن حکومت مبارک می‌شمارد؛ از این جا می‌توان مقام و منزلت کسانی را فهمید که در زمان غیبت امام زمان‌شان به حقیقت منتظر آن جناب هستند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: کسی که در انتظار ظهور امام زمان علیه‌السلام باشد، مانند شخصی است که در راه پروردگار خود در خون خویش غلطیده باشد.^۵

حضرت امام سجاده علیه‌السلام فرمود: همانا مردمی که در زمان غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام به سر می‌برند، و به امامت آن حضرت اقرار دارند و انتظار ظهور آن جناب را می‌کشند، از تمامی مردمان گذشته برترند؛ انتظار فرج از بزرگترین گشایش‌هاست.^۶ یعنی کسی که انتظار فرج را میکشد، انتظار متحول شدن بدی‌ها و گرفتاری‌ها را می‌کشد و نور امید

۱. کمال‌الدین: ج ۲ ص ۶۰۲.

۲. همان: ص ۶۰۴.

۳. اعراف / ۷۱.

۴. کمال‌الدین: ج ۲ ص ۶۰۴.

۵. همان.

۶. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۲۲.

برای او روشن می‌شود و در کوران گرفتاری‌ها و مشکلات دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود، بنابراین سختی‌ها را با پشتوانه‌ی این امید سپری می‌کند و خلاصی می‌یابد؛ زیرا خداوند فرموده: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۱ (همانا با هر سختی‌ای گشایشی نیز هست، [باز هم تأکید می‌کنیم که] با هر سختی‌ای گشایشی نیز خواهد بود). اهل بیت علیهم‌السلام خود اولین کسانی بودند که انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را می‌بردند. در روایتی راوی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا حضرت قائم علیه‌السلام به دنیا آمده است؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: خیر او متولد نشده است، اما اگر من در زمانی باشم که او در این عالم آمده باشد، تمام عمر کمر به خدمتگزاری او خواهم بست^۲!

سدیر صیرفی روایت می‌کند که من به همراه مفضل و ابوبصیر و ابان بن تغلب خدمت امام صادق علیه‌السلام مشرف شدیم. دیدیم که حضرت بر خاک نشسته است و عبایی مویین بر دوش نهاده، عبایی بدون یقه که از خیبر آورده بودند و آستین‌هایی کوتاه داشت. حضرت مانند مادری که از مردن جوانش از خود بی‌خود شده است و جگر او آتش گرفته است می‌گریید. اندوه از صورت حضرت نمایان بود و رنگ رخسار و گونه‌های حضرت را تغییر داده بود. اشک، دیدگان حضرت را متورم ساخته بود و در این حال می‌گفت: سرور من! غیبت تو خواب مرا ربوده است و دنیا را بر من تنگ نموده است و دلخوشی مرا گرفته است. مولای من! مصیبت‌های من به جایی رسیده که داغ‌های ابدی بر دلم نهاده است، جمع ما با رفتن یک یک (امامان و شیعیان) به پراکندگی تبدیل شد. هنوز از مصیبت‌های پی‌درپی و بلاهای گذشته، اشک چشم من کاملاً نریخته و آه و ناله‌ی من از سینه برون نیامده، که بلایی بزرگ‌تر و سخت‌تر روی می‌آورد، بلایی طاقت فرسا که از آن خلاصی نتوان یافت، و به بدترین و ناپسندترین

۱. انشراح/۵ و ۶.

۲. یاتی: ص ۵۵۸.

زندگی‌ها دچار می‌شوم، و حوادثی روی می‌دهد که غضب تو را برمی‌انگیزد و پیشامدهایی که موجبات ناراحتی تو را فراهم می‌کند.

سدید می‌گوید: ما از حیرت، عقل از سرمان پریده بود و از شنیدن این سخنان هول‌انگیز و این حادثه‌ی جانکاه چنان بی‌تاب شدیم که قلب‌های ما پاره گشت، و گمان کردیم که ناراحتی بزرگی روی داده است و روزگار مصیبتی ناگوار بر ایشان وارد کرده است؛ گفتیم: ای فرزند بهترین خلائق! خداوند چشمان تو را گریان نکند، برای چیست که اشک‌های شما می‌ریزد و چون باران سرشک از دیدگان شما جاری است و این حزن و اندوه را چه حادثه‌ای برای شما پدید آورده است؟

امام صادق علیه‌السلام سینه‌اش را از نفسی پر آه مالا مال نمود و به اندوه و ناله دم برآورد و فرمود: وای بر شما! امروز صبح در کتاب جفر می‌نگریستم، در آن کتاب علم منایا و بلایا و رزایا^۱ و علم آنچه بوده و آن چه پس از این واقع می‌شود، تا روز قیامت، موجود است. خداوند این کتاب را مختص حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان پس از او قرار داده است. در آن کتاب دقت می‌نمودم و تولد حضرت قائم علیه‌السلام، و غیبت و تأخیر او، و طولانی شدن عمر ایشان، و گرفتاری مؤمنان در آن زمان، و ایجاد تردیدهایی که در دل آنان از طول غیبت پدید می‌آید، و روی گردانی بیشتر آنان از دین خود، و دست شستن آنان از اعتقاد به اسلام - اسلام و ولایتی که خداوند آن را به گردن مسلمانان قرار داده است و آنان را بدان ملزم نموده است - را دیدم؛ و از این حوادث دلم سوخت و اندوه مرا فراگرفت...^۲

آری! اگر شیعه‌ای خود را به حقیقت پیرو آیین جعفری می‌داند باید این گونه به انتظار امام خود بنشیند و از دوری امام خود جزع و فزع نماید. مرحوم محدث نوری

۱. علمی که به واسطه‌ی آن از زمان و کیفیت مردن افراد و بالاها و فتنه‌ها و سختی‌هایی که در روزگار پیش می‌آید مطلع می‌شویم.

۲. کمال الدین: ج ۲ ص ۳۵۲ و اثبات الهداة: ج ۳ ص ۴۷۵.

پس از نقل این حدیث در کتاب نجم الثاقب می‌گوید: اگر سال‌ها پیش از غیبت حضرت مهدی علیه السلام، تحیر و ابتلای شیعیان و تردید آن‌ها از فرط غیبت، این گونه اشک از دیدگان امام صادق علیه السلام جاری می‌کند و خواب را از چشم آن جناب ربوده است، پس شایسته‌تر است مؤمنی که بدین حادثه‌ی بزرگ مبتلا شده است و در گرداب موج و بی‌نهایت تاریکی و ظلمت گرفتار آمده، به گریه و زاری و ناله و بی‌قراری و حزن و اندوه دائمی و تضرع به سوی حضرت باری تعالی روی آورد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که عذاب بر بنی‌اسرائیل طولانی شد، چهل شبانه روز گریه و ناله کردند و به درگاه خدا زاری نمودند. سپس خداند به موسی و هارون وحی فرستاد که: من به خاطر گریه و زاری آنان، صد و هفتاد سال از عذاب بنی‌اسرائیل کاستم و آنان را از فرعون خلاص کردم؛ آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شما هم به درگاه خداوند گریه و ناله کنید، فرج و ظهور ما نیز نزدیک می‌شود و الا غیبت تا انتهای آن پابرجا خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خوشحال می‌شود که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد، پس باید ورع و رزد و انتظار بکشد و اخلاقی پسندیده داشته باشد؛ در این حال اگر مرگ او فرا رسد و حضرت بعد از مرگ او ظهور نماید، اجر او مانند شخصی است که درک حضور آن جناب را نموده است، بنابراین انتظار فرج داشته باشید و همت به خرج دهید. ای جماعتی که رحمت خدا شما را فراگرفته است، گوارایتان باد.^۳

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: خوش به حال شیعیان حضرت قائم علیه السلام که در دوران غیبت او، انتظار ظهورش را می‌کشند. همانا ایشان اولیاء خدایند که نه از چیزی می‌ترسند و نه از چیزی محزون خواهند شد. [اشاره به این آیه شریفه است: ﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَ

۱. نجم الثاقب، باب دهم، گفتار سدید صیرفی

۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۲.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۰۰.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۵۰.

اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ (به یقین اولیای الهی نه ترسی بدان‌ها خواهد رسید و نه محزون خواهند شد) یعنی افرادی که در غیبت کبری انتظار ظهور امام‌شان را می‌کشند از اولیای الهی هستند.]

رسول خدا ﷺ فرمود: برترین جهاد امت من، انتظار فرج است.^۲

در حدیث دیگری نیز فرمود: آگاه باشید! پاداش هر کسی که انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بکشد، مانند شخصی است که شب‌ها را بیدار و به عبادت می‌پردازد و روزها را روزه می‌گیرد.^۳

و در روایت دیگری نیز از رسول خدا ﷺ آمده است: هر کسی که انتظار امر (ظهور حضرت مهدی علیه السلام) را بکشد و در این راه از دشمنان ترس و آسیبی به او برسد و بر آن ترس و اذیت‌ها صبر کند، در روز قیامت همراه ما خواهد بود.^۴

انتقام^۵

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»^۶ (هر کسی که مظلومانه کشته شود، ولی او حق [قصاص] دارد و در کشتن زیاده روی نکند زیرا ما او [یعنی ولی دم] را مورد حمایت قرار داده‌ایم). در تفاسیر، این آیه برای امام حسین علیه السلام تأویل شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت حسین علیه السلام مظلومانه شهید شد و ما اولیاء و وارث خون آن حضرت هستیم و حضرت قائم علیه السلام خونخواهی او را خواهد کرد و هر کسی که به کشتن آن حضرت رضایت داشته باشد نیز خواهد

۱. یونس/۶۲.

۲. یاتی: ص ۹۶.

۳. کافی: ج ۲ ص ۲۲۲.

۴. کافی: ج ۱ ص ۳۷۲.

۵. رک: اسما و القاب حضرت مهدی × وازه ی منتقم، رجعت، قریش.

۶. اسراء/۳۳.

کشت، تا آنجایی که می‌گویند در کشتار اسراف می‌کند.^۱

در کامل‌الزیارات از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: «إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۲ منظور از «منصور» قائم آل محمد علیهم‌السلام است که ولی خون حسین علیه‌السلام است، زمانی که ظهور نماید، از کشتندگان حسین علیه‌السلام و دشمنان او انتقام می‌کشد. اگر همه‌ی اهل زمین را به خونخواهی حسین علیه‌السلام بکشد، اسراف نکرده است! (اما حضرت در هیچ کاری اسراف نمی‌کند زیرا خدا در همین آیه‌ی شریفه گواهی می‌دهد که ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾؛ (اما او در کشتن اسراف نمی‌کند) سپس حضرت فرمود: به خدا قسم حضرت قائم علیه‌السلام، بازماندگان و ذراری کشتندگان حسین علیه‌السلام را به خاطر کردار پدران و اجدادشان خواهد کشت.^۳

کشتن اولاد کشتندگان حسین علیه‌السلام به جرم و گناه پدرانشان، اسراف در قتل نمی‌باشد زیرا همین سؤال را از امام رضا علیه‌السلام می‌پرسند که چرا حضرت مهدی علیه‌السلام فرزندان را به گناه پدرانشان می‌کشد؟ حضرت فرمودند: فرزندان قاتلان حسین علیه‌السلام کسانی هستند که از کردار پدران خود خشنودند و به آن کارها افتخار می‌کنند، و هر کس از کاری راضی باشد، گویا آن کار را انجام داده است؛ اگر کسی در شرق عالم کشته شود، و شخص دیگری در غرب عالم از قتل او خشنود باشد، در نزد خدای تعالی با قاتل شریک خواهد بود. از این روست که حضرت قائم علیه‌السلام آن‌ها را خواهد کشت. و خونخواهی سیدالشهدا علیه‌السلام از اهداف اصلی قیام حضرت قائم علیه‌السلام است زیرا شعار یاوران ایشان «یا لثارات الحسین» است. یعنی: هان ای خونخواهان حسین.

خداوند در معراج به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: این (مهدی) قائم شما (اهل بیت) است

۱. موعود نامه: ص ۳۰۸.

۲. اسراء، ۳۳.

۳. موعود نامه: ص ۳۰۹.

که حلال مرا حلال، و حرام مرا حرام می‌کند و از دشمنان من انتقام می‌کشد.^۱
 در دعای ندبه - که از ادعیه معتبر شیعه است - نیز به انتقام حضرت حجت علیه السلام از دشمنان و قاتلین سیدالشهداء اشاره شده است. «أین الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء، أین الطالب بدم المقتول بکربلاء، أین المنصور علی من اعتدی علیه و افتری؛ (کجاست آن منتقمی که خونخواهی پیامبران و فرزندان آنان را بکند، کجاست آن که برای شهید کربلا [حسین بن علی علیه السلام] انتقام بکشد، کجاست آن کسی که به یاری ستم‌دیدگان و مورد تهمت واقع شده‌گان بشتابد)

قصه‌ی انتقام فقط منحصر به سیدالشهداء نیست، بلکه پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام از قاتلین تمام اهل بیت علیهم السلام خوانخواهی خواهد شد و در رجعت تمام آنان زنده خواهد شد و به دست حضرت قصاص می‌شوند. اولین کسانی که پس از ظهور مورد قصاص و انتقام قرار می‌گیرند، دشمنانی هستند که از قریش به مخالفت با خاندان رسول خدا پرداختند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: بدان! وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند، زنی از منافقین را به دنیا بازگرداند و او را به قصاص مادرش فاطمه زهرا علیها السلام حد می‌زند. راوی سؤال کرد: جانم به قربانت! برای چه او را حد می‌زند؟ حضرت پاسخ داد برای تهمتی که به مادر ابراهیم (فرزند رسول خدا) زد؛ راوی سؤال کرد: چرا خداوند حد آن زن را تا زمان ظهور به تأخیر انداخت و برای حضرت قائم علیه السلام گذاشت؟ فرمود: چون خداوند حضرت رسول را برای عالمیان رحمت قرار داد ولی حضرت مهدی علیه السلام نعمت است (برای کافران).

امام صادق علیه السلام در توضیح حوادث ظهور حضرت می‌فرماید: حضرت قائم علیه السلام به

۱. کفایة الخصام: ۶۹۹ ح ۲.

۲. رک: قریش.

مدینه، شهر جدم رسول خدا می‌رود. آنگاه در مدینه رخدادی عجیب به وقوع می‌پیوندد که باعث شادی مؤمنین و خواری کافران است. راوی پرسید: آن رخداد عجیب چیست؟! حضرت فرمودند: حضرت قائم علیه السلام کنار قبر جدش رسول خدا آمده و... سپس دستور می‌دهد که دو تن از منافقان صدر اسلام (جبت و طاغوت) را از قبر بیرون بکشند؛ مردم هم آنان را از قبر بیرون می‌آورند در حالی که بدن آنها تر و تازه است. حضرت مهدی علیه السلام به مردم می‌فرماید: آیا در میان شما کسی هست که این دو نفر را بشناسد؟ می‌گویند: ما آنها را به صفات و ویژگی‌هایشان می‌شناسیم... دوباره حضرت تأکید می‌کند و می‌فرماید: آیا در بین شما شخصی هست که غیر از این معتقد باشد و در این مورد شک داشته باشد؟ همه می‌گویند: خیر. سپس حضرت سه روز صبر می‌کند تا اینکه خبر در بین مردم پخش می‌شود.

حضرت (بعد از سه روز) دوباره می‌آید و روی قبر آنان را برمی‌دارد و به نقباء خود می‌گوید قبر آنان را شکافته و بدنشان را بیرون آورید. نقباء با دست‌های خود آنها را جستجو می‌کنند و آنان را تروتازه از قبر بیرون می‌آورند. حضرت دستور می‌دهد تا کفن‌های آنان را بیرون کرده و بر درختی خشکیده و پوسیده بردار بکشید. (به محض این که آنها را می‌آویزد) آن درخت سبز می‌شود و شاخ و برگ می‌رویاند و خرم می‌شود. کسانی که در دل نفاق دارند، وقتی اوضاع را این گونه می‌بینند، می‌گویند:

«به خدا سوگند این کرامت، شرافتی حقیقی است و ما به واسطه‌ی دوستی ایشان به رستگاری رسیدیم» آن‌گاه هر کسی که ذره‌ای از دوستی ایشان در دلش نهفته باشد می‌آید و با دیدن این منظره فریفته می‌شود. در آن حال منادی حضرت صدا می‌زند: هر کسی که این منافقین را دوست دارد در یک طرف جمع شود. مردم دو دسته می‌شوند، دسته‌ای دوستان آنها و گروهی دشمنان ایشان. حضرت مهدی علیه السلام به

دوستان آن دو نفر دستور می‌دهد تا از آنان بیزاری بجویند؛ پاسخ می‌دهند: ای مهدی آل رسول الله! ما پیش از آن که مقام این دو نفر را در پیشگاه خدا بدانیم، از آنان بیزاری نجستیم، اکنون که مقام و برتری ایشان و بدن تازه آنها (پس گذشت سال‌های زیاد) وسبز شدن درخت پوسیده را دیدیم، چگونه از آنان بیزاری بجوییم؟! به خدا قسم ما از تو و کسانی که به تو عقیده دارند، و ایمان به کسانی که از قبر خارجشان کردند ندارند، و آنان را بر دار آویختند بیزاریم. در این حال حضرت به امر خداوند دستور می‌دهد تا باد سیاهی بر آنان وزیدن گیرد و همگی را چون ریشه‌های پوسیده‌ی خرما از میان بردارد.

سپس حضرت دستور داده بدن آن منافقان را از دار پایین بیاورند و به امر خداوند زنده می‌کند، و دستور می‌دهد تا همه‌ی مردم جمع شوند؛ سپس کارهایی که انجام داده‌اند در هر زمان و هر مکانی که بوده، به آنها گوشزد می‌کند، حتی کشته شدن هابیل فرزند آدم، جمع آوری آتش برای ابراهیم، انداختن یوسف در چاه، رفتن یونس در شکم ماهی، کشته شدن یحیی، به دار کشیده شدن عیسی، شکنجه‌ی جرجیس و دانیال، کتک خوردن سلمان فارسی، تازیانه خوردن به دست فاطمه زهرا علیها السلام و ضربه‌ای که به پهلوی آن بانو زدند، سقط شدن حضرت محسن علیه السلام (فرزند حضرت علی و فاطمه علیها السلام)، مسموم کردن امام حسن مجتبی علیه السلام، شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام، سر بریدن اطفال آن حضرت و پسر عموهای ایشان و اسارت اهل و عیال او، ریختن خون‌های اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر کسی که به حرام مورد تجاوز قرار گرفته و هر ناپسند و گناه و ستم و اندوهی که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا قیام حضرت قائم علیه السلام بوده، همه را به گردن آن منافقین می‌اندازد و آنها به این گناهان اعتراف می‌کنند. سپس حضرت دستور می‌دهد دوباره آنان را به همان درخت آویزان کند و فرمان می‌دهد تا آتشی

از زمین خارج شده و آنها را به درخت بسوزاند و باد را نیز فرمان می‌دهد تا خاکسترشان را به دریا افکند.

مفضل (راوی حدیث) سؤال کرد: ای مولای من! آیا این عذاب، آخرین عذاب آنان است؟ حضرت پاسخ داد: زینهار! ای مفضل به خدا قسم آنها را دوباره زنده می‌کند و سید اکبر، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دست خویش قصاص می‌کند، و به همین ترتیب حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین و تمامی ائمه علیهم السلام و نیز هر مؤمن پاکیزه ایمان (نیز زنده می‌شود) و قصاص می‌کنند به طوری که در هر شبانه روز هزار بار آنان را بکشند و به آن جایی که خدا برای عذاب آنها فراهم کرده روانشان می‌سازند. در آن موقع هر کافری که در کفر خود کامل بوده است نیز زنده شده و به جزای اعمال خود می‌رسد.^۱

احمد ابن اسحاق قمی در حدیثی بیان می‌کند که خدمت امام عسکری علیه السلام مشرف شد، و در نزد آن حضرت، امام مهدی علیه السلام را زیارت نمود. ایشان به احمد ابن اسحاق فرمودند: من بقية الله بر روی زمین هستم و من از دشمنان حق انتقام خواهم گرفت...^۲ در تشریفی که علی بن مهزیار خدمت امام عصر علیه السلام داشت، حضرت به او فرمود:... من قیام خواهم کرد و... به مدینه می‌آیم و در مسجد رسول خدا دوتن از منافقان را از دل خاک بیرون می‌آورم، در حالی که بدن آنها تر و تازه است و بدن آن دو را روبروی بقیع بر دار می‌آویزم. سپس چوبه‌ی دار آنها سبز می‌شود و برگ می‌رویاند و این امتحان سختی برای مردم آن زمان خواهد بود، امتحانی که از امتحان اول بسیار سخت‌تر است (یعنی زمانی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مسیر خلافت تغییر یافت و مردم هم پیروی کردند). آن‌گاه شخصی از آسمان ندا می‌دهد: «ای آسمان هلاک کن و ای زمین آنان را درخود فرو ببر». سپس در آن روز جز مؤمنینی که در دل ایمانی راسخ دارند،

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۲ و یاقوتی: ص ۶۲۶ و کمال الدین: ص ۲۶۱.

۲. کمال الدین: ۲۸۴.

باقی نخواهد ماند.^۱

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: زمانی که به معراج حق تعالی رفتم، نور دوازده امام و فاطمه علیها السلام را دیدم (و حضرت نام یک یک را بر زبان آوردند) و حضرت قائم علیه السلام در میان ایشان چون ستاره‌ای درخشان تابش می‌کرد. از خداوند پرسیدم: بارالها این انوار چه کسانی هستند؟ خدای عزوجل فرمود: ایشان پیشوایان هستند و این (ستاره‌ی درخشانده) حضرت قائم علیه السلام است که حلال مرا حلال، و حرام مرا حرام می‌کند و به دست و از دشمنانم انتقام خواهم کشید و دوستان من به واسطه‌ی او آسوده خیال خواهند شد و دل‌های شیعیان تو به سبب او از دشمنی ستمکاران و منکران و کافران شفا خواهد یافت؛ زمانی که دو تن از منافقان (جبت و طاغوت) را با بدن‌های تر و تازه از قبرهایشان بیرون کشیده و بسوزاند. همانا امتحانی که مردم به واسطه‌ی این دو نفر خواهند شد، به مراتب مشکل‌تر از امتحانی است که بنی‌اسرائیل با گوساله‌ی سامری شدند.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هشت ماه شمشیر بر دوش می‌نهد و یک سره به جنگ می‌پردازد، تا جایی که مردم از تعجب می‌گویند: «به خدا قسم اگر این شخص از فرزندان فاطمه علیها السلام بود به ما ترحم می‌نمود».

۱. نواب الدهور؛ ج ۳ ص ۳۵۴.

۲. بحار الانوار؛ ج ۵۲ ص ۲۷۹ و یاتی؛ ص ۵۵۲. «سامری» نام شخصی است که در قوم حضرت موسی علیه السلام می‌زیست. زمانی که حضرت موسی علیه السلام به کوه طور برای میقات پروردگارش رفت و چهل روز توقف نمود، او با ساختن مجسمه‌ی گوساله‌ای از طلاهای مردم، آنان را به گوساله پرستی واداشت. او با فریب دادن مردم از آن گوساله صدایی خارج می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت: ببینید چگونه خدای شما صدا می‌کند، این خدای شما و خدای موسی است. بنی اسرائیل هم که موسی را در میان خود نمی‌یافتند، به توصیه‌های وصی و برادر او «هارون» گوش نداده و جملگی از خدا پرستی به گوساله پرستی روی آوردند. این قصه را خداوند در قرآن یاد آور شده است. (طه/۹۸-۸۵) زمانی که حضرت قائم علیه السلام نیز ظاهر شود با بیرون کشیدن بدن منافقان صدر اسلام برای انتقام، و سبز شدن چوبه‌ی دار آن‌ها، مردم امتحان سختی خواهند شد و هر کسی که اندک تمایلی به آنان داشته باشد یا کوچکترین دشمنی‌ای با حضرت داشته باشد، خود را رسوا نموده و مشخص خواهد شد که حقیقتاً، مردم جزو کدام دسته‌اند، آیا به حقیقت پیرو حقند یا از روی ترسو تردید از حضرت مهدی علیه السلام پیروی می‌کنند.

او از بنی امیه و بنی العباس انتقام خواهد کشید.^۱

امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! خون من از جوشش نخواهد افتاد مگر زمانی که خداوند حضرت مهدی علیه السلام را برانگیزد. حضرت مهدی علیه السلام به خونخواهی من، هفتاد هزار نفر از افراد منافق و فاسق و کافر را به قتل می‌رساند.^۲

انجمن حجتیه

نام تشکیلاتی است که در سال ۱۳۳۲ تشکیل شد. نام اصلی این انجمن «انجمن حجتیه مهدویه» است و به رهبری شخصی به نام «شیخ محمود ذاکر زاده تولایی» معروف به «حلبی» تأسیس شد. او خود از مبارزان جریان نهضت ملی بود و محور اصلی مبارزاتشان با فرقه‌های گمراه بهائیت بود. پس از شکست جریان نهضت ملی، او در مبنای اعتقادی-مبارزاتی خود تجدید نظر کرد و با تمسک به برخی روایات از صحنه مبارزات دست کشید و به یکی از مخالفان سرسخت مبارزات انقلابی و تشکیل حکومت در عصر غیبت شد. آنان دو روایت را دستاویز عقیده‌ی خود نموده بودند؛

اول: روایتی است که می‌فرماید: هر پرچمی که پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام به پاخیزد، صاحب آن قیام و پرچم طاغوت است و تحت لوای آن خدا پرستیده نخواهد شد.^۳

دوم: روایتی است که در مقدمه صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه آمده است و می‌فرماید: هیچ کسی از ما اهل بیت تا زمان قیام حضرت قائم علیه السلام خروج نکرده و خروج نخواهد کرد، که ستمی را بر طرف کند، یا حقی را بر پا دارد، مگر این که بلا او را از بنیاد برمی‌کند، و قیام چنین شخصی بر گرفتاری ما و شیعیان ما می‌افزاید.

آنان با استناد به این دو حدیث یکباره دست از هر گونه فعالیت‌های مبارزاتی و

۱. ملاحم: ص ۶۶.

۲. بحارالانوار: ج ۴۵ ص ۲۹۹.

۳. کافی: ج ۸ ص ۲۹۵.

سیاسی علیه حکومت وقت برداشتند و معتقد بودند که تشکیل حکومت فقط از شئون امام معصوم علیه السلام است، و می‌گفتند: «هرگاه شما یک شخصی که از هوی و هوس دور بود و به هیچ وجه حبریست و شهرت و غضب و تمایلات نفسی نداشت و از هر گونه خطا مصون بود، ما هم به میدان می‌آییم و به خاک پایش می‌افتیم و هم‌ای روحانیون قربان خاک پایش می‌شویم!!»

آنان با این روش اعتقادی در انقلاب نیز با حرکت‌های سیاسی هم‌سو نبودند و به مخالفت با طرفداران امام می‌پرداختند. آنان با ولایت فقیه و تفکر سیاسی امام خمینی رحمت الله علیه به مخالفت برخاستند و معتقد بودند که امام زمان علیه السلام باید بیاید و این امور را اصلاح کند و ما نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم، در نتیجه در بسیاری از پیشامدهای پیش از انقلاب هیچ حرکت اعتراض آمیزی نداشتند و با تحمل ظلم‌ها و سکوت به انتظار ظهور می‌نشستند. آنان در سال ۱۳۶۲ در پی سخنان امام خمینی، تمام فعالیت‌های علنی خود را تعطیل کردند و به فعالیت‌های زیر پرده پرداختند. پس از انقلاب این تفکر در محافل علمی و دانشگاهی به نقد و بررسی پرداخته شد و بسیاری از طرفداران انجمن حجتیه به انقلاب پیوستند و اکنون ما عناصر زیادی از اعضای سابق این انجمن را در پست‌های کلان مملکتی می‌بینیم. این عقاید در جای خود در میان صاحب‌نظران بسیار مورد گفتگو قرار گرفته است.^۱

انجیل^۲

انجیل کتاب آسمانی مسیحیان است. این کتاب مجموعه‌ی سخنانی است که حضرت عیسی از وحی می‌شنید و بر حواریون املا می‌نمود. مکتب تشیع بر این اعتقاد است که کتب آسمانی جزو میراث انبیا محسوب می‌شود و دست به دست بین پیامبران منتقل

۱. برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، موعود نامه: ص ۲۷۰.

۲. رک: انطاکیه، رجعت، کتاب‌های آسمانی، قضاوت.

می‌شود، و پس از پیامبر اسلام ﷺ به اوصیای ایشان رسیده است و اکنون نیز اصل آن کتاب مقدس، عاری از هر گونه تحریف، نزد حضرت مهدی علیه السلام است. او پس از ظهور آن کتاب را به همراه سایر کتب آسمانی از غاری در انطاکیه خارج می‌نماید در میان هر ملتیا احکام کتاب خودشان قضاوت خواهد نمود. انجیل پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام به آسمان، دچار دگرگونی‌های فراوان شد، به طوری که هم‌اکنون ما شاهد تناقضات بسیاری در بخش‌های مختلف انجیل هستیم. کتاب انجیل کنونی دارای چندین بخش است، که هر بخشی را یکی از حواریون جمع‌آوری نموده است و به نام خود او مشهور است. در همین کتاب انجیل که دچار تحریف‌های بسیار شده است نیز ما شاهد آیاتی هستیم که به آمدن منجی آخرالزمان بشارت می‌دهد. حضرت عیسی علیه السلام در کتاب مقدس یادآور می‌شود که پس از من فتنه‌هایی چون جنگ و قحطی و مریضی و زلزله و... پدید خواهد آمد، در افلاک دگرگونی ایجاد خواهد شد. سپس می‌گوید: زمان وقوع ظهور را فقط خدا می‌داند، بنابراین برای تعجیل در ظهور آن منجی بسیار دعا کنید و هوشیار باشید، زیرا زمانی که او بیاید، مردم همه به سوی او خواهند رفت و او در زمانی نامشخص که اصلاً گمان نمی‌کنید، سوار بر ابرهای آسمان، با شکوه و جلال زائد الوصفی می‌آید و به داوری در میان خلق می‌پردازد، و مردگانی باز خواهند گشت، گروهی نیک سرشت و گروهی بدطینت، هر کدام برای دیدن جزای کار خود. او در میان تمام امت‌ها با عصای آهنین (شمشیر) به حکم رانی می‌نشیند و امید تمام ملت‌ها برای گسترش عدالت خواهد بود. در جای دیگر از کتاب مقدس می‌فرماید: زمانی که عیسی علیه السلام به سوی آسمان عروج می‌کرد، دو مرد سفید پوش ظاهر شدند و به حواریون گفتند: نگران نباشید! عیسی علیه السلام همین طور که به آسمان بالا می‌رود، دوباره به سوی زمین باز خواهد گشت.^۱

۱. بشارت عهدین، با تلخیص.

انطاکیه

انطاکیه شهری در جنوب ترکیه‌ی کنونی است و برای مسیحیان شهری مقدس محسوب می‌شود و غار اصحاب کهف در کوهی در کنار این شهر قرار دارد.

حضرت مهدی علیه السلام «تابوت سکینه» را از غاری در انطاکیه خارج می‌کند.^۱

این تابوت، همان تابوت سکینه است که در قرآن از آن یاد شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾^۲ (پیامبر آنان بدان‌ها گفت: همانا نشانه‌ی ملک او تابوتی [صندوقچه‌ای] است که در آن آرامشی از جانب پروردگار قرار دارد و میراثی از خاندان موسی و هارون در آن نهفته است و فرشتگان آن را برمی‌دارند)

حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور به این شهر می‌آید و تابوت را از آن غار خارج می‌کند؛ و در بعضی روایات آمده که حضرت کتاب‌های آسمانی و انگشتر سلیمان و عصای موسی و الواح تورات را نیز از این غار بیرون می‌آورد. تابوت سکینه را تابوت شهادت نیز می‌نامند. در دعای سمات به این اسم نامیده شده است. پس از حضرت موسی این تابوت به آسمان صعود کرد. هنگامی که طالوت در بنی‌اسرائیل به سلطنت رسید آن تابوت را برای بنی‌اسرائیل آورد و به واسطه‌ی آرامشی که از آن تابوت می‌یافتند همیشه در جنگ‌ها پیروز بودند. حضرت مهدی علیه السلام نیز در جنگ‌های خود از این تابوت که میراث انبیای گذشته است استفاده خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام در حدیثی به جابر جعفی فرمود: حضرت مهدی علیه السلام به سوی انطاکیه می‌رود و تورات و سایر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در این شهر قرار دارد، بیرون

۱. ملاحم: ص ۶۷.

۲. بقره/۲۴۷.

می‌آورد و در میان یهودیان با احکام کتاب تورات و در میان مسیحیان با دستورات انجیل و در میان پیروان داوود نبی عليه السلام با آیات زبور قضاوت خواهد نمود. در میان مسلمانان نیز بر مبنای دستورات قرآن حکم خواهد کرد.^۱

سلیمان بن عیسی روایتی نقل می‌کند که حضرت تابوت سکینه را از دریاچه‌ی طبریه در فلسطین خارج می‌کند و در بیت المقدس قرار می‌دهد. اکثر یهودیان چون می‌بینند که تابوت سکینه نزد حضرت است، تسلیم می‌شوند. اما عده‌ی کمی از آنان ایمان نخواهند آورد.^۲

انگشتر حضرت مهدی عليه السلام

انگشتر حضرت منقش به «أنا حجة الله» می‌باشد و در روایتی آمده است که نقش نگین انگشتری حضرت مهدی عليه السلام «أنا حجة الله و خالصته» است و این مهر حضرت است که با آن بر روی زمین حکومت خواهد کرد.^۳

اوتاد

اوتاد نام گروهی از اصحاب امام زمان عليه السلام است. اوتاد به معنای «میخ‌ها» است. در قرآن آمده است «وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا»؛^۴ (ما کوه‌ها را بسان میخ‌هایی برای زمین قرار دادیم)

این از معجزات قرآن کریم است. زیرا اکنون دانشمندان پس از گذشت سال‌ها از نزول این آیه پی به راز این آیه برده‌اند. دانشمندان کشف کرده‌اند که زمین مانند گویی است که مرکز آن از آهن مذاب پر شده است و در بیرونی‌ترین لایه‌ی کوره‌ی زمین

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۲۷ و یاتی: ص ۵۵۱.

۲. ملاحم: ص ۷۱.

۳. نجم الناقب: باب دوم.

۴. نباء/۷.

پوسته‌ای سرد و سخت قرار دارد که قطر آن حدود ۳۰ کیلومتر است و در زیر آن لایه‌ای است به نام «جبه» که تا عمق ۲۹۰۰ کیلومتری امتداد دارد و به مواد خمیری، و در نهایت مذاب هسته‌ی زمین متصل می‌شود. کوه‌ها مانند میخ‌هایی پوسته‌ی زمین را به جبه متصل کرده‌اند. بنا به نظریه زمین‌شناسان همان‌گونه که کوه‌ها از روی زمین سر به فلک کشیده‌اند، به همان مقدار هم ریشه در زمین دوانده‌اند، و اگر این ریشه‌ی کوه‌ها نبود، پوسته‌ی زمین بر اثر گردش زمین و تفاوت چگالی آن با مواد مذاب داخلی، بر روی مواد مذاب به گردش درمی‌آمد و موجب اصطکاک میان پوسته و مواد مذاب و گرم شدن پوسته‌ی زمین می‌شد که این امر غیر مسکون شدن کره‌ی زمین را در پی داشت. اکنون با توجه به این معجزه‌ی قرآنی در توضیح اوتاد می‌توان به اهمیت «اوتاد» که نام گروهی از اصحاب حضرت حجت است، پی برد. یعنی می‌توان آنان را واسطه‌ی آرامش زمین و برقرار حیات موجودات دانست که اگر آنان نبودند، همانا زندگی مردم بر روی زمین غیرممکن بود.^۱

اهواز

ر.ک: زلزله.

ایران

ایران در زمان عمر بن الخطاب فتح شد و از ابتدا ایرانیان پی به حقانیت اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام برده بودند و اکثراً اسلامی را اختیار می‌کردند که مورد رضایت اهل بیت علیهم‌السلام بود. از این روی زمانی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام خلافت را به دست گرفت، گروه گروه به سوی حضرت آمدند، تا حدی که اکثر یاران مخلص ایشان را موالیان و عجم تشکیل می‌دادند. در روایات زیادی از عجم به خوبی یاد شده است، و در روایتی آمده است که

۱. ر.ک: ابدال.

سیصد و سیزده نفر یاران حضرت قائم علیه السلام همگی از عجم هستند.^۱ البته عجم معنایی عام دارد که ایرانیان و نژاد غیر عرب را شامل می‌شود، اما در احادیثی که یاران حضرت مهدی علیه السلام را تک تک یاد کرده‌اند، و شهرهای محل سکونت آنان را ذکر کرده‌اند، می‌توان شهرهای مختلف ایران را دید که از آن جمله می‌توان به ری، خراسان، طالقان، فارس، اهواز، شوشتر، اصفهان، بروجرد، نهاوند، شیروان، همدان، آمل، جرجان، دامغان، سرخس، ساوه، قزوین، ابهر، اردبیل، مراغه، خوی، سلماس، آبادان، کازرون و قم اشاره کرد.^۲

سید حسنی، خراسانی و شعیب بن صالح سه نفر هستند که قبل از ظهور حضرت از ایران قیام می‌کنند و با یاران خود علیه ظلم و ستم به پا می‌خیزند و قیام آنان به قیام حضرت مهدی علیه السلام منتهی می‌شود و هر سه به لشکر حضرت ملحق خواهند شد.^۳

۱. رک: یاران حضرت مهدی. x.

۲. ملاحم: ص ۱۴۶.

۳. رک: سید حسنی، خراسانی، شعیب بن صالح، طالقان، یاران امام زمان. x.



باد

یکی از نشانه‌های پیش از ظهور بادی زرد رنگ است که از جانب قبله می‌زود که دو شب و سه روز تداوم خواهد داشت و به حدی خواهد بود که شب را مانند روز می‌کند... و اولین نشانه‌ها رعد و برق‌های متعدد است و بعد از آن بادی زرد رنگ و سپس بادی دائمی...^۱

در حدیث دیگری آمده است: زمانی که هم‌جنس‌گرایی در میان مردان و زنان رواج یابد، آنگاه بادی سرخ رنگ از سوی مشرق می‌آید که بعضی را به خاطر گناه و گستاخی‌شان مسخ و بعضی را به زمین فرو می‌برد.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی که فاسقان بر مردم حکومت کنند و شرورها به خاطر شرارتشان مورد احترام قرار گیرند و غنا و موسیقی آشکارا نواخته شود... پس منتظر وزیدن باد سرخ باشید.^۳

یکی دیگر از نشانه‌های آخرالزمان باد سیاه رنگی است که در یک صبح وزیدن می‌گیرد، پس از آن زلزله روی می‌دهد و بغداد اکثراً خراب شده و زیر آوار می‌رود.^۴ در زوراء بادی سرخ رنگ به جنبش می‌آید که مردم را خواهد ترسانید. آن‌ها به نزد

۱. ملاحم: ص ۱۲۶.

۲. یاتی: ص ۲۹۹ و کنز العمال: ص ۱۴ ص ۲۲۶.

۳. تحف العقول: ص ۳۱.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۰.

علمای خود پناهنده می‌شوند، اما می‌بینند که علمایشان به صورت خوک و بوزینه مسخ شده‌اند و صورت آن‌ها سیاه شده و چشم‌هایشان کبود گشته است.^۱

باران

یکی از نشانه‌های ظهور حضرت حجت عجله الله بارش باران‌هایی عجیب است. باران‌هایی که در فصل خود می‌آیند و باعث رویش گیاهان و طراوت زمین هستند و باران‌هایی که در غیر فصل می‌بارند و سیل آسا هستند و باعث خرابی و ویرانی و خراب شدن محصولات می‌شوند. در روایات آمده است در سالی که مهدی عجله الله قیام می‌نماید، بیست و چهار باران خواهد بارید که اثر و برکت آن آشکار خواهد بود.^۲

امام صادق عجله الله فرمود: هرگاه قائم عجله الله قیام کند، چهل روز (از اول ماه جمادی الثانی تا دهم رجب) بارانی ببارد که مردم پیش از این همانندش را ندیده باشند و خداوند به وسیله‌ی این باران بدن مؤمنان را در قبرها رویانده... و از قبرهای خویش بیرون می‌آیند و خاک از سر و روی خود می‌زدایند.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی خواهد آمد که خداوند باران را در فصل طبیعی آن نازل نمی‌کند بلکه فقط در غیر فصل آن می‌بارد.^۴

امام صادق عجله الله فرمود: پیش از ظهور حضرت قائم عجله الله در یک سال باران فروانی می‌بارد، به گونه‌ای که میوه‌ها و خرماها بر درخت می‌پوسند، در چنین زمانی شک و شبهه به خود راه ندهید.^۵

۱. ملاحم ص ۱۴۳.

۲. غیبت طوسی: ۲۶۹ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۲ و یاتی: ص ۱۰۴.

۳. ارشاد مفید: ص ۳۶۳.

۴. مستدرک: ج ۱۱ ص ۳۷۵.

۵. ارشاد مفید: ص ۳۶۱.

رسول خدا ﷺ فرمود: امت من در زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه به چنان نعمتی برسند که بر هیچ امتی نازل نشده است، آسمان بارانی پیایی بر آنان ببارد و زمین تمام گیاهان خود را برویاند...^۱

در کتاب شریف مفاتیح الجنان در دعای عظم البلاء، یکی از شکایات مؤمنین در زمان غیبت این است که آسمان از ریختن باران منع شده و این رحمت و از این رحمت الهی محرومند «... منعت السماء».

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان از آسمان باران می‌بارد، اما زمین گیاهی نمی‌رویاند (زیرا باران رحمت نیست بلکه باران عذاب است).^۲

در حدیثی دیگر فرمود: پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه سه سال آسمان باران نمی‌بارد؛ در سال اول یک سوم، در سال دوم دو سوم، و در سال سوم هیچ بارانی نخواهد بارید؛ زمین نیز سه سال گیاهی نمی‌رویاند، در سال اول یک سوم گیاهانش نخواهد رویید و در سال دوم دو سوم و در سال سوم تمام گیاهان از زمین سبز نمی‌شوند.^۳

بتریه

ر.ک: زیدیه.

بداء

بداء از نظر لغت به معنای آشکار شدن و روشن شدن است، اما در اصطلاح دینی به معنای «اتخاذ نظری جدید درباره یک امر» می‌باشد. بداء را از دو منظر می‌توان مورد

۱. ملاحم: ص ۷۱.

۲. مستدرک حاکم: ج ۴ ص ۵۱۳.

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۳۰ و یاقوتی ص ۳۱۵.

بررسی قرار داد، یکی بداء میان مخلوقات و دیگری بداء از جانب خدای متعال.

بداء در میان مخلوقات ممکن است به خاطر ارتقای دانش، پشیمانی، فراموشی، جهل و یا ضعف و ناتوانی باشد؛ به این معنا که شخص از روی نادانی و فراموشی، کاری را که قرار بوده انجام دهد، انجام نمی‌دهد، یا این که اراده‌ی کاری را می‌کند، اما قدرت و توانایی انجام آن کار را پیدا نمی‌کند و خلاف تصمیم خود عمل می‌کند. بداء در میان مخلوقات مستلزم نوعی جهل در آن نیز هست، یعنی شخصی که برای او تغییری در تصمیماتش انجام می‌گیرد، از اول به این تغییر تصمیم خود واقف نبوده بلکه با گذشت زمان این تغییر ایجاد شده است.

اما بداء درباره حضرت حق جل و علا، هیچ کدام از این ویژگی‌ها را نخواهد داشت زیرا خداوند به صفاتی چون فراموشی، جهل و ناتوانی توصیف نمی‌شود، بلکه او بر هر کاری توانا و به همه چیز داناست.

شیخ صدوق رحمت الله علیه در کتاب شریف «توحید» در باب بداء می‌فرماید: بداء بدان معنایی که مردم نادان می‌پندارند نیست، زیرا خداوند از هر گونه ندامت و پشیمانی منزه است. اما این واجب است که اقرار کنیم، خدای عزوجل می‌تواند امری را بیافریند و آن را زودتر از امر دیگری قرار دهد و یا خلقی را معدوم کرده و خلقی جدید حادث کند، و یا به مسئله‌ای دستور دهد و سپس از انجام آن نهی نماید، یا از کاری مردم را بازدارد و سپس به انجام آن فرمان دهد. مثال این گونه بداء، نسخ شدن شریعت‌های پیشین و یا تغییر قبله‌ی مسلمین است. خدایی که مردم را در این زمان به انجام کاری دستور می‌دهد، می‌داند که اکنون صلاح بندگان در انجام چنین کاری است، این را نیز می‌داند که در زمان دیگری صلاح بندگان در عدم انجام همان کار است، بنابراین وقتی زمانی فرا رسد که صلاح در عدم انجام آن کار است، به یقین بندگان را به امری که صلاحشان باشد دستور خواهد داد.

هر کس درباره خداوند اقرار کند که هر چه را بخواهد انجام می‌دهد، هر چه را بخواهد می‌تواند معدوم نماید، هر چه را بخواهد می‌تواند به جای مخلوقات دیگر قرار دهد، هر چه را بخواهد می‌تواند پس و پیش کند، به هر چه دوست داشته باشد امر می‌کند، پس چنین کسی طبعاً به بداء اقرار نموده است (زیرا این خود معنای بداء الهی است) و خداوند به هیچ چیزی بزرگ داشته نمی‌شود مثل این که درباره او بگوییم: خلقت موجودات و فرماندهی مخلوقات به دست اوست، تقدیم و تأخیر همه چیز در ید قدرت اوست، ایجاد آنچه تا کنون نبوده و از بین بردن آنچه تاکنون موجود بوده است مخصوص اوست. یهودیان معتقدند که خداوند تقدیرات را اندیشیده و دیگر از پرداختن به آن کناره گرفته و دست او در تغییر آن بسته است؛ بداء این عقیده‌ی یهود را رد می‌کند، و به عقیده‌ی ما مسلمانان خداوند هر روز شأنی جدید دارد، زنده می‌کند، می‌میراند، رزق می‌دهد و هر چه را بخواهد انجام می‌دهد و بدای الهی از روی پشیمانی نیست بلکه آشکار شدن امر جدید از سوی خدای عزوجل است، زیرا در میان عرب بداء به معنای آشکار شدن و ظاهر شدن است زیرا می‌گویند: «بدا لی شخص فی طریقی» یعنی شخصی در راه به من برخورد و آشکار شد. خداوند می‌فرماید: «وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»^۱ (بر آن [مشرکان عذاب‌هایی] از سوی خدا آشکار می‌شود که قبلاً نمی‌پنداشتند). هرگاه خداوند از بنده‌ای اعمالی چون صله ارحام ببیند، عمر او را طولانی خواهد کرد و هرگاه ببیند قطع رحم نموده است عمر او را کوتاه خواهد نمود و هرگاه ببیند که شخصی مرتکب زنا می‌شود رزق او را می‌کاهد و هرگاه

۱. رک: تفسیر قمی، تفسیر آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی مائده. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (یهودیان می‌گویند که دستان خداوند بسته است، [خداوند سخن یهود را رد می‌کند و می‌فرماید:] نفرین بر آنها! دستان خودشان بسته است، بلکه دستان خدا گشوده است و هر گونه که بخواهد می‌بخشد). یعنی پس و پیش می‌کند و زیاد و کم می‌نماید و بداء در تصمیمات برای او خواهد بود.

ببیند او پاک‌دامنی می‌کند، رزق و عمر او را افزایش می‌دهد (و این خود دلیلی بر بدای الهی است).

اکنون باید ببینیم که بداء در چه محدوده‌ای اتفاق می‌افتد. در حدیثی حضرت مراتب ایجاد یک امر را این گونه بیان می‌فرماید: اول علم الهی است، سپس مشیت و خواست اوست، پس از آن اراده‌ی الهی است، بعد مرحله‌ی تقدیر و اندازه‌گیری است، سپس قضا و تعیین محدوده‌ی اجرا است و در پایان نیز امضای آن امر خواهد بود.

یعنی خداوند می‌داند آن چه را می‌خواهد، و می‌خواهد آن چه را که اراده می‌کند، و اراده می‌کند آن چه را تقدیر می‌نماید، و تقدیر می‌کند آن چه را قضا نموده است، و آن چه را که از قضای خود می‌گذراند ایجاد می‌نماید و تعیین می‌بخشد.

خداوند تا زمانی که علم خود را مشیت ننموده است در آن بداء حاصل می‌کند و اگر علمی به خواست او درآمد، پیش از آن که آن را اراده نماید، در آن بداء ایجاد می‌کند، و همین گونه تقدیر پیش از آن که اراده شود، و قضای الهی پیش از آن که تقدیر شود. اما زمانی که قضای الهی امضا شد، اگر هنوز تعیین خارجی پیدا نکرده است، امکان بداء در او وجود دارد ولی اگر تعیین خارجی گرفت و دارای رنگ، بو، وزن، اندازه و تمام اعراض محسوس شد، دیگر بداء به آن تعلق نخواهد گرفت.^۱

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خداوند به چیزی (ارزشمند) مانند بداء عبادت نشده است.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بزرگ داشته نشده است به چیزی مانند بداء. (زیرا اعتقاد به بداء، اعتقاد به قدرت مطلق و بی‌چون و چرای الهی است و اقرار به بندگی و محکومیت بندگان در برابر خالق خود می‌باشد).

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند هر پیامبری را که به نبوت مبعوث کرد، بر چند چیز

از او پیمان گرفت: اقرار به بندگی خداوند و عدم شرک به خدای عزوجل و سجده به درگاه او و اطاعت از دستورات خداوند و اعتقاد به بداء و مشیت الهی و این که خداوند هر چه را بخواهد مقدم کرده و هر چه را بخواهد به تأخیر می‌اندازد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ»^۱ (خداوند هر آنچه را بخواهد محو و نابود می‌کند و هر آنچه را بخواهد برقرار می‌کند)، آیا جز این است که خداوند اموری را که موجودند، نابود می‌کند، و اموری را که موجود نیستند، به وجود می‌آورد؟! (این خود دلیل بداء الهی است که در مخلوقات خود تغییر و تبدل انجام می‌دهد).^۲

یکی از ویژگی‌ها و حکمت‌های بداء را می‌توان رغبت‌بندگان در انجام کارهای نیک و امید به گشایش و رحمت پروردگار و برطرف ساختن سختی‌ها و بخشایش حق دانست، زیرا اگر کسی به بداء معتقد نباشد، دیگر استغفار، دعا، طلب رحمت، امید به شفاعت و نجات و... معایی نخواهد داشت. از این روست که اعتقاد به بداء مایه‌ی برترین عبادات نزد خداوند است.

در روایات آخرالزمان به دو گونه به موضوع بداء اشاره شده است؛ یکی دعاهایی که در این باب وارد شده است و ما در آن‌ها از خداوند تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام را می‌خواهیم و کوتاه شدن مدت غیبت حضرتش را می‌طلبیم و دیگری روایاتی که موضوع بداء را خصوصاً در احوال آخرالزمان و ظهور حضرت بیان می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: چند چیز جزو نشانه‌های حتمی ظهور است که قطعاً پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام روی خواهد داد؛ خروج سفیانی، فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء، شهید شدن نفس زکیه، ندایی آسمانی. راوی سؤال کرد: آیا در نشانه‌های حتمی، بداء روی خواهد داد؟ حضرت پاسخ داد: آری. سپس راوی عرض کرد:

۱. رعد/۳۹.

۲. توحید صدوق: باب بداء.

می‌ترسم که در قیام حضرت قائم علیه السلام نیز بداء رخ دهد! حضرت فرمود: خیر! قیام حضرت قائم علیه السلام از وعده‌های الهی است و خداوند در وعده‌ی خود تخلف نمی‌کند، زیرا خود در قرآن فرموده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۱ (به راستی خداوند از وعده‌ی خود تخلف نخواهد کرد).

یعنی ممکن است نشانه‌های پیش از ظهور منتفی شود و یا در آن جابجایی صورت گیرد، اما ظهور حضرت به یقین واقع خواهد شد. فقط ممکن است به واسطه‌ی جابجایی نشانه‌ها آن ظهور دیر یا زود شود.

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی فرمود: اگر مردم از غیبت امامشان به درگاه خداوند گریه و ناله کنند، ظهور حضرت نزدیک‌تر خواهد شد، و اگر مردم نسبت به دوری حجت خدا بی تفاوت باشند، غیبت نیز تا آخرین حد خود ادامه پیدا خواهد کرد.^۲ این حدیث نیز به خوبی مشخص می‌کند که بداء در مدت غیبت حضرت امکان دارد و به آمادگی بشریت و فراهم شدن بستر مناسب بستگی دارد، و هر زمانی که شرایط برای ظهور مهیا شود، حضرت هم ظهور خواهد نمود.

بدعت

بدعت اصطلاحاً به معنی نوآوری‌باطل در مسایل دینی و دست بردن در احکام حلال و حرام الهی است. در احادیث زیادی از تغییر دین و از بین رفتن احکام اسلام در دوران غیبت خبر داده شده است. در برخی روایات از مردن دین و کتاب آسمانی در دوران غیبت سخن به میان آمده است و از حضرت به عنوان زنده کننده‌ی کتاب قرآن و سنت رسول خدا یاد کرده‌اند.

۱. آل عمران / ۹.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۲۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی فرمود: مردی از فرزندان من در آخرالزمان قیام خواهد کرد. او هنگامی خواهد آمد که دل‌ها مرده، زیرا در آن زمان ناخوشی، سختی، گرسنگی، کشتار، فتنه‌های پی‌درپی، فراموشی سنت‌ها و به پاداشتن بدعت‌ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر فراوان خواهد شد. سپس خداوند به واسطه‌ی امام مهدی علیه السلام سنت‌های نابود شده را دوباره احیا می‌کند و با عدل و برکت وجود او دل‌های مؤمنین از نو زنده می‌شود...^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حضرت مهدی علیه السلام در اوج ناباوری و یأس و بدگمانی ظهور خواهد نمود و دین و قرآن را عزیز خواهد کرد و... تمام بدعت‌ها را نابود می‌کند و فتنه‌ها را خاموش می‌گرداند. حق را کاملاً آشکار و باطل را کاملاً از بین خواهد برد...^۲

برادران رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب نشسته بود که دست به دعا برداشت و به درگاه پروردگار عرض نمود: «خداوندا برادران مرا به من برسان» و این جمله را حضرت دو بار تکرار نمود. اصحاب عرضه داشتند: ای رسول خدا، آیا ما برادران شما نیستیم؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خیر، شما اصحاب و یاران من هستید، اما برادران من جماعتی هستند که در آخرالزمان خواهند آمد، به من ایمان می‌آورند در حالی که مرا ندیده‌اند، همانا خداوند ایشان را به نام خود و پدرشان، پیش از بیرون آمدن از صلب پدرانشان به من شناساند، به درستی که پایداری هر کدام از آنان بر دین خود از این سخت‌تر است که شاخه‌ی پر تیغ گیاه قناد^۳ را با دست پاک کنی یا اینکه آتشی سوزان و زغالی گداخته را در کف دست نگاه داری. آنان همانند چراغ‌های شب

۱. یاتی: ص ۲۰۲.

۲. ملاحم: ص ۱۳۳.

۳. قناد گیاهی است پر تیغ با خارهایی بسیار تیز.

تارند، خداوند ایشان را از فتنه‌های تیره و تار نجات می‌دهد.^۱

روزی اصحاب پیامبر ﷺ پرسیدند: ای رسول خدا! آیا کسی هست که از ما بهتر باشد در حالی که ما ایمان به دین اسلام آوردیم و در رکاب شما جنگ کردیم؟ حضرت فرمود: بلی، گروهی خواهند آمد که به من ایمان آورده، در صورتی که مرا اصلاً ندیده‌اند، بلکه نوشته‌هایی را می‌بینند، آن‌گاه ایمان می‌آورند و مرا تصدیق می‌کنند، آنان از شما بهتر هستند.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: چه وقت یارانم را خواهم دید؟! کی دوستانم را ملاقات خواهم کرد؟! بعضی از صحابه گفتند: آیا ما دوستان شما نیستیم؟ حضرت پاسخ دادند: شما اصحاب من هستید، اما دوستان من کسانی‌اند که مرا ندیده‌اند و به من ایمان می‌آورند، من مشتاق ایشانم!^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: خوش به حال کسی که در زمان ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه قرار گیرد، در حالی که پیش از قیام او به دستوراتش عمل می‌نموده و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن بوده است، به ائمه‌ی دوازده‌گانه ایمان داشته است. چنین کسانی دوستان من هستند و برترین افراد امت من به شمار می‌آیند.^۴

برکت در زمان ظهور

رسول خدا ﷺ درباره برکت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود: مردم یک پیمانه گندم یا جو برداشته به بر زمین کشت می‌کنند و آن را بدون کشاورز رها می‌کنند و بدون تحمل هیچ مشقتی هفتصد برابر برداشت می‌کنند.^۵

۱. یاتی: ص ۱۱۰ و عبقری الحسان: ج ۲ ص ۱۵.

۲. کنز العمال: ص ۴۶ و یاتی: ص ۱۰۹.

۳. کنز العمال: ص ۵۱.

۴. غیبت طوسی: ص ۲۷۵.

۵. ملاحم: ص ۹۷.

در حدیث دیگری رسول خدا ﷺ فرمود: در زمان حضرت مهدی علیه السلام چند نفر از یک انار و یک قرص نان خواهند خورد و سیر خواهند شد، و یک خیار جماعتی گرسنه را سیر خواهد کرد. زمین آنچه از خیر و برکت داشته باشد بیرون خواهد آورد.^۱ و چنان نعمت‌های فراوان برای مردم فراهم شود که هیچ امتی چنین بهره‌ای نداشته‌اند.^۲

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: در زمان ظهور چنان برکت‌ها از آسمان و زمین بارش می‌کند که هر درختی به خواست خداوند چندین برابر میوه می‌دهد. در آن روز مردم میوه‌ی تابستان را در زمستان هم برداشت می‌کنند و میوه‌ی زمستان را در تابستان هم می‌چینند. این تاویل سخن خداست که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا»؛^۳ (اگر اهل حجاز همگی ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، ما از آسمان و زمین برکت‌ها را بر آنها می‌باریدیم، اما آنان تکذیب کردند).^۴

برکت در آن روزگار فقط مخصوص نعمت‌های خوردنی و آشامیدنی نیست، بلکه عمر انسان‌ها و زمان نیز برکت خواهد یافت.

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، هر مرد عمری هزار ساله خواهد کرد و هزار پسر از خود خواهد داشت.^۵

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مدهامتان»؛^۶ (دو بهشت در نهایت سبزی و خرمی) در زمان حضرت قائم علیه السلام میان مکه و مدینه پر از نخل خواهد بود.^۷

۱. ملاحم: ص ۸۲ و ۱۵۲.

۲. همان: ص ۱۴۱.

۳. همان: ص ۷۱.

۴. اعراف / ۹۶.

۵. الخرائج و الجرائح راوندی: ج ۲ ص ۸۴۸.

۶. غیبت طوسی: ص ۲۰۸.

۷. الرحمان / ۶۴.

۸. نجم الناقب: ص ۱۶۲.

در روایات آمده است که زمین در آن روزگار چنان خرم می‌شود که جای قدمی را نمی‌توان یافت که از رویش گیاه سبز نباشد، و زمین و آسمان تمام نعمت‌ها و برکت‌هایی که در خود دارند آشکار خواهند کرد.

برهوت

ر.ک: آتش.

بشارت ظهور

ر.ک: انتظار، انجیل، تورات، زبور، موعود و منجی آخرالزمان.

بصره

بصره یکی از شهرهای معروف عراق است و دارای قدمت تاریخی است. بصره از صدر اسلام کانون حوادث و درگیری‌ها بوده است. جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های بسیاری در آن صورت گرفته است. فقط در جنگ جمل بین امیرالمؤمنین علیه السلام و عایشه بیست هزار نفر در یک روز کشته شدند.

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود که فرمود: خداوند زمین را برای من پیچید تا جایی که بصره را دیدم... که با تمام اهل آن دوبار زیر و رو خواهد شد، و خداوند نیز برای آخرین بار در مرتبه‌ی سوم آن را ویران و زیر و زبر خواهد کرد و این سومین بار در زمان رجعت خواهد بود.^۱

امام حسن علیه السلام درباره وقایع بصره فرمود: چه شمشیرها کشیده شد، چه شمشیرها آخته شد و چه چشم‌ها که گریان و چه پرده‌های عفاف که دریده می‌شود و چه غم‌ها که به وجود می‌آید؛ ضعیف‌ها هلاک می‌شوند، ضعیف‌ها هلاک می‌شوند. باد زردی از

۱. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۴۰. ذیل تفسیر آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی نجم «والمؤتفکة اهوی».

سوی قبله بر بصره وزیدن گیرد، تا جایی که شب از شدت زردی آن باد چون روز روشن شود. سپس بصره در آب غرق می‌شود. پس از این وقایع مانند دانه‌های تسبیح رخ می‌دهد، منتظر نشانه‌های پی در پی باشید، اولین نشانه صاعقه است، پس از آن باد زرد و پس از آن باد دائمی و صدایی که از آسمان می‌آید و مردم ار (دهشت) آن می‌میرند... راه‌ها چنان بسته می‌شود که نتوان از شهری به شهر دیگر رفت.^۱

یکی از نشانه‌های ظهور که خداوند در معراج به پیامبرش نشان داد، خرابی بصره است، که توسط یکی از فرزندان پیامبر انجام می‌شود و ساکنان زنگبار^۲ از او پیروی می‌کنند.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمودند: سه فتنه روی خواهد داد... فتنه‌ی سوم در بصره است و آن از جانب شخصی بی‌رگ و ریشه است که برانگیزاننده‌ی آشوب و بلواست. مردم دو گروه می‌شوند، گروهی همراه او و گروهی علیه او و سال‌هایی بر آنان حکومت خواهد کرد. سپس پادشاهی تندخوی و خشن بر آنها حکومت کند که نام او در آسمان قتال (بسیار کشنده) و در زمین جبار (ستمگر) است، آن‌قدر خون‌ریزی کند که آب را آلوده کند، تا جایی که نتوان از آن آشامید. سپس اعراب بر او هجوم می‌آورند و او را می‌کشند، در این زمان ستم و فساد رواج می‌یابد.^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در بصره سکونت نکنید زیرا چشمه‌ای در آن جوشش خواهد کرد که بصره و حومه‌ی آن را در آب فرو برد تا جایی که فقط مسجد بصره مانند بدنه‌ی کشتی در میان آب نمایان باشد.^۵

۱. باد زرد رنگ شاید به علت ذرات غباری است که به همراه باد جابجا می‌شوند و هنگام باد و باران به علت انعکاس نور خورشید، از لایه‌های بالایی جو به پایین، توسط ذرات معلق، فضا روشن می‌شود.

۲. ملاحم: ص ۱۲۶.

۳. زنگبار همان جمهوری تانزانای فعلی است، که اکنون یکی از جزایر مهم این کشور به نام زنگبار نامیده می‌شود. گروهی از ایران از شهرهای شیراز، شوشتر و سیراف در سال ۹۵۶ قمری به این کشور مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند.

۴. یاتی ص ۱۱۴.

۵. ملاحم: ص ۱۲۵.

۶. ملاحم: ص ۱۲۶.

زمانی که جنگ جمل پایان یافت امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ای فرمود و در آن خطبه درباره بصره چنین گفت: ای اهل بصره! ای شهری که سه بار (توسط مردم) با ساکنین آن زیر و رو خواهد شد، و در چهارمین مرتبه نیز خداوند آن را زیر و رو می‌کند. سپس خطاب به اصحاب جمل^۱ کرد و فرمود: ای لشکری که گرد این زن جمع شده‌اید و با نعره‌ی این شتر جمع شدید و اجابت او کردید، زمانی که پاهای شتر (توسط امام حسن علیه السلام) قطع شد همگی فرار کردید! چه اخلاق پستی دارید و چقدر منافق صفت هستید. آبتان تلخ و زمین شهرتان گندیده‌ترین زمین‌ها باد. شهر شما دورترین شهر از (رحمت) آسمان است و نه بخش از ده بخش بدی در این سرزمین است، آن‌که در این شهر ماندگار شده، چون خطاکار بوده و آن‌که از این شهر خارج شده، به واسطه‌ی بخشایش خداست. گویا می‌بینم که شهرتان در میان آب غرق شده و فقط ساختمان‌های بلند آن در میان آب نمایان است، مثل پرنده‌ای که در آب شنا می‌کند. هر زمان دیدید که خانه‌های حصیری در بصره به بناهای محکم و قصر تبدیل شدند از بصره کوچ کنید زیرا به زودی بصره نابود خواهد شد... فتنه‌هایی بزرگ، یکی پس از دیگری در بصره روی خواهد داد، که در یکی از این فتنه‌ها گروهی همدیگر را می‌کشند و در دیگری خانه‌ها خراب می‌شود و ثروت‌ها بر باد می‌رود و زنان اسیر شده و به گونه‌ای سخت سر بریده می‌شوند. ای وای از این جنایت، که بسیار عجیب است و کسی تا کنون مانند آن را انجام نداده است. فتنه‌ی دیگر بصره آن است که دجال - که چشمی از او بسته و چشم دیگری مانند لخته‌ی خون سرخ و برآمده است - به بصره می‌آید و هفتاد هزار نفر از اهالی بصره از او پیروی می‌کنند؛ آن‌ها مسیحیانی هستند که انجیل در گردن آویخته‌اند

۱. اصحاب جمل نام گروهی است که به سرکردگی طلحه و زبیر گرد عایشه، یکی از همسران رسول خدا که بر شتری سوار بود، در بصره جمع شده بودند و با امیرالمؤمنین علیه السلام جنگیدند و این جنگ به جنگ جمل نامیده شد، زیرا در آن عایشه بر شتری سوار بود و یکی از نامهای شتر در زبان عربی، جمل است.

و گروهی از آنان گشته و گروهی فرار می‌کنند. سپس زلزله‌ای در بصره واقع خواهد شد و پس از آن سنگباران خواهد شد. سپس در بصره خسف و فرورفتن زمین واقع خواهد شد و عده‌ای به شکل بوزینه مسخ می‌شوند و پس از آن گرسنگی‌ای سخت بر آنان حاکم می‌شود و پس از آن به مرگ سرخ یعنی غرق شدن دچار خواهند شد... در ادامه‌ی حدیث حضرت فرمود: خداوند در معراج شهر بصره را در کنار فرات به رسول خدا ﷺ نشان داد و به او وحی نمود: این جا بصره است که دورترین زمین‌ها به آسمان و نزدیک‌ترین زمین‌ها به آب است و زودتر از همه جا ویران خواهد شد. زمین شما پست‌ترین خاک و پر عذاب‌ترین زمین‌هاست و چند مرتبه در زمان‌های گذشته خسف شده و فرورفته است و باز هم تکرار خواهد شد و بصره و حوالی آن در آب فرو خواهد رفت، و من (یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام) می‌دانم که آب از کجا خواهد جوشید و بلاهایی بر این سرزمین خواهد رسید که همه‌ی آنها را می‌دانم و شما نمی‌دانید! کسی که قبل از غرق شدن بصره در آب، از آن خارج شود، مورد رحمت خداست و کسی که در آن باقی بماند، به خاطر گناهانی است که مرتکب شده است، البته به جز کسی که برای پاسداری از مرزها در آن جا مانده باشد. بدانید که خدا بر کسی ظلم روا نمی‌دارد.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی به ابن عباس فرمود: ... زمانی که مصر نابود شود، در بصره خسف (به زمین فرورفتن) پدیدار می‌شود و زمین‌های حاصلخیز و حومه‌ی بصره به زمین فرو می‌روند و دو خسف دیگر در بازار و مسجد شهر روی خواهد داد و پس از آن آب شهر را فرامی‌گیرد و طوفان به پا می‌شود و هر کسی که در جنگ با شمشیر

۱. البته در بعضی از روایات مرگ سرخ را مرگ با شمشیر معنا کرده‌اند و شاید هر دو مرگ نیز به این تعبیر گفته شود. رک: مرگ سرخ و سفید.

۲. یاتی ص ۱۱۴.

کشته نشده است، در آب غرق می‌شود، به جز کسانی که از بصره خارج شوند و در اطراف بصره ساکن شوند...^۱

بغداد^۲

بغداد پایتخت عراق کنونی است. این شهر را «منصور» خلیفه‌ی عباسی در سال ۱۴۴ هجری بنا نهاد و مرکز حکومت عباسیان بود پس از «هارون الرشید» پایتخت عباسیان به «مرو» در خراسان و سپس به «سامرا» منتقل شد و دیگر بار بغداد پایتخت سلسله‌ی عباسی قرار گرفت و در این زمان بود که بغداد به اوج شکوفایی خود رسید. بغداد در این دوره مرکز رفت و آمد علما از ادیان مختلف و فرقه‌های متفاوت بود. از جمله شیعیان در این شهر بسیار ریشه دوانده بودند و تعداد زیادی از یاران ائمه علیهم‌السلام در این شهر به سر می‌بردند، توجه به سلطنت حاکمان جور اغلب در تقیه و مخفیانه به فعالیت می‌پرداختند. هشام ابن حکم که از یاران خاص امام صادق علیه‌السلام بود در این شهر می‌زیسته. امام کاظم علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام که توسط حاکمان وقت به این شهر احضار می‌شدند، تا بهتر زیر نظر حکومت باشند، در این شهر مدفونند و اکنون قبور ایشان در منطقه‌ای از بغداد به نام کاظمیه است. پس از امام جواد علیه‌السلام به خاطر انتقال پایتخت حکومت عباسی به سامرا، امام دهم و امام یازدهم حضرت عسکریین به آن شهر تبعید شدند و در آنجا نیز به شهادت رسیدند و در منزل مسکونی امام هادی علیه‌السلام مدفون شدند و اکنون مزار ایشان در سامرا محل زیارت شیعیان است. در زمان حضرت امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه‌السلام شیعیان در بغداد فعالیت‌های خود را گسترش دادند و وکلای ایشان در این شهر به سر می‌بردند. در دوران غیبت کبری نیز چهار تن از نایبان حضرت مهدی علیه‌السلام که واسطه میان آن جناب و مردم بودند، در بغداد به سر

۱. ملاحم: ص ۱۲۵.

۲. رک: آتش، زوراء.

می‌بردند. وجوه شرعی شیعیان از جمله خمس به نزد ایشان در بغداد می‌رسید تا به دست حضرت برسد و مسائل شرعی را مردم به واسطه‌ی ایشان از حضرت سؤال می‌کردند. عثمان بن سعید اولین نایب حضرت مهدی علیه السلام در محله‌ی کرخ در این شهر ساکن شد و پس از او سه تن دیگر از نایبان حضرت. کرخ در بغداد به واسطه‌ی کثرت سکونت شیعیان در آن به محله‌ی شیعیان معروف شده بود. پس از غیبت صغری و شروع غیبت کبری، به خاطر وجود محدثانی که احادیث را از نایبان حضرت و از راویان أخذ کرده بودند، بغداد محل رفت و آمد کسانی بود که به دنبال فراگیری علوم آل محمد علیهم السلام بودند. از این روی علمای زیادی از جمله مرحوم کلینی مؤلف کتاب شریف «الکافی»، به این شهر مهاجرت می‌کردند.

در حدیثی در کتاب شریف بحار الانوار یکی از نشانه‌های قبل از ظهور، ویرانی بغداد یاد شده است. و در حدیث دیگری یکی از نشانه‌ها را ساخته شدن پلی در محله‌ی «کرخ» بغداد می‌داند.^۱

در بیست و یکم و بیست و دوم ذی‌قعدة آخرین سال غیبت حضرت مهدی علیه السلام، سفیانی در بغداد کشتاری بزرگ انجام می‌دهد و هشتاد هزار نفر را خواهد کشت.^۲

بنی امیه

امام حسین علیه السلام بر گروهی از بنی‌امیه گذر کرد که دور هم در مسجد حلقه زده بودند. سپس حضرت به شخصی که همراه ایشان بود فرمود: بدان! سوگند به خدا که این جهان پایان نپذیرد مگر زمانی که خداوند مردی از فرزندانم را فرستد تا هزار نفر از شما را بکشد و هزار نفر دیگر و هزار نفر دیگر را. راوی پرسید: فدایت شوم، قبیله‌ی بنی‌امیه این قدر جمعیت ندارند؟! حضرت با عتاب به او فرمود: در آن زمان فرزندان

۱. یاتی: ص ۱۱۸.

۲. موعود نامه: ص ۲۴۴.

هر مرد از آنها بسیار است و آقا و غلامشان از خودشان است.^۱

در زیارت عاشورا می‌خوانیم «اللهم العن بنی امیه قاطبة» بنی امیه جملگی ملعون‌اند و این بدان جهت است که در میان آنان جز دشمن اهل بیت علیهم‌السلام به وجود نیامده است. لذا در این حدیث هم حضرت می‌فرماید: آقا و غلام آنها خودی‌اند و یک رنگند و رسول خدا درباره آنان فرمود: هر دینی آفتی دارد و آفت دین من بنی امیه‌اند.^۲ حضرت سه بار فرمود که هزار نفر از بنی امیه به قتل می‌رسند، و این شاید کنایه از کثرت قتل و کشتار باشد زیرا در کلام عرب مرسوم است که عدد سه را دلیل بر جمع می‌گیرند و مثلاً هفتاد را برای بیان کثرت به کار می‌برند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: وای بر امت من از دست دو گروه، پیروان بنی‌امیه و پیروان بنی‌عباس که هر دو گروه، پرچم گمراهی برافرازند.^۳

در حدیثی نقل شده است: مردی از فرزندان هاشم به حکومت می‌رسد و بنی‌امیه را قتل عام می‌کند، به حدی که جز اندکی از آنان باقی نمی‌ماند و با غیر بنی‌امیه کاری ندارد. پس از آن مردی از بنی‌امیه به پا می‌خیزد و به جای هر نفر از بنی‌امیه (که کشته شده است) دو نفر (از بنی‌هاشم) را به قتل می‌رساند تا جایی که جز زنان کسی باقی نمی‌ماند. سپس مهدی علیه‌السلام ظهور می‌نماید. (بعضی معتقدند که این شخص که از بنی‌امیه قیام می‌کند همان سفیانی است که در آخرالزمان قبل از قیام حضرت حجت علیه‌السلام خروج می‌کند و از بنی‌هاشم بسیار خواهد کشت).^۴

سفیانی یکی از طاغوت‌های آخرالزمان است که قبل از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام با لشکری بزرگ به خونریزی و کشتار دست می‌زند و عاقبت به دست حضرت کشته

۱. یاتی: ص ۱۲۲ و غیبت شیخ طوسی: ص ۱۱۶.

۲. ملاحم: ص ۱۶۲.

۳. ملاحم: ص ۳۴.

۴. ملاحم: ص ۵۹.

می‌شود. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: سفیانی از چه نژادی است؟ حضرت فرمود از بنی امیه است.^۱

بنی شیبه

شیبه نام شخصی است که در جریان فتح مکه مسلمان شد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را کلیددار خانه‌ی خدا کرد و پس از او طایفه‌ی بنی شیبه کیلدار خانه‌ی خدا بودند.^۲

امام صادق علیه السلام درباره بنی شیبه می‌فرماید: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید، ابتدا دست‌های بنی شیبه را قطع می‌کند و بر دیوار کعبه آویزان می‌نماید و دستور می‌دهد که ندا دهند: این‌ها دزدهای خانه‌ی کعبه‌اند.^۳

بنی عباس

نام شاخه‌ای از بنی هاشم از نژاد عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله. این نام بر خلفای عباسی که پس از بنی امیه خلافت یافتند اطلاق می‌شود. خلفای عباسی از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هجری قمری خلافت داشته‌اند. اول ایشان ابوالعباس عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، معروف به سفاح، و آخرین نفر آنان معروف به مستعصم بالله بود، عده‌ی این خلفاء ۳۷ تن و انقراض ایشان بر دست هلاکو نیرهی چنگیز بوده است. محل خلافت آنان ابتدا انبار و بعد کوفه و سپس بغداد بود.^۴

برای یاری بنی عباس گروهی با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند و پس از آن گروهی دیگر با پرچم‌های سیاه و کلاه‌های سیاه و پیراهن‌های سفید قیام می‌کنند که پیشاپیش

۱. ملاحم: ص ۱۵۰.

۲. موعود نامه: ص ۱۷۷.

۳. غیبت نعمانی: ص ۱۶۵.

۴. لغت نامه دهخدا: واژه‌ی آل عباس.

آنان مردی به نام شعیب بن صالح است که یاران سفیانی را تار و مار می‌کند و به بیت المقدس آمده و شرایط را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام مهیا می‌کند...^۱

جناب محمد بن حنفیه، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: بنی العباس چنانچه حکومت می‌رسند که مردم هیچ امید خیری نخواهند داشت، سپس احوال آنان آشفته خواهد شد. در این زمان اگر پناه‌گاهی جز سوراخ عقرب پیدا نکردید، بدان پناه برید، زیرا مردم به گرفتاری طولانی مبتلا خواهند شد و این ادامه خواهد داشت تا این که سلطنت آنان از بین برود و مهدی علیه السلام قیام نماید.^۲

چنان که از تاریخ نیز به دست می‌آید، بنی العباس عرصه را بر شیعیان تنگ کردند به طوری که کسی جرئت نداشت شیعه بودن و علوی بودن خود را ابراز کند و جنایاتی را مرتکب شدند که تاریخ نظیر آن را کمتر دیده است شیعیان و سادات بنی فاطمه را به قدری آزار و اذیت می‌نمودند که مجبور بودند به کوه‌ها و مناطق دوردست پناه ببرند و اغلب گمنام زندگی کنند. از این روست که در این حدیث ظلم بنی العباس را از گزیدن عقرب‌ها بدتر توصیف می‌کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که پنجمین نفر از خاندانم از دنیا برود آشوب و هرج و مرج به پا شود تا زمانی که هفتمین نفر از اهل بیت فوت نماید. سپس اوضاع همان طور باشد تا زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید.^۳

در حدیثی نقل شده است که مردی از فرزندان هاشم به حکومت می‌رسد و بنی‌امیه را قتل عام می‌کند، و پس از او دوباره بنی‌امیه به قدرت رسیده و به خونخواهی کشتگان خود دو برابر از بنی هاشم را می‌کشند.^۴ (این حدیث شاید به سلطنت بنی

۱. ملاحم: ص ۵۲.

۲.

۳. ملاحم: ص ۲۹.

۴. ملاحم: ص ۵۹.

العباس اشاره دارد، زیرا هنگامی که به قدرت رسیدند بنی امیه را از دم تیغ گذرانیدند. در آخرالزمان سفیانی که فردی از بنی امیه است خواهد آمد و از بنی هاشم بسیار خواهد کشت.^۱

موسی بن جعفر در ضمن حدیثی به علی بن حمزه فرمود: بنی العباس از بین خواهند رفت و سپس به قدرت می‌رسند و آنان را سفیانی از بین خواهد برد.^۲

در حدیثی در کتاب ملاحم آمده است: هنگامی که آسیای بنی العباس بگردد (و حکومتشان رونق گیرد) و مردانی با پرچم‌های سیاه مرکب‌های خود را به درختان زیتون شام ببندند، و خداوند اصبه را با تمام خانواده‌اش به دست بنی العباس به قتل برساند، به طوری که بنی امیه همگی فرار کنند یا مخفی شوند، آنگاه سفیانی (قیام می‌کند و) سلسله‌ی بنی العباس را از بین می‌برد و فرزندی از فرزندان هند جگر خوار بر منبر دمشق می‌نشیند و بربرها به سوی پایتخت شام (دمشق) روان می‌شوند که این نشانه‌ی قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

بنی قنطورا

درباره این که «بنی قنطورا» چه کسانی هستند و «قنطورا» کسیت، اختلاف است. «قنطورا» کنیز حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته شده است و گفته‌اند قوم ترک از او به وجود آمده است و بعضی بنی قنطورا را به سودانیان تعبیر کرده‌اند.^۳ بعضی گفته‌اند نژاد چینی‌ها از قنطورا است و برخی آنان را به مردم اندلس معنی کرده‌اند. به هر حال «بنی قنطورا» اقوامی هستند که در آخرالزمان به مناطق مسلمان نشین یورش می‌برند و برخی از کشورهای اسلامی را مورد هجوم قرار می‌دهند.

۱. رک: سفیانی.

۲. یاتی: ص ۱۲۶.

۳. لغت نامه دهخدا؛ واژه‌ی قنطوراء.

رسول خدا ﷺ فرمود: بنی قنظورا به سرزمین بصره هجوم می‌آورند و در کنار رود دجله که نخل‌های فراوان در کنار آن است فرود می‌آیند. مردم بصره سه دسته شده، گروهی به روش نیاکان خود برمی‌گردند و هلاک می‌شوند (یعنی به روش جاهلیت برمی‌گردند)، و گروهی دست به کار نمی‌زنند و خودداری می‌کنند و به واسطه‌ی این کار کافر می‌شوند، و گروهی نیز دست از اهل و عیال شسته و به جنگ با آنان می‌پردازند و خداوند هم پیروزی را نصیب آنان می‌فرماید. در حدیثی دیگر نیز رسول خدا ﷺ پس از بیان این مطالب اضافه می‌کند: کسانی که در این جنگ با بنی قنظورا کشته می‌شوند، شهید هستند.^۱

در حدیثی رسول خدا ﷺ سه بار فرمود: «به زودی حکومت اعراب در هم می‌پسجد». شخصی پرسید: چه کسی آن را در هم می‌پسجد؟ حضرت فرمود: بنی قنظورا که مردمانی‌اند با صورت‌های عریض و بینی‌های پهن و چشم‌های کوچک. صورت‌هایشان مانند سپرهای چکش خورده است که در روستای نزدیک سرزمین عرب و گویا در میان زمین‌های اعراب فرود می‌آیند که آن را «جبانة اللون» می‌گویند. سپس میان آنان و اعراب جنگ سختی درمی‌گیرد و ترک‌ها (یعنی بنی قنظورا) می‌گویند: (ای اعراب) هر غیر عربی که از نژاد ماست و در میان شماست به سوی ما بفرستید تا از جنگ با شما دست برداریم. اعراب به افراد غیر عرب (که در میان آن‌ها هستند) می‌گویند: به سوی برادرتان بروید اما آن‌ها قبول نمی‌کنند و می‌گویند: آیا بعد از آن‌که مسلمان شده‌ایم، به سوی کفر برگردیم؟! سپس غیر عرب‌ها به جنگ با بنی قنظورا می‌روند و چنان می‌جنگند که احدی از آنان باقی نمی‌ماند و با غنیمت‌های بسیار برمی‌گرداند. اعراب به آنان می‌گویند: از غنیمت‌هایی که گرفته‌اید به ما هم بدهید ولی غیر عرب‌ها پاسخ می‌دهند: هرگز! به خدا قسم نمی‌دهیم، زیرا شما ما را (درمقابل بنی

قنطورا) خوار نمودید (و می‌خواستید به خاطر حفظ جان خود ما را تسلیم آنان کنید).^۱
 در برخی از روایات آمده است که بنی قنطورا از طرف خراسان و سجستان^۲ قیام کرده و مسلمانان را در سختی و مشقت به سوی بصره، کنار رود فرات سوق می‌دهند و به ساکنین بصره اخطار جنگ می‌دهند و آنان را از شهر بیرون کرده و خود تا یک سال در آن ساکن می‌شوند.^۳

بنی هاشم

هاشم از پدران رسول خدا ﷺ بود و از بزرگان قبیله‌ی قریش به شمار می‌رفت، او و فرزندانش در قریش منزلتی خاص داشتند و فرزندان او به عنوان سادات بنی هاشم شناخته می‌شوند.

پس از ظهور اسلام میان دو تیره از قریش، یعنی فرزندان هاشم و فرزندان امیه، بر سر خداپرستی و بت‌پرستی اختلاف افتاد. هر چند بنی امیه پس از سال‌ها مجبور به پذیرش اسلام شدند، اما هیچ‌گاه در دل خود آن را نپذیرفتند و دست از دشمنی و کینه‌توزی با بنی هاشم برنداشتند. این اختلاف منشأ جنگ‌ها و حق‌کشی‌های بسیاری در سال‌های بعد از رسول خدا ﷺ شد، و بنا بر احادیث موجود، این دشمنی تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام باقی خواهد بود.

در روایتی آمده که مردی از بنی هاشم به حکومت خواهد رسید و بنی امیه را قتل عام خواهد کرد، به گونه‌ای که فقط تعداد اندکی از آنان باقی می‌ماند و فقط بنی امیه را می‌کشد و با دیگران کاری ندارد. سپس مردی از بنی امیه قیام کرده و به جای هر یک نفر که از بنی امیه کشته شده است، دو نفر را به قتل می‌رساند، تا جایی که فقط زن‌ها

۱. ملاحم: ص ۱۷۰.

۲. منطقه‌ای است مشترک میان ایران و افغانستان.

۳. رک: ترک.

باقی خواهند ماند (و مردهایشان کشته می‌شوند). در آن زمان حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام نمی‌آید مگر زمانی که دوازده نفر از بنی هاشم قیام کنند که هر یک، مردم را به سوی خود فرامی‌خواند.^۲

در حدیثی آمده است که هنگام ظهور، خداوند حجاز را برای حضرت فتح می‌کند و هر کس از بنی هاشم در زندان گرفتار باشد، بیرون می‌آورد و حرکت می‌کند تا در بیت المقدس فرود آید.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فتنه‌ها را یاد آور می‌شدند، در آن میان فرمود: فتنه‌ای داخل شهر زوراء^۴ می‌شود، چه بسیار مردان و زنان کشته خواهند شد، چه مال‌های زیادی به یغما برده می‌شود و چه هتک حرمت‌هایی انجام خواهد شد. در آن روز رحمت خدا بر کسی که زنان بنی هاشمی را پناه دهد زیرا آنان پرده‌گیان من هستند...^۵

در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظهور خواهد نمود. و در ادامه می‌فرماید خداوند سرزمین حجاز را به تصرف او در خواهد آورد و او تمام کسانی که از بنی هاشم در زندان به سر می‌برند، آزاد خواهد نمود.^۶

محمد بن حنفیه، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: مردی از تبار بنی هاشم به خلافت می‌رسد و به بیت المقدس رفته و عدالت را در زمین برپا می‌کند... چهل سال حکومت می‌نماید و در سال سی و سوم از حکومتش روم را تصرف خواهد نمود. سپس

۱. ملاحم: ص ۵۹.

۲. اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۲۶.

۳. موعود نامه: ص ۱۷۹.

۴. رک: زوراء.

۵. ملاحم: ص ۱۲۷.

۶. ملاحم: ص ۶۴.

اطرافیان‌ش به او خیانت نموده و در سرزمین «عمق» علیه او گرد آمده و او از فرط غم از دنیا خواهد رفت. پس از او مردی دیگر از بنی‌هاشم حاکم می‌شود و مخالفان را سرکوب کرده و قسطنطنیه را فتح می‌نماید... سپس به بیت المقدس برمی‌گردد و در زمان حکومت این شخص حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل شده و پشت سر او نماز خواهد گذاشت و دجال نیز در همین زمان قیام خواهد کرد.^۱

بیت المال در زمان ظهور

در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام احکامی اجرا خواهد شد که قبل از آن یا اجرا نمی‌شده به سه نحو مطلوب اجرا نمی‌شده است. از آن جمله می‌توان قضاوت، تقسیم ارث، تقسیم بیت المال و زکات و صدقات و... را نام برد.

جابر جعفی می‌گوید: پانصد درهم زکات را به خدمت امام باقر علیه السلام بردم و از ایشان خواستم تا آن را از من دریافت نماید. حضرت فرمود: شما خود این مال را بین همسایگان مسلمان و فقیر و برادران ایمانی خود تقسیم کن. سپس حضرت فرمود زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، اموال (عمومی) را یکسان میان مردم تقسیم خواهد کرد و عدالت را (به بهترین وجه) پیاده خواهد نمود. هر که او را اطاعت کند، خدای را اطاعت نموده و هر کس که از او پیروی نکند، از فرمان خدا سرپیچی نموده است... اموال دنیا از زیر و زبر زمین به سوی او روان خواهد شد و او به مردم خطاب می‌کند و می‌فرماید: هان! این اموالی است که به خاطر آن رشته‌ی خویشاوندی را قطع می‌نمودید و خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید و برای آن از فرمان خدا روی برمی‌تافتید؛ سپس به هر شخصی آنقدر از آن اموال می‌دهد که قبل از آن هرگز نداده است. و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.^۲

۱. ملاحم: ص ۸۰.

۲. یاتی: ص ۵۵۱ و غیبت ص ۲۳۷.

بیت الحمد^۱

«بیت الحمد» یعنی «خانه‌ی ستایش»، و این نام خانه‌ای است که در روایات به حضرت مهدی علیه السلام نسبت داده می‌شود.

در روایتی امام صادق علیه السلام به مفضل می‌فرماید: حضرت صاحب الامر علیه السلام خانه‌ای خواهد داشت که «بیت الحمد» نامیده می‌شود، در این خانه از روزی که او متولد شود تا زمانی که قیام به شمشیر نماید، چراغی همواره روشن خواهد بود و خاموش نخواهد شد.^۲

بیت المقدس

بیت المقدس مسجدی است که قبله‌ی نخستین مسلمانان بوده و در شهر اورشلیم در فلسطین کنونی واقع شده است. این شهر در سال‌های پیش از ظهور و دوران پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام شاهد حوادث زیادی خواهد بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی بیت المقدس را بهترین مکن دنیا بدانند و آن را بر دنیا و تمام آنچه در دنیاست ترجیح دهند.^۳

شاید این حدیث اشاره به اعتقاد افراطی صهیونیست‌ها دارد که قدس و سرزمین فلسطین را مکانی مقدس می‌دانند و آن را سرزمینی می‌دانند که خدا به ملت یهود بخشیده است و خود را نژاد برتر دنیا می‌دانند و معتقدند که باید به جای مسجد الاقصی در قدس، معبد سلیمان را بنا کنند و زمینه سازی ظهور مسیحا را نمایند و پس از ظهور مسیحا آنان بر همه‌ی دنیا از سرزمین فلسطین حکومت خواهند کرد.^۴

۱. رک: خانه‌ی حضرت مهدی علیه السلام.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۵۸ و یاتی ص ۴۱۹.

۳. یاتی ص ۱۳۳.

۴. رک: صهیونیست، فلسطین.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای مفصل فرمودند: مهدی علیه السلام به بیت المقدس می‌رود و تابوت سکینه و انگشتر حضرت سلیمان و الواح تورات که بر موسی بن عمران نازل شده بود را، از آن‌جا بیرون می‌آورد.^۱

محمد بن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: شعیب بن صالح - که یکی از قیام‌کنندگان قبل از ظهور حجت است و پس از قیام به لشکر امام می‌پیوندد و جزو سرداران لشکر حضرت خواهد بود - لشکر سفیانی را شکست می‌دهد و به بیت المقدس می‌رسد و در آن‌جا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کند و سیصد نفر از شام (سوریه) بدو خواهند پیوست و هفتاد و دو ماه از قیام شعیب بن صالح، حضرت مهدی علیه السلام ظهور نموده و شعیب بن صالح حکومتش را تسلیم حضرت خواهد کرد.^۲

خداوند در قرآن به شیطان تا وقت معلوم مهلت داده است و به او وعده داده که تا وقت معلوم نخواهد مرد. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: وقت معلوم روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیت المقدس، بر روی سنگی سر شیطان را از بدنش جدا می‌کند.^۳

حضرت مهدی علیه السلام پس از استقرار حکومت عادلانه‌اش در جزیره العرب و عراق، از کوفه به سوی شام و سپس به سوی فلسطین حرکت می‌کند، و سفیانی که در آن ایام در «رمله»^۴ به سر می‌برد، با لشکر حضرت جنگ سختی خواهد کرد و سفیانی شکست می‌خورد.^۵

در کتاب ملاحم روایت می‌کند که مردی از بنی هاشم به خلافت می‌رسد و به بیت

۱. یاتی: ص ۱۲۴.

۲. رک: شعیب بن صالح. ملاحم: ص ۵۲.

۳. رک: شیطان. تفسیر صافی: ج ۲ ص ۱۱۳.

۴. رمله نام یکی از شهرهای فلسطین است که در نزدیکی بیت المقدس قرار دارد.

۵. موعود نامه: ص ۱۸۶.

المقدس می‌رود، آن‌جا را چنان بازسازی می‌کند که پیش از آن هرگز این‌گونه بازسازی نشده باشد و چهل سال حکومت خواهد نمود... سپس مردی دیگر از بنی هاشم به حکومت رسیده و به بیت المقدس رفته و در این زمان است که دجال قیام می‌نماید، همچنین در همین ایام است که عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل شده و پشت سر این حاکم بنی هاشمی نماز می‌گذارد.^۱

بیداء

بیداء به معنی سرزمینی است که خاک نرمی دارد و در میان راه مکه و مدینه قرار گرفته است و به شهر مکه نزدیک‌تر است. گروهی برای جنگ به سوی مکه و خانه‌ی خدا می‌روند، زمانی که به این سرزمین می‌رسند، خدا به جبرئیل علیه السلام دستور می‌دهد و او زمین را امر کرده تا همه‌ی آن‌ها را در خود فرو برد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (در آن روز سفیانی در مصر به سر می‌برد) لشکری از شام مهیا کرده و به سوی مکه (برای خراب کردن کعبه) گسیل می‌دارد، زمانی که لشکر به سرزمین بیداء می‌رسد در زمین فرو می‌روند. در حدیث دیگری فرمود: این رخداد از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.^۳

علی علیه السلام فرمود: زمانی که لشکر سفیانی فراریان را به سوی مکه دنبال می‌کنند، به سرزمین بیداء می‌رسند، در آن‌جا ندایی می‌رسد و آن‌ها در زمین فرو می‌روند و این تأویل قول خداوند است که می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»؛^۴ [ای رسول ما] کاشمی دیدی، زمانی که [از شدت عذاب] هراسان و ترسناک‌اند،

۱. ملاحم: ص ۸۰.

۲. ملاحم: ص ۷۶.

۳. ملاحم: ص ۷۵.

۴. سیا/۵۱.

چگونه عذاب از آنها فروگذار نمی‌شود [و دائماً عذاب می‌کشند] و از مکان نزدیکی گرفتار خواهند شد). یعنی از زیر پایشان فرو می‌روند. آن روز مردی از لشکر سفیانی در پی شترش رفته است، اما زمانی که برمی‌گردد هیچ کدام از لشکریان را نمی‌بیند و هم اوست که خبر نابودی لشکر را به مردم می‌رساند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: با مردی از امت من (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) در میان رکن و مقام، (سیصد و سیزده نفر) به تعداد یارانم در جنگ بدر بیعت می‌کنند. سپس گروهی از عراق و ابدال از شام (سوریه) نزد او می‌آیند و لشکری از سوی شام (یعنی لشکر سفیانی) به سوی ایشان می‌آیند، اما زمانی که به سرزمین بیداء می‌رسند در زمین فرو می‌روند.^۲

در روایت دیگری رسول خدا ﷺ فرمود: ... سفیانی لشکری به سوی حضرت مهدی علیه السلام گسیل می‌دارد، اما آنان در بیابانی به زمین فرو خواهند رفت. شخصی پرسید: ای رسول خدا آیا کسی که به اجبار (یا از روی تقیه) همراه آنان باشد نیز هلاک می‌شود؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بلی، اما در روز قیامت با همان نیتی که داشته برانگیخته خواهد شد.^۳

بیعت

بیعت نمودن یعنی پیمان و میثاق بستن با کسی، و تعهد دادن و خود را ملزم به اطاعت شخص، یا انجام کاری کردن، یکی از مراسم حکومت، ستاندن بیعت از رعیت است. رسول خدا ﷺ نیز در روز غدیر از همه‌ی مردم حتی زن‌ها نیز بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفت و حضرت مهدی علیه السلام نیز از یاران خود بیعت و

۱. ملاحم: ص ۷۵.

۲. یاتی: ص ۱۳۶.

۳. یاتی: ص ۲۰۳.

پیمان می‌ستانند. ولی در زمان غیبت آن حضرت که مردم به ایشان دست‌رسی ندارند به گونه‌ای دیگر دستور داده‌اند. در دعای زمان غیبت پس از خواندن دعا باید کف دست راست را بر دست چپ بزنیم و با این کار نیت کنیم که با آن حضرت بیعت می‌نماییم. به خاطر اهمیت متابعت و فرمانبرداری از امام معصوم این بیعت را برای هر روز دستور داده‌اند و در دعای عهد که هر روز صبح خوانده می‌شود، این گونه می‌گوییم: «بارالها من در این صبح و تا روزی که زنده‌ام پیمان و میثاق و بیعت خود را با امام زمان علیه السلام تازه کرده و به آن متعهد می‌شوم، به طوری که هرگز از آن روی گردان نشوم».

ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: (سیصد سیزده تن) به تعداد کسانی که در جنگ بدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمودند، با مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد و ساکنان زمین و آسمان از او راضی می‌شوند. و در حدیث دیگری فرمود: این تعداد در میان رکن و مقام در مسجد الحرام بیعت می‌کنند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌نماید، عهد و میثاق و بیعتی از هیچ کس در گردن او نیست.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام با مردم بر کتاب جدید میثاق و بیعت می‌گیرد که این بیعت بر اعراب بسیار سخت خواهد بود...^۳

و در حدیث دیگری آمده: چون حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید، بر امری جدید و سستی جدید و حکم جدید قیام نموده و این کار بر اعراب بسیار گران خواهد بود.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید ندایی نام حضرت مهدی علیه السلام را صدا می‌زند، یاران در پشت مقام ابراهیم نزد ایشان می‌آیند و به آن حضرت می‌گویند: چه انتظاری داری؟

۱. یاتی: ص ۱۲۶.

۲. همان.

۳. غیبت نعمانی: ص ۱۹۴.

۴. همان.

سپس دست حضرت را گرفته و با ایشان بیعت می‌کنند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: اولین شخصی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می‌کند حضرت جبرئیل علیه السلام است و سپس سیصد و سیزده نفر اصحاب خاص آن جناب با حضرت بیعت خواهند کرد.^۲

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: ای مفضل! هر بیعتی قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام گرفته شود، بیعتی است بر پایه‌ی کفر و نفاق و نیرنگ، که خداوند بیعت کننده و بیعت گیرنده را لعنت می‌کند، اما مهدی علیه السلام کسی است که بر دیوار خانه‌ی خدا تکیه می‌دهد و دستش را دراز می‌کند و نوری از آن ساطع می‌شود و می‌گوید: این دست خداست که از جانب خدا و به دستور او (شما را به بیعت می‌خواند). سپس این آیه را خواند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْقَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَن يَأْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۳ [ای رسول ما] همانا کسانی که با تو بیعت کردند، در اصل با خدا بیعت نموده‌اند زیرا دست خدا فرای دست آنان بود و کسی که این پیمانرا بشکند همانا خود را به تباهی کشیده است، و کسی که به این میثاق پایبند باشد خداوند هم به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد) آن‌گاه اولین شخصی که می‌آید و بیعت می‌کند جبرئیل است و سپس فرشتگان و برگزیدگان جن می‌آیند و با ایشان بیعت می‌نمایند و سپس نقیبان بیعت می‌کنند.^۴

در حدیث مفصلی ابن مسعود روایت می‌کند، زمانی که راه‌های تجارت بسته و

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۶۳.

۲. یاتی: ص ۱۲۷.

۳. فتح/۱۰.

۴. الزام الناصب: ص

فتنه‌ها زیاد شد، هفت عالم از گوشه گوشه‌ی دنیا بدون هماهنگی قیام می‌کنند و با هر کدام سیصد و سیزده نفر بیعت می‌کنند و این هفت عالم در مکه با هم ملاقات می‌کنند و از مقصود یکدیگر پرسش می‌کنند و همگی می‌گویند که ما به دنبال مهدی عجل الله تعالی فرجه هستیم. سپس به جستجوی آن حضرت می‌پردازند و ایشان را پس از تحمل سختی‌هایی می‌یابند و... زمانی که حضرت را یافتند می‌گویند: بیا تا با شما بیعت کنیم. سپس حضرت در میان رکن و مقام می‌نشیند و آنان با حضرت بیعت می‌کنند...^۱

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر از آمدن گروهی با پرچم‌های سیاه می‌دهند که از سوی مشرق قیام می‌کنند. سپس حضرت می‌فرماید اگر این گروه قیام کردند به سوی آنان بشتابید و با آنان بیعت کنید اگر چه لازم باشد سینه خیز از روی برف‌ها بروید!^۲

پیشاپیش ظهور حضرت در مراسم حج گروهی از حج‌گذاران پس از عرفات، در منی دیوانه وار به جان هم می‌افتند و پس از کشتاری فراوان به سوی حضرت می‌روند که سر بر دیوار کعبه نهاده و اشک می‌ریزد. از او می‌خواهند که از ایشان بیعت بستاند. حضرت می‌فرماید: چقدر پیمان بستید و سپس شکستید و چقدر خون‌ها (ی ناحق) ریختید! سپس با کراهت و ناراحتی با آنان بیعت می‌کند. سپس فرمود اگر شما نیز آن زمان را دریافتید، با او بیعت نمایید زیرا او هدایت‌گر آسمان و زمین است.^۳

امام حسن عجل الله تعالی فرجه فرمود: همه‌ی ما اهل بیت بیعتی از طاغوت‌های زمان خود به گردن دارد، مگر حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، و در روایت دیگری امام رضا عجل الله تعالی فرجه فرمود: حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه از میان مردم غایب خواهد شد، تا به گردنش بیعتی نباشد و زمانی که قیام می‌نماید با شمشیر قیام می‌کند (و بیعتی از هیچ کس مانع او نخواهد بود).^۴

۱. یاتی: ص ۶۶۶.

۲. یاتی: ص ۱۴۶.

۳. یاتی: ص ۶۹۱.

۴. نجم الناقب: باب سوم.

بِیُوح

بیوح به معنای کشتار شدید و مداوم است، و نیز به معنای گرمای شدید و جانکاه نیز آمده است.

بزنطی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می‌کند که پیشاپیش ظهور حضرت مهدی علیه السلام مرگ «بیوح» واقع می‌شود. از حضرت سؤال کردم «بیوح» چیست؟ فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و سستی نپذیرد و از شدت و حدت آن کاسته نشود.^۱

در روایت دیگری نیز از حضرت رضا علیه السلام فرمود: قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام بیوح رخ خواهد داد. راوی می‌گوید من معنای این جمله را نفهمیدم. سپس به زیارت خانه‌ی خدا رفتم و شنیدم که مردی عرب می‌گوید: «این روز بیوح است». از او پرسیدم بیوح چیست؟ گفت گرمای سخت و طاقت فرسا.^۲

۱. موعود نامه: ص ۱۹۰.

۲. یأتی: ص ۱۲۸.



پرچم^۱

در روایات آخرالزمان از پرچم‌های بسیاری نام برده شده است و منظور از این پرچم‌ها، قیام‌های متعددی است که هر کدام برای خود پرچمی مشخص دارند. گروهی از این قیام‌کنندگان کسانی‌اند که برای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی می‌جنگند، و گروهی نیز طاغوتیانی هستند که با حق سر جنگ دارند و در پی ایجاد فتنه و آشوبند.

مثلاً در این روایات سخن از گروهی به میان آمده که با پرچم‌های سیاه از خراسان به پامی‌خیزند، این گروه گاه در بعضی از روایات مورد تأیید ائمه علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند و ایشان دوستان خود را به اطاعت و پیروی از این گروه امر کرده‌اند. در این احادیث فرموده‌اند که پس از جنگ‌های بسیار، در پایان آنان به لشکر حضرت ملحق خواهند شد. این گروه با نام «صاحبان پرچم سیاه» و «خراسانی» در روایات آمده است. البته روایاتی نیز داریم که متضمن واژه‌ی پرچم سیاه است و در کتب ملاحم و اخبار آخرالزمان آمده است، اما ارتباطی با وقایع پیش از ظهور ندارد، بلکه مربوط به قیام ابومسلم خراسانی است که از خراسان قیام کرد و حکومت بنی‌العباس را پایه‌گذاری نمود.

محمد بن حنفیه روایت می‌فرماید: گروهی به پرچم‌های سیاه از خراسان به پشتیبانی بنی‌العباس قیام می‌کنند، سپس گروهی دیگر با پرچم‌های سیاه و کلاه سیاه و جامه‌ی سفید (علیه آنان) قیام کرده که پیشاپیش آنها شعیب بن صالح خواهد بود و به جنگ با

۱. رک: قیام‌های پیش از ظهور.

لشکر سفیانی می‌روند...^۱

در روایت دیگری می‌فرماید: از خروج گروهی با پرچم‌های سیاه از خراسان و سپس قیام شعیب بن صالح و پس از آن قیام حضرت حجت علیه السلام هفتاد و دو ماه خواهد بود.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمود: خداوند برای ما اهل بیت آخرت را بر دنیا ترجیح داد؛ پس از من آنان را آزار می‌دهند و تبعید می‌کنند، تا این‌که گروهی از سوی شرق (و با دست خویش اشاره به سمت مشرق نمود) با پرچم‌های سیاه قیام می‌نمایند، و در پی بازپس گرفتن حق هستند، اما حق آنان را نمی‌دهند. بار دیگر آنان قیام می‌کنند (که حق را بستانند)، اما باز هم حق آنان داده نمی‌شود. سپس جنگ می‌کند و (در طلب حق خود) پافشاری می‌کنند، آن‌گاه (دشمنان از ترس) قبول می‌کنند که حق آنان را بازپس دهند، ولی دیگر آن‌ها قبول نمی‌کنند و امر (حکومت) را گرفته و به مردی از خاندان من خواهند داد، و او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و بیداد پر شده است، هر کسی که در آن زمان باشد باید به سوی ایشان برود، اگر چه با دست و پا از روی برف‌ها برود!^۳

در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: کسانی که از این گروه کشته شوند شهید محسوب می‌شوند، اما اگر من در آن زمان باشم، خود را برای صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام نگاه خواهم داشت.^۴

در حدیث دیگری حضرت فرمود: هر زمان دیدید که گروهی با پرچم‌های سیاه از سوی خراسان قیام کردند، به ایشان پیوندید اگر چه سینه خیز و روی یخ باشد! زیرا خلیفه خدا حضرت مهدی علیه السلام در میان آن‌ها خواهد بود.^۵

۱. ملاحم: ص ۵۲.

۲. همان.

۳. ملاحم: ص ۱۶۱.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۷۳ و یاتی: ص ۱۸۳.

۵. یاتی: ص ۱۴۲.

ممکن است این گروه همان سید حسنی یا خراسانی باشند، و این که حضرت می‌فرماید، مهدی علیه السلام میان آنان است، شاید بدین منظور باشد که در پایان به لکشر حضرت مهدی علیه السلام خواهند پیوست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سوی مشرق گروهی با پرچم‌های سیاه قیام خواهند کرد که قلب‌هایشان چنان محکم است که گویی پاره‌ی آهن است. هر کسی که خبر قیام آنان را شنید باید به سوی ایشان رفته و با آنان بیعت کند، اگر چه باید سینه خیز از روی برف‌ها برود!^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از من اهل بیت مرا بسیار آزار خواهند داد تا این که خداوند از سوی مشرق گروهی را با پرچم‌های سیاه خواهد فرستاد. هر کسی که آنان را در قیام یاری کند، خدا نیز او را یاری خواهد کرد و کسی که آنان را فروگذارد، خداوند نیز او را ذلیل خواهد کرد. سپس مردی خواهد آمد که هم نام من باشد (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) و آن گروه حکومت خویش را به او می‌سپارند و خداوند نیز پیروزی یاری را نصیب ایشان خواهد نمود.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که شنیدی پرچم‌های سیاه از خراسان به سوی جهان عرب روی آورد و تو در صندوقی بسته قرار داشتی، به هر صورت ممکن، آن را بگشای تا تحت لوای آنان قرار گیری.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه سه نشانه را مشاهده کردید، بدانید که فرج نزدیک خواهد بود؛ زمانی که اختلاف در میان اهالی شام (سوریه) بیفتد، زمانی که صاحبان پرچم‌های سیاه از سوی خراسان قیام کنند و زمانی که صیحه‌ی آسمانی در ماه رمضان

۱. یاتی: ص ۱۴۶.

۲. همان.

۳. موعود نامه: ص ۱۹۵ و معجم احادیث الامام مهدی: ج ۳ ص ۷۹.

شنیده شود.^۱

در کتاب ملاحم آمده است: میان حاکم مصر و سوریه یک درگیری واقع می‌شود و گروهی از مصریان اسیر می‌شوند. سپس گروهی با پرچم‌های کوچک و سیاه از سوی شرق می‌آیند و این جنگ را خاتمه داده و عدالت را در آن منطقه برقرار کرده و خود به لشکر حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند و حکومت خود را تسلیم آن حضرت می‌نمایند.^۲

کعب روایت می‌کند: یکی از نشانه‌های قیام حضرت حجت علیه السلام، پرچم‌هایی است که از سوی مغرب زمین برافراشته می‌شود و شخصی لنگ از قبیله‌ی «کنده» عهده دار آن است.^۳

در حدیث دیگری روایت می‌کند: گروهی با پرچم‌هایی زرد رنگ به مصر یورش می‌برند و آن را اشغال خواهند کرد و برفراز منبرهای آن شهر بالا خواهند رفت. زمانی که این رخداد واقع شود باید ساکنان شام (سوریه) گور خویش را حفر کنند زیرا زمان فرود آمدن بلاست.^۴

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: زمانی خواهد آمد که دوازده گروه با دوازده پرچم مشتبه قیام خواهند کرد که مشخص نخواهد بود کدام حق است و کدام باطل. مفضل می‌گوید: (از این خبر) گریه‌ام گرفت. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ عرض کردم: جانم فدایت! چگونه گریان نباشم در حالی که می‌فرمایید دوازده پرچم مشتبه قیام می‌کنند که حق و باطل آن مشخص نیست؟! حضرت به روزنه‌ای نگاه کرد که از آن نور به اتاق می‌تابید و آن را روشن می‌ساخت، سپس فرمود: آیا این نور خورشید را می‌بینی که چگونه روشنی می‌بخشد؟ عرض کردم آری. حضرت فرمود: سوگند به خدا که امر ما از این آفتاب روشن‌تر خواهد بود (و کسانی که حقیقتاً دنبال هدایت هستند و

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۹.

۲. ملاحم: ص ۵۴.

۳. ملاحم: ص ۷۷.

۴. ملاحم: ص ۸۸.

چشمان خود را به سوی نور نمی‌بندند و عمداً در تاریکی جهل گام بر نمی‌دارند، نور هدایت را خواهند یافت.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: در میان پرچم‌هایی که در آخرالزمان به قیام برافراشته می‌شود، بهترین و هدایت بخش‌ترین آنان، پرچم یمانی است، زیرا شما را به سوی صاحب‌تان (حضرت قائم علیه السلام) راهنمایی می‌کند.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کسی که پرچمی را پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام برافراشته کند، طاغوت خواهد بود و آن پرچم شرک خواهد بود.^۳

این حدیث و چند روایت نظیر آن، در میان نظریه‌پردازان دینی، معرکه‌ی آراء مختلف است و گروهی بر ظاهر این روایات اتکا کرده و یکسره از هر گونه قیام قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوری می‌گزینند و هر گونه حرکت جهادی و اعتراض آمیز را نامشروع می‌دانند و معتقدند که در مقابل هیچ ظلم و بیدادی در عصر غیبت دست به اعتراض و قیام زد. برخی نیز بر این نظرند که فقیه هیچ‌گاه نباید حکومت را به دست بگیرد. فقط در مواقع اضطراری اقدام به دادن فتوا و برانگیختن مردم برای دفع فتنه نمایند، مانند فتوای تحریم تنباکو، مشروطه، فتوای جهاد با روسها و قیام علیه بی‌حجابی و... در مقابل عده‌ای از فقها نیز بر این اعتقادند که حکومت یکی از شئون اسلام است و احکام اسلام از همان ابتداء در پی تشکیل نظامی منسجم و حکومتی مقتدر بوده است تا بتواند با پشتوانه‌ی اختیارات حکومت و احکام اسلامی، جامعه‌ای ایده‌آل و خدایی برپا کند. این امر در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سپس در زمان ائمه علیهم السلام هیچ‌گونه سؤال‌ی ایجاد نمی‌کند، زیرا یک مسلمان باید معتقد باشد که حکومت حقی است خدایی و به ولی و خلیفه الله بر روی زمین اعطا شده است. اما اختلاف‌ها زمانی پیش می‌آید که

۱. یاتی: ص ۱۴۲ و غیبت نعمانی: ص ۱۵۲.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۵۶.

۳. وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۳۷.

در عصر غیبت کبری در پی تشکیل حکومت و قیام علیه حاکمان جور و استبداد باشیم. تبیین این مسئله نیاز به کتابی مفصل و تخصصی در خور آن دارد که در این مجال جایی برای مطرح کردن آن نیست. باید برای اطلاع از آراء مختلف و جواب‌های گوناگونی که داده شده است به کتب مربوطه مراجعه شود.

امام صادق علیه السلام اشاره به سرزمین شام (سوریه) نمود و فرمود: در این سرزمین سه (گروه با سه) پرچم قیام خواهند کرد، پرچم حسینی، پرچم اموی و پرچم قیس. زمانی که این سه پرچم قیام نمودند، سفیانی نیز به پا می‌خیزد و آنان را مانند مزرعه‌ای که درو می‌شود، از بین می‌برد و شکست می‌دهد. آن گونه که قبل از آن نظیرش دیده نشده است.^۱

شخصی از امام رضا علیه السلام درباره زمان فرج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام سؤال نمود. حضرت فرمود: آیا می‌خواهی مختصر برای تو بگویم یا مفصل؟ آن شخص گفت: برایم کاملاً بیان نمایید. آن‌گاه حضرت فرمود: زمانی که «قیس» پرچم‌های خود را در مصر به اهتزاز درآورد و «کنده» نیز پرچم‌های خود را در خراسان برافراشتند، زمان فرج و ظهور خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: از سوی خراسان پرچم‌های هدایت قیام خواهند کرد (یعنی گروهی به پا می‌خیزند که درست کارند و به سوی حق راهنمایی خواهند کرد) آنان با سرعتی شگفت پیش‌روی می‌کنند و در میان آنان تعدادی از یاران حضرت قائم علیه السلام وجود دارند. (برخی معتقدند که این گروه همان صاحبان پرچم سیاه و لشکریان خراسانی‌اند).^۳

۱. نواب‌الدهور: ج ۳ ص ۴۲.

۲. اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۲۳.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۷۳.

امام عسکری علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: گویا با چشم خویش می‌بینم که پرچم‌هایی سفید بر فراز سرش در نجف به اهتزاز درآمده است.^۱

در روایت دیگری به فرزند خویش می‌فرماید: فرزندم! گویا تو را می‌بینم، در زمانی که نصرت خدا بر تو نازل شده و فرج هموار گشته و شکوه و عظمت تو اوج گرفته است و پرچم‌های زرد و سفیدی بر فراز سر تو در گردش است و تو در آن حال میان رکن و مقام (در مسجد الحرام) در حرکت هستی و گروهی دست به سویت دراز می‌کنند تا با تو بیعت نمایند.^۲

پرچم حضرت مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را پس از رحلت ایشان باز نکرد مگر امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جنگ جمل و آن پرچم را جبرئیل در روز جنگ بدر برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و به واسطه‌ی آن خداوند در جنگ جمل به امیرالمؤمنین و یارانش فتح و نصرت بخشید و علی علیه السلام آن را پیچید و دیگر کسی آن را نخواهد گشود. به خدا قسم آن پرچم از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست، بلکه از برگ‌های بهشت است و پس از امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت قائم علیه السلام آن را در روز قیام خود برافراشته می‌سازد. اما زمانی که پرچم را باز می‌کند اهل شرق و غرب بدان نفرین خواهند کرد. ترس از جلو و عقب و چپ و راست آن پرچم تا فاصله‌ی یک ماه راه گسترده است (یعنی دشمنان از فاصله‌ی یک ماه راه از اطراف آن لشکر فرار می‌کنند).^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که پرچم حق (به دست حضرت مهدی علیه السلام) ظاهر شود، ساکنان شرق و غرب عالم آن را نفرین خواهند کرد، زیرا پیش از قیام آن حضرت

۱. موعود نامه: ص ۱۹۴.

۲. همان.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۰۷.

مردم از کسانی که با خاندان رسول خدا نسبت دارند کارهای ناشایست دیده‌اند.^۱
 نوف بکالی روایت می‌کند: روی پرچمی که حضرت مهدی علیه السلام با آن قیام می‌کند
 نوشته شده است «البيعة لله» بیعت (در این روز) مخصوص خداست (یعنی در این روز
 دیگر هیچ طاغوتی باقی نخواهد ماند که برای خود از مردم پیمان بستاند و حکومت در
 سراسر جهان مخصوص الله است).^۲

ارطاة روایت می‌کند: اولین پرچمی که حضرت مهدی علیه السلام برای جنگ علم می‌کند،
 پرچمی است که به سوی ترک‌ها می‌فرستد و آنان را شکست می‌دهد و غنیمت‌ها و
 اسرای آنان را می‌گیرد و سپس به سوی شام حرکت می‌کند و آن‌جا را نیز فتح می‌کند...^۳
 امام صادق علیه السلام می‌فرماید: می‌بینم روزی را که حضرت قائم علیه السلام در پشت شهر
 نجف (کوفه) آمده و زره سفیدی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان رسیده به تن می‌کند و
 سپس آن را بر قامت خود حرکت می‌دهد و بر بدن ایشان استوار می‌آید و روی آن
 جامه‌ای سبز رنگ می‌پوشد و بر اسبی سیاه و سفید سوار می‌شود که میان دو چشم آن
 لکه‌ای سفید رنگ است. سپس پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌گشاید و آن پرچم،
 چوبه‌اش از ستون‌های عرش الهی است و مابقی آن از نصرت و یاری الهی است؛ اگر با
 آن پرچم به چیزی اشاره کند، بی‌گمان نابود خواهد شد. راوی سؤال کرد، آیا آن پرچم
 نزد شما پنهان است یا این که آن را خواهند آورد؟ حضرت فرمود جبرئیل آن را خواهد
 آورد و زمانی که آن پرچم را می‌گشاید، تمام مؤمنین قلب‌هایشان چون پاره‌های آهن
 نیرومند و سخت خواهد شد، و نیروی چهل مرد را خواهند داشت و مؤمنینی که از دنیا
 رفته‌اند، جملگی از این رخداد خوشحال می‌شوند و در قبرهایشان به زیارت یکدیگر

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۹۹ و یاتی: ص ۱۴۳.

۲. ملاحم: ص ۶۸ و ۷۳.

۳. ملاحم: ص ۷۲.

خواهند رفت...^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ موسی و عصای او به همراهش خواهد بود...^۲

یکی از پرچم‌داران حضرت مهدی علیه السلام مردی است به نام شعیب بن صالح. او جوانی است نیرومند و یکی از قیام‌کنندگان در آخرالزمان می‌باشد.^۳

امام جواد علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: حضرت قائم علیه السلام پرچمی دارد که هرگاه زمان قیام او فرارسد، آن پرچم به اذن الهی باز می‌شود و به سخن آمده و می‌گوید: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.^۴

پیراهن حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: جامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام.

۱. غیبت نعمانی: ص ۳۱۰.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۲۸.

۳. ر.ک: شعیب بن صالح.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۰.



تابوت

تابوت سکینه، تابوت شهادت، تابوت موسی، هر سه، اسم صندوقچه‌ای است که در قوم بنی‌اسرائیل بوده، و اکنون جزو میراث پیامبران نزد امام عصر علیه السلام است. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آن را ظاهر می‌سازد و به واسطه‌ی آن معجزات و کرامات زیادی ظاهر می‌شود. درباره‌ی محلی که تابوت از آن‌جا خارج می‌شود اختلاف است. برخی از روایات آن را انطاکیه و برخی آن را بیت المقدس تعیین می‌کنند.^۱

ترس

ترس را می‌توان یکی از لشکریان خدا دانست! زیرا در چندین آیه از قرآن کریم از آن با واژه‌ی «رعب» یاد نموده است.^۲ زمانی که خداوند ترس را در دل کافران و مشرکان برمی‌انگیخت و در رویارویی با حق‌طلبان، خود پا به فرار می‌گذاشتند و لشکر دشمن علاوه بر تعداد بیشترشان به زودی از هم می‌پاشید و باعث می‌شد مؤمنین پیروز باشند.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۳ (أمر خداوند فرا رسید، پس عجله نکنید) فرمود: این «أمر» همان قیام حضرت قائم آل محمد علیه السلام است و خداوند ما را فرمان داده که در آن عجله نکنیم. زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید

۱. رک: انطاکیه، بیت المقدس.

۲. آل عمران / ۱۵۱ و انفال / ۱۲ و احزاب / ۲۶ و حشر / ۲.

۳. نحل / ۱.

سه لشکر او را همراهی خواهند کرد و یاری خواهند داد؛ لشکری از ملائکه و لشکر مؤمنین و لشکری از ترس و قیام حضرت قائم علیه السلام همانند به پاختن رسول خداست... (که با تعداد کمی از مؤمنین بر گروه زیادی از مشرکین غلبه می‌نمود و در پایان نیز با همان تعداد کم آنان را به زانو در آورد و مکه را فتح نمود، و مشرکان نیز از ترس، جملگی اظهار ایمان نمودند. ملائکه نیز در جنگ‌ها از جمله جنگ بدر، رسول خدا و مسلمانان را یاری می‌دادند و این خصوصیات در امام زمان علیه السلام و لشکریان او نیز در زمان ظهور وجود خواهد داشت.)^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «ترس» حضرت قائم آل محمد علیهم السلام را یاری خواهد داد. (یعنی پیشاپیش ترس در دل دشمنان می‌رود و آنها شکست می‌خورند و منهزم می‌شوند) و نصرت و پیروزی همیشه پشتوانه‌ی کارهای ایشان است... تا این‌که سلطنتش به شرق و غرب عالم گسترش می‌یابد و خداوند دین او را بر تمام دین‌ها غلبه داده، هر چند این کار، کافران را خوشایند نیست.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پیشاپیش حضرت قائم علیه السلام، از چهار سوی، به فاصله‌ی یک ماه راه، ترس و وحشت پشیمان است (و دشمنان به فاصله‌ی یک ماه راه از چهار سوی خواهند گریخت و از ترس پا به فرار گذاشته یا تسلیم می‌شوند)^۳

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از او فقط به دست امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل گشوده شد و پس از آن دیگر گشوده نشود تا به دست حضرت قائم علیه السلام در زمان قیام دیگر باره آن را باز خواهد کرد و زمانی که آن را بگشاید، ترس از چهار سوی تا فاصله‌ی یک ماه راه گسترده شود. (و کسانی که بخواهند با آن

۱. تفسیر البرهان: ج ۲ ص ۲۵۹.

۲. وافی: ج ۲ ص ۱۱۲ و یاتی: ص ۵۳۰.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۵۶.

پرچم به مبارزه برخیزند تا مسافت یک ماه راه از ترس می‌گریزند).^۱

ترس را گاهی می‌توان به عنوان یک نعمت یاد کرد و شاید هم واسطه‌ای برای حفظ جان مؤمنین در زمان‌های خاص و دشوار؛ زیرا مؤمنین با توجه به قدرت ایمانی آن‌ها هرگز نمی‌توانند در مقابل ظلم سکوت کنند و جولان‌دهی مستکبران را برنمی‌تابند. اما پیش از ظهور باید بسیار سنجیده عمل کرد، و به اصطلاح خود را هدر نداد از این روی گاهی ترس باعث حفظ جان برخی مؤمنین می‌شود تا آن‌ها برای روز ظهور ذخیره شوند. امام باقر علیه السلام فرمود: در دل شیعیان ما رعب و ترس می‌اندازد (تا در امور که باید صبر پیشه کنند و شکیبایی نمایند، عجله به خرج ندهند ولی) زمانی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، هر کدام از آنان از شیران خشمگین، بی‌باک‌تر و از تیر و سنان برنده تر خواهند بود!^۲

در برخی روایات علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام را ترس از کشته شدن بیان می‌کند. این ترس چیست؟ آیا ترس پسندیده است یا ناپسند؟

ائم علیه السلام در طول امامت خود تا جایی که می‌توانستند از انجام کارهای خارق العاده و معجزات دوری می‌جستند و فقط در جایی که احتیاج به اثبات امامت و احتیاج بود، و بحث‌های عقلی برای اشخاص کفایت نمی‌کرد، اقدام به صدور معجزاتی گوناگون می‌نمودند. با توجه به این مطلب می‌توان گفت که ائم علیهم السلام سعی داشتند زندگی آنان مانند سایرین، روشی عادی و طبیعی داشته باشد. از این روی جملگی آنان یا توسط شمشیر یا توسط سم به شهادت رسیدند، در حالی که با انجام معجزه ای می‌توانستند از قدرت مافوق بشری خود استفاده نموده و از خود دفع ضرر نمایند. بنابراین اگر امر بدین منوال پی گرفته می‌شد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی علیه السلام نیز به شهادت

۱. غیبت نعمانی: ص ۳۰۷.

۲. یاتی: ص ۱۵۷ و کفایة الخصام: ص ۶۸۷.

می‌رسید. لذا در این دسته روایات که حکایت از ترس حضرت نسبت به کشته شدن می‌نماید، مراد ترس از نفس کشته شدن نیست، بلکه منظور آن است که باید زمین همواره دارای امامی معصوم باشد، و چون این امام اگر در ملاء عالم ظاهر شود، از کشته شدن مصون نخواهد بود، بنابراین به پرده‌ی غیبت درآمده است تا زمین دارای حجتی از سوی خدا باشد و شیرازه‌ی نظام هستی از هم ننگسلد.

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام پیش از قیام خود از دیدگان غایب خواهد شد. راوی پرسید: جانم به قربانت! برای چه؟ حضرت پاسخ داد: زیرا او می‌ترسد و با دست اشاره به گلو و شکم مبارک خود نمود (یعنی از کشته شدن بیم دارد)...^۱

امام زین العابدین علیه السلام در حدیثی فرمود: در قائم آل محمد علیه السلام مانند پیامبران گذشته ویژگی‌هایی خواهد بود... و ویژگی او که مانند حضرت موسی علیه السلام است، ترس و پنهان شدن اوست (زیرا حضرت موسی علیه السلام نیز زمانی که یکی از فرعونیان را به قتل رسانید از ترس آنان به سوی «مدین» به نزد شعیب پیامبر رفت و از دیده‌ی فرعونیان در مصر غایب شد)^۲

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی نور فرمود: قسم به خدا آن کسانی که خداوند ترس‌شان را تبدیل به امنیت و آرامش می‌کند حضرت مهدی علیه السلام و شیعیان او خواهند بود، خداوند این کار را برای آنان به دست یکی از ما اهل بیت (حضرت قائم علیه السلام) انجام خواهد داد و آن شخص مهدی این امت است.^۳

یکی از ویژگی‌های دوران پیش از ظهور، پدیدار شدن ترس و وحشت در میان مردم است.

۱. کمال الدین: ج ۲ ص ۲۴۲ و ۲۴۶.

۲. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۲۲.

۳. کنز الدقائق ج ۹ ص ۳۲۸.

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یکی از عذاب‌های پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام ترسی است که بر جان مردم عراق خواهد افتاد، ترسی که آرام و قرار از آن‌ها بستاند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمین از ستم و بیداد پر خواهد شد تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ وارد خواهد شد و امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام قیام نخواهد نمود مگر در دورانی که از بیم و هراس پر شده باشد.^۲

ترک‌ها

در روایات آخرالزمان از گروهی با نام «ترک» یاد شده است؛ اما در این‌که این گروه حقیقتاً از کدام نژادند و زبانشان چیست اختلاف است. ویژگی‌هایی که برای این اقوام ذکر شده است، در روایات دیگری برای «بنی قنطورا» نیز آمده است. بنی قنطورا به ترک‌ها، سودانی‌ها، چینی‌ها و چینی‌ها تفسیر شده‌اند.^۳

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله از گروهی «ترک» یاد می‌کند که چشمانی کوچک و صورت‌هایی سرخ و پهن مانند سپر چکش خورده و بینی‌هایی پهن دارند و پیش از ظهور جنگی میان آنان و مسلمانان واقع خواهد شد و آنان اسب‌های خود را به حلقه‌های مسجد خواهد بست.^۴

با این ویژگی‌هایی که برای این قوم یاد شده است شاید بتوان گفت آن‌ها نژاد چین و آسیای میانه‌اند و شاید منظور گروهی از ترکمن‌ها باشند که به «ترک» تعبیر شده‌اند، و برخی نیز آنان را هولاکوخان و لشکریانش دانسته‌اند.

۱. ارشاد مفید: ص ۳۶۱.

۲. موعود نامه: ص ۲۲۲.

۳. ترک: بنی قنطورا.

۴. یاتی: ص ۱۵۷.

در ملاحم چندین روایت در اوصاف ایشان آمده است و آنان را قومی با صورت‌های سرخ و پهن مانند سپر چکش خورده و چشمانی ریز و بینی‌های پهن و کفش‌هایی بافته شده از مو توصیف می‌کند. آن‌ها با مسلمانان جنگ خواهند نمود. آذربایجان را خراب کرده و سپس به سوی فرات روان می‌شوند و در کنار فرات با اسب‌های زرد رنگ خود اردو می‌زنند. در آن روز مسلمانان را هیچ گونه یارای مقابله با ایشان نخواهد بود. درباره پایان کار آن‌ها روایات چند گونه بیان کرده‌اند. در برخی مرگ آنان را بر اثر مرض وبا فرموده‌اند و در بعضی احادیث از تگرگی بی‌امان یاد شده که بر سر آن‌ها فرود خواهد آمد و در پاره‌ای از اخبار گفته شده که اسب‌های آنان خواهند مرد و لشکر «ترک» پیاده می‌شوند، آن‌گاه سر از تن آنان جدا خواهد شد به طوری که هیچ کدام از آنان باقی نخواهد ماند.^۱

تسرف^۲

این واژه، کلمه‌ای است که برای دیدار کنندگان حضرت مهدی علیه السلام به کار می‌رود، زیرا این افراد با دیدار حضرت به شرف و فضیلتی بزرگ دست می‌یابند.

تعیین وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام، عجله.

تقیّه

تقیّه به معنای خطرپرهیزی و مخفی کردن عقیده و باور خود برای حفظ جان، مال، ناموس یا دین است. برخی از روایات، به طور عموم و بعضی دیگر در دوره غیبت،

۱. ملاحم: ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۳.

۲. ر.ک: دیدار حضرت مهدی علیه السلام.

شیعیان را به تقیه دعوت می‌کنند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: کسی که از گناهان پرهیز ندارد، دین ندارد. همچنین کسی که از تقیه استفاده نمی‌کند، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، داناترین شما به تقیه است. شخصی از حضرت پرسید: ای فرزند رسول خدا! تقیه تا چه زمانی لازم است؟ حضرت پاسخ داد: تا قیام حضرت قائم علیه السلام.

در روایت دیگری جناب مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که تقیه با قیام حضرت قائم علیه السلام برداشته خواهد شد.

برخی با استناد به این روایات، گفته‌اند که دخالت در سیاست و مخالفت با حکومت‌های ستم‌پیشه، خلاف تقیه است. در این که در مبارزه با دشمن لازم است از تقیه و اصول مخفی‌کاری استفاده کرد، تردیدی نیست، اما به نام تقیه، مسئولیت‌های اجتماعی را کنار گذاشتن و تا ظهور امام زمان علیه السلام در سنگر تقیه ماندن، چیزی نیست که اسلام آن را تأکید کند. اسلام، اجازه داده در جایی که جان، مال و یا ناموس انسان در خطر است و اظهار حق، هیچ‌گونه نتیجه‌ای ندارد، تا آماده شدن شرایط خودداری کند و وظیفه خود را پنهانی انجام دهد. بنابراین تقیه، گاه لازم است زیرا باعث حفظ جان و یا حفظ دین است، اما گاهی تقیه و سکوت، باعث نابودی دین و انحراف جامعه اسلامی است. پس روایات تقیه در صدد بازداشتن از جهاد، یا امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ستم نیست، بلکه به انسان مسلمان گوشزد می‌کند، در حالی که به وظایف خود عمل می‌کند، در صورت امکان، جان و مال خود و دیگر مسلمانان را حفظ کند.

امام صادق علیه السلام به ابو حمزه ثمالی، در رابطه با معنای تحریف شده «تقیه» که چیزی جز فرار از مسئولیت و رفاه‌طلبی نیست، فرمود: به خدا سوگند، اگر ما شما را به یاری خود علیه حکومت‌های ستم‌فراخوانیم، رد می‌کنید و به تقیه، تمسک می‌جوئید. تقیه در نزد شما از پدران و مادران‌تان دوست‌داشتنی‌تر است. اگر قائم علیه السلام قیام کند، نیاز به پرسش از

شما ندارد و دربازه بسیاری از شما که نفاق پیشه کرده‌اید، حد الهی را جاری خواهد کرد. امام علیه السلام هشدار می‌دهد که این گونه از تقیه برداشت کردن، نشانه نفاق است و هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، با این که این عده ادعای شیعه بودن را دارند به عنوان منافق با آنان برخورد خواهد کرد.

افزون بر این‌ها، روایاتی نیز نقل شده که در آن بسیاری از قیام‌های علویان و غیر آنان به گونه‌هایی مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار گرفته است، مانند قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام، قیام حسین بن علی شهید فخر، قیام مختار، قیام توابین و...^۱

توبه

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود درباره آیه ۸۵-۸۱ سوره‌ی غافر روایتی نقل می‌کند: «وَأُيْرِكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ»^۲ (نشانه‌های الهی را به شما نشان خواهیم داد، پس کدام‌یک از این نشانه‌ها را می‌خواهید انکار کنید؟) حضرت درباره این آیه فرمود: منظور از این نشانه‌ها بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام در زمان رجعت به دنیا باز خواهند گشت؛ «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَّوْا وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ»^۳ «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا»^۴ (اما زمانی که [کفار] عذاب ما را مشاهده می‌کنند، می‌گویند ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و بدان‌چه که با خدا شریک می‌کردیم کافر شدیم) اما ایمان آنان، پس از آن‌که عذاب ما را دیدند، سودی به حال آنان نخواهد داشت) زیرا آنان زمانی که ائمه علیهم السلام برای انتقام از دشمنان‌شان بازگشته‌اند، دست از کفر برداشته، و ایمان آوردن آنان زمانی است که مجازات خود را مشاهده کرده‌اند.^۴

۱. موعود نامه: ص ۲۲۵. رک: زید، قیام‌های پیش از ظهور.

۲. غافر/۸۱.

۳. غافر/۸۴ و ۸۵.

۴. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۶۱.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: زمانی که امام مهدی علیه السلام ظهور نماید هرگز به روشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امت خود اتخاذ کرده بود رفتار نخواهد کرد، زیرا حضرت مهدی علیه السلام بر خلاف رسول خدا در میان امت خود با شمشیر حکمرانی خواهد کرد و توبه‌ای را دیگر نخواهد پذیرفت (زیرا پس از تمام شدن حجت و پایان دوران امتحان و جدایی حق و باطل دیگر مجالی برای توبه نخواهد بود) و این روش را حضرت مهدی علیه السلام بر طبق دستوری که خداوند برای او فرستاده و ایشان را به انجام آن مأموریت داده است عمل خواهد نمود.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی مفصل می‌فرماید: دابة الارض (یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام دوباره به زمین رجعت خواهد نمود و کافران و مؤمنان را از هم متمایز خواهد نمود. این واقعه زمانی خواهد بود که خورشید از سوی مغرب طلوع کند و در آن زمان دیگر توبه برداشته می‌شود و ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾^۲ (دیگر ایمان افراد سودی به حالشان نخواهد داشت مگر این که از قبل ایمان آورده باشند).^۳

در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا﴾^۴ (روزی که برخی از نشانه‌های الهی روی دهد، دیگر ایمان کسی سود نمی‌دهد)، این نشانه‌ها که پس از آن توبه سودی نمی‌دهد، دمیدن خورشید از سوی مغرب، رجعت دابة الارض، خروج دجال و پافشاری انسان‌ها بر انجام گناهان است.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: آن نشانه‌ی الهی که روی دادنش انتظار می‌رود و پس از وقوع آن

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۳۱.

۲. انعام/۱۵۸.

۳. کمال الدین: ص ۵۲۷.

۴. انعام/۱۵۸.

۵. تفسیر عیاشی.

توبه‌ای پذیرفته نمی‌شود، ظهور حضرت قائم علیه السلام است که با شمشیر قیام خواهد نمود.^۱
 امام صادق علیه السلام درباره آیه **﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾** فَأَعْرَضُ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ^۲؛^۳ (بگو روز پیروزی دیگر ایمان کافران سودی نخواهد داشت و دیگر بدان‌ها مهلت داده نخواهد شد، پس منتظر باشید که آنان نیز منتظرند) فرمود: این روز فتح و پیروزی، روز فتح جهان به واسطه‌ی حضرت قائم علیه السلام است، اما زمانی که او ظهور نماید دیگر ایمان کسی که از پیش ایمان نداشته و به ظهور حضرت قائم علیه السلام یقین نداشته، سودی به حال او نخواهد داشت.^۴

تورات^۵

تورات کتاب آسمانی قوم یهود است که بر حضرت موسی علیه السلام به صورت لوح‌هایی نازل می‌شد. این الواح جزو میراث انبیاست و دست به دست در بین انبیا و اوصیا منتقل شده و اکنون نزد امام زمان علیه السلام است. حضرت مهدی علیه السلام آن‌ها را در زمان ظهور از غاری در انطاکیه خارج می‌کند.

در تورات به آمدن منجی آخرالزمان و حکمرانی صالحان و ریشه کن شدن ظلم و بیداد اشاره شده است. در این اخبار گسترش عدالت و یاری ستمدیدگان را در آن ایام یادآور می‌شود و جهان برای همیشه شاهد برکت و راستی خواهد بود، و در جای دیگر اشاره به حوادث پیش از ظهور می‌نماید و حکایت از آشوب و تزلزل در امت‌ها دارد و پس از آن به آمدن شخصی بشارت می‌دهد که برترین شخص در میان امت‌ها است.^۵

۱. کمال الدین: ص ۳۳۶.

۲. سجده ۲۹/.

۳. تفسیر کنز الدقائق.

۴. رک: انطاکیه، قضاوت، کتاب‌های آسمانی.

۵. موعود نامه: صص ۲۲۲-۲۲۹ با تلخیص.

در قرآن کریم نیز ما شاهد آیه‌ای هستیم که خداوند خبر از بشارت ظهور در کتاب تورات می‌دهد: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ (همانا ما پس از تورات، در کتاب زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان راست کردار و نیکو به میراث خواهند برد).

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: مهدی علیه السلام قیام خواهد نمود... سپس به انطاکیه رفته و کتاب‌های خدا (که بر پیامبران نازل می‌شده) از آن غار خارج خواهد کرد و تورات و انجیل و زبور را بیرون خواهد آورد، و در میان هر ملتی با احکام کتاب آسمانی خودشان قضاوت خواهد نمود...^۲

توقیعات حضرت مهدی علیه السلام

در اصطلاح توقیع به معنای نامه‌هایی است که از سوی حضرت مهدی علیه السلام و توسط یکی از نواب اربعه به دست شیعیان می‌رسید. شیعیان با توجه به غیبت حضرت و عدم دسترسی حضوری به محضر ایشان، با نوشتن نامه‌هایی پرسش‌های خود را از امام زمان خود می‌نمودند و حضرت نیز جواب آنان را صادر می‌فرمود. توقیعات حضرت مهدی علیه السلام حاوی مطالب و معانی بسیار بالایی است که پرداختن به این امر، خود کتابی جداگانه می‌طلبد. مرحوم طبرسی در کتاب شریف «الاحتجاج» این توقیعات را جمع آوری نموده است.

تهران

ر.ک: زوراء.

۱. انبیا/۱۰۵.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۳۷ و یاتی: ص ۵۵۱.



ثویه

«ثویه» نام منطقه‌ای است در اطراف کوفه. امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند زندگانی دنیا به سر نخواهد آمد تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله رجعت نموده و با یکدیگر ملاقات کنند و در ثویه مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته باشد.^۱

در حدیث دیگری شخصی از یاران امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که با حضرت به زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌رفتیم. زمانی که به ثویه رسیدیم حضرت از مرکب به زیر آمد و دو رکعت نماز خواند. از حضرت پرسیدم که این چه نمازی بود که به جای آوردید؟ حضرت فرمود: این جا مکانی است که منبر حضرت قائم علیه السلام را در آن قرار خواهند داد و من دوست داشتم که در این مکان شکر خدای را به جای آورم.^۲

۱. تفسیر برهان: ج ۳ ص ۲۴۰. تفسیر آیه ۸۵ سوره قصص.

۲. دلائل الامامة: ص ۲۴۴ و یاتی: ص ۵۴۶.



جابلسا و جابلقا

دو شهر در شرق و غرب عالم است که بسیار بزرگ و پر جمعیت است. در متون حدیثی از این دو شهر نام برده شده است و توصیفات عجیب برای این دو شهر گفته شده است. در این دو شهر لشکری میلیونی از یاران حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد که در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام به یاری ایشان خواهند شتافت. دقیقاً مشخص نیست که موقعیت مکانی این دو شهر کجاست، آیا در همین زمین است یا در زمین‌های هفتگانه^۱

۱. در برخی روایات و ادعیه آمده است که زمین دارای طبقات متعدد است چنان‌که آسمان نیز هفت طبقه می‌باشد. در قرآن کریم از این طبقات زمین به «الارضین» تعبیر شده است، و واژه‌ی «ارضین» جمع «ارض» است که به معنای زمین‌هاست؛ کلمه «ارضین السبع» (زمین‌های هفتگانه) در روایات و دعاها فراوان به کار رفته است. در قرآن مجید نیز گرچه عبارت «ارضین سبع» به کار نرفته، ولی لفظی که معنای آن را می‌رساند، آمده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [طلاق/۱۲] (خدا کسی است که هفت آسمان آفریده و از زمین نیز همانند آن‌ها [آفریده است] و فرمان‌های خود را در میان آن‌ها جاری می‌سازد تا بدانید که خداوند بر انجام هر کاری تواناست) این آیه به خوبی دلالت دارد که زمین هم مانند آسمان‌ها هفت‌گانه است. گرچه معنای هفت زمین از نظر علمی روشن نیست، لیکن بسیاری از حقایق، با پیشرفت دانش و علم روشن شد و بسیاری دیگر هنوز روشن نشده و ممکن است در آینده هم روشن نگردد. در پاره‌ای از روایات آمده است که زمین‌های دیگر، هر یک در زیر آسمانی قرار دارند؛ پس با توجه به این که تعداد آسمان‌ها هفت تا است، هر زمینی در زیر آسمانی قرار گرفته است و بدین ترتیب، زمین‌های هفتگانه بین آسمانها قرار گرفته‌اند. ذکر این نکته لازم است که چنان‌که از آیات قرآن مجید استفاده می‌شود تمام ستارگان در آسمان اول‌اند بشر هنوز نتوانسته است به مرز آسمان اول دست پیدا کند، چه رسد که بتواند بالاتر از آن را از نظر علمی توضیح دهد. در قنوت نماز وتر مستحب است دعایی خوانده شود که مطلع آن این جمله است: «لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع ، و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم» [مفتاح الفلاح ص ۳۷۹] (پروردگاری جز خداوند بردبار و بخشنده نیست، معبودی جز کردگاه بزرگ و بلند مرتبه نیست، منزّه است خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه، زمین‌های هفت‌گانه، آفریدگانی که در آن‌ها و میان آن‌ها قرار دارند و پروردگار عرش عظیم است).

دیگر است و یا در غیب این زمین قرار دارد. این حدیث از جمله روایاتی است که باید علم آن را به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار کرد.^۱

جامه‌ی حضرت مهدی علیه‌السلام

امام صادق علیه‌السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم آل محمد علیه‌السلام قیام کند، مانند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام لباس می‌پوشد و به روش او رفتار خواهد کرد.^۲

امام صادق علیه‌السلام به اصحاب خویش فرمود: چرا برای قیام حضرت قائم علیه‌السلام شتابزده هستید؟ (آیا گمان می‌کنید که در قیام آن حضرت به راحتی و عیش و خوشی می‌رسید؟! بدانید) او جز لباس زبر و خشن نخواهد پوشید و جز نان جوین نخواهد خورد و قیام او با شمشیر است و جانبازی با شمشیر!^۳

گروهی برای رسیدن به آرامش، عافیت و عیش و نوش دنیا، مرتباً آرزوی ظهور حضرت را می‌نمایند، اما غافل از این که قبل از رسیدن به دوران طلایی پس از ظهور، یک پاک‌سازی و امتحان بسیار سختی در پیش خواهد بود. در ابتدا حضرت به جنگ با کافران و مشرکان خواهد پرداخت و پس از لشکرکشی‌های فراوان و جانبازی‌های بسیار، جهان یکسره از لوٹ کفار خالی خواهد شد و آن روز روزی است که فقط «الله» در دنیا پرستش خواهد شد، و زمین برکت‌های خویش را به ظهور خواهد رساند و جایی از زمین نخواهد بود مگر این که عدالت، امنیت، برکت و نعمت در آن گسترش می‌یابد.^۴

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره حضرت مهدی علیه‌السلام فرمود: مهدی مردی از فرزندان من است، مانند مردان بنی اسرائیل (قوی و نیرومند و زیباروی) خواهد بود، دو عبای قطوان^۵ در بر

۱. رک: یاران حضرت مهدی. *

۲. کافی: ج ۱ ص ۴۱۱.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۲۷ و یأنی: ص ۵۳۹.

۴. رک: آخرالزمان پس از ظهور.

۵. «قطوان» محله‌ای در کوفه است که عبای بافته شده در آن معروف است.

دارد، صورتش چون ستاره‌ی درخشان تالو دارد. بر گونه‌ی راستش خال سیاهی است و در هنگام قیام در هیئت مردی چهل ساله ظاهر خواهد شد.^۱

در روایتی امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: گویا می‌بینم که او وارد شهر مکه شده و لباس پیامبر را پوشیده و دستاری زرد رنگ بر سر گذاشته و نعلین وصله‌دار پیامبر را به پای دارد و عصای آن حضرت را به دست گرفته است. تعدادی بز لاغر پیشاپیش او در حرکت‌اند و این گونه به سوی خانه‌ی خدا حرکت می‌کند، بدون این‌که کسی او را بشناسد و مانند مردی جوان آشکار خواهد شد.^۲

امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود: آیا می‌خواهی پیراهنی که حضرت قائم علیه السلام به هنگام ظهور به تن می‌کنم به تو نشان بدهم؟ یعقوب گفت: آری. سپس حضرت صندوقچه‌ای را خواست و آن را باز کرد و از میان آن پیراهنی کرباس بیرون آورد و آن را گشود و در گوشه‌ی آستین چپش لکه‌ای خون بود. امام علیه السلام فرمود: این پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که (در جنگ احد پوشیده بود و) دندان‌های پیشین او را شکستند. حضرت قائم علیه السلام در زمان ظهور خود این پیراهن را به بر خواهد کرد. یعقوب گوید: من آن خون را بوسیدم و بر صورت خود نهادم، سپس امام صادق علیه السلام آن پیراهن را پیچید و برد.^۳

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: به درستی که لباس حضرت قائم علیه السلام لباسی درشت است (و لباس نرم و راحت به تن نمی‌کند) و غذای او نیز غذایی سخت (چون نان جوین) خواهد بود (و غذاهای لذیذ و مطبوع و نرم مصرف نمی‌کند).^۴

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام با یک دینار سه قطعه لباس خرید،

۱. کشف الغمه: ج ۲ ص ۴۸۷.

۲. یأتی: ص ۶۱۲ و الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۵۶.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۵.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۵ و یأتی ص ۶۱۴.

پیراهنی که دامانش تا بالای قوزک پای او بود و بالاپوش آن تا ساق‌های او می‌رسید و ردایی که از جلو تا سینه‌ها می‌رسید و از پشت تا زیر کمر بند ایشان می‌رسید، سپس دست برداشت و خدای را سپاس گفت تا به منزل رسید و فرمود این جامه‌ای است که شایسته است یک مسلمان بپوشند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: اما امروزه نمی‌توان این‌گونه جامه برتن کرد، زیرا مردم چنین شخصی را به دیوانگی یا ریا متهم خواهند نمود... و زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، چنین لباسی به تن خواهد نمود.^۱

نزد امام رضا علیه السلام از حضرت قائم علیه السلام سخن به میان آمده حضرت فرمود: اکنون شما نسبت به آن روز آسوده خیال و در آسایش هستید. پرسیدند: چرا؟ حضرت فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید، (در ابتدا از کثرت جنگ و نبرد با دشمنان) فقط خون و عرق است (که از پیشانی پاک خواهید کرد) و بر روی زین اسب‌ها باید بنحوید و او جز لباس خشن و ضخیم نخواهد پوشید (ولباس نرم و راحت به تن نخواهد کرد) و جز غذای نامطبوع (و غیر لذیذ مثل نان جو سبوسدار) نخواهد خورد (و طبعاً کسانی که از حضرت پیروی می‌کنند باید که مانند او رفتار نمایند بنابراین قبل از پایان‌پذیری جنگ‌ها و قبل از پاک شدن زمین از شرک و کفر دورانی بسیار سخت و پر زحمت در پیش خواهد بود).^۲

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی مفصل فرمود: حضرت قائم علیه السلام در حالی قیام خواهد نموده پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله که در جنگ احد به بر تن دارد، عمامه‌ی پیامبر که سحاب نام داشت بر سر نهاده، زره و شمشیر ذوالفقار پیامبر را به خود می‌بندد و آن شمشیر را از نیام کشیده و بر دوش می‌نهد و تا هشت ماه پیاپی جنگ و کشتار خواهد نمود...^۳

۱. کافی: ج ۶ ص ۴۵۵ و یاتی: ص ۵۲۶.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۸۵.

۳. یاتی: ص ۵۲۶.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: حضرت قائم‌الطیف‌ترین لباسش کرباس خواهد بود و بهترین غذایی که می‌خورد نان جوین و نمک است و نرم‌ترین فراش او خاک است و بهترین بوی خوشی که استعمال می‌نماید آب خواهد بود.^۱

مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: آیا می‌دانی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام چه بود؟ مفضل گفت: خیر، حضرت فرمود: زمانی که (نمرودیان) برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آتش برافروختند، جبرئیل علیه السلام برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشاند، تا گرما و سرما به او آسیبی نرساند. زمانی که می‌خواست از دنیا برود، آن را در بسته‌ای قرار داد و به بازوی فرزندش اسحاق آویخت و اسحاق نیز آن را به یعقوب داد. زمانی که یوسف علیه السلام به دنیا آمد، حضرت یعقوب علیه السلام آن جامه را به بازوی او بست. زمانی که حضرت یوسف علیه السلام عزیز مصر شد، آن پیراهن را باز نمود و یعقوب بوی آن را استشمام کرد، و این تفسیر سخن خداست که از زبان یعقوب می‌گوید: «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تُفَنِّدُونِ»^۲ (من بوی یوسف را استشمام می‌کنم، البته اگر مرا به خطا متهم نکنید) و آن پیراهن همان جامه‌ای است که از بهشت نازل شده است. مفضل گفت: جانم به قربانت! آن پیراهن اکنون به دست چه کسی رسیده؟ حضرت فرمود: آن پیراهن در دست اهل آن است؛ زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید همراه او خواهد بود. سپس حضرت فرمود: دانش و میراث هر پیامبری در پایان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسیده است...^۳

حضرت علی علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام پیراهن آدم علیه السلام را بر تن کرده و قیام می‌نماید، در حالی که انگشتر سلیمان در انگشت اوست و عصای موسی در دست او

۱. یأتی: ص ۵۴۳.

۲. یوسف/۹۴.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۲۷.

خواهد بود.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که در پشت نجف آمده و زره سفید رسول خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده و آن را بر بدن خود استوار می‌کند و آن زره بر بدن آن حضرت اندازه می‌شود (و به بدن هیچ کسی غیر از آن حضرت اندازه نخواهد بود، یعنی یا بلندتر از قامت او می‌شود یا بسیار کوتاه می‌شود) سپس لباس سبز رنگی بر روی آن می‌پوشد...^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره سید حسنی فرمود: ... سپس سید حسنی از حضرت نشانه‌هایی را طلب می‌کند و از آن جمله عصا، انگشتر، لباس، زره و عمامه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را از ایشان درخواست می‌کند و حضرت آن‌ها را به سید حسنی نشان می‌دهد، سپس او و یارانش به حضرت حجت علیه السلام بیعت می‌کنند...^۳

جایگاه حضرت مهدی علیه السلام در غیبت کبری

درباره مکان زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت، احادیث مختلفی در متون حدیثی شیعه دیده می‌شود. حضرت مهدی علیه السلام خود در این باره به علی بن مهزیار می‌فرماید: ای پسر مهزیار! پدرم امام حسن علیه السلام از من پیمان گرفته است که جز در مخفی‌ترین جای‌ها و دورترین مکان‌ها مأوی نگیرم، تا از دیدگان دورتر باشم و از گزند گمراهان در امان باشم، زیرا هر کدام از اولیای الهی را دشمنی ستیزه جوی و غلبه کننده است.^۴

امام باقر علیه السلام به ابوبصیر فرمود: صاحب الامر حضرت قائم علیه السلام را غیبتی است که در آن سی نفر همراه او خواهند بود و وی را یاری می‌کنند و تنهایی را از آن جناب دور

۱. اصول کافی: ج ۱ ص ۲۳۱.

۲. یاتی: ص ۱۴۴.

۳. رک: سید حسنی.

۴. غیبت طوسی: ص ۲۶۶.

می‌سازند، و چه خوب منزلی است مدینه. (یعنی حضرت در آن دوران در مدینه النبی ساکن خواهد بود و سی نفر همیشه همراه او هستند که آن جناب را می‌بینند و با ایشان مجالست دارند).^۱

در بعضی روایات کوه «رضوی!» و منطقه‌ی «ذی طوی!» به عنوان محل سکونت حضرت در ایام غیبت یاد شده است.^۲

علامه مجلسی در بحار الانور حدیثی مفصل از حکایتی عجیب از یک جزیره به نام «خضرا» نقل می‌کند که مقر سکونت حضرت و اطرافیان ایشان است.^۳

جبرئیل

«ئیل» در لغت عبری به معنی «خدا» است و جبرئیل به معنی «نیروی پروردگار» است. جبرئیل یکی از فرشتگان والامقام الهی است و امین وحی است. هم اوست که وحی را بر پیامبران الهی نازل می‌کرد. جبرئیل علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را بر پیامبر نازل می‌کرد و گاهی به شکل شخصی به نام «دحیه کلبی» ظاهر می‌شد و مردم او را به صورت انسانی می‌دیدند. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در خدمت ائمه علیهم السلام است و در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام با آن جناب بیعت می‌کند و مطیع فرمان او خواهد بود.

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل علیه السلام پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را خدمت حضرت مهدی علیه السلام می‌آورد.^۴

امام باقر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان، در ابتدای روز صدایی خواهید شنید، در آن صدا شک نکنید (و سخن او را انکار نکنید) زیرا آن صدای

۱. اصول کافی: ج ۲ ص ۱۴۰.

۲. رک: ذی طوی!، رضوی!.

۳. رک: خضرا.

۴. غیبت نغانی: ص ۳۰۸.

جبرئیل علیه السلام است و نشانه‌ی صدای جبرئیل این است که نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدر ایشان را می‌گوید به طوری که همه می‌شنوند، و در آخر روز صدای شیطان را خواهید شنید...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: (در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام) ابتدا جبرئیل از آسمان و در پایان روز شیطان از زمین صدا خواهد زد. از سخن صدای اول (یعنی جبرئیل) پیروی کنید و از سخن صدای دوم (یعنی شیطان) پرهیزید که مایه‌ی فتنه است.^۲

در حدیث دیگری نیز آمده است: هر جنبنده‌ای صدای جبرئیل را خواهد شنید و افراد خواب از هیبت آن صدا بیدار می‌شوند و بیرون می‌آیند و دختران پرده نشین از سرافرده به در می‌آیند و کسی که ایستاده از وحشت می‌نشیند و کسی که نشسته از ترس به پا می‌خیزد. حضرت قائم علیه السلام از همان سویی که صدا شنیده می‌شود بیرون خواهد آمد.^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: گویا می‌بینم که حضرت قائم علیه السلام از مکه به نجف آمده و پنج هزار ملائکه او را همراهی می‌کنند، که جبرئیل از طرف راست او، میکائیل از جانب چپ و مؤمنین در پیش روی او در حرکت هستند و آن حضرت لشکریانش را به مناطق مختلف گسیل می‌دارد.

در ضمن حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: در شب ۲۳ ماه رمضان صدای جبرئیل از آسمان شنیده خواهد شد که نام حضرت مهدی علیه السلام و نام پدرش را برده و می‌گوید: «بدانید فلان بن فلان (محمد بن حسن العسکری) قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. به سخن او گوش فرا دهید و از او پیروی کنید و تمام مخلوقات آن را خواهند شنید و زمانی که حضرت قائم علیه السلام این صدا را می‌شنود خروج می‌کند (و قیام می‌نماید).^۴

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۵۴ و یاتی ص ۴۲۵.

۲. یاتی: ص ۴۲۷.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۹۰ و یاتی: ص ۵۲۸.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۹.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: قائم علیه السلام زمانی قیام خواهد کرد که حلقه کامل شده باشد. ابوبصیر پرسید: کامل شدن حلقه یعنی چه؟ حضرت پاسخ داد: کامل شدن حلقه زمانی است که ده هزار ملک و جبرئیل از جانب راست و میکائیل از جانب چپ او را همراهی کنند و او پرچم خود را حرکت دهد و شروع به پیشروی می‌کنند...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام شود، نخستین کسی که با حضرت قائم علیه السلام بیعت می‌کند، جبرئیل است. او مانند پردنده‌ی سفیدی از آسمان آمده و با حضرت بیعت می‌کند، سپس یک پای خود را بر کعبه نهاده و پای دیگر را بر فراز بیت المقدس می‌گذارد و با صدایی رسا ندا می‌دهد: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛^۲

(زمان فرمان خدا رسید، پس در پی آن شتابزده نباشید) سپس حضرت قائم علیه السلام نزد مقام ابراهیم در مسجد الحرام می‌آید و دو رکعت نماز می‌خواند و پس از نماز سیصد و سیزده نفر از اصحابش گرد او جمع می‌شوند.^۳

جدید

روایات مختلفی در دسترس ماست که بیانگر تجدید اسلام، دین، کتاب و احکام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در این جا پرسشی مطرح خواهد شد که آیا حرام و حلالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دین اسلام مشخص فرموده‌اند، ابدی نیست؟ و آیا حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور حکمی را منسوخ می‌کند یا آیینی جدید ایجاد می‌کند؟

امام صادق علیه السلام فرموده است: حلال محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت حلال است و حرام او تا روز حشر همواره حرام خواهد بود و چیزی مغایر با آن نخواهد آمد.^۴

۱. غیبت نعمانی: ص ۳۰۷.

۲. نحل/ ۱.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۸۵ و یاتی: ص ۵۴۷.

۴. اصول کافی: ج ۱ کتاب باب القرآن باب ۱۷ ح ۱۹.

علاوه بر این، روایات مختلفی از رسول خدا ﷺ وارد شده است که می‌فرماید: مهدی عجله الله فردی از خاندان من است که به سنت و روش من عمل می‌نماید و مردم را به شریعت من دعوت می‌کند و به سوی کتاب خدا سوق می‌دهد.^۱

آخرالزمان اوج فعالیت شیطان و طاغوت برای نابودی و دگرگونی دین حق است. در زمان غیبت امام عصر عجله الله دین اسلام گرفتار بسیاری فتنه‌ها شده است. عالمان مغرض و جاهلان، خواسته یا ناخواسته دچار اشتباهاتی در تفسیر و توجیه دین شده‌اند و به مرور این کج فهمی‌ها و عنادها، بدعت‌ها و تغییراتی را اسلام راستین ایجاد کرده است. گروهی دین را بر اساس هوای نفس خود باور دارند و با اندیشه‌ی کوتاه خود مفاهیم بالای دینی را تاویل و تفسیر می‌کنند و کسانی هم چون میدان را خالی دیدند با ادعاهای دروغین جای مردان حق را می‌گیرند و دینی جدید می‌بافند. این‌ها دلایل مختلفی برای تغییر چهره‌ی حقیقی دین در دوران غیبت است.

در حدیثی رسول خدا ﷺ فرمود: همانا دوازدهمین نفر از فرزندان من غایب خواهد شد و کسی او را نخواهد دید و زمانی خواهد رسید که در امت من از اسلام جز اسمی باقی نمی‌ماند و از قرآن جز نوشته‌ای بر جای نخواهد بود، در این هنگام است که خداوند اجازه‌ی قیام (به حضرت مهدی عجله الله) خواهد داد و خداوند اسلام را به دست او آشکار خواهد نمود و به واسطه‌ی او اسلام تازه خواهد شد.^۲

در حدیث دیگری رسول خدا ﷺ فرمود: همانا خداوند این دین را به دست علی بن ابی طالب عجله الله گشود. پس زمانی که او به شهادت رسید، دین نیز فاسد شد و جز مهدی عجله الله کسی آن را (کاملاً) اصلاح نخواهد کرد.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۲ و اثبات الهداة: ج ۷ ص ۵۲.

۲. منتخب الاثر: ص ۹۸.

۳. فراند السمطين: ج ۲ ص ۳۱۶.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای به بیان اوضاع آخرالزمان می‌پردازد و می‌فرماید که چگونه احکام اسلام پشت سر نهاده می‌شود و دقیقاً عکس آن‌ها را به کار می‌بندند و در پایان می‌فرماید: اسلام را چون پوستینی وارونه بر تن می‌کنند! ^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌نماید، آگاه باشید که او آثار محمد صلی الله علیه و آله را تفسیر و بیان خواهد نمود. ^۲

با توجه به این روایات می‌توان این گونه برداشت کرد: دین جدید و کتاب جدید که در روایات آمده است، حکایت از آمدن شریعتی نو نمی‌کند بلکه به احیای دوباره‌ی احکام اشاره دارد؛ احکامی که به علت‌های مختلف به فراموشی سپرده شده‌اند و یا دگرگون شده و به گونه‌ای مغایر با حقیقت آن اعمال می‌شود. از این روست که وقتی حضرت مهدی علیه السلام دست به یک اصلاح اساسی در اسلام می‌زند و اجرای صددرصدی اسلام ناب را اعلام می‌کند، از سوی مردم مورد اعتراض قرار می‌گیرد، زیرا مردم به طوری با این بدعت‌ها و اسلامی دگرگون شده خو گرفته‌اند که وقتی حضرت از اسلام راستین سخن می‌گوید، می‌پندارند که دینی جدید است.

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام فرماید: با پدیده‌ای نو و کتابی جدید و روشی تازه به پا می‌خیزد و به گونه‌ای جدید قضاوت خواهد کرد. ^۳

در حدیث دیگری حضرت فرمود: بر عرب بسیار سخت خواهد بود، زمانی که حضرت قائم علیه السلام با امری جدید و سنت و قضاوتی جدید قیام نماید. ^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند! می‌بینم روزی را که حضرت حجّت علیه السلام

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۰۸.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۴۷ و غیبت نعمانی: ص ۱۶۴.

۳. یاتی: ص ۱۶۶.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۲۴.

در بین رکن و مقام است و از مردم بر کتابی نو بیعت می‌گیرد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا زمانی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام فرماید مردم را به امر جدیدی دعوت می‌کند، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به سوی امری نو دعوت نمود.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم جاهلیت را از بت پرستی به خدا پرستی دعوت نمود و سنت‌ها و عادات نادرست آنان را باطل نمود؛ حضرت مهدی علیه السلام نیز زمانی که ظهور فرماید، مردم را از پرستش هواهای نفسانی و پیروی بدعت‌ها و متابعت شیطان بازخواهد داشت و رفتارهای نادرستی که در دنیا رواج یافته از بین خواهد برد.

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند هر آنچه قبل از ظهور از بدعت‌ها پدید آمده است خراب می‌کند و مردم را دوباره از نو به اسلام دعوت می‌کند...^۳

در برخی روایات از روش قضاوت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور یاد شده است. امام زمان علیه السلام در آن دوران به گونه‌ای جدید حکم صادر خواهد نمود، یعنی از مدعیان شاهد طلب نمی‌طلبد بلکه به علم الهی خود اتکا کرده و حکم را صادر می‌نماید، که در بعضی روایات به «حکم داوود» از آن یاد شده است.^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمود: او (حضرت مهدی علیه السلام) هواپرستی و گمراهی را به هدایت و خدا پرستی تبدیل می‌کند، زمانی که هدایت و خدا پرستی به هواپرستی و گمراهی تبدیل شده است؛ و نظرها (ی شخصی درباره دین و قرآن) را به (حکم حقیقی) قرآن مبدل می‌سازد، در زمانی که قرآن با نظرهای شخصی تفسیر می‌شود. در جای دیگر

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۶۳.

۲. غیبت نعمانی: ص ۳۲۱ و یأتی: ص ۱۶۶.

۳. وافق: ج ۲ ص ۱۱۳ و یأتی: ص ۱۶۷ و غیبت نعمانی: ص ۲۳۲.

۴. رک: قضاوت.

همین خطبه فرمود: کتاب آسمانی و دینی که مرده است را زنده خواهد نمود.^۱
یکی از قوانین جدیدی که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به اجرا گذاشته می‌شود، حکم تقسیم ارث است. در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام ارث افراد به برادران حقیقی می‌رسد. یعنی برادرانی که ایمان و اسلام پیوند برادری میان‌شان برقرار کرده است و افراد را با هم برادر ایمانی نموده است، نه برادران صلبی و نسبی که تنها پیوند برادری آنان، پدر و مادر مشترک است.^۲

امام باقر علیه السلام در تائویل آیه **﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ﴾**^۳ (ما همانا بر موسی کتابی فرو فرستادیم، اما [بنی اسرائیل] در آن اختلاف کردند) فرمود: این امت نیز در کتاب آسمانی‌شان اختلاف خواهند کرد. زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید کتاب (قرآن) را (با تائویل حقیقی آن) خواهد آورد. مردم در آن کتاب اختلاف می‌کنند و بیشتر مردم آنرا قبول نخواهند کرد و حضرت قائم علیه السلام نیز تمام آنان را خواهد کشت.^۴

جذام

«جذام» مرض خوره است و یک بیماری لاعلاج می‌باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوانی این بیماری را در آخرالزمان و حوادث قبل از ظهور پیش بینی کرده‌اند.^۵

جزیره

جزیره نام مناطق شمالی بین‌النهرین - دجله و فرات - است که جغرافی دانان عرب آن را با این نام یاد می‌کنند و راه میان ترکیه و عراق از آن می‌گذرد.^۶

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

۲. رک: ارث.

۳. فصلت/۴۵.

۴. روضه کافی: ح ۲۸۷.

۵. یأتی: ص ۱۳۲.

۶. المنجد فی الاعلام. رک: ارمنیه.

جزیره خضراء

مرحوم علامه مجلسی حکایت عجیبی از زین العابدین علی به فاضل مازندرانی نقل می‌کند که در جزیره خضراء آن را مشاهده نموده بود. او گفت: من در دمشق خدمت شیخ «عبدالرحیم حنفی» و شیخ «زین الدین علی اندلسی» به تحصیل علوم اشتغال داشتم. شیخ زین الدین اندلسی مردی خوش اخلاق و نسبت به شیعه و علمای امامیه خوش بین بود و به آنان احترام می‌گذاشت. ویژگی‌های اخلاقی او باعث شد که از دیگر اساتید بریدم و همه درس‌هایم را در خدمت ایشان تحصیل کردم. مدت‌ها از حضورش استفاده کردم تا این که برای او مسافرتی به مصر پیش آمد. به دلیل محبت فراوانی که در میان ما بود مفارقت من بر او سخت گران آمد. بنابراین تصمیم گرفت مرا نیز با خود به مصر ببرد. مسافرت خوشی داشتیم تا به قاهره رسیدیم. مدت نه ماه در آن جا به بهترین وجه زندگی کردیم. در یکی از روزها استاد نامه‌ای از پدرش دریافت کرد که نوشته بود: شدیداً بیمارم و آرزو دارم پیش از مرگ تو را ملاقات کنم. استاد از نامه پدر گریه کرد و تصمیم گرفت که به اندلس سفر کند و من در این سفر با او همراه شدم. هنگامی که به اولین روستای جزیره رسیدیم، من شدیداً بیمار شدم، به طوری که قادر به حرکت نبودم. استاد از وضع من بسیار ناراحت شد. مرا به خطیب روستا سپرد تا از من پرستاری کند و خودش به سوی شهر حرکت نمود. بیماری من سه روز طول کشید و سپس حالم روبه بهبودی نهاد. از منزل خارج شدم و در کوچه‌های روستا گردش کردم. در آنجا قافله‌هایی را دیدم که از کوه‌های اطراف آمده بودند و اجناسی را با خود آورده بودند. از احوال آنها جویا شدم. گفتند اینها از سرزمین «بربر» که نزدیک جزیره شیعیان است می‌آیند. وقتی نام جزایر شیعیان را شنیدم مشتاق شدم که آنجا را بینم. گفتند از اینجا تا آن جزایر بیست و پنج روز راه است. من به راه افتادم تا این که به جزیره شیعیان رسیدم. این جزیره دارای چهار قلعه و برجهای بلند و محکمی

بود. از دروازه بزرگ شهر که دروازه بربر نام داشت وارد شدم. به مسجد رفتم صدای موذن را شنیدم که به شیوه شیعیان اذان گفت و بعد از آن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کرد. از خوشحالی گریه‌ام گرفت. مردم به مسجد آمدند و بر طبق تعالیم اهل بیت علیهم السلام وضو گرفتند. مرد خوشرویی از میان آنها وارد محراب شد و مردم نماز را به او اقتدا کردند. بعد از فراغ از نماز احوال من را جویا شدند. گفتم: از عراق هستم و به یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهم. وقتی فهمیدند که من هم مانند آنها شیعه هستم با عنایت خاصی به من توجه کردند و محلی را در یکی از گوشه‌های مسجد به من اختصاص دادند. در مدت اقامت من در آن شهر، امام مسجد همواره با من بود. یک روز از امام مسجد پرسیدم: در این شهر زراعتی نمی‌بینم، پس آذوقه شما از کجا می‌آید؟ گفتم: از «جزیره خضراء» در آبهای سفید که از جزیره‌های اولاد صاحب الامر علیه السلام است. گفتم: سالی چند بار آذوقه برای شما می‌آید؟ گفتم: دو بار. بار اول آمده و بار دوم آن، چهار ماه دیگر خواهد بود. من از طولانی بودن مدت، اندوهگین شدم، مدت چهل روز آنجا اقامت کردم. عصر روز چهارم احساس کردم که دلم گرفته به کنار دریا رفتم. به طرف مغرب که گفته بودند آذوقه‌ها از آن سمت می‌آید نگریستم. از دور چیزی در حال حرکت دیدم به مردم آنجا گفتم من چیزی می‌بینم، گفتند: اینها کشتی‌هایی هستند که هر سال از شهرهای فرزندان امام زمان علیه السلام به سوی ما می‌آیند. طولی نکشید که هفت کشتی، یکی بعد از دیگری وارد شد، از کشتی بزرگی مرد خوش سیمایی پیاده شد. به مسجد آمده، طبق فقه شیعه وضو گرفت و نماز ظهر و عصر را خواند؛ چون از نماز فارغ شد روبه من کرد و اسم خودم و پدرم را ذکر کرد. از این حادثه تعجب کردم. گفتم: شاید در سفر از شام تا مصر و اندلس با اسم من آشنا شده‌ای؟ گفتم: نه، بلکه نام تو و پدرت و ویژگی‌های تو از پیش به من رسیده است! او یک هفته آنجا اقامت کرد و آذوقه را به صاحبانشان رسانید. آنگاه عازم حرکت شد. من نیز که

بسیار مشتاق رفتن به آنجا شده بودم از او خواستم تا مرا با خود ببرد و او نیز پذیرفت. با هم حرکت کردیم. بعد از این که مدت شانزده روز در دریا حرکت کردیم، در وسط دریا آبهای سفیدی نظر مرا جلب کرد. آن شیخ که نامش محمد بود به من گفت: چه موضوعی نظرت را جلب نموده است؟ گفتم: آبهای این نقطه رنگ دیگری دارد؟ گفت: اینجا «بحر ابیض» یعنی دریای سفید است و این هم جزیره خضراء می‌باشد. این آبها همانند دیوار، اطراف جزیره را احاطه نموده است و حکمت خدا بر این قرار گرفته که کشتی‌های دشمنان ما در صورتی که بخواهند به این نقطه نزدیک شوند، به برکت صاحب‌الزمان علیه‌السلام غرق گردند. بعد از این که آبهای سفید را پیمودیم به جزیره خضراء رسیدیم. از کشتی پیاده و وارد شهر شدیم. این شهر میان هفت قلعه‌ی استوار قرار گرفته بود و آبشارها و چشمه سارهای فراوانی در خود داشت و بسیار شهر زیبایی بود. مدتی را در منزل شیخ محمد استراحت کرده، سپس به مسجد رفتیم. در مسجد جمعیت انبوهی حضور داشت. در میان آنها مردی نشسته بود، بسیار با وقار، متین و با هیبت. مردم او را شیخ شمس‌الدین محمد عالم می‌خواندند و نزدش علوم قرآنی و فقه و اصول دین می‌آموختند و او فقه را از حضرت مهدی علیه‌السلام روایت می‌کرد. زمانی که به محضر سید شرفیاب شدم به من خوشامد گفت و احوالم را پرسید و در یکی از حجرات مسجد جایی برایم تهیه نمود. من در آنجا استراحت می‌کردم و غذا را با سید شمس‌الدین و یارانش صرف می‌کردم. هجده روز بدین گونه گذشت. در نخستین نماز جمعه که در محضر جناب سید برگزار شد دیدم که سید جمعه را به عنوان دو رکعت واجب ادا کرد. من از ایشان پیروی نموده نماز را با ایشان ادا کردم. چون از نماز فارغ شد به ایشان گفتم: مگر زمان حضور امام علیه‌السلام است که نماز را واجب می‌خوانید؟ پاسخ داد: خیر، ولی من نایب آن حضرت هستم. از او پرسیدم: آیا امام زمان را دیده‌ای؟ فرمود: نه، ولی پدرم می‌گفت که صدای آن حضرت را شنیده ولی آن حضرت را ندیده است. اما

جدم هم شخص آن حضرت را دیده و هم صدایش را شنیده است. بعد از آن سید شمس‌الدین دست مرا گرفت و به خارج از شهر برد و به سوی بستانها رفتیم. در آن باغ‌ها در حال قدم زدن بودیم که مرد خوش سیمایی با دو قطعه جامه از پشم سفید از نزدیکی ما گذشت. از سید پرسیدم: این مرد کیست؟ فرمود: این کوه بلند را می‌بینی؟ گفتم: آری. فرمود: در بالای این کوه، مکانی زیبا و چشمه‌ی آبی گوارا، زیر درختان وجود دارد و در آنجا گنبدی است که از آجر ساخته شده است. این مرد با رفیق دیگرش، خادم آن قبه و بارگاه است. من هر صبح جمعه به آنجا می‌روم و امام زمان علیه‌السلام را زیارت می‌کنم، در آنجا دو رکعت نماز می‌خوانم و ورقه‌ای می‌یابم که هر چه نیاز داشته باشم، در آن نوشته شده است و هر حادثه‌ای که پیش آید و هر محکمه‌ای که باید در بین مؤمنان انجام دهم، حکمش را در آن می‌یابم و به آن عمل می‌کنم. تو نیز شایسته است آنجا بروی و امام علیه‌السلام را زیارت کنی. من به سوی آن کوه حرکت نمودم. قبه را همان‌طور یافتم که برایم توصیف کرده بود. همان دو خادم را آنجا دیدم. خواستار ملاقات با امام زمان شدم. گفتند: غیر ممکن است و ما اجازه‌ی چنین کاری را نداریم. گفتم: پس برایم دعا کنید. پس از کوه پائین آمدم و به منزل شمس‌الدین رفتم. در خانه نبود. بنابراین به خانه شیخ محمد که در کشتی با من بود رفتم و جریان کوه را برایش تعریف کردم و گفتم که آن دو خادم به من اجازه ملاقات ندادند. شیخ محمد به من گفت: هیچ کس حق ندارد به آن مکان برود جز شیخ شمس‌الدین. او از فرزندان امام علیه‌السلام است و بین او و امام زمان علیه‌السلام پنج واسطه است. بعد از آن او اجازه خواستم که برخی مسائل مشکل دینی را از او سوال کنم و قرآن را در محضرش بخوانم. گفت اگر اراده‌ی چنین کاری داری از قرآن شروع کن. من شروع کردم و قرآن را به روشی جدید نزد آنان فراگرفتم. از او خواهش کردم اجازه دهد تا زمان ظهور، نزد آنان بمانم. اما سید شمس‌الدین گفت: به ما دستور رسیده که شما به وطن خود بازگردید.

بسیار اندوهگین شدم. گفتم: آیا اجازه می‌دهید همه‌ی آنچه را دیده‌ام، باز گو کنم؟ فرمود: آری اما فقط برای مؤمنان دیگر، جز فلان مطلب را! آنگاه مطلبی را که نباید برای دیگران نقل کنم، برایم مشخص کرد. به او گفتم سرور من؛ می‌شود به جمال عالم آرای حضرت ولی عصر علیه السلام نگاه کرد؟ گفت نه؛ ولی بدان که هر بنده مؤمنی او را می‌بیند ولی نمی‌شناسد. گفتم: من از بندگان مخلص آقا هستم ولی آن حضرت را ندیده‌ام! فرمود: شما دو بار ایشان را دیده‌ای و سپس آن دو زمان را برایم برشمرد. بعد از این ماجرا، سید به من دستور داد که در مراجعت درنگ نکنم و در بلاد مغرب توقف نکنم. سپس پنج درهم از پول رایج آن جا به من داد که بر آنها حک شده است: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله محمد بن الحسن قائم بأمر الله» که من همچنان آنها را برای برکت نزد خود محفوظ داشته‌ام.^۱

این حدیث از سوی برخی از علما پذیرفته شده است. اما برخی نیز آن را نپذیرفته‌اند و معتقد به ساختگی بودن آن و افسانه بودن آن هستند. علمایی که این حدیث را رد می‌کنند، سلسله‌ی سندی حدیث را مخدوش می‌دانند و چنین جزیره‌ای را در واقعیت موجود نمی‌دانند. علاوه بر این در حدیث تناقضاتی وجود دارد که دلیل بر مشوش بودن متن آن است و در آن از تحریف قرآن یاد شده است که تقریباً اکثر علمای شیعه این موضوع را قبول ندارند. علامه مجلسی نیز این حدیث را از کتابی خطی نقل می‌کند که برای آن مستندی در کتب معتبر شیعه نیافته است. اما کسانی که به این حدیث اعتنا کرده و آن را قبول نموده‌اند گروهی از علمای برجسته شیعی هستند از جمله: شهید اول که این حدیث را به خط خود نوشته است و این نوشته در خزانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است. محقق کرکی این حدیث را به فارسی ترجمه نموده، علامه محمد باقر مجلسی آن را در بحارالانوار آورده است، شیخ حرعاملی آن را در کتاب اثبات الهداة

درج کرده است، مرحوم وحید بهبهانی به مضمون این حدیث فتوی داده است، علامه بحرالعلوم در کتاب رجال خود آن را مورد استفاده قرار داده است، قاضی نورالله شوشتری محافظت آن را بر هر مؤمنی لازم دانسته است، میرزا عبدالله اصفهانی آن را در کتاب ریاض العلماء نقل کرده است، محدث نوری در کتاب جنة المأوی و نجم الثاقب آن را نقل نموده است.

با توجه به مطاب یاد شده، اظهار نظر صریح و قطعی در مورد درستی یا نادرستی حکایت جزیره‌ی خضرا مشکل به نظر می‌رسد و بهتر است به جای مخالفت، یا موافقت بی‌چون و چرا با این حکایت، علم آن را به خدا بسپاریم و بیشتر به دنبال شناخت وظایف قطعی خود در برابر امام عصر علیه السلام و عمل به آن‌ها باشیم. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره جزیره‌ی خضرا و درستی یا نادرستی آن، می‌توانید به کتاب «جزیره خضرا افسانه یا واقعیت» و «دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء» مراجعه نمایید.

در کتاب نجم الثاقب از جزیره‌های دیگری نیز نام می‌برد که در آن‌ها اولاد حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام حاکم هستند و محل سکونت شیعیان حضرت است. راوی این خبر می‌گوید من اهل شهر «باهیه» بودم که شهری بزرگ و آباد است و ساکنان آن بیشتر مسیحی‌اند. یک سال من با پدرم به قصد تجارت راه دریا پیش گرفتیم، اما کشتی ما به بیراهه رفت و به جزیره‌ای بسیار سرسبز رسید که شهرهایی عظیم و روستاهای فراوانی در آن بود. از کشتی فرود آمدیم و به اولین شهر رسیدیم. نام آن شهر «مبارکه» بود و حاکم آن شخصی به نام «طاهر» بود. پرسیدیم پایتخت این سرزمین‌ها کجاست. گفتند: تخت‌گاه شهری است به نام «زاهره» و فاصله‌ی آن تا این‌جا ده روز راه از دریا و بیست و پنج روز از خشکی است. ما به نزد حاکم شهر «مبارکه» رفتیم تا مالیات خود را پردازیم. حاکم مالیات ما را ستاند و چون مسیحی بودیم از ما جزیه گرفت. گروهی از ما که مسلمان و غیر شیعه بودند به پایتخت فرستاده شدند تا تکلیف آن‌ها مشخص شود. ما نیز با آنان به سوی «زاهره»

رهسپار شدیم و پس از دوازده روز دریانوردی به ساحل رسیدیم و آن‌جا شهری دیدیم بسیار سرسبز و نیکو، به گونه‌ای که هیچ گوش و چشمی مانندش را نشنیده و ندیده است. از کشتی پیاده شدیم و آن شهر ساحلی را طی نمودیم. مرکز آن شهر بر کوهی نقره فام بنا شده بود. در آن شهر از جویبارهای نیکو با آبی گوارا و باغ‌هایی بی‌شمار و میوه‌هایی خوش‌گوار فراوان دیدیم. گرگ و گوسفند در کمال آرامش با هم به گردش بودند و حیوان‌های گزنده به کسی آسیبی نمی‌رسانند. از آن شهر ساحلی گذشتیم و به «زاهره» رسیدیم. شهری بسیار بزرگ و بهشت گونه بود که تمام اسباب رفاهی در آن مهیا بود و مردم آن به بهترین وجهی ادب و اخلاق را رعایت می‌نمودند و در خرید و فروش خود به هم اعتماد کامل داشتند و هیچ صفت ناپسندی در آنان مشاهده نمی‌شد. به هنگام نماز جملگی از زن و مرد به نماز می‌رفتند. زمانی که ما به بارگاه با عظمت و با شکوه حاکم «زاهره» رسیدیم، هنگام نماز بود و مؤذن اذان گفت و مردم از هر سوی آمدند و در آن قصر به امامت حاکم نماز به جای آوردند. سپس حاکم که او را «فرزند صاحب الامر» می‌خواندند به ما توجه نمود و احوال ما را جویا شد و به ارشاد ما پرداخت. نام او طاهر بود و فرزند حضرت مهدی علیه السلام بود. گروهی که شیعه نبودند با راهنمایی او به مذهب حق معتقد شدند. ما هشت روز در آن شهر مهمان بودیم و به نیکوترین وجهی پذیرایی می‌شدیم. مردم آن شهر برای ما تعریف کردند که بعد از این شهر، شهری به نام «رابعه» است و حاکم آن «قاسم بن صاحب الامر علیه السلام» است. بعد از آن نیز شهری است به نام «صافیه» و حاکم آن «ابراهیم بن صاحب الامر علیه السلام» است. بعد از آن شهری است به نام «طلوم» که حاکم آن «عبدالرحمان بن صاحب الامر علیه السلام» است و پس از آن شهر «عناطیس» است که «هاشم بن صاحب الامر علیه السلام» بر آن حکومت می‌کند. در آن سال قرار بود که حضرت قائم علیه السلام به شهر زاهره بیایند و ما مدتی را منتظر ماندیم و چون ایشان نیامدند به وطن خود بازگشتیم.^۱

جمادی

ماه جمادی الاولی پنجمین و ماه جمادی الثانی ششمین ماه از ماه‌های سال قمری است. در آخرین سال دوران غیبت از ماه جمادی حوادث عجیب و غریبی در دنیا اتفاق خواهد افتاد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حادثه‌ی بسیار عجیبی در بین ماه جمادی و رجب اتفاق خواهد افتاد، گروهی از مردگان زنده می‌شوند و بر سر دشمنان خدا می‌کوبند. گویا می‌بینم که آن مردگان زنده شد و شمشیر از نیام کشیده و روی شانه می‌گذارند و کافران و کسانی که در برتری اهل بیت علیهم السلام را قبول ندارند می‌کشند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند چهل روز باران می‌بارد، از ماه جمادی الثانی تا روز دهم از ماه رجب، بارانی بی‌نظیر که تا کنون کسی ندیده است. خداوند به سبب آن باران بدن‌های مؤمنین را در قبرهایشان می‌رویاند و دوباره آنها را زنده می‌نماید... و در حدیث دیگری فرمود: در سالی که حضرت قیام می‌کند، بیست و چهار باران خواهد بارید که یکی در ماه جمادی الثانی است.^۲

در ماه رجب سه گروه به فرماندهی سفیانی، خراسانی و یمانی قیام خواهند نمود. یکی از شرق خاورمیانه و یکی از غرب و دیگری از جنوب. در این ماه‌ها این منطقه که مرکز ممالک اسلامی در آن قرار دارد شاهد فتنه‌ها و آشوب‌ها و جنگ‌های فراوانی خواهد شد. بنابراین دستور داده‌اند که از دو ماه قبل با دیدن آغاز فتنه‌ها، خود را برای حوادث عجیب و غریب بعدی آماده کنیم. در روزهای ماه جمادی تا رجب مردم شاهد صیحه و ندایی از آسمان خواهند بود و صورتی را در میان قرص خورشید در آسمان خواهند دید.^۳

۱. یاتی: ص ۴۴۲.

۲. ارشاد مفید: ص ۳۶۳.

۳. رک: رجب.

جمعه

جمعه در اسلام روزی است که ویژگی‌های خاصی برای آن وجود دارد. جمعه یکی از چهار عید بزرگ مسلمانان است و در فضیلت آن احادیث بسیاری وارد شده است. جمله‌ی محدثین بر این نظرند که ولادت حضرت قائم علیه السلام در روز جمعه بوده است.^۱ محدث شهیر مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان چنین می‌فرماید: «بدان‌که روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق به امام عصر علیه السلام دارد، یکی آن‌که ولادت با سعادت آن حضرت در آن روز بوده و دیگر ظهور موفور السرور آن جناب در روز جمعه خواهد بود و انتظار فرج در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است که در زیارت مختصه به آن حضرت آمده: این روز جمعه است و آن روزی است که امید برده می‌شود، ظهور تو در آن روز واقع شود و به دست تو فرج و گشایش برای کلیه‌ی ایمان‌آوردگان حاصل شود». سپس مرحوم شیخ عباس اضافه می‌کند: «بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را یکی از عیدهای چهارگانه، حقیقتاً به جهت آن روز شریف است که زمین را از لوث شرک و کفر و قذارت معاصی و از وجود جبارین و ملحدین و کافرین و منافقین پاک و پاکیزه فرماید و به اظهار کلمه‌ی حق و اعلا‌ی دین و شرایع ایمان، چشم و دل مؤمنین مخصوصین را در آن روز روشن و منور و مسرور و خرسند خواهد نمود».^۲

محدث قمی در کتاب مفاتیح در بخش زیارت اهل بیت علیهم السلام در ایام هفته می‌فرماید: شخصی نزد امام هادی علیه السلام مشرف شد و از آن حضرت درباره این حدیث سؤال کرد: «با روزها دشمنی نکنید، که آنان نیز با شما دشمنی خواهند نمود». حضرت پاسخ داد: منظور از روزها در این حدیث، ما هستیم، سپس حضرت مناسبت هر یک از روزهای

۱. نجم الناقب: باب اول.

۲. مفاتیح الجنان: اعمال روز جمعه.

هفته را با ائمه هدی علیهم‌السلام بیان فرمود و روز جمعه را روزی منسوب به حضرت مهدی علیه‌السلام یاد کرد، آنگاه یک یک زیارت‌های هر روز هفته را برای او املا نمود و برای روز جمعه فرمود: در روز جمعه که روز حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام و به نام آن جناب است، و روزی است که در آن روز ظهور خواهد نمود، بگو: ای مولای من، ای صاحب‌الزمان! صلوات خدا بر تو و بر اهل بیت تو. این روز جمعه است، روز توست که در آن ظهور تو انتظار می‌رود و راحتی و گشایش امور مؤمنین به دست تو و نابودی کافران به شمشیر تو در این روز خواهد بود. من در این روز مهمان تو هستم و به همجواری تو آمده‌ام. ای مولای من، تو بخشنده‌ای و از خاندان بخشنده هستی و تو (از جانب خداوند) عهده دار مهمانداری و پناه دادن (مؤمنین) هستی، پس سرا به مهمانی طلب و پناهم ده. صلوات بر تو و خاندان پاک تو.

در روایتی دیگر در کتاب فقیه فرموده‌اند: حضرت قائم علیه‌السلام در روز جمعه قیام خواهد نمود.^۱

جن^۲

جن از مخلوقات خداوند است که دارای ابدانی لطیف هستند و به هر صورتی می‌توانند ظاهر شوند. در حالت عادی آنان از محدوده‌ی دید بشر مخفی هستند. آنان دارای قدرت‌هایی فوق‌العاده هستند و در امت‌های پیشین در زمان نبوت حضرت سلیمان علیه‌السلام، جزو کارگران و عمال حضرت سلیمان بودند. در روایتی مفضل از امام صادق علیه‌السلام پرسید: سرور من! آیا ملائکه و جن در زمان ظهور حضرت بر مردم آشکار خواهند شد؟ حضرت فرمود: آری! به خدا سوگند ای مفضل آشکار خواهند شد! آنان با مردم به گفتگو خواهند پرداخت، هم چنان که امروز با همدیگر صحبت می‌کنید. مفضل

۱. یاتی: ص ۵۳۱ و من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۷۲.

۲. رک: بیعت.

پرسید: ای مولای من! آیا همراه او به این سو و آن سو خواهند رفت؟ حضرت فرمود: آری! به خدا سوگند ای مفضل آنان در میان کوفه و نجف فرود می‌آیند. یاران حضرت مهدی علیه السلام در آن روز چهل و شش هزار نفر از ملائکه و چهل و شش هزار نفر از اجنیان است.

جنگ^۱

آخرالزمان معرکه درگیری‌های فراوان است. در پیش‌بینی‌های اسلامی و غیر آن، وقوع جنگ‌های مختلف در آخرالزمان وجود دارد. در منابع روایی شیعه به جنگ‌هایی قبل از ظهور و جنگ‌هایی پس از آن اشاره شده است. جنگ‌هایی که گاه میان دو دسته‌ی باطل و گاه میان حق و باطل است. در آستانه‌ی ظهور اوج درگیری این جنگ‌هاست و در احادیث خبر از کشتاری آمده است که دو سوم مردم در آن یا کشته می‌شوند یا به علتی خواهند مرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: در کنار رود دجله و کنار نخلهای فراوانی که در حاشیه‌ی آن است... جنگی سخت میان مردم بصره و گروه بنی‌قنطورا در خواهد گرفت که کشته شدگان در این جنگ شهید محسوب خواهند شد. در حدیث دیگری می‌فرماید جنگ سختی میان بنی‌قنطورا و مردمانی از نژاد غیر عرب واقع می‌شود که احدی از بنی‌قنطورا باقی نخواهد ماند.^۲

محمد بن حنفیه می‌فرماید:... گروهی با پرچم‌های سیاه و کلاه سیاه و پیراهن‌های سفید علیه بنی‌عباس قیام می‌کنند و پیشاپیش آن‌ن شعب بن صالح است که به سوی سفیانی حرکت می‌کند و با او جنگ خواهد نمود...^۳

۱. رک: کشتار، سید حسنی، خراسانی، سفیانی، شعب بن صالح، هاشمی، قیام‌های قبل از ظهور.

۲. ملاحم: ص ۹۱ و ۱۷۰، رک: بنی‌قنطورا.

۳. ملاحم: ۵۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: در شام (سه گروه با) سه پرچم قیام نموده، پرچم‌های حسینی، اموی و قیس. در آن زمان سفیانی نیز به پا می‌خیزد و با آنان جنگ نموده و مانند مزرعه‌ای آنان را درو می‌کند و آنان را به گونه‌ای بی‌نظیر شکست می‌دهد.^۱

ارطاة روایت می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام اولین پرچم جنگ را به گروهی می‌دهد و آنان را به جنگ ترک می‌فرستد و آن لشکر، ترک‌ها را شکست می‌دهند و غنیمت و اسرای زیادی از آنان می‌گیرد و سپس به سوی شام می‌روند و آنجا را نیز فتح می‌کنند...^۲

در برخی روایات از جنگ میان ترک‌ها و مسلمانان حکایت می‌کند که مسلمانان را یارای مقابله با آنان نیست. سپس لشکر ترک‌ها بر اثر وبا یا تگرگ خواهند مرد.^۳

امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود:... زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، (در ابتدا از شدت جنگ و نبرد با دشمنان) فقط خون و عرق است (که از پیشانی خود پاک خواهند کرد).^۴

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، عمامه و زره رسول خدا را بر تن می‌نماید و شمشیر ذوالفقار را به کمر بسته و از نیام می‌کشد و بر دوش می‌نهد و تا هشت ماه پیاپی جنگ و کشتار خواهد نمود...^۵

در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگی تمام عیار میان اعراب و یهود در فلسطین خبر می‌دهد. جنگی که در دریا گسترش می‌یابد و یهود نابود می‌شوند و مانند گوسفند سرشان بریده خواهد شد.^۶

۱. نوائب الدهور: ج ۳ ص ۳۲.

۲. ملاحم: ص ۷۲.

۳. رک: ترک.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۵.

۵. یأتی: ص ۵۳۶.

۶. رک: فلسطین.

در حدیثی چنین می‌فرماید: در مکه میان حج‌گذاران در منی جنگی رخ خواهد داد و کشتاری میان آنان صورت می‌گیرد که آن گردنه پر از خون خواهد شد و در آن لحظه حضرت مهدی علیه السلام صورت بر دیوار کعبه نهاده و اشک می‌ریزد، مردم نهایتاً به سوی او می‌روند و از او خواهش می‌کنند که با ایشان بیعت کنند...^۱

جوان، جوانان

جوانی بهترین بخش زندگی انسان است و زمان اوج‌گیری قدرت بدنی و هوش و درک و ذکاوت انسان می‌باشد. بنابراین می‌بینیم که خداوند اصحاب حضرت مهدی علیه السلام را اکثراً از میان این گروه انتخاب می‌نماید و یا آن‌هایی که سالخورده هستند دوباره نیروی جوانی را به دست خواهند آورد، تا جایی که هر کدام نیروی چهل مرد قوی را خواهند داشت. در اوصاف حضرت مهدی علیه السلام نیز آمده است که به صورت جوانی برومند ظهور خواهد نمود.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اصحاب حضرت قائم علیه السلام می‌فرماید: جملگی جوان هستند و در میان آنان پیرمردی وجود ندارد مگر مانند سرمه در چشم و نمک در طعام (یعنی بسیار بسیار کم)،^۲ در روایت دیگری آمده است که جوانانی از گروه شیعه، شب‌هنگام بر پشت بام منازل خود خوابیده‌اند که در یک شب و بدون قرار قبلی گرد هم جمع شده و صبح را در مکه حضور خواهند داشت.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، مردم او را انکار خواهند نمود (و او را طرد خواهند کرد) سپس حضرت دوباره به سوی مردم برمی‌گردد (و آنان را دعوت به حق می‌نماید). در این زمان کسی به او ایمان نمی‌آورد مگر جوانان

۱. البرهان: ص ۱۴۳.

۲. ملاحم: ص ۱۴۷.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۹۸.

موفق و ثابت قدم، که در عالم «ذَر» خداوند از آنان پیمان ستانده باشد.^۲

زمانی که حضرت مهدی عجله الله فرجه ظهور نماید، به صورت جوانی بین سی تا چهل سال ظاهر خواهد شد، در حالی که مردم به خاطر سن زیاد حضرت گمان می‌کنند که او در چهره‌ی پیرمردی خواهد آمد و این امتحان بزرگی برای مردم خواهد بود و بدین جهت گروهی ایشان را انکار خواهند کرد.^۳

در روایتی آمده است: دشمنی سخت برای مردم شام صف‌آرایی می‌کند که همه‌ی ملت اسلامی برای مقابله با آن‌ها گرد می‌آیند. پرسیدند: آیا منظور شما رومیان (یهود) هستند؟ فرمود: آری، سپس فرمود: در آن هنگام جنگی در می‌گیرد که بیشتر جوانان از اسلام بر خواهند گشت.

در اخبار آخرالزمان توصیف جوانانی را می‌بینیم که به غنا و موسیقی روی می‌آورند، مشروبات حرام می‌نوشند، فسق و فجور انجام می‌دهند و در فحشاء و بی‌عفتی فرو می‌روند.^۴

جهل

ر.ک: علم.

۱. عالم «ذَر» عالمی است که خداوند تمام مخلوقات را ایجاد نمود و همگی به صورت ذراتی بودند. خداوند از آن‌ها بر خدایی خویش و پیامبری پیامبران و امامت ائمه هدی^ع پیمان گرفت. گروهی ایمان آوردند و گروهی تمرد کردند. برای اطلاع بیشتر به کتب تفسیر در ذیل آیه‌ی «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» [اعراف/۱۷۲] (زمانی که پروردگارت از نسل بنی آدم پیمان گرفت و آنان را بر خود شاهد گرفت و از ایشان پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ جملگی گفتند: آری) رجوع کنید.

۲. یأتی: ص ۱۸۸.

۳. ر.ک: ویژگی‌های حضرت مهدی^ع.

۴. موعود نامه: ص ۲۵۴.

جیحون

رودی به طول حدود دو هزار و پانصد کیلومتر در منطقه‌ی آسیای میانه که به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد و از کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان عبور می‌کند. در روایات آخرالزمان از این رود یاد شده که به دست کافران خواهد افتاد و سپس با ظهور حضرت مهدی علیه السلام آزاد خواهد شد.^۱ مناطق حاشیه‌ای این رود را ماوراء النهر می‌نامند.^۲

۱. رک: رود.

۲. رک: زمینه‌سازان ظهور.



چهار پایان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در امت رسول الله صلی الله علیه و آله پنج فتنه و آشوب رخ خواهد داد، اولی فتنه‌ای خاص است و دوم فتنه‌ای فراگیر، آنگاه دوباره فتنه‌ای خاص رخ خواهد داد و بعد از آن نیز برای بار دوم فتنه‌ای عام واقع می‌شود و پس از آن فتنه‌ی پنجم رخ می‌دهد که آشوبی سیاه و تاریک است و مردم در آن فتنه چون چهارپایان می‌شوند (یعنی از نظر زایل شدن عقل و شعور یا از نظر این‌که اختیاری از خود ندارند و امرشان به دست مالک آنان‌هاست).^۱

در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فتنه و آشوبی خواهد آمد که کور کننده و کر کننده است (یعنی از شدت آن هوش و حواس از انسان زایل شود و انسان قدرت تشخیص و تفکر نداشته باشد) که همه را فرا خواهد گرفت. در آن فتنه مردم مانند چهارپایان و بهایم رفتار خواهند کرد.^۲

چین

امام باقر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: گروهی در پی گرفتن حق، از شرق دور، به چین یورش می‌برند این گروه دوبار از چینی‌ها حق خود را می‌طلبند اما آنان امتناع می‌ورزند. سپس شمشیر می‌کشند و چینی‌ها (زمانی که اوضاع را این گونه می‌بینند) قبول می‌کنند

۱. ملاحم: ص ۱۵۷.

۲. یأنی: ص ۱۳۲.

که حق آنان را بدهند ولی دیگر آن گروه قبول نمی‌کنند و به کشتار چینی‌ها دست می‌زنند و بسیاری از آنان را می‌کشند... در پایان این گروه سلطتی را که به دست آورده‌اند به حضرت مهدی علیه السلام تسلیم خواهند نمود.^۱

در روایتی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: گروهی از چین و منطقه‌ی ملتان در هند، به سوی خراسان می‌آیند و در آنجا نیز به قیام دست خواهند زد. سفیانی لشکری را به سوی آنان گسیل می‌دارد، اما نمی‌تواند آنان را شکست دهد.

در حدیثی امام باقر علیه السلام خبر از تصرف سرزمین چین به دست حضرت مهدی علیه السلام می‌دهد.^۲

۱. الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۶۰.

۲. یأتی: ص ۵۴۰.



حبشه

کشوری است در آفریقا و اکنون با نام اتیوپی شهرت دارد. مسلمانان آن را حبشه می‌نامیدند. در صدر اسلام گروهی از مسلمانان از دست مشرکین و آزارهای آنان به این کشور هجرت نمودند. در روایات ملاحم و فتن خبر از شخصی داده شده است که از این کشور می‌باشد و خانه‌ی کعبه را خراب می‌نماید.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بسیار به سوی طواف خانه‌ی کعبه بشتابید، زیرا می‌بینم روزی را که مردی با ساق‌های باریک، با بیل این خانه را ویران می‌نماید.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ذوالسویقتین از حبشه با گروهی می‌آید، او مردی است که پیش سرش موی ندارد و میان دندان‌هایش باز می‌باشد. او بر بام کعبه می‌رود و با بیل و کلنگ سنگ‌های کعبه را یک یک از جا می‌کند و گنج‌هایی که در کعبه پنهان است خارج می‌کند و به تاراج می‌برد و کعبه را چنان ویران می‌کند که دیگر پس از آن بنا نشود.

امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از نشانه‌های آخرالزمان را ویران کردن کعبه می‌داند و می‌فرماید: گویا با چشم خود می‌بینم که مردی از حبشه بسیار نیرومند و شجاع، کلنگی به دست گرفته و خانه کعبه را ویران می‌کند و یک یک سنگ‌های آن را از جای می‌کند.^۲

۱. ملاحم: ص ۹۷ و ۹۸.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۸.

حجر اسماعیل

بخشی از مسجد الحرام است که در کنار قسمت شمالی کعبه قرار دارد و دور آن دیوار کوتاهی کشیده شده است و آن را «حطیم» نیز می‌نامند. مشهور است که حضرت اسماعیل علیه السلام گوسفندان خود را در آن جا می‌بسته است. برخی نیز بین رکن و مقام و زمزم را حطیم یا حجر اسماعیل دانسته‌اند.

در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم که حضرت مهدی علیه السلام پشت به حجر نموده و خداوند را به حق خویش قسم می‌دهد (که ظهورش را فراهم سازد) آن‌گاه به سوی رکن و مقام رفته و دو رکعت نماز به جای می‌آورد و دوباره خداوند را به حق خودش سوگند می‌دهد. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم که او همان مضطری است که در آیه‌ی شریفه آمده است: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۱ (کسیت آن کسی که دعای مضطران را به هنگام مناجات مستجاب میکند و ناخوشی‌ها را از آنان برطرف میکند و شما را جانشینان زمین قرار دهد).

حجاز

حجاز بخشی از کشور عربستان کنونی است که در مرکز آن شهر مکه و مدینه قرار دارد. این سرزمین به خاطر وجود این دو شهر مهم همواره مورد توجه مسلمانان بوده و هست. این سرزمین مبدأ قیام حضرت حجت علیه السلام است و انقلاب بزرگ جهانی توسط آن حضرت، از این سرزمین در کنار کعبه در شهر مکه آغاز می‌شود.

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: حضرت قائم علیه السلام در مکه ظهور خواهد نمود... و خداوند سرزمین حجاز را به تصرف او در خواهد آورد...^۲

۱. نمل/۶۲.

۲. ملاحم: ص ۶۴.

حج

ر.ک: مکه.

حجر الاسود

حجر الاسود سنگی آسمانی است، بیضی شکل و در یکی از اضلاع کعبه قرار دارد. این سنگ به همراه حضرت آدم علیه السلام از بهشت به زمین آمد و در طوفان نوح به زیر خاک رفت و حضرت ابراهیم علیه السلام آن را بیرون آورد و در کعبه قرار داد. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: حجر الاسود دست خدا بر روی زمین است و کسی که به آن دست می‌کشد، با خدا پیمان می‌بندد. در روایات آمده است که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، آن جناب در مسجد الحرام ظاهر می‌شود و نزدیک حجر الاسود رفته و حجر الاسود به شکل پردنده‌هایی سفید رنگ درمی‌آید و با آن حضرت بیعت می‌کنند. سپس سایر یاران حضرت با ایشان بیعت نموده و حجر الاسود شاهد بیعت آنان خواهد بود.^۱

یکی از خصوصیات این سنگ آن است که هرگاه از جای خود برداشته شود کسی جز پیامبران الهی یا یکی از اوصیای ایشان قادر به نصب آن سنگ در جای خود نخواهد بود و اگر شخص دیگری آن را نصب کند، در جای خود قرار نمی‌گیرد و به زمین خواهد افتاد. این واقعه در زمان غیبت نیز اتفاق افتاده است. این حادثه مربوط به حمله‌ی قرامطه به مکه و به سرقت بردن سنگ حجر الاسود و نصب آن در مسجد کوفه می‌شود. این داستان را علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار از جناب محمد بن قولویه روایت می‌کند: قرامطه به مکه یورش بردند و حجر الاسود را به سرقت برده و پس از زمانی در زمانی در سال ۳۰۷ هجری قمری آن را دوباره به مسجد الحرام باز پس

۱. برگرفته از سایت حوزه.

فرستادند و می‌خواستند که آن سنگ را در جای خود نصب نمایند.

من از پیش می‌دانستم و در کتب ملاحظه کرده بودم که فقط امام زمان می‌تواند این سنگ را در جای خود در دیوار کعبه نصب نماید. چنانکه در زمان امام زین‌العابدین علیه‌السلام نیز حجر الاسود از جای خود افتاد و فقط امام سجاد علیه‌السلام موفق شد آن را در جای خود قرار دهد. بنابراین از شوق دیدار حضرت مهدی علیه‌السلام به سوی حج رهسپار شدم. اما زمانی که به بغداد رسیدم مرا بیماری سختی دست داد که ناچار شدم شخصی به نام ابن هشام را به جای خود به نیابت حج بفرستم و علاوه بر آن نامه‌ای را که برای حضرت علیه‌السلام نوشته بودم به دست ایشان برساند. در آن نامه به ناحیه‌ی مقدسه (حضرت صاحب‌الامر) علیه‌السلام نوشتم: آیا من از این بیماری نجات می‌یابم یا خیر؟ و مدت عمر من چند سال خواهد بود؟ به ابن هشام گفتم که من می‌خواهم این نامه را به کسی بدهی که حجر الاسود را در جای خود نصب می‌کند و زمانی که نامه را به او دادی، پاسخ آن را نیز دریافت کن. ابن هشام پس از این که مأموریتش را با موفقیت به پایان رساند به سوی من بازگشت و جریان را این گونه تعریف نمود، زمانی که من به مکه رسیدم، با خبر شدم که اکنون حجر الاسود را نصب می‌کنند. سریع خود را به مسجد الحرام رسانده و با دادن مقداری پول به پاسبان‌های حرم، از آنان خواستم که نصب‌کننده‌ی حجر الاسود را ببینم و تعدادی از آن پاسبان‌ها را نیز اجیر کردم تا مراقب من باشند و مردم را از اطرافم دور کنند تا بتوانم از نزدیک شاهد ماجرا باشم. زمانی که به حجر الاسود رسیدم، دیدم هر کسی که آن را بر می‌دارد و در جای خود قرار می‌دهد، حجر الاسود کمی می‌لرزد و دوباره بر زمین می‌افتد! همه متحیر مانده بودند که چه باید بکنند! آنگاه جوانی گندم‌گون که چهره‌ای زیبا داشت پیش آمد و حجر الاسود را برداشت و در جای خودش قرار داد و همه دیدند که سنگ دیگر نلرزد و در جای خود استوار ماند، گویا هیچ‌گاه از جای خود منتقل نشده بود! مردم از مرد و زن فریاد شوق برآوردند و آن جوان

درمقابل چشمان مردم بازگشت و از در مسجد الحرام خارج شد. من دنبال او دویدم و مردم را کنار می‌زدم به گونه‌ای که گمان می‌کردند من دیوانه شده‌ام و از پیش من می‌گریختند. من چشم از او برنمی‌داشتم تا این که او از میان جمعیت بیرون رفت. با این که حضرت آرام آرام راه می‌رفت و من دوان دوان در پی او می‌دویدم، اما به وی نمی‌رسیدم، تا این که به جایی رسیدیم که فقط من بودم و آن جناب. سپس ایستاد و رو بهمن نمود و فرمود: آنچه را که با خود داری به من بده! هنگامی که نامه را به آن حضرت دادم، بدون این که آن را بخواند فرمود: به او بگو از این بیماری هراسی به خود راه مده و سی سال دیگر زنده خواهی ماند. سپس مرا به گونه‌ای گریه گرفت که توان هر حرکتی را از من ربود و حضرت آنجا را ترک کرد. در سال سیصد و شصت ابن قولویه دوباره به بیماری مبتلا شد، به سرعت خود را مهیا نمود و وصیت کرد. به او گفتند: چرا می‌ترسی؟ ان شاء الله خداوند تو را از این درد شفا خواهد داد. او گفت: این همان زمانی است که حضرت وعده داده بود و او در همان سال و با همان بیماری از دنیا رفت.

حرز امام زمان علیه السلام

در مفاتیح الجنان این حرز به نام امام زمان علیه السلام روایت شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا مالک الرقاب و يا هازم الاحزاب، يا مسبب الاسباب، سبب لنا سبباً لانستطيع له طلباً بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه و على آله اجمعين»؛ (به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، ای خداوندگار بنده‌ها، ای گریزاننده‌ی احزاب [کافر قریش در جنگ خندق]، ای گشاینده‌ی درب‌ها [ای بسته و ناگشودنی] ای پدیدآورنده‌ی سبب‌ها، به حق لا اله الا الله محمد رسول الله برای ما سبب‌هایی را که نمی‌توانیم بدان دست یابیم فراهم ساز؛ صلوات خداوند بر او و بر خاندان او باد.)

حَرستا

نام سرزمینی آباد و بزرگ در میان باغ‌های دمشق است. وقتی میان پرچم‌هایی از مغرب و بحرین و شام اختلاف و نزاع به وجود می‌آید، مردی از بنی‌العباس قیام می‌کند. مردم شام و فلسطین می‌ترسند و به سوی حاکمان شام و مصر پناهنده می‌شوند. به آنان می‌گویند: بروید و از پسر فرمانروا، یعنی سفیانی یاری بطلبید. آنان سفیانی را دعوت نموده و او در سرزمین حرستا فرود می‌آید و دایی‌ها و بستگان هم فکر خود را در آنجا جمع می‌کند و گروه‌هایی از پیروان او در بیابان خشک (وادی یابس) در دمشق بدو ملحق می‌شوند. آن‌گاه سفیانی دعوت آنان را قبول می‌کند و در روز جمعه با همه‌ی آنان به مسجد دمشق رفته و برای اولین بار بر فراز منبر می‌رود و به بیعت با خود دعوت‌شان می‌کند و آن‌ها هم با شنیدن سخنان او با وی بیعت می‌کنند.^۱

امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌نماید: در شام میان دو گروه جنگ خواهد شد که منجر به ظهور نشانه‌ای از نشانه‌های خدا خواهد شد. آن شخص سؤال کرد: ای امیرالمؤمنین آن نشانه چیست؟ حضرت فرمود: وقوع زلزله‌ای است در شام که بیش از صد هزار نفر در آن از بین خواهند رفت، خداوند این زلزله را برای مؤمنین رحمت و برای کافرین عذاب قرار می‌دهد. در این زمان باید منتظر دیدن گروهی باشید که بر اسب‌های سیاه و سفید سوارند و با پرچم‌هایی زرد رنگ از سوی مغرب به شام یورش می‌برند. آنگاه جزع اکبر و مرگ سرخ به وقوع خواهد پیوست. در این حال منتظر فرورفتن روستایی در دمشق به نام حرستا باشید و در پی آن پسر هند جگر خوار از سرزمین خشک (وادی یابس) قیام می‌کند و بر منبر دمشق خواهد نشست، در این زمان منتظر ظهور مهدی علیه السلام باشید.

۱. الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۸۰ و امام مهدی از ولادت تا ظهور: ص ۵۲۳.

حکومت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور^۱

حکومت حضرت مهدی علیه السلام، پس از ظهور خواهد بود، که بعد از اتمام جنگ‌ها و پایان یافتن سلطنت جور و از بین رفتن مشرکین و کفار شروع می‌شود. حکومت حضرت ابتدای شکوفایی جهان و آغاز پیدایش یک مدینه‌ی فاضله‌ی حقیقی در دنیا می‌باشد. بدون شک حضرت مهدی علیه السلام سال‌هایی را پس از ظهور و قیام بر روی زمین حکومت خواهند نمود ظهور منجی آخرالزمان و حکومت او بر روی زمین در میان همه‌ی امت‌ها امری قطعی است. در روایات شیعه مدت این حکومت بسیار مختلف آمده است. مدت سلطنت حضرت را از دو سال تا سیصد و بیست و دو سال ذکر نموده‌اند.^۲

در بعضی احادیث بیان شده که سالهای حکومت حضرت بسیار طولانی است و هر سال از حکومت حضرت برابر ده سال امروزی است.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیثی مدت حکومت حضرت را بسته به اراده و خواست خداوند می‌داند.^۴

امام رضا علیه السلام فرمود: نشانه‌ی قیام حضرت قائم علیه السلام این است که در سن پیری ظهور خواهد کرد، اما در چهره‌ی جوانی چهل ساله آشکار خواهد شد. حضرت با گذشتن شب و روز پیر نمی‌شود و همین گونه خواهد بود تا زندگی حضرت به پایان برسد.^۵

در روایات از حکومت حضرت با اسامی مختلفی یاد شده است و یکی از بشارت‌های آخرالزمان برقراری آن حکومت عدالت گستر است. «دولت حق» «دولت کریمه» از القابی است که برای حکومت آن جناب فرموده‌اند.

۱. رک: آخر الزمان پس از ظهور، رجعت، سن حضرت مهدی. x.

۲. یأتی: صص ۱۸۸ - ۱۸۵، صص ۴۸۴ - ۴۸۱.

۳. یأتی: صص ۱۸۷.

۴. یأتی: صص ۴۸۴ و بحار الانوار: ج ۵۳ صص ۳۴.

۵. نجم الناقب صص ۱۵۴.

در دعای افتتاح می‌گوییم: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه»؛ خداوند ما مشتاقانه به درگاهت التماس میکنیم که دولت کریمه را برقرار فرمایی.

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر از روز و شب این دنیا، جز یک روز و شب باقی نمانده باشد، خداوند آن را تا جایی طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من، یعنی حضرت مهدی علیه السلام قیام کند و به حکومت برسد.^۱

مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از برادران و فرزندان خود به آن حضرت شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: بدانید! حق دولتی برقرار خواهد کرد و باطل نیز دولتی خواهد داشت، این دو حکومت هر کدام در حکومت دیگری خوار هستند و کمترین جفایی که در دولت باطل به مؤمنین می‌رسد، نااهلی فرزندان و جفای برادران است و کسی که در زمان برقراری حکومت باطل (و از سوی باطل) به آسایش رسیده باشد، پیش از مرگ از او بازستانده خواهد شد و این یا با مریضی است و یا نقصی در مال و یا اولاد او، خداوند این گونه می‌کند تا مؤمن برای شرکت در دولت حق خالص شود و بهره‌ی او از دولت حق فزون باشد، پس بشارت باد تو را. در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: برای اهل حق (یعنی ائمه علیهم السلام) دولتی مقرر شده است که خداوند به یکی از ما اهل بیت (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) خواهد داد.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: قیام حضرت مهدی علیه السلام، در دولت و حکومت باطل را از بین می‌برد (و دولت حق برگزار خواهد شد).^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: در جنگ جمل حضرت علی علیه السلام روشی را در پیش گرفت که برای شیعیان آن حضرت نعمت بزرگی تلقی می‌شد، نعمتی که از تمام دنیا بزرگ‌تر است، زیرا او از اصحاب جمل کسی را به اسارت نگرفت، چون اگر از آنها اسیر می‌گرفت،

۱. یاتی: ص ۲۴۰.

۲. یاتی: ص ۲۴۴.

۳. روضه کافی: ص ۲۸۷.

آنان نیز از شیعیان حضرت افرادی را به اسارت می‌گرفتند. سپس حضرت فرمود: اما حضرت مهدی علیه السلام در حکومت خود مانند روش حضرت علی علیه السلام در حکومتش رفتار نمی‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام با بزرگواری و امتنان با دشمنان رفتار می‌کرد زیرا می‌دانست چندی بعد آنان به حکومت می‌رسند (وتلافی می‌کنند) اما حضرت قائم علیه السلام مانند حضرت علی علیه السلام در حکومت خود رفتار نخواهد کرد زیرا می‌داند که پس از خود حکومت باطلی به قدرت نخواهد رسید و در حدیث دیگری فرمود: حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خود را از دم شمشیر می‌گذراند و آنان را به اسارت می‌گیرد.^۱

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت حضرت مهدی علیه السلام این است که پس از ایشان حکومتی نخواهد بود؛ او آخرین کسی است که در دنیا دولتی را تأسیس می‌نماید. آری ائمه علیهم السلام در رجعت‌های مکرری که دارند در آن دوران بهتخت سلطنت خواهند نشست و حکم‌فرمایی خواهند نمود و آن حکومت حقه‌ی محمد و آل محمد علیهم السلام است. در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ (همانا پایان این امر برای پرهیزکاران خواهد بود) به این مطلب اشاره شده است. البته در این سنت الهی، حکمتی نهفته است؛ زیرا با توجه به این که پس از تشکیل دولت حقه‌ی امام زمان علیه السلام در زمان ظهور، ممکن است برخی ادعا کنند که، اگر ولایت امور به آنها سپرده می‌شد، آنان نیز مانند حضرت مهدی علیه السلام می‌توانستند عدالت را صددرصد برقرار سازند، بدین جهت خداوند پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، هر گروهی که می‌پندارند می‌توانند عدل گستر جهانی باشد را به حکومت می‌رساند و مدتی زمام امور را به دست او می‌دهد تا برای خودش و دیگران ثابت شود آن کسی که می‌تواند با تکیه بر علم الهی عدالت محض را گسترش دهد و ظلم را از بنیان ریشه کن کند فقط حجت معصوم الهی است. زیرا برپایی حکومتی که

۱. یاتی: ص ۲۴۵.

۲. اعراف/۱۲۸.

هیچ گونه ظلمی در آن واقع نشود، نیاز به دانش الهی و علم غیب دارد و قدرت‌های فوق بشری و خارق العاده در زمان ظهور حضرت پدید خواهد آمد که عدالت را با تمام زوایای آن در گوشه گوشه‌ی عالم بسط خواهد داد. حتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چون نمی‌خواست که به علم غیب عمل نماید و سعی در حکومت با روشی ظاهری و عادی داشت، بنابراین مجبور بود که بسیاری از ناملازمات را چشم پوشی کند و تحمل نماید و در نهایت به دست یکی از خوارج به شهادت رسید، در حالی که می‌دانست او کیست و چه در نظر دارد. اما در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، بدون اقامه‌ی شاهد و با استفاده از علوم الهی هیچ گونه فرصتی برای جولان باطل داده نمی‌شود و باطل پیش از آن‌که اقدام به فعالیت کند، از بین می‌رود.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: دولت و حکومت ما اهل بیت در پایان همه‌ی دولت‌ها قرار دارد و آخرین حکومت تشکیل شده در جهان خواهد بود. هر گروهی که بخواهد به حکومت برسد، پیش از ما به این منصب خواهند رسید، تا پس از حاکم شدن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و روش حکومت آنان نگویند: اگر ما هم به پادشاهی می‌رسیدیم، همین گونه رفتار می‌کردیم. بنابراین خداوند در قرآن فرموده: ﴿الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛^۲ (عاقبت از آن پرهیزکاران است).^۳

در روایات از سیره و روش حکومت حضرت فراوان یاد شده است؛ در برخی می‌فرماید که دقیقاً مانند روش رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌نماید و در برخی نیز می‌فرمایند که روشی جدید را اتخاذ می‌کند. این اختلاف از دو سو خواهد بود و تعارضی بین این دو دسته از احادیث نیست، زیرا در احادیثی که روش حضرت را

۱. رک: جدید، قضاوت، عدل.

۲. اعراف/۱۲۸.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۸۳ و ارشاد مفید: ص ۳۶۵ و یاتی: ص ۲۴۶.

روشی جدید و غیر از روش ائمه‌ی پیش از ایشان می‌داند، از آن دریچه به حکومت حضرت می‌نگرد که تقیه‌ها برداشته شده و حضرت مهدی علیه السلام مأمور به رعایت امور ظاهری نیست بلکه به علم الهی خود عمل می‌نماید و بر اساس حقایق امور تصمیم‌گیری می‌نماید، و حضرت به قدرت الهی هر باطلی را از گردن کشی ساقط می‌کند و دیگر مجالی برای باطل نخواهد بود، چون زمان امتحان و فرصت‌ها به پایان رسیده اس و حق و باطل آزمایش خود را داده‌اند و باطل محکوم به فنا خواهد بود. بنابراین اگر در روایاتی ما از مخالفت روش رفتاری حضرت با سیره‌ی رسول خدا می‌بینیم، ازستی جدید سخن نمی‌گویند، بلکه شرایط عمل به سنت‌های الهی تغییر می‌یابد و بر این اساس سنت‌هایی که پیش از این مشکلی در مسیر اجرای آن وجود داشته، اکنون بدون هیچ مانعی به اجرا درمی‌آید.

زراره از امام باقر علیه السلام سؤال نمود: آیا زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید، همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند؟ امام محمد باقر علیه السلام پاسخ داد: ای زراره هرگز! هرگز به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نخواهد کرد! زراره پرسید: جانم به قربان شما! چرا چنین می‌کند؟ حضرت فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله میان کسانی که به او ایمان می‌آوردند با بزرگواری و امتنان رفتار می‌نمود و میان مردم پیوند دوستی برقرار می‌کرد (و سعی می‌کرد با مهر و محبت و نرمش اختلاف‌ها را از بین ببرد). اما حضرت قائم علیه السلام در حکومت خود با شمشیر حکم‌فرمایی خواهد نمود. زیرا در دستوری که از جانب خداوند برای او آمده است، بدین گونه رفتار مأموریت یافته است. او از هیچ کس توبه‌ای را نمی‌پذیرد (زیرا پس از اتمام حجت و پایان یافتن دوران آزمایش و فرارسیدن زمان مجازات توبه‌ای قبول نخواهد شد) پس بدا به حال کسانی که با او به مخالفت برخیزند و با او دشمنی نمایند.^۱

امام باقر علیه السلام در توصیف روش حاکمیت حضرت قائم علیه السلام در زمان ظهور فرمود: حضرت مهدی علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار نخواهد کرد، و روشی را به کار می‌گیرد که رسول خدا برای جهانی کردن اسلام به کار گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر رفتاری را که در جاهلیت مردم انجام می‌دادند باطل اعلام کرد و در میان مردم به عدالت رفتار نمود. حضرت مهدی علیه السلام نیز همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی ظهور نماید، هر باطلی که در زمان صلح و پیش از قیام خود مقرر گشته است نابود می‌کند و عدالت را در میان مردم به اجرا می‌گذارد.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است. او به سنت و روش من رفتار خواهد کرد و مردم را به شریعت من دعوت نموده و به سوی کتاب خدا راهنمایی می‌دهد.^۲

حکومت پیش از ظهور

ر.ک: پرچم، قیام‌های پیش از ظهور.

حکیمه

«حکیمه» یکی از نام‌های مادر امام زمان علیه السلام است. حکیمه خاتون نام دختر امام جواد علیه السلام نیز هست، این بانوی ارجمند دائماً در خانه‌ی امام هادی و امام عسکری رفت و آمد داشت و با مادر امام زمان علیه السلام ارتباط نزدیکی داشت. او ارجمندترین بانوی بینی‌هاشم در زمان خود بود. زمانی که حضرت نرجس خاتون، مادر امام زمان به سامرا آمد، نزد حضرت حکیمه خاتون بود و معارف اسلامی را از ایشان می‌آموخت. امام حسن عسکری علیه السلام در شب ولادت حضرت قائم علیه السلام از ایشان درخواست نمود که نزد

۱. تهذیب: ج ۶ ص ۱۵۴.

۲. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۲.

حضرت نرجس خاتون بماند و مراقب ایشان باشد و شاهد ولادت مبارک حضرت قائم علیه السلام باشد. ایشان تنها کسی است که تولد امام زمان علیه السلام را شاهد بوده است و به این سعادت نایل آمده است. حضرت حکیمه خاتون بسیار مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام بود و در سامرا از دنیا رفت و در حرم حضرت عسکریین مدفون گشت.^۱

حیره

حیره شهری باستانی است واقع در عراق کنونی و در جنوب شهر کوفه قرار دارد. فاصله‌ی آن تا شهر نجف شش و نیم کیلومتر است. در قدیم شهری بزرگ بوده، اما اکنون ویران شده است.

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: ظهور حضرت مهدی علیه السلام زمانی به وقوع خواهد پیوست که کشتاری بزرگ در میان شهر حیره شهر کوفه به وجود آید.^۲

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام با یاران خود از سرزمین کوفه و حیره عبور می‌کردند، حضرت فرمود: این دو شهر چنان گسترش می‌یابند که به هم متصل خواهند شد - به سوی کوفه اشاره نمودند - تا جایی که حدوداً هر متر آن در مقابل چند مثقال طلا خریداری می‌شود. در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد درب داشته و حضرت قائم علیه السلام در آن نماز خواهد خواند، زیرا مسجد کوفه در آن زمان گنجایش نمازگذاران را نخواهد داشت. در این مسجد (علاوه بر حضرت) دوازده نفر عادل بر مردم نماز جماعت خواهند خواند. سپس حضرت فرمود: در کوفه نیز چهار مسجد دیگر ساخته خواهد شد که مسجد کوفه کوچک‌ترین آن‌ها خواهد بود.^۳

۱. رک: مادر امام زمان علیه السلام، ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

۲. غیبت طوسی: ص ۲۷۱.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۷۵.



خانواده حضرت مهدی علیه السلام

درباره این که آیا برای حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت ایشان خانواده‌ای خواهد بود یا خیر، یا این که آیا حضرت ازدواج نموده است، صاحب‌نظران اختلاف دارند. برخی ازدواج حضرت را به خاطر غیبت ایشان ممتنع می‌دانند. اما با کمی توجه می‌توان دریافت که ازدواج حضرت هیچ تداخلی با غیبت حضرت ندارد، زیرا اگر وجود یارانی همراه حضرت در زمان غیبت امکان‌پذیر باشد، وجود اولاد و خانواده نیز برای حضرت ممکن است. علاوه بر این که این معنی را روایاتی تأیید می‌کند. از سویی ازدواج و تولد اولاد از سنت‌های مؤکد اسلام است و تا جایی رسول خدا بر این امر تأکید داشت که فرمود: ﴿النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی﴾ یعنی ازدواج یکی از آیین‌های دین من می‌باشد و کسی که از این آیین دینی روی گردان باشد از امت من نخواهد بود.

برخی با ایراد این اشکال که در صورت وجود اولاد برای آن حضرت، شخصیت آن جناب در میان مردم مشخص می‌شود و این با اصل غیبت ناسازگار است، سعی در رد کردن این امر دارند. اما ما می‌دانیم که در احادیثی که از غیبت حضرت سخن می‌گویند، آمده است که مردم در زمان غیبت حضرت را می‌بینند و با ایشان سخن می‌گویند و حضرت در بازارها و خانه‌های ایشان رفت و آمد می‌کند، اما آنان حضرت را به عنوان امام زمان علیه السلام نمی‌شناسند و این خصوصیتی است که در روایات به شباهت ایشان به حضرت یوسف علیه السلام بیان شده است. علاوه بر این ممکن است که اولاد حضرت از

امامت پدر خویش با خبر باشند، اما این راز را هیچ‌گاه فاش نمی‌کنند.

اشکال دیگری که منتقدین گفته‌اند این است که با توجه به طول عمر حضرت چگونه ازدواج حضرت امکان پذیر است؟! باید گفت این اشکال هیچ ربطی به غیبت حضرت نخواهد داشت زیرا با وفات همسر پیشین، امکان ازدواج محال نیست و نیز ممکن است که خداوند زندگی همسر حضرت را نیز همانند عمر ایشان طولانی قرار داده باشد.

در روایاتی که درباره مسجد مقدس سهله سخن می‌گویند می‌بینیم که حضرت پس از ظهور با اهل و عیال خود به این مسجد وارد خواهد شد و این مسجد خانه مسکونی ایشان می‌شود.^۱

در برخی از دعاهایی که از سوی اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است نیز به این مسئله اشاره شده است. از جمله در صلواتی که خود حضرت به جناب ابوالحسن ضراب اصفهانی تعلیم فرمودند می‌فرماید: «وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلَدِهِ، وَ مُدَفِّي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» (خدایا صلوات فرست بر ولی خودت [حضرت مهدی علیه‌السلام] و اولیانت و نیز بر پیشوایانی که از اولاد او خواهند آمد و عمر ایشان را طولانی گردان و رحلت‌شان را به تأخیر انداز و آنان را به بهترین آرزوهای‌شان نایل کن، آرزوهای دینی و دنیایی و آخرتی‌شان، همانا تو بر هر کاری توانا هستی).^۲

یونس بن عبد‌الرحمان از امام رضا علیه‌السلام روایتی نقل می‌کند که فرمود: برای حضرت مهدی علیه‌السلام این گونه دعا کنیم: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ... اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنَهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ.» (خدایا نسبت به او

۱. رک: مسجد سهله.

۲. مفاتیح الجنان: اعمال روز جمعه، صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی.

و خانواده‌اش و فرزندانش و اهل و عیالش و امت او و تمام زیر دستان او چنان کن که چشم روشنی او باشد و او را خوشنود کند).^۱

در روایتی نیز آمده است که حضرت فرمود: در غیبت حضرت مهدی علیه السلام کسی جز خواص ایشان از مکان حضرت با خبر نخواهد بود حتی اولاد آن جناب.^۲

در روایت جزیره خضرا نیز آمده است که برای حضرت اولاد و فرزندانی هست که هرکدام بر شهری حاکم هستند.^۳

خانه‌ی حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: بیت الحمد، مسجد سهله.

خراسان^۴

خراسان به منطقه‌ای وسیع گفته می‌شده که در جهان کنونی میان کشور ایران، افغانستان، واقع است و قسمت‌هایی از ترکمنستان و ازبکستان را نیز شامل می‌شده است. اما آنچه که اکنون به این نام باقی مانده است استان خراسان در ایران است. در روایات آخرالزمان درباره خراسان بسیار یاد شده است و این منطقه را نقطه شروع قیام‌های متعددی دانسته‌اند. روایاتی درباره قیام با پرچم‌های سیاه از خراسان نقل شده که مربوط به آخرالزمان و آستانه‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است ولی در این میان روایاتی نیز هست که هیچ ارتباطی با قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد، بلکه خبر از شورش ابومسلم خراسانی می‌دهد که از خراسان به پا می‌خیزد و سلطنت هزار ماهه‌ی

۱. مفاتیح الجنان: دعای در عصر غیبت.

۲. ر.ک: دیدار حضرت مهدی علیه السلام.

۳. ر.ک: جزیره خضرا.

۴. ر.ک: مسجد سهله.

بنی‌امیه^۱ را در هم می‌پیچد و گروهی به اشتباه این دو دسته احادیث را جزو روایاتی آورده‌اند که درباره حوادث آخرالزمان است. ابومسلم به هیچ وجه مورد تأیید ائمه علیهم‌السلام نبود، اما در میان قیام‌کنندگان از خراسان در آخرالزمان گروهی را ائمه مورد تأیید قرار داده‌اند و امر کرده‌اند که به سوی ایشان شتافته و با آنان بیعت کنیم و به همراه ایشان به لشکر حضرت مهدی علیه‌السلام پیوندیم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حدیثی از یاران حضرت یاد می‌نماید و در آن حدیث می‌فرماید: در خراسان گنج‌هایی است که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی هستند که خدا و رسول او، آنان را کنار هم جمع خواهند کرد. (شاید اشاره به یک‌رنگی آنان در ایمان به خدا و رسول باشد و شاید اشاره به جمع شدن آنان گرد هم در آخرالزمان به صورت معجزه آسا باشد).^۲

شخصی به نام معروف از امام باقر علیه‌السلام روایت می‌کند که هرگاه ما خدمت حضرت مشرف می‌شدیم، ایشان از خراسان و سجستان^۳ یاد می‌نمود و گویا با این سخن خود اراده داشتند که به ما بشارتی بدهند.^۴

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمود: اهل خراسان در نزد ما بزرگند...^۵

خراسانی^۶

«خراسانی» مردی است که در روایات آخرالزمان از قیام او یاد شده است. علاوه بر

۱. در تفسیر «لیلة القدر خیر من ألف شهر» آمده که حکومت بنی‌امیه هزار ماه به طول خواهد انجامید و این از معجزات قرآن کریم است.

۲. ملاحم: ص ۱۴۷.

۳. سجستان نام بخشی از نواحی شرق ایران و قسمتی از مناطق غربی افغانستان است که شامل منطقه‌ای از سیستان کنونی می‌باشد. سجستان را معرب سیستان دانسته‌اند. [دهخدا]

۴. یأتی: ص ۱۹۴.

۵. یأتی: ص ۱۹۵ و بحارالانوار: ج ۶۰ ص ۲۱۴.

۶. رک: پرچم، خراسان، شعیب بن صالح، قیام‌های پیش از ظهور.

این که واژه‌ی «خراسانی» خصوصاً ذکر شده است، اما در برخی روایات از قیام مردی از منطقه‌ی خراسان یاد می‌شود که با لشکری فراوان قیام می‌نماید. بعضی از محدثین «خراسانی» را نامی خاص برای شخصی معین گرفته‌اند و بعضی آن را اسمی توصیفی برای خروج کننده‌ای از منطقه‌ی خراسان می‌دانند، یعنی می‌گویند امکان دارد نام این فرد قیام کننده «خراسانی» نباشد و حتی ممکن است اهل خراسان هم نباشد بلکه چون از آن ناحیه قیام خود را آغاز می‌کند به این صفت مشهور می‌شود.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: به یقین بنی‌العباس پادشاهی کنند و پس از آن اختلاف در میانشان افتاده و آنان را متفرق می‌کند. آن‌گاه خراسانی و سفیانی قیام می‌کنند، این (خراسانی) از شرق، و آن (سفیانی) از غرب حرکت می‌کند و مانند اسب مسابقه خواهند تاخت تا این‌که در شهر کوفه به هم خواهند رسید و احدی از آنان (بنی‌العباس) را باقی نخواهند گذاشت. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز قیام خواهند نمود.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی فرمود: خراسانی و سفیانی و یمانی دقیقاً در یک سال و یک ماه و یک روز با هم قیام می‌نمایند، و در این میان یمانی از همه درست‌کارتر است زیرا به سوی حق دعوت می‌نمایند.^۲

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سفیانی و یمانی و خراسانی، هر سه در یک سال و یک ماه و یک روز قیام می‌کنند و چون مهره‌های دربند کشیده، پی در پی خواهند آمد و پریشانی و سختی از هر سو سربرمی‌آورد. وای به حال کسی که با آنان به مخالفت برخیزد. در میان این سه گروه، گروه یمانی از همه درست‌کارتر است، زیرا که پرچم او به حق برافراشته شده و مردم را به سوی صاحب‌شما (یعنی حضرت

۱. یاتی: ص ۱۹۴.

۲. ارشاد مفید: ص ۲۳۹.

صاحب‌الامر مهدی علیه‌السلام دعوت می‌نماید...^۱

امام صادق علیه‌السلام پنج نشانه را از نشانه‌های حتمی ظهور برشمردند که یکی از این نشانه قیام خراسانی می‌باشد.^۲

خسف^۳

یکی از عذاب‌هایی که در دوران آخرالزمان پیش بینی شده و به وقوع خواهد پیوست «خسف» است. خسف یعنی فرورفتن در زمین. در امت‌های پیشین این عذاب روی داده است و قرآن کریم نیز به آن اشاره می‌کند. قارون که یکی از ثروتمندان بنی‌اسرائیل بود و با حضرت موسی علیه‌السلام دشمنی می‌کرد، با تمام دارایی‌اش به زمین فرو رفت.^۴

در تفسیر آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»؛^۵ (حقیقتاً این امور مرحله به مرحله به وقوع خواهد پیوست) آمده است: در امت آخرالزمان نیز مانند امت‌های پیشین، عذاب‌هایی که آنان گرفتار آمده‌اند رخ خواهد داد.^۶

درباره این که چرا بعضی از مردم به این عقوبت الهی گرفتار خواهند شد، روایات مختلف است. برخی گناهان چون زنا و هم‌جنس‌گرایی را عامل وقوع این عذاب دانسته‌اند و برخی روایات گناهان دیگری را.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوگند یاد نمود و فرمود: به آن خدایی که مرا به حق بر شما مبعوث فرمود زندگی دنیا پایان نپذیرد مگر زمانی که (گروهی از مردم به واسطه‌ی

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۰ و ۲۲۲.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۵۷.

۳. رک: آتش، باد، بصره، بغداد، بیداد.

۴. قصص / ۸۱.

۵. انشقاق / ۱۹.

۶. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۲۱.

برخی گناهان) دچار خسف و مسخ و سنگباران از آسمان شوند.^۱
 در روایت دیگری می‌فرماید: گروهی به باد سرخ رنگی از سوی شرق گرفتار شوند
 و این به واسطه‌ی رواج هم‌جنس‌گرایی در میان آنان است و عده‌ای از آنان مسخ شوند
 و تعدادی به زمین فرو خواهند رفت.

در روایتی حضرت گناهی چون نوشیدن شراب و نواختن موسیقی و گواهی ناحق
 و رباخواری و زنان رقاص و... را عامل وقوع خسف در امت خویش معرفی می‌نمایند.^۲
 در روایتی یکی از نشانه‌های ظهور را خسف در یکی از روستاهای شام (سوریه) به
 نام «جابیه» دانسته است.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود که قبل از قیام سفیانی در شام، روستایی در دمشق
 به نام حرستا به زمین فرو خواهد رفت.^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی خسف را یکی از نشانه‌های ده‌گانه‌ی پیش از ظهور یاد
 می‌نماید و از خسف‌هایی در مشرق و مغرب و جزیره‌ی العرب نام می‌برد و در روایتی
 دیگر می‌فرماید که از اعراب، قبایلی به زمین فرو خواهند رفت.

در روایتی دیگر حضرت فرمود زمانی که زنان رقاصه و نواختن موسیقی و نوشیدن
 شراب فراوان شود، خسف و مسخ و سنگباران روی خواهد داد.^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار بلا به زوراء فرودخواهد آمد که یکی از آنها خسف است.^۶

۱. یاتی: ص ۲۹۸.

۲. یاتی: ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۳. غیبت نعمانی: ۲۸۰.

۴. رک: حرستا. غیبت نعمانی: ص ۲۰۵ و اثبات اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۳۰ ح ۶۹.

۵. یاتی: ص ۲۰۳ و کنز العمال: ص ۲۶۰.

۶. رک: زوراء.

خسوف^۱

«خسوف» گرفتگی ماه است. گرفتگی ماه زمانی رخ خواهد داد که زمین در مدار گردش خود میان خورشید و ماه قرار گیرد و این سه جرم آسمانی در یک خط در راستای هم واقع شوند. در این حال سایه‌ی زمین بر روی ماه می‌افتد و مردم از روی زمین ماه را تاریک می‌بینند. در قرآن و روایات از یس مسئله به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند یاد شده است. منجمان امروزه این پدیده‌ی آسمانی را با فرمول‌های مخصوص خود به طور دقیق محاسبه می‌کنند. یکی از علامت‌های آخرالزمان را گرفتگی ماه و خورشید یاد نموده‌اند، اما گرفتگی‌ای که بر خلاف محاسبات ستاره‌شناسان است.

خضر^۲

حضرت خضر علیه السلام یکی از پیامبران خداست که قبل از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مبعوث گردیده است و چون از آب حیات نوشید، زندگی جاودانه یافت. آب حیات چشمه‌ای است در میان ظلمات و کسی که از آن بنوشد تا قیامت باقی خواهد ماند. آب حیات چشمه‌ای است در میان ظلمات و حضرت خضر علیه السلام زمانی که با ذوالقرنین همراه بود از آن چشمه نوشید. داستان آن در قرآن مجید، آیات سوره‌ی کهف در داستان ذوالقرنین آمده است و در کتب تفسیر، روایات آن ذکر شده است.^۳

حضرت خضر علیه السلام باقی ماند و در زمان بعثت خاتم الانبیاء و امامت ائمه هدی علیهم السلام همراه اهل بیت علیهم السلام بود^۴ و اکنون یکی از افرادی است که همیشه همراه امام زمان علیه السلام

۱. رک: خورشید گرفتگی.

۲. رک: ابدال.

۳. کهف / ۸۳.

۴. کمال الدین: ص ۳۹۱.

است. نام اصلی او «بلیا» یا «تالیا» است و نواده‌ی پنجم حضرت نوح علیه السلام است. بنا بر قولی بدان جهت او را «خضر» نامیده‌اند که چون بر زمینی خشک و بی آب و علف جلوس می‌نمود، آن سرزمین آباد می‌شد و به سبزه‌زار مبدل می‌گشت. در میان فرزندان آدم او از طولانی‌ترین زندگانی برخوردار است و عمر شریف او تا کنون حدود شش هزار سال می‌باشد.^۱

او جزو برترین یاران امام زمان علیه السلام است و در گروه اول از همراهان حضرت قرار دارد.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی مفصل به جناب مفضل می‌فرماید: ... خداوند زندگانی بنده‌ی نیکوکار، جناب خضر علیه السلام را طولانی نمود، اما نه به خاطر این که او را (دوباره) به پیامبری مبعوث نماید، یا این که کتابی آسمانی بر او نازل کند، یا این که شریعتی جدید آورده و شریعت‌های قبلی را بدان منسوخ نماید، یا او را امام واجب‌الاطاعة قرار دهد، بلکه خداوند از آن روی که می‌دانست عمر حضرت قائم علیه السلام در زمان غیبت طولانی می‌شود، و مردم این زندگانی طولانی را بعید خواهند دانست و او را انکار خواهند نمود، بنابراین عمر این بنده‌ی شایسته‌ی خود را فقط به خاطر حجت بر صحت طول عمر حضرت قائم علیه السلام طولانی قرار داد تا انکار دشمنان (مبنی بر عدم امکان چنین عمری طولانی) را باطل نماید و کسی نتواند بر خداوند حجتی اقامه کند.^۳

امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: همانا حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید بنابراین تا هنگام نفخ صور (قبل از قیامت) زنده خواهد بود. او همواره نزد ما می‌آید و بر ما سلام می‌کند و ما صدای او را می‌شنویم ولی وی را نمی‌بینیم. همانا او در مکانی

۱. همان.

۲. رک: ابدال.

۳. کمال‌الدین: ص ۲۵۷.

که از او یاد می‌شود حضور پیدا می‌کند، پس هرگاه او را در جایی یاد نمودید به او سلام کنید. حضرت خضر علیه السلام هر ساله در مراسم حج شرکت می‌نماید و مراسم حج را به جای می‌آورد و در صحرای عرفات بر دعای مؤمنان آمین می‌گوید. به زودی خداوند او را انیس حضرت قائم علیه السلام قرار خواهد داد و تنهایی و وحشت او را با همراهی جناب خضر علیه السلام برطرف خواهد نمود.^۱

خورشید، خورشید گرفتگی

گرفتگی خورشید و ماه پدیده‌ای است که میان سه جرم آسمانی خورشید، زمین، و ماه رخ می‌دهد. یعنی هرگاه در مسیر گردش این سه جرم آسمانی، زمین، ماه، خورشید در یک خط مستقیم قرار گیرند و زمین میان ماه و خورشید قرار گیرد، سایه‌ی زمین را روی ماه می‌بینیم و این ماه گرفتگی است. همچنین زمانی که ماه میان زمین و خورشید قرار گیرد، بخشی از زمین را در سایه فرو خواهد برد و از آن منطقه خورشید را نخواهیم دید و این خورشید گرفتگی خواهد بود. این پدیده بسیار منظم است و دانشمندان ستاره شناس امروزه می‌توانند آن را پیش‌بینی کنند. در قرآن و روایات از این پدیده به عنوان نشانه‌های الهی یاد شده است. و در زمان وقوع آن خواندن نماز آیات واجب است. نظم و دقتی که در گردش این اجرام آسمانی وجود دارد بیانگر نشانه‌ی الهی بودن آنها است، زیرا به اعتقاد ستاره شناسان در قدیم و همچنین دانشمندان امروزی، در صورت کوچک‌ترین تغییر در گردش این اجرام و نیروی جاذبه و گرانش موجود میان سیارات و ستارگان، نه می‌توان وقوع آنها را پیش‌بینی کرد و نه این نظم و ترتیب در میان آنان حفظ خواهد شد و خلقت در اندک زمانی به هم خواهد پیچید. بنابراین از نظم و ترتیب میان حرکت این سیارات و

ستارگان پی به قدرت و علم گرداننده‌ی آسمان و زمین می‌بریم. بنا بر محاسبات ستاره‌شناسان زمانی ماه گرفتگی رخ می‌دهد که ماه در روزهای کامل خود باشد، یعنی روزهای نیمه‌ی ماه، همچنین همیشه خورشید گرفتگی در اول و آخر ماه روی می‌دهد. در روایات متعدد یکی از نشانه‌ها وقوع ظهور را گرفتگی ماه و خورشید دانسته‌اند، اما این واقعه دقیقاً عکس پیش‌بینی ستاره‌شناسان واقع می‌شود، یعنی ماه گرفتگی در اول یا آخر ماه و خورشید گرفتگی در نیمه‌ی ماه. از این روست که بسیار خارق‌العاده خواهد بود. البته شاید این نشانه‌ها از نظر علم امروزی ناممکن باشد، اما با توجه به خارق‌العاده بودن برهه‌ی آخرالزمان و حوادث آن نمی‌توان این پیشامد را انکار کرد.

در حدیثی ابوبصیر به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: مردم می‌گویند این گونه حوادث خارق‌العاده مثل کندی گردش زمین و طولانی شدن روزها و سال‌ها در زمان ظهور امکان پذیر نیست، زیرا با اندکی تغییر در اجرام فلکی، هستی به هم خواهد خورد! امام صادق علیه السلام فرمود: این سخن افراد زندیق و کافر است و مسلمان هیچ‌گاه چنین اعتقادی نخواهد داشت، زیرا خداوند برای پیامبر ماه را دونیم کرد و خورشید را برای جناب یوشع بن نون علیه السلام برگرداند و در قرآن فرموده است که رزوه‌های قیامت بسیار طولانی خواهد بود. بنابراین نشانه‌هایی مثل طولانی شدن روزها، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی خلاف عادت، و از حرکت افتادن ماه و خورشید، حوادث عجیبی است که اکنون برای علم امروزی بشر قابل توجیه نیست، در آن زمان ممکن است توجیه علمی آن آشکار شود همان گونه که بسیاری از پدیده‌ها و قوانین مسلم فیزیکی امروزی، برای افراد دویست سال پیش امری ثابت نشده و ناممکن و خارق‌العاده بوده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام دو نشانه خواهد بود که از زمان

حضرت آدم تا امروز، هرگز اتفاق نیفتاده است؛ یکی این است که خورشید در نیمه‌ی ماه رمضان و ماه در پایان ماه رمضان خواهد گرفت. شخصی (از روی تعجب) گفت: آیا ماه در پایان ماه رمضان می‌گیرد در حالی همیشه ماه در نیمه می‌گیرد؟! حضرت پاسخ دادند: من می‌دانم که منظور تو چیست، بلکه این پدیده نشانه‌ی (قیام حضرت قائم عجل الله فرجه) است و از زمان حضرت آدم تا کنون پیش نیامده است.^۱

در روایتی دیگر حضرت از خورشید گرفتگی در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خبر می‌دهد و در روایتی دیگر فرمود ماه در بیست و پنجم ماه رمضان و خورشید در پانزدهم آن خواهد گرفت و این واقعه تمام محاسبات ستاره شناسان را باطل خواهد کرد.^۲

امام صادق عجل الله فرجه فرمود: هر زمان که ماه در نیمه‌ی ماه رجب گرفت و پس از آن مردی قیام نمود، آن هنگام ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه خواهد بود.^۳ از دیگر نشانه‌هایی که برای آخرالزمان یاد شده، توقف خورشید و طلوع آن از مغرب است.

در روایتی حضرت می‌فرماید: یکی از علامت‌های ظهور، توقف خورشید از ظهر تا عصر است و دیگر این که خورشید از سوی مغرب طلوع خواهد کرد.^۴

امام باقر عجل الله فرجه فرمود: خداوند می‌فرماید: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾؛^۵ (اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان برای آنان نازل خواهیم کرد که گردن‌هایشان را پایین اندازند و در برابر آن کرنش کنند)، خداوند با آنان چنین خواهد

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۴ و یاتی: ص ۲۱۰.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۷۲.

۳. دلائل الامامة: ص ۲۵۹.

۴. یاتی: ص ۲۱۱.

۵. شعراء/ ۲.

کرد. راوی پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: آنان بنی‌امیه و پیروانشان هستند. راوی پرسید: آن نشانه چیست؟ حضرت فرمود: خورشید بین ظهر و عصر در آسمان متوقف می‌شود و در وسط خورشید سر و سینه‌ای نمایان می‌شود و خود و پدران‌ش را معرفی می‌کند. این واقعه در زمان سفیانی واقع خواهد شد و در آن هنگام سفیانی و پیروان او از بین خواهند رفت.^۱

یکی از نشانه‌های آخرالزمان یا نشانه‌های قبل از قیامت، رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام است و با نام دابة الارض از آن نام برده شده است. این واقعه زمانی رخ خواهد داد که خورشید از سوی مغرب طلوع کند^۲ زیرا در حدیثی حضرت فرمود: ظهور نخواهد شد مگر زمانی که خورشید از سوی مغرب طلوع کند. زمانی که خورشید از مغرب طلوع کرد، مردم او را خواهند دید و به او ایمان خواهند آورد، ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾^۳ (در آن هنگام ایمان به او سودی نخواهد داشت مگر این که از قبل به او ایمان آورده باشد).^۴

در روایتی نیز آمده است که مهدی علیه السلام دوازدهمین نفر از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. نهمین نفر از فرزندان حسین بن علی علیه السلام؛ او همان خورشیدی است که از سوی مغرب طلوع می‌کند و در میان رکن و مقام ظاهر شده و زمین را پاک می‌کند و میزان عدالت را می‌نهد و بر احدی ستم روا نمی‌دارد.^۵

از این روایت می‌توان فهمید که این خورشید همان حضرت مهدی علیه السلام است زیرا این آیه درباره کسانی است که کافر بوده‌اند ولی زمانی که حضرت ظهور می‌کند از

۱. ارشاد مفید: ص ۲۵۹.

۲. رک: دابة الارض.

۳. انعام/۱۵۸.

۴. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۰۶.

۵. کمال الدین: ص ۵۲۷.

ترس ایمان می‌آورند و اگر منظور از این خورشید همان خورشید آسمان باشد، ایمان آوردن به او معنایی نخواهد داشت.

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید مردم از خورشید مستغنی خواهند بود زیرا زمین از نور الهی آن حضرت روشن خواهد است و تاریکی‌ها برطرف می‌شود و شب و روز یکسان خواهد بود.

خونخواهی از کشتگان سیدالشهدا علیه السلام

ر.ک: انتقام.



دابة الارض

﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾^۱ (زمانی که سخن ما درباره آنان به وقوع بپیوندد، جنبنده‌ای را از زمین بر آنان خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید؛ همانا [این] مردم به نشانه‌های ما یقین ندارند).

دابة الارض به معنای «جنبنده و حرکت کننده‌ای بر زمین» است و از مجموع روایات این گونه بر می‌آید که منظور از این واژه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، و خروج دابة الارض یکی از نشانه‌های قیامت خواهد بود و این خروج یکی از رجعت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. زیرا در جای خود بحث شده است که برای گروهی تنها یک رجعت نیست، بلکه چندین بار رجعت خواهند نمود.

علی بن مهزیار مشرف شد خدمت صاحب الامر علیه السلام و از حضرت سؤال کرد: مولای من! امر (ظهور) چه زمانی رخ خواهد داد؟ حضرت فرمود: زمانی که میان شما و کعبه حایل شوند و جدایی اندازند و خورشید و ماه گرد هم آیند و ستارگان به گرد آن در گردش آیند! علی بن مهزیار پرسید: ای فرزند رسول خدا، این نشانه‌ها چه زمانی خواهد بود؟ حضرت پاسخ داد: در فلان سال، زمانی که دابة الارض از میان کوه صفا و مروه

ظاهر شود و عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه او باشد و مردم را به سوی محشر روان سازد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود:.... سپس دجال به دست شخصی که عیسی بن مریم صلی الله علیه و آله پشت سرش نماز می‌خواند (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) کشته می‌شود و پس از آن واقعه‌ی بزرگ رخ خواهد داد. اصحاب پرسیدند: این واقعه چیست؟ حضرت فرمود: جنبنده‌ای از کنار کوه صفا از زمین خارج می‌شود که انگشتر سلیمان داوود و عصای موسی علیه السلام را به همراه دارد. آن انگشتر را به صورت هر مؤمنی که قرار دهد، نقش می‌گیرد و بر روی او نوشته می‌شود «این شخص به راستی مؤمن است»؛ (و این نوشته‌ها به قدری واضح و روشن است که) بعضی از مؤمنین به کافران می‌گویند: «وای بر تو ای کافر»، و کافر پاسخ می‌دهد: «خوشا به حال تو ای مؤمن، دوست داشتم که در این روز مانند تو می‌بودم و به رستگاری بزرگ دست می‌یافتم!» آنگاه دابة الارض سر خود را برافراشته تا جایی که تمام افراد بین شرق و غرب به اذن الله او را می‌بینند. این واقعه زمانی روی خواهد داد که خورشید از سوی غرب طلوع کند که در این زمان دیگر توبه‌ی توبه‌کننده‌ای پذیرفته نیست و عمل هیچ‌کندنده‌ای قبول نخواهد شد. **﴿لَمْ تَكُنْ آمَنْتُ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبْتُ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾**^۲ (ایمان کسی نفع به حال او نخواهد داشت مگر آن‌که پیش از این ایمان آورده باشد یا این‌که در ایمان خود خیری به دست آورده باشد). سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از وقایع بعد از این از من سؤال نکنید زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از من پیمان گرفته که جز به خاندانم آن را نگویم. شخصی از راوی (صعصعه) پرسید: آن شخصی که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند کیست؟ گفت: او دوازدهمین نفر از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. نهمین نفر

۱. تفسیر کنز الدقائق: ج ۹ ص ۵۸۸.

۲. انعام/۱۵۸.

از فرزندان حسین بن علی علیه السلام؛ او همان خورشیدی است که از سوی مغرب طلوع می‌کند و در میان رکن و مقام ظاهر شده و زمین را پاک می‌کند و میزان عدالت را می‌نهد و بر احدی ستم روا نمی‌دارد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بهمن شش خصلت داده شده است؛ علم منایا، و بلایا و قضایا، را به من داده‌اند، فصل الخطاب نزد من است، من رجعت‌های مکرر خواهم داشت، دولتی که بر تمام حکومت‌ها سلطنت کند از آن من خواهد بود، من دارنده‌ی عصا و میله‌ی نشان‌گذاری‌ام و من دابة الارض هستم.^۲

علم منایا و بلایا به علمی گفته می‌شود که دارنده‌ی آن از زمان مرگ افراد و چگونگی مردن آن‌ها با خبر است و از حوادث و بلاهایی که در آینده می‌آید اطلاع دارد. فصل الخطاب یعنی کلامی قاطع و حق که درست و نادرست را از هم جدا می‌کند و حرف حقی است که بالاتر از آن حقی وجود نداشته باشد. «میسّم» میله‌ی نشانه گذاری یا چوب‌دستی است که با آن بر پیشانی کافران داغ می‌نهند و بر جبین آنان نوشته می‌شود که «این شخص کافر است».

امام صادق علیه السلام درباره دابة الارض در آیه‌ی شریفه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بر امیرالمؤمنین علیه السلام برخورد که روی زمین خوابیده و مقداری از شن‌های نرم مسجد را چون بالشی جمع کرده و سر بر آن نهاده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با پای مبارک حضرت علی علیه السلام را حرکتی داد و فرمود: برخیز ای دابة الارض! مردی از یاران رسول خدا پرسید: آیا ما نیز می‌توانیم در میان خود، همدیگر را به این نام بخوانیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: خیر، به خدا سوگند این نام فقط مخصوص اوست. او همان دابة الارضی است که خداوند در قرآن یاد آور شده است ﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا

۱. کمال الدین: ص ۵۲۷.

۲. کافی: ج ۱ ص ۱۹۸ ح ۳.

لَهُمْ دَابَّةٌ مِّنَ الْأَرْضِ ﴿۱﴾: الآیه. سپس رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام روی کرد و فرمود: ای علی! هرگاه آخرالزمان فرا رسد، خداوند تو را به زیباترین صورتی برانگیزد و با تو میله‌ی نشان‌گذاری‌ای خواهد بود که با آن دشمنانت را داغ می‌نهی (و علامت بر آنان می‌گذاری)... سپس امام صادق علیه السلام فرمود: همانا این دابة الارض با مردم سخن خواهد گفت.^۱

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره جناب عمار یاسر فرمود: شخصی به عمار یاسر گفت: آیه دابة الارض در قرآن مرا به شک و تردید واداشته است و قلبم را مشغول ساخته، این «جنبنده‌ی زمین» چیست؟ عمار برخاست و گفت: به خدا سوگند که نه می‌نشینم و نه چیزی می‌خورم و نه چیزی می‌آشامم تا زمانی که این دابة الارض را به تو نشان می‌دهم. سپس عمار با آن شخص خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام آمد در حالی که حضرت مشغول خوردن خرما و کره بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای عمار بفرما! عمار هم نشست و با حضرت مشغول خوردن شد. آن شخص تعجب نمود و زمانی که عمار برخاست به او گفت: سبحان الله مگر تو قسم نخورده بودی که هیچ نخوری و نیاشامی و ننشینی مگر این که دابة الارض را به من نشان دهی؟! عمار پاسخ داد: اگر عاقل بودی من آن را به تو نشان دادم!^۲

از حضرت علی علیه السلام درباره «دابة الارض» سؤال کردند، ایشان فرمود: بدانید، به خدا سوگند که او (مانند جانوران) دم ندارد (بلکه انسان است) و دارای ریش می‌باشد.^۳ اصبع بن نباته می‌گوید: خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که ایشان مشغول خوردن نان و زیتون و سرکه بودند. از ایشان درباره دابة الارض سؤال نمودم،

۱. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۳۰.

۲. همان.

۳. تفسیر کنز الدقائق: ج ۹ ص ۵۹۱.

حضرت پاسخ داد: او جنبنده‌ای است که نان و زیتون و سرکه می‌خورد!^۱

روزی معاویه به اصبغ بن نباته گفت: شما گروه شیعه آیا می‌پندارید که دابة الارض علی بن ابی طالب است؟ اصبغ جواب داد: نه تنها ما می‌گوییم بلکه جماعت یهود نیز چنین می‌پندارند. معاویه شخصی را فرستاد و عالم یهودیان را حاضر کرد و از او پرسید: آیا شما نیز دابة الارض را می‌شناسید؟ گفت: آری. پرسید: چیست؟ پاسخ داد: او یک مردی است. معاویه پرسید: آیا اسم او را می‌دانی؟ گفت: اسم او «إلیا» است. سپس معاویه برآشفت و به اصبغ گفت: چقدر «إلیا» شبیه «علیاً» است و (محکوم شد).^۲

بعضی روایات علاوه بر تعدد رجعت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به رجعت‌های مکرر دابة الارض نیز اشاره می‌نماید و رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی سه رجعت برای دابة الارض نام می‌برد.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دابة الارض پس از طلوع خورشید خارج می‌شود و شیطان را در حالی که به سجده افتاده به قتل می‌رساند. پس از آن مؤمنین چهل سال در آسایش کامل به سر می‌برند و هر آن‌چه می‌خواهند بر ایشان مهیا خواهند بود، و ظلم و ستم به کلی نابود خواهد شد. در آن روز همه چیز به خدا ایمان خواهند آورد، چه بخواهند و چه نخواهند. یعنی مؤمنین با میل و رغبت ایمان خواهند آورد و کافران از روی اجبار. درندگان و پرندگان مجبور به تسلیم خواهند بود و به همدیگر آسیبی نخواهند رساند. در این چهل سال مرگ و میری میان فرزندان که به دنیا می‌آیند نخواهد بود و پس از آن دوباره مرگ در میان‌شان خواهد افتاد و پس از آن چنان مرگ در آنان فراوان شود که مؤمنین را خالی می‌بینند دیگر ترسی نداشته و به انواع فسق و فجور روی خواهد

۱. تأویل الایات: ج ۱ ص ۴۰۳.

۲. تأویل الایات: ج ۱ ص ۴۰۴.

۳. ملاحم: ص ۹۹ و بحار الانوار: ج ۶ ص ۳۰۰.

آورد... پس از آن قیامت برپا خواهد شد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: در آخرالزمان یک ندا کننده از ناحیه‌ی شرقی صدا می‌زند: ای هدایت یافتگان، جمع شوید. سپس ندا کننده‌ی دیگری از سوی مغرب ندا می‌کند: ای گمراهان، جمع شوید. در آن هنگام است که حق و باطل از هم جدا می‌شوند و دابة الارض رجعت می‌کند و بهسوی روم می‌رود و در شهری نزدیک ساحل دریا کنار غار اصحاب کهف فرود می‌آید. خداوند اصحاب کهف را بیدار نموده و به لشکر دابة الارض می‌پیوندند...^۲

دانیال

دانیال یکی از انبیای بنی اسرائیل است و از فرزندان حضرت داوود است که در حدود هفتصد سال پیش از میلاد مسیح می‌زیسته است. او در زمان «بخت‌النصر» زندگی می‌کرد و در شوش از دنیا رفت. مقبره‌ی او در شهر شوش مزار معروفی است. در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت حسین بن علی علیه السلام در شب عاشورا یاران خود را جمع نموده و به آنها خبر شهادت‌شان را داد و از رجعت آنها هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام گفت.

سپس فرمود در آن زمان دانیال نبی و حضرت یونس علیه السلام رجعت می‌نمایند و نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و تصدیق خدا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم این دو پیامبر الهی را با هفتاد نفر به سوی بصره می‌فرستد و آنها کسانی را که با حضرت جنگ نموده بودند به هلاکت می‌رساند.^۳

۱. ملاحم: ص ۱۰۱.

۲. مختصر البصائر: ص ۴۷۲، الايقاظ: ص ۲۷۲.

۳. الخرائج و الجرائح: ص ۲ ص ۸۴۸.

دجال

دجال از نظر لغت از ماده‌ی «دجل» به معنای دروغگو و بسیار حيله‌گر است. روایات وارد شده درباره دجال بسیار مختلف است. برخی از روایات دجال را شخصی معین توصیف می‌کند که در زمانی مشخص خروج می‌کند و به گمراه کردن خلق دست می‌زند، اما برخی روایات دجال را متعدد می‌داند و او را منحصر به یک فرد نمی‌داند. بنابراین برخی از علمای حدیث دجال را نامی برای افرادی گمراه و دروغگو دانسته‌اند که در میان مردم به دروغ پراکنی و ادعاهای باطل دست می‌زنند و موجبات گمراهی مردم را ایجاد می‌کنند. این نظریه را حدیثی تأیید می‌کند زیرا در آن نام اصلی دجال را چیز دیگری می‌داند. البته هیچ بعید نیست، علاوه بر این که شخصی معین دجال باشد، افراد دیگری نیز با این صفت و به این روش ظاهر شوند. در روایات وارد شده درباره دجال ما شاهد توصیفاتى هستیم که بسیار عجیب و غریب به نظر می‌رسند؛ ما می‌دانیم که بسیاری از پدیده‌های امروزی تا حدود ۵۰ سال پیش ناممکن تلقی می‌شد و اگر کسی در قدیم ادعای چنین کاری را می‌کرد، شبیه به معجزه بود. اکنون با توجه به این کهما دقیقاً نمی‌دانیم که چه زمانی دجال خروج می‌نماید، پس رد کردن این احادیث به صرف این که با دانش امروزی سازگار نیست، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا ممکن است در آینده امری عادی و توجیه پذیر شود. پیشوایان اسلام درباره دجال از صدر اسلام، مسلمانان را بر حذر داشته‌اند، حتی در امت‌های پیشین نیز در مورد او زینهار داده شده است. در انجیل درباره دجال آمده: «دروغ گو کیست؟ جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن دجال است که پدر و پسر را انکار می‌کند».^۱ در روایات فتنه‌ی دجال فتنه‌ای عالم‌گیر توصیف شده که دامن بسیاری از علما را نیز خواهد گرفت. او در تمام عالم به فتنه‌انگیزی برمی‌خیزد و در همه‌جا خواهد رفت به جز شهر مکه و مدینه و

۱. موعودنامه: ص ۳۱۹ و رساله یوحنا؛ باب ۲ آیه ۲۲.

مسجد اقصی و مسجد طور سینا. دجال در میان مردم ادعای خدایی می‌کند و دست به کارهای سحرگونه و خارق العاده می‌زند و چون فرعون در میان مردم ندای «أنا ربکم الاعلی» سر می‌دهد. در روایات مختلفی آمده که در امت رسول خدا ﷺ دقیقاً همان وقایعی اتفاق خواهد افتاد که در امت‌های پیشین اتفاق افتاده است. یکی از آن‌ها ادعای خدایی فرعون است و گروه زیادی که از او پیروی کردند.^۱ کارهای خارق العاده‌ی دجال نیز خود امتحان بزرگی برای مردم است و گروه زیادی به خاطر این کارها به خدایی او ایمان می‌آورند. البته کارهای عجیب او دلیل بر خدایی او نیست، زیرا پر واضح است که خدا نه دیده می‌شود و نه راه می‌رود و دیده شدن او بهترین دلیل بر عدم خدایی اوست. او در زمانی می‌آید که قحطی شدیدی حاکم است و بسیاری به خاطر آب و غذا به او می‌پیوندند. او کارهایی شبیه حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام انجام می‌دهد. کور مادرزاد را بینا میکند و مریض برص دار را سالم می‌کند و مرده را زنده می‌کند. اما این‌ها تماماً دروغ و ظاهرسازی است و مانند سحر مردم خیال می‌کنند که او معجزه انجام می‌دهد، مانند ساحران فرعون. او چهل سال حکومت می‌کند و در نهایت به دست حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام کشته می‌شود و پیروان او در جنگی سخت به دست لشکریان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در طی چهل روز کشته خواهند شد. البته در روایاتی نیز کشته شدن دجال را به دست حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تعیین می‌نمایند، که ممکن است دجال‌های دیگری منظور باشد یا این که دجال را زنده می‌کند و دوباره او را به قتل می‌رساند، زیرا در احادیث رجعت آمده است که کفار چندین بار زنده می‌شوند و به دست مؤمنی برای تک تک جنایت‌هایشان مجازات می‌شوند تا هر مؤمنی قصاص خود را انجام داده باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: دجال بانگ می‌زند: «من پروردگار بلند مرتبه‌ی شما هستم». هر که او را تصدیق کند، در فتنه افتاده است و هر کسی که او را دروغ‌گو بداند و بگوید که

۱. به تفاسیر ذیل آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»؛ [انشقاق / ۱۹] رجوع شود.

خدای من «الله» است و بر او توکل کند و به سوی او بازگشت کند، گزندی نخواهد دید.^۱
 رسول خدا ﷺ فرمود: فتنه‌ی دجال چنان فتنه‌ی بزرگی است که تمام پیامبران گذشته نیز امت خود را از آن بر حذر داشته‌اند؛ من نیز شما را از آن فتنه می‌ترسانم، آن گونه که هیچ پیامبری امت خود را چنین زینهار نداده است. بدانید او یک چشم است و خدا یک چشم نمی‌باشد.^۲ در پیشانی او نوشته شده است که او کافر است و این نوشته را هر مؤمنی می‌تواند بخواند.^۳

در روایتی دیگر فرمود: اگر زمانی که دجال ظاهر می‌شود من در بین شما بودم، خودم با او مخاصمه خواهم کرد و اگر من در بین شما نبودم، هر کسی باید خودش با او به مقابله پردازد و خداوند را پشتیبان هر مسلمانی می‌دانم. بدانید که دجال مردی است با موهای کوتاه، یک چشم او برق می‌زند. هر کس او را دید، آیات ابتدایی سوره‌ی کهف را بخواند. او از میان شام و عراق خروج می‌نماید و چپ و راست را پر از فساد می‌کند، پس ای بندگان خدا، استوار باشید. اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا او چقدر در زمین خواهد ماند؟ حضرت پاسخ داد: او چهل روز باقی می‌ماند، که یکی از آن چهل روز به اندازه‌ی یک سال است و یکی از آن روزها به اندازه‌ی یک ماه و یک روز نیز به اندازه‌ی یک هفته است و بقیه‌ی روزها عادی است... دجال نزد مردم آمده و آنان را دعوت می‌نماید، مردم نیز دعوت او را اجابت می‌نمایند. او به آسمان دستور می‌دهد و آسمان بارش می‌کند و به زمین دستور می‌دهد، زمین گیاه می‌رویاند و برگ درخت‌ها پربارتر و گوسفندان فربه‌تر و پرشیرتر از قبل می‌شوند. بار دیگر دجال مردم را به سوی خویش دعوت می‌کند، اما این بار مردم دعوت او را نمی‌پذیرند. فردا صبح وقتی مردم برمی‌خیزند، می‌بینند که خشکسالی بر آنان افتاده و اموالشان نابود شده است. دجال به

۱. یاتی ص ۲۱۹.

۲. زیرا دجال ادعای خدایی می‌کند و حضرت در این حدیث استدلال می‌کند که خدا یک چشم نیست و دجال دروغ‌گو است.

۳. یاتی: ص ۲۱۵.

خرابه‌ای می‌رود و به آن زمین دستور می‌دهد که گنجی را که در خود پنهان داری برای من خارج کن. سپس گنجی از آن خرابه بیرون می‌آید و مانند زنبورانی که از پس ملکه خود روان هستند، از پی دجال به راه می‌افتند. دجال جوانی را دستگیر می‌کند و او را دو نیم می‌کند، سپس او را صدا می‌زند و آن جوان شادمان و با صورتی درخشان به سوی او می‌آید. در این هنگام خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را فرو می‌فرستد و او در کنار مناره‌ی سفیدی که در قسمت دروازه‌ی شرقی دمشق است فرود می‌آید؛ دو حله در بر دارد و کف دست‌های او بر شانه‌ی دو ملک است...^۱

در روایت دیگری آمده: هفتاد هزار نفر از یهود به دجال می‌پیوندند. آنان با شمشیرهایی طلایی و بالاپوش‌هایی مدور می‌آیند. وقتی که دجال حضرت عیسی علیه السلام را می‌بیند، مانند نمکی که در آب حل شود، آب شده و فرار می‌کند. حضرت عیسی علیه السلام به دجال می‌گوید: من باید چنان ضربتی به تو بزنم که کسی پیش از این نزده باشد. آن‌گاه دجال رادر کنار دروازه‌ی (روستایی نزدیک بیت المقدس) که آن را «لد» می‌گویند خواهد کشت، و یهودیانی که همراه او هستند فرار خواهند نمود. در آن زمان تمام اشیاء از یهودیانی که پشت آن‌ها مخفی شده‌اند خبر خواهند داد، و با زبانی گویا می‌گویند: «ای مسلمان این یهودی در من مخفی شده است» مگر درخت یهود که نام آن «غرقد» است.^۲

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم مدینه را جمع نمود و فرمود ای مردم به خدا قسم من شما را برای نصیحت جمع نکرده‌ام بلکه برای این جمع کرده‌ام که داستان «تمیم داری» را برای شما نقل کنم. او مردی نصرانی بود که اسلام آورد و مسلمان شد و داستان او درباره «مسیح دجال» است و مانند خبرهایی است که قبلاً من درباره آن به شما خبر داده

۱. همان.

۲. یاقوتی: ص ۲۱۷.

بودم. او گفت: با گروهی از دو قبیله‌ی دیگر در دریا با کشتی می‌رفتیم. یک ماه در دریا سرگردان بودیم تا این که به سوی مغرب رفتیم و در جزیره‌ای فرود آمدیم. در آن‌جا حیوانی را دیدیم بسیار پر مو که پس و پیش او مشخص نبود. تعجب کردیم که این چه حیوانی است؟ آن حیوان گفت من «جسسه» هستم. ما پرسیدیم که جسسه چیست؟ آن حیوان گفت در این دیر مردی هست، به نزد او بروید، که به شما به خوبی جواب خواهد داد. ما ترسیدیم که مبادا آن مرد، شیطان باشد. بالاخره داخل دیر شدیم و نزد آن مرد رفتیم. او انسانی بزرگ چته بود کهدست و پای او را با زنجیر به گردنش بسته بودند. با تعجب پرسیدم: تو کیستی؟ گفت: اکنون که تا این‌جا آمده‌اید اول بگویید که شما چه کسانی هستید؟ ما نیز قصه‌ی خود را برای او گفتیم. آن مرد از چند چیز از ما سؤال کرد، درخت‌های خرما، بیسان،^۱ دریاچه طبریه،^۲ چشمه‌ی زُعر،^۳ و پیامبر اُمّی.

ما هم پاسخ دادیم که آن درخت‌ها سرسبزند و میوه می‌دهند و آن دریاچه پر آب است و چشمه‌ی زعر نیز پر آب است و با آب آن زراعت می‌کنند و پیامبر امی هم از مکه به یثرب آمده و بر اعراب غلبه نموده و همه در فرمان او هستند. آن مرد گفت: امیدوارم آن درختان بخشکد و آب آن دریاچه فرو کشد؛ بدانید من «مسیح دجال» هستم و امیدوارم که به زودی اجازه‌ی قیام به من داده شود، و در طی چهل روز تمام زمین را درمی‌نوردم، جز شهر مکه و (مدینه) طیبه زیرا من اجازه ندارم به این دو شهر وارد شوم و هر زمان که می‌خواهم وارد این دو شهر شوم، ملکی شمشیر کشیده مانع من می‌شود. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: بدانید که این شهر (مدینه) طیبه است، طیبه است، طیبه است!... و در حدیث دیگری می‌فرماید: دجال از روستایی در اصفهان به نام «رستق آباد» خارج می‌شود. پیشاپیش لشکر او هفتاد هزار عمامه به سر هستند. دو جوی همراه او

۱. شهری است در سوریه.

۲. دریاچه‌ای است در شمال فلسطین در کنار شهر طبریه.

۳. چشمه‌ای است در منطقه سوریه.

روان است یکی از آب و دیگری از آتش. اگر او را درک کردید و به شما گفت در جوی آب فرو شوید، اطاعت نکنید زیرا آن آب چون آتش است و اگر به شما گفت داخل جوی آتش شوید، داخل شوید که مانند آب خواهد بود.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: سه سال پیش از خروج دجال بسیار سخت خواهد بود، مردم به گرسنگی سختی دچار خواهند شد. خداوند به آسمان دستور می‌دهد که در سال نخست، یک سوم باران را نبارد، و در سال دوم دوسوم باران را نبارد و در سال سوم دیگر باران نبارد. همچنین به زمین فرمان می‌دهد که در سال اول یک سوم محصول و در سال دوم دوسوم محصول و در سال سوم تمام محصولات را سبز ننماید. در این سال تمام گزندگان هلاک می‌شوند. سپس حضرت فرمود: مردم در آن هنگام با ذکر «لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله» زنده می‌مانند و این اذکار برای آنان چون غذا خواهد بود.^۲

در روایتی دیگر حضرت فرمود: زمانی که دجال قیام می‌کند، مردی از مؤمنین به سوی او رفته و با لشکر او روبرو می‌شود. لشکریان دجال از آن مرد می‌پرسند: کجا می‌روی؟ آن مرد پاسخ می‌دهد: به سوی این مرد که قیام نموده می‌روم (یعنی دجال). لشکریان از او می‌پرسند: آیا تو خدای ما (دجال) را قبول نداری؟ آن مرد مؤمن پاسخ می‌دهد: از خدای ما چیزی پوشیده نیست. برخی از لشکر دجال می‌گویند: باید او را کشت، برخی می‌گویند: خدای ما (دجال) گفته کسی را بدون اجازه‌ی من نکشید. آن‌گاه آن مرد مؤمن را نزد دجال می‌برند. زمانی که چشم آن مرد به دجال می‌افتد می‌گوید: ای مردم! این همان دجالی است که رسول خدا ﷺ از آمدنش خبر داده بود. دجال دستور می‌دهد او را به چهار میخ بکشند و او را شکنجه‌ای سخت نمایند. سپس از او می‌پرسند:

۱. یاتی: ص ۲۱۶.

۲. یاتی: ص ۲۱۸.

آیا هنوز هم به من ایمان نمی‌آوری؟ آن مرد پاسخ می‌دهد: تو همان مسیح دروغ‌گو هستی. دجال فرمان می‌دهد تا او را با اره از وسط دو نیم کنند و از میان بدن او عبور می‌کند و به بدن نصف شده‌ی او اشاره می‌کند که بایست، آن مرد زنده شده و می‌ایستد. آنگاه دجال به آن مرد می‌گوید: هنوز هم به (خدایی) من ایمان نداری؟! آن مرد مؤمن می‌گوید: اکنون (باطل بودن) تو را بیشتر از پیش شناختم و رو به مردم کرده و می‌گویم: ای مردم این کاری که با من انجام داد، پس از من با هیچ کس دیگر نمی‌تواند انجام دهد. دجال آن مرد مؤمن را گرفته و می‌خواهد بکشد. سپس آهنی به گردن او می‌اندازد و دست و پایش را گرفته و او را به زمین می‌زند. مردم خیال می‌کنند (خدای آنها) دجال، آن مرد را به جهنم فرستاد ولی در حقیقت به بهشت رفته است. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: شهادت این مرد نزد خدای عالم بزرگ‌ترین شهادت است.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: دجال چشمش کور می‌باشد و بر پیشانی او نوشته شده کافر، به گونه‌ای که هر مسلمان می‌تواند آن را بخواند و در حدیثی دیگر فرمود: او بچه دار نمی‌شود و به مدینه و مکه نمی‌تواند وارد شود.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: غذای مؤمنین در زمان دجال، مانند غذای ملائکه، تسبیح و تقدیس است. پس هر کسی که در آن روز تسبیح و تقدیس بسیار گوید، خداوند نیز گرسنگی را از او برطرف خواهد کرد.^۳

در حدیث دیگری رسول خدا ﷺ فرمود: دجال به مکه و مدینه نمی‌تواند وارد شود بلکه به زمین شوره‌زاری خواهد رفت. آن‌گاه مردی بر او خروج می‌کند که از بهترین مردم است. آن مرد به دجال می‌گوید: من گواهی می‌دهم که تو همان دجالی هستی که رسول خدا ﷺ خبرش را به ما داده بود. دجال می‌گوید: اگر من تو را کشته و دوباره

۱. همان.

۲. همان.

۳. یاتی: ص ۲۱۹.

زنده کنم، آیا هنوز هم شک خواهید داشت؟ همه می‌گویند: خیر. سپس دجال آن مرد را کشته و دوباره زنده می‌کند. آن مرد مؤمن می‌گوید: به خدا سوگند اکنون که مرا کشتی و دوباره زنده کردی بینم نسبت به تو بیشتر شد. در آن هنگام دجال می‌خواهد آن مرد را دوباره بکشد ولی قدرت پیدا نمی‌کند.^۱

در روایتی مفصل حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: بیشتر پیروان دجال زنان و اعراب هستند. دجال در نظر مردم چنان جلوه می‌دهد که گویی آسمان در حال باریدن باران است، در حالی که چنین نیست؛ یا این که زمین گیاه رویانده است، در صورتیکه رویانده است. آن گاه دجال به اعراب می‌گوید: دیگر چه (برهانی بالاتر از این) می‌خواهید؟ آیا من برای شما بارانی پی‌درپی نازل نکردم و گوسفندان شما را فربه و پر شیر نمودم؟ سپس دجال دسته‌ای از شیاطین را به صورت پدران و برادران آن افراد که قبلاً از دنیا رفته‌اند، ظاهر می‌کند. آن شیاطین به مردم می‌گویند: آیا ما را نمی‌شناسید؟ من فلانی هستم (همان برادر یا پدری که چندی پیش وفات یافته) پس به این (دجال) خدای خود ایمان بیاورید! سپس رسول خدا ﷺ فرمود: دجال چهل سال زندگی می‌کند، چهل سالی که هر سال آن چون یک ماه به سرعت می‌گذرد و هر ماه آن چون یک هفته و هر هفته‌ی آن چون یک روز و هر روز آن چون ساعتی و هر ساعت آن به مقدار سوختن تکه‌ای هیزم است! (یعنی زمان زندگی او به سرعت می‌گذرد و دیری نمی‌پاید) او به هر جایی خواهد رفت به جز مسجد الحرام و مسجد النبی؛ ای مردم شما را بشارت می‌دهم که اگر دجال ظاهر شد و من هنوز از دنیا نرفته بودم، من به مدد الهی با او منخاصمه می‌نمایم و محکومش می‌کنم و اگر من در میان شما نبودم، خداوند پشیمان مسلمانان است (و خداوند حجت و برهان او را باطل خواهد نمود).^۲

۱. همان.

۲. همان.

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: سفیانی زمانی خارج می‌شود که مردم در کمبود آذوقه به سر می‌برند و قحطی فراگیر شده است و باران بسیار کم می‌بارد. نه زمین گیاه می‌رویانند و نه آسمان بارشی نازل می‌کند. سپس حضرت مهدی علیه السلام از سوی خدا برای راهنمایی و هدایت خلق برمی‌خیزد... و آن‌گاه دجال ظاهر خواهد شد و مردم را جادو می‌کند و با سحر دو کوه را مانند غذا در نظر مردم می‌نمایاند و مردم چون بسیار قحطی زده و گرسنه‌اند بار می‌کنند در حالی که آن دو کوه در حقیقت غذا نیست.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چشم چپ دجال کور است و ناخنکی ضخیم روی آن را گرفته است (به آب مرواریدسختی گرفتار است). او قیام می‌کند و کور مادرزاد را بینا می‌کند، و شخصی که گرفتار برص است، به دست او خوب می‌شود و مرده را زنده می‌کند و به مردم می‌گوید: «من خدی شما هستم». در آن روز هر کسی که او را خدای خود بداند، گرفتار فتنه شده است و کسی که بگوید «الله» پروردگار من است، و بر این عقیده تا دم مرگ استوار بماند، از فتنه‌ی دجال رهایی یافته است، و پس از مرگ سختی و عذاب قبری نخواهد دید. دجال تا زمانی که خداوند برای او تقدیر نموده در زمین باقی می‌ماند و سپس حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تصدیق می‌کند و دجال را به قتل می‌رساند.^۲

در حدیثی دیگر حضرت فرمود: دجال به همه جا خواهد رفت، مگر به چهار مسجد؛ مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد طور سینا، مسجد الاقصی.^۳

برخی روایات از شدت گرفتاری‌ها در زمان دجال حکایت می‌کنند. به حدی که

۱. ملاحم: ص ۱۲۴.

۲. یاتی: ص ۲۲۰.

۳. همان.

بهترین آرزوی مؤمن مرگ خواهد بود. او در زمانی می‌آید که مردم کاملاً از او غافل شده‌اند و هیچ عالمی فتنه‌ی او را به مردم گوشزد نمی‌کند، تا جایی که هفتاد هزار عمامه به سر (کسانی که در ظاهر در لباس علما هستند ولی در باطن پیرو هوای نفس و شیطان می‌باشند) به او خواهند پیوست. یهودیان و زنان بیشترین کسانی هستند که از او پیروی می‌کنند. گروهی که پی به فتنه‌ی او برده‌اند، مجبورند زنان خانواده‌ی خود را به زور در خانه زندانی کنند تا به دنبال او به راه نیفتند. در حدیثی رسول خدا ﷺ بر افرادی که زنان خود را از فتنه‌ی او باز دارند، رحمت فرستاده. خروج دجال در زمانی خواهد بود که بغض و کینه در میان مردم فراوان شده و ایمان آنان سست و خوبان نایاب شده باشند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دجال می‌فرماید: نام او «صائد بن الصید» است. کسی که به او ایمان آورد شقی و ناپاک خواهد بود و کسی که به او ایمان نیاورد سعید و نیکو سرشت است. دجال از دهکده‌ای بهنام یهودیه در شهر اصفهان خروج می‌کند، چشم راست او کور است. و چشم دیگر او در پیشانی اوست و چون ستاره درخشندگی دارد و در آن لکه‌ای چون لخته‌ی خون است. در میان دو چشم او نوشته شده که او کافر است و هر کسی آن را می‌تواند بخواند. در دریاها فرو می‌رود و خورشید همراه او حرکت می‌کند. در مقابل او کوهی از دود است و در قفای او کوهی سفید رنگ است. مردم گمان می‌کنند که این دو کوه غذا است و دجال در زمان قحطی خارج می‌شود. او بر الاغی سفید رنگ سوار می‌شود که هر قدم او یک مایل را می‌پیماید. زمین را به گونه‌ای درمی‌نوردد که گویی در زیر پای او پیچیده می‌شود. هر آبی که از کنار آن عبور کند تا روز قیامت خشک می‌شود. با صدای بلند بانگ می‌دهد: ای یاران من، به سوی من آیید، من پدید آورنده و خلق‌کننده (ی مخلوقات) هستم و رشته‌ی تقدیرات و هدایت خلق

به دست من است. من خدای بلند مرتبه‌ی شما هستم. صدای او را تمام انسان‌ها و اجنه و شیاطین خواهند شنید. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دجال دروغ‌گو است، این دشمن خدایک چشمش کور است و غذا می‌خورد و راه می‌رود، حال آن‌که پروردگار نه کور است و نه غذا می‌خورد و راه می‌رود و همیشه بوده و هست...^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از اولاد فاطمه علیها السلام نیز دجال‌هایی به وجود خواهند آمد، پس از آنان بپرهیزید.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند: از من بپرسید پیش از آن‌که مراد دیگر نیابید!... سپس حضرت در ضمن خطبه نشانه‌های خروج دجال را یک یک شمرد: وقتی که مردم نماز را بکشند،...^۳ سپس حضرت برخی ویژگی‌های دجال را برشمرد، آن‌گاه فرمود، بسیاری از یاران او یهودیان و زنازادگان هستند و خداوند او را به هنگام صبح، در سوریه بالای گردنه‌ی «افیق» به‌دست حضرت عیسی علیه السلام خواهد کشت.^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌البیان در ضمن اوصاف دجال فرمود: یاران دجال زنازادگان و پست‌ترین مردم از یهودیان و نصرانیان خواهند بود. مردم بسیار زیادی به او خواهند پیوست. او در زمان قحطی خارج می‌شود و در مقابلش کوهی از گوشت و نان خرد شده است و این دو کوه با او حرکت می‌کنند و به کسی که ایمان به خدایی او بیاورد، از آن نان و گوشت خواهد داد و از آن کوه گوشت و نان چیزی هم کم نمی‌شود. سپس حضرت فرمود: لشکر حضرت مهدی علیه السلام چهل روز از طلوع خورشید تا غروب با

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۹۳.

۲. ملاحم: ص ۱۲۳.

۳. کشتن نماز شاید به معنای ضایع کردن و به فراموشی سپردن آن باشد. شاید هم به معنای عدم معرفت مردم در خواندن نماز باشد، یعنی ولایت اهل بیت^ع که روح نماز است از یاد برود و نماز چون بدنی بی روح به جای آورده شود. رک: نشانه‌های آخرالزمان پیش از ظهور.

۴. یأتی: ص ۲۲۳ و کمال الدین: ج ۲ ص ۵۲۵.

لشکریان دجال می‌جنگند و آنان را از پای در می‌آورند.^۱

در حدیثی آمده که در زمان رسول خدا ﷺ دجال متولد شد، رسول خدا ﷺ او را دید و دعا نمود تا به جزیره‌ای در میان دریا افتاد و تا زمان خروجش در آن جا خواهد بود.^۲

در حدیثی حضرت محمد بن حنفیه فرمود: مردی از فرزندان بنی هاشم در بیت المقدس به حکومت می‌رسد و بعد از فتوحاتی بسیار به بیت المقدس بازمی‌گردد، در این هنگام دجال خروج می‌کند. سپس حضرت عیسیٰ علیه السلام نازل می‌شود و پشت سر این مرد از بنی هاشم به نماز می‌ایستد.^۳

در حدیثی حضرت فرمود: دجال از یهودیه اصفهان قیام می‌کنند. در آن زمان مانند گلیم خان‌های خود باشید (یعنی از فتنه دوری کنید و خود را دچار آن نکنید).^۴

رسول خدا فرمود: بیست و هفت دجال در امت من ظاهر خواهد شد که چهار نفر از آنان زن هستند، همانا من آخرین پیامبر الهی هستم و پس از من پیامبری مبعوث نخواهد شد (یعنی این دجال‌ها ادعای پیامبری می‌کنند، اما رسول خدا آخرین پیامبر است و این دجال‌ها دروغ‌گو هستند).^۵

در روایات دیگر رسول خدا ﷺ می‌فرماید: که سی نفر دروغ‌گو پیش از ظهور به وجود خواهند آمد که آخرین آن‌ها دجال است، همه این سی نفر ادعای پیامبری می‌کنند. اگر آن را درک کردید، با آنان به دشمنی برخیزید و آنان را به قتل برسانید و در میان این دروغ‌گویان، فتنه‌ی دجال از همه بزرگتر است.^۶

۱. یاتی: ص ۲۲۵.

۲. یاتی: ص ۲۲۶.

۳. ملاحم: ص ۸۰.

۴. یاتی: ص ۱۴۸.

۵. یاتی: ص ۲۲۸.

۶. یاتی: ص ۲۲۹.

در روایتی دیگر نیز آمده است: زمانی که دجال خروج کند، پناهگاه مسلمانان بیت المقدس خواهد بود.^۱

در روایتی امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرمود: ... خداوند حضرت قائم آل محمد علیه السلام را به دجال پیروز می‌کند و حضرت او را در کناسه‌ی کوفه به دار می‌آویزد.^۲
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شورش و جنگ بزرگ و فتح قسطنطنیه و قیام دجال. از ابتدا تا انتها در هفت ماه رخ خواهد داد.^۳

دجله

رودی پر آب است که از کوه‌های آناتولی در ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از میان عراق از شمال تا جنوب می‌گذرد و در آخر به خلیج فارس می‌ریزد. از رود دجله در روایات آخرالزمان یاد شده است. و حوادثی در آن دوران ویژه در کنار این رود اتفاق خواهد افتاد.

در حدیثی از اشغال این رود توسط کفاری خبر می‌دهد که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای همیشه نابود می‌شوند.^۴

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله از احوالات دجله در آخرالزمان یاد می‌کند و می‌فرماید: بنی قنطورا به بصره یورش می‌برند و در کنار دجله اردو می‌زنند و در روایتی دیگر می‌فرماید: ترکها به جزیره (بین النهرین در عراق) یورش می‌برند و تا جایی که تا کنار دجله آمده و اسب‌های خود را از آب آن سیراب می‌کنند. سپس خداوند وبا را بر آنان مسلط کرده و تمامی آن‌ها به جز یک نفر از بین خواهد رفت.^۵

۱. یاتی: ص ۲۳۹.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۰۸.

۳. یاتی: ص ۵۷۴.

۴. رک: رود.

۵. رک: بنی قنطورا.

دروغ، دروغ‌گویی

دروغ یکی از گناهان کبیره هست که بسیار در اسلام از آن به بدی یاد شده است. یکی از خصوصیات آخرالزمان رواج دروغ و پدید آمدن دروغ‌گویانی است که با ادعاهای مختلف سعی در گمراه کردن مردم دارند. از این دروغ‌گویان گاهی با واژه‌ی «کذاب» و گاهی با واژه‌ی «دجال» یاد می‌شود. دجال گاهی نام برای شخصی معین است و گاهی توصیفی است برای دروغ‌گویان آخرالزمان.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: ظهور آخرالزمان برپا نمی‌شود مگر زمانی که شصت نفر دروغ‌گو آمده و همه ادعا کنند که پیامبر هستند.^۲

در روایتی دیگر فرمود: بیست و هفت دروغ‌گو و دجال در امت من آشکار خواهد شد که چهار نفر آن‌ها زن هستند، اما بدانید که من آخرین پیامبر هستم و پس از من پیامبری به رسالت نخواهد رسید.^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: ظهور آخرالزمان رخ نمی‌دهد مگر پس از آن که سی نفر دجال و دروغ‌گو آشکار شوند. همه‌ی آنان گمان می‌کنند که پیامبرند. اگر کسی چنین ادعایی کرد، او را بکشید. هر کسی که یکی از آن دروغ‌گویان دجال را به قتل برساند، اهل بهشت خواهد بود. در روایات دیگری حضرت فرمود شصت نفر دروغ‌گو خواهند آمد و همه‌ی آن‌ها ادعای پیامبری خواهند کرد. در حدیث دیگری فرمود: نشانه‌ی آن که آنان دجال و دروغ‌گو هستند، این است که در دین بدعت می‌گذارند و چیزهایی را در دین ایجاد می‌کنند که قبلاً نبوده است. سپس حضرت فرمود: اگر چنین دروغ‌گویانی را دیدی، از آنان دوری کن و با آن‌ها دشمنی کن.^۴

۱. رک: دجال.

۲. یاتی: ص ۲۲۸ و انبات الهداة: ج ۳ ص ۷۲۵.

۳. همان.

۴. یاتی: ص ۱۹۹ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۰۹.

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان مردم سال‌هایی را شاهد خواهند بود که گیاهان از زمین نمی‌روید و گرفتاری بر مردم مستولی شود. در آن روزگار دروغ‌گو را تصدیق می‌کنند و افراد راستگو مورد تکذیب قرار می‌گیرند و افرادی پست و فرومایه برای عموم مردم تصمیم‌گیری می‌کنند.^۱

اکنون می‌بینیم که در سازمان ملل متحد گروهی به عنوان حافظان امنیت جهانی گرد هم می‌آیند و انواع جنایت‌ها را انجام می‌دهند و در مقابل بسیاری از ناعدالتی‌ها و ظلم‌ها سکوت اختیار می‌کنند. در عوض اگر ملتی که بر خلاف منافع آنان عمل کند، اگر به راه صحیح هم حرکت کند مورد اتهام آنان قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود. افرادی به عنوان تصمیم‌گیرندگان شورای بین‌الملل جهانی، حق تصمیم‌گیری را مخصوص به خود می‌دانند که در انواع فسادها و پستی‌ها غوطه‌ورند و فرومایگی آنان بر همه‌ی جهانیان معلوم است.

دعا

دعا رشته‌ی ارتباط بنده با خدای خویش است. دعا دروازه‌ی ورود انسان به نور و هدایت است. دعا وسیله‌ی دستیابی انسان به سعادت و نعمت‌های الهی است. دعا راه تقرب به خداوند است. پیشوایان ما در روایات مختلف ما را به دعا وصیت نموده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: بسیار دعا کنید زیرا دعا شفای دردهاست و در روایتی دیگر فرمود: همانا بلا را برطرف می‌سازد.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین چیزی که با آن به خداوند تقرب می‌جوئید، دعا است. خدای خود را در صبح و شام بخوانید، زیرا دعا سلاح پیامبران و مؤمنین است و در حدیث دیگری فرمود: دعا قضای الهی را تغییر می‌دهد، هر چند که بسیار تأکید شده

۱. یاقوتی: ص ۲۷۰.

۲. کافی: ج ۲ ص ۴۷۰.

باشد.^۱ متون حدیثی ما آکنده از دعاهایی است که در دوران غیبت باید خوانده شود. علاوه بر این بر دعاهای خاص، ما به دعای عمومی برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام نیز امر شده‌ایم.

امام زمان علیه السلام در ضمن نامه‌ای به یکی از نواب خود فرمود: برای تعجیل در فرج (ظهور امام زمان خود) بسیار دعا کنید زیرا این دعا کردن خود باعث گشایش در امور شما خواهد بود.^۲

از جمله دعاهای وارد شده در احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌توان دعای ندبه، دعای عهد، دعای اللهم کن لولیک، دعای افتتاح، دعای غریق، دعای غیبت، و... را نام برد.

ائمه‌ی علیهم السلام در بسیاری موارد به خاطر اوضاع نامساعد دوران خود و شدت تقیه بعضی مفاهیم بالای معرفتی را در قالب دعا به شیعیان خود تعلیم می‌دادند تا این مفاهیم به‌دست پیروان ایشان در غیبت حضرت مهدی علیه السلام برسد. یک مؤمن حقیقی در زمانی که دست او از دیدار امام خویش کوتاه است، با دعا و مناجات به ارتباط قلبی با خداوند و نیز با امام خود می‌پردازد؛ زیرا به اعتقاد شیعه، امام هر عصری بر تمامی شنونان عالم اشراف دارد، هیچ امری در سراسر عالم وجود، به واسطه‌ی علمی که خداوند به آنان عطا نموده پوشیده نیست. بنابراین در هنگام دعا خدای متعال و امام عصر علیه السلام را حاضر و ناظر خود می‌بیند و او را واقف بر اعمال و نیت خود می‌داند. دعا برای امام عصر علیه السلام وسیله‌ای برای ابراز عشق و علاقه مؤمنین به شخصی است که جامع تمام کمالات و خوبی‌هاست، وسیله‌ی تقرب جستن به معدن فیض الهی و برترین موجود خلقت است، زیرا در هر زمان امام معصوم بلندمرتبه‌ترین فرد در نزد خداوند می‌باشد. علاوه بر

۱. کافی: ج ۲ ص ۴۶۷.

۲. کمال الدین: ج ۲ ص ۴۸۵.

دعاهای مخصوص حضرت، دعاهایی نیز در کتب ادعیه موجود است که برای عموم ائمه علیهم‌السلام است، مانند دعای توسل.

مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان دو گونه از دعای توسل را نقل کرده است. البته غیر از دعاها ما صلوات‌های مخصوص حضرت را نیز داریم. امام حسن عسکری علیه‌السلام صلواتی بسیار مفصل برای چهارده معصوم علیهم‌السلام فرموده، و در آن صلواتی مخصوص برای حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و أوجبت حقهم و أذهبت عنهم الرجس...»^۱

صلوات دیگری که بسیار پرفضیلت است در اعمال روز جمعه آمده است و معروف به «صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی» است، زیرا این صلوات را حضرت مهدی علیه‌السلام به ابوالحسن ضراب اصفهانی تعلیم نمود و فرمود: اگر تمام اعمال عصر جمعه را نتوانستی به جای آوری، این صلوات را حتماً بخوان.^۲

از جمله دعاهایی که به حضرت مهدی علیه‌السلام مربوط می‌شود یا خود آن جناب فرموده‌اند، می‌توان دعاهای زیر را نام برد:

دعای اللهم کن لولیک

دعای «اللهم کن لولیک» دعایی است که در حالت سجود، قیام، نشست و برخاست و در تمامی ماه‌ها و هر زمانی که امکان دعا کردن برای انسان مهیا شود خوانده می‌شود. در این دعا ما از خداوند می‌خواهیم که پشتیبان، نگهدار، پیشوا، یار، راهنما و محافظ امام زمان ما باشد و این حمایت را تا زمانی که سراسر گیتی تحت فرمان ایشان درآید مستدام بدارد و زندگی شریف و پربرکت حضرتش را طولانی گردان. این دعا سه گونه

۱. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم.

۲. مفاتیح الجنان: باب اول، اعمال عصر روز جمعه.

روایت شده است، که مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب،^۱ هر سه را روایت کرده است.^۲

دعای ندبه

مستحب است که در چهار عید مسلمانان، یعنی غدیر، فطر، قربان و روز جمعه این دعا خوانده شود. دعای ندبه همان گونه که از اسم آن مشخص است، حکایت از تنگ دلی و سوز درونی یک عاشق در فراق امام عصر خویش است. در این دعا ابتدا خداوند را سپاس می‌گوییم و پس از صلوات بر محمد و خاندان پاک او، برخی از فضایل و مناقب رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام را یاد آور می‌شویم. آن‌گاه شور و اشتیاق خود را در قالب عباراتی آسمانی نسبت به امام زمان خود بیان می‌کنیم. در این دعا پس از حمد و صلوات و ذکر مناقب اهل بیت، ما ظهور امام زمان خود را با ویژگی‌های مختلف از خداوند می‌خواهیم. این خصوصیات را به طور خلاصه این گونه می‌توان فهرست‌وار ذکر نمود: «او بقیت الله و جانشین خدا بر زمین است که هیچ‌گاه زمین از وجود او خالی نیست، کسی که برای قلع و قمع کردن ستمکاران ذخیره شده است، کسی که کج رفتاری‌ها و نادوستی‌ها را از بین می‌برد، کسی که دشمنی و ستم را پایان می‌بخشد، کسی که واجبات و سنت‌های الهی را از نو بنیاد می‌کند، کسی که دین رسول خدا و امت او را حیاتی تازه می‌دهد، کسی که قرآن و احکام آن را دوباره زنده می‌کند، معرفت‌های الهی و کسانی که در پی آن هستند به دست او جان می‌گیرد، کسی که شکوه طاغوتیان را می‌شکند، کسی که خانه‌ی شرک و دورویی را خراب می‌کند، کسی که بدکاران و گنه کاران را نابود می‌کند، کسی که نهال گمراهی و ناهمدلی را برمی‌کند، کسی که نشانه‌های

۱. نجم الثاقب: باب دهم.

۲. مفاتیح الجنان، دعاهای شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

هوای نفس و اندیشه‌های باطل را محو می‌کند، کسی که رشته‌ی دروغ و بهتان را قطع می‌نماید، کسی که سرکشان و ناسازگاران عالم را هلاک می‌نماید، کسی که دشمنان و گمراه‌کنندگان و شرک‌ورزان را از ریشه برون می‌آورد، کسی که اولیای حق را عزیز می‌دارد و دشمنان حق را خوار می‌سازد، کسی که در تمام عالم پرهیزکاری را اجرا می‌نماید، کسی که راه رسیدن خدا تنها اوست، کسی که اولیای الهی هنگام توجه به خداوند به او توجه می‌کنند، کسی که واسطه‌ی فیض زمین و آسمان است، کسی که پرچم پیروزی و هدایت را خواهد افراشت، کسی که عدم رضایت مؤمنین و عدم بهروزی آنان را اصلاح خواهد کرد، کسی که به خون‌خواهی و انتقام پیامبران و فرزندان آن‌ها کعبه ستم‌کشه شده‌اند برمی‌خیزد، کسی که انتقام شهید کربلا را می‌ستاند، کسی که بر ستم‌کنندگان بر اهل بیت و غاصبین حقوق آنان پیروز می‌شود».

جملاتی که با آن فضیلت امام عصر علیه السلام را می‌خوانیم و محبت خود را به ایشان ابراز می‌کنیم در دعای ندبه بسیار است. شاید بتوان گفت که این دعا یکی از بی‌نظیرترین دعاها در زمینه‌ی این گونه عبارات است.

«پدر و مادرم فدای تو و بلاگردان تو باشند! ای فرزند برترین و مقرب‌ترین افراد عالم، بزرگواران و برگزیدگان، هدایت‌کنندگان هدایت یافته، بهترین نیکان عالم، مهتران شرافت‌مند، پاکان و پاکیزه‌گان، برترین جوانمردان، بزرگ‌ترین گرامیان عالم، چراغ‌های روشنایی بخش، شهاب‌های نورانی، ستارگان درخشنده، راه‌های آشکار، نشانه‌های روشن، دانش‌های کامل... ای کاش می‌دانستم که که کجاو کی دل‌ها به ظهور تو آرام و قرار می‌گیرد! یا در کدام سرزمین اقامت داری! سخت است بر من که خلق را ببینم اما تو را نبینم، حتی سخنی آرام و نجوا هم از تو به گوشم نرسد! بر من دشوار می‌آید که توتنها در رنج و بلای (غیبت دچار باشی) و ناله و زاری من بلند نباشد! جانم به قربانت ای غایب از نظری که در میان ما هستی! فدای تو گردم ای کسی که در کنار ما هستی

ولی از دسترس ما دوری! قربان تو گردهم ای آرزوی زنان و مردان مشتاق که تو را یاد می‌کنند و آه شوق سر می‌دهند!... سرور من تا به کی در پی تو حیران باشم و این اشتیاق را با چه زبانی و چه عبارتی توصیف کنم؟! بر من گران می‌آید که جواب خویش را از غیر تو دریابم و من برای تو گریه کنم در حالی که دیگران تو را وا گذاشته‌اند و سختی‌ها و بلاها همه بر دوش شماست. آیا در میان دوستان کسی هست که با من درسوز و گداز هم ناله شود؟ آیا چشمی در فراق او اشکبار است تا دیدگان من نیز با او در گریه همراهی کند؟ ای پسر رسول خدا چگونه می‌توانم به تو برسم و به دیدارت نایل آیم؟! آیا می‌شود که فردای این روز، موهبت دیدارت نصیب من شود؟ چه وقت از چشمه‌ی رحمت تو سیراب خواهم شد؟ که عطش ما بسیار طولانی گشته! کی با تو صبح و شام سر کنیم و دیدگان ما به جمال تو روشن باشد؟ روزی که تو ما را بینی و ما نیز تو را، در حالی که بیرق پیروزی را برافراشته‌ای و ما به گرد تو جمع شده و تو بر خلائق امامت می‌کنی و زمین را آکنده از عدل و داد نموده‌ای... و ما از این نعمت خدای را سپاس خواهیم گفت!».

این گوشه‌ای از مضامین پرمعنای دعای ندبه است که رفتار یک شیعه‌ی منتظر در زمان غیبت امام معصوم در آن بیان شده است. در این دعا علاوه بر وظیفه‌ی شیعیان در زمان غیبت مبنی بر ظهور حضرت در هر صبح و شام، به برخی معانی معرفتی نیز اشاره شده و عباراتی که از آن معرفت امام را می‌توان فهمید، در این دعا فراوان است که برای شرح و توضیح این معانی باید به کتاب‌هایی که در شرح دعای ندبه نوشته شده رجوع شود.^۱

۱. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم.

دعای عهد

دعایی است که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که در چهل صبح این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور حضرت از دنیا برود، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد که در رکاب آن حضرت باشد و با خواندن این دعا خداوند با هر کلمه‌ای هزار حسنه به او می‌دهد و هزار گناه از او پاک خواهد کرد.

«اللهم ربّ النور العظيم و رب الكرسی الرفیع و رب البحر المسجور...»^۱

دعای افتتاح

دعای افتتاح را حضرت مهدی علیه السلام به جناب محمد بن عثمان یکی از نواب اربعه تعلیم نمود. این دعا در هر شب ماه رمضان خوانده می‌شود. از خصوصیات این دعا این است که فرشتگان برای خواننده‌ی آن دعا می‌نمایند. این دعای شریف در قسمت ابتدایی با حمد و ثنای الهی شروع می‌شود و پس از آن بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات می‌فرستد. سپس به امام دوازدهم حضرت قائم علیه السلام صلوات می‌فرستد و ویژگی‌های خاصی را برای حضرت نام می‌برد. ولی امر خدا، قیام‌کننده‌ای که آرزوی او را داریم، دادگری که همگان انتظار او را می‌برند، دعوت‌کننده به سوی قرآن، برپادارنده‌ی دین، برقرارکننده‌ی توحید مطلق در سرتاسر زمین، عزت‌دهنده‌ی اسلام، دلیل‌کننده‌ی نفاق‌جویان، بخشی از این ویژگی‌هاست.

در این دعا از خدا می‌خواهیم که حکومت دنیا را با پادشاهی حضرت مقرر کند. حکومتی که در آن از هیچ ظلم و ستمی خبری نیست و بساط کفر و شرک برچیده شده است و ما را در آن دولت حق سهم گردان تا در آن روزگار جزو گسترش‌دهندگان خداپرستی و راهنمایی‌کنندگان به سوی هدایت باشیم. در این دعا به پیشگاه خدا از نبود

۱. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم.

پیامبر و غیبت امام و فراوانی دشمنان و کمبود یاران و فزونی فتنه‌ها و بدی روزگار شکایت می‌کنیم و از او تعجیل در ظهور حضرت را می‌خواهیم تا تمام مشکلات را برطرف سازد. در این دعا از حکومت حضرت به عنوان «دولت کریمه» یاد شده است. در بخشی دیگر نیز حضرت را باعث برطرف شدن پریشانی‌ها و گرفتاری‌ها و سختی‌ها و رفع پراکندگی‌ها و پایان تنهایی و ذلت ما و باعث بی‌نیازی و جبران خسارت‌ها و سببی برای استجاب دعاها و خواهش‌ها و... معرفی می‌نماید.^۱

دعای غریق

امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی دچار شبهه‌ای خواهید شد که در آن نشانه‌ای نمی‌یابید و امام هدایتی (که ظاهر باشد) نمی‌یابید (یعنی امامتان غایب خواهد شد) از آن شبهه و شک هیچ کس رهایی نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند. راوی سؤال کرد: دعای غریق چگونه خوانده می‌شود؟ حضرت فرمود: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک»؛ (ای خدا، ای بخشاینده‌ی مهربان، از زیر و رو کننده‌ی قلب‌ها، قلب مرا بر آیین خود استوار بدار) راوی گفت: «یا مقلب القلوب و الابصار، ثبت قلبی علی دینک» حضرت فرمود: خداوند مقلب القلوب و الابصار است، ولی همان گونه که گفتم دعا بنما. (یعنی کلمه‌ی «الابصار» را که از خود اضافه نموده بود تأیید نکرده و فرمودند که دقیقاً همان گونه که می‌گوییم دعا کنید)^۲

دعای غیبت

در احادیث چندین دعا آمده که همه‌ی آن‌ها دعاهایی هستند که در دوران غیبت خوانده می‌شوند، از آن رو به دعاهای غیبت مشهور شده‌اند. یکی از این دعاها، دعای

۱. مفاتیح الجنان: باب دوم، فصل سوم.

۲. کمال الدین: ص ۲۵۲.

کوتاهی است که امام صادق علیه السلام به زراره تعلیم فرمودند. «اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف رسولک...»^۱

این دعا را یکی از نواب اربعه نیز از حضرت مهدی علیه السلام روایت فرموده است، اما بسیار طولانی‌تر از دعایی است که از امام صادق علیه السلام رسیده است.^۲ این دعا مضامینی بسیار بالا و معارفی بسیار دقیق را در بر دارد. در این دعا معرفت خدا و معرفت رسول صلی الله علیه و آله و معرفت امام علیه السلام را چنان وابسته به هم معرفی می‌کند که هیچ کدام بدون دیگری امکان نخواهد داشت، هر کدام از این سه معرفت نباشد باعث گمراهی شخص خواهد شد. این دعا یکی از بهترین دعاهاست که شیعیان در زمان غیبت می‌خوانند. دعای دیگری که به نام دعای غیبت مشهور است دعایی است که سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات نقل نموده است. «اللهم انت عرفتنی نفسک و عرفتنی رسولک...»^۳ و دعای دیگر را نیز با همین عنوان روایت می‌کند: «یا من فضل ابراهیم و آل اسرائیل...».

دعای الهی عظم البلاء

امام زمان این دعا را به شخصی که از ترس دشمنان گریخته بود تعلیم دادند و او با خواندن این دعا نجات یافت «الهی عظم البلاء و برح الخفاء...»^۴

دعای فرج

دعایی است که حضرت مهدی علیه السلام در حرم شریف کاظمین علیه السلام به شخصی تعلیم فرمود و گرفتاری او برطرف شد؛ «یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح...». البته دعای

۱. نجم‌الناقب: باب دهم.

۲. نجم‌الناقب: باب دهم و مفاتیح الجنان: بخش ملحقات.

۳. بحار الانوار: ج ۹۵ ص ۳۲۶.

۴. نجم‌الناقب: باب هفتم، حکایت بیست و چهارم.

دیگری نیز به دعای فرج مشهور است که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است، مطلع آن چنین است: «یا عماد من لا عماد له و یا ذخر من لا ذخر له...»^۱

دعا برای صاحب الامر علیه السلام

امام رضا علیه السلام دستور می‌دادند که برای صاحب الامر علیه السلام این گونه دعا کنیم: «اللهم اذفع ان ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک...»^۲

دعای رجبیه

این دعا را حضرت مهدی علیه السلام در مسجد صعصعه در یکی از روزهای ماه رجب قرائت فرموده‌اند، از این رو به این نام شهرت یافته است «اللهم یا ذا المنن السابغة...»^۳

دعای سمات

این دعا را امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. علاوه بر این یکی از نواب اربعه نیز این دعا را از حضرت مهدی علیه السلام نقل می‌نماید. این دعا بسیار مشهور و مورد توجه علما بوده است و به دعای «شبور» نیز مشهور است. «اللهم انی اسئلك باسمک العظیم الأعظم...»

دعایی که انسان را جزو پیروان حضرت مهدی علیه السلام خواهد کرد

امام باقر علیه السلام دعایی را به جابر تعلیم نمود و به او فرمود: کسی که این دعا را در تمام زندگی اش یک بار بخواند، او را جزو بندگان خدا خواهند نوشت و نام او در دیوان حضرت مهدی علیه السلام ثبت خواهد شد و زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، او را صدا

۱. نجم الناقب: باب هفتم، حکایت سیام و مفاتیح الجنان: باب اول، فصل هفتم.

۲. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم.

۳. نجم الناقب: باب هفتم، حکایت بیست و هشتم.

می‌زنند و به واسطه‌ی خواندن آن دعا، نوشته‌ای به او می‌دهند که در آن عهدنامه‌ی او با اهل بیت نوشته شده است. «اللهم یا إله الآلهة، یا واحد یا احد...»^۱

دعاهای دیگری نیز درباره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است. از آن جمله می‌توان این دعاها را نام برد، دعایی که با آن بعد از هر نماز صبح حضرت را زیارت می‌کنیم،^۲ دعایی که پس از زیارت آل یاسین خوانده می‌شود.^۳

دمشق

دمشق پایتخت کشور کنونی سوریه است. در قدیم این کشور با نام شام شهرت داشته است و شامل بخش‌هایی از کشورهای اردن، لبنان، فلسطین و عراق نیز می‌شده است. در آخرالزمان کشور سوریه شاهد حوادثی بسیار خواهد بود.^۴

دود^۵

یکی از نشانه‌های ساعت ظهور آن است که میان مشرق و مغرب را دودی فراگیرد که مردم با ایمان حالت سرماخوردگی به آنان دست می‌دهد، ولی کافران مانند افراد مست می‌شوند و دود از پس و پیش آنها خارج می‌شود.^۶

دیدار حضرت مهدی علیه السلام

دیدار حضرت مهدی علیه السلام سعادت بی‌شماری است که افراد بسیاری تا کنون به این شرف نایل

۱. بحار الانوار: ج ۹۵ ص ۲۲۷.

۲. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم، بعد از دعای ندبه.

۳. مفاتیح: باب سوم، فصل دهم.

۴. رک: سوریه.

۵. رک: آتش.

۶. عقائد الامامیه: ج ۳ ص ۳۱۵ و یاتی: ص ۳۱۹.

آمده‌اند. کتاب‌های متعددی حکایت این دیدارها را جمع آوری نموده‌اند. دیدار حضرت مهدی علیه السلام را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد. اول دیدار آن جناب پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام و پیش از شروع غیبت، و دیگر امکان مشاهده‌ی حضرت پس از آغاز غیبت.

مشاهده‌ی حضرت پیش از غیبت و در زمان حیات امام عسکری علیه السلام، امری است که قطعاً رخ داده است و تمام علمای امامیه بدان معتقدند و در آن اختلاف ندارند. امام عسکری علیه السلام پس از تولد فرزند خود، وی را به خواص شیعه معرفی می‌کرد و آنان را به شرف دیدار آن جناب مفتخر می‌نمود و بدان‌ها می‌فرمود که امام پس از من این فرزند خواهد بود و شیعیان را از وجود فرزند خود و امام پس از خود آگاه می‌نمود. در این باره احادیث بسیاری وارد شده است که مرحوم شیخ صدوق رحمته الله آن‌ها را در بابی جداگانه در کتاب ارجمند «کمال الدین و تمام النعمة» جمع آوری نموده است، باب «من شاهد القائم علیه السلام» یعنی کسانی که حضرت قائم علیه السلام را زیارت نموده‌اند. حتی برخی از عوام نیز حضرت را در سن طفولیت مشاهده نموده‌اند. زمانی که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت، جعفر برادر امام عسکری علیه السلام خواست که بر بدن مبارک حضرت نماز بگذارد، اما ناگاه همه‌ی نمازگذاران دیدند که کودکی پنج ساله ظاهر شد و لباس جعفر را گرفت و گفت: «عمو کنار برو که من بدین کار سزاوارترم!»^۱

علمای شیعه درباره‌ی دیدار حضرت پس از آغاز غیبت، اختلاف نظر دارند. در دوران غیبت صغری یقیناً این دیدارها میان حضرت و نواب اربعه رخ می‌داده است، در روایات دلایلی مبنی بر این امر وجود دارد. اما مشاهده‌ی حضرت قائم علیه السلام در دوران غیبت کبری، نزد برخی از علما امکان پذیر نیست و این عقیده از نامه‌ای نشأت می‌گیرد که حضرت مهدی علیه السلام به آخرین نایب خاص خود، علی بن محمد سمری نوشتند. در این

۱. برای اطلاع بیشتر از این روایات به کتاب کمال الدین، باب ۴۲ رجوع نمایید.

نامه حضرت می‌فرماید: «بدان ای علی بن محمد سمری، خداوند اجر برادران تو را در مصیبت از دست دادنت فزون گرداند، زیرا تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. مهیا شو و به شخص دیگری برای جانشینی خود وصیت نکن. به تحقیق که غیبت تامه واقع شده است و ظهور پدیدار نمی‌شود مگر زمانی که خداوند اذن دهد و این امر هنگامی است که دل‌ها سخت شود و زمین از ستم پر گردد. به زودی از میان پیروان من گروهی ادعای «مشاهده» می‌کنند، آگاه باشید که هر کسی پیش از خروج سفیانی و ندای آسمانی چنین ادعایی کند، دروغ گو و افترا زننده است».

در این نامه به صراحت حضرت هرگونه دیداری میان خود و افراد دیگر را نفی می‌کند. اکنون باید دید با وجود این همه حکایات متقن که از دیدارهای متعدد میان حضرت و سایر مردم رخ داده است چگونه می‌توان این سخن حضرت را معنی کرد. علما برای این سؤال جواب‌های مختلفی فرموده‌اند، از جمله می‌توان این موارد را یاد آور شد:

۱- مشاهده‌ای که حضرت در این نامه می‌فرمایند، مطلق مشاهده نیست بلکه آن مشاهده‌ای است که میان نواب و حضرت واقع می‌شده است و الف و لام که بر کلمه‌ی مشاهده در این نامه آمده است، از نظر ادبیات عربی، الف و لام عهد است یعنی اشاره به نوع خاصی از مشاهده می‌کند که میان گوینده و مخاطب شناخته شده است و چون حضرت در این نامه در ابتدا می‌فرماید: اکنون دیگر غیبت به طور کامل واقع شده و حتی واسطه‌ای مانند نواب چهارگانه بین مردم و حضرت نخواهد بود، و به زودی کسانی خواهند آمد که چنین ادعایی را می‌کنند، پس از آن حضرت با جمله‌ای مشاهده را نفی می‌کند. از این سیاق جمله می‌توان فهمید که «مشاهده» در این نامه اشاره به مشاهده‌ای خاص دارد.

۲- توجیه دیگری که برای این تعارض می‌توان گفت این است که منظور از نفی

مشاهده، نفی مشاهده‌ی اختیاری است، زیرا در زمان غیبت صغری، نواب چهارگانه‌ی حضرت می‌توانستند به گونه‌ای با حضرت ارتباط برقرار کنند و با رد و بدل کردن نامه جواب پرسش‌های خویش و سایرین را بگیرند، اما در زمان غیبت کبری چنین ارتباطی امکان پذیر نخواهد بود و فقط زمانی دیدار حاصل می‌شود که آن جناب صلاح بداند و اراده فرماید.

۳- جواب دیگری این‌که درنامه‌ی حضرت اشاره شده است که هرگاه کسی «ادعا» ی مشاهده کردن بنماید باید تکذیب شود و این امر ربطی به امکان وقوع مشاهده ندارد، زیرا ممکن است شخصی حضرت را ببیند ولی ادعای چنین مشاهده‌ای را در جایی نکند.

۴- درروایات بسیاری ائمه علیهم‌السلام علت غیبت را ترس از کشته شدن یا مسموم شدن و خالی شدن زمین از حجت الله بیان کرده‌اند، علت‌های دیگری چون عدم بیعت با طاغوت‌های زمان نیز ذکر شده است که در جای خود بیان شده است؛ پس زمانی که علت غیبت و عدم دسترسی متفی باشد، طبعاً برطرف شدن غیبت، لاقلاً برای مقطعی از زمان نیز ممکن خواهد بود و دیدار برای کسانی که چنین خوفی از سوی آنان نمی‌رود امکان‌پذیر است. در نامه‌ای که حضرت مهدی علیه‌السلام به شیخ مفید رحمته‌الله نوشتند خود چنین بیان می‌کنند: اگر شیعیان ما به خوبی به عهد خود وفا می‌نمودند و با هم یکدل بودند، سعادت دیدار ما از آنان ستانده نمی‌شد. در جای دیگر حضرت به ابن مهزیار فرمودند: مردم به واسطه‌ی این دچار غیبت امام شدند که به دنیاطلبی روی آوردند و بر ناتوانان تکبر نموده و صله‌ی رحم را قطع نمودند و گناهان را مرتکب شدند.^۱

علاوه بر این توضیحات، روایاتی نیز هست که دلالت صریح بر مشاهده‌ی حضرت در زمان غیبت دارد. از جمله روایتی که می‌فرماید همیشه در دوران غیبت کبری سی نفر

همراه حضرت هستند. ابدال و اوتاد، گروهی هستند که در غیبت کبری حضرت مهدی علیه السلام را می‌بینند و در کنار حضرت هستند.^۱

حجر الاسود که به دست قرامطه ربوده شد و پس از سال‌ها آن را بازپس فرستادند به دست حضرت مهدی علیه السلام در جای خود نصب شد و مردم ایشان را می‌دیدند و حتی برخی می‌دانستند که او همان صاحب الامر علیه السلام است.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به درستی که برای صاحب الامر علیه السلام دو غیبت خواهد بود، که یکی از آن غیبت‌ها طولانی خواهد شد... کسی در آن غیبت از جایگاه حضرت با خبر نخواهد بود، حتی فرزندان او، اما خدمت‌گذاران او و کسانی که امور ایشان را بر عهده دارند از مکان ایشان با خبر هستند. در روایت دیگری فرموده‌اند در آن روزگار جز شیعیان خاص و دوستان ویژه‌ی حضرت، کسی از محل ایشان با خبر نیست.^۳

اکنون با توجه به این توضیحات می‌توان گفت که مشاهده‌ی حضرت در زمان غیبت امکان‌پذیر است و نفی مشاهده مربوط به کسانی است که ادعای نیابت یا باب ارتباط با حضرت را دارند.

برای آگاهی از حکایات بسیار شیرین و روح‌نواز کسانی که در غیبت کبری خدمت آن سرور عالمیان رسیده‌اند می‌توان به کتاب شریف نجم‌الثاقب، باب هفتم رجوع نموده. البته کتاب‌هایی که در این موضوع تدوین شده است بسیار است.

دیلیم

نام منطقه‌ای است در استان گیلان کنونی و در قدیم به منطقه‌ی گیلان و قسمتی از نواحی قزوین گفته می‌شده است و در زمان حکومت آل بویه به تمامی مناطق

۱. رک: ابدال، اوتاد، جایگاه حضرت مهدی x در غیبت کبری.

۲. رک: حجر الاسود.

۳. نجم‌الثاقب: باب هشتم و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۵۱ و ج ۵۳ ص ۳۱۸.

گیلان، مازندران و استان گلستان کنونی، دیلم گفته می‌شده است. در روایات آخرالزمان از این سرزمین یاد شده است. شخصی به نام سید حسنی با لشکر فراوان از آن‌جا قیام خواهد کرد.^۱

دین جدید

ر.ک: جدید.

دین و دین‌داری در آخرالزمان

یکی از ویژگی‌های دوران غیبت کم‌رنگ شدن دین در میان مردم می‌باشد. گویا مردم گمان می‌کنند که بی‌سرپرست رها شده‌اند، بنابراین برخی نسبت به سرانجام خود ناامید شده و این یأس باعث ایجاد سستی در دین آن‌ها می‌شود. این امر اثرات خود را تنها بر انسان‌های سست ایمان نمی‌گذارد بلکه جامعه را هم به گونه‌ای خواهد نمود که مجال برای افراد با ایمان نیز تنگ خواهد شد. از روایاتی که درباره اوضاع دین و دیانت در آخرالزمان به ما رسیده فهمیده می‌شود که در آخرالزمان ایمان بسیار کم‌مورد توجه مردم قرار می‌گیرد و کسانی که سعی در حفظ ایمان خود دارند از سوی اجتماع یا مطرود می‌شوند و یا بی‌اهمیت خواهند بود و شرایط برای استقامت در دین چنان سخت است که مانند نگه داشتن آتش گداخته در کف دست یا برچیدن خارهای تیز گیاهان خاردار با کف دست می‌باشد!^۲

۱. ر.ک: سید حسنی، طالقان.

۲. ر.ک: اسلام.



ذوالسُّوَيْقَتَيْنُ

یعنی شخصی که دارای ساق‌های باریک است. این واژه لقب شخصی است از حبشه یا اتیوپی کنونی که کعبه را خراب می‌کند.^۱

ذوالفقار

ر.ک: شمشیر حضرت مهدی علیه السلام.

ذوالقرنین

ذوالقرنین لقب مردی رومی است که نام او را «اسکندروس» ثبت نموده‌اند. در بعضی روایات او را «عبدالله بن ضحاک بن معد» نامیده‌اند. او پیامبر نبود، اما عالمی دانا بود. ذوالقرنین به معنی صاحب «دو فرق» است. علت نامگذاری او به این لقب را مختلف یاد کرده‌اند. در روایتی آمده است که او دوبار از طرف قوم خود ضربتی بر سرش وارد شد و از این رو او را ذوالقرنین نامیدند. در برخی روایات نیز گفته شده چون از شرق دور دست تا غرب دوردست سفر کرد و گویا به جایگاه خورشید در شرق و غرب دست یافت از این روی او را صاحب دو قرن (یعنی خورشید در شرق و خورشید در غرب) نامیده‌اند. در قرآن کریم در سوره‌ی کهف آیه‌ی هفتاد و سه تا نود و هفت از ذوالقرنین یاد شده است. در این آیات شریفه خداوند می‌فرماید: ما به ذوالقرنین در زمین قدرتی

۱. ر.ک: حبشه.

استثنایی بخشیدیم، قدرتی که از همه‌گونه وسیله‌ای در آن قرار داشت. او بدین وسیله‌ها به شرق دور تا غرب دور سفر کرد. او در غرب دور به جایی رسید که خورشید در پشت چشمه‌ای گل‌فشان یا چشمه‌ای داغ از دیده‌ها پنهان می‌شد.^۱ و مردمی که در آن‌جا زندگی می‌کردند از سوی ذوالقرنین دعوت به ایمان شدند و هر که تخلف نمود مجازات می‌شد. سپس با وسیله‌هایی که در اختیار داشت به سوی شرق دور رفت، دید در آن‌جا مردمی بدوی زندگی می‌کنند که حتی از چگونگی ساخت سایه‌بان و تهیه لباس نیز آگاهی ندارند و عریان زندگی می‌کنند. سپس به یاری اسبابی که در اختیار داشت به مکانی رفت که در نزدیکی محل سکونت قوم یاجوج و ماجوج بود، آنان قومی وحشی بودند که هیچ‌گونه حرف را متوجه نمی‌شدند.^۲ مردم آن ناحیه نزد ذوالقرنین شکایت کردند و گفتند ما حاضریم که هر چه بخواهی حاضر کنیم تا ما را از شر یاجوج و ماجوج رها نمایی و او نیز حصار بسیار محکم در برابر آنان ساخت و دیگر یاجوج و ماجوج توانایی حمله و غارت اموال در آن ناحیه را پیدا نکردند.

ذوالقرنین با لشکرش به ظلمات^۳ رفت و در پی آب حیات بود. آبی که با نوشیدن آن تا قیام قیامت زنده می‌ماند. اما تنها کسی که از لشکر او موفق به این کار شد، حضرت خضر^{علیه السلام} بود، و اکنون ایشان زنده است و در خدمت امام عصر^{علیه السلام} به سر می‌برد.

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} درباره ذوالقرنین فرمود: او بنده‌ای بود از بندگان نیک خداوند که او را حجت بر مردم قرار داده بود. او قوم خود را به سوی خداپرستی و پرهیزکاری دعوت نمود، اما قومش بر فرق سرش ضربتی زدند و او مدتی را از میان قوم خود غایب شد. در آن غیبت قوم ذوالقرنین گمان کردند او به بیابان‌ها رفته و هلاک شده است. اما پس از

۱. شاید منظور از این جمله منطقه‌ی «پلو استون» در آمریکا باشد که چشمه‌های گل‌فشان و گرم بسیار در آن وجود دارد.

۲. رک: یاجوج و ماجوج.

۳. شاید منظور از ظلمات، اطراف قطب شمال یا قطب جنوب باشد که نیمی از سال کاملاً شب است، و ممکن بخشی از دنیا باشد که در غیب از زمین واقع شده است.

..... فرهنگ‌نامه آخرالزمان
 چندی به میان قوم خود بازگشت و دوباره آنان بر فرق سرش ضربتی وارد نمودند. در این امت نیز شخصی هست که مانند ذوالقرنین بر او جاری خواهد شد. خداوند عزوجل در روی زمین به ذوالقرنین قدرت‌هایی عنایت کرد و وسیله‌ی دست یابی به هر چیزی که می‌خواست به او داده بود، و شرق و غرب دنیا را درنوردید. خداوند مانند ذوالقرنین برای حضرت قائم علیه السلام - که از اولاد من است - نیز قرار خواهد داد، به گونه‌ای که آب و خشکی از کوه و بیابان باقی نخواهد ماند که ذوالقرنین رفته باشد، مگر این‌که حضرت قائم علیه السلام نیز بدان‌جا قدم خواهد نهاد و خدا تمام گنج‌های زمین و معادن آن را برای حضرتش آشکار خواهد ساخت و ترس را به یاری او می‌فرستد (و به دل دشمنانش می‌اندازد). آن‌گاه به دست او زمین از عدل و داد پر می‌شود آن‌گونه که از ظلم و بی‌داد آکنده شده است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شهری نیست که ذوالقرنین بدان‌جا رفته باشد مگر این‌که حضرت مهدی علیه السلام نیز بدان‌جا خواهد رفت و آن را آباد می‌نماید. هر ستمگری را هلاک خواهد کرد و دل مسلمانان (از این انتقام) شفا خواهد یافت. حضرت زیورهای بیت‌المقدس را برداشته و به شهری وارد می‌شود که بسیار وسیع است و هزار مرکز تجاری در آن شهر است و هر بازاری صد هزار باب مغازه دارد و آن شهر را فتح خواهد کرد.

ذی حجة

آخرین ماه از ماه‌های سال قمری است که حجة الاسلام نیز در این ماه برگزار می‌شود. در سالی که منتهی به ظهور حضرت می‌شود، در ماه‌های پایانی سال حوادث ناگواری پی‌درپی واقع می‌شود در روایتی فرموده‌اند: (در سال پایانی پیش از ظهور) در ماه

۱. اصول کافی: ج ۱ ص ۲۶۹ و خصال: ج ۱ ص ۲۵۵ ح ۱۳۰ و کمال الدین: ص ۳۹۵ و ۳۹۴ و تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۳۴۰.

مبارک رمضان از آسمان صدایی شنیده می‌شود و در ماه شوال جنگ جویان به صدا در می‌آیند و در ماه ذی‌قعدة میان قبیله‌ها نزاع و جنگ در می‌گیرد و در ماه ذی‌حجة حجاج غارت می‌شوند و در ماه محرم شخصی از آسمان صدا می‌زند: «هان! بدانید که فلان شخص (یعنی حضرت مهدی علیه‌السلام) شخصی است که خداوند از میان خلق خود برگزیده است، به سخن او گوش فرادهید و از او پیروی کنید».^۱

در روایتی دیگر فرمود: در ماه ذی‌حجة آتشی بدود دود، حاجیان را فرا خواهد گرفت.^۲

در دهم ذی‌حجة آخرین سال غیبت، سفیانی در کوفه کشتار وسیعی انجام می‌دهد و علاوه بر مردم عادی هفتاد عالم دینی را شهید می‌کند، در این ماه نیز مرد (معروفی به نام) هاشمی به شهادت می‌رسد.^۳

ذی‌طوی

«ذی‌طوی!» نام منطقه‌ای است که در شش کیلومتری مکه قرار دارد. این کوه مورد توجه ائمه علیهم‌السلام بوده است و در روایات به پناهگاه و محل سکونت حضرت مهدی علیه‌السلام در زمان غیبت‌شان معرفی شده است. در دعای شریف ندبه از این منطقه و منطقه‌ی «رضوی» به عنوان جایگاه حضرت یاد شده است: «لیت شعری... ای أرض تقلک او ثری أبرضوی أو غیرها أم ذی طوی»؛ (کاش می‌دانستم که در کدام سرزمین مأوی گرفته‌ای، آیا در سرزمین رضوی هستی یا در جایی دیگر، یا در ذی‌طوی به سر می‌بری).

۱. ملاحم: ص ۴۲ و ۱۴۰ و ۱۴۳.

۲. یأتی: ص ۲۵۴.

۳. موعود نامه: ص ۳۴۳.

امام باقر علیه السلام با دست اشاره به ناحیه‌ی ذی طوی کرده و فرمود: برای صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام در میان این دره‌ها غیبتی رخ خواهد داد، و این غیبت ادامه خواهد داشت تا زمانی که قیام نماید. پیش از قیام، گروهی از یاران حضرت در این منطقه جمع می‌شوند و غلام حضرت مهدی علیه السلام که همیشه همراه اوست نزد آن گروه آمده و می‌پرسد: چند نفر در این جا گرد آمده‌اید؟ می‌گویند: ما چهل نفر هستیم. آن‌گاه غلام می‌پرسد: اگر صاحب خود (حضرت مهدی علیه السلام) را ببینید چه می‌کنید؟ پاسخ می‌دهند: به خدا سوگند اگر او بخواند که کوه‌ها را از جای برکنیم، انجام خواهیم داد و با او خواهیم بود. این دیدار پایان می‌یابد تا سال بعد فرامی‌رسد. آن غلام دوباره نزد آنان می‌آید و می‌گوید: ده نفر از میان خود برگزینید و با آنان به نزد حضرت مهدی علیه السلام می‌آید و حضرت در شب آینده وعده می‌کند (که قیام نماید)...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا با چشم خویش حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که با پای برهنه، در ذی طوی سرپا ایستاده و مانند حضرت موسی علیه السلام نگران و منتظر است که به مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد الحرام بیاید و دعوت خود را اعلام نماید.^۲

ذی قعدة

ذی قعدة ماه یازدهم از سال‌های قمری است. در آن سالی که امام مهدی علیه السلام قیام می‌نماید در ماه ذی قعدة اتفاقات عجیبی رخ خواهد داد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در ماه ذی قعدة در میان قبایل نزاع رخ می‌دهد و حجاج را غارت می‌کنند. سپس در سرزمین «منی!» شورش برپا می‌شود که افراد بسیاری کشته می‌شوند و کشت و کشتار تا نزدیکی جمره هم می‌رسد. سردسته‌ی آنان از ترس فرار می‌کند و به مسجد الحرام در میان رکن و مقام می‌گریزد و در آن حال حضرت

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۸۲ و یاقوتی: ص ۴۹۶.

۲. موعودنامه: ص ۳۴۴ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۸۵.

مهدی علیه السلام در مسجدالحرام است و آن گروه می‌خواهند با حضرت بیعت کنند ولی حضرت با اکراه با آنان بیعت می‌نماید...^۱

در بیست و یکم و بیست و دوم ذی‌قعدة‌ی آخرین سال غیبت حضرت، در بغداد کشتاری عظیم به دست سفیانی و لشکر او رخ می‌دهد که هشتاد هزار نفر در آن کشته می‌شوند.^۲

۱. یاتی: ص ۲۵۵ - ۲۵۴.

۲. موعود نامه: ص ۳۴۴.



رجب

رجب هفتمین ماه از ماه‌های سال قمری است و از ماه‌های حرام در اسلام است. در ماه‌های پایانی آخرین سال غیبت حوادث عجیبی پی‌درپی واقع می‌شود، یکی از آنها در ماه رجب خواهد بود. صداهای آسمانی و رجعت مردگان برخی از این وقایع شگفت هستند.

امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: در ماه رجب سه ندا از آسمان شنیده می‌شود. در ندای اول آن صدا می‌گوید: «هان! خداوند بر ظالمین لعنت فرستاده است» و در صدای دوم شنیده می‌شود: «ای گروه مؤمنین! قیام نزدیک شده است» و در سومین صدا یک بدن یا دست در وسط خورشید نمایان می‌شود و می‌گوید: «آگاه باشید که خداوند فلان شخص (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) را برانگیخته تا ستمکاران را نابود کند». در آن هنگام فرج مؤمنین و گشایش امور آنها می‌آید، هم او که سینه‌های آنان را از غصه‌ها شفا بخشیده و خشم دل آنان را فرو می‌نشانند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه حادثه‌ی بزرگ و شگفت‌انگیزی بین ماه جمادی و رجب اتفاق خواهد افتاد! و در روایت دیگری امیرالمؤمنین فرمود: چه حادثه‌ی عجیبی بین ماه جمادی و رجب روی می‌دهد! صعصعه پرسید: این چه حادثه‌ی بزرگ و غریبی است که شما پیایی از آن یاد می‌نمایید؟ حضرت فرمود: چگونه این حادثه عجیب نباشد

در حالی که گروهی از مردگان دورباره زنده می‌شوند و به دنیا برگشته و با مردم زنده‌ای که دشمنان خدا هستند می‌جنگند؛ گویا آنان را می‌بینم که چگونه شمشیر از نیام کشیده و بر شانه‌هایشان گذاشته‌اند و کافران و کسانی که برتری ما اهل بیت را قبول ندارند، به قتل می‌رسانند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید در جمادی الثانی و ده روز از ماه رجب چنان باران ببارد که مردم تا آن روز چنین بارانی را ندیده باشند. خداوند با آن باران بدن مؤمنین را در گورهایشان می‌رویاند. گویا می‌بینم آنان را که از قبرهای خود برخاسته‌اند و خاک را از سر و روی خود می‌زدایند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: بدون شک سفیانی خروج می‌کند، و خروج او قطعاً در ماه رجب واقع خواهد شد... و در روایتی دیگر فرمودند: خراسانی و سفیانی و یمانی دقیقاً در یک سال و یک ماه و یک روز قیام می‌کنند. بنابراین در آخرین ماه رجب دوران غیبت سه قیام رخ خواهد داد.^۳

در روایتی خبر از سرخی‌ای در آسمان می‌دهد که در ماه رجب واقع می‌شود و ستاره‌ای دنباله‌دار که در افق‌ها تغییر مکان می‌دهد.^۴

رجعت^۵

«رجعت» در لغت به معنای رجوع و برگشت، و در اصطلاح دینی «رجعت» بازگشت انسان پس از مرگ است. این بازگشت ممکن است محشور شدن برای قیامت، یا

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۸۱ و نواب الدهور: ج ۳ ص ۲۷۳ و ج ۲ ص ۲۲۴.

۲. ارتداد مفید: ص ۳۶۳.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۰ و ۲۴۹.

۴. ملاحم: ص ۴۶.

۵. رک: انتقام، دابة الارض، رجب.

بازگشت به دنیا باشد. در این جا صحبت و از رجعت مربوط به بازگشت گروهی است که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنیا بازمی‌گردند. بازگشتو زنده شدن پس از مرگ از نظر عقلی امری محال تلقی نمی‌شود و بارها در امت‌های پیشین اتفاق افتاده است. آیات و روایات زیادی وقوع این امر را تأیید می‌کنند و علمای شیعه تماماً بر حقایق رجعت متفق القول‌اند. رجعت فقط مخصوص مؤمنین نیست، بلکه گروهی از کافران نیز در آن زمان زنده خواهند شد. البته رجعت برای این نیست که فرد به دنیا برگشته و از گناهان خود توبه کند یا جبران کاستی‌های خود را بنماید بلکه رجعت مانند محشور شدن در قیامت برای برداشت حاصل اعمال است؛ از این روست که در روایات فرموده‌اند کسانی در زمان ظهور حضرت به دنیا برمی‌گردند که در ایمان یا کفر خالص باشند، یعنی مؤمنین حقیقی هیچ‌گاه از ایمان و کافران واقعی هیچ‌گاه از کفرشان دست نخواهند کشید. بنابراین بازنده شدن کافران و مؤمنان تغییری در کفر و ایمان آنها پیش نمی‌آید و توبه‌ای در میان نخواهد و فقط کافر به جزای دنیایی اعمال خود می‌رسد و مؤمن به زندگی و آسایش دست می‌یابد. اعتقاد به رجعت در نزد علمای شیعه جزو اعتقادات اصلیدین و ضروریات مذهب به شمار می‌آید و انکار کننده‌ی رجعت از مذهب خارج می‌شود.

در قرآن آیات بسیاری به رجعت اشاره کرده است. رجعت مردگان و زنده شدن اموات در امت‌های پیشین، مکرر اتفاق افتاده است، و یکی از معجزات انبیای گذشته نیز زنده کردن مردگان بوده است. در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که به این امر گواهی می‌دهد^۱

۱. برای اطلاع از این آیات به تفاسیر مختلف درباره آیات ذیل رجوع نمایید. بقره/۵۵ و ۶۷ و ۲۴۳ و ۲۵۹ و ۲۶۰؛ اعراف/۱۵۵ و ۱۵۷؛ آل عمران/۴۹ و ۸۱؛ انبیا/۸۴ و ۹۵؛ کهف/۴۷ و ۸۳؛ نساء/۱۵۳ و ۱۵۹؛ نحل/۳۸ و ۲۶؛ نمل/۸۳؛ ص/۴۳؛ نازعات/۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۴؛ تکوین/۳ و ۴؛ مؤنون/۷۷؛ جن/۲۴؛ عبس/۲۳ و ۱۷؛ حجر/۲؛ غافر/۵۱؛ طه/۱۲۴؛ اسراء/۶ و ۵ و ۴؛ قصص/۶۱ و ۵ و ۶ و ۸۵؛ شمس/۱۵؛ نور/۵۵.

روایات بسیاری در دسترس ما هست که از زنده شدن مردگان در امت رسول الله ﷺ خبر می‌دهد و ائمه هدی علیهم‌السلام در طول مدت امامت خود معجزاتی از جمله زنده کردن مردگان انجام داده‌اند.

امام رضا علیه‌السلام فرمود: قریش نزد رسول خدا ﷺ آمده و از ایشان خواستند که مردگان آنها را زنده کند. رسول خدا ﷺ حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام را همراه آنان فرستاد و به او فرمود: یا علی! به سوی این صحرا برو و کسانی را که قریش می‌خواهند با صدای بلند فراخوان و بگو: محمد به شما می‌گوید «به اذن خدا برخیزید». حضرت علی علیه‌السلام همان‌گونه انجام داد و آن افراد از قبرهای خود برخاستند در حالی که خاک از سر و روی خود می‌زدودند. قریش به طرف آنان رفته و شروع به سؤال نمودند...

در ادعیه و زیارت‌ها به موضوع رجعت اشاره شده و ما در زیارات و دعاهای بسیاری از خداوند حضور در رجعت را می‌خواهیم. از این جا می‌توان دریافت که رجعت فقط مخصوص گروهی از شیعیان خواهد بود زیرا اگر رجعت برای تمام شیعیان باشد، دیگر دعا کردن کاری بیهوده خواهد بود، از این روست که درباره قیامت که همگان زنده می‌شوند، کسی دعا نمی‌کند که خدایا مرا در قیامت محشور کن. از جملاتی که در این دعاها گفته می‌شود می‌توان فهمید تمام اهل بیت علیهم‌السلام و امام‌زادگانی چون حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه‌السلام در زمان رجعت به دنیا بازخواهند گشت و همگی به حکومت خواهند رسید. حتی حضرت مهدی علیه‌السلام نیز پس از این که از دنیا می‌روند، دوباره رجعت کرده و به دنیا باز می‌گردد.

در زیارت جامعه که از امام هادی علیه‌السلام روایت شده است می‌خوانیم: «أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي... مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ... وَتُصْرَتِي مَعْدَةَ لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ

وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمْكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ... وَجَعَلَنِي مِمَّنْ... يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِهُ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقْرُ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ»؛ (من خداوند و شما را گواه می‌گیرم که... به اهل بیت رسول خدا ﷺ ایمان دارم، و به بازگشت شما ایمان دارم و رجعت شما را قبول دارم چشم به راه ظهور آل محمد ﷺ و برپایی دولت شما هستم... من نیرو و توان خود را برای یاری شما مهیا کرده‌ام تا زمانی که خداوند دین خود را به واسطه‌ی شما دوباره زنده کند و شما را در آن روزهای الهی به زندگانی دنیا بازگرداند و شما را برای برپایی عدالت ظاهر کند و در روی زمین شما را حاکم و فرمانروا گرداند... خداوند مرا تا زمانی که زنده‌ام بر دوستی شما اهل بیت باقی گذارد، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که در گروه شما محشور خواهند شد و در رجعت شما به دنیا باز می‌گردد و در حکومت شما [در آخرالزمان] به توانگری می‌رسد و در دوران آرامش شما [در زمان ظهور به دور از هر گونه ترس و جنگ] بهره‌مند می‌شود و در روزهایی که شما حضور دارید [در زمان رجعت شما به دنیا] به قدرت دست پیدا می‌کند و چشمان او به دیدار شما روشن می‌شود...)^۱

امام هادی علیه السلام فرمودند: پس از زیارت جامعه زمانی که خواستی برگردی، در زیارت وداع چنین بگویی: «...سلام خدا بر شما باد، خداوند مرا در گروه شما محشور گرداند و در کنار حوض کوثر با شما باشم و از پیروان شما قرارم بدهد و در زمان حکومت شما مرا بهره‌مند سازد و زمانی که شما رجعت می‌نمایید مرا نیز زنده کنید و در روزهایی که شما بر جهان حکومت می‌کنید مرا به قدرت برساند».^۲

روز بیست و پنجم از ماه ذی‌قعدة، روز دحو الارض است. در دعای این روز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ جَمِيعِ آبَائِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأَسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي

۱. مفاتیح الجنان: زیارت جامعه کبیره.

۲. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۷۵.

كَرَّتِهِ، حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ، اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَارْزُقْنَا سَلَامَهُ...»؛ (خداوند! بر حضرت مهدی علیه السلام و تمامی پدران او درود فرست و مرا جزو یاران و اطرافیان او قرار ده و زمانی که او رجعت می‌نماید، مرا نیز دوباره زنده گردان تا زمانی که او سلطنت می‌نماید من از یاوران او باشم، بارالها مرا موفق به درک قیام آن جناب گردان و روزهای سلطنت او را به ما بنمایان و بر او درود و صلوات فرست و سلام ما را به حضرتش برسان...)^۱

در زیارت اربعین می‌گوییم: «وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ... وَتُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوَّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛ (من گواهی می‌دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم... و همواره آماده‌ام و خود را مهیا نموده‌ام تا زمانی که خداوند به شما اجازه دهد به یاری شما برخیزم، آری با شما خواهم بود، با شما نه با دشمنان شما).^۲

در زیارت وارث این گونه آمده است: «وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُورُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ»؛ (خداوند و ملائکه و پیامبران و فرستادگان الهی را گواه می‌گیرم که به راستی من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما معتقدم).^۳

در زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام نیز به رجعت اشاره شده است: «أَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَتُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَخُكَّمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوَّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ (من پیرو شما هستم، و یاری خویش را برای رکاب شما ذخیره نموده‌ام، تا زمانی که خداوند به داوری

۱. مفاتیح الجنان: اعمال ماه ذی‌قعدة.

۲. مفاتیح الجنان: زیارت اربعین.

۳. مفاتیح الجنان: زیارت وارث امام حسین *.

[میان شما و دشمنانتان] برخیزد و او بهترین حاکم است. پس من با شما هستم، با شما، نه با دشمنان شما، به راستی که من به بازگشت شما [به دنیا] ایمان دارم و به مخالفین و کشتندگان شما کفر می‌ورزم.^۱

در دعای عهد که امام صادق علیه السلام فرموده هر کس چهل روز صبح این دعا را بخواند از یاوران آن حضرت خواهد بود و اگر پیش از آمدن حضرت از دنیا برود، در زمان ظهور به دنیا باز خواهد گشت: «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاسِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْأَبَادِي»؛ (بار خدایا اگر مرگی که گریبان همه‌ی بندگان را خواهد گرفت، میان من و آن حضرت فاصله انداخت، مرا از قبرم دوباره بیرون آور، در حالی که کفنم را به کمر بسته و شمشیرم را از نیام برکشیده‌ام و نیزه‌ام را برافراشته‌ام و دعوت شما را در هر نقطه از زمین، چه در آب‌ها و خشکی‌ها لبیک می‌گویم).^۲

در زیارتی که از امام حسن عسکری علیه السلام برای امام حسین علیه السلام در روز سوم شعبان وارد شده است می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ... الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ... إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ»؛ (خدایا، تو را به حق [امام حسین علیه السلام] آن فرزندی که در این روز به دنیا آمد، کسی که پیش از ولادت و قبل از آن که صدای گریه‌ی او در این دنیا شنیده شود، خبر شهادت او داده شده بود... کسی که در زمان رجعت [بر دشمنان] ظفر می‌یابد... می‌خوانم و به سویت دست نیاز بلند می‌کنم).^۳

جناب ابوالقاسم حسین بن روح زیارتی نقل می‌کند که هرگاه در ماه رجب به زیارت

۱. مفاتیح الجنان: زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. مفاتیح الجنان: دعای عهد.

۳. مفاتیح الجنان: اعمال روز سوم شعبان.

یکی از قبور اهل بیت علیهم‌السلام برویم، خوانده می‌شود. در آن زیارت می‌خوانیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَاءِهِ فِي رَجَبٍ... وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ... حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ»؛ (سپاس خدایی را که در ماه رجب مرا توفیق داد تا یکی از قبور مطهر اولیانش را زیارت کنم... سلام و رحمت و برکت خداوند بر شما [خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] باد، امیدوارم دوباره به محضرتان شرفیاب شوم و روزگاری را که شما به دنیا رجعت می‌کنید بینم و سعادت حضور پیدا کنم و عاقبت در قیامت نیز در گروه شما محشور شوم).^۱

در زیارتی که امام زمان علیه‌السلام در توقیع شریف خود بدان دستور داده‌اند می‌فرماید: زمانی که اراده کردید به واسطه‌ی ما به سوی خداوند توجه کنید بگویید: «أُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ... رَجَعْتَكُمُ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»؛ (ای مولای من! تو را شاهد می‌گیرم که بدون شک، رجعت شما حق است و در آن روز دیگر ایمان آوردن برای کسی سودی نخواهد داشت مگر کسی که از قبل ایمان آورده باشد...)^۲.

در زیارت دیگری که برای امام زمان علیه‌السلام در حرم عسکرین نقل شده است می‌خوانیم: «بارالها رخسار مبارک ولی خود را در دنیا و آخرت به ما نشان ده، خدایامن با اعتقاد به رجعت در پیشگاه صاحب این بارگاه به تو ایمان دارم».^۳

امام صادق علیه‌السلام زیارتی طولانی را برای ائمه علیهم‌السلام نقل می‌کند که از راه دور می‌توان با آن اهل بیت علیهم‌السلام را زیارت نمود. در آن زیارت می‌خوانیم: «... مِنْ يَارِي خُودِ رَا بَرَايِ شِمَا ذَخِيرَه كَرْدَهَام تَا زِمَانِي كِه خُدَاوَنَد دِين حَقِيقِي وَ رَاسْتِين رَا حَاكَم كَنَد. دَر آن رُوز

۱. مفاتیح الجنان: زیارت رجبیه.

۲. مفاتیح الجنان: زیارت آل یاسین.

۳. مصباح الزائر: ص ۴۴۵.

من با شما خواهم بود، با شما، نه با دشمنان شما. من به برتری شما معتقدم و به رجعت شما ایمان دارم و قدرت خداوند را (در بازگرداندن مردگان) انکار نمی‌کنم و گمانم نمی‌رود جز به آنچه خداوند می‌خواهد». این دعا را شیخ طوسی در «مصباح» در اعمال روز جمعه آورده است.^۱

در زیارتی که در روز نیمه‌ی شعبان برای حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، خوانده می‌شود: «...اگر روزهای درخشان (ظهر) شما را دریافتم و پرچم برافراشته‌ی حکومت شما را درک کردم و سلطنت نیرومند شما را دیدم، پس مانند بنده‌ای در خدمت شما خواهم بود... ولی اگر پیش از ظهور شما از دنیا رفتم، شما را نزد خداوند عزوجل شفیع می‌کنم، و از خدا می‌خواهم که بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و مرا در ایام ظهور شما بازگرداند و در روزهایی که شما بر زمین حکومت می‌کنید مرا از قبر برانگیزد، تا با پیروی از شما به آرزوهایم برسم و دلم را با انتقام از دشمنان آرام کنم».^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کسی که زیارت «امین الله» را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا قبر یکی از اهل بیت علیهم السلام بخواند، در صندوقی از نور قرار داده می‌شود و به مهر رسول خدا صلی الله علیه و آله مهرور می‌شود. زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، این دعا را به ایشان می‌دهند و حضرت خواننده‌ی دعا را ملاقات نموده و او را تکریم نموده و بشارت می‌دهد.^۳

در زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام نیز آمده: «به بازگشت شما ایمان دارم و حکومت شما را قبول داشته و منتظر برپایی آن هستم و به بزرگی شما اعتراف می‌کنم».^۴

علاوه بر دعاها، روایات نیز در موضوع رجعت فراوان است، در این روایات علاوه

۱. مصباح المتعبد: ص ۲۵۳.

۲. مصباح کفعمی: فصل ۴۱ زیارات.

۳. مفاتیح الجنان: زیارت امین الله.

۴. بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۲۳۶.

بر رجعت ائمه علیهم‌السلام و مؤمنین، به رجعت برخی از کفار نیز اشاره شده است.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: زمانی که جدم حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به شهادت رسید، ملائکه به درگاه خدا صدا به شیون و ناله بلند کردند. خداوند به آنها وحی کرد: ای ملائکه‌ی من! آرام باشید، به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که به راستی از تمام آنها انتقام خواهم گرفت، هر چند مدت‌های طولانی گذشته باشد. آنگاه خدای عزوجل امامانی را که از فرزندان حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌آیند به ملائکه نشان داد که یکی از آنها ایستاده بود و مشغول نماز خواندن بود. آنگاه خداوند عزوجل فرمود: با این شخص که ایستاده است از آنها انتقام خواهم کشید.^۱

امام باقر علیه‌السلام در حدیثی خبر از بازگشت برخی زنان و مردانی می‌دهد که در صدر اسلام مرتکب جنایت‌های زیادی شده‌اند و به دست حضرت از آنان انتقام خواهم کشید.^۲ ابوذر غفاری روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: کسانی که در صدر اسلام با من جنگیدند و آنان که پس از من با اهل بیت من خواهند جنگید، در آخرالزمان دوباره می‌آیند و در لشکر دجال خواهند بود.^۳

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمود: به راستی که خداوند به حضرت امام حسین علیه‌السلام وعده داد تا دوباره او را به دنیا بازگرداند و با دست خود از کسانی که او را شهید نموده‌اند انتقام بگیرد.^۴

امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾^۵ (روزی فرا خواهد

۱. علل الشرایع: ص ۱۶۰.

۲. علل الشرایع: ص ۵۷۹. رک: انتقام.

۳. امالی طوسی: ص ۴۵۹.

۴. کامل الزیارات: ص ۶۳.

۵. نمل/۸۲.

رسید که از هر امتی گروهی را برانگیزانیم) فرمود: کسانی که گمان می‌کنند این آیه درباره قیامت است، در اشتباهند. این آیه درباره رجعت است، زیرا خداوند در روز قیامت گروهی را محشور نمی‌کند در حالی که گروهی دیگر را محشور نکرده باشد؛ بلکه آن آیه‌ای که درباره زنده شدن مردم در روز قیامت است، این است: ﴿وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾؛^۱ (آنان را دوباره برمی‌انگیزیم و حتی یک نفر از آنان را فروگذار نخواهیم کرد).^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گروهی که خداوند بر آنها عذاب نازل کرد و هلاکشان ساخت در زمان رجعت باز نمی‌گردند، بلکه در قیامت محشور خواهند شد؛ اما کسانی که ایمان خالص دارند و کسانی که کفر محض دارند و اقوامی که با عذاب الهی به هلاکت نرسیده‌اند، در رجعت برمی‌گردند.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: ... زمانی که ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرا رسد، آسمان چهل روز، از جمادی الثانی تا دهم ماه رجب، بارانی بی‌نظیر ببارد که کسی تا آن موقع مانندش را ندیده است، و خداوند با آن باران بدن مؤمنین را در قبرهایشان دوباره می‌رویاند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم که آنها از سوی «جهنمه»^۴ برانگیخته شده‌اند و گرد و غبار از سر و روی خود پاک می‌کنند.^۵

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: حضرت قائم علیه السلام از منطقه‌ای که در پشت کوفه قرار دارد، بیست و هفت نفر را زنده می‌کند؛ پانزده نفر از قوم موسی که مردم را به

۱. کف/۴۷.

۲. تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۴.

۳. تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۴.

۴. یکی از نواحی بصره است.

۵. ارشاد مفید: ج ۲ ص ۲۸۶.

سوی حق راهنمایی می‌کردند و به راه الهی می‌خواندند. هفت نفر اصحاب کهف هستند، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه أنصاری، مقداد و ملک اشتر؛ این بیست و هفت نفر در خدمت حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود و او را یاری خواهند کرد و از سوی او به امارت مناطق مختلف منسوب خواهند شد.^۱

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب شریف ایقاظ حدیثی را نقل فرموده که تمام قاتلین سیدالشهداء علیه السلام در کربلا دوباره زنده می‌شوند و به دست تک‌تک ائمه علیهم السلام و فرزندان ایشان به قتل می‌رسند امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که قیامت (صغری یعنی رجعت) فرارسد خداوند جایگاهی از نور برای حضرت فاطمه علیها السلام مهیا می‌نماید و امام حسین علیه السلام در حالی که سر مبارک خویش را به روی دست دارد به سوی او می‌رود. حضرت زهرا علیها السلام شیونی سوزناک سر می‌دهد... آنگاه خداوند به امام حسین علیه السلام را در بهترین شکل نمایان می‌کند و او قاتلین خود را به محاکمه می‌کشد. آنگاه خداوند تمام کسانی که او را کشتند و تمام افرادی که برای لشکر دشمنش تجهیزات فراهم می‌کردند و در شهادت او شرکت نمودند، حاضر می‌نماید و امام حسین علیه السلام تک‌تک آنها را تا آخرین نفر می‌کشد. سپس دوباره زنده می‌شوند و به دست امام حسن علیه السلام کشته می‌شوند، و همین‌طور تا آخرین نفر از فرزندان اهل بیت علیهم السلام، به دست خود انتقام می‌گیرند و آنها را شخصاً به قتل می‌رسانند. در این زمان خداوند ناراحتی آنان را برطرف می‌کند و اندوهشان پایان می‌پذیرد.^۲

علی بن ابراهیم قمی در کتاب تفسیر خود درباره آیهی ﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا

۱. ارشاد مفید: ج ۲ ص ۳۸۶.

۲. الايقاظ: ص ۲۳۸.

يُظْلَمُونَ^۱ روایت می‌کند: «در زمان رجعت هر ستمگری که حق آل محمد علیهم‌السلام را پایمال نموده، آرزو می‌کند که ای کاش تمام زمین برای او بود و آن را برای بازخرید خود می‌پرداخت تا از عذاب رهایی یابد، اما زمانی که می‌بینند عذاب روی آورده، پشیمانی خود را مخفی می‌کنند. در این هنگام در میان آن‌ها به عدالت قضاوت خواهد شد و به هیچ کس ستمی نمی‌شود.^۲»

در روایتی از رجعت با واژه‌ی «آخرت» یاد شده، زیرا نام دیگر رجعت قیامت صغری است. ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه‌السلام روایت می‌کند درباره آیه **﴿فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾**^۳ (اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان، روی‌گردان است و کبر می‌ورزند) فرمود: تاویل این آیه درباره کسانی است که به رجعت ایمان نمی‌آورند و آن‌ها کسانی‌اند که در دل کافرند و ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام را نمی‌پذیرند.^۴

در کتاب تفسیر قمی حدیث دیگری درباره رجعت دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام آمده است. در تاویل آیه **﴿وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾**؛ (ما اراده کردیم که به فرعون و هامان، آنچه را که از آن می‌ترسیدند و دوری می‌کردند نشان بدهیم) روایتی نقل می‌کند که منظور این آیه کسانی هستند که حقوق آل محمد علیهم‌السلام را غصب نمودند و خداوند آن‌ها و دشمنان آل محمد علیهم‌السلام را دوباره به دنیا برمی‌گرداند تا

۱. یونس/۵۴. هر انسان ستمگری به هنگام مشاهده‌ی عذاب، اگر تمام آنچه در زمین است را در دست داشت، حاضر بود آن را بپردازد تا از عذاب رهایی یابد، در آن هنگام پشیمانی خود را کتمان می‌کنند اما به عدالت میانشان قضاوت خواهد شد و بدان‌ها ظلمی نخواهد شد.

۲. تفسیر قمی: ج ۱ ص ۳۱۳.

۳. نحل/۲۲.

۴. تفسیر قمی: ذیل آیه نحل/۲۲.

رنج عذاب و کشته شدن دنیا بچشند.^۱

در احادیث بسیاری از بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا به عنوان «دابة الارض» یاد شده است. در قرآن نیز از این کلمه استفاده شده است. روایاتی که در تأویل این آیه آمده است حاکی از آن است که امیرالمؤمنین علیه السلام به این دنیا باز خواهد گشت و هر مؤمنی را نشان ایمان و هر کافری را نشان کفر می‌دهد. در این روایات برای حضرت چندین رجعت گفته شده است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: یا علی! هنگامی که آخرالزمان فرارسد، خداوند تو را در بهترین شمایل دوباره ظاهر خواهد کرد و تو چوب دستی‌ای همراه خواهی داشت که علامت کفر را برپیشانی دشمنانت حک خواهد نمود.^۳

در حدیثی امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: هر مؤمنی که کشته شده باشد، در رجعت زنده خواهد شد تا این که به مرگ طبیعی از دنیا برود و کسانی که ایمان آن‌ها خالص بوده و کفاری که کفر مطلق داشتند، باز خواهند گشت.^۴

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره آیه شریفه ﴿قَالُوا رَبَّنَا أُمَّتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾؛^۵ [زمانی که کفار در جهنم عذاب می‌شوند، به خداوند می‌گویند] پروردگارا! دوبار ما را زنده گردانیدی، اکنون به گناهانمان اعتراف می‌کنیم، آیا راهی هست که [با این اعتراف به گناه از آتش جهنم]

۱. تفسیر قمی: ذیل آیه قصص/۶.

۲. رک: دابة الارض.

۳. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۲۰.

۴. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۳۱.

۵. غافر/۱۱.

خارج شویم؟). فرمود: آیه درباره رجعت است.^۱

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ﴾^۲ (خواهی دید روزی را که ستم‌کاران وقتی عذاب را مشاهده می‌کنند، می‌گویند: آیا راه بازگشتی برای ما هست؟) فرمود: این آیه درباره کسانی است که در حق آل محمد صلی الله علیه و آله ستم روا داشتند، زمانی که آن‌ها در رجعت به دست علی بن ابی طالب علیه السلام به عذاب دچار می‌شوند، می‌گویند آیا می‌شود اکنون از دشمنی با اهل بیت علیهم السلام دست برداریم و جزو محبان علی بن ابی طالب علیه السلام شویم؟^۳

البته زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور کند دیگر در توبه بسته خواهد بود و توبه‌ای پذیرفته نیست، زیرا بعد از اتمام حجت‌ها دیگر راهی برای توبه نیست. کسانی که در دنیا ایمان نیاورده و با کفر از دنیا رفته‌اند، اکنون با اقرار به حق می‌خواهند خود را از عذاب وارسانند در حالی که مؤمنین در دنیا همواره از حق پیروی می‌کردند و به این خاطر همیشه مورد آزار و ستم کفار قرار می‌گرفتند، از این روست که برای کفاری که به دنیا رجعت می‌کنند توبه‌ای نخواهد بود. در احادیث مختلفی از بسته شدن باب توبه برای مردم، بعد از اتمام حجت‌ها و احتجاج‌ها سخن به میان رفته است و امام زمان علیه السلام پس از ظهور، ابتدا کفار را دعوت به حق می‌نماید و زمانی که نپذیرفتند، شمشیر در میان آن‌ها حاکم خواهد بود و توبه‌ای را هم قبول نخواهد کرد.^۴

پیرامون بسته شدن باب توبه در زمان رجعت، در تفسیر آیه ﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ... فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا

۱. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۵۶.

۲. شوری/۴۴.

۳. تفسیر قمی: ج ۳ ص ۲۷۸.

۴. رک: توبه.

رَأَوْا بَأْسَنَا»^۱ (او نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند... سپس زمانی که عذاب ما را می‌بینند، می‌گویند ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و به همه‌ی بت‌هایی که شریک خدا می‌گرفتیم کافر شدیم، اما ایمان آن‌ها زمانی که عذاب را مشاهده کردند سودی به حال آنان نخواهد داشت). یعنی خداوند امیرالمؤمنین و ائمه هدی علیهم‌السلام را در زمان رجعت بدان‌ها نشان می‌دهد، پس وقتی آن‌ها را می‌بینند، (از ظلم‌هایی که نسبت به آنان روا داشتند به واهمه می‌افتند و) توبه می‌کنند، اما این توبه سودی نخواهد داشت.^۲

خداوند در قرآن نیز از کفر درونی کافران حقیقی یاد کرده، آنان در هر صورت با دل و جان ایمان نمی‌آورند: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾^۳ (اگر آنان دوباره به زندگانی برگردند، [باز هم ایمان نخواهند آورد] و به همان [کفری] که ایشان را از آن بازداشته بودیم، باز می‌گردند).

امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ * إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ * يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾^۴ (گوش فراده به ندای نداکننده‌ای که روزی از جایگاهی نزدیک ندا خواهد داد، روزی که آشکارا آن صیحه را [همگان] می‌شنوند؛ آن روز، روز خارج شدن آن‌ها [از قبرها] است، بی‌تردید ما هستیم که زنده می‌گردانیم و می‌میرانیم و بازگشت‌ها به سوی ما خواهد بود؛ روزی که زمین با شتاب از روی [قبرها و جسدهای] آنان شکاف بردارد، و این زنده کردن آن‌ها برای ما کاری آسان است) فرمود: تأویل این آیه زمان رجعت خواهد بود.^۵

۱. غافر/ ۸۱ و ۸۴ و ۸۵.

۲. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۶۱.

۳. انعام/ ۲۸.

۴. ق/ ۴۲-۴۴.

۵. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۲۷.

امام صادق علیه السلام درباره تأویل آیه **﴿فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤْيَاءُ﴾**^۱ (به کافران مهلت بده، مدت کمی به آنان فرصت بده) فرمود: یعنی تا زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام به آنان مجال بده تا او بیاید و انتقام مرا از جنایت‌کاران و ستم‌کاران، از قریش و بنی‌امیه و سایر مردم بگیرد.^۲

داوود رقی یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بود و تا زمان امام جواد علیه السلام نیز زنده بود و در سال دویست و یک هجری، اندکی پس از شهادت امام رضا علیه السلام، از دنیا رفت. او کسی است که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوباره زنده خواهد شد.

امام صادق علیه السلام درباره او فرمود: به راستی داوود رقی از اصحاب حضرت قائم علیه السلام است.

در روایت دیگری داوود رقی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: من سنم بالا رفته و پیر و فرتوت شده‌ام؛ دوست دارم که عاقبت من با کشته شدن در راه محبت شما تمام شود! حضرت فرمود: بی‌تردید همین‌طور خواهد شد، اگر اکنون (به مرگ طبیعی از دنیا بروی و) نتوانی شهید شوی، حتماً در آخرالزمان (در رجعت تو) شهید خواهی شد.

امام صادق علیه السلام به داوود رقی نظری انداخت، در حالی که او داشت از محضر امام خارج می‌شد، آنگاه فرمود: هر کس که دوست دارد یکی از یاوران حضرت قائم علیه السلام را ببیند به این مرد نگاه کند.^۳

دیگر از افرادی که در رجعت بازخواهد گشت، یکی از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است. او «عبدالله بن شریک عامری» است که به «أبی محجل» معروف است و از امام سجاد و امام باقر علیه السلام روایت نقل نموده است. امام باقر علیه السلام درباره‌اش فرمود:

۱. طارق/۱۷.

۲. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۱۶.

۳. رجال کشی: ص ۴۰۷ - ۴۰۲.

گویا می‌بینم او را که دستاری سیاه رنگ به سر بسته و دو سر عمامه را بر دو کتف خود انداخته و در رکاب حضرت قائم اهل بیت علیهم‌السلام در بالا رفتن از کوهی تلاش می‌کند. چهار هزار نفر تکبیر گویان همراه او هستند.^۱

امام صادق علیه‌السلام فرمود: من از خداوند خواستم که اسماعیل، فرزندم را پس از من زنده نگاه دارد، اما خداوند (به جای این دعا) رتبه‌ی دیگری به او عنایت فرمود؛ او اولین نفری است که از یک گروه ده‌نفری در زمان رجعت زنده می‌شوند و به یاران حضرت می‌پیوندد. یکی دیگر از این گروه عبدالله بن شریک عامری است که پرچمدار حضرت قائم علیه‌السلام است.^۲

در روایت دیگری عبدالله بن عجلان نیز یکی دیگر از اصحاب امام صادق علیه‌السلام نیز از کسانی معرفی شده است که در زمان ظهور حضرت رجعت خواهد کرد.^۳

میسر بن عبدالعزیز نیز از جمله یاران امام صادق علیه‌السلام است که اهل بیت علیهم‌السلام بسیار او را ستوده‌اند و او در زمان رجعت باز خواهد گشت و جزو یاران حضرت مهدی علیه‌السلام خواهد بود. او در زمان امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفت.^۴

امام صادق علیه‌السلام درباره نجم ابن أعین نیز فرمود: به راستی او از کسانی خواهد بود که در زمان رجعت بازمی‌گردد و در رکاب حضرت می‌جنگد.^۵

مفضل می‌گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام از حضرت قائم علیه‌السلام و کسانی که در انتظار او از دنیا رفتند، به میان آمد؛ حضرت فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه‌السلام قیام نماید، شخصی

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۷۶.

۲. رجال کنی: ص ۲۱۷.

۳. رجال کنی: ص ۲۴۳.

۴. رجال العلامه: ص ۲۷۹.

۵. رجال علامه: ص ۲۸۶.

نزد مؤمن در قبرش آمده و می‌گوید: ای مؤمن، صاحب تو (حضرت ولی عصر علیه السلام) ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او پیوندی، پس برخیز و به او ملحق شو و اگر دوست داری که در نعمت‌های خداوندی باقی بمانی، پس بر جای خود بمان.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: تمام مؤمنین یک بار کشته می‌شوند و یک بار می‌میرند، هر کسی که اول کشته شده باشد، دوباره (در رجعت) زنده می‌شود، تا به مرگ طبیعی بمیرد و هر کسی که قبلاً به مرگ عادی از دنیا رفته باشد، دوباره برانگیخته شده تا به شهادت برسد. بدانید که تمام نیکوکاران و بدکاران این امت دوباره زنده می‌شوند، ولی مؤمنین به چشم روشنی زنده می‌شوند و ستم‌کاران برای عذاب الهی باز می‌گردند، و این معنی آیه **﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾**^۲ است. (یعنی: و ما به راستی عذاب کوچک‌تر را بیش از عذاب بزرگ‌تر به آن‌ها خواهیم چشاند).

ما به این مضمون احادیث زیادی داریم، اما این روایت عام است و با روایتی که قبلاً ذکر شد تخصیص می‌خورد، یعنی فقط کسانی زنده می‌شوند که در کفر و ایمان خالص باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با امام حسین علیه السلام دوباره به دنیا بازخواهند گشت و حضرت علی علیه السلام پرچم امام حسین علیه السلام را به دست می‌گیرد و از بنی‌امیه و معاویه و آل معاویه انتقام می‌گیرد. سپس از کوفه سی هزارتن از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام زنده می‌شوند و هفتاد هزار نفر نیز از مردم (که با حضرت دشمن بودند) زنده شده و با هم در ناحیه صفین به جنگ می‌پردازند، مانند جنگ صفین که حضرت علی علیه السلام انجام داده بود، و احدی از آنان زنده نخواهد ماند.^۳ امیرالمؤمنین علی

۱. غیبت طوسی: ص ۴۵۸.

۲. سجده / ۲۱.

۳. مختصر البصائر: ص ۱۲۰.

بن ابی طالب علیه السلام رجعت دیگری نیز خواهد داشت. در آن رجعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله باز خواهد گشت، او خلیفه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمین خواهد شد و خداوند تمام دنیا را تحت سلطنت او قرار می‌دهد تا وعده‌ی خدا محقق شود، همان وعده‌ای که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱ (او خدایی است که پیامبر خود را برای هدایت و اعلام دین حق مبعوث نمود و تا این که دین حق را بر تمام ادیان غلبه دهد، هرچند مشرکین را خوش نیاید)

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام فرمود: چقدر عجیب است! اینکه مردگانی از گور برخاسته و زنده شوند و چندین بار بمیرند و زنده شوند، شمشیر کشیده و بر ستمکاران و پیروان آن‌ها بزنند، تا این که وعده‌ی الهی به حقیقت پیوندد (و سرتاسر زمین به توحید ایمان آورند و از شرک و کفر خبری نباشد)^۲

آبان می‌گوید: نزد ابوالطفیل در منزلش بودم. او برای من حدیثی نقل کرد که جماعتی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر، در زمان رجعت بازخواهند گشت، و سلمان و مقداد و ابوذر و ابی‌ابن کعب نیز رجعت خواهند کرد. من این حدیث را نزد امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام گفتم. حضرت فرمود: این علمی است که مخصوص ما اهل بیت علیهم السلام است و هیچ کس از امت رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و انکار کند، بلکه باید علم آن را به خدا واگذار کند. سپس حضرت فرمود: آنچه شنیدی درست است، و آنقدر برای من از این‌گونه احادیث فرمود و آن را تفسیری روشن نمود، که اکنون من به رجعت مانند قیامت یقین دارم.^۳

۱. توبه: ۳۳.

۲. مختصر البصائر: ص ۱۳۰.

۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ج ۲ ص ۵۶۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: سه روز از روزهای الهی به شمار می‌رود: روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، روزی که رجعت کنندگان زنده شوند و به دنیا بازگردند و روز قیامت.^۱

امام صادق علیه السلام در حدیثی به بازگشت دو تن از اصحاب خویش اشاره کرده و فرمودند: گویا می‌بینم که حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز در بین صفا و مرده با شمشیر با دشمنان می‌جنگند.^۲

در روایت مفصلی مفضل از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: مولای من! آیا آن هفتاد و دو نفری که با امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، رجعت می‌کنند و با حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود؟ حضرت فرمود: «بله، آنها خواهند آمد و امام حسین علیه السلام نیز با دوازده هزار نفر از شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام رجعت می‌کند. آنگاه دابة الارض (یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام) از میان رکن و مقام به دنیا باز می‌گردد و بر روی مؤمن نشان ایمان و بر روی کافر، نشان کفر می‌زند. سپس حضرت مهدی علیه السلام دو نفر از دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله (جبت و طاغوبت) را از قبر خارج می‌کند و آنان را به إذن خدا زنده می‌گرداند و مردم را جمع نموده و ستم‌های آنان را یک‌یک می‌شمرد و از آنان اقرار می‌گیرد و آنها نیز بدان ظلم‌ها اعتراف می‌کنند، سپس حضرت دستور می‌دهد تا به قصاص تمام جنایت‌هایی که کرده‌اند، مجازات شوند. آنگاه حضرت آنان را بر درختی به دار می‌آویزد.

مفضل عرض کرد: مولای من! آیا این عذاب‌ها، آخرین جزای آنان خواهد بود؟ حضرت فرمود: هرگز! ای مفضل، به خدا سوگند به راستی آنان دوباره برخواهند گشت

۱. خصال: ص ۱۰۸.

۲. مختصر البصائر: ص ۱۱۰.

و سید اکبر حضرت محمد ﷺ و صدیق اعظم حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین و ائمه علیهم السلام رجعت خواهند کرد و هر کسی که در ایمان و یا کفر خالص باشد نیز برخواهد گشت، و تمام آن‌ها این دو نفر را برای تمام ستم‌ها قصاص می‌کنند. در آن روزها حضرت آنان را در هر روز هزار بار زنده می‌کند و باز کشته می‌شوند... سپس حضرت فرمود: اگر شیعیان ما در قرآن تدبر کنند، در برتری ما اهل بیت شک نخواهند کرد. آیا منکرین رجعت سخن خداوند در قرآن را نشنیده‌اند که می‌گوید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۱ (ما اراده کردیم، کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند، پیشوایان مردم شوند و ملک زمین را به ارث ببرند، همچنین خواستیم که آنان را در روی زمین به قدرت برسند و فرعون و هامان و لشکریانش را به همان سزایی دچار کنیم که از آن می‌ترسیدند). ای مفضل به خدا سوگند، این آیه درباره بنی اسرائیل نازل شده، ولی تأویل آن درباره ماست و فرعون و هامان در این آیه، همان دو نفری هستند که حضرت از قبر بیرون می‌کشد. سپس یک‌یک ائمه علیهم السلام نزد رسول خدا ﷺ می‌آیند و از قاتلین خود و کسانی که به آن‌ها ظلم کرده‌اند به او شکایت می‌کنند.

مفضل از حضرت سؤال کرد: معنای آیه سی و سوم سوره توبه چیست؟ حضرت امام صادق علیه السلام پاسخ داد: حقیقتاً خداوند دین خود را بر تمام ادیان در زمان رجعت غلبه خواهد داد.

در چند ماه پایانی آخرین سال غیبت، حوادث بسیاری رخ خواهد داد. در ماه جمادی الثانی و رجب نیز گروهی رجعت خواهند کرد. از اهل بیت علیهم السلام روایاتی نقل

شده که در آن از بازگشت این افراد اظهار تعجب نموده‌اند و فرموده‌اند «العجب کل العجب بین الجمادی و الرجب» یعنی چه حادثه‌ی شگفتی در ماه جمادی و رجب اتفاق خواهد افتاد، حادثه‌ای بسیار عجیب.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی می‌فرماید: ... دابة الارض به دنیا رجعت می‌کند و به سوی روم می‌رود. اصحاب کهف زنده می‌شوند و روم فتح می‌شود صدیق اکبر (یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام) پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار را برمی‌دارد و دوباره به شهری که بدان هجرت نموده بود - یعنی کوفه - می‌رود... در آن روز تعداد یاران او سیصد و سیزده نفر است؛ هفت نفر از بنی اسرائیل‌اند و هفتاد نفر از کسانی هستند که در شب هجوم قریش به رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه، از او محافظت می‌کردند و بیست نفر از اهالی یمن هستند و مقداد هم در میان آنان است، دویست و چهارده نفر که در کنار ساحل دریا می‌زیستند و زمانی که خداوند پیامبری برای آنها فرستاد و همگی به او ایمان آوردند، علاوه بر این سیصد و سیزده نفر، هفتاد نفر از جنیان با او خواهند بود.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنین زمانی که می‌میرند و در قبر نهاده می‌شوند، دری از درهای بهشت به رویشان گشوده می‌شود. آنان در بهشت رضوی به دیدار آل محمد علیهم السلام می‌روند و از غذاها و نوشیدنی‌های آنان می‌خورند و با آنان به گفتگو می‌نشینند. حال آنها بدین منوال خواهد بود تا زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، سپس خداوند آنان را دوباره زنده خواهد کرد و به دنیا باز خواهند گشت و لبیک گویان گروه گروه نزد حضرت مهدی علیه السلام می‌آیند...^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: اولین کسی که به دنیا رجعت می‌نماید حضرت حسین بن

۱. رک: رجب.

۲. مختصر البصائر: ص ۴۷۲.

۳. کافی: ج ۳ ص ۱۳۱.

علی علیه السلام و یاران او، یزید و یاران او هستند. امام حسین علیه السلام، یزید و یزیدیان را می‌کشد، همان گونه که ایشان را شهید کردند. سپس حضرت امام صادق علیه السلام ای آیه را تلاوت فرمود: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾^۱ (ما دوباره شما را علیه آنان به دنیا باز می‌گردانیم و با فرزندان و اموال شما را یاری می‌کنیم و گرهو شما را فزون‌تر از گروه آنان قرار خواهیم داد).^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و متعه را حرام بداند، جزو شیعیان ما اهل بیت نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾؛ (ما در کتاب گفتیم که بنی‌اسرائیل دوبار در روی زمین فساد خواهند کرد) تاویل این آیه (در امت رسول خدا) شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام و مجروح ساختن امام مجتبی علیه السلام است. سپس خداوند می‌فرماید: «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوجًا كَبِيرًا»؛ (پس شما خود را بزرگ دانستید و به برتری جویی بزرگی دچار شدید)، این آیه اشاره به شهادت امام حسین علیه السلام دارد. «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوجًا كَبِيرًا»؛ (پس زمانی که موعد اولین وعده‌ی آنان رسید) یعنی زمانی که وقت یاری حسین بن علی علیه السلام فرا رسید «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»؛ (بندگان سخت‌پیکار و نیرومند خود را ضد شما برانگیختیم که [شما را] در میان خانه‌ها جستجو کنند) یعنی خداوند امام حسین علیه السلام و اهل بیت را دوباره در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده می‌کند تا انتقام تمام کسانی که خونی از آل محمد علیه السلام به گردن آنهاست به قتل

۱. اسرا / ۶.

۲. تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۲۸۳.

برسانند، «وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»؛ (همانا وعده‌ی الهی انجام خواهد شد) یعنی حتماً حضرت قائم علیه السلام قیام می‌نماید «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ»؛ (آنگاه ما شما [مؤمنین] را ضد آنها [یعنی کسانی که به شما ظلم نمودند] برمی‌انگیزیم) یعنی امام حسین علیه السلام با هفتاد نفر از یاران او را به دنیا باز می‌گردانیم. آنها در حالی که حضرت قائم علیه السلام پیش روی آنهاست به مردم می‌گویند: این حضرت امام حسین بن علی رضی الله عنه است که در میان شما ظاهر شده است تا هیچ مؤمنی شک به دل راه ندهد. بدانید که او (حقیقتاً ظاهر شده) و او نه دجال و دروغ‌گو است و نه شیطان است (که با سحر اموری غیر واقعی را برای شما واقعی جلوه دهد). سس زمانی که مردم به یقین دانستند که او همان امام حسین علیه السلام است، حضرت مهدی علیه السلام از دنیا خواهد رفت و امام حسین علیه السلام متولی غسل و کفن و حنوط و دفن آن حضرت می‌شود. زیرا این گونه امور درباره امام باید حتماً به دست یک امام دیگر انجام می‌گیرد.^۱

اسماعیل نام پیامبری از پیامبران الهی است که نام او در قرآن کریم آمده است: ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا﴾^۲ (در این کتاب اسماعیل را یاد کن که در پیمان‌ش بسیار راستگو بود و او از فرستادگان و پیامبران الهی بود). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: این اسماعیل، پسر حضرت ابراهیم خلیل الرحمان نسبت بلکه فرزند حزقیل است و از انبیای الهی است، زیرا اسماعیل فرزند ابراهیم، پیش از ابراهیم از دنیا رفت. اسماعیل بن حزقیل را خداوند برای هدایت قومش به پیامبری مبعوث نمود، اما قوم او قبول نکردند و پوست صورت او را کردند و سپس او را به قتل رساندند. خداوند غضب کرد و ملکی از ملائکه‌ی عذاب، به نام

۱. رک: تفسیر قمی و تأویل الآیات: ذیل تفسیر آیه چهارم تا ششم سوره اسراء.

۲. مریم / ۵۴.

سظاطائیل را به نزد او فرستاد. آن ملک به جناب اسماعیل بن حزقیل گفت: ای اسماعیل خداوند مرا فرورستاده تا اگر مایل باشی قومت را به انواع عذاب مجازات کنم. اسماعیل بن حزقیل به او گفت: خیر، نمی‌خواهم اکنون عذاب شوند. خداوند به او وحی نمود، پس چه می‌خواهی ای اسماعیل؟ اسماعیل بن حزقیل گفت: بارالها تو از همگان بر ربوبیت خود و پیامبری محمد ﷺ و جانشینان او پیمان گرفتی. تو به پیامبرت خبر دادی که امتش پس از او با حسین بن علی ﷺ چه خواهند کرد؛ تو به حسین بن علی ﷺ وعده دادی که او را دوباره به دنیا بازگردانی تا با دست خد از کسانی که با او به جنگ برخاستند انتقام بگیرد. خدایا اکنون من نیز می‌خواهم که مرا پس از مرگ دوباره به زندگی دنیا برگردانی تا از کسانی که با من این‌گونه رفتار کردند انتقام بگیرم، همان‌گونه که حسین بن علی ﷺ به دنیا باز می‌گردد. خداوند هم به اسماعیل بن حزقیل وعده داد که او را با حسین بن علی ﷺ به دنیا بازگرداند.^۱

﴿وَ إِذِ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۲ (هنگامی که خداوند از تمام پیامبران پیمان گرفت که هرگاه کتاب الهی و حکمت بر شما نازل شد و در پایان [سلسله نبوت] پیامبری آمد که تمام شما و کتاب‌های آسمانی شما را تصدیق کرد، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید). امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: خداوند هیچ پیامبری را از حضرت آدم تا جناب خاتم به پیامبری برنگزید مگر این که دوباره به دنیا باز می‌گردد و به یاری رسول خدا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌پردازد...^۳

۱. تفسیر قمی و تأویل الایات: ذیل آیه پنجاه و چهارم سوره مریم.

۲. آل عمران / ۸۱.

۳. تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۵.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: به خدا سوگند مردی از ما اهل بیت خواهد بود که پس از مرگ خود (بازگشته) و سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد. جابر عرض کرد: این واقعه چه زمانی رخ می‌دهد؟ حضرت فرمود: پس از اینکه حضرت قائم علیه السلام از دنیا رفت. جابر پرسید: حضرت قائم علیه السلام چه مقدار پس از ظهور باقی خواهد بود؟ فرمود: نوزده سال، پس از او امام حسین علیه السلام به خون خواهی خود و اصحابش برمی‌خیزد و تمام قاتلین کربلا را می‌کشد و پس از او امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام خواهد آمد.

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِكَ إِلَيْهِ مَعَادٍ﴾^۱ (همانا کسی که قرآن را بر تو

واجب کرد، تو را به میعادگاه نیز باز می‌گرداند). امام سجاده علیه السلام درباره این آیه فرمود: پیامبر شما و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام دوباره در زمان رجعت باز خواهند گشت.^۲

در روایت دیگری فرمود: آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۳

(همانا ما فرستادگان خود و کسانی که در دنیا به آنان ایمان آورده‌اند، یاری خواهیم کرد) درباره رجعت است، زمانی که پیامبر صلوات الله علیه و تمامی ائمه هدی علیهم السلام زنده شوند. امام صادق علیه السلام هم درباره این آیه شریفه فرمود: به خدا سوگند این آیه در زمان رجعت خواهد بود. مگر ندیدید که انبیا و ائمه علیهم السلام در دنیا یاری نشدند و به قتل رسیدند؟ آنها همه در رجعت یاری می‌شوند.^۴

در کتاب تفسیر قمی درباره دو آیه ذیل چنین آمده است:

۱. قصص / ۸۵.

۲. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۴۷.

۳. غافر / ۵۱.

۴. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۵۸.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾^۱ (ما به انسان توصیه نمودیم که به پدر و مادرش نیکی کند، زیرا مادرش او را با رنج و سختی به دنیا آورد). ﴿وَوَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۲ (ما اراده کردیم بر کسانی که در زمین نا توان به حساب آمدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم قرار داده و آنها را وارثان زمین قرار دهیم و در دنیا قدرت‌مندشان گردانیم). تاویل این دو آیه درباره امام حسین علیه السلام است زیرا خداوند پیش از ولادت آن حضرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت داد که امامت تا روز قیامت در ذریه و فرزندان او خواهد بود. سپس به رسول خدا گفت که چگونه او دچار مصیبت می‌شود و خود و فرزندان او در کربلا به شهادت می‌رسند. آن‌گاه خداوند به جای این شهادت منصب امامت را در اولاد او قرار داد و در زمان رجعت او را به دنیا بازخواهد گرداند و به یاری خداوند تمام دشمنانش را به قتل خواهد رساند و او مالک و پادشاه زمین خواهد شد. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبرش بشارت داد که اهل بیت او مالک تمام زمین خواهند شد و دوباره به دنیا باز رجعت خواهند کرد از دشمنانشان انتقام گرفته و آنان را به قتل برسانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به حضرت فاطمه علیها السلام خبر شهادت امام حسین علیه السلام را داد، حضرت زهرا علیها السلام نیز با شنیدن این خبر امام حسین علیه السلام را با اندوه باردار شد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آیا دیده‌ای به کسی بشارت دهند که صاحب فرزندی پسر شده و او غمگین شود، زیرا وقتی خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السلام به مادرش فاطمه علیها السلام داده شد، غمگین و اندوهناک گشت.^۳

۱. احقاف/۱۵.

۲. قصص / ۵-۶.

۳. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۹۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: در رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا باز می‌گردد و دشمنان او نیز زنده می‌شوند و حضرت با چوب دستی‌ای که در دست دارد مانند چهارپایان بر آنها داغ می‌نهد و علامت کفر بر لب و بینی آنان می‌گذارد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: امام حسین علیه السلام پیش از آنکه به شهادت برسد، یاران خود را جمع نمود و بدان‌ها فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای فرزندم! تو را به سوی عراق روانه خواهند کرد و به شهادت خواهی رسید و گروهی از اصحاب تو نیز همراهت شهید می‌شوند، آنان درد ضربت شمشیر را حس نمی‌کنند، مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، وقتی او را در میان آتش انداختند خداوند به آتش دستور داد که بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت باش! شما نیز درد جنگ برایتان سرد و سلامت خواهد بود. پس بشارت دهید که به خدا سوگند با کشته شدن ما به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهیم رفت. ما در بهشت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله تا زمانی که خداوند بخواهد باقی خواهیم بود. سپس (در زمان رجعت) من اولین کسی هستم که زمین شکافته می‌شود و بیرون می‌آید، در حالی که امیرالمؤمنین نیز رجعت نموده و حضرت قائم علیه السلام قیام کرده است. آنگاه حضرت عیسی علیه السلام با گروهی که هیچ وقت بر روی زمین نیامده‌اند، از آسمان نازل می‌شوند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و سپاهیان از ملائکه نزد من می‌آیند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و من و برادرم و تمام کسانی که خداوند منت بر آنها نهاده، بر مرکب‌هایی آسمانی و شترهایی از نور سوار می‌شویم، مرکب‌هایی که تا کنون هیچ مخلوقی بر آنها سوار نشده است. سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرچم خود را برافراشته می‌کند و آن پرچم را به همراه شمشیرش به حضرت قائم علیه السلام می‌دهد. در آن روز من هر چقدر خدا بخواهد در زمین زندگی

خواهم کرد. خداوند در آن روز از مسجد کوفه چشمه‌ای از طلا و چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از شیر ظاهر می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می‌دهد و مرا به سوی شرق و غرب عالم روانه می‌کند. من نیز به هر دشمنی که می‌رسم او را می‌کشم و تمام بت‌ها را آتش می‌زنم و نابود می‌کنم و هند را فتح خواهم کرد.

حضرت دانیال و یونس علیهم السلام رجعت می‌کنند و نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و خداوند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تصدیق می‌کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آنان را به همراه هفتاد نفر به سوی بصره روانه می‌کند و آن‌ها دشمنان حضرت را به هلاکت می‌رسانند و امیرالمؤمنین علیه السلام لشکری را به سوی روم می‌فرستد و آن‌جا را فتح می‌نماید.

در آن روز هر حیوان حرام‌گوشتی را خواهم کشت تا در روی زمین جز پاکیزه‌گان باقی نمانند. در آن روزگار تمام یهودیان و نصرانیان و کسانی که مسلمان نیستند را نزد من آورده و من به آنان می‌گویم: یا مسلمان شوید یا این که کشته خواهید شد. اگر ایمان آورند باقی می‌مانند و اگر مسلمان نشوند کشته می‌شوند. در آن روز فرشتگان از سوی خدا بر تمام شیعیان ما نازل می‌شوند که غبار از چهره‌ی آنان بزدایند و حوران بهشتی جایگاهشان را در بهشت بدانها نشان می‌دهند. در آن زمان بر روی زمین هیچ فرد کور یا فلج یا مریضی باقی نخواهد ماند مگر این که خداوند بلا را از او به برکت ما اهل بیت برخواهد داشت. برکت‌ها از آسمان و زمین فرو می‌ریزد به گونه‌ای که درخت چندین برابر میوه خواهد داد و مردم میوه‌های تابستانی را در زمستان برداشت می‌کنند و میوه‌های زمستانی را در تابستان هم می‌چینند و این تاویل سخن خداست که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا﴾؛ (اگر مردم حجاز ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، ما نیز برکات را از آسمان و زمین بر

آنان می‌گشودیم، اما آنان دروغ گفتند و ایمان نیاوردند). در آن روز خداوند به شیعیان ما چنان لطف خواهد کرد که هیچ در روی زمین از آنان پوشیده نخواهد بود.^۱

امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: در آخرالزمان بدنی در میان قرص خورشید دیده می‌شود و ندا کننده‌ای صدا می‌زند، این امیرالمؤمنین است که رجعت نموده و ظالمین را به هلاکت خواهد رساند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: اولین شخصی که دوباره به دنیا بازمی‌گردد و رجعت می‌نماید، امام حسین علیه السلام است، آنقدر در زمین خواهد ماند که ابروهای مبارکش از پیزی بر چشم‌های او خواهد افتاد.^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر امامی در زمان خود، هنگام ظهور با تمام مردمانیک و بد روزگار خود رجعت خواهد کرد، مؤمن و کافر مشخص شود. (البته افراد خوب و بدی زنده می‌شوند که در خوبی و بدی کامل باشند) و در حدیث دیگری فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام چندین بار رجعت خواهد کرد و یاران او نیز همراه او خواهند بود و با شیطان و لشکر او جنگی بسیار سخت خواهند کرد. آن‌گاه رسول خدا نازل می‌شود و به شیطان ضربتی می‌زند که با تمام یارانش هلاک می‌شود. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد. در آن روزگار برای هر شیعه‌ای هزار فرزند از صلب او به دنیا خواهد آمد.^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی مفصل فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: ^۵ ما از تمام

۱. الخرائج والجرائح: ج ۲ ص ۸۴۸.

۲. غیبت طوسی: ص ۴۴۰.

۳. مختصر البصائر: ص ۹۱.

۴. مختصر البصائر: ص ۱۱۶ - ۱۱۵.

۵. آل عمران / ۸۱.

انبیا پیمان گرفتیم که به حضرت محمد ﷺ ایمان آورده و او را یاری کنند. خداوند آنان را در زمان رجعت دوباره زنده خواهد کرد و همه‌ی آنها مرا یاری خواهند کرد و زمین از شرق تا غرب در تصرف من در خواهد آمد. سپس حضرت فرمود: من چندین رجعت پیایی خواهم داشت، من صاحب اقتدار و قدرت کوبنده هستم، من صاحب حکومتی عجیب (در زمان رجعت) خواهم بود، من دابة الارض هستم و عصا و میسم که با آن نشان کفر و ایمان بر چهره‌ی کافران و مؤمنین گذاشته می‌شود از آن من است.

امام صادق علیه السلام فرمود: امام حسین علیه السلام در میان اصحاب خود که در کربلا شهید شدند رجعت خواهد کرد و هفتاد پیامبر که با موسی بودند او را همراهی می‌کنند. حضرت قائم علیه السلام خاتم (امامت) را به او تسلیم می‌کند و پس از این که از دنیا رفت امام حسین علیه السلام عهده‌دار غسل و کفن و حنوط و دفن حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.^۱

﴿يَوْمَ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾^۲ (روزی که اندازه‌ی آن پنجاه هزار سال است). امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: این در زمان رجعت رسول خدا ﷺ است. رسول خدا در رجعت خود پنجاه هزار سال حکومت خواهد کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در رجعت چهل و چهار هزار سال سلطنت خواهد می‌کند.^۳

مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: می‌بینم روزی را که تختی از نور نهاده‌اند و سایه‌بانی از یاقوت سرخ، آراسته به جواهر بر فراز آن قرار داده‌اند و امام حسین علیه السلام بر آن سریر می‌نشیند. اطراف او نود هزار سایبان سبز زده‌اند؛ و مؤمنین را می‌بینم که به دیدار او می‌روند و بر او سلام می‌کنند. خداوند در آن روزها به آنان می‌گوید: ای دوستان من، هر چه دوست دارید از من بخواهید، زیرا شما بسیار آزار و سختی و ذلت

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۰۴.

۲. معارج / ۴.

۳. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۰۴.

تحمل نمودید. امروز هر حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت را از من بخواهید آن را به شما خواهم داد. در آن روز تمام غذاها و نوشیدنی‌های آنان از بهشت برایشان آورده می‌شود.^۱

از جمله کسانی که در زمان رجعت زنده می‌شوند و به کیفر جنایت‌های خود می‌رسند. نمرود، فرعون، هامان (وزیر فرعون)، قارون، ضحاک، بخت النصر، گروهی از عموزاده‌ها حضرت مهدی علیه السلام که بدعت‌گذاری کرده و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله را نابود کردند، گروهی از قریش که با ظلم و ستم به سلطنت رسیدند و... هستند.^۲

رُحْبَه

رحبه شهری است که حدوداً هیجده کیلومتر با کوفه فاصله دارد، در آخرالزمان و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، این شهر مورد هجوم لشکر سفینی قرار خواهد گرفت و سپس حضرت به این شهر خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: گویا سفیانی یا یکی از امیران اوست که به رحبه آمده و در آنجا اردو زده است. جارچی سفیانی ندا می‌دهد: هر کسی که سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می‌گیرد. در این حال برخی از مردم سر همسایه‌ی خود را از تن جدا می‌کنند و برای گرفتن جایزه از نزد او می‌برند. در آن روز کسانی که بر شما (در رحبه) حکومت می‌کنند همگی اولاد نامشروعند و گویا می‌بینم که مردی نقاب بر چهره زده و شما را تک‌تک به دام می‌اندازد، او مردی زنازاده است...^۳

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام پس از قیام به رحبه

۱. کامل الزیارات.

۲. یأتی: ص ۶۴۱. در موضوع رجعت از کتاب شریف «الأیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة» تألیف «محمد بن الحسن

الحر العاملی» استفاده زیادی شده است، ما اکثر مطالب این بخش را از این کتاب نقل نموده‌ایم.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۵.

خواهد آمد. او با پای مبارکش به جایی اشاره می‌کند و می‌فرماید این جا را حفر نمایید. وقتی آن قسمت را حفر می‌کنند، دوازده هزار زره، شمشیر و کلاه خود از آن مکان بیرون می‌آورند. سپس حضرت مهدی علیه السلام دوازده هزار نفر از غلامان عرب و عجم را جمع می‌کند و آن لباس‌های رزم را بر تن آنان می‌پوشاند و می‌فرماید هر کسی که چون شما (و بر مذهب و مرام شما) نبود به قتل برسانید.^۱

رضوی

رضوی ! کوهی است که بین مکه و مدینه قرار گرفته است. در دعای شریف ندبه از این کوه به عنوان محل اقامت حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. «لَيْتَ شِعْرِي، ... أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرِي، أِبْرَضُوى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوى»؛ (کاش می‌دانستم که در کدامین سرزمین اقامت داری، آیا در رضوی هستی یا جای دیگر یا در ذی طوی به سر می‌بری). این کوه به همراه منطقه‌ی ذی طوی یکی از مکان‌هایی است که قطعاً حضرت در آن‌ها آمد و شد دارد.

عبدالأعلى می‌گوید: با امام صادق علیه السلام به مسافرت رفتیم، زمانی که به منطقه‌ی «روحا» رسیدیم. امام علیه السلام به گوهی که در آن ناحیه بود نظر انداخت و فرمود: این کوه را ببین، نام آن رضوی است. این کوه از کوه‌های فارس بود، اما چون ما را دوست داشت خداوند آن را به سوی ما منتقل نمود. در این کوه هر میوه‌ی خوش مزه‌ای وجود دارد و برای کسی که (از کینه‌ی دشمنان و دسیسه‌ی آنان) می‌ترسد (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) پناهگاه خوبی است. صاحب الامر علیه السلام در این کوه دو غیبت خواهد داشت که یکی کوتاه و دیگری طولانی خواهد بود (که به غیبت صغری و غیبت کبری مشهور است).

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۷ و یاتی: ص ۵۵۳.

رکن و مقام^۱

رکن ظلعی از کعبه است که سنگ حجرالاسود در آن نصب است و مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بر روی آن می‌ایستاد و دیوار خانه‌ی کعبه را می‌ساخت. نقش پای مبارک حضرت ابراهیم علیه السلام بر این سنگ نقش بسته است، و اکنون این سنگ در پنجره‌ای در مسجد الحرام نصب است.

ام‌سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: سیصد و سیزده نفر یاران قائم علیه السلام در میان رکن و مقام با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد...^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: گویا می‌بینم که حضرت مهدی علیه السلام میان رکن و مقام با مردم بیعت می‌کند و از آنان بر کتاب جدید میثاق می‌گیرد و این بر عرب بسیار ناگوار می‌آید.^۳

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: (در آن روز) حضرت مهدی علیه السلام در پشت مقام ابراهیم است و به نام او ندایی بلند می‌شود، (یاران او) نزد ایشان می‌آیند و می‌گویند: چه انتظار داری؟ سپس دست ایشان را می‌گیرند با او بیعت می‌کنند.^۴

امام عسکری علیه السلام به فرزند خویش می‌فرماید: فرزندم... گویا تو را در میان رکن و مقام می‌بینم که در حرکت هستی و پرچم‌های زرد و سفیدی برفراز سرت به اهتزاز است و گروهی دست به سویت دراز می‌کنند تا با تو بیعت کنند.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا با چشم خویش می‌بینم که حضرت قائم علیه السلام با پای برهنه در سرزمین «ذی طوی» ایستاده و مانند حضرت موسی علیه السلام نگران و منتظر است

۱. ر.ک: بیعت، نفس زکیه، مسجد الحرام.

۲. یأتی: ص ۱۳۶.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۶۳.

۴. همان.

۵. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۵.

که به مقام ابراهیم بیاید و دعوت خود را اعلام نماید.^۱

در حدیثی امام باقر علیه السلام به سوی سرزمین «ذی طوی» اشاره می‌نماید و می‌فرماید: ... در این سرزمین چهل نفر از یاران حضرت قائم علیه السلام جمع می‌شوند و یک شب قبل از ظهور حضرت برخی از آنان خدمت ایشان رسیده و فردا امام زمان علیه السلام در کنار حجر اسماعیل خدا را به حق خویش قسم می‌دهد (که وعده‌ی ظهورش را محقق فرماید)...^۲

مقام ابراهیم در اصل در کنار کعبه بوده است ولی در زمان جاهلیت آن را تغییر دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بعثت خود آن را به جای اصلی برگردانند. اما پس از رحلت ایشان دوباره مقام ابراهیم جابه‌جا شد و مانند زمان جاهلیت قرار گرفت. این یکی از بدعت‌هایی بود که در اسلام اتفاق افتاد و حضرت مهدی علیه السلام پس از قیام این بدعت را اصلاح خواهد نمود. امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، مسجد الحرام را خراب نموده و مانند بنای اولیه خواهد ساخت و مقام ابراهیم را به جایگاه صحیح خود قرار خواهد داد.^۳

رمضان

ماه مبارک رمضان، نهمین ماه از ماه‌های سال هجری قمری است. در آخرین سال از غیبت حضرت مهدی علیه السلام، در این ماه رویدادهای عجیبی اتفاق خواهد افتاد.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابو محمد! پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام قطعاً پنج نشانه ظاهر خواهد شد، ندایی آسمانی که در ماه رمضان شنیده می‌شود، قیام سفیانی، قیام خراسانی، کشته شدن نفس زکیه و فرورفتن لشکر سفیانی به زمین در سرزمین بیداء.^۴

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۸۵.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۸۲.

۳. وافی: ج ۲ ص ۱۱۳.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۹ و ۲۵۲.

ابن مسعود از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: در ماه رمضان (پیش از ظهور) صیحه و ندایی (آسمانی) واقع خواهد شد... اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا، آن صیحه و ندا چیست؟ حضرت فرمود: آن صیحه، صدای مهیبی خواهد بود که در روز جمعه، نیمه‌ی ماه رمضان، نزدیک ظهر واقع می‌شود. این در سالی خواهد بود که اولین روز ماه رمضان نیز جمعه باشد. این صدای مهیب چنان وحشت‌آور است که هر انسان خواب را از ترس بیدار می‌کند و هر کسی که نشسته باشد از وحشت به پا می‌خیزد و زنان پرده نشین از سراپرده‌ی خود فرار می‌کنند و بیرون می‌آیند. این حادثه در سالی روی خواهد داد که زلزله‌های فراوان رخ می‌دهد و سرمای شدید حاکم است. در چنین سالی، در نیمه‌ی ماه، روز جمعه، زمانی که نماز صبح را خواندید، به خانه‌های خود رفته و درها و روزنه‌ها را ببندید و خود را پوشانده و گوش‌های خود را ببندید و زمانی که آن صدای (آسمانی) را شنیدید، سجده کنید و بگویید «سبحان القدوس، سبحان القدوس ربنا». بدانید هر کسی که چنین کند نجات خواهد یافت و هر کسی که چنین نکند و به سوی آن صدا بیرون شود، هلاک خواهد شد. در روایت دیگری فرمود پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دو بار خورشید در ماه رمضان خواهد گرفت.^۱

در حدیثی حضرت فرمود: در ماه رمضان علامتی در آسمان خواهد بود، سپس مردم به اختلاف و نزاع برخیزند. هرگاه این حادثه را مشاهده کردید، هر چه توانستی آذوقه ذخیره کن (زیرا قحطی در پیش خواهد بود).^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: در میان ماه رمضان، شب جمعه و بیست و سوم، صدای جبرئیل شنیده خواهد شد. آن صدا نام حضرت مهدی علیه السلام و نام پدر ایشان را برده و در پی آن صدای شیطان بلند می‌شود که به سوی دشمنان حضرت فرامی‌خواند و مردم با این دو

۱. ملاحم: ص ۴۲ و ۴۶ و ۱۴۳.

۲. ملاحم: ص ۴۵.

صدا امتحانی سخت خواهند شد و حق و باطل مشخص می‌شود.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: در نیمه ماه مبارک رمضان زمانی که شب جمعه باشد دو صدا به گوش خواهد رسید، صدای اول جبرئیل و صدای دوم شیطان است، که هفتاد هزار نفر بی‌هوش می‌شوند و هفتاد هزار نفر نیز شنوایی خود را از دست خواهند داد و تنها کسانی سالم می‌مانند که در خانه‌ی خود بمانند و پناه به خدا برده و سجده نمایند و صدا به «الله اکبر» بلند نمایند.^۲

امام باقر علیه السلام دو نشانه برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام یاد می‌نماید و می‌فرماید: این دو نشانه از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام به زمین تا آن روز، اتفاق نیفتاده است؛ یکی خورشید گرفتگی در نیمه‌ی ماه رمضان و دیگری ماه‌گرفتگی در روزهای پایانی آن و این حادثه تمام محاسبات ستاره‌شناسان را بر هم خواهد زد.^۳

در روایتی از ظاهر شدن نشانه‌ای در ماه رمضان سخن گفته شده است. این نشانه ستونی از آتش است که از سوی مشرق در آسمان ظاهر خواهد شد. هرگاه چنین نشانه‌ای دیده شد، باید به اندازه‌ی یک سال آذوقه ذخیره نمود (زیرا غذا نایاب خواهد شد).^۴

رود

جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و آن حضرت نوید داد و گفت: حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان تو خواهد بود و زمانی ظهور خواهد کرد که کفار بر پنج رود مسلط شوند، سیحون و جیحون و فرات و دجله و نیل. سپس خداوند حضرت

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۵۴.

۲. نوائب الدهور: ج ۱ ص ۲۴۰.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۳.

۴. ملاحم: ص ۱۵۹.

مهدی علیه السلام را یاری می‌کند و بر کافران ظفر خواهد داد و پس از آن تا قیامت پرچم کفار برافراشته نخواهد شد.^۱

روز قیام حضرت مهدی علیه السلام

در روایات آخرالزمان، به گونه‌های مختلفی روز قیام حضرت را تعیین فرموده‌اند. در برخی یکی از روزهای هفته و در برخی یکی از مناسبت‌های سال را تعیین نموده‌اند. اهل بیت علیهم السلام ما را از تعیین مدت و زمانی معین برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام بر حذر داشته‌اند و فرموده‌اند که هر کسی که برای ظهور حضرت زمانی را تعیین کند دروغ گو خواهد بود. این احادیث منافاتی با تعیین وقت مبهم برای ظهور ندارد. یعنی در روایاتی که اهل بیت علیهم السلام از تعیین زمانی مشخص برای ظهور صحبت نموده‌اند، یک روز یا یک مناسبت را به نحوی مجمل بیان دانسته‌اند مثلاً در روایاتی ظهور حضرت را در عاشورا تعیین نموده‌اند، اما مشخص نیست که دقیقاً عاشورای کدام سال هجری ظهور اتفاق خواهد افتاد؛ و تعیین وقتی که از طرف اهل بیت علیهم السلام با آن مخالفت شده است، تعیین وقتی است که دقیقاً مشخص کند که کدام روز و در چه سالی ظهور اتفاق می‌افتد، زیرا چنین تعیین وقتی باعث ایجاد یأس و خاموش شدن روح انتظار در دل مشتاقان ظهور حضرت موسی علیه السلام خواهد شد.^۲

امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرمود: قائم آل محمد علیهم السلام در روز نوروز ظاهر خواهد شد و خداوند او را بر دجال ظفر می‌بخشد و در کناسه کوفه او را به دار می‌آویزد. ما اهل بیت در تمام روزهای نوروز انتظار فرج را می‌کشیم، زیرا نوروز از روزهایی است که به ما مرتبط است. فارس‌ها آن را گرامی داشتند ولی اعراب آن را

۱. الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۲۵ و یاتی: ص ۵۴۱.

۲. رک: عجله.

ضایع نمودند.^۱

شیخ صدوق در کتاب فقیه روایت می‌کند که حضرت قائم علیه السلام در روز جمعه قیام خواهد نمود.^۲

در کتاب شریف مفاتیح الجنان در زیارت روز جمعه، خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوییم: «مولای من این روز جمعه است که توقع ظهور شما در آن روز خواهد بود». امام صادق علیه السلام فرمود: در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان نام حضرت قائم علیه السلام در ندایی آسمانی شنیده می‌شود و در روز شنبه مصادف با عاشورا، دهم ماه محرم و سالروز به شهادت رسیدن امام حسین علیه السلام، قیام می‌نماید...^۳

از نظر علمی مصادف شدن روز عاشورا و نوروز و یکی از روزهای جمعه یا شنبه امکان‌پذیر است و این که در روایات برخی روز جمعه و برخی روز شنبه را برای قیام حضرت تعیین نموده‌اند، می‌توان گفت: در روایاتی که حکایت از جمع شدن یاران حضرت دارد می‌خوانیم که حضرت در یک شب ظاهر می‌شود و با یاران خود ملاقات می‌کند و از آنان بیعت می‌ستاند و فردای آن روز قیام شروع می‌شود. در برخی از روایات حضرت در یک شب آنان را ملاقات می‌کند و با آنها وعده می‌کند که فردا با شما بیعت خواهم کرد.^۴

در بعضی از احادیث از رسول خدا و امام صادق علیه السلام روز قیام حضرت مهدی علیه السلام به «یوم الخلاص» روز رهایی و «یوم الفتح» روز پیروزی تعبیر شده است.^۵ در روایات زیادی از زمان ظهور حضرت به «ساعة» تعبیر شده است. همچنین آیات

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۰۸.

۲. من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۷۲.

۳. وافی: ج ۲ ص ۱۱۲ و یأتی: ص ۲۳.

۴. رک: یاران حضرت مهدی. X

۵. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۱ و منتخب الاثر: ص ۴۷۰.

بسیاری در قرآن هست که در آن واژه‌ی «ساعة» به کار رفته است و این آیات را ائمه علیهم‌السلام به زمان ظهور حضرت تفسیر و تأویل کرده‌اند. برخی از این آیات و روایات تحت عنوان «اسماء و القاب حضرت» آورده شده است.^۱

روش حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام

ر.ک: جدید، حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام پس از ظهور.

روم، رومیه^۲

حضرت قائم علیه‌السلام پس از قیام و ظهور در مکه با لشکر خود به سوی عراق می‌آید، با سفیانی نبردی سخت خواهند داشت و پس از پیروزی شروع به فتح ممالک کفر می‌نمایند. ایشان برای فتح این سرزمین‌ها گاه خود با لشکر بدان‌جا رفته و گاه لشکری را به سرگردگی یکی از یاران خود می‌فرستند. در روایات آخرالزمان ما می‌بینیم که از روم یاد شده که توسط حضرت فتح می‌شود. روم در این روایات قطعاً شامل یونان و ایتالیای فعلی می‌شود. زیرا در زمانی که این احادیث بیان شده است پادشاهی روم بسیار گسترده بوه است و قسمت وسیعی از اروپا در تحت سلطنت روم باستان اداره می‌شده است. در مجموع می‌توان کشورهای ترکیه، یونان، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، فرانسه بسیاری از مناطق اروپای غربی و مرکزی و قسمتی از اروپای شرقی را جزو محدوده‌ی تحت نفوذ روم باستان دانست.

در روایتی آمده که حضرت مهدی علیه‌السلام لشکری را برای جنگ با روم مهیا می‌کند و به سوی آنان می‌فرستد و در میان آن‌ها به ده نفر مأموریت می‌دهد که به غاری در شهر انطاکیه در ترکیه بروند و کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل و تابوت حضرت موسی را

۱. ر.ک: اسماء و القاب حضرت مهدی علیه‌السلام، واژه‌ی «ساعة».

۲. ر.ک: قسطنطنیه.

از آن غار خارج کنند...^۱

امیرالمؤمنین در حدیثی بیان می‌فرماید که چگونه حضرت مهدی علیه السلام با لشکر خود به سوی فلسطین حرکت می‌کند و در آن جا با لشکر سفیانی درگیر می‌شود و آنان را تار و مار می‌کند و در این زمان رومیان با سپاهی بسیار انبوه به سوریه حمله می‌کنند. لشکر روم صد هزار گروهان هستند که هر گروهان در زیر یک صلیب (یا یک پرچم) نبرد می‌کنند. آنان به مناطقی از سوریه هجوم می‌آورند و با جنگ برخی از این کشور را فتح می‌کنند و دست به قتل و غارت مردم می‌زنند، سپس خداوند جبرئیل علیه السلام را به نبرد آنان می‌فرستد و سرزمینی که لشکر روم در آن هستند را زیر و زبر می‌کند...^۲

در حدیث دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام از کشتن سفیانی و سپاه او فراغت یافت به همراه مردان مؤمنی که با او هستند به روم می‌روند. در یکی از شهرهای آنجا اتراق می‌کنند و با گفتن شهادتین در آن سرزمین، دیوارهای آن شهر شروع به ویران شدن می‌کند.^۳

در روایت دیگری فرمود: حضرت لشکری را به سوی قسطنطنیه (استانبول فعلی) می‌فرستد و آنان چون به دریای مرمره می‌رسند بر کف پای خود چیزی می‌نویسند و از روی آب عبور می‌کنند. رومی‌ها که این کار را از یاران حضرت می‌بینند، با خود می‌گویند: یاران او که این گونه رفتار می‌کنند، پس خود او چگونه خواهد بود. سپس دروازه‌های شهر را به روی آنان می‌گشایند تا لشکر حضرت داخل شهر شده و هر طور که می‌خواهند حکم نمایند.^۴

«قسطنطنیه» روزگاری پایتخت روم شرقی بود و اکنون با نام استانبول در ترکیه قرار

۱. ملاحم: ص ۶۷.

۲. ملاحم: ص ۱۵۰.

۳. یاتی: ص ۲۶۲.

۴. غیبت نعمانی: ص ۳۱۹.

دارد. «رومیه» نیز نام شهری است که حضرت مهدی علیه السلام به همراه یاران خود آن را فتح می‌نماید. نام این شهر به همراه شهر قسطنطنیه در احادیث آمده است. در حدیثی از شهر قسطنطنیه به عنوان مقر پادشاه روم یاد شده است و رومیه شهری است که گنج‌هایی در آن نهفته است و حضرت همه را استخراج می‌کند.^۱

محمد بن حنفیه می‌فرماید: ... حضرت مهدی علیه السلام قسطنطنیه را فتح می‌کند، سپس به رومیه می‌رود و آنجا را نیز به تصرف در می‌آورد و گنج‌های آن و سفره‌ی حضرت سلیمان را از آنجا در می‌آورد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حضرت مهدی علیه السلام با لشکرش در شهر رومیه چهار بار «الله اکبر» می‌گویند. سپس دیوارهای شهر سقوط می‌کند و در این شهر مردم بسیاری زندگی می‌کنند و ششصد هزار نفر آنان در جنگ با لشکر حضرت کشته می‌شوند. سپس زیورهای بیت المقدس و تابوت سکینه و مائده‌ی بنی اسرائیل و الواح موسی و عصای موسی و انگشتر سلیمان و مقداری از غذای «من» که بر بنی اسرائیل نازل می‌شد را برداشته و به بیت المقدس برمی‌گردانند...^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما با رومی‌ها چهار پیمان خواهید بست. پیمان چهارم را با مردی می‌بینید که اهل «هرقل» است. این پیمان چندین سال برقرار خواهد بود. مردی پرسید: در آن روز پیشوای مردم چه کسی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آن روز پیشوای شما مهدی است، که از فرزندان من است.^۴

۱. رک: قسطنطنیه.

۲. ملاحم: ص ۸۰.

۳. یاتی: ص ۲۶۳.

۴. هرقل معرب «هراکلیوس» است که نام قدیمی پادشاهان روم است و در این‌جا منظور مردمی هستند که در کشور هرقل زندگی می‌کنند، یعنی رومیان. نام دیگر پادشاهان روم قیصر است.

۵. موعود نامه: ص ۳۷۱ و بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۰.

امام باقر علیه السلام فرمود: رومی‌ها (پس از فتح روم) توسط حضرت مهدی علیه السلام مسلمان می‌شوند، آن حضرت برای آن‌ها مسجدی بنا می‌کند و فردی از یاران خود را بر ایشان می‌گمارد تا بر آن‌ها حکومت کند و خود از آن‌جا برمی‌گردد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ... دابة الارض رجعت می‌کند و به سوی روم می‌رود و در کنار ساحل دریا در شهری که غار اصحاب کهف در آن است فرود می‌آید. آنگاه خداوند اصحاب کهف را دوباره بیدار کرده و آنان به سوی دابة الارض و یاران او می‌آیند. در میان اصحاب کهف فردی است که نام او «تلمیخا» است. او یکی از فرزندان خود را به سوی رومیان می‌فرستد، اما او بدون پیروزی برمی‌گردد. سپس فرزند دیگری را می‌فرستد و او پیروزمندانه باز می‌گردد.^۲

یکی از نشانه‌های پیش از ظهور حضرت فتح روم به دست مسلمانان است تا جایی که مسلمانان در آن منتشر شوند و در آن سرزمین صدا به اذان بلند کنند و غنیمت‌ها را دسته دسته تقسیم کنند.^۳

ری^۴

شهری است در کنار تهران کنونی. این شهر دارای قدمت تاریخی است. بعد از فتح ایران شیعیان زیادی در آن‌جا ساکن بودند و از اواخر قرن دوم به بعد علمای زیادی از آن شهر برخاستند. شخصیت برجسته‌ای که از این شهر برخاست جناب «محمد بن یعقوب کلینی» مؤلف کتاب شریف «الکافی» است که این کتاب را در عصر غیبت صغری در طول بیست سال جمع‌آوری کرد.

۱. موعود نامه: ص ۳۷۲.

۲. مختصر البصائر: ص ۴۷۲ و الايقاظ: ص ۲۷۲.

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۶۰۳.

۴. رک: زوراء.

در روایتی دیگر فرمودند: مردی چهارشانه و گندم‌گون از ری قیام می‌کند که غلام بنی تمیم است. نام او شعیب بن صالح است.^۱

روایت شده: در آخرالزمان مردی آشوب‌گر در ری خواهند آمد و دیلمیان برایشان یورش برند و در کنار دروازه‌ی تهران که به سوی کوهستان می‌رود، به حدی مردم به قتل می‌رسند که خدا می‌داند! در کنار آن دروازه هشت نفر از بنی هاشم ادعای خلافت می‌کند و اقامه‌ی نماز می‌کند، مردی بزرگ که اسم او همان یکی از پیامبران است، در دربند گرفتار می‌شود. او را چهل روز محاصره می‌کنند و سپس او را دستگیر می‌کنند و به قتل می‌رسانند، آنگاه سفیانی به حکومت می‌رسد و بلایی بزرگ بر ساکنان ری می‌رسد و قحطی و گرانی بر آنان مستولی می‌شود.^۲

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: در ری هشتاد هزار نفر در نیم‌روز سرهایشان از تن جدا می‌گردد که هشتاد نفر از آنها از اولاد فلان قبیله‌اند و همگی شایستگی خلافت را نیز دارند و آنها را عجم خواهد کشت.^۳

۱. رک: شعیب بن صالح.

۲. یاتی: ص ۲۶۵.

۳. یاتی: ص ۳۱۰ و روضه کافی: ص ۱۹۸.



زبور

کتاب مقدس پیروان حضرت داوود نبی علیه السلام است. حضرت داود علیه السلام پی از حضرت موسی علیه السلام به پیامبری رسید و به شریعت حضرت موسی علیه السلام بود. کتاب زبور جزو اموالی است که میراث انبیاء محسوب می‌شود و به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیده و اکنون نزد امام زمان علیه السلام است و در زمان ظهور آن حضرت، کتاب زبور را به همراه سایر کتب آسمانی از غاری در انطاکیه خارج خواهد نمود. در کتاب زبور فعلی که میان کتب عهد عتیق پراکنده است به ظهور منجی در آخرالزمان اشاره می‌کند و قرآن کریم نیز این بشارت را یاد آور شده است «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ (همان‌ما پس از تورات، در کتاب زبور نیز نوشتیم که این سرزمین را بندگان درستکار من به ارث خواهند برد). در زبور نیز بدین گونه یاد شده است: «... شرورها نابود می‌شوند و کسانی که به خداوند تکیه دارند وارث زمین خواهند شد»^۲

زره حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: جامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام.

۱. انبیاء/۱۰۵.

۲. عهد عتیق: کتاب مزامیر، مزموور ۲۷.

زلزله

زلزله را دانشمندان تأثیری طبیعی از حرکت گازها و گدازه‌های درونی زمین می‌دانند اما در منطق دینی زلزله نشانه‌ای از طرف خداست و بلایی است که خداوند به واسطه‌ی گناهان نازل می‌کند. یکی از علامت‌های آخرالزمان وقوع مکرر زلزله‌های مخرب است. چند روز گذشته از ماه رمضان، زلزله‌ای در دمشق رخ خواهد داد که مردم بسیاری در آن هلاک شوند...^۱

در روایت دیگری دارد که بیش از صد هزار نفر در این زلزله می‌میرند و این زلزله برای مؤمنین رحمت است و برای کافرین عذاب خواهد بود زیرا پس از این زلزله حوادثی واقع خواهد شد که منتهی به خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی خواهد بود.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: شما را به آمدن مهدی عجله الله بشارت می‌دهم، او زمانی در امت خواهد آمد که اختلاف در میان مسلمانان افتاده باشد و زلزله فراوان شده باشد، همانا او زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن‌گونه که از ظلم و بیداد پر شده است...^۳

امام حسن عجله الله فرمود:... (پس از کشتار و بلاهایی چون باد و ندای دهشت زای آسمانی در بصره) زلزله‌هایی در اهواز رخ خواهد داد که خانه‌هایشان تبدیل به گورهایشان شود.^۴

امام باقر عجله الله از امیرالمؤمنین عجله الله روایت می‌کند: در پی نزاع بین دو گروه در شام، نشانه‌ای الهی ظهور خواهد کرد و آن وقوع زلزله‌ای است که بیش از صد هزار نفر در

۱. ملاحم: ص ۴۲.

۲. رک: شام.

۳. ملاحم: ص ۱۶۵.

۴. ملاحم: ص ۱۲۶.

آن به هلاکت می‌رسند. این زلزله را خداوند برای مؤمنین رحمت و برای کافران عذاب قرار خواهد داد...^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: زلزله‌ای بزرگ در سرخس رخ خواهد داد که مردم از دهشت آن قالب تهی می‌کنند.^۲

زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام، عجله.

زمینه سازان ظهور

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از سوی مشرق قیام خواهد کرد که زمینه را برای حکومت آن حضرت آماده می‌نماید.^۳

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: مردی از ماوراءالنهر (منطقه‌ی شمالی آمودریا و آسیای میانه) به نام «حرث» قیام خواهد کرد که در پیشاپیش لشکر او مردی به نام «منصور» است و آل محمد از او چنان پیروی می‌کند که قریش از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمانبرداری کرد. (چنانچه در نهایت تمام قریش مطیع رسول خدا شدند و تحت سیطره‌ی ایشان قرار گرفتند).^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از مشرق قیام می‌کنند و سلطنت را برای حضرت مهدی علیه السلام آماده و مهیا می‌کنند.^۵

۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۷۳۰ ح ۶۹.

۲. یاتی: ص ۳۴۶.

۳. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳.

۴. کفایة الخصام: ص ۶۸۶.

۵. کفایة الخصام: ص ۶۹۲ ر.ک: شعیب بن صالح، پرچم.

زنا

گناهی بسیار بزرگ است که در اسلام از گناهان کبیره شمرده شده و عقوبتی سخت برای مرتکبین آن تعیین شده است. از نشانه‌های پیش از ظهور یکی رواج این گناه در میان مردم است. در روایات برای این گناه آثاری ذکر شده که بسیار قابل تأمل است، از جمله گسترش وبا، فقر، رفتن ایمان از دل مردم، فزونی سگته و مرگ ناگهانی، آبروریزی، کوتاهی عمر، زلزله، رفتن برکت، تفرقه، و در نهایت غضب پروردگار و فرورفتن در آتش عذاب الهی.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: پس از رحلت من زمانی که مردم به زنا روی بیاورند، آنگاه مرگ‌های ناگهانی در میانشان فراوان خواهد شد.^۲

در حدیثی دیگر نقل می‌کند: که (در آخرالزمان به گونه‌ای این گناه گسترش می‌یابد و از قباحت خود خارج می‌شود که) در میان معابر بی‌پروا مردم مرتکب این گناه خواهند شد.^۳

اکنون در بیشتر کشورهای جهان این امر واقع شده که مراکزی برای فساد در شهر برپاست که بدون هیچ منع قانونی این گناهان را رواج می‌دهند، علاوه بر این در بسیاری از موارد به نام حقوق بشر از آنها حمایت نیز می‌کنند! از این روست که در جهان امروز می‌بینیم، نظام خانواده بسیار سست شده و عفت و پاکدامنی در بسیاری از خانواده‌ها رنگ باخته است و جامعه‌های معدودی که هنوز نسبت به ارتباط‌های غیر اخلاقی حساسیت دارند، از خانواده‌هایی با اصالت و پایداری بالا برخوردارند. این امر را تفاوت بالای آمار طلاق میان کشورهای غربی و جامعه‌های اسلامی نشان می‌دهد.

۱. مفتاح کتب الاربعه: واژه زنا.

۲. کافی: ج ۵ ص ۵۴۱.

۳. یأتی: ص ۲۹۹.

زنان

در پی دگرگونی‌هایی که در جامعه‌ی بشری رخ می‌دهد انسان‌ها نیز تغییر و تحول می‌یابند. در زمان غیبت و پس از آن، در زمان ظهور و رجعت، مردم دارای ویژگی‌های مختلف اخلاقی و اجتماعی و مذهبی می‌شوند که جامعه‌ی زنان از آن جمله است. برخی از تغییرات و ویژگی‌ها در این دوره‌های خاص در روایات بیان شده است.

رسول خدا ﷺ درباره‌ی زیاد شدن تعداد زن‌ها نسبت به مردها می‌فرماید: زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نخواهد رسید مگر وقتی که زنان (به خاطر کثرت‌شان) هر پنجاه نفر، یک قیم و سرپرست مرد داشته باشند.^۱

در روایتی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند چنان مردم را مورد آزمایش قرار خواهد داد که تمامی دوستان از میان منافقین و گمراهان و فرزندان‌شان جدا شوند، و این به حدی خواهد بود که در مقابل هر پنجاه زن یک مرد خواهد بود که تقاضا می‌کنند به کنیزی او درآیند یا فقط جایی برای سکونت در اختیارشان بگذارد.^۲

هم اکنون نیز آمارهای جهانی نیز از فزونی تعداد زن‌ها نسبت به مردان خبر می‌دهد و بی‌سرپرستی زنان - که قشری آسیب‌پذیرتر نیست به مردان هستند و توان خود اتکایی آن‌ها از مردها کمتر است - یکی از معضلات اصلی جهان امروز است.

رسول خدا ﷺ در ضمن بیان فتنه‌ها فرمود: در زوراء^۳ آشوبی به پا خواهد شد که مردان و زنان بسیاری کشته خواهند شد و اموال زیادی به غارت رفته و چه بسیار بی‌حرمتی‌ها خواهد شد. خداوند رحمت کند کسانی را که در آن روز به زنان بنی‌هاشمی پناه دهند زیرا آنان پردگیان منند... سپس فتنه به مدینه می‌رسد و مردان کشته

۱. یاتی: ص ۱۵۱.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۵.

۳. رک: زوراء.

می‌شوند و شکم زنان بنی‌هاشمی دریده می‌شود. هر کسی که این روز را درک کرد باید (از شر چنین فتنه‌ای) به قلعه‌ها و پستوها پناه ببرد (یعنی خودداری کند و خود را داخل آن فتنه‌ها ننماید) زیرا این آشوب نه ماه بیشتر به طول نمی‌انجامد، زیرا شعیب بن صالح قیام خواهد کرد و خداوند پیروزی و یاری خود را بدرقه‌ی راه او خواهد کرد و او با پرچم‌های سیاه زمین را سیراب می‌کند (واز لوث کافران پاک می‌نماید)، تا اینکه او در میان رکن و مقام با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهد نمود.^۱

در روایتی آمده است که مردی از بنی‌هاشم به حکومت می‌رسد و بیشتر بنی‌امیه را می‌کشد. سپس شخصی از بنی‌امیه حکومت را باز می‌ستاند و به ازای هر نفر که از بنی‌امیه کشته شده، دو نفر از بنی‌هاشم را می‌کشد، تا آنجا که جز زنان بنی‌هاشمی کسی از آنان باقی نمی‌ماند؛ در این هنگام خواهد بود که حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهد نمود.^۲

درباره ویژگی‌های زنان آخرالزمان احادیث زیادی آمده است. این روایات گویای آن است که در جامعه‌ی جهانی نزدیک ظهور اکثراً زنها دچار فتنه‌ها می‌شوند و در مقابل هجوم آفت‌ها رنگ می‌بازند. این خصوصیات شامل نوع و نحوه‌ی پوشش، چگونگی حضور آنها در اجتماع، رفتار آنها در خانواده، طریقه‌ی شوهرداری آنها و بسیاری از رفتارها که از نظر اسلام و هویت زنانگی زنان ناپسند است، می‌شود.

در روایتی برخی ویژگی‌های زنان آخرالزمان را شوخ بودن و بی‌باکی آنها می‌داند. در حدیث دیگری آنان را «پوشیدگان برهنه»! توصیف می‌کند که گیسوان خود را چون کوهان شتر برآمده می‌بندند و ایشان را مورد نفرین قرار می‌دهد.^۳

۱. ملاحم: ص ۱۳۷.

۲. ملاحم: ص ۵۹.

۳. یاتی: ص ۲۹۸.

شوخی بودن به خودی خود نمی‌تواند صفت ناپسندی باشد، اما واضح است که منظور این حدیث شوخی و گفتگوهای بی‌پرده و دور از عفاف با هم نوعان و نامحرمان می‌باشد و بی‌باکی و گستاخی برای زنان با توجه با خصوصیات تکوینی زن، امری پسندیده نیست. آری زمانی که شرایط طوری اقتضا کند که زنان استوار و شیردل در مقابل دشمن بایستند، به گونه‌ای دیگر خواهد بود. نمونه‌ی این امر را در احوال حضرت صدیقه صغری، زینب کبری علیها السلام می‌توان یافت. زمانی که ایشان وارد مجلس شوم یزید لعنة الله علیه شدند، یزید از ابهت و مهابت ایشان در شگفت شد و از اطرافیان پرسید: کیست این زن که این گونه متکبرانه و با هیبت قدم برمی‌دارد؟! به او پاسخ دادند: او دختر علی بن ابی طالب علیه السلام است.

اما در حقیقت خداوند زن را برای آورده‌های سخت نیافریده، بنابراین بی‌باکی را نصیب مردان نموده که باید در میادین جهاد پنجه در پنجه‌ی دشمن افکنند. در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «المرأة ریحانة لیست بقهرمانة» یعنی زنان چون برگ گل هستند و قهرمان و زور آور نیستند. از واژه‌ی گستاخی در این حدیث می‌توان فهمید که در آخرالزمان بی‌باکی و تهور زنان به مقتضای موقعیت نیست بلکه یکی از ویژگی‌های همیشگی زنان خواهد بود.

واژه‌ی «کاسیات عاریات» به معنای پوشیدگان برهنه، نیز خبری معجزه گونه درباره روش پوشش زنان آخرالزمان دارد. زیرا در این زمان می‌بینیم که چگونه دست شیطان و استعمار از آستین بعضی از طراحان مد و لباس بیرون می‌آید و جامه‌هایی را برای زنان و حتی مردان، طراحی می‌کند که شاید بتوان گفت در جلب توجه و جذابیت کم از برهنگی ندارد! و این خود یکی از حربه‌های اصلی برای انحراف و انحطاط یک

جامعه‌ی آرمانی سالم است.

در حدیث دیگری دارد که زنان مانند قبله‌ی مردان خواهند شد.^۱

نماز که بهترین حالت یک انسان مسلمان است و معراج او به سوی حق است، باید رو به قبله باشد، یعنی یک انسان در بهترین حالات رو به قبله می‌ایستد و هر جای دنیا که باشد برای توجه به معبود بدان سوی می‌گردد، قبله مرکز توجه انسان در خضوع و خشوع و عبادت است، قبله نقطه‌ی گردش مسلمانان یک دل است. اکنون با این توصیف شاید این حدیث بدین معنی باشد که در آخرالزمان زن‌ها تنها مورد مهم برای توجه مردان خواهند بود و تمام سعی مردها بر آن خواهد بود که به خواسته‌ها و تمنیات آنان روی کنند و بهترین زمان، زمانی خواهد بود که امیال و آرزوهای آنان نصب العین مردها باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی که دیدید زن‌ها بر زین سوار شدند و کنیزان آوازه خوان فراوان گشتند و گواهی ناحق بسیار شد و مسلمانان در ظرف‌های طلا و نقره - مانند کافران مشرکان - بخورند و بیاشامند و هم‌جنس‌گرایی فزونی یابد، آن‌گاه زمین (دهان باز می‌کند و) ایشان را در خود فرو خواهد برد و مسخ شوند و از آسمان بر آنان سنگ باریدن خواهد گرفت؛ قسم به آن خدایی که مرا به حق فرو فرستاد! دنیا پایان نیاید مگر آن‌که این امر رخ دهد.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره نشانه‌های آخرالزمان فرمود: گروهی از زنان در آخرالزمان خواهند بود که اهل فسق و فجورند، هم‌جنس‌گرایی می‌کنند و مردان را به آن تشویق می‌کنند و از راه منافی عفت کسب روزی می‌نمایند، خود را به شکل مردان درمی‌آورند، شوهران را تحت فشار قرار می‌دهند تا خواسته‌های خود را برآورده سازند

۱. یأتی: ص ۲۹۸.

۲. یأتی: ص ۲۹۸.

و به هوای نفس خود عمل می‌نمایند و خود را برای استفاده‌ی کفار عرضه میکنند. شوهرانشان علی‌رغم اینکه می‌دانند آن‌ها چه اعمالی را مرتکب می‌شوند، اما سکوت می‌کنند و راضی می‌شوند و از درآمد آنان مصرف می‌کنند و از اعمال ناشایست آنان نیز حمایت می‌کنند! زنان در رأس حکومت قرار می‌گیرند و به تجارت برمی‌خیزند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بدترین زن‌ها در آخرالزمان به دنیا خواهند آمد، زیرا برهنه و بدون پوشش می‌باشند. آنان دین خود را از دست داده‌اند و در فتنه‌ها شرکت می‌کنند و شهوت‌رانی و لذت‌ها (ی نامشروع و نادرست) را دوست دارند، محرمات را حلال می‌شمرند و (در روز قیامت به خاطر گناهانشان) تا ابد در آتش دوزخ گرفتار خواهند بود.^۲

در روایتی دیگر ویژگی گروهی از زنان در آخرالزمان را این گونه بیان می‌کنند: بر مرکب‌ها سوار می‌شوند، موهای خود را چنان می‌آرایند که چون کوهان شتر برآمده باشد، لباس‌هایی برتن می‌کنند که گویا برهنه‌اند و در خدمت‌گذاری کفار پیش‌قدمند، (در مقابل نامحرمان) به ناز و غمزه راه می‌روند و نافرمانی می‌کنند و از طاعت خدا سرپیچی می‌کنند.^۳

به طور یقین زن‌ها در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام حضوری فعال خواهند داشت، زنان مؤمنه‌ای که در فتنه‌ها و شرایط سخت پیش از ظهور خود را حفظ نموده‌اند. اگر مردی خود را در فتنه‌ها حفظ نماید بسیار پر ارزش است، ولی اگر زنی خود را در بحبوحه حوادث از لغزشها مصون بدارد گوهری بی‌نظیر خواهد بود.

در احادیث رجعت وارد شده است که مؤمنین خالص به دنیا باز خواهند گشت و

۱. یاتی: ص ۳۰۲.

۲. من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۲۴۷.

۳. یاتی: ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

قطعاً زنان با ایمانی که در انتظار ظهور حضرت قائم علیه السلام به سر برده‌اند و پیش از ظهور از دنیا رفته‌اند نیز حیاتی دوباره خواهند یافت و دولت کریمه حضرت را درک خواهند کرد.^۱

مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: همراه حضرت قائم علیه السلام سیزده نفر زن خواهند بود. مفضل پرسید: این زن‌ها را عهده دار چه کاری خواهد کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام ایشان را برای مداوای زخمی‌ها و پرستاری از بیماران می‌گمارد، همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله (در جنگ‌ها اجازه می‌داد بعضی زنان در پرستاری از مجروحین شرکت کنند). مفضل گفت: اسم ایشان را برای من بیان فرمایید. امام صادق علیه السلام پاسخ داد: نام آنان قنوا دختر رشید هجری،^۲ ام ایمن (کنیز حضرت خدیجه و دایه رسول خدا صلی الله علیه و آله)، حبابه والیه،^۳ سمیه مادر عمار یاسر،^۴ زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صبانه ماشطه و ام خالد جهنیه هستند. در روایات دیگری نام «نسیبه» دختر «کعبه مازنیه» و «وتیره» و «أحبشیه» نیز آمده است.^۵

ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: (در هنگام ظهور حضرت قائم علیه السلام) پناهنده‌ای (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) به حرم امن الهی پناه می‌برد و مردم چون کبوترانی که از چهارسمت به یک سوی هجوم بیاورند، گرد او جمع می‌شوند تا اینکه

۱. رک: رجعت.

۲. رشید هجری یکی از یاران با وفای امیرالمؤمنین علیه السلام است که با تنی چند از یارانش به دست معاویه در سوریه به جرم شیعه بودن کشته شدند.

۳. حبابه والیه از اصحاب امام حسن علیه السلام تا امام رضا علیه السلام بود، او دوبار به معجزه‌ی امام سجاد علیه السلام و امام رضا علیه السلام جوان شد و دویست و چهل سال زندگی نمود. امام رضا علیه السلام او را در پیراهن شخصی خود دفن نمود. او سنگی داشت که همه‌ی امامانی که مشاهده کرده بود بر آن نشان معجزه زده بودند. تنقیح المقال: ج ۲۳ ص ۷۵.

۴. سمیه اولین زنی بود که در اسلام به دست مشرکین مکه به شهادت رسید و یاسر نیز پدر عمار بود که او نیز در زیر شکنجه‌ی مشرکین شهید شد. او هفتمین نفری بود که اسلام آورد.

۵. یاتی: ص ۲۸۱ و دلائل الامامة: ص ۳۱۴ و موعودنامه: ص ۲۸۵ به نقل از خصائص فاطمیه و منتخب البصائر.

نزد او سیصد و چهارده نفر جمع می‌شوند که برخی از آنان زن هستند. آنان بر هر ستمگر و ستمگرزاده‌ای پیروز می‌شوند.

در حدیثی دیگر جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: قسم به خدا! سیصد و سیزده نفر می‌آیند که پنجاه نفر از این گروه زن هستند و آنان بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع می‌شوند، و این معنای آیه شریفه است: ﴿أَئِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛^۱ (هر کجا باشید خداوند شما را حاضر می‌کند، زیرا او بر هر کاری تواناست).^۲

پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عیسی بن مریم علیه السلام، پیامبر بزرگوار الهی از آسمان به زمین نازل خواهد شد و در رکاب حضرت خواهد بود و همراه ایشان هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته‌ترین زنان نیز بر روی زمین فرود خواهند آمد.^۳

زوراء^۴

زوراء در لغت به معنای سرزمین دور و گودال آمده است ولی در روایات نام شهری است که در اخبار مربوط به آخرالزمان از آن مکرر یاد شده است. زوراء قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام کانون حوادث زیادی خواهد بود. برخی از این احادیث زمانی صادر شده‌اند که زوراء وجود داشته است و این شهر همواره تا ظهور حضرت خواهد بود. اما آیا نام واقعی این شهر همان زوراء است یا این که این اسم نامی مستعار است. در روایات متعددی وقتی حضرت درباره زوراء صحبت می‌کند، آن را بغداد کنونی معرفی

۱. بقره / ۱۴۸.

۲. موعود نامه: ص ۲۸۴.

۳. موعود نامه: ص ۳۸۵.

۴. رک: بغداد، تهران، ری، شورای سقیفه.

می‌کند و در بعضی روایات نیز آن را به ری و در پاره‌ای از روایات آن را به شهری در حوالی ری تعبیر می‌نمایند، که گروهی از محدثین آن را بر تهران منطبق می‌دانند. از جمع بندی این روایات شاید بتوان گفت که شهری با نام واقعی «زوراء» وجود نداشته است، بلکه این نام صفت یا نام مستعار برای آن شهر است و می‌تواند هر سه شهر زوراء باشد و اخبار مربوط به هر کدام را متعلق به همان شهر دانست. زیرا ممکن است که این سه شهر به خاطر داشتن ویژگی‌ای مشترک به این نام نامیده شده‌اند.

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: دوباره حکومت در زوراء برقرار می‌شود، تمام امور با مشورت (مجلس شورا) انجام می‌گیرد و رأی اکثریت به مرحله اجرا قرار می‌گیرد. در آن هنگام سفیانی خروج می‌کند و نه ماه در زمین جولان می‌دهد و بدترین عذاب‌ها را بر سر مردم می‌آورد. در آن روزگار، مصر، زوراء، کوفه و واسط وضعیت بسیار اسفباری خواهند داشت... سپس حضرت مهدی علیه السلام از جانب خدا به هدایت خلق برمی‌خیزد...^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه‌ای در شهر زوراء رخ می‌دهد که در آن زنان و مردان بسیاری به قتل می‌رسند و مال‌های زیادی به یغما برده می‌شود و هتک حرمت‌های فراوانی انجام می‌شود؛ خدای رحمت کند کسانی را که در آن روز به زنان بنی‌هاشمی پناه دهند، زیرا آنان نوامیس من هستند...^۲

ابن عباس در روایتی نقل می‌کند: بادی سرخ در زوراء خواهد وزید که مردم را به دهشت اندازد. مردم از ترس به علمای خود پناهنده می‌شوند اما می‌بینند که آن‌ها به صورت بوزینه و خوک درآمده‌اند و صورت‌های آنان سیاه شده است و چشم‌های آنان کبود گشته است.^۳

۱. ملاحم: ص ۱۲۴.

۲. ملاحم: ص ۱۲۷.

۳. ملاحم: ص ۱۴۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: شانزده [یا سیزده] گروه در امت من خواهند بود که ما اهل بیت را دوست ندارند. یکی از ایشان مردمانی هستند از شهر زوراء. این شهر در آخرالزمان بنا می‌شود و با ریختن خون ما و کشتن ما خرسند می‌شوند و دشمنی ما را وسیله‌ی تقرب به خدا می‌دانند و با دشمنان ما دوستی می‌کنند و جنگ علیه ما را واجب دانسته و کشتن ما را لازم می‌دانند...^۱

در حدیثی مفصل، مفضل از امام صادق علیه السلام سؤال نمود: در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، شهر زوراء چگونه است؟ امام صادق علیه السلام پاسخ داد: در آخرالزمان شهر زوراء مورد نفرین و غضب خداوندی است و از فتنه‌های مختلف به گونه‌ای ویران می‌شود که با خاک یکسان می‌شود؛ وای بر زوراء و اهالی آن، زیرا گروهی با پرچم زرد، گروهی از غرب و گروهی غارتگر و جماعتی بسیار از دور و نزدیک بر آن یورش می‌برند. به خدا سوگند! در این شهر بلاهایی برکفار خواهد رسید که از ابتدای خلقت تا کنون به سر هیچ کسی نیامده است، عذاب‌هایی که هیچ کسی مانند آن را نشنیده است! در آن شهر از شمشیرها طوفان به پامی‌شود، وای بر ساکنین این شهر. کسی که در آن شهر باقی بماند دچار کوردلی می‌شود و کسی که از آن بگریزد مورد رحمت خداوند قرار گیرد. اهالی آن چنان از دین برمی‌گردند که یکسره آخرت را انکار می‌کنند. در این شهر خانه‌هایی مجلل چون قصرهای بهشتی می‌سازند و دخترانی آراسته چون حورالعین و پسرانی زیباروی چون خادمان بهشتی در آن ساکن هستند و به خیال آن‌ها تمام ارزاق فقط در شهر آنان نازل شده است. در آن شهر به خداو پیامبرش دروغ می‌بندند و بر خلاف قرآن قضاوت می‌کنند و گواهی ناحق می‌دهند و شراب نوشیده و زنا مرتکب می‌شوند، حرام‌خواری می‌کنند، چنان خون‌ریزی می‌کنند که تا کنون کسی نکرده باشد و

خداوند آن شهر را با آن گروه‌های مهاجم و فتنه‌ها و آشوب‌ها، چنان به ویرانه تبدیل می‌کند که مردم از روی بقایای آن عبور می‌کنند و به همدیگر می‌گویند: زمانی در اینجا شهری بود به نام زوراء!^۱

در چندین روایت به طور مبهم اشاره به شهری شده که نام آن زوراء است ولی از قرائن می‌توان فهمید که این احادیث مربوط به شهر بغداد است؛ اما در برخی از احادیث ائمه علیهم‌السلام پس از نام بردن زوراء، با دادن نشانه‌هایی دقیقاً موقعیت آن را مشخص می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام یک بیت شعر خواند: «در زوراء نزدیک ظهر، هشتاد هزار نفر مانند شتر قربانی کشته می‌شوند». سپس حضرت به راوی فرمود: آیا می‌دانی زوراء کجاست؟ روای عرض کرد: جانم فدای شما! شنیده‌ام که زوراء همان بغداد است. حضرت فرمود: در شهر ری، کنار بازار فروش حیوانات، در سمت راست جاده کوهی سیاه رنگ است. آن جا زوراء است که در آن هشتاد هزار نفر کشته می‌شوند که هشتاد نفر از آنان از اولاد فلان هستند^۲ که همگی شایستگی خلافت دارند؛ آنان را کسانی می‌کشند که از نژاد غیر عرب هستند.^۳

در روایتی دیگر می‌فرماید که حضرت قائم علیه‌السلام که از فرزندان علی بن ابی طالب علیه‌السلام است، مانند حضرت یوسف علیه‌السلام (که چند سال از نزد پدر غایب بود) از میان مردم غایب می‌شود، و نیز همانند حضرت عیسی علیه‌السلام که از آسمان نازل می‌شود، باز دوباره به دنیا باز می‌گردد... او زمانی می‌آید که «زوراء» خراب شده و «مزوره» در زمین

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴ و یاتی: ص ۱۱۸.

۲. حضرت صلاح ندیدند که نام قبیله آن گروه را ببرند بنابراین با کلمه «فلان» به آن اشاره مبهم نمودند. یا این که حضرت فرموده است اما راوی در جایی که روایت را نقل می‌کرده مجبور به تقیه بوده است.

۳. روضه کافی: ج ۱۹۸ و یاتی: ص ۳۱۰.

فرورفته باشد و زوراء ری است و مزوره بغداد می‌باشد.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی حوادثی که در آخرالزمان در زوراء اتفاق می‌افتد، به مفضل فرمود: ای مفضل آیا می‌دانی زوراء کجاست؟ مفضل عرض کرد: خدا و حجت او به آن داناترند! حضرت فرمود: ای مفضل! بدان که در حوالی ری کوهی است که در دامنه‌ی آن شهری بنا می‌شود که آن را زوراء می‌نامند. آن‌جا محل بنا شدن شهریاست که قصرهایش مانند کاخ‌های بهشتی است. ای مفضل! زن‌های آن مانند حور العین هستند و لباس کافران را خواهند پوشید و چون مستکبران خود را می‌آرایند، بر زین سوار می‌شوند و از شوهران خود تمکین و اطاعت نمی‌کنند، از خانه و زندگی شوهرهایشان ناراضی‌اند و از آنان در خواست طلاق می‌کنند، هم‌جنس‌گرایی زیاد می‌شود و مردها شبیه به زن‌ها می‌شوند و زن‌ها شبیه مرد می‌شوند، در آن روز اگر خواسته باشی که دین خود را نگه داری، پس در آن شهر سکونت مکن، زیرا آن شهر محل آشوب و فتنه خواهد بود.^۱

در این احادیث می‌بینیم که حضرت صراحتاً می‌فرماید که زوراء منطقه‌ای است در کنار شهر ری.

اما احادیثی که دلالت دارد که زوراء همان بغداد امروزی است. در حدیثی گذشت که حضرت صادق علیه السلام فرمود: شهری است که پس از این بنا می‌شود. با توجه به این که ری در زمان امام صادق علیه السلام وجود داشته است ولی شهر بغداد، شهری جدید التأسیس است که حاکمان بنی‌العباس آن را بنیان نهادند.

امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: زمانی که جنگ نهروان پایان یافت، امیرالمؤمنین علیه السلام با یاران خویش از منطقه زوراء عبور نمودند. حضرت رو به یاران خود کرد و فرمود: این

۱. منتخب التواریخ: ص ۸۷۵ و یاتی: ص ۴۲۶.

جا سرزمین زوراء است، عجله کنید و به سرعت از این جا بگذرید، زیرا امکان وقوع خسف در این سرزمین بسیار زیاد است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمود: میان رود دجله و فرات شهری بنا خواهد شد به نام زوراء. آن شهر را به گونه‌ای اشرافی خواهند ساخت...^۲ و در خطبه‌ی دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام به منطقه زوراء اشاره می‌نماید و می‌فرماید که این شهر پایتخت سلسه‌ی بنی‌العباس خواهد شد و مکان حکومت و عیش و نوش آنان خواهد بود و در آن جا ستم‌های فراوان خواهند کرد و سپس حضرت به وقوع جنگی میان بنی‌العباس و گروهی اشاره می‌کند که از خصوصیات آنان می‌توان فهمید که این جنگ هولاکو و بنی‌العباس است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: بلاء شهر زوراء را فراخواهد گرفت و پس از آن در دنیا مصیبت‌ها و رنج‌های پی‌درپی خواهد رسید.^۳

حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: زوراء شهری است در مشرق که میان رودها بنا شده. در این شهر چندین جنگ رخ خواهد داد و شرورترین افراد و افرادی ستمکار از امت من، در آن ساکن خواهند شد. در این شهر مردم به چهارگونه بلا دچار می‌شوند؛ جنگ با شمشیر، خسف، قذف و مسخ شدن.^۴

در حدیث دیگری حضرت از سفیانی یاد می‌کند که لشکری را به عراق فرستاده که صد هزار نفر را در زوراء به قتل می‌رساند.^۵

۱. مستدرک سفینه البحار: ج ۴ ص ۳۲۳.

۲. همان.

۳. یاتی: ص ۳۱۲ و الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۰۵.

۴. همان.

۵. همان.

در این روایات می‌بینیم که زوراء را شهری توصیف می‌کنند که در عراق و میان رود دجله و فرات بنا می‌شود و مرکز حکومت بنی‌العباس خواهد بود.

زیارت، زیارت‌های امام زمان علیه‌السلام^۱

زیارت در لغت یعنی دیدار کردن و در اصطلاح دینی عبارت است از رفتن به سوی امام علیه‌السلام برای دیدن ایشان یا به سوی قبور مطهر آنها. علاوه بر این متونی نیز به دست ما رسیده است که با آنها می‌توانیم ائمه علیهم‌السلام را زیارت کنیم، یعنی هنگامی که به سوی قبور ایشان می‌رویم یا به پیشگاه آنان توجه قلبی می‌نماییم، این زیارت‌ها خوانده می‌شود. زیارت‌ها علاوه بر حمد و ثنای الهی و سلام و صلوات بر خاندان پاک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای معانی بسیار بالایی می‌باشند.

ائمه علیهم‌السلام با توجه به دوران خفقان و تقیه شدید، بسیاری از معارف را در دعاها و زیارت‌ها برای ما به جای گذاشته‌اند. آنچه که با آن می‌توان حضرت مهدی علیه‌السلام را زیارت نمود، برخی زیارت‌هایی است که عموماً برای اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده و برخی نیز در خصوص آن حضرت روایت شده است. زیارت جامعه کبیره، امین الله، زیارت جامعه ائمة المؤمنین از جمله زیارت‌های عمومی است. از زیارت‌های مخصوصه حضرت نیز یکی زیارت آل یاسین است. این زیارت را حضرت مهدی علیه‌السلام در نامه‌ای به یکی از نواب اربعه نوشتند و فرمودند: هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند تبارک و تعالی توجه کنید این زیارت را بخوانید: «سلام علی آل یاسین، السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته...»^۲

۱. رک: دعا، جمعه.

۲. مفاتیح الجنان: باب سوم، فصل دهم.

..... فرهنگ‌نامه آخرالزمان
 زیارت دیگری نیز برای آن حضرت وارد شده است که در حرم سامرا خوانده
 می‌شود: «السلام عليك يا خليفة الله و خليفة آباءه المهديين، السلام عليك يا وصي
 الأوصياء الماضين...»^۱

زیارت دیگری را مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از سید بن طاووس نقل
 می‌کند: «السلام على الحق الجديد، و العالم الذي علمه لا يبید...»^۲

در روزهای جمعه نیز زیارتی برای حضرت نقل شده است، زیرا در بعضی احادیث
 روزهای هفته را به نام ائمه علیهم‌السلام تقسیم کرده‌اند و روز جمعه را منسوب به حضرت
 مهدی علیه‌السلام قرار داده‌اند و زیارتی را نیز برای آن جناب در این روز تعیین فرموده‌اند.
 مطلع آن دعا چنین است: «السلام عليك يا حجة الله في أرضه، السلام عليك يا عين
 الله في خلقه، السلام عليك يا نور الله الذي يهتدي به المهتدون...»^۳

زید، زیدیه

«زید» فرزند امام سجاد علیه‌السلام بود. او در زمان امام باقر علیه‌السلام به خونخواهی امام
 حسین علیه‌السلام قیام کرد و سرانجام به شهادت رسید. گروهی که او را در این قیام همراهی
 می‌کردند و او را امام خود می‌پنداشتند، پس از او نیز به سوی ائمه هدی علیهم‌السلام نیامدند
 و معتقدند که هر فرد فاطمی نسب که قیام کند و علم و شجاعت داشته باشد و دعوت
 به خود نماید با او باید بیعت کرد و او را به رهبری و امامت خود می‌پذیرند. حضرت
 زید علیه‌السلام از نظر ائمه علیهم‌السلام مردی نیک سرشت معرفی شده است، هر چند از طرف اهل
 بیت به او گفته شده بود که شهید خواهد شد و قیامش به سرانجام نخواهد رسید.

۱. همان.

۲. همان.

۳. مفاتیح الجنان: باب اول، فصل پنجم.

زیدیان تا زمان ما نیز وجود دارند و اکثراً در یمن زندگی می‌کنند. زیدیه دچار تحولات بزرگی شده‌اند و دچار عقیده‌های سلفی و اکثراً تابع مذهب شافعی اهل تسنن هستند.

در روایتی امام صادق علیه السلام زیدیه را سپر بلای شیعه معرفی می‌نماید. زیرا آنان به واسطه‌ی نسبت ظاهری با شیعه و همچنین افراطی‌گری، همیشه دشمنان را متوجه خود می‌ساختند.

در حدیثی امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: سید حسنی از طرف دیلم قیام می‌کند و با لشکری انبوه به حضرت مهدی علیه السلام ملحق می‌شود. او حضرت را شناخته ولی برای اطمینان خاطر یاران خود از حضرت معجزات و نشانه‌هایی را می‌خواهد و حضرت همه را انجام می‌دهد. سید حسنی دست می‌گشاید و با حضرت بیعت می‌کند و سایر لشکر او نیز با حضرت بیعت می‌کنند. اما در میان سپاه او چهل هزار نفر زیدی مذهب هستند که قرآن حمایل کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند معجزات حضرت جملگی سحر است و از بیعت سرباز می‌زنند. درگیری میان دو دسته ایجاد می‌شود. حضرت رو به زیدیان کرده و آن‌ها را موعظه می‌کند و تا سه روز به آن‌ها مهلت می‌دهد که در عقیده خود تجدید نظر کنند. اما آنان روز به روز یاغی‌تر می‌شوند. سپس حضرت دستور می‌دهد که همه را بکشند و با قرآن‌هایشان دفن کنند تا روز قیامت بیشتر حسرت بخورند.

شاخه‌ای از زیدیه، فرقه‌ای به نام «بتریه» هستند که در آخرالزمان با حضرت خواهند جنگید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌کند به سوی کوفه رفته و در آنجا با شانزده هزار عالم‌دینی از فرقه بتریه روبرو می‌شود، آنان قاریان قرآنند و پیشانی‌هایشان از کثرت سجده پینه بسته است، اما نفاق سرتاسر وجود

آنان را گرفته است. این فرقه در حالی که غرق در سلاح هستند با حضرت روبرو میشوند. همه‌ی آنان حضرت را انکار می‌کنند و می‌گویند: ای فرزند فاطمه! از همان راهی که آمده‌ای بازگرد، زیرا به تو نیازی نداریم. حضرت مهدی علیه السلام نیز شمشیر کشیده‌ی آنان را یکسره از دم تیغ می‌گذراند. آنان همگی در پشت شهر نجف، در یک نیم‌روز دوشنبه مانند شتر قربانی کشته می‌شوند، و حتی یک نفر از یاران حضرت هم آسیبی نمی‌بیند.^۱



ستاره، ستاره‌ی دنباله دار

ستاره‌ها اجرامی آسمانی‌اند که نور افشانی می‌کنند و در روز به علت روشنی هوا دیده نمی‌شوند، بلکه در شب می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. گاهی به اجرام خاموش آسمانی نیز ستاره اطلاق می‌شود و این بدان علت است که این اجرام تاریک به علت انعکاس نور خورشید در چشم ما روشن به نظر می‌رسند. میلیاردها میلیارد از این ستاره‌ها و سیارات در کهکشان ما وجود دارند. برخی از این اجرام به علت برخورد با جرمی دیگر خرد می‌شوند و ذرات آن در کنار هسته مرکزی جرم، به علت جاذبه‌ی موجود در آن باقی می‌مانند. این اجرام به علاوه‌ی ذرات حاصل از برخورد، از روی زمین به صورت هاله‌ای از غبار در اطراف برخی از ستارگان و سیارات دیده می‌شوند. برخی از این اجرام نیز به علت نزدیک شدن به ستاره‌ای گرم، مواد سطحی آنان تبخیر شده و مانند انبوهی از دود اطراف و در دنباله‌ی این اجرام مشاهده می‌شوند. این اجرام با سرعت‌هایی فوق‌العاده در فضا جابجا می‌شوند و ذرات معلق در اطراف آن، پیرامون هسته و در پشت آن به صورت دنباله‌ای رؤیت می‌شوند. هر چند سال یک بار ما از روی زمین شاهد یکی از این ستاره‌ها یا سیاره‌های دنباله دار هستیم. از آن جایی که اگر این سیاره‌ها تحت تأثیر جاذبه‌ی سیاره‌ای دیگر قرار بگیرند، از مدار خود خارج شده و با سیاره‌ی دیگر برخورد خواهند کرد، همواره زمین نیز در معرض خطر این برخوردها قرار دارد. نمونه بسیار کوچک آن را می‌توان شهاب‌سنگ‌ها دانست که سنگ‌هایی هستند

که در فضای خالی جو بیرون زمین در حرکتند و با عبور از محدوده‌ی جاذبه زمین گرفتار می‌شوند و به سوی زمین جذب می‌شوند. معمولاً ورود این اجرام به جو زمین به علت شدت برخورد آنها از یک محیط خلأ با هوای اطراف زمین، با آتش گرفتن آنها و نورافشانی همراه است. برخورد این سیاره‌ها به زمین همواره کابوسی وحشت‌ناک برای بشر بوده و هست، زیرا یک سنگ با قطر چند کیلومتر، آن هم با سرعتی فوق‌العاده می‌تواند کره زمین را با آن همه بزرگی متلاشی کند. امروزه حرکت این سیاره‌ها را تا حدودی پیش بینی می‌کنند و می‌توانند از خطر احتمالی برخورد آن با زمین، پیش از وقوع، آگاه شوند. در دنیای امروز بشر مغرورانه در فکر دفع این گونه خطرات احتمالی با بمب‌های بسیار قدرتمند می‌باشد. اما مؤمنان راستین معتقدند که اگر عذابی را خداوند برای بشر تقدیر نموده باشد، کسی توانایی دفع آن را نخواهد داشت. هر چند قدرتمند و توانا باشند. در قدیم طلوع ستاره‌ی دنباله‌دار نشانه‌ای بود برای حوادث شگفت و اغلب ناگوار. در روایات یکی از نشانه‌های ظهور حضرت طلوع ستاره‌ای دنباله‌دار معرفی شده است.^۱

در روایتی آمده است: پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام ستاره‌ای از سوی مشرق طلوع خواهد کرد که دنباله‌ای درخشان به همراه دارد. دنباله‌ی این ستاره چنان پر نور است که مانند ماه شب چهارده نورافشانی می‌کند. در روایت دیگری فرمود: ستاره‌ای ظهور می‌کند که در افق‌ها جابجا می‌شود و آسمان به رنگ سرخ درمی‌آید.^۲

در روایتی دیگر می‌فرماید: ... ستاره‌ای (به سوی زمین) پرتاب می‌شود، مانند شهابی نورانی که همچون ماه می‌درخشد، ستاره‌ای که به سوی زمین آمده، شهابی است که از فضا به جو زمین آمده و صدایی شدید دارد. این شهاب در مشرق به زمین می‌افتد و

۱. یأتی: ص ۳۴۳ و بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۰۷.

۲. ملاحم: ص ۴۶.

مانند ماری است که سر و دم آن به طرف یکدیگر خم شده است. سپس دو زلزله‌ی نحس در یک شب واقع می‌شود و مردم دچار بلایی شدید خواهد شد.^۱
در ماه صفر (پیش از ظهور) نشانه‌هایی آشکار می‌شود که اولین نشانه ستاره‌ای دنباله دار است.^۲

ستم و ستمگری

یکی از نشانه‌هایی که پیش از وقوع ظهور منجی آخرالزمان در زمین روی می‌دهد، گسترش ظلم و بیداد در روی زمین است. در روایات بسیاری در منابع شیعه و سنی آمده است که حضرت مهدی علیه السلام زمانی ظهور خواهد نمود، که دنیا سراسر آکنده از ستم و سرکشی و گستاخی باشد، همه جای زمین تحت تصرف ستمگران در آمده باشد و عدالت نایاب‌ترین کالای آن روزگار خواهد بود. سپس حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌نماید و پس از جنگ‌های بسیار، طومار ظلم و طغیان را یکسره درهم می‌پیچد و عدالت را در تمام جهان برقرار می‌کند به گونه‌ای که عدالت در تمام خانه‌ها گسترده می‌شود.^۳

سرداب سامرا

سرداب مقدس، زیرزمینی است در سامرا، کنار مزار امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام. آن سرداب محل زندگی و عبادت امام هادی و امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه السلام بوده و تمام دیدارها با حضرت مهدی علیه السلام در زمان پدرش در همین منزل و سرداب انجام می‌گرفته است.

۱. همان.

۲. ملاحم؛ ص ۴۴.

۳. رک: عدل

خانه امام عسکری علیه السلام همانند دیگر خانه های عراق، شامل غرفه ای برای مردان، غرفه ای برای زنان و سرداب بوده که سرداب نیز شامل غرفه هایی برای مردان و زنان بوده است و در تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می‌برده‌اند. مقدس شمردن آن سرداب از سوی شیعیان موجب شد که دشمنان اهل بیت، شیعیان را متهم کنند بر اینکه آن‌ها می‌گویند امام زمان در این سرداب مخفی شده است اما شیعیان از چنین اعتقادی منزّه هستند. شیعیان سرداب را به این دلیل مقدس می‌شمارند که محل زندگی و نیایش سه امام معصوم، همچنین محل زندگی حضرت حکیمه خاتون و نرجس خاتون بوده است.

امروزه هرکس از هر نقطه شهر سامرا به مرکز شهر نگاه کند، دو گنبد با شکوه می‌بیند که یکی از آن‌ها باکاشی های طلایی براق و دیگری باکاشی های رنگی زیبائی پوشیده شده است. هر یک از این گنبدها به ساختمان مستقلی تعلق دارند. گنبد بزرگ طلایی بر بالای ضریح مطهر که مرقد های مقدس امام دهم علیه السلام و امام یازدهم علیه السلام در آن جای دارد، قرار گرفته است. ولی گنبدهای کوچک بر بالای ساختمان مسجد جامع شهر ساخته شده است. ساختمان حرم مطهر به شکل مستطیل و ساختمان مسجد جامع به صورت مستقل از ساختمان حرم، ولی متصل به صحن حرم است و سرداب غیبت درست در زیر ساختمان مسجد قرار گرفته و در طول تاریخ بارها در بنا و بخش های مختلف آن تعمیرات و تغییراتی انجام شده است.

سرداب غیبت از جمله سرداب های عمیقی است که در زیر یک لایه سنگی حفر شده و در کل دارای سه قسمت عمده است: یک غرفه شش ضلعی، یک غرفه مستطیل کوچک و یک غرفه به شکل مستطیل بزرگ. توضیح بیشتر آنکه غرفه مستطیل بزرگ در میان مردم به مصلاهی مردان و غرفه مستطیل شکل کوچک به مصلاهی بانوان، معروف است. این بخش‌ها با دو راهرو بلند و طولانی به یکدیگر مربوط می‌شوند یعنی یک

راهرو طولانی مصلاهی مردان و مصلاهی زنان را به هم وصل می‌کند و یک راهرو طولانی دیگر بین مصلاهی مردان و غرفه شش ضلعی وجود دارد.

همچنین این بخش‌های سه‌گانه هر یک از طریق روزنه‌ای کوچک و طولانی که از قسمت‌های فوقانی دیوار آغاز شده، تا پایین‌ترین حد دیوار بیرونی مسجد جامع امتداد می‌یابد و نور و هوا دریافت می‌کند. پلکانی که راه ورود و خروج سرداب است و به غرفه شش ضلعی منتهی می‌شود دارای بیست پله است. ورودی این پلکان و سرداب در داخل ساختمان مسجد و بر دیواری قرار گرفته که ورودی نمازخانه نیز در آن واقع است.

در انتهای غرفه مستطیل شکل یعنی انتهای همان مصلاهی مردان، یک در چوبی که معروف به باب غیبت است وجود دارد. در پشت این در اتاق کوچکی قرار دارد. این اتاق به نام محل غیبت شهرت پیدا کرده است که در حقیقت بخش مکمل غرفه مستطیل شکل بزرگ محسوب می‌شود و در جلوی آن حفاظ مشبکی است که آن را از بقیه غرفه جدا می‌کند. چاه معروف به چاه غیبت هم در گوشه‌ای از همین اتاق قرار دارد.

در زمان سابق راه سرداب نیز از پشت حرم عسکرین علیهم‌السلام در یک ساختمان بوده است، لذا در کتب زیارات پس از زیارت عسکرین علیهم‌السلام بلافاصله زیارت امام زمان علیه‌السلام و سپس زیارت حضرت نرجس خاتون ذکر شده است.

در هر حال این سرداب در طول تاریخ به اندازه‌ای مورد توجه مردم بوده است که در آن آثار ارزشمندی از منتکاری و کاشی‌کاری و سایر هنرهای معماری به کار رفته است. از جمله این اشیاء در چوبی نفیسی است که از دوران خلافت عباسیان به جای مانده است و از ویژگی‌های هنری و تاریخی ارزشمندی برخوردار است.^۱

۱. موعود نامه: ص ۳۹۷ به نقل از نشریه موعود: شماره ۲۷ ص ۵۱ با تلخیص.

سفیانی

سفیانی مردی است از تبار بنی‌امیه و از فرزندان ابوسفیان و هند جگرخوار است. نام اصلی او «عثمان بن عنبسه» است، میانه قد با سری بزرگ، صورتی نحس دارد، و اثر آبله در چهره‌ی او نمایان است. چشم‌های او به گونه‌ای است که بیننده گمان می‌کند یک چشم دارد و در چشم او علامتی سفید رنگ می‌باشد. او از کشور سوریه و شهر دمشق، و از بیابانی خشک و بی آب قیام می‌کند و قیام او در ماه رجب خواهد بود. همزمان با او خراسانی از طرف خراسان و یمانی از طرف یمن قیام می‌کنند. او با دو گروه به سرکردگی اُبَقع و اَصهب نبرد خواهد کرد و آنان را از پای در خواهد آورد. پیش از ظهور قطعاً سفیانی خروج خواهد کرد. زیرا قیام او در روایات جزو نشانه‌های حتمی ظهور معرفی شده است. او و لشکریانش، کشتارها و جنایت‌های بسیاری مرتکب می‌شوند، و در سرزمین بیداء که منطقه‌ای است میان مکه و مدینه، در زمین فرو خواهند رفت. سفیانی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در مقابل حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه تاب مقاومت ندارد، بنابراین تصمیم به تسلیم می‌گیرد. اما پس از مدت اندکی پیمان شکنی می‌کند و به جنگ با حضرت برمی‌خیزد. او در این جنگ شکست خورده و نابود می‌شود.^۱

در روایاتی سفیانی را این گونه توصیف می‌کند: سفیانی از طرف روم قیام می‌کند. او خود را به صورت مسیحیان آشکار می‌کند در حالی که صلیب بر گردن خود حمایل کرده است. او با لشکرش به کوفه یورش می‌برند. آنان فقط در پی نابود کردن خاندان رسول خدا و سفیانی هستند و هر کسی را که می‌یابند می‌کشند و حتی به بچه‌های کوچک نیز رحم نمی‌کنند و در جنگ حتی به جمع آوری غنایم هم توجه نمی‌کنند و

فقط در اندیشه کشتار هستند. شیعیان بسیاری به دست آنان به دار آویخته می‌شوند.^۱

میان سفیانی، شعیب بن صالح - یکی از قیام‌کنندگان پیش از ظهور - جنگی رخ خواهد داد که در این جنگ سفیانی شکست خواهد خورد.^۲

امام کاظم علیه السلام فرمود: قیام سفیانی تقدیری خداوندی است که حتماً واقع می‌شود و ظهور حضرت قائم علیه السلام زمانی خواهد بود که سفیانی خروج کرده باشد.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سفیانی پلیدترین مردم (زمان خویش) است. صورتی سرخ‌فام دارد که به زردی می‌گراید. چشمانی کبود دارد، نام خدا را بر زبان می‌راند، اما جزو جهنمی‌ها خواهد بود (زیرا او کافر است و ایمانش ظاهری است). او آنقدر پلید است که کنیز خود را که فرزندش را در شکم حامله است، زنده در گور دفن می‌کند، زیرا می‌ترسد که مبادا جای او را به دیگران معرفی کند.^۴

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نام سفیانی چیست؟ حضرت فرمود: برای چه می‌خواهی اسم او را بدانی، اما بدان که او چند شهر از شهرهای سوریه را به تصرف در خواهد آورد؛ دمشق، حمص و قنسرين، به علاوه فلسطین و اردن را نیز اشغال خواهد کرد. هرگاه چنین واقعه‌ای رخ داد، منتظر باشید که قیام (حضرت مهدی علیه السلام) روی خواهد داد و سفیانی دقیقاً هشت ماه حکومت خواهد کرد.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: خراسانی و سفیانی و یمانی، هر سه در یک سال و یک ماه و یک روز قیام خواهد کرد و در روایتی دیگر به قیام مردی از مصر نیز اشاره شده است.^۶

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ صص ۲۲۲-۲۱۷.

۲. رک: شعیب بن صالح.

۳. یاتی: ص ۳۴۹ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۸۲.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۰۵.

۵. همان. البته در بعضی روایات از نه ماه و سیزده ماه نیز یاد شده است.

۶. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۰.

امام صادق علیه السلام فرمود: قیام سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است. از ابتدای قیام او تا روزی که کشته می‌شود، پانزده ماه طول می‌کشد. شش ماه از قیام او به جنگ سپری می‌شود که در طی آن جنگ‌ها پنج شهر را به تصرف در خواهد آورد و دقیقاً نه ماه سلطنت می‌کند و حتی یک روز هم از نه ماه بیشتر نخواهد شد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم زمانی را که سفیانی به «رُحبه» در نزدیکی کوفه آمده است و در آن اتراق کرده است، دستور می‌دهد که منادی او ندا کند: هر کسی که سر یک نفر از شیعیان علی علیه السلام را بریده، نزد من بیاورد، هزار درهم به او جایزه خواهم داد. آنگاه برخی مردم برای به دست آوردن پول، سر از تن همسایه خود جدا می‌کند و می‌گوید او از شیعیان علی علیه السلام بود و هزار درهم جایزه می‌گیرد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که در آن زمان حاکمان شما جملگی اولاد زنا هستند. می‌بینم روزی را که فردی از میان خودتان و هم‌سخنانتان نقاب بر چهره نهاده (یا به طور مخفیانه و سری) شما را به دام می‌اندازد، به راستی او از اولاد نامشروع و زنازاده است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: به یقین سفیانی خروج می‌کند و در ماه رجب قیام خواهد کرد. شخصی پرسید: در آن روزگار چه باید بکنیم؟ حضرت فرمود: هرگاه سفیانی خروج کرد، با تمام سعی خود به سوی ما بیایید. در روایت دیگری فرمود به مدینه یا مکه یا جایی دیگر (که تحت تسلط او نیست) بروید. البته در بعضی روایات مدینه را جای امنی برای فرار از سفیانی نمی‌دانند، زیرا مدینه نیز مورد هجوم لشکر سفیانی قرار می‌گیرد.^۳

امام رضا علیه السلام فرمود: زمانی که سفیانی قیام می‌کند، بنی‌العباس دارای حکومت هستند.

۱. غیبت نعمانی: ص ۳۰۰.

۲. غیبت طوسی: ص ۲۷۳.

۳. غیبت نعمانی: ص ۳۰۰-۳۰۲.

آنان پیش از خروج سفیانی با مروانیان در قرقیسا^۱ جنگی سخت درخواهد گرفت، جنگی بی‌نظیر که دشواری آن جوانان نیرومند را پیر خواهد کرد و افراد بسیاری کشته خواهند شد، پس از آن سفیانی از سوریه خروج می‌کند. او در آن سرزمین با دو گروه درگیر می‌شود. یکی گروهی به سرکردگی اَصْهَب و دیگری گروهی به فرماندهی اَبَق. سفیانی در ابتدا با لشکر اَبَق می‌جنگد و آنان را تار و مار می‌کند و سپس به لشکر اَصْهَب هجوم برده و همه آن‌ها را می‌کشد. سپس به سرعت به سوی عراق روان می‌شود. در مسیر خود از شهر قرقیسا عبور می‌کند. در آنجا جنگ سختی درخواهد گرفت. صد هزار نفر از ستمگرانی که در آن شهر هستند در این جنگ کشته خواهند شد. سپس سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری به سوی کوفه می‌فرستد. آنان در کوفه گروهی را به دار می‌آویزد و گروهی را کشته و برخی را نیز به اسارت می‌گیرند. لشکر سفیانی سخت مشغول جنایت و کشتار است که خراسانی با لشکر خود به کوفه وارد می‌شود، در لشکر او تعدادی از یاران حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام وجود دارند. آنگاه لشکر سفیانی و لشکر خراسانی در کوفه به جان بنی‌العباس می‌افتند و همه‌ی آنان را قتل عام می‌کند. در کوفه مردی از نژاد غیر عرب علیه سفیانی شورش می‌کند و گروهی اندک نیز او را همراهی می‌کنند. فرمانده لشکر سفیانی این گروه را در شهری به نام «حیره» در نزدیکی کوفه، می‌کشد. سفیانی از عراق لشکری را به سوی مدینه گسیل می‌دارد (تا حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را به شهادت برساند). حضرت از مدینه به سوی مکه رهسپار می‌شود. جاسوسان به فرمانده لشکر سفیانی خبر می‌دهند که حضرت به سوی مکه رفته است. او نیز گروهی را به سوی مکه می‌فرستد، اما نمی‌توانند به حضرت دستیابی پیدا کنند و امام عَلَيْهِ السَّلَام مخفیانه به شهر مکه وارد می‌شود. لشکری که سفیانی به مدینه فرستاده بود، به منطقه‌ای به نام

۱. قرقیسا شهری است در نزدیکی فرات. ر.ک: قرقیسا.

«بیداء» در بین راه مکه و مدینه، گذر می‌کنند. سپس جبرئیل از آسمان نازل می‌شود و به زمین دستور می‌دهد که «ای زمین بیداء، این گروه را نابود کن». زمین بیداء (پس از این ندا) شکافته می‌شود و تمام لشکر به زمین فرو می‌روند مگر تعدادی انگشت شمار که صورت آن‌ها را خداوند به عقب سرشان برگردانده است.^۱

خراسانی در روایاتی مورد تأیید قرار گرفته است و باطل بودن لشکر سفیانی هم آشکار و مشخص است. این دو لشکر در کوفه به جان بنی‌العباس می‌افتند، اما در ابتدا با یکدیگر درگیری نخواهد داشت. در روایت دیگری نقل شده که او فقط دنبال کشتن خاندان رسول خدا ﷺ است. از این دو دسته روایت می‌توان فهمید که سفیانی در ابتدا نیت شوم خود را علنی نمی‌کند، بلکه پس از مدتی که قتل و غارت و کشتار نمود، هویت اصلی خود را آشکار می‌کند و در نهایت به جنگ با حضرت می‌پردازد. حتی در روایتی نقل شده که برخی به قصد خراب کردن و نبش قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام روانه می‌شوند اما سفیانی آنان را از ارتکاب چنین عملی نهی می‌کند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام، شیصبانی خروج می‌کند و شیعیان را به قتل می‌رساند. در پی او سفیانی قیام می‌کند و سپس حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهند کرد.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود:.. سفیانی شخصی است که هرگز خداوند را عبادت ننموده است و مکه و مدینه را هیچ وقت ندیده است. او خون خواهی کشتگان خویش را می‌کشد و می‌گوید: خدایا من حاضرم به قیمت گرفتاری آتش جهنم، انتقام خود را بگیرم!

در روایتی دیگر فرمود: سفیانی پسر هند جگرخوار از وادی یابس (سرزمین خشک و

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۷۹، ۲۳۱ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۵۱. رک: قریسا، خراسان.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۹.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۵۰.

بی آب و علف) در سوریه قیام می‌کند و بر منبر دمشق می‌نشیند. سپس حضرت فرمود:
هرگاه چنین حوادثی رخ داد، منتظر قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام باشید.^۱

مرحوم سید بن طاووس رحمته الله در کتاب ملاحم خود روایت می‌کند: سفیانی از میان سرزمین سوریه قیام می‌کند، و در آن هنگام نشانه‌ای را از آسمان خواهید دید. او کشتارهایی بی‌رحمانه و بزرگ را مرتکب می‌شود. او چهارماه را در مصر به جنگ و کشتار سپری می‌کند و گروه بسیاری را اسیر می‌کند. بلایی بر سر اهالی مصر خواهد آمد که مردم تمنای مرگ می‌کنند. کسانی که از این جنگ جان سالم به در برده‌اند یکسره به گریه و جزع مشغولند، زیرا هر کسی را که ببینی، یا فرزند از دست داده یا مورد بی‌حرمتی قرار گرفته و یا دار و ندارش به باد رفته است. لشکر سفیانی از طرف گروهی به فرماندهی مردی از خاندان بنی‌هاشم مورد هجوم قرار می‌گیرد. سفیانی از مصر به فرماندهی خود نامه می‌نویسد که به کوفه حمله کند و کوفه را با خاک یکسان کند. او نیز چنین می‌کند سپس لشکر را به مدینه گسیل می‌دارد و هر کسی که از بنی‌هاشم در مدینه به سر می‌برد به قتل می‌رساند. حتی زن‌های حامله نیز کشته می‌شوند و مردم همه به بیابان‌ها و کوه‌ها پناهنده خواهند شد. لشکر سفیانی در مدینه مرتکب جنایت‌های فراوانی می‌شوند و خون همه جا را فراخواهد گرفت، تا جایی که جنگ‌های پیشین مدینه در مقابل این جنگ بسیار کوچک به نظر می‌رسد.

آن‌ها در مدینه قریش را از دم شمشیر می‌گذرانند و چهارصد نفر از انصار (غیر قریش) را کشته، شکم زن‌ها را پاره می‌کند و بچه‌هایی که در شکم دارند به قتل می‌رساند. آن‌ها مرد و زنی به نام محمد و فاطمه را در کنار درب مسجد النبی به دار می‌آویزند. سفیانی این کشتار را به خون‌خواهی لشکر خود، که به دست مردی هاشمی

نسب کشته شده‌اند، انجام می‌دهد. سپس سفیانی به همراه صد و هفتاد هزار لشکر و ادوات جنگی خود وارد فلسطین می‌شود و در کنار دریاچه طبریه اردو می‌زنند. حضرت مهدی علیه السلام با لشکر خود به سوی او حرکت می‌کند. حضرت (برای غافلگیر کردن سفیانی) شبانه حرکت می‌کنند و در روز مخفی می‌شوند. ملائکه و حضرت جبرئیل نیز ایشان را در این جنگ یاری خواهند داد. در کنار دریاچه طبریه هر دو لشکر به هم می‌رسند. در آن هنگام غضب الهی بر سفیانی نازل می‌شود و مؤمنین خشمناک لشکر سفیانی را آماج تیرها قرار می‌دهند و پرنده‌ها به کمک لشکریان حق آمده و کوه‌ها نیز با سنگ‌های خود آنان را یاری می‌رسانند. ملائکه با فریادهای خود آنان را مدهوش و هلاک می‌کنند. در اندک زمانی لشکر باطل سفیانی به هلاکت می‌رسد و فقط سفیانی باقی می‌ماند. حضرت هم او را دستگیر کرده و در ساحل دریاچه طبریه در کنار درختی سر از تنش جدا می‌کند. سپس حضرت به دمشق می‌رود و آنجا را به تصرف خود در می‌آورد.^۱

در ابتدا سفیانی در میان مردم به عدالت رفتار می‌کند، تا جایی که مردم گمان می‌کنند هر چه درباره‌ی سنگدلی او گفته شده، دروغ بوده است. او به این روش ادامه می‌دهد تا زمانی که به مصر می‌رسد. آنگاه باطن پست او آشکار می‌شود و رحم از دلش برداشته شده و کشتار را شروع می‌کند. او هر کسی که نامی از نام‌های شیعه داشته باشد به قتل می‌رساند. او به واسطه دشمنی سخت با آل رسول خدا، هر فرزندی که نامش محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، جعفر، موسی، زینب، خدیجه و رقیه باشد به قتل می‌رساند و بچه‌هایی که چنین نام‌هایی دارند، در روغن جوشان می‌اندازد. او در کوفه نیز چنین جنایتی را مرتکب می‌شود و در شهر جولان می‌دهد. سفیانی زمانی که قیام حضرت

مهدی علیه السلام را نزدیک می‌بیند، از ترس به سوره باز می‌گردد و شروع به خوشگذرانی و قتل و غارت می‌کند...^۱

از برخی روایات می‌توان چنین فهمید که «سفیانی» لقبی است برای دسته‌ای از طاغوت‌ها که علیه امام زمان خود قیام می‌نموده‌اند و آخرین سفیانی کسی است که با حضرت مهدی علیه السلام جنگ خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان ابوسفیان از دیرباز با هم بر سر دین دشمنی داشتند. سخن خدا از سوی ما مورد تصدیق قرار گرفت، اما آنان همواره آن را نمی‌پذیرفتند. از این روی ابوسفیان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، معاویه با حضرت علی علیه السلام و یزید با امام حسین علیه السلام جنگیدند. در آخرالزمان نیز سفیانی (که مردی از فرزندان ابوسفیان و هند جگرخوار است) با حضرت قائم علیه السلام نبرد خواهد کرد.^۲

در روایتی دیگر نیز به ظهور سه سفیانی اشاره شده که سه مهدی با آنان جنگ خواهد کرد.^۳

شاید در این حدیث هم منظور از سه سفیانی معاویه و یزید و عثمان بن عنبسه (سفیانی آخرالزمان) باشد. زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه جنگید و امام حسین علیه السلام با یزید و سومین بار نیز حضرت قائم علیه السلام با سفیانی خواهد جنگید. با این توجیه دیگر «مهدی» لقبی برای هر سه امام خواهد بود. چون در روایتی حضرت فرمود: ما امامان دوازده‌گانه، دوازده مهدی هستیم، یعنی هدایت‌گری خلق بر عهده تمام ما اهل بیت است. در این روایت می‌خوانیم که با خروج سفیانی سوم، مهدی سوم نیز قیام می‌کند و خداوند به دست این مهدی مؤمنین را نجات می‌دهد و تباهی را از بین می‌برد و دین خود را از

۱. یأتی: ص ۳۵۸.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۸۲.

۳. یأتی: ص ۳۶۱.

نو زنده می‌کند و بدعت‌ها را نابود می‌کند و مردم در کمال عزت و قدرت از بهترین زندگی بهره‌مند خواهند بود...

عمار یاسر روایت می‌کند که سفیانی در کوفه، یاران اهل بیت علیهم‌السلام را به قتل می‌رساند. حضرت مهدی علیه‌السلام شخصی به نام شعیب بن صالح را به پرچمداری لشکرش منصوب کرده و به جنگ با سفیانی برمی‌خیزد، در این جنگ سفیانی شکست می‌خورد. در روایتی شعیب بن صالح فرمانده و پرچمدار لشکر خراسانی معرفی شده‌است که با «سید هاشمی» به جنگ سفیانی رفته و او را شکست می‌دهند و سفیانی فرار می‌کند.^۱

لشکر سفیانی در مسیر خود برای حمله به مکه، میان راه مکه و مدینه در سرزمینی به نام بیداء به زمین فرو می‌رود. تمام لشکر نابود می‌شود و فقط دو نفر باقی خواهند ماند. یکی نوید دهنده است و دیگری ترساننده. صورت این دو نفر را خداوند به عقب سرشان برگردانده است. نوید دهنده نزد حضرت مهدی علیه‌السلام در مکه می‌آید و در مقابل حضرت ایستاده و می‌گوید: ای سرور من بشیر هستم، یکی از ملائکه به من دستور داد که به شما پیوندم و شما را به هلاکت لشکر سفیانی بشارت دهم. حضرت به او می‌فرماید: داستان خود و برادرت را بازگو کن. او می‌گوید: من و برادرم در لشکر سفیانی به سر می‌بریدم و تمام شهرهای میان دمشق و بغداد را ویران ساختیم، کوفه و مدینه را نیز خراب نموده و منبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شکستیم و نسبت به مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بی ادبی نمودیم. سپس از مسجد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خارج شدیم و به سوی مکه روانه شدیم. ما لشکری سیصد هزار نفری بودیم و قصد داشتیم که کعبه را ویران نموده و اهل مکه را یکسره قتل عام کنیم؛ اما در سرزمین بیداء، میان مکه و مدینه، اتراق کرده بودیم که ناگاه صدایی شنیدیم که بانگ می‌زند: ای بیابان این گروه ستم‌پیشه را

نابود کن. سپس یکباره زمین شکاف برداشت و همه لشکر را در خود فروبرد و از آن همه لشکر حتی یک زانوبند شتر هم باقی نماند، فقط من و برادرم زنده ماندیم که ملائکه‌ای بر صورت ما زد و این گونه روی ما را به عقب برگرداند و به برادرم گفت: وای بر تو (ای نذیر!) به دمشق برو و سفیانی را خبر ده که خداوند سپاه او را نابود ساخت؛ به من نیز فرمود: ای بشیر نزد حضرت مهدی علیه السلام در مکه برو و نوید هلاکت لشکر سفیانی را به او بده و پیش او توبه کن، زیرا او توبه تو را قبول خواهد کرد. حضرت دست مبارک خود را بر چهره‌ی او قرار می‌دهد و صورت بشیر به حالت اولیه برمی‌گردد و او با حضرت بیعت کرده و همراه حضرت خواهد بود.^۱

در حدیثی امام باقر علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: به یقین سفیانی خروج خواهد کرد و قائم علیه السلام نیز قیام می‌کند. در ابتدای روز صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: آگاه باشید! حق با علی و شیعیان علی است. به هنگام غروب نیز ابلیس ندا می‌کند و می‌گوید: آگاه باشید! حق با سفیانی و پیروان او می‌باشد. این ندا امتحانی سخت برای اهل باطل خواهد بود و آنان با شنیدن این ندا به شک خواهند افتاد. در روایت دیگری نظیر همین حدیث می‌فرماید: در پایان همان روز شیطان ندا می‌کند که حق با عثمان و عثمانیان است؛ این ندا را هر کسی به زبان خود دریافت خواهد کرد.^۲

در روایت دیگری ذکر شده که مدینه به دست لشکر سفیانی خواهد افتاد، او در این شهر جنایت‌های فراوانی می‌کند. زنان آبستن را دستگیر کرده و شکم آن‌ها را با شمشیر می‌شکافد و جنین آن‌ها را نیز به قتل می‌رساند، مردم را با اره قطع می‌کند و در دیگرهای بزرگ می‌جوشاند، بسیاری از مردم کشته می‌شوند و گروه زیادی نیز به اسارت گرفته می‌شوند؛ قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و مکانی که گمان می‌رود قبر فاطمه زهرا علیها السلام

۱. الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۵۹.

۲. کمال الدین: ج ۲ ص ۵۲ و غیبت طوسی: ص ۲۶۶.

است را می‌شکافد و هر کسی که نام او محمد و فاطمه است به قتل می‌رساند و در مقابل مسجدالنبی به دار می‌آویزد. سپس دریای غضب الهی به جوشش می‌آید و آنان را به زمین فروخواهد برد که تأویل این آیه است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ»^۱ (اگر آنان را مشاهده کنی خواهی دید که چگونه به پیشانی افتاده‌اند، اما نمی‌میرند، بلکه از جایی نزدیک گرفته خواهند شد). یعنی از زیر پای خودشان گرفته شده و به زمین فرو خواهند رفت.^۲

در حدیث دیگری خروج سفیانی را این گونه بیان می‌کند: سفیانی در منطقه‌ای بیابانی از دمشق به سر می‌برد که «وادی یابس» یعنی بیابان خشک نام دارد. او در خواب است و دوبار با صدای شخصی که به او دستور قیام می‌دهد، بیدار می‌شود. اما وقتی اطراف خود را می‌نگرد، شخصی را نمی‌بیند. در مرتبه‌ی سوم به او گفته می‌شود: برخیز و پشت درب خانه‌ات را ببین. او برخاسته و به درب خانه می‌رود. گروهی را می‌بیند که بیرق (جنگ) فراهم کرده‌اند، به سفیانی می‌گویند: (قیام کن) ما یاران تو خواهیم بود. پرچم آنان به گونه‌ای است که هر بیننده‌ای را به ترس و فرار وامی‌دارد. سفیانی با سیصد و شصت نفر در دمشق قیام می‌کند. حاکم دمشق به مقابله با او برمی‌خیزد، اما وقتی بیرق جنگ او را می‌بیند، پا به فرار می‌گذارد. پس از گذشت یک ماه تعداد یاران سفیانی به سی هزار نفر می‌رسد و اکثراً از خویشاوندان مادری او هستند. نشانه‌ی قیام سفیانی این است که روستایی به نام «حرستا» در زمین فروخواهد رفت و دیوار غربی مسجد دمشق فرومی‌ریزد. در پی قیام سفیانی، سه گروه دیگر نیز دست به شورش می‌زنند. گروهی به فرماندهی أبقع از مصر و گروهی به سرکردگی أصهب از عربستان و گروهی نیز از سوی غرب به فرماندهی مردی به نام أعرج که از قبیله «کنده» است. میان

۱. سبأ / ۵۱.

۲. یاتی: ص ۲۶۳.

این چهار گروه یک سال جنگ ادامه پیدا خواهد کرد. سفیانی اُبَقع و اَصهب را شکست داده و از میدان به در می‌کند، ولی اَعْرَج کندی به جنگ پراکنده در مناطق مختلف ادامه می‌دهد و در طول پیشروی خود، مردها را می‌کشد و زنان را به اسارت می‌گیرد. اَعْرَج در نهایت به عربستان می‌رود و سفیانی در منطقه قیس با او به نبرد می‌پردازد و وی را شکست می‌دهد و تمام اموالی را که به غنیمت گرفته است از او ستانده و تصاحب می‌کند. سپس سفیانی به جنگ با ترک‌ها می‌رود و آنان را نیز شکست می‌دهد و پس از آن به چپاول و فساد مشغول خواهد بود. او به بغداد نیز حمله خواهد کرد و بسیاری از مردم بغداد را نیز به قتل خواهد رساند. سپس مردی از ماوراءالنهر و آسیای میانه به پامی خیزد که «حارث» نام دارد. پیشاپیش لشکر او مردی است به نام منصور که زمینه‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام را فراهم می‌کند. بر مؤمنین واجب است که او را یاری کنند.

در حدیث دیگری حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که سفیانی دو لشکر را آماده کرده و به سوی بغداد و مدینه گسیل می‌دارد. در بغداد لشکر سفیانی سه هزار نفر را کشته و بی حرمتی‌های فراوان مرتکب می‌شوند و سیصد نفر از مردان بنی‌العباس را به قتل خواهد رساند و سپس به سوی شام باز می‌گردند؛ اما در میان راه لشکری از مؤمنین کوفه به تعقیب ایشان می‌پردازند، پس از دو شب آنان به لشکر سفیانی می‌رسند و همه را تار و مار می‌کنند، به گونه‌ای که هیچ یک از آنان باقی نخواهد ماند تا خبر را به سفیانی برساند.^۱

امام صادق علیه السلام به سدید صیرفی فرمود: در شام سه گروه دست به شورش می‌زنند. سردمدار این سه گروه حسینی، اموی و قیس خواهد بود. سپس سفیانی قیام کرده و همه آنان را تار و مار می‌کند و به کلی نابودشان می‌سازد.^۲

۱. همان.

۲. نواب الدهور: ج ۳ ص ۳۲.

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که دیدید خورشید از موقع ظهر تا هنگام عصر از جابجایی بازایستاد و مردی تا سینه در میان قرص خورشید هویدا شد و خود را به طور کامل معرفی نمود، پس زمان نابودی سفیانی و پیروان او و بنی‌امیه فرارسیده است.^۱

در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: زمانی که زوراء (بغداد) دوباره پایتخت شود و حکومتی با مجلس شورا و رأی اکثریت در آن تشکیل شود، سفیانی قیام خواهد کرد. او نه ماه به جنگ و کشتار می‌پردازد، جنگ‌های او عذابی سخت برای مردم خواهد بود. مصر، زوراء (بغداد)، کوفه و واسط از جنگ‌های او آسیب‌های جدی خواهند دید. واسط را با خاک یکسان خواهد کرد و هیچ‌کسی را زنده باقی نخواهد گذاشت. قحطی بر مردم مسلط شده و غذا نایاب می‌شود. بارش باران کم شده و گیاهان نیز خشک می‌شوند و نمی‌رویند. سپس حضرت مهدی علیه السلام با بیرق هدایت برای راهنمایی بشر (به سوی سعادت و نجات) قیام خواهد کرد.^۲

لشکر حضرت مهدی علیه السلام در پیشروی‌های خود به سوی فلسطین می‌روند. جایی که سفیانی و لشکر او اردو زده‌اند. در پی مذاکره‌ای که بین سفیانی و حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد، سفیانی محکوم شده و ناچار به پذیرش حق می‌شود و توبه نموده و با حضرت بیعت می‌کند. اما به وسوسه‌ی سران سپاه خود دوباره پیمان‌شکنی می‌کند و به جنگ با حضرت برمی‌خیزد و همین جنگ منجر به شکست او و سپاهیانش شده و سفیانی در این جنگ کشته می‌شود و به دار آویخته می‌شود.^۳

ظهور حضرت صحنه آزمایش‌های گوناگون برای افراد است. زمانی که حق و باطل

۱. اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۲۲.

۲. یکی از استان‌های مرکزی عراق است.

۳. ملاحم: ص ۱۲۴.

۴. موعود نامه: ص ۲۹۵ و معجم احادیث الامام مهدی: ج ۳ ص ۲۱۶.

آشکار می‌شوند، و موقع جدایی این دو گروه فرامی‌رسد، افراد زیادی باطن مخفی خود را آشکار می‌کنند، گروهی ظاهرمنافق‌گونه خود را کنار می‌گذارند و کفر درونی خود را آشکار می‌کنند و گروهی نیز با دیدن نور هدایت، دست از ظلمت شسته و به سوی روشنایی خواهند آمد.

زمانی که دو لشکر سفیانی و لشکر حضرت مهدی علیه السلام روبروی هم قرار می‌گیرند برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام که به صورت ظاهری به حضرت ایمان آورده بودند و در لشکر آن حضرت به سر می‌بردند، دست از ایمان شسته و به لشکر سفیانی ملحق می‌شوند. گروهی از سپاه سفیانی نیز با دیدن امام مهدی علیه السلام، به نور هدایت ایشان، دیده‌ی بصیرتشان بینا شده و به لشکر حق ملحق می‌شوند. این روز را در روایات روز «إبدال» یعنی روز تبدیل شدن گروهی از حق به باطل و از باطل به حق نامگذاری شده است.^۱

سکته

ر.ک: مرگ ناگهانی.

سلیمان

جناب سلیمان علیه السلام فرزند حضرت داوود علیه السلام است و از انبیای بنی‌اسرائیل است. حضرت سلیمان علیه السلام به سلطنتی رسید که به احدی در دنیا نرسید و بر پرندگان و جن نیز سلطنت می‌کرد و با پرندگان صحبت می‌نمود و جنیان تحت فرمان او کار می‌کردند. حضرت سلیمان را انگشتری بود که رمز سلطنت این پیامبر خدا بر قوم خود و بر جنیان و پرندگان بود و تا وقتی که آن انگشتر را به دست داشت تمام پرندگان و اجنه مطیع فرمان او بودند. به اعتقاد شیعه این انگشتر اکنون جزو امانت‌های امامت است و

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۲۴.

نزد حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و در زمان ظهور از آن استفاده خواهد نمود.

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی حضرت قائم علیه السلام ظهور کند، پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ موسی و عصای موسی را به همراه خواهد داشت. در آن روز جارچی حضرت ندا می‌کند: هیچ کس آب و غذا با خود به همراه نیاورد؛ اصحاب می‌گویند: او می‌خواهد ما و حیوانات ما را از گرسنگی و تشنگی تلف کند! آنگاه با اصحاب حرکت می‌کند و در منزل اول که اتراق می‌کنند، به سنگ موسی ضربه می‌زند و از آن غذا و آب خارج می‌شود، و اصحاب و حیوانات از آن می‌خورند و می‌آشامند.^۱

در روایتی دارد که انگشتر سلیمان را به همراه میراث حضرت موسی از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبة البیان فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام به بیت المقدس رفته و تابوت سکینه و انگشتر حضرت سلیمان و الواح تورات که بر موسی بن عمران نازل شده بود از آنجا بیرون می‌آورد.^۲

سمیه

سمیه اولین زنی بود که بعد از ظهور اسلام به شهادت رسید. در مکه پس از این‌که گروه اندکی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آوردند، مشرکین در پی مبارزه با دین اسلام، به اذیت و آزار مسلمانان می‌پرداختند و این آزارها بیشتر متوجه اقشار پایین جامعه بود. خانواده‌ی یاسر که در جامعه آن روز از قبیله‌ای برخوردار نبودند که آنان را حمایت کنند مورد هجوم مشرکین قرار گرفتند. سمیه را در زیر آفتاب به همراه شوهرش و فرزندش عمار روزهای متمادی شکنجه می‌نمودند تا اینکه سمیه و یاسر در زیر شکنجه جان باختند و به شهادت رسیدند و اولین شهیدان اسلام شدند. عمار نیز باقی ماند تا در

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۳۸ ح ۲۸.

۲. الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۰۸.

جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام به دست سپاهیان معاویه به شهادت رسید. سمیه جزو معدود بانوان پاک‌دامن و بلند مرتبه‌ای است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنیا بازمی‌گردد و در زمره یاران ایشان خواهد بود.^۱

سن حضرت مهدی علیه السلام

درباره این که حضرت مهدی علیه السلام چند سال زندگی خواهد نمود و چه زمانی از دنیا خواهد رفت، هیچ کسی نمی‌تواند نظری داشته باشد. زیرا روایاتی درباره مدت سلطنت حضرت پس از ظهور وارد شده است، اما چون ما دقیقاً زمان ظهور آن حضرت را نمی‌دانیم، بنابراین تعیین مدتی برای عمر حضرت ناممکن خواهد بود. البته با توجه به تاریخ ولادت حضرت می‌توان سن کنونی ایشان را دانست.^۲ خداوند حضرت را آخرین وصی قرار داده و پس از ایشان نه پیامبری مبعوث خواهد شد و نه وصیی افزون خواهد گشت. بنابراین خداوند چنان زندگی شریف آن حضرت را طولانی نموده است که تا آخرالزمان زمین خالی از حجة‌الله نباشد و در پایان نیز او جهان را از هر گونه فساد و تباهی نجات داده و خلیفه‌الله بر روی زمین حکومت نماید. درباره عمر طولانی حضرت برخی دشمنان به ایراد شبهه و اشکال پرداخته‌اند. اما در تمام جواب می‌توان یادآورد جناب خضر علیه السلام شد، که تمام ادیان ابراهیمی قبول دارند او زنده است و حدود شش هزار سال عمر دارد. شیطان نیز به اراده خداوند تا روز وقت معلوم زنده خواهد بود. بنابراین عمر موجودات در ید قدرت الهی است و تا هر زمان که بخواهد هر موجودی را زنده نگاه خواهد داشت؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»^۳ (همانا خداوند نفوس را به هنگامی که موعد مرگشان برسد، می‌میراند). به

۱. رک: زنان.

۲. رک: حکومت حضرت مهدی x پس از ظهور، ولادت حضرت مهدی x.

۳. زمر / ۴۲.

صرف استبعاد نمی‌توان در سن طولانی حضرت تشکیک نمود.^۱ اما در عین حالی که حضرت مهدی علیه السلام از عمری طولانی برخوردار است، ولی زمانی که ظهور می‌نماید، به صورت جوانی ظاهر خواهد شد و در روایتی آمده است که این امر امتحان بزرگی برای گروندگان به او خواهد بود، زیرا همگان به خاطر عمر طولانی حضرت، گمان می‌کنند ایشان را به صورت پیرمردی کهنسال خواهد دید.^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: حضرت قائم علیه السلام از نظر سنی از سایر امامان دوازده‌گانه کوچک‌تر خواهد بود (یعنی آخرین نفر از امامان دوازده‌گانه می‌باشد) و از سایر اهل بیت علیهم السلام کمتر در انظار عمومی دیده خواهد شد...^۳

زندگی طولانی حضرت خود یکی از معجزات الهی است و این امر درباره افراد بسیاری در طول تاریخ روی داده است. حتی در تورات نیز آیاتی را می‌بینیم که از افرادی با عمرهای طولانی خبر می‌دهد. خداوند در قرآن می‌فرماید: حضرت نوح علیه السلام بیش از نهصد و پنجاه سال در میان قوم خود زیست و پس از توفان نیز تا دو هزار و پانصد سال نیز عمر حضرت را گفته‌اند. آیت الله وحید خراسانی دام‌ظله درباره کلمه «امام زمان» می‌گوید: اگر درباره کلمه «امام زمان» و «صاحب الزمان» دقت کنیم، می‌بینیم که آن حضرت، جلوی زمان است و زمان پشت سر اوست. آن حضرت، امام و صاحب زمان است و چون مقدم بر زمان است، بر زمان هم امامت می‌کند. اگر کسی عمق این مطلب را بفهمد، خواهد دانست که چرا امام زمان علیه السلام پیر نمی‌شود. پس با این توضیحات، طول عمر هم امکان دارد و هم واقع شده است.^۴

۱. رک: خضر.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۸۹.

۳. غیبت نعمانی: ص ۱۸۴.

۴. موعود نامه: ص ۴۷۱.

سوریه

«سوریه» نام یکی از کشورهای خاور میانه است که در شمال عراق واقع شده است. این کشور در قدیم «شام» نامیده می‌شد. و بخشی از لبنان، اردن، فلسطین و عراق کنونی را نیز دربر می‌گرفت. این منطقه پس از ظهور اسلام و تصرف آن به دست مسلمانان، پایتخت امویان قرار گرفت و بنی‌امیه با سلطنتی که در این منطقه به راه انداخته بودند بسیار مورد توجه قرار گرفته بود. دمشق در زمان امویان مرکز حکومت و پایتخت ممالک اسلامی بود و با سرنگونی سلسله‌ی امویان و تأسیس حکومت بنی‌العباس، پایتخت از سوریه به عراق منتقل شد. این کشور در صدر اسلام بسیار حادثه‌ساز بوده؛ جنگ صفین یکی از این جنگ‌های خونین است که از این سرزمین هدایت شد و میان امیرالمؤمنین علیه السلام و معاویه در گرفت و مردم بسیاری در آن کشته شدند. آتش جنگ‌های بسیاری نیز در زمان بنی‌امیه از این سرزمین برمی‌خاست. واقعه‌ی جانسوز کربلا، جنگ با مردم مدینه و خراب شدن خانه خدا در زمان حکومت امویان از ناحیه حکومت بنی‌امیه از شام هدایت می‌شد. در آخرالزمان نیز این سرزمین بیننده‌ی حوادث ناگوار زیادی خواهد بود.

در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تمامی اهل شام را دشنام ندهید، زیرا (برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام به نام) ابدال، اهل شام هستند.^۱

در حدیثی پس از یادآوری حمله بنی‌قنطورا و فتنه‌ها و بلاهایی که در بغداد و مصر ایجاد می‌شود، می‌فرماید: پس زمانی که فتنه و بلا به شام برسد، آنگاه چه مرگ بزرگی واقع خواهد شد! (چه بسیار افرادی که کشته می‌شوند).^۲

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: در شام دو گروه با هم جنگ خواهند کرد، سپس

۱. یاتی: ص ۳۸۲.

۲. ملاحم: ص ۱۲۱.

نشانه‌ای الهی ظاهر خواهد شد و آن زلزله‌ای است که بیش از هزار نفر در آن می‌میرند. این زلزله برای مؤمنین رحمت است و برای کافران عذاب خواهد بود. سپس گروهی با اسب‌های ابلق و پرچم‌های زرد از سوی مغرب به شام می‌آیند... و روستایی به نام حرستا در دمشق به زمین فروخواهد رفت. پس از آن پسر هند جگرخوار (یعنی سفیانی) از سرزمین خشک برمی‌خیزد و بر منبر دمشق می‌نشیند. در این زمان منتظر باشید که حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهد نمود.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به زودی شهرهای شام ویران شده و بلا آن را فراگیرد، و جز شهر دمشق و اطراف آن سالم نماند. در بخش شرقی شام و بلندی‌های آن نیز کشتار فراوانی خواهد شد.^۲

در روایتی آمده: حاکم شام و حاکم مصر با هم جنگ خواهند کرد و گروهی از مصریان به دست شامی‌ها اسیر خواهند شد. در این حال گروهی از سوی شرق با پرچم‌های کوچک و سیاه رنگ قیام می‌کنند و آنان کسانی هستند که حکومت را به حضرت مهدی علیه السلام تسلیم خواهند نمود. در روایتی دیگر این گونه می‌فرماید: شخصی گندم‌گون (از سوی شرق آمده و در شام) عدالت را برقرار می‌کند و آنگاه به سوی حضرت مهدی علیه السلام رفته و حکومتش را تسلیم آن حضرت می‌نماید و خود در رکاب حضرت قائم علیه السلام به نبرد با دشمنان می‌پردازد.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: اولین سرزمینی که (پیش از ظهور) ویران خواهد شد، سرزمین شام است، زیرا در آنجا سه گروه با هم جنگ خواهند نمود، گروه‌هایی به سرکردگی اَصْهَب، أَبْجَع، سفیانی.^۴

۱. اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۳۰.

۲. الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۱۱، یأتی: ص ۳۸۴.

۳. ملاحم: ص ۵۴.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۲ و یأتی: ص ۳۸۵. رک: اَصْهَب، سفیانی.

در دو روایت سید بن طاووس نقل کرده که فتنه و آشوبی در شام به پا خواهد شد. در ابتدا این فتنه را دست کم می‌گیرند و آشوبی بچه‌گانه تلقی می‌شود. سپس شعله‌ی این آشوب چنان بالا می‌گیرد که اوضاع مردم را دگرگون نموده و همه مردم را پراکنده و پریشان می‌نماید. هرگاه در گوشه‌ای این فتنه را بخوابانند، از سویی دیگر دوباره برپا می‌شود. این اوضاع به همین صورت خواهد بود تا این‌که شمایل یک کف دست در آسمان نمایان شده و اشاره کند و صدایی بگوید: فلان شخص امیر و حاکم شما است (یعنی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه).^۱

در روایتی دیگر امام باقر ع فرمود: صدایی از سرزمین دمشق برخواهدخاست، منتظر آن باشید زیرا پس از شنیدن آن صدا، گشایش بزرگی برای شما اتفاق خواهد افتاد و به پیروزی خواهید رسید.^۲

امیرالمؤمنین ع در خطبه‌ای طولانی حوادث آخرالزمان را بیان می‌فرماید: در ضمن آن حدیث فرمود هنگامی که سفیانی همراه لشکرش در دمشق هستند، صدایی را می‌شنوند که می‌گوید: «عرب‌های حجاز بر علیه شما اجتماع نموده‌اند» (یعنی لشکر حضرت مهدی ع) سفیانی با یاران خود مشورت می‌کند و آن‌ها می‌گویند: لشکر تو از نظر تجهیزات جنگی بسیار پیشرفته‌تر است، بنابراین به جنگ آن‌ها باید بروی... سپس با صد و هفتاد هزار جنگجو در منطقه‌ی طبریّه در فلسطین با لشکر حضرت مهدی ع برخورد می‌کنند... و همگی نابود شده و فقط شخص سفیانی می‌ماند که به دست حضرت کشته می‌شود و شهر دمشق به تصرف حضرت در خواهد آمد.^۳

ابوحمره ثمالی از امام باقر ع درباره این آیه پرسید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ

۱. ملاحم: ص ۶۰.

۲. یاتی: ص ۴۲۶.

۳. ملاحم: صص ۱۵۰-۱۴۹.

و الْجُوعِ)؛^۱ (ما شما را به ترس و گرسنگی می‌آزماییم). حضرت فرمود: این گرسنگی عام و خاص دارد. در شام گرسنگی عام همگان را دربرخواهد گرفت ولی قحطی و گرسنگی خاص در کوفه روی خواهد داد و فقط دشمنان آل محمد علیهم‌السلام را شامل خواهد شد و همه دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در کوفه از گرسنگی خواهند مرد. در شام نیز ترس بر همه غالب می‌شود و این گرسنگی پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام است ولی ترس پس از قیام حضرت اتفاق خواهد افتاد.^۲

سیحون

سیردریا یا سیحون رودی پر آب است که در آسیای میانه جریان دارد و به آمودریا می‌ریزد. این رود در دو کشور ازبکستان و قزاقستان جریان دارد. در روایات آخرالزمان آمده که این رود در تصرف کفار درخواهد آمد و با ظهور حضرت آنان نابود می‌شوند و این رود از اشغال کافران بیرون خواهد آمد.^۳

در روایات از مناطق اطراف این رود با نام «ماوراءالنهر» یاد شده است و حوادثی در آخرالزمان در این منطقه روی خواهد داد.^۴

سید حسنی

سید حسنی یکی از کسانی است که پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام قیام می‌نماید و در پایان به لشکر حضرت ملحق شده و به همراه یاران خود با حضرت بیعت می‌نماید. در حدیثی امام صادق علیه‌السلام به مفضل فرمود: سید حسنی جوانی است زیباروی، که از

۱. بقره/۱۵۵.

۲. تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۶۸.

۳. رک: رود.

۴. رک: زمینیه سازان ظهور

سوی دیلم و گیلان قیام می‌نماید. او با بیانی رسا اعلام می‌کند: ای خاندان احمد! این ستم‌دیده‌ی دل سوخته را یاری کنید... آنگاه گنج‌هایی از سرزمین طالقان به او پاسخ مثبت می‌دهند، گنج‌هایی که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی هستند چون پاره‌های آهن که بر اسب‌هایی ابلق سوار می‌شوند و سلاح به دست گرفته و پیاپی ستمکاران را به قتل می‌رسانند و به سوی کوفه پیش روی می‌کنند و بیشتر سرزمین‌هایی را که تصرف می‌کنند خراب می‌سازند و در کوفه پناه می‌گیرند. در آن حال خیر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به او و یاران او می‌رسد. یاران حسنی از او می‌پرسند: ای پسر پیغمبر این شخص که خبرش به ما رسیده کیست و به دنبال چیست؟ امام صادق علیه السلام در این حال به مفضل فرمود: به خدا قسم حسنی می‌داند که او مهدی علیه السلام است و کاملاً او را می‌شناسد، بلکه فقط به خاطر این که حضرت مهدی علیه السلام را به یارانش بشناساند (ابراز جهل می‌کند). حسنی با یاران خود به سوی امام زمان علیه السلام می‌رود و از حضرت سؤال می‌کند: اگر شما واقعاً مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله هستید، پس میراث پیامبر که عبارتند از عصا، انگشتر، لباس، زره که نام آن فاضل است، عمامه که نام آن سحاب است، اسب که نامش یربوع است، شتر که نامش غضباء است، قاطر که نام آن دلدل است، الاغ که نام آن یعفور است، مرکب براق و قرآن امیرالمؤمنین را به ما نشان بدهید. سپس حضرت همه آن‌ها را به او نشان خواهد داد؛ و عصای رسول خدا صلی الله علیه و آله را در سنگی سخت فرو خواهد کرد و آن عصا سبز می‌شود و برگ می‌رویاند و حسنی با این کار می‌خواهد شایستگی (امامت) حضرت مهدی علیه السلام را به یاران خود نشان دهد تا با ایشان بیعت کنند - آنگاه سید حسنی می‌گوید: الله اکبر! ای فرزند رسول خدا دست بگشای تا با تو بیعت کنم، حضرت نیز دست مبارکش را می‌گشاید و حسنی با او بیعت می‌نماید و سایر لشکریان او نیز با حضرت بیعت می‌نمایند، و از آن میان چهل هزار نفر زیدی مذهب هستند که قرآن حمایل کرده و با حضرت بیعت نمی‌کنند و می‌گویند که این کار

حضرت جادویی بزرگ است و در میان آنان و بقیه لشکر نزاع درمی‌گیرد. حضرت حجت علیه السلام رو به آن جماعت زیدی نموده و آنان را پند می‌دهد اما آن گروه بیشتر سرکشی می‌کنند. سپس حضرت دستور می‌دهد که همه آنان را به قتل برسانند و می‌فرماید: قرآن‌ها را از گردنشان درنیاورید تا در روز قیامت حسرت آنان فزون‌تر باشد زیرا قرآن را (از معنی حقیقی خود) تغییر دادند و تحریف کردند و بدان عمل نمودند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسنی از سرزمین طبرستان^۲ با گروهی بسیار از سواره نظام و پیاده نظام به سوی نیشابور می‌رود و آن‌جا را به تصرف خود در می‌آورد و بخش‌های آن را (بین افراد) تقسیم می‌کند. سپس به سوی اصفهان به حرکت درمی‌آید و پس از آن به طرف قم می‌رود. بین او و اهل قم جنگ سختی در خواهد گرفت و مردم بسیاری به قتل خواهند رسید و قمی‌ها شکست می‌خورند و پا به فرار می‌گذارند. سید حسنی اموال ایشان را به غنیمت برده و زنان و فرزندان آن‌ها را به اسارت می‌گیرد و خانه‌های ایشان را ویران می‌نماید. اهالی قم به سوی کوه‌های اردهال پناهنده می‌شوند و پس از آن سید حسنی چهل روز در قم می‌ماند و بیست نفر دیگر را کشته و دو نفر را هم به دار می‌آویزد و سپس از قم کوچ می‌کند.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی مفصل از حضرت مهدی علیه السلام و یاران او سخن می‌گوید. در آن حدیث می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام در کنار کعبه از یاران خویش پیمان می‌ستاند و شرایطی را برای آنان تعیین می‌نماید... سپس حسنی با دوازده هزار نفر به نزد حضرت آمده و می‌گوید: من برای حکومت از شما سزاوارترم، (اگر قبول ندارید) نشانه‌ای آشکار کنید. سپس حضرت به پرنده‌ای اشاره می‌کند و آن پرنده بر دوش آن

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۵ و یاتی: ص ۱۸۲.

۲. نام قدیمی نواحی مازندران، گلستان و اطراف آن است.

۳. بحار الانوار: ج ۶۰ ص ۲۱۵ و یاتی: ص ۲۱۵.

جناب می‌نشیند و چوب دستی خود را در زمین فرو می‌کند و بلافاصله سبز شده و برگ می‌رویاند. حسنی چون این معجزه را می‌بیند لشکرش را به آن حضرت می‌سپارد و با حضرت بیعت می‌نماید و خود پیشاپیش آنان خواهد بود...^۱

در روایات زیادی صحبت از گروهی با پرچم‌های سیاه شده است که از سوی شرق قیام می‌کنند و حکومت را از ستمگران می‌ستانند و به حضرت مهدی علیه السلام تسلیم می‌نمایند. در این روایات نام پیشوای این گروه برده نشده است و ممکن است که همان سید حسنی یا خراسانی باشد.^۲

سیره حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: جدید، حکومت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور.

سیصد و سیزده

تعداد اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام سیصد و سیزده نفر است که حضرت در ابتدای قیام مبارک خویش با آنان خروج خواهد نمود. در این عدد سرّی نهفته است، مانند عدد چهل که بر ما آشکار نیست و در چندین مورد تکرار شده است از جمله یاران حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و اصحاب حضرت طالوت علیه السلام که همگی سیصد و سیزده نفر بودند.^۳

۱. ملاحم: ص ۱۴۹.

۲. ر.ک: پرچم، قیام‌های قبل از ظهور.

۳. ر.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام.



شام^۱

شام نام قدیمی منطقه‌ای است که امروزه سوریه و قسمتی از لبنان و اردن و عراق را در برمی‌گیرد و مرکزیت آن نیز شهر دمشق بوده است. این منطقه پس از ظهور اسلام مرکز حکومت امویان قرار گرفت و بنی‌امیه و بنی مروان با جنایت‌های فراوان حکومتی سلطنت گونه در این ناحیه برقرار کردند و بر ممالک اسلامی فرمانروایی می‌کردند. این منطقه در دوران آخرالزمان شاهد حوادثی بسیار خواهد بود. جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های فراوانی در آن واقع می‌شود.

شباهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران الهی

امام باقر علیه السلام به ابوبصیر فرمود: صاحب الأمر حضرت قائم علیه السلام، به چهار پیامبر الهی شباهت خواهد داشت به موسی، عیسی، نوح، یوسف و محمد علیهم السلام. ابوبصیر از چگونگی این شباهت پرسید؛ حضرت فرمود: او مانند حضرت موسی علیه السلام که در حال ترس و مخفیانه از مصر گریخت، از میان مردم کناره خواهد گرفت و از آنان حذر خواهند نمود. فرعونیان کمال سعی خود را نمودند که او را به قتل برسانند اما موفق نشدند، همین‌طور حضرت قائم علیه السلام نیز کسی از دشمنانش موفق به کشتن ایشان نمی‌شود.

هائند عیسی که همواره در سیر و سفر بود و می‌گفتند او به دار آویخته شده و از

دنیا رفته است، حضرت مهدی علیه السلام نیز از میان مردم خواهد رفت و در مکانی ثابت نخواهد ماند و به وفات او معتقد خواهند شد.

حضرت نوح علیه السلام نیز قومش را به نجات وعده داد و این نجات چنان به تأخیر افتاد و طول کشید که جز تعدادی انگشت شمار به او ایمان نیاورده و هر که نفاق در دل داشت کافر شد؛ همان طور هم در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام به خاطر طولانی شدن زمان ظهور، تمام کسانی که منافقانه به حضرت ایمان دارند، دست از ایمان خود می‌شویند.

حضرت قائم علیه السلام شباهتی به جناب خضر علیه السلام خواهد داشت، زیرا خداوند حضرت خضر علیه السلام را زندگی‌ای طولانی عنایت فرموده است و چون خداوند می‌دانست که حضرت قائم علیه السلام در غیبت خود عمری طولانی خواهد داشت و مردم چنین عمر طولانی را باور نمی‌کنند، بنابراین خداوند بدون هیچ علتی زندگانی حضرت خضر علیه السلام را بسیار طولانی قرار داد و فقط به خاطر این حضرت خضر را عمری طولانی بخشید تا بدان بر عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام استدلال کند، و شبهه‌های دشمنان حضرت را باطل کند.

مانند حضرت یوسف علیه السلام که در زندان گرفتار شد و مدتی را از میان قوم خود غایب بود و زمانی که برادران او، وی را دیدند نشناختند، حضرت مهدی علیه السلام نیز از میان شیعیان و مردم غیبت خواهد نمود و در زمان غیبتش او را می‌بینند و با وی سخن می‌گویند، اما او را نمی‌شناسند.

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید مانند روش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد. او هشت ماه شمشیر بر دوش نهاده و (از دشمنان خدا و کفار) بسیار خواهد کشت، تا جایی که خداوند راضی شود. ابوبصیر پرسید: چگونه متوجه می‌شود که خداوند راضی و خشنود گشته است؟ حضرت فرمود: خداوند شفقت و رحمی (خاص) در دل آن حضرت قرار می‌دهد (و حضرت با احساس چنین رحمی در دل خود پی به خشنودی خداوند خواهد برد).^۱

۱. کمال‌الدین: ص ۲۵۴ و یاتی: ص ۴۱۹ و غیبت نعمانی: ص ۱۶۴.

حضرت ایوب علیه السلام یکی از پیامبران عظیم الشان الهی است که خداوند او را به انواع بلاها از جمله مصیبت مردن فرزندان برومند و از بین رفتن دارایی و رنجوری آزمود و در تمام این آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد و خداوند تمام حشمتی را که از او ستانده بود، دوباره به او بازگرداند و به مقام رفیعی او را نایل کرد. صبر حضرت مهدی علیه السلام در آلام و مصیبت‌ها و بلاها به صبر حضرت ایوب علیه السلام تشبیه شده است.^۱

شرق

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمود: اهل بیت مرا بعد از من بسیار آزار خواهند داد و تبعید می‌کنند و گروهی از سوی شرق (و با دست اشاره به شرق کرد) با پرچم‌های سیاه خروج می‌کنند و در جستجوی حق قیام می‌کنند و می‌جنگند و در پایان حکومت را به حضرت مهدی علیه السلام تقدیم می‌کنند.^۲

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: حضرت مهدی علیه السلام با حدود پانزده هزار نفر قیام خواهد کرد. ترس پیشاپیش آنان حرکت می‌کند و هر دشمنی که آنان را ببیند، می‌گریزد. شعار آنان «أَمِتْ أَمِتْ» است، یعنی «بمیران بمیران». آنان از هیچ سرزنش نمی‌ترسند. در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: آرزوی یاران امام مهدی علیه السلام شهادت در راه خداست، آن‌ها به خونخواهی امام حسین علیه السلام برمی‌خیزند و شعار «یا لثارات الحسین» سر می‌دهند، یعنی «ای خونخواهان حسین».^۳

۱. کمال الدین: ص ۳۱۰.

۲. رک: پرچم، قیام‌های پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

۳. ملاحم: ص ۶۵.

شعبان

شعبان ماه هشتم از ماه‌های سال قمری است. در این ماه در سال ۲۵۵ حضرت مهدی علیه السلام در سامرا جهان ناسوت را به قدوم مبارک آثار خود متبرک نمود.^۱

در پی وقوع حوادثی عجیب در ماه‌های پایانی آخرین سال غیبت، در ماه شعبان نیز حوادثی رخ خواهد داد. سه گروه به سرکردگی خراسانی و یمانی و سفیانی در یک روز قیام کرده و لشکر به سوی هم روانه می‌کنند یکی از شرق خاورمیانه، یکی از جنوب و یکی از غرب. این قیام‌ها در ماه قبل یعنی ماه رجب رخ داده است. آنان در ماه رجب لشکرها را به هم رسانده و صف‌آرایی نظامی خود را کامل کرده‌اند.

در حدیثی امام صادق علیه السلام به ابوبصیر می‌فرماید: در این ماه امور از هم جدا خواهد شد (یعنی جناح‌بندی‌ها و ائتلاف‌ها مشخص می‌شود و معلوم می‌شود که هر شخصی در کدام جبهه قرار دارد، در دسته‌ی سفیانی دشمنان حضرت گرد می‌آیند و خراسانی و یمانی نیز گروه دوستان حضرت را تشکیل می‌دهند).^۲

در روایت دیگر نیز حضرت فرمود: در ماه رجب (آخرین سال غیبت، که فتنه سفیانی و قیام خراسانی و یمانی واقع شده) با نام خدا حرکت خود را (به سوی حضرت مهدی علیه السلام) آغاز کنید، البته اگر دوست داشتید که تا شعبان صبر نموده و پس از آن حرکت خود را شروع کنید، ضرری متوجه شما نخواهد بود، به میان قبیله و اقوام خود بروید و مشغول روزه گرفتن شوید که این کار بهتر خواهد بود. نشانه‌ی آشکار این حوادث، خروج سفیانی است.

در حدیث دیگری فرمود: در آن روزگار در شام سکونت نکنید بلکه به مکه پناه ببرید که بهترین مکان‌هاست.^۳

۱. رک: ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۷۱-۲۷۲.

۳. همان.

البته کوچ کردن به سوی مکه نباید به بعد از ماه رمضان بیفتد زیرا در روایاتی وارد شده است که در ماه شوال دیگر از مسافرت کردن جلوگیری خواهد شد و راه‌های مسافرت بسته می‌شود.^۱

شعیب بن صالح^۲

شعیب بن صالح یکی از جوانمردان زمان ظهور است که پیش از حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند و زمینه ساز ظهور حضرت خواهد بود. در برخی روایات زادگاه او را طالقان و قیام او را از خراسان و در بعضی روایات نیز قیام او را از ری دانسته‌اند.

محمد بن حنفیه روایت می‌کند که گروهی از خراسان با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند که لباس‌هایی سفید بر تن دارند. پیشایش آنان مردی خواهد بود به نام شعیب بن صالح. او از قبیله‌ی بنی تمیم است. او به همراه سپاهش، سفیانی را شکست می‌دهد و به بیت‌المقدس می‌رود و زمینه‌ی سلطنت حضرت مهدی علیه السلام را آماده می‌کند. سیصد نفر از اهالی شام (سوریه) به او خواهند پیوست. او پس از شش سال در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام به ایشان می‌پیوندد و حکومت خود را تسلیم حضرت خواهد نمود.

اما در روایتی دیگر می‌فرماید: مردی به نام شعیب بن صالح از «ری» قیام می‌کند. او مردی بدون ریش و چهارشانه است و چهره‌ای گندم‌گون دارد. او لشکری چهار هزار نفری دارد که همگی با پرچم‌هایی سیاه و لباس‌هایی سفید خواهند بود. آنان بستر سازان ظهور حضرت هستند و هر کسی که با آنان به جنگ برخیزد، فرار کرده یا کشته خواهد شد. او در زمان ظهور پرچم‌دار حضرت خواهد بود.^۳

در روایات زیادی از قیام گروهی با پرچم‌های سیاه از طرف خراسان اشاره نموده‌اند.

۱. رک: سوال.

۲. رک: خراسانی.

۳. ملاحم: ص ۱۲۷ و ۵۲ و ۵۲.

این گروه گاهی با نام سید حسنی تعیین شده است. قیام شعیب بن صالح در برخی روایات قیام جداگانه یاد شده و در برخی روایات نیز قیام او را همراه قیام پرچم‌های سیاه یا همان خراسانی فرموده‌اند.

امام باقر علیه السلام فرمود: جوانی بنی‌هاشمی از سوی خراسان قیام می‌کند، او روی دست راست خود یک خال دارد و (با ترس و امدادهای الهی) یاری می‌شود. پرچم‌هایی سیاه رنگ خواهد داشت و پیشاپیش او شعیب بن صالح است که با لشکر سفیانی (در کوفه) به نبرد می‌پردازد و آنان را شکست داده و فراری می‌دهد.^۱

عمار یاسر فرمود: سفیانی به کوفه یورش برده و یاران و شیعیان محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله را به قتل می‌رساند. هر مردی که یکی از نام‌های ائمه علیهم السلام بر او نهاده شده باشد کشته می‌شود، سپس حضرت مهدی علیه السلام قیام نموده و علم‌داری سپاهش را به شعیب بن صالح می‌سپارد و او با سفیانی نبرد کرده و او را شکست می‌دهد.^۲

برخی روایات قیام جناب شعیب بن صالح را از شرق دور و منطقه «ختن»^۳ می‌دانند و برخی نیز خواستگاه قیام او را از سمرقند یاد نموده‌اند.^۴

گروهی از سوی منطقه «ختن» در غرب چین قیام می‌کنند و در آن منطقه جماعتی از سادات حسینی هستند. پیشاپیش این گروه مردی به نام شعیب بن صالح است که در طالقان به دنیا آمده است.^۵

۱. همان.

۲. غیبت طوسی: ص ۲۷۹.

۳. نام شهری در چین است. این شهر امروزه مرکز شهرستان ختن در سین کیانگ می‌باشد. ختن در جنوب خاوری «پارکند» جای دارد. ختن در گذشته یکی از شهرهای مهم راه ابریشم بود و دو رود در کنار آن روان است.

۴. غیبت طوسی: ص ۲۷۰.

۵. یاتی: ص ۳۹۱.

شمشیر حضرت مهدی علیه السلام

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر دوش خواهد داشت. در روایاتی نام شمشیر آن حضرت را ذوالفقار گفته‌اند. این شمشیر از امانت‌های امامت است که از امامی به امام دیگر می‌رسد و اکنون در نزد حضرت مهدی علیه السلام است. ذوالفقار شمشیری بود که امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌ها از آن استفاده می‌نمود و شمشیری اعجاب انگیز بود. در نحوه‌ی پیدایش این شمشیر و علت نامگذاری آن سخن‌ها بسیار متفاوت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد زمانی که شمشیر امیرالمؤمنین بر اثر ضربات بسیار شکست، آن را به ایشان بخشید.

امام صادق علیه السلام در حدیثی به ابوبصیر فرمودند: ای ابامحمد... زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید... زره و شمشیر ذوالفقار حضرت را از نیام کشیده و بر دوش می‌نهد و تا هشت ماه پیای کشتار و جنگ خواهد نمود...^۱

امام محمد جواد علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: هنگامی که زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام فرا رسد، شمشیر آن حضرت به اذن خدا از نیام بیرون می‌آید و به سخن آمده و می‌گوید: ای ولی خدا! قیام کن که دیگر وانهادن دشمنان خدا سزاوار نیست. آنگاه حضرت قیام خواهد کرد و دشمنان خدا را به قتل رسانده و احکام الهی را به اجرا خواهد گذاشت.^۲

شنبه

روز شنبه یکی از روزهایی است که به عنوان روز قیام حضرت مهدی علیه السلام تعیین شده است.^۳

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۰۷.

۲. یاتی: ص ۴۰۱.

۳. رک: روز قیام حضرت مهدی. X.

شوال

شوال دهمین ماه از ماه‌های سال هجری قمری است. در پی حوادث عجیبی که در سال پایانی دوران غیبت پی‌درپی به وقوع می‌پیوندد، در ماه شوال نیز رویدادهای غریبی خواهد بود. سفیانی و خراسانی و یمانی در رجب قیام کرده و در ماه شعبان صف‌آرایی آن‌ها کامل می‌شود و در ماه رمضان نشانه‌هایی شگفت از جمله صیحه‌ای عجیب از آسمان شنیده می‌شود. سپس در ماه شوال شروع جنگ‌ها خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه در ماه رمضان صیحه‌ای از آسمان شنیدید، پس بدانید که در ماه شوال گروهی مردان جنگی به فراهم کردن سپاه و نیرو و آمادگی برای جنگ خواهند پرداخت و بلا نازل می‌شود. در ماه بعد یعنی ذی‌قعدة قبایل با هم درگیر خواهند شد و کشتاری وسیع میانشان رخ خواهد داد. در این ماه بازرسی در راه‌ها فراوان خواهد بود و ممکن است سفر کردن با مشکل روبرو شود و گروهی نتوانند رفت و آمد داشته باشند. در روایاتی ما را به سفر به سوی مکه در ماه شعبان دستور داده‌اند و در برخی فرموده‌اند اگر تا ماه رمضان هم به تأخیر افتد، ضرری نخواهد داشت بنابراین با توجه به قیام سفیانی در رجب و در پی آن جنگ‌هایی که در ماه شعبان رخ می‌دهد، نباید کوچ به سوی مکه تا ماه شوال به تأخیر بیفتد، زیرا امکان دستگیری و ممانعت از سفر وجود دارد.^۱

شورای سقیفه

سقیفه‌ی بنی‌ساعده مکانی است که در صدر اسلام، پس از رحلت رسول خدا ﷺ گروهی از مردم مدینه به همراه جمعی از منافقین در آن جمع شدند و تصمیم گرفتند که خلافت امیرالمؤمنین پس از رحلت رسول خدا ﷺ را منحل کنند.

۱. ملاحم: ۱۴۲ و ۴۵ و ۴۲. رک: شعبان.

از مناقب العترة ابن فهد حلی: رسول خدا ﷺ فرمود: وای بر امت من از شورای بزرگ و شورای کوچک. شورای بزرگ پس از وفات من انجام می‌شود. در آن شورا برگرفتن خلافت از برادرم (امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام) و حق دخترم (فاطمه) تصمیم‌گیری خواهد شد. شورای کوچک در غیبت کبری خواهد بود که در زوراء (که بنابر برخی روایات همان بغداد کنونی است) روی خواهد داد و در آن سنت مرا تغییر خواهند داد و احکام الهی را تبدیل خواهند کرد.^۱

شیصبانی

شیصبانی نام مردی است که در آخرالزمان در کوفه قیام می‌کند. او در دسته مخالفین امام زمان خواهد بود و از نشانه‌هایی است که با خروج او مدت کمی به ظهور حضرت قائم علیه السلام مانده است.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: پیش از قیام و خروج سفیانی، شیصبانی به ناگاه در کوفه ظاهر شده و شیعیان را به قتل می‌رساند. هرگاه چنین پیشامدی رخ داد، منتظر باشید که سفیانی خروج کند و حضرت مهدی علیه السلام قیام خود را آغاز نماید.^۲

شیطان

ابلیس، موجودی که از فرمان خدا سرپیچی کرد و از بهشت به دنیا رانده شد و از خدا خواست که تا قیامت او را زند نگهدارد، اما خداوند فرمود: من تو را تا وقت معلوم زنده نگاه خواهم داشت. درباره این که وقت معلوم چه زمانی است و سرانجام شیطان چه می‌شود و مرگ او چگونه خواهد بود روایات مختلف است. اما در این که او قبل از قیامت می‌میرد و در ظهور حضرت مهدی علیه السلام به قتل می‌رسد شکی نیست.

۱. یاتی: ص ۴۰۳. رک: زوراء.

۲. یاتی: ص ۴۰۸ و بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۲۵۰.

امام صادق علیه السلام درباره شیطان به وهب فرمود: خداوند می‌فرماید ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿^۱﴾ [شیطان به خدا گفت] خدایا مرا تا روز قیامت زنده نگهدار. خدا پاسخ داد: تو تا روز مشخص شده مهلت خواهی داشت). راوی سؤال کرد: فدای تو شوم! «روز مشخص شده» چه روزی است؟ حضرت فرمود: ای وهب، آیا گمان می‌کنی روز قیامت است؟ اما آن روز، روزی است که خداوند حضرت قائم علیه السلام را برمی‌انگیزد. آنگاه که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، در مسجد کوفه است که شیطان می‌آید و مقابل او زانو می‌زند، پس وای به حال او در آن روز! آنگاه حضرت قائم علیه السلام موهای پیش سرش را گرفته و گردن او را میزند؛ آری این روز «مشخص شده» است.^۲

در روایت دیگری حضرت فرمود: «روز مشخص شده» روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سرشیطان را بر روی صخره‌ای که در بیت المقدس است از تنش جدا خواهد کرد.^۳

در این دو روایت، هم در مکان کشته شدن شیطان و هم کسی که او را می‌کشد اختلاف دیده می‌شود. علاوه بر این که در روایات دیگری مرگ شیطان در «روز مشخص شده» را، روز نفخه‌ی صور دانسته‌اند.^۴ می‌توان در جمع این احادیث این گونه گفت که شیطان بارها زنده می‌شود و به دست اشخاص متعدد کشته می‌شود. زیرا در احادیث رجعت داریم که برخی دشمنان چندین بار زنده می‌شوند و به دست تک‌تک کسانی که بدان‌ها ظلم نموده‌اند قصاص خواهند شد. اما کشته شدن شیطان در روز نفخه صور، ممکن است اشاره به مضمون حدیث شریفی باشد که فرمود: هر شخصی مردن و

۱. حجر / ۳۸-۳۶.

۲. تفسیر کنز الدقائق: ج ۷ ص ۱۲۹.

۳. تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۴۵.

۴. علل الشرایع: ص ۴۰۲ ح ۲.

کشته شدن را خواهید چشید و اگر کشته شده و مردن را نچشیده باشد، زنده می‌شود و دوباره می‌میرد.^۱

زمانی که شیطان از بهشت رانده شد در پیشگاه پروردگار به عزت خداوند سوگند یاد کرد که جن و انس را، به جز بندگان خالص، فریب خواهد داد. خدا نیز وعده داد که جهنم را از او و پیروانش آکنده خواهد نمود.^۲ از این رو شیطان نهایت سعی خود را در آخرالزمان و آستانه ظهور می‌کند که مردم را از راه درست منحرف نماید.

در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در یک ماه رمضان، شب جمعه، بیست و سوم ماه، صدایی از آسمان شنیده می‌شود، وقتی آن صدا را شنیدید، در آن شک نکنید و به آن گوش فرا دهید زیرا آن صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش را خواهد گفت به طوری که همه می‌شنوند و این صدا در ابتدای روز خواهد بود. در پایان روز نیز صدایی شنیده می‌شود که صدای شیطان ملعون است، او می‌گوید: عثمان مظلوم کشته شد (و با این صدا در پی فتنه‌انگیزی علیه امام زمان علیه السلام است و می‌خواهد مردم را بر علیه آن حضرت بشوراند و این گونه وانمود می‌کند که کشتن عثمان به دست علی علیه السلام بوده و حضرت مهدی علیه السلام که فرزند اوست، نیز مقصر است، بنابراین از او پیروی نکنید و این فتنه‌ای بود که معاویه صفتان جنگ‌های خونینی در زمان خودشان به پا کردند و مردم بسیاری را به کشتن دادند).^۳

در حدیثی وارد شده است که (روز قیام حضرت مهدی علیه السلام) در ابتدای روز، صدای جبرئیل از آسمان شنیده خواهد شد و در آخر روز صدای شیطان از سوی زمین به گوش خواهد رسید. از سخن صدای اوّل (جبرئیل) پیروی کرده و از سخن صدای دوم

۱. رک: انتقام، رجعت.

۲. ص / ۸۵-۸۲.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۵۴.

(شیطان) بپرهیزید که (شیطان در پی افکندن) فتنه است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام ابتدای روز صدازنده‌ای از آسمان صدا می‌زند «بدانید که حق با علی و شیعیان اوست» و در واپسین ساعات همان روز شیطان صدا می‌کند «بدانید که حق با عثمان و پیروان اوست»...^۲

زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: بسیار تعجب برانگیز است که مردم با این که حوادث عجیبی را در زمان ظهور می‌بینند، مانند فرورفتن لشکر سفیانی در بیابان حجاز، صدای آسمانی، اما باز هم به جنگ با حضرت قائم علیه السلام برمی‌خیزند! حضرت پاسخ داد: مگر شیطان مردم را وامی‌گذارد؟! او ندایی سر می‌دهد (و مردم را به فتنه وامی‌دارد و شک برانگیزی می‌نماید) آن چنان که در روز عقبه نیز علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا داد (و سعی بر گمراه کردن مردم داشت).^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: دو دولت برقرار می‌شود، دولت ابلیس و دولت آدم که در زمان دولت آدم خداوند آشکارا و بدون ترس و ممانعتی پرستیده می‌شود و در زمان دولت شیطان خداوند مخفیانه و در تقیه و با ترس عبادت خواهد شد، (در زمان حکومت شیطان باید خودداری کرد و دین خود را مخفیانه حفظ نمود) و اگر کسی آن را آشکار کند، از دین خارج شده است.^۴

در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام بارها رجعت خواهد کرد و در آخرین رجعت خود با یاران خود بازمی‌گردد و با شیطان و لشکر شیطان نبردی سخت و بی‌نظیر خواهد کرد، آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آید ضربه‌ای به شیطان می‌زند که او و یارانش همگی هلاک می‌شوند...^۵

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۰۶.

۲. غیبت طوسی: ص ۲۷۴. رک: صدا.

۳. همان.

۴. یأتی: ص ۲۴۴.

۵. مختصر البصائر: ص ۱۱۵.

شیعه اثنی عشریه

شیعه اثنی عشریه یکی از فرقه‌های اسلامی است که معتقد است پس از رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه بلافصل است و پس از او یازده تن از فرزندان آن حضرت امامان و حجت‌های الهی بر خلق خواهند بود. آخرین امام از امامان دوازده‌گانه، حضرت مهدی علیه السلام است که همان موعود آخرالزمان است. تبلور این مکتب در زمان ظهور آخرین امام خواهد بود و به اعتقاد شیعیان حکومت پایانی از آن آخرین امام شیعیان و پیروان او خواهد بود. از نظر شیعه، مسأله‌ی مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود علیه السلام، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می‌رود و به اندازه‌ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت، در ردیف وقوع قیامت، و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. از نظر شیعه، مهدویت یک فرهنگ کهن و ریشه دار است و سابقه‌ی آن در اسلام به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخص نبی اکرم برمی‌گردد. زیرا علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده و پیشوایان دینی آن‌ها را به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام تفسیر کرده‌اند، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن صفات، خصوصیات و جزئیات زندگی حضرت قائم علیه السلام بیان شده است. غیبت ایشان پس از تولد و این که دو غیبت او یکی کوتاه و دیگری طولانی خواهد بود و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد، تشکیل حکومت واحد جهانی و پر کردن دنیا از عدل و داد و برچیده شدن ظلم و بیداد از ویژگی‌هایی است که در روایات مکرر یاد شده است. شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود علیه السلام سرّی از اسرار حق و آخرین برگزیده‌ی الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است و پس از مدت طولانی ظهور می‌نماید. او حجة الله، خلیفة الله و بقیة الله است. مهدی موعود علیه السلام از نسل پاک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان علی بن ابی

طالبو فاطمه زهرا علیها السلام است. او نهمین نفر از فرزندان امام حسین و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است. شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی علیه السلام، هم نام و هم کنیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است و هم‌اکنون زنده می‌باشد و هنگامی که خداوند اجازه ظهورش دهد قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید. شیعیان طبق وعده‌های انبیاء سلف علیهم السلام و نویدهای کتب آسمانی، و وعده‌های صریح قرآن کریم عقیده دارند، آنگاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بریندد و ظلم و ستم فراگیر شود و اسباب ظهور مهیا گردد، حضرت مهدی علیه السلام به فرمان حق قیام می‌کند. با آمدن آن حضرت هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی‌ماند. مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می‌شود، مظاهر شرک و کفر و بی‌عدالتی از بین می‌روند، عدالت اجتماعی تأمین می‌گردد، هر حقی به صاحب حق می‌رسد و سراسر جهان، تنها یک نظام حکومت می‌کند و آن نظام عادلانه‌ی اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است.^۱

یاران حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور، شیعیان هستند که در آن عصر به اوج اقتدار و شکوه خواهند رسید. امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما در حکومت قائم علیه السلام سروران و زمامداران زمین، فرمانروایان آن هستند و به هر کدام، قدرت و نیروی چهل قهرمان داده می‌شود.^۲

در حدیث دیگری حضرت فرمود: خداوند خوف و ترس را از قلب شیعیان ما برمی‌کند و آن را در قلب دشمنان ما جای می‌دهد. از این رو هر کدام از آنان برنده‌تر از نیزه و پر شهامت‌تر از شیرند، دشمنان را با سرنیزه‌ی خویش زخم کاری می‌زنند و به وسیله شمشیر از پای در می‌آورند و پایمال می‌سازند.^۳

۱. موعودنامه: ص ۴۴۵.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۷۲.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۲.

هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌نماید، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنان و حضرت مهدی علیه السلام واسطه و نامه رسان یا فاصله‌ای نباشد.^۱

در حدیث دیگری حضرت فرمود: مؤمن در عصر حضرت قائم علیه السلام در حالی که در مشرق است، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همان گونه کسی که در مغرب است برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: مردم مالیات، اموال و امکانات خویش را خود به دلخواه و افتخار به سوی دولت مهدی علیه السلام می‌برند، خداوند بر شیعیان چنان وسعت و برکت و رفاه و امکاناتی ارزانی می‌دارد که اگر حقیقت سعادت و نیکبختی را نمی‌فهمیدند و به ارزش‌های اخلاقی آراسته نبودند، مست امکانات می‌شدند و به طغیان و تجاوز سر بر می‌داشتند. اما آنان به دلیل رشد فکری و تکامل عقلی، خدای را سپاس می‌گذارند و به وظایف خویش در نهایت جدیت عمل می‌کنند.^۳

این روایت نشانگر اوج رشد فکری و تکامل عقلی شیعیان در عصر ظهور است.^۴

۱. کافی: ج ۸ ص ۲۴.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۹۱.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۵.

۴. موعودنامه: ص ۴۴۴. رک: یاران حضرت مهدی. X.



صاحب الامر، صاحب شما

در احادیث متعددی از امام زمان علیه السلام به «صاحب» یاد شده است. این اسامی با عبارات «صاحب امر» «صاحب شما» در روایات آمده است. در زمان ائمه علیهم السلام گروهی با پندار این که ظهور آخرالزمان به دست یکی از امامان، غیر از حضرت مهدی علیه السلام است، از اهل بیت توقع قیام جهانی و قیام آخرالزمان را داشتند؛ اما ائمه علیهم السلام در پاسخ به این گونه افراد می‌فرمودند که مهدی امام دوازدهم است و او کسی است که صاحب و دارنده و برپا کننده‌ی آن قیام جهانی است، همان قیامی که شما در پی آن هستید.

شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: شما در عراق شیعیان بسیاری دارید، به خدا قسم در میان خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی مانند شما در (شان و منزلت) یافت نمی‌شود، پس چرا قیام نمی‌کنید؟ حضرت به او فرمود: آیا به سخن نادانان گوش فراداده‌ای؟! سوگند به خدا که من صاحب شما نیستم (یعنی من آن مهدی آخرالزمان که قیام جهانی می‌نماید نیستم). راوی سؤال کرد: پس صاحب ما (که قیام نموده و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید) کیست؟ حضرت فرمود: صاحب شما کسی است که دشمنان اهل بیت از به دنیا آمدن او با خبر نخواهند شد، زیرا هر کدام از ائمه علیهم السلام که در منظر خلق ظاهر شود و در دسترس مردم قرار گیرد یا کشته شده و یا مسموم می‌گردد.^۱

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۶۷ و یاتی: ص ۱۹۷.

صداهاى خارق العاده در آخرالزمان

در روایات آخرالزمان از صداهاى خارق العاده یاد شده است که یکی از پنج نشانه‌ی حتمی ظهور شمرده شده است. از این صداها به تعبیر مختلفی یاد شده است و به دودسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود، صداهاىی که از جانب حق صادر می‌شود و مردم را به سوی حق، هدایت و حضرت مهدی علیه السلام می‌خواند و صداهاىی که از طرف باطل بلند می‌شود و مردم را به سوی سفیانی و گمراهی می‌کشاند. این نداها چنان آشکار و خارق العاده است که جای هیچ شک و شبهه‌ای را برای شنوندگان باقی نمی‌گذارد و همگان به آغاز اتفاقات آخرالزمان و حوادث عجیب آن پی خواهند برد. در برخی روایات ندای حق را ندایی آسمانی و از طرف جبرئیل می‌دانند و ندای باطل را ندایی از طرف زمین و از سوی شیطان معرفی می‌کند. برخی از این نداها چنان دهشت آور است که گروه زیادی با شنیدن آن مدهوش خواهند شد. این نداها در شرق و غرب عالم به طور یکسان شنیده می‌شود و هر کسی در هر جای دنیا آن سخن را به زبان خود خواهد شنید. برخی از حدیث‌شناسان این احادیث را امری معجزه آسا در آخرالزمان تلقی می‌کنند، اما عده‌ای نیز این احادیث را به معنای پدیده‌های کنونی از قبیل تلویزیون و اینترنت تفسیر می‌کنند و تعبیر اهل بیت علیهم السلام از این رویداد به صدا، ندا، صیحه و فزعه را رمزگونه می‌دانند. این صداها در ماه رمضان و ماه رجب و ماه صفر واقع خواهد شد و برخی آسمانی و برخی زمینی و برخی از سرزمین دمشق می‌باشد.

امام باقر علیه السلام فرمود: در ماه رمضان، در شب جمعه، بیست و سوم ماه، صدایی (آسمانی) خواهید شنید، پس در (حقانیت) آن صدا تردید نکنید و به ندای آن صدا گوش فرا داده و از آن پیروی کنید. سپس در پایان همان روز صدای ابلیس نفرین شده را خواهید شنید، او می‌گوید «فلانی مظلوم کشته شد» و در پی فتنه‌انگیزی و گمراه کردن مردم است. در آن روز بسیاری از مردم به شک و حیرت خواهند افتاد و دچار

آتش (دوزخ) خواهند شد. هرگاه صدای اول را در ماه رمضان شنیدید، بدانید که آن صدای جبرئیل است و در آن شک نکنید و نشانه‌ی این سخن آن است که صدا، نام حضرت قائم علیه السلام و پدرش را به شما معرفی می‌کند. این صدا را (همه) حتی دختران پرده نشین نیز می‌شنوند و پدران و برادران خود را به اطاعت از آن صدا تشویق می‌کنند. بدانید که این دو صدا به یقین واقع خواهد شد، یکی از آسمان و از سوی جبرئیل و دیگری از زمین و از جانب ابلیس لعین. نشانه‌ی ندای ابلیس این است که اسم فلانی را خواهد گفت و به مظلومیت او گواهی خواهد داد؛ پس شما از صدای اول پیروی نموده و از صدای دوم پرهیزید که مایه فتنه است.^۱

در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: ندایی آسمانی را می‌شنوند که می‌گوید: آگاه باشید! حق با علی ابن ابی طالب و شیعیان اوست. آنگاه مردم ایمان می‌آورند. فردا ابلیس در هوا می‌رود و به گونه‌ای که دیده نشود و بانگ حقانیت و مظلومیت برای دشمنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سر می‌دهد و از مردم می‌خواهد که به خونخواهی آنان برخیزند. آنگاه برخی از مردم از ایمان خود دست برداشته و به اهل بیت علیهم السلام کافر می‌شوند و شروع به بدگویی اهل بیت علیهم السلام می‌کنند و می‌گویند این سحر بنی‌هاشمی است.^۲

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: پنج نشانه پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام رخ خواهد داد؛ اولین نشانه ندایی آسمانی خواهد بود که در ماه رمضان واقع خواهد شد و خروج سفیانی و قیام خراسانی و کشته شدن نفس زکیه و خسف لشکر سفیانی در سرزمین بیداء دیگر نشانه‌های حتمی خواهد بود. این ندای آسمانی همان صدایی خواهد

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۵۴.

۲. غیبت نعمانی: ۲۶۱-۲۶۰.

بود که صاحب الامر را معرفی می‌کند و مردم را از ظهور او با خبر می‌نماید.^۱
 امام باقر علیه السلام فرمود: منتظر باشید تا صدایی ناگهانی از سوی دمشق شنیده شود.
 زمانی که آن صدا شنیده شود فرج بزرگ شما واقع خواهد شد و به نصرت و پیروزی
 خواهید رسید.^۲

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: نشانه‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نشانه‌ای
 خدایی است که از خوشبختی روشن‌تر است و هر نیک و بدی آن را درک خواهد کرد. آیا
 این صبح روشن را می‌بینید؟ بدانید که آن نشانه‌ها مانند صبح آشکار خواهد بود.^۳
 در روایت دیگر حضرت فرمود: اگر هر علامتی بر تو مخفی شود و نتوانی تشخیص
 دهی، اما تشخیص صدای آسمانی سخت نیست زیرا آن صدا نام آن حضرت و نام
 پدرش را خواهد گفت.^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در نیمه‌ماه رمضان، زمانی که مصادف با شب جمعه باشد،
 صدایی مهیب از آسمان شنیده خواهد شد که هفتاد هزار نفر از شنیدن آن بی‌هوش شوند
 و هفتاد هزار نفر هم ناشنوا خواهند شد، تنها کسانی سالم خواهند ماند که در خانه‌ی
 خود باقی بمانند و به خدا پناه برده و صدای الله اکبر بلند کنند.^۵

جناب مفضل رضی الله عنه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: (در روز صیحه‌ی آسمانی) زمانی
 که آفتاب طلوع کند شخصی از میان خورشید صدا می‌زند و با زبانی گویا و عربی
 می‌گوید: ای مردم! این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است، سپس نام او را که نام رسول
 خداست می‌برد و کنیه‌ی او و نام پدرانش از امام عسکری علیه السلام تا امام حسین علیه السلام را

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۸۹ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۴.

۲. اثبات الهداة: ج ۳ ص ۷۳۹.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۰۰.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۲.

۵. یأتی: ص ۴۲۷.

می‌گوید. این صدا را تمام ساکنان آسمان و زمین خواهند شنید. آن صدا می‌گوید: با او بیعت کنید و مخالفت ننمایید، که گمراه خواهید شد. ملائکه اولین گروهی هستند که دست حضرت را بوسیده و با او پیمان می‌بندند. پس از آنان گروه جنیان و سپس گروه نقباء، آنان می‌گویند: ما این ندا را شنیدیم و به پیروی تو آماده‌ایم. هر شنونده‌ای این صدا را خواهد شنید. زمانی که گروه‌های مختلف مردم با هم روبرو می‌شوند این حادثه را برای هم بازگو می‌کنند و از هم سؤال می‌کنند (که آیا آنان نیز چنین صدایی را شنیده‌اند؟). سپس چون روز به پایان می‌رسد و غروب فرامی‌رسد، فریاد زنده‌ای از سوی مغرب بانگ می‌زند: «ای گروه خلائق! همانا خدای شما از سرزمین خشک در فلسطین ظاهر شده است، او عثمان بن عنبسه است که از بنی‌امیه و از فرزندان یزید بن معاویه می‌باشد. به سوی او بروید و با او پیمان ببندید و با او به مخالفت برنخیزید تا به هدایت و رستگاری برسید». آنگاه ملائکه و جنیان (که ایمان آورده‌اند) سخن آن گوینده را تکذیب می‌کنند و می‌گویند: ما سخن تو را شنیدیم اما آن را نمی‌پذیریم. در این حال تمام کسانی که در باطن خود نفاق دارند و شک و کفر را در دل خود پنهان کرده‌اند، با شنیدن صدای دوم، از آن پیروی می‌کنند (و به گمراهی می‌افتند).^۱

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: هرگاه از آسمان صدایی شنیدید که می‌گوید: حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است، آنگاه نام مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها خواهد افتاد و از این رویداد خوشحال خواهید شد و هر جا صحبتی پیش بیاید، صحبت از حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.^۲

در احادیث متعددی امام صادق علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام فرمود: در اول روز صدایی از آسمان شنیده خواهد شد که هر کسی در شرق و غرب عالم، چه دور و چه نزدیک و

۱. الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۵۸ و یاتی: ص ۴۲۹.

۲. ملاحم: ص ۵۹.

به هر زبانی آن صدا را به طور یکسان می‌شنود و به زبان خود می‌فهمد، این ندا برای مؤمنین رحمت است و برای کافران عذاب خواهد بود. آن ندا می‌گوید حق با علی و شیعیان علی است. در پایان آن روز ابلیس صدا می‌زند: آگاه باشید که حق با عثمان و یاران اوست و در این وقت باطل خواهان به شک خواهند افتاد. مردم از هیبت صدای اول چنان خواهند شد که افراد خواب بیدار شده و افراد نشسته ناخودآگاه برمی‌خیزند و پردگیان از سراپرده بیرون می‌آیند و آن صدای جبرئیل امین است.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه ندای آسمانی را شنیدید به سرعت به سوی مکه رهسپار شوید، به خدا سوگند! گویا می‌بینم که (پس از آن ندا حضرت مهدی علیه السلام) بین رکن و مقام با مردم بیعت می‌کند و حکومتی جدید برپا نموده و کتاب و سنت را تازه و نو نموده است.^۲

در چندین حدیث راویان از چگونگی تشخیص حق و باطل میان این دو ندا پرسش نموده‌اند و حضرت فرمودند: ما اهل بیت به شما خبر وقوع چنین ندایی آسمانی و ندایی شیطانی را داده‌ایم و تعیین نموده‌ایم که کدام حق است و کدام باطل و شما باید این احادیث را فرا بگیرید تا اگر در چنین زمانی قرار گرفتید، به گمراهی دچار نشوید و کسانی که قبل از وقوع ندای آسمانی از روی تحقیق و برهان قاطع دین خود را فراگفته‌اند و به اهل بیت علیهم السلام ایمانی راسخ دارند، با شنیدن چنین صدایی، ایمان خود را از دست نمی‌دهند و در چنین امتحانی سربلند خواهند شد.

امام صادق علیه السلام به ابان بن تغلب فرمود: به یقین پیش از پایان این جهان صدایی آسمانی شنیده می‌شود که اهل حق را فرا می‌خواند تا گرد هم جمع شوند و ندایی دیگر اهل باطل را می‌خواند که گرد هم جمع گردند. سپس گروه حق و باطل هر کدام در

۱. غیبت طوسی: ص ۲۷۴-۲۶۸-۲۶۶.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۶۲ و یاتی: ص ۷۱۷.

کنار هم جمع می‌شوند. راوی پرسید: آیا از این دو گروه کسی داخل گروه دیگر می‌شود؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند چنین نخواهد شد! زیرا این تأویل سخن خداست که می‌فرماید: «ما كان الله لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^۱ (خداوند مؤمنان را همین گونه رها نخواهد کرد، بلکه پلیدان را از پاکان جدا خواهد نمود).^۲

زمانی که صدای آسمانی را مردم بشنوند که می‌گوید: «حق در خاندان رسول خدا ﷺ است» آنگاه همه جا صحبت از حضرت خواهد بود و دوستی او در دل مردم قرار خواهد گرفت و همه مشتاقانه در پی دیدار او باشند.^۳

صفا و مروه

صفا و مروه دو کوه کوچک در کنار مسجدالحرام است که حجاج در مراسم حج باید میان آنها هفت بار تردد کنند. در تشریفی که علی بن مهزیار خدمت حضرت مهدی علیه السلام داشت، آن حضرت فرمود: دابة الارض از میان صفا و مروه به دنیا رجعت می‌نماید و عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه او خواهد بود.

صفر

یک سال پایانی غیبت امام عصر علیه السلام بسیار پرحادثه‌تر خواهد بود؛ این حوادث تقریباً از یک سال قبل شروع می‌شود. اگر ما بنابر روایات روز ظهور حضرت را روز عاشورا در نظر بگیریم، با پایان محرم سال قبل از ظهور حوادث پی در پی و عجیب و غریب شروع می‌شود.

۱. آل عمران / ۱۷۹.

۲. یأتی: ص ۷۱۹.

۳. یأتی: ص ۶۶۸.

۴۰۰ فرهنگ‌نامه آخرالزمان

در روایتی نقل شده که در یک سال پایانی غیبت از ماه صفر به مدت یک سال، یکسره جنگ‌های پی‌درپی رخ می‌دهد. در حدیث دیگری فرمود: در آن ماه صفر، مردم بسیاری خواهند مرد.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: در ماه صفر صدایی (عجیب و خارق العاده) به گوش خواهد رسید.^۲

در این ماه نشانه‌ی بسیار روشنی از آسمان ظاهر می‌شود و نشانه‌ی دیگری نیز در زمین آشکار خواهد شد. نشانه‌ی آسمانی این است که کف دستی در میان قرص خورشید مشاهده می‌شود و در مشرق زمین نیز حادثه‌ای هولناک رخ می‌دهد که مردم را به وحشت و اضطراب می‌اندازد.^۳

انس در روایتی نقل می‌کند که حضرت فرمود: در ماه صفر (سال پایانی پیش از ظهور) نشانه‌هایی خواهد بود، اولین نشانه ظاهر شدن ستاره‌ای دنباله‌دار می‌باشد.^۴

صلحاء

«صلحاء» جمع صالح و به معنای پاک و نیک سرشت و درست کردار است. این نام لقب عده‌ای از اصحاب حضرت مهدی عجل الله فرجه است.^۵

صلوات

صلوات یکی از بهترین اوراد و اذکار اسلام است و شاید پس از کلمه توحید بهترین کلمه‌ای باشد که یک مسلمان بر زبان می‌آورد. خداوند و فرشتگان او در قرآن بر پیامبر و

۱. یأتی: ص ۴۲۲، الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۲۵.

۲. ملاحم: ص ۱۵۹.

۳. موعود نامه: ص ۴۵۴ و روزگار رهایی: ج ۲ ص ۱۰۹۸.

۴. ملاحم: ص ۴۴ و ۴۶.

۵. رک: ابدال.

خانندان او درود می‌فرستند و مؤمنین را نیز بدان امر می‌کند.^۱

صلوات فرستادن بر پیامبر باید همواره با ذکر آل رسول الله ﷺ همراه باشد. زیرا در احادیث صلواتی را که «آل محمد» در آن نیامده باشد، صلوات ابتر و بسی نتیجه معرفی نموده‌اند؛ این در حالی است که در تفسیر و ثواب این ذکر شریف کتاب‌های مفضلی نوشته شده است و اجر و پاداش آن به قدری عظیم است که فرشتگان فقط تعداد صلوات‌هایی که فرد می‌فرستد در نامهی اعمال او می‌نویسند و اجر آن‌ها را فقط خداوند می‌داند و پاداش بنده صلوات فرستنده را فقط او خواهد داد. در بعضی احادیث نیز فرموده‌اند که پس از صلوات بگویید «و عجل فرجهم». مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان یکی از اعمال روز جمعه را صد بار صلوات بر محمد و آل محمد ذکر می‌کند.

و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: هر کسی که پس از نماز ظهر و نماز صبح خود بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» یقیناً حضرت قائم علیه السلام را پیش از مردن خود خواهد دید. در احادیث صلوات‌های مخصوصی برای حضرت مهدی علیه السلام آمده است.^۲

صلوات دعایی است که خداوند وعده استجاب برای آن داده است و بدین جهت ائمه علیهم السلام یکی از شرایط دعا را فرستادن صلوات قبل و بعد از دعا فرموده‌اند، زیرا خداوند هیچگاه دعایی را در ابتدا و انتها مستجاب نمی‌کند در حالی که میان آن را از اجابت خود بی‌نصیب کند.

۱. احزاب / ۵۶.

۲. رک: دعا.

صهیون، صهیونیزم^۱

«صهیون» در زبان عبری به معنای «پر آفتاب» است و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت المقدس می‌باشد. کوه صهیون زادگاه و آرامگاه داوود پیامبر علیه السلام است و جایگاه سلیمان نبی نیز می‌باشد. گاهی یهودیان این واژه را به معنای شهر قدس و شهر برگزیده و شهر مقدس آسمانی و مدینه فاضله نیز به کار می‌برند. اما در متون دینی یهود، صهیون آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داوود و سلیمان علیه السلام و تجدید دولت یهود است، و صهیون سمبل رهایی از ظلم و تشکیل حکومت مستقل و فرمانروایی بر جهان است. از این رو یهودیان خود را فرزندان صهیون می‌دانند. صهیون به جنبشی گفته می‌شود که خواهان مهاجرت و بازگشت تمام یهودیان از اطراف جهان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولتی یهودی است تا یهود در جهان از اقلیت‌های پراکنده در مناطق مختلف به جمعیتی متحد در یک سرزمین تبدیل شود. صهیونیزم همان «شوینیسیم» یا «ناسیونالیسم افراطی» است که با خوار شمردن ملت‌ها و نژادهای دیگر، درباره خود غلو می‌کنند و خود را نژاد برتر می‌دانند و خواهان قدرت سیاسی برتر است. این جنبش در قرن نوزدهم میلادی در اروپا بنیانگذاری شد، اما واژه صهیونیزم برای این جنبش اولین بار توسط «تئودور هرتز» در سال ۱۸۹۴ میلادی استفاده شد و پس از او مورخ صهیونیست «ناحوم ساکولو» از آن در کتاب تاریخ صهیونیست استفاده کرد. این اندیشه زمانی که با افسانه یهودی آزاری در اروپا ضمیمه گشت، صهیونیست امروزی را پایه گذاری نمود و پس از جنگ جهانی دوم گروه گروه یهودیان از اطراف جهان به سوی سرزمین فلسطین مهاجرت کردند و کم‌کم با تسخیر زمین‌های اعراب، اعلام تأسیس حکومت یهود نمودند و با اشغالی خیزشی، بر غالب کشور فلسطین مسلط

شدند و با تکیه بر آرمانای خیالی خود آن سرزمین را برای ظهور منجی آخرالزمان و تشکیل حکومتی به وسیله بنی‌اسرائیل بر تمامی جهان آماده می‌کنند. یهودی‌آزاری اسطوره‌ای است که یهودیان با بزرگ‌نمایی آن به خود برای هر جنایتی حق می‌دهند. یهودی‌آزاری را، آن هم در حد خیلی پایین، می‌توان زاییده‌ی رفتارها و ویژگی‌های اجتماعی خود یهودیان دانست، زیرا آنان معمولاً افرادی جمع‌گریز هستند. اشتغال آنان در مشاغلی غیر مولد نظیر رباخواری نیز نفرت اجتماع را علیه آنان برمی‌انگیزد. اما یهودیان چنان این واقعیت را به افسانه‌ای بزرگ تبدیل کرده‌اند و با مظلوم‌نمایی، هر غیر یهودی را دشمن ذاتی یهودیان می‌دانند. اما این آرمان خیالی یهود مبنی بر تشکیل دولت یهودی در فلسطین و بنا نهادن معبد سلیمان و زمینه‌سازی برای آمدن مسیحا، منجی‌ای از قوم بنی‌اسرائیل، توهمی است که محکوم به شکست است، زیرا در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام خبر از شکست آنان در فلسطین و نابودی‌شان توسط اعراب می‌دهند.^۱

اندیشه صهیونیست منحصر به یهودیان نیست بلکه گروهی از مسیحیان نیز اندیشه‌ای ابداعی و خرافاتی دارند و معتقدند که آنان مبلغان خدایند و مسیحیانی هستند که تولدی دوباره یافته‌اند و با بنا شدن معبد سلیمان در مکان بیت‌المقدس فعلی توسط یهودیان، جنگی آغاز خواهد شد که در پی آن مسیح دوباره ظهور خواهد کرد و آنان را به آسمان برده و سپس باز می‌گردند و شخصی که «مسیح کش» نام دارد در این جنگ بیشتر مردم روی زمین را قتل عام کرده و این مسیحیان در رکاب عیسی علیه السلام خواهند بود.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی بیت‌المقدس را بهترین مکان دنیا بدانند و آن را بر دنیا و تمام آنچه در دنیا است ترجیح می‌دهند.^۳

۱. www.hawzah.net سایت اینترنتی حوزه. رک: فلسطین، انتظار.

۲. رک: آرماگدون.

۳. یأتی: ص ۱۳۳.

شاید این حدیث شریف نیز اشاره به افراطیان یهودی دارد که سرزمین فلسطین را هدیه خداوند به آنها می‌دانند و خود را نژاد برتر دنیا به حساب آورده و از سراسر دنیا با سختی‌های فراوان به این کشور مهاجرت می‌کنند و برای تصاحب این سرزمین حاضر هستند تا با تمام افکار دنیا مخالفت کنند و در پی آن هستند که در قدس با برپایی معبد سلیمان و سپس ظهور منجی آخرالزمان، حکومتی جهانی به مرکزیت قدس برای یهودیان فراهم شود.



طالقان

طالقان ناحیه‌ای کوهستانی در منطقه‌ی ساوجبلاغ می‌باشد که در دامنه جنوبی کوهستان البرز و مشرف بر دشت قزوین قرار گرفته است. از این ناحیه در روایات آخر الزمان به خوبی یاد شده است و بیست و چهار نفر از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام نیز از این ناحیه خواهند بود. سید حسنی از قیام کنندگان پیش از ظهور می‌باشد و به لشکر حضرت قائم علیه السلام ملحق می‌شود، او از دیلم^۱ قیام خواهد کرد و گروهی از مردم طالقان به وی می‌پیوندند و به سوی حضرت حرکت خواهند نمود.

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود جوانی خوش‌چهره (یعنی سید حسنی) از دیلم قیام می‌کند و دعوت به سوی حضرت مهدی علیه السلام می‌نماید. گنج‌هایی از طالقان به دعوت او پاسخ مثبت می‌دهند. این گنج‌ها از طلا یا نقره نیستند، بلکه مردانی هستند که در قدرت و جرأت چون پاره‌های آهن هستند و بر اسب‌هایی ابلق سوار می‌شوند. آنان با تجهیزات جنگی به سوی کوفه به حرکت درمی‌آیند و ستمکاران را می‌کشند آنان بیشتر جاهایی را که به تصرف درمی‌آورند ویران خواهند کرد. لشکر حسنی به کوفه می‌رسد و در آن جا پناه خواهد گرفت. با منتشر شدن خبر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، حسنی با لشکرش به سوی حضرت خواهند آمد و همه با حضرت بیعت می‌کنند و تنها عده‌ای زیدی مذهب

۱. دیلم به منطقه‌ای از استان گیلان و بخشی از استان قزوین گفته می‌شود. در قدیم استان مازندران و گیلان و قزوین را دیلم می‌نامیدند.

بیعت ننموده و به دست حضرت و یارانش به قتل می‌رسند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خوشا به حال طالقان! در آنجا خداوند گنج‌هایی نهفته که نه از طلا هستند و نه از نقره، بلکه مردانی هستند که خداوند را به حقیقت شناخته‌اند، آنان یاوران حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان خواهند بود.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره اهل طالقان فرمود: آنان مانند عقاب‌هایی بر روی زمین هستند (که به یاری امام علیه السلام شتافته و در لشکر حضرت حضور دارند) دست بر زین اسب امام مهدی علیه السلام می‌کشند و از آن تبرک می‌جویند. آنان در اطراف امام خود خواهند بود و از او محافظت خواهد کرد و با تمام نیرویشان در خدمت حضرت به جانبازی می‌پردازند. مردانی که در شب مانند عابدان به پرستش پروردگار مشغولند و نوای عبادتشان مانند زمزمه‌ی زنبورهای عسل شنیده می‌شود، اما وقتی که صبح بدمد کمر به رزم می‌بندند. آنان چراغ‌هایی فروزان و روشنگرند که پیوسته آرزوی شهادت در سر می‌پرورانند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. (یعنی آنان خون‌خواهی حضرت امام حسین علیه السلام سرلوحه‌ی برنامه‌هایشان است و برای انتقام خون سیدالشهدا علیه السلام به نبرد برخاسته‌اند و آرزوی شهادت در این راه را دارند).^۳

طبرستان

نام قدیمی منطقه مازندران است که شامل نواحی استان مازندران و گلستان و ساحل دریای خزر می‌شود. این منطقه در آخرالزمان و روزهای نزدیک ظهور حضرت، شاهد قیام مردی خواهد بود به نام سید حسنی که با لشکری انبوه به سوی نیشابور حرکت کرده و آنجا را به تصرف خود در می‌آورد...^۴

۱. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۵ و ر.ک: حسنی.

۲. یاتی: ص ۴۳۲ و بحار الانوار: ج ۶۰ ص ۲۲۹.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۴. ر.ک: سید حسنی.

طی الارض

طی الارض نیرویی است فوق العاده که شخص می‌تواند در کمتر از چشم بر هم زدنی از نقطه‌ای به نقطه دیگر با فاصله مکانی بسیار برود. این پدیده در قرآن نیز یاد شده است؛^۱ زمانی که حضرت سلیمان از اطرافیانش سؤال کرد: چه کسی می‌تواند تخت بلقیس را در مدت اندکی برای من حاضر کند؟ آصف بن برخیا، وصی او در کم‌تر از چشم بر هم زدنی آن تخت را به قصر حضرت سلیمان آورد. امامان علیهم‌السلام نیز در ایام امامت خود معجزاتی در این خصوص داشته‌اند که در جای خود قابل بررسی است. امروزه دانشمندانی که در فیزیک و متافیزیک کار می‌کنند به این نیرو پی برده‌اند و اکثراً به آن اعتقاد دارند، اما روش دستیابی به آن را نمی‌دانند. شاید تا قرن پیش طی الارض از نظر علمی هیچ توجیهی نداشت، اما در زمان ما علاوه بر معجزه و خارق العاده بودن آن طی الارض را می‌توان در قالب تئوری‌های علمی توجیه نمود و علم امروز هیچ تناقضی در پیدایش یک چنین پدیده‌ای نمی‌بیند. امام زمان علیه‌السلام در دوران طلایی ظهور از این نیرو بهره‌ها خواهند گرفت. در روایتی امام باقر علیه‌السلام فرمود: زمانی که قائم آل محمد علیه‌السلام قیام نماید... زمین در زیر پای ایشان خواهد پیچید^۲ (و مسافت‌های طولانی را گویا با یک قدم طی خواهند نمود)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اصحاب فرمود: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین در زیر

۱. نمل / ۳۸-۴۰. « قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ * قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ * قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ء أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ » [سلیمان به اطرافیانش خود] گفت: کدامیک از شما می‌تواند تخت او [یعنی بلقیس] را پیش از آنکه برای ایمان به سوی من بیایند، نزد من حاضر کند. عفریتی از جنیان گفت: من پیش از آنکه از جایگاه خود برخیزی آن را نزد تو خواهم آورد و من برای این کار فردی توانا و مطمئن هستم. شخصی که بخشی از علم کتاب را می‌دانست [یعنی جناب آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان] گفت: من پیش از آنکه چشم خود را بر هم نهی آن را حاضر خواهم ساخت، و تا سلیمان چشم انداخت دید که [تخت بلقیس] نزد او قرار گرفته است. [آصف] گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید، آیا سپاسگذاری می‌کنم یا کفران می‌کنم.

پایشان پیموده می‌شود و درهای جهان به روی‌شان گشوده می‌گردد و زمین در کم‌تر از یک چشم بر هم زدن طی می‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد شرق و غرب زمین را در ساعتی ببیند، این کار را انجام می‌دهد.

این قدرت فقط منحصر به حضرت نخواهد بود بلکه یاران حضرت نیز از آن بهره‌مند هستند. احادیثی که از جمع شدن یاران حضرت قائم علیه السلام در ابتدای ظهور صحبت می‌کند، بیانگر این مطلب است. یاران حضرت شب را در خانه‌های خود در رختخواب هستند و صبح کسی آنان را در جایگاهشان نمی‌بیند؛ همگی آنها در یک زمان کنار کعبه جمع شده‌اند و با آن حضرت بیعت می‌کنند.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: جوانانی از شیعه بر روی بام خانه‌هایشان خوابیده‌اند که در یک شب و بدون قرار قبلی کنار یکدیگر جمع می‌شوند و صبح را در مکه خواهند بود.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: ... حضرت قائم علیه السلام در روز شنبه مصادف با دهم محرم و روز عاشورا قیام می‌کند و در کنار رکن و مقام ایستاده و جبرئیل از سوی راست او ندا می‌دهد «بیعت از آن خداست». سپس شیعیان آن حضرت از گوشه گوشه زمین با طی الارض گرد او جمع می‌شوند و با او بیعت می‌نمایند و او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آنگونه که از ظلم و بیداد پر شده است.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سیصد و سیزده تن از یاران حضرت قائم علیه السلام را برای من بازگو کرد و فرمود: این افراد به تعداد افراد حاضر در جنگ بدر هستند که خداوند آنان را از شرق و غرب عالم در زمانی کمتر از یک چشم بر هم زدن در مسجد الحرام جمع خواهد کرد.^۴

۱. موعودنامه: ص ۴۷۴. رک: یاران حضرت مهدی. x.

۲. غیبت نعمانی: ص ۳۱۶. یاتی: ص ۱۷۲.

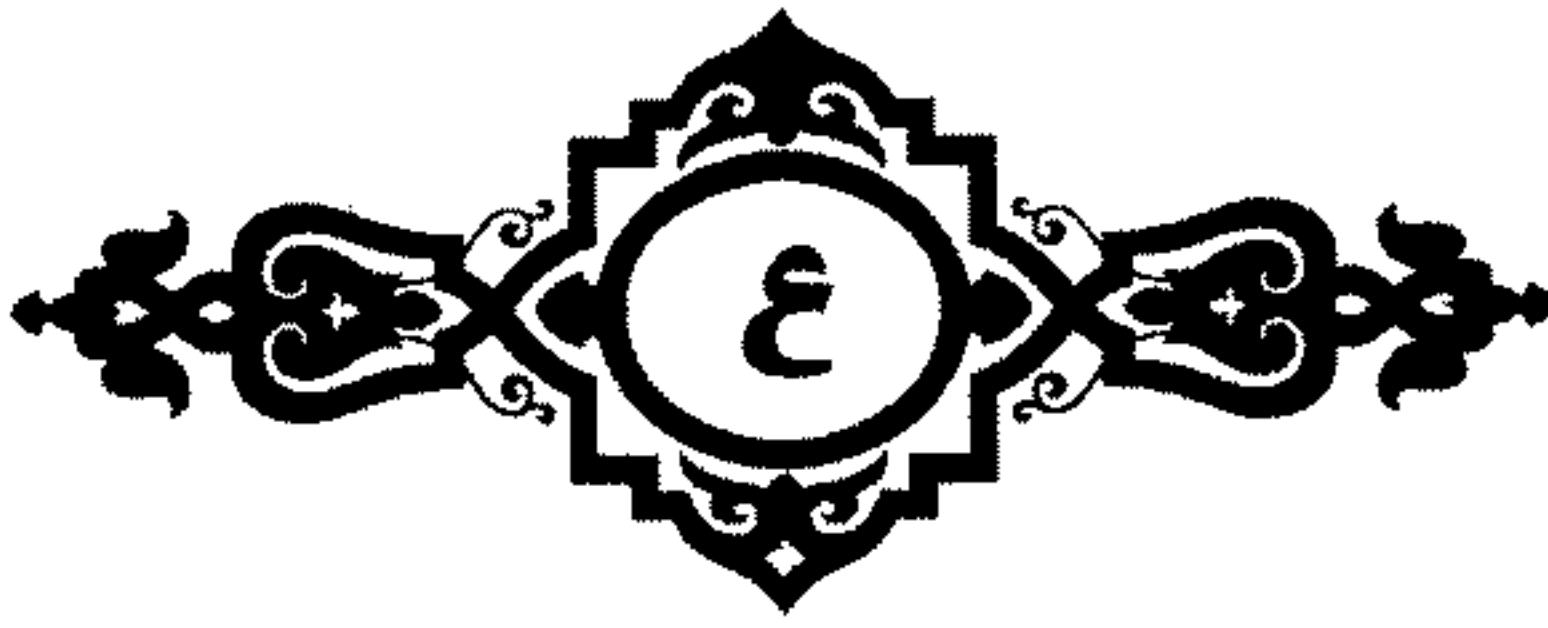
۳. وافی: ج ۲ ص ۱۱۲.

۴. ملاحم: ص ۱۴۸.



ظلم

ر.ک: ستم، عدل.



عاشورا

عاشورا روز دهم ماه محرم الحرام است. در سال ۶۱ هجری در چنین روزی امام حسین علیه السلام همراه یاران با وفای خود در صحرای کربلا به شهادت رسیدند. در برخی احادیث روز قیام حضرت مهدی علیه السلام را نیز مصادف با روز عاشورا دانسته‌اند.^۱

در روز عاشورا مهمترین چیزی که سوز و گداز دل سوختگان کربلا را تسکین می‌دهد، ظهور منجی آخرالزمان است، هم او که ولی دم جد مظلوم خویش است و در زمان ظهور خود به انتقام برمی‌خیزد.

در روز عاشورا در زیارت مخصوصه‌ی امام حسین علیه السلام دو مرتبه به این امر اشاره شده است، «بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبًا ثَارِكًا مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ (پدر و مادرم فدای تو باد [ای حسین] به راستی که مصیبت تو بسیار بر من گران و غیر قابل تحمل است، پس از خدایی که تو را گرامی داشته و مرا به خاطر دوستی شما عزت بخشیده است می‌خواهم، که مرا جزو خونخواهان تو قرار دهد، خون خواهانی که همراه امام یاری شده از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله [یعنی حضرت قائم علیه السلام] به

۱. رک: روز قیام حضرت مهدی. x

انتقام برمی‌خیزند)، «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ، وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي، مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِثْلِكُمْ»؛ (من از خدایی که مرا به شناختِ شما و دوستان شما اکرام کرده تقاضا می‌کنم که...؛ در زمان ظهور امام هدایت‌گر، حضرت مهدی علیه السلام و زمانی که حق را به اجرا می‌گذارد، به انتقام از دشمنان و قاتلین شما برخیزم و طلب خونخواهی خویش کنم).

امام باقر علیه السلام فرمود: در روز عاشورا هرگاه همدیگر را ملاقات کردید، این گونه به هم تعزیت گوید: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام و جعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدى من آل محمد صلى الله عليه وآله»؛ خداوند اجر این مصیبتی که از شهادت امام حسین علیه السلام بر ما وارد آمده بزرگ گرداند و ما و شما جزو خونخواهان و انتقام‌گیرندگان، همراه ولی الله، امام مهدی آل محمد علیه السلام باشیم.

عبور از روی آب

زمانی که امام مهدی علیه السلام ظهور کند، فرستادگانی را به گوشه گوشه دنیا روانه می‌کند، از جمله لشکری به قسطنطنیه^۱ می‌فرستد. زمانی که لشکر به خلیج (دریای مرمهره) می‌رسند، کلماتی را بر کف پاهای خود نوشته و بر آب راه می‌روند و بدون کشتی از روی آب عبور می‌کنند، چون رومیان^۲ این را می‌بینند، می‌گویند: یاوران حضرت مهدی علیه السلام این گونه‌اند، آیا او خود چگونه خواهد بود؟! سپس دروازه شهرها را به روی لشکریان باز نموده و چون لشکر وارد شهر می‌شود هر آن گونه که بخواهد (بی هیچ جنگی) حکم خواهد کرد.

۱. استانبول کنونی.

۲. در قدیم قسطنطنیه پایتخت روم بوده است.

عجله

عجله یکی از صفات مذموم است که پیشوایان دینی همواره ما را از آن برحذر داشته‌اند، خصوصاً در اموری که لازمه‌ی آن صبر کردن و انتظار کشیدن است. ظهور حضرت قائم علیه السلام دارای حکمت‌های الهی فراوانی است. یکی از حکمت‌های آن آزمایش میزان تسلیم مردم نسبت به امام معصوم و تقدیرات الهی می‌باشد. بنابراین کسانی که در دوران غیبت امام معصوم، بردباری پیشه نمی‌کنند و در تقدیرات الهی چون و چرا می‌کنند به هلاکت خواهند افتاد. زیرا فردی که در تقدیرات الهی شتابزده عمل می‌کند، به ناامیدی دچار خواهند شد و این ناامیدی باعث می‌شود امر ظهور را امری بسیار دور و دست‌نیافتنی بپندارند، در آنان ایجاد شک و تردید می‌کند و ایمان آنان را متزلزل می‌کنند، آنان را به سوی تکذیب و انکار شوق می‌دهد، گاهی نیز فرد را به سوی افراد مدعی و انحراف‌های عقیدتی می‌کشاند. بدین جهت ائمه هدی علیهم السلام ما را بسیار به انتظار، صبر و تسلیم در زمان غیبت سفارش نموده‌اند، تا جایی که انتظار را برترین عبادات شمرده‌اند.^۱

یکی از تأثیرات منفی عجله در ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تعیین وقت برای ظهور آن جناب است؛ زیرا افرادی با محاسبات نفسانی و برداشت‌هایی جاهلانه، تقدیرات الهی را بازیچه توهّم خود می‌گیرند و زمان‌های مشخصی را برای ظهور حضرت تعیین می‌نمایند، که این خود باعث ایجاد یأس در دل مردم و کمرنگ شدن انتظار و شوق نسبت به امام زمان خواهد شد.^۲ البته عجله خواهی غیر از عجله کردن در ظهور است، زیرا در ادعیه ما بسیار برای تعجیل در ظهور حضرت دعا می‌کنیم، مثلاً در دعای عهد از خداوند می‌طلبیم: «عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَاجِزَهُ،... اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ

۱. رک: انتظار.

۲. رک: روز قیام حضرت مهدی ع.

عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَتَرِيَهُ قَرِيباً؛ (خداوند! در فرج حضرت قائم علیه السلام تعجیل کن و راه قیام او را هموار ساز و توسعه بخش) «خداوند! با حضور حضرت مهدی علیه السلام این اندوه (غیبت) را از این امت برطرف کن، در آشکار شدن او برای ما تعجیل کن، زیرا دشمنان ظهور را دور می‌پندارند، اما گمان ما این است که ظهور حضرت نزدیک است» سپس سه بار از حضرت می‌خواهیم و می‌گوییم: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» (تعجیل کن، تعجیل کن! ای سرور من! ای صاحب الزمان).^۱

مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، در اعمال شب جمعه روایتی نقل می‌کند، که در شب مستحب است که هزار بار بگویند: «اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن والانس من الاولين والآخرين».

در اعمال روز جمعه نیز حدیثی نقل فرموده: هر کس که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید «اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم»، از دنیا نخواهد رفت تا اینکه حضرت قائم علیه السلام را ببیند.

و صد بار صلوات با «عجل فرجهم» از اعمال مستحب در عصر جمعه است. این عجله خواهی، چون درخواستی است از مدبرالامور و صاحب همه تقدیرات، بنابراین از سوی بندگان هیچ نارضایتی و عدم تسلیم و ناامیدی دیده نمی‌شود، بلکه حکایت از شوق و ایمان مضاعف نسبت به ظهور حضرت می‌نماید. در دعاهای وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام به عجله منفی نیز اشاره شده است.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب شریف مفاتیح الجنان دعایی را برای عصر غیبت روایت می‌کند. این دعا از سوی یکی از نواب اربعه امام عصر علیه السلام نقل شده است

و شاید بتوان گفت برترین اعمال روز جمعه محسوب می‌شود. در این دعا درباره‌ی عجله‌کنندگان در ظهور می‌خوانیم: خداوندا! مرا بر دین خود استوار بدار و مرا در پیروی از تو کوشا کن، دلم را برای (اطاعت از) ولی خودت (حضرت مهدی علیه السلام) نرم و فرمانبردار قرار ده و مرا از آزمایش‌هایی که مردم را بدان می‌آزمایی معاف بدار و سربلند گردان، و مرا بر پیروی از ولی امر خودت ثابت قدم بدار، ولی امری که از میان خلقت پنهانش ساختی و به دستور تو از میان مخلوقات غایب گشته است و پیوسته منتظر فرمان توست (که ظهور نماید). همانا تو بدون اینکه یاد دهنده‌ای داشته باشی، به زمان ظهور او دانایی، همان زمانی که امر (غیبت) ولی تو در آن به پایان می‌رسد و اجازه ظهور و قیام را به وی خواهد داد و او را از پرده (ی غیبت) برون خواهی آورد. پس (ای خدای من) مرا بر این (دوری و غیبت امام معصوم) بردباری عنایت فرما، تا در آنچه تو تأخیرش را دوست داری، شتابزدگی ننمایم و در آنچه تو دوست داری زودتر اتفاق بیفتد، تأخیر و سستی نکنم، و آنچه را که پوشیده ساختی آشکار نکنم، و آنچه را راز نهانی قرار دادی به لب نیاورم و در تدابیر (حکیمانه‌ی) تو چون و چرا نکنم، و نگویم: «دنیا پر از ظلم و ستم شده است پس چه شده که ولی امر (حضرت مهدی علیه السلام) ظهور نمی‌نماید؟! چرا؟! برای چه؟!» بلکه یکسره امورم را به تو بسپارم...

در این دعا از انتظار و عجله منفی یاد شده است. در این دعا و نظایر آن، چنین شتاب و انتظاری را ایجاد کننده گمراهی‌ها و کج رفتاری‌ها دانسته، و تسلیم در برابر مقدرات الهی و قبول دستورات الهی را ایمان و ثبات قدم می‌داند.

در روایات زیادی نیز به ما دستور داده‌اند که از تعیین وقت مشخص برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرهیزیم و حتی اهل بیت علیهم السلام نیز خود برای ظهور حضرت وقتی تعیین نمی‌نمودند. البته این تعیین وقت که از سوی اهل بیت علیهم السلام مورد تکذیب قرار گرفته است تعیین وقت معین و مشخص است. اما تعیین وقت به صورت مبهم و غیر

مشخص را در احادیث فراوانی می‌توان یافت؛ مثلاً روز عاشورا و یا روز نوروز از جمله روزهایی است که ائمه علیهم‌السلام برای ظهور حضرت تعیین فرموده‌اند، اما چون عاشورا و یا نوروز سال مشخصی را معین ننموده‌اند، بنابراین تبعات منفی تعیین وقت پیش نخواهد آمد. بسیار دیده شده که در میان ادیان مختلف و حتی مسلمانان، زمانی خاص برای پایان زمان و ظهور منجی آخرالزمان معین شده است و پس از گذشت آن وعده‌ی زمانی و روی ندادن هیچ حادثه‌ی خاصی، موجی از یأس و بی‌ایمانی و شک و تردید در دل مردم ایجاد شده است.^۱

امام صادق علیه‌السلام فرمود: محاضیر هلاک شدند. راوی سؤال کرد: محاضیر یعنی چه؟ حضرت فرمود: آنان کسانی‌اند که شتابزده عمل می‌کنند و عجله می‌نمایند. سپس حضرت فرمود: **مُقَرَّبُونَ و مُقَرَّبُونَ** نجات یافتند (یعنی کسانی که به نزدیک بودن و قریب بودن ظهور ایمان دارند و وجود امام معصوم و ظهور حضرت اقرار دارند و آن را تکذیب نمی‌کنند اهل نجات خواهند بود)...^۲

محاضیر در لغت به معنای اسب دونده است و در این حدیث شریف از عجله کنندگان با واژه «محاضیر» یاد شده است. زیرا، همچون اسب‌های دونده، در طی مسیر شتاب می‌کنند و سعی دارند که زودتر به مقصد برسند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس که (برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام) وقت و سرآمدی تعیین نماید دروغ‌گوست. ما اهل بیت نیز (برای ظهور حضرت) وقت تعیین نمی‌کنیم.^۳

امام باقر علیه‌السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: به درستی که خداوند وقت ظهور قائم علیه‌السلام را

۱. رک: روز قیام حضرت مهدی *.

۲. یاتی: ص ۴۴۳ و غیبت نعمانی: ص ۱۹۶.

۳. یاتی: ص ۷۳۶ و کافی: ج ۱ ص ۲۶۸.

در سال هفتاد هجری مشخص نموده بود. اما چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، خداوند بر زمینیان غضب نمود و آن را تا سال صد و چهل هجری به تأخیر انداخت. ما اهل بیت این خبر را به شما (شیعیان) گفتیم و شما این خبر را آشکار نمودید، سپس خداوند (آن وقت را نیز مقدر ننمود) و دیگر برای ما وقتی تعیین ننمود.^۱

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و از زمان قیام قائم منتظر سؤال نمود. حضرت فرمود: کسانی که وقت و سرآمد (برای ظهور) تعیین می‌کنند دروغگو هستند و کسانی که در ظهور حضرت عجله به خرج می‌دهند هلاک خواهند شد و کسانی که خود را تسلیم و پیرو (اهل بیت علیهم السلام) قرار دهند، نجات خواهند یافت.^۲ در روایتی دیگر فرمود: خداوند هر زمانی را که وقت گذاران (از سوی خود و جاهلانه برای ظهور حضرت) تعیین کنند باطل نموده و ظهور حضرت را در آن روز قرار نخواهد داد.^۳

راوی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد، آیا وقت معینی برای ظهور حضرت قائم علیه السلام می‌توان مشخص کرد؟ حضرت فرمود: «کسانی که زمان (برای ظهور حضرت قائم علیه السلام) معین می‌کنند دروغگویند». این جمله را حضرت سه بار تکرار نمود و فرمود: زمانی که حضرت موسی علیه السلام به کوه طور برای میقات پروردگار رفت، به بنی اسرائیل فرمود این میقات سی روز به طول می‌انجامد، اما خداوند ده روز اضافه نمود و میقات او چهل روز طول کشید. بنی اسرائیل گفتند: موسی علیه السلام وعده‌ی نادرست به ما داد و از ایمان به خدا دست برداشته و به گوساله پرستی روی آوردند. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه از سوی ما برای شیعیان زمانی تعیین شد و آن زمان مشخص نیز واقع گشت، خدا را تصدیق کنید (و در ایمان خود استوار باشید) و اگر آن زمان تعیین شده به واقعیت

۱. همان

۲. همان

۳. غیبت نعمانی: ص ۳۹۲.

نییوست، باز هم خداوند را تصدیق کنید (و در ایمان خود پایداری کرده و از حق روگردان نشوید)^۱ که در این حال پاداش شما مضاعف خواهد بود.^۲

در حدیث دیگری حضرت فرمود، برای امر ظهور حضرت وقتی معین قرار داده نمی‌شود، زیرا علم خداوند بر علم تعیین کنندگان زمان ظهور برتر است، خداوند با موسی سی شب وعده نموده بود و سپس ده روز اضافه نمود که نه موسی می‌دانست و نه بنی اسرائیل.

آنگاه که روزهای غیبت حضرت موسی از میان بنی اسرائیل و حضورش در کوه طور، از سی روز گذشت، بنی اسرائیل گفتند: موسی به ما دروغ گفته و ما را فریب داده است و جملگی گوساله پرست شدند. هرگاه دیدید که پریشانی و فقر و نیاز فراوان گشته، روز و شب به انتظار ظهور حضرت بنشینید.^۳

«به راستی که خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند»^۴ بنابراین ظهور حضرت مهدی علیه السلام به یقین انجام خواهد شد. اما زمان وقوع این امر بستگی به شرایط فراوانی دارد و ممکن است با تقدیرات الهی پس و پیش شود. از این روست که در دعاها ما تعجیل در امر ظهور حضرت را از خداوند می‌طلبیم و حتی حضرت مهدی علیه السلام خود نیز ما را به این دعا دستور داده و فرموده‌اند: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید. زیرا این دعا باعث گشایش در امور خودتان نیز خواهد شد».^۵

قوم حضرت یونس زمانی که به عذاب گرفتار شدند، به دعا و گریه و زاری

۱. زیرا ممکن است در تقدیرات بداء ایجاد شود. رک: بداء.

۲. کافی: ج ۱ ص ۳۶۸.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۶۲.

۴. آل عمران / ۹ و رعد / ۳۱ و زمر / ۲۰.

۵. کمال الدین: ج ۲ ص ۴۸۵.

پرداختند و خداوند عذابی را که به سوی آنان روان شده بود بازگرداند.^۱ و به راستی چه عذابی بدتر از غیبت امام عادل‌ی که از سوی خداوند برای بندگان فرستاده شده است؟!^۲

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی به توضیح این مطلب می‌پردازد که چرا خبرهایی که از طرف اهل بیت علیهم السلام درباره بنی العباس داده می‌شود، همه واقع می‌شود و درست از آب در می‌آید، اما ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع نمی‌شود و شیعیان در انتظار به سر می‌برند. زیرا خبرهایی که درباره حکومت بنی العباس صادر می‌شود و احادیثی که درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام داده می‌شود، جملگی از طرف اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، بنابراین هر دو صحیح خواهد بود؛ اما چون زمان پیشگویی کارهای شما فرا رسیده بود، خبرهایی که داده بودند انجام شد، ولی درباره‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام چون زمان آن فرا نرسیده است موجب طعنه و مسخره‌ی دشمنان قرار گرفته است. اگر ما زمانی معین را برای ظهور حضرت مشخص می‌کردیم، شما (تا سررسید آن زمان خیالتان از طرف ظهور راحت می‌شد) و دل‌های شما را قساوت می‌گرفت و بسیاری از مردم دست از دین اسلام برمی‌داشتند. از این رو همیشه در دعاها و فرمایشات به نزدیک بودن ظهور اشاره می‌شود تا اینکه مردم به نزدیک بودن آن اعتقاد ببندند و با یکدیگر به مهربانی برخیزند.^۳

امام صادق علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد! هر کسی که از طرف ما به شما خبر داد که ما زمانی را (برای ظهور حضرت) مشخص نموده‌ایم، بدون هیچ واهمه‌ای او را تکذیب نموده و او را دروغ‌گو بدان، زیرا ما برای هیچ کس زمانی را تعیین نمی‌نماییم.^۴

۱. رک: تفسیر قمی؛ ذیل آیه ۸۷ سوره انبیاء.

۲. رک: بدهاء.

۳. کافی: ج ۱ ص ۳۶۹.

۴. یاتی: ص ۷۲۸.

در حدیثی که قبلاً ذکر شد، سال هفتاد و صد چهل هجری برای ظهور آخرالزمان تعیین شده است. و حضرت فرمود ما پس از افشای این راز و بدایی که در این زمان پدید آمد، دیگر زمانی را برای شما تعیین نخواهیم نمود؛ این حدیث نیز شاید مربوط به زمان بعد از افشای سر باشد که حضرت فرموده ما هرگز تعیین وقت نمی‌نماییم.

البته تعیین نکردن زمان ظهور منافاتی با دانستن زمان ظهور ندارد، زیرا بقاء الهی به مراتب مادون علم تعلق می‌گیرد و ائمه علیهم‌السلام ظروف علم و مشیت الهی‌اند. بنابراین امکان دارد که اهل بیت علیهم‌السلام به زمان ظهور آگاهی داشته باشند، اما از آشکار کردن آن برای مردم خودداری می‌کنند.

امام حسن مجتبی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: ای رسول خدا! قائم ما اهل بیت چه زمانی خروج می‌نماید؟ حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: ای حسن! به راستی ظهور حضرت قائم علیه‌السلام مانند ساعت قیامت است که خداوند زمان وقوع آن را از اهل آسمان و زمین مخفی داشته است و هرگاه زمان آن فرا رسد، ناگهانی رخ خواهد داد.^۱

عجم

برخی از روایات نشانگر اختلاف و جنگ شدیدی بین عرب و عجم است. البته «عجم» به معنای «غیر عرب» است و اگر معنای عجم را این گونه بدانیم، ممکن است این اختلاف را به معنی جنگ‌هایی که بین عرب و غرب رخ داده و می‌دهد نیز دانست، از روایات چنین فهمیده می‌شود که این اختلاف و جنگ تا زمانی ادامه خواهد یافت که سفیانی قیام می‌کند و پس از آن قیام حضرت مهدی علیه‌السلام به وقوع خواهد پیوست.

در الزام الناصب روایت می‌کند که: دشمنی و اختلاف نظر در بین عرب و عجم شدید می‌شود و این اختلاف و دشمنی تا زمانی ادامه می‌یابد که مردی از فرزندان

۱. تفسیر نور الثقلین: ج ۲ / ص ۱۰۷ و نجم الثاقب: ص ۷۶.

ابوسفیان از بیابان‌های خشک اطراف دمشق به پا می‌خیزد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم که عجم‌ها در مسجد کوفه خیمه برپا نموده‌اند و به مردم قرآن می‌آموزند، آن‌گونه‌ای که نازل شده است...^۲

عدل، عدالت، دادگری

عدل یعنی هر چیزی را در جای صحیح خود قرار دهیم و مخالف آن ظلم خواهد بود. عدل بدین معناست که در کارهای خود به انصاف و میانه روی عمل کنیم و کردار خود را از هرگونه افراط و تفریط خالی کنیم. عدالت در تمام امور می‌تواند جریان داشته باشد و به دیگر سخن، عدالت مفهومی است که شامل تمام رفتارهای انسان می‌شود. در روایات آخرالزمان به گسترش ظلم و بیداد پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام اشاره شده است، ظلم و جوری که تمام زمین را فرا می‌گیرد. سپس حضرت مهدی علیه السلام با ظهور خود و در پی جنگ‌ها و اصلاح‌گری‌ها، خود و یاران ایشان بساط ظلم را برای همیشه برمی‌چینند و به جای آن عدالت را برقرار می‌نمایند، عدالتی که گوشه گوشه‌ی زمین را پر خواهد کرد. در این روایات معمولاً اشاره به «ظلم» و «جور» پیش از ظهور، و گسترش «عدل» و «قسط» پس از ظهور شده است. قسط به معنای ستم نکردن و رعایت انصاف و عدالت در تقسیم اموال است و معنایی مترادف، اما محدودتر از عدل دارد. در روایات زیادی چه در نزد شیعه چه اهل سنت، واژه عدل و قسط در مقابل ظلم و جور قرار گرفته است که با وجود هرکدام دیگری نابود خواهد شد. اجرای عدالت توسط حضرت مهدی علیه السلام بسیار مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است، زیرا عدالت با ارزش‌ترین گوهری است که در یک جامعه سالم و ایمانی می‌توان وجود داشته باشد. حضرت مهدی علیه السلام

۱. یاتی: ص ۲۶ و رک: یاران امام زمان *

۲. غیبت نعمانی: ص ۳۱۸ و یاتی: ص ۴۴۶.

عدالت را نه فقط در تقسیم اموال عمومی، بلکه در تمام امور جامعه برقرار خواهد نمود. حتی تمام مؤمنینی که مظلومانه کشته شده‌اند دوباره زنده می‌شوند و کشتندگان خود را زنده می‌بینند و از آنان انتقام خواهند گرفت. جهان به گونه‌ای خواهد شد که نه تنها انسان‌ها، بلکه به هیچ حیوانی هم ظلم نخواهد شد، تا جایی که مردم آرزو می‌کنند که مردگانشان کاش زنده می‌شدند و آن روزگار را می‌دیدند.^۱ در آن روزگار دیگر برای اثبات ادعا به شاهد و گواه اتکایی نیست بلکه به حقیقت امور حکم و قضاوت می‌شود، زیرا با وجود گواهی اشتباه و نادرست امکان صدور حکمی خلاف حقیقت وجود دارد. امروزه قاضی‌ها با توجه به آگاه نبودن از وقایع مخفی، راهی جز استفاده از گواه ندارند. اما وقتی که حضرت با علم الهی و دانش غیب حکم را صادر کند، دیگر در واقعیت امور نیز ظلمی روی نخواهد داد. آن حضرت کتاب‌های آسمانی را دوباره می‌آورد، کتاب‌هایی عاری از تحریف و در میان هر امتی با کتاب آسمانی خودش قضاوت خواهد کرد و حکمی که در دین آن فرد نازل شده برای او صادر می‌شود.^۲

در دوران پیش از ظهور چنان حق و حقیقت تبدیل شده است و ظلم و ستم گسترش یافته که وقتی حضرت به اجرای عدالت می‌پردازد، مردم گمان می‌کنند با دینی جدید روبرو شده‌اند و کتابی جدید نازل شده است.^۳ در آن زمان تا جایی ستم در میان مردم رسوخ کرده که مردم جز ستم چیز دیگری را نمی‌دانند.

رسول خدا ﷺ فرمود: پس از مدت کوتاهی که از وفات من می‌گذرد ستمگری آغاز می‌شود، و هر چه ستم پیشروی می‌کند و بیشتر گسترش می‌یابد، عدالت کمتر می‌شود، تا جایی که مردم به دنیا می‌آیند و جز ستم چیزی نمی‌بینند و جز ستم‌گری

۱. رک: رجعت، امنیت.

۲. رک: قضاوت.

۳. رک: جدید.

رفتاری نمی‌شناسند (و یکسره با عدل و عدالت بیگانه می‌شوند) شخصی پرسید: در آن روزگار دادگران و عدالت خواهان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: آنان اهل بیت‌اند. پرسیدند: اهل جور چه کسانی‌اند؟ حضرت پاسخ داد: آنان بستگان ما می‌باشند که از قبیله‌ی بنی‌امیه هستند، که ملک دنیا برای آن‌ها فراهم می‌شود.^۱

در حدیث دیگری به همین مضمون سه بار فرمود: پس از من به اندک زمانی ستم سربلند می‌کند و هرچه ستم گردن‌کشی می‌کند، به همان مقدار عدالت می‌میرد. در آن روزگار هر کسی که متولد می‌شود جز ستم نمی‌بیند. سپس خدای عزوجل به مخلوقات خود مهربانی می‌کند و دستور می‌دهد که عدالت سربرافرازد. آنگاه هرچه عدالت بیشتر بلند شود، ستم بیشتر از بین می‌رود - سه بار این جمله را تکرار فرمودند - تا جایی که در آن روزگار هر فرزندی که به دنیا می‌آید جز عدل و دادگری نه چیزی می‌بیند و نه چیزی می‌داند.^۲

«و یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»

امام هادی علیه السلام فرمود: به راستی امام بعد از من پسر م حسن است و پس از او فرزندش حضرت قائم علیه السلام، که زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و بیداد آکنده شده است.^۳

این جمله درباره حضرت مهدی علیه السلام عبارتی است که مکرر در روایات شیعه و سنی نقل شده است. البته مشابه این جمله و با همین مضمون نیز ما احادیث فراوانی داریم، مثلاً:

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: بدانید! به راستی خداوند زمین را در پی مردن از شدت

۱. ملاحم: ص ۱۶۱.

۲. همان.

۳. کمال‌الدین: ص ۳۸۳.

بیداد، به واسطه حضرت قائم علیه السلام، با عدل و داد زنده می‌کند.^۱

در روایتی دیگر حضرت فرمود: زمین را سراسر از عدل و روشنایی پر می‌کند، چنانکه از ظلم و شرارت پر شده است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! که عدالت آن حضرت به منزل مردم نفوذ خواهد کرد، همان‌گونه که گرما و سرما به خانه‌ها رخنه می‌کند.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیثی به ابراهیم کوفی فرمود: ... ای ابا ابراهیم، دوازدهمین امام کسی است که در زمان اوج گرفتاری‌های شدید و بلاهای طولانی و ستم، سختی‌ها و دشواری‌ها را از دوستانش برطرف خواهد کرد؛ خوشا به حال کسی که چنین زمانی را دریابد...^۴

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، به سوارگان دستور می‌دهد که از میان راه حرکت کنند و پیاده‌ها از کناره‌های جاده راه بروند. اگر اسب سواری از کناره‌ای راه برود و کسی را مجروح کند باید دیه پردازد و اگر کسی از میان جاده حرکت کند و صدمه‌ای ببیند، دیه‌ای به او تعلق نخواهد گرفت.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام نخست عدالت را در انجام مناسک حج برپا می‌کند. ایشان به منادی خود دستور می‌دهد: میان مردم ندا کن و بگو هر کسی که طواف مستحبی می‌کند کنار رود و جای را برای کسانی که حج واجب انجام می‌دهند خالی کنند تا به راحتی بتوانند طواف کنند و استلام حجر الاسود نمایند.^۶

۱. یاتی: ص ۴۴۷.

۲. همان: ۴۴۸.

۳. همان: ۴۴۶ و غیبت نعمانی: ص ۲۹۷.

۴. کمال الدین: ج ۲ ص ۶۴۷.

۵. تهذیب: ج ۱۰ ص ۳۱۴.

۶. کافی: ج ۴ ص ۴۲۷.

یکی از عدالت‌هایی که حضرت در آن روزگار به اجرا می‌گذارد، این است که ارث افراد را به برادران ایمانی می‌دهد. زیرا معیار تقرب نزد خداوند نیز تقوا و پرهیزکاری است. بنابراین کسی که در دین و تقوای الهی پیشی گرفته باشد به مؤمن نزدیکتر است تا یک برادر صلبی که در دین خود کاستی دارد.^۱

بیت المال در زمان حضرت به هیچ وجه حیف و میل نخواهد شد، و آن را به صورت مساوی میان مردم تقسیم خواهد نمود. آنقدر از مال دنیا نزد ایشان جمع می‌شود که با تقسیم کردن آن دیگر محتاجی بر روی زمین باقی نخواهد ماند. در هر ماه دوبار از بیت المال سهمیه می‌پردازد و هر سال دوبار پاداش می‌دهد. میان فقیر و غنی چنان به تساوی رفتار می‌کند که همه مردم بی‌نیاز می‌شوند، و کسی باقی نمی‌ماند که فقیر بوده مستحق گرفتن زکات باشد، و زکات دهندگان، زکات مالشان روی دست‌هایشان باقی ماند و مردم می‌گویند ما محتاج نیستیم که زکات مال شما را بستانیم. حضرت چنان بخششی میان مردم خواهد کرد که هرگز کسی مانندش را ندیده است.^۲

در زمان ظهور حضرت گنج‌های زمین آشکار خواهد شد و حضرت با اینکه بی‌شماره انفاق می‌کند ولی باز هم باقی است و کسی دیگر نیازی نخواهد داشت که مال بطلبد.

رسول خدا ﷺ فرمود: شما را به آمدن مهدی عجله الله تعالی فرجه بشارت می‌دهم، او زمانی خواهد آمد که امت من دچار اختلاف‌های شدید و زلزله شده‌اند، آنگاه روی زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنانچه که از ظلم و ستم پر شده است، به گونه‌ای که حتی تمام آسمانیان نیز از او خشنود می‌شوند. او مال را به روشی صحیح و مساوی تقسیم می‌کند (و همه را

۱. رک: ارث.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۹۰ و یاتی: ص ۵۵۷.

بی‌نیاز می‌کند). خداوند بی‌نیازی را به قلب‌های امت رسول الله ﷺ ارزانی می‌دارد و دل‌های مؤمنین آکنده از عدل و غنی خواهد بود. در آن زمانه منادی حضرت ندا می‌کند: آیا کسی یافت می‌شود که به مال احتیاجی داشته باشد؟ از میان تمام مردم فقط یک نفر برمی‌خیزد و می‌گوید: من به مال نیازمندم. آن منادی به او دستوری دهد که به نزد مأمور بیت‌المال برو، به او بگو که حضرت مهدی علیه‌السلام به تو فرمان می‌دهد که به من مال عطا کنی. مأمور بیت‌المال نیز دامان او را پر می‌کند. آن مرد با خودش می‌گوید: گویا من حریص‌ترین فرد در امت رسول الله ﷺ هستم و از سایر مردم ناتوان‌ترم (و از طلب کردن مال خجل شده و پشیمان می‌شود) و تصمیم می‌گیرد که آن مال را دوباره به بیت‌المال برگرداند. اما مأمور بیت‌المال قبول ننموده و می‌گوید: ما ثروتی را که بخشش نمودیم، بازپس نخواهیم گرفت!...^۱

حضرت مهدی علیه‌السلام ایفای حقوق مظلومین را سرلوحه برنامه خود دارد. در روایتی آمده است که حضرت قائم علیه‌السلام حق ستمدیدگان را بدان‌ها برخواهد گرداند. اگر این حق در زیر دندان انسان هم باشد، اما او این حق را ستانده و به مستحقش خواهد داد.^۲

عراق

عراق کشوری است در قلب خاور میانه. مرزهای عراق از قدیم تاکنون تقریباً یکسان بوده است. این کشور در تحولات آخرالزمان مرکز حوادث خواهد بود. در این کشور جنگ‌های فراوانی رخ خواهد داد به گونه‌ای که گویا میدان اصلی جنگ در آخرالزمان عراق است. سفیانی، خراسانی یمانی، سید حسنی، دجال برخی از کسانی هستند که به این کشور لشکرکشی می‌کنند و به قتل و خون‌ریزی دست می‌زنند. در پایان نیز با آمدن

۱. ملاحم: ص ۱۶۵.

۲. ملاحم: ص ۶۸.

حضرت مهدی علیه السلام با لشکر خود به عراق، طومار دشمنان برچیده می‌شود و حضرت در کوفه مستقر شده و مسجد سهله را خانه خود و مسجد کوفه را دارالحکومه قرار خواهد داد.^۱

عرب

ر.ک: عجم.

عقل

عقل موهبتی است که خداوند انسان را بدان اکرام نموده است و نعمتی است که خداوند انسان را از آن بهره‌مند نموده و به واسطه‌ی آن وی را از تمام موجودات متمایز کرده است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «العقل ما عبد به الرحمان و اكتسب به الجنان»؛ (عقل چیزی است که به واسطه‌ی آن خدای پرستیده می‌شود و انسان را سزاوار رفتن به بهشت می‌نماید). یکی از نشانه‌های آخرالزمان کم شدن عقول مردم است. البته این کم شدن عقول به معنای جنون و دیوانگی نیست، یعنی مردم در ظاهر بسیار آراسته و متشخص هستند اما اثرات عقل که همان پرستش خداوند و ترجیح آخرت است کمرنگ می‌شود. مردم سراسیمه به دنبال دنیا می‌روند و جز دنیا طلبی هیچ اندیشه‌ای ندارند.^۲

رسول خدا فرمود: فتنه‌ای روی خواهد داد که در آن عقل‌ها برداشته شود، تا جایی که مرد عاقلی را نمی‌بینید. در روایت دیگری فرمود، فتنه و آشوبی برپا خواهد شد که مردم همسایه‌ها و برادر و پسرعموهای خود را می‌کشند. شخصی پرسید: آیا در آن روز عقل‌های مردم برجاست؟ حضرت فرمود: بیشتر مردم، عقل‌هایشان گرفته شده است، و

۱. ر.ک: کوفه، سفیانی، مسجد سهله.

۲. ر.ک: آخرالزمان پیش از ظهور.

بی ارزش‌ترین مردم بر آنان حکومت می‌کنند و با این حال، مردم گمان می‌کنند که بسیار دانا هستند! در حدیثی فرمود: فتنه‌هایی برپا خواهد شد که در آخرین فتنه مردم مانند حیوانات خواهند شد.^۱

در چنین زمانی ظهور حضرت مهدی علیه السلام به وقوع خواهد پیوست حضرت با دست الهی خود عقول مردم را کامل خواهد نمود.

مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب می‌فرماید، یکی از خصوصیات زمان ظهور جناب حضرت قائم علیه السلام، کامل شدن عقول مردم به برکت حضرت است. او دست مبارکش را بر سر مؤمنین می‌نهد و کینه و حسدی که از زمان قایل در دل بشر کاشته شده است از بین خواهد رفت و علم و حکمت در میان مردم رواج می‌یابد.

زراره به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من از آن می‌ترسم که جزو گروه مؤمنان نباشم: حضرت فرمود: چرا چنین فکری می‌کنی؟ زراره عرض کرد: زیرا کسی را (در میان مؤمنین) نمی‌بینم که برادران دینی او از درهم و دینار و پولش ارزشمندتر باشد و پول در نزد مردم از برادرانی که به واسطه‌ی ولایت و محبت امیرالمؤمنین با یکدیگر برادر شده‌اند، بهتر است! حضرت فرمود، خیر چنین نیست! شما مؤمن هستید، اما ایمان شما کامل نمی‌شود تا زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، آنگاه خداوند عقل‌های شما را جمع نموده کامل خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، دست مبارکش را بر سر بندگان نهاده و بدین سبب عقول مردم جمع می‌شود و خرد آنان کامل می‌گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود: آیا در میان شما شیعیان کسی هست که دست در جیب برادر خود کند و به مقداری که لازم دارد برداشته و برادرش هم اعتراضی نکند؟ راوی عرض کرد: خیر من چنین شخصی را نمی‌شناسم. حضرت فرمود: پس شما امتیاز خاصی

ندارید. راوی پرسید: یعنی ما در این صورت هلاک می‌شویم؟ حضرت فرمود، خیر (هلاک نمی‌شوید) بلکه شما هنوز عقل‌هایتان کامل نگشته است و در حدیث دیگری فرمود: شیعیانی که در جیب پول خود هنوز نسبت به برادر دینی خود بخل می‌ورزند، پس در نثار کردن خون خود در راه ما بخیل‌تر خواهند بود... اما زمانیکه حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، برادر دست در جیب برادر خود می‌کند و به اندازه احتیاج خود برمی‌دارد و برادرش هیچ‌گونه اعتراضی نمی‌کند.^۱

علم، علماء

علم یکی از میزان‌های برتری افراد است. علم حقیقی مایه سعادت و پیروزی بشر است و جهل باعث سیه‌روزی و ایجاد مشکلات برای بشر خواهد بود. در غیبت کبری ما موظف هستیم که به عالمان و فقهای رجوع کنیم که به راستی علم را برگرفته‌اند و بدان عمل می‌کنند. یکی از نشانه‌های آخرالزمان از بین رفتن علم و گسترش جهل است. علما و فقها در آخرالزمان بسیار تغییر می‌کنند و زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند با دست یدالهی او عقل‌ها کامل می‌شود و جهل‌ها برطرف می‌شود و علم گسترش می‌یابد.

امام صادق علیه السلام به گروهی از شیعیان فرمود: چگونه خواهید بود آن زمانی که امام خود را میان خود نمی‌یابید،... پس زمانی که دیدید علم از میان شما رخت بر بسته منتظر باشید که فرج و ظهور واقع شود.^۲

یکی از نشانه‌های ظهور حضرت آن است که قتل و کشتار بسیار رخ می‌دهد و علم از بین می‌رود و جهل گسترش می‌یابد، علمای حقیقی نایاب می‌شوند، جاهلان و بی‌خردان بر علما غالب می‌شوند و علما از شدت فتنه‌ها آرزوی مرگ می‌کنند.

۱. نجم‌الناقب: باب سوم، خصوصیت بیست و چهارم.

۲. ملاحم: ص ۱۸۵.

علم زمانی از بین می‌رود که کسی به دنبال کسب آن نباشد و زمانی که مردم به اندوختن دانش اهمیت ندهند، به مرور جهل بر آنان مستولی خواهد شد. البته ممکن است زوال علم بدین معنا باشد که در آخر الزمان به علوم دنیایی اهمیت بسیاری می‌دهند و مردم با سعی و کوشش به دنبال کسب چنین علومی هستند اما از بهره‌گیری از دانش‌های الهی مثل اخلاق، فقه، و علوم دینی روی گردانند، بنابراین علومی که کرامت انسان را تأمین می‌کند و او را از گرفتار شدن به رذایل نفسانی نجات می‌دهد، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی فرا می‌رسد که علم به خاطر سستی مردم در کسب دانش و ترس علما از انتشار علم خود، برچیده می‌شود و مانند مار در سوراخ خود خواهد خزید. این امر به همین صورت باقی خواهد ماند تا زمانی که ستاره‌ی شما یعنی حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید. پس شما باید در زمان فروکشی علم به آنچه که می‌دانید باقی بمانید و عمل کنید (و از ولایت ما دست نکشید و هر آنچه می‌دانید به کار ببندید و آنچه نمی‌دانید فرو نهید)^۲

در روایات برخی از نشانه‌های آخر الزمان را این گونه بیان می‌کنند: افراد عالم نایاب می‌شوند و سخن سرایان بسیار خواهند شد؛ علمای آخر الزمان پیرو پادشاهان می‌شوند و به میل آنان بدعت گذاری می‌کنند و حرام و حلال را رعایت نمی‌کنند و بنا بر هوای نفس خود فتوا صادر می‌کنند، مردم بر علمای حقیقی عیب جویی می‌کنند و از اطراف علما پراکنده می‌شوند. آنگونه که گوسفندان از گرگ فرار می‌کنند؛ علما برای رسیدن به دنیا و ریاست به کسب دانش می‌پردازند؛ مردم فقط به قرائت می‌پردازند ولی در عمل بسیار قاصرند؛ فقهای هدایت‌گر و فقیهان گمراه کننده بسیار خواهند بود؛^۳

۱. یاتی: ص ۴۶۹.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۵۹.

۳. یاتی: ص ۴۷۰.

رسول خدا ﷺ فرمود: به زودی بر امت من زمانی فرا رسد که از قرآن جز نوشته‌ای و از اسلام جز اسمی باقی نخواهد ماند. آنان بر خود نام مسلمان می‌نهند اما دورترین افراد نسبت به اسلام هستند، مساجدی آباد دارند اما در آنها از هدایت خبری نیست، فقیهان در آن زمان بدترین فقیهانی هستند که بر روی زمین زیسته‌اند، فتنه برانگیزند و فتنه‌خواه.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، مردم با استناد به قرآن علیه حضرت احتجاج می‌کنند.^۲

یعنی برخی از کسانی که از قرآن و علوم قرآنی بهره دارند، در آن روزگار علم خود را علیه حضرت به کار خواهند بست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود، به زودی کوفه از افراد مؤمن تهی می‌شود و علم مانند ماری که در سوراخ خود می‌خزد، در هم می‌پیچد و از قم سر برمی‌آورد. قم معدن علم و فضل خواهد شد به گونه‌ای که همه از اسلام با خبر شوند حتی زنان پرده‌نشین. آنگاه ظهور حضرت قائم علیه السلام نزدیک خواهد بود. خداوند قم و (علمای) قم را نایبان (عام) حضرت قرار داده است. و اگر این گونه نبود همانا زمین ساکنان خود را فرو می‌برد و حجتی بر روی زمین باقی نمی‌ماند.^۳

پس علم از قم به سرتاسر دنیا گسترش خواهد یافت و حجت بر مردم تمام خواهد شد و همه از دین خدا آگاه خواهند شد...

رسول خدا فرمود: به زودی زمانی فرا رسد که مردم از اطراف علما (ی درست‌کار) فرار می‌کنند، مانند گوسفندی که از گرگ می‌گریزد. آنگاه خداوند آنان را به سه عقوبت

۱. بحار الانوار: ج ۱۸ ص ۱۴۶.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۹۷.

۳. بحار الانوار: ج ۶۰ ص ۲۱۷.

دچار خواهد کرد؛ اموالشان بی برکت می‌شود، پادشاهانی ستمگر بر آنان حکومت می‌کنند، در حالی می‌میرند که ایمان ندارند.^۱

ابوهاشم جعفری از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: ای ابوهاشم! به زودی زمانی خواهد رسید که مردم چهره‌هایی گشوده و خندان دارند، ولی قلب‌هایشان سیاه و ظلمانی است. سنت را بدعت می‌پندارند و بدعت‌ها را سنت می‌گیرند. مؤمنین را حقیر می‌شمارند و به فاسقان احترام می‌گذارند، پادشاهانی ستمگر دارند و علمای آن‌ها در خدمت پادشاهان می‌روند، ثروتمندان اموال فقرا را به یغما می‌برند... علمای آن روزگار شرورترین افراد زمین خواهند بود زیرا از فلسفه (های نادرست و غیر اسلامی) و تصوف (و عرفان‌های باطل و خودساخته) پیروی می‌کنند، به خدا سوگند که آنان گمراه هستند، آنان به شدت با دشمنان اهل بیت به دوستی برمی‌خیزند و پیروان ما را گمراه می‌کنند. اگر به مقامی برسند از رشوه‌گیری سیر نمی‌شوند و اگر مقامی نصیب آنان نشود، ریاگونه به عبادت می‌پردازند (تا خود را در نظر دیگران خوب جلوه کنند). بدانید! آنان چون راهزنانی در کمین مؤمنین حقیقی هستند و مردم را به سوی کفار دعوت می‌نمایند. اگر کسی در آن زمان قرار گرفت باید مراقب باشد و دین خود را نگاه دارد.^۲

با توجه به اینکه در هر زمانی خداوند حجت را بر بندگان تمام می‌کند، بنابراین در سیاه‌ترین روزگارها نیز خداوند عالمانی درست کار خواهد داشت که حجت بر بندگان و علمای فاسد باشند. از این روی حضرت امام عسکری علیه السلام فرمود: مردم باید (در دوران غیبت امام علیه السلام) از فقهایی که پرهیزکار هستند و در دین خود پایداری می‌کنند و از هوای نفس پیروی نمی‌نمایند و اوامر الهی را اطاعت می‌کنند، فرمانبری

۱. یاتی: ص ۲۸۸.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۱۱ ص ۲۸۰.

کنند.^۱ و در حدیث دیگری امام هادی علیه السلام فرمود: در دوران غیبت حضرت قائم علیه السلام علمایی باقی می‌مانند که به سوی او دعوت خواهد نمود و شیعیان ناآگاه را از فتنه‌های شیطانی و گزند دشمنان نجات می‌دهند و اگر این علما نبودند تمام مردم از دین الهی روی گردان می‌شدند. آنان کسانی‌اند که مانند سکان دار کشتی هدایت شیعیان را به دست می‌گیرند. به راستی که آنان برترین افراد نزد خداوند هستند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: علم بیست و هفت حرف است و تمام دانش را که پیامبران تاکنون آورده‌اند دو حرف از این بیست و هفت حرف است و مردم تا امروز فقط همین دو حرف را فرا گرفته‌اند. اما زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید بیست و پنج حرف دیگر را خواهد آورد. این بیست و پنج حرف را به همراه دو حرف دیگر در میان مردم منتشر خواهد نمود.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید دست خود را بر سر مؤمنین قرار می‌دهد و به برکت دست حضرت، مؤمنان چنان قوی دل خواهند بود که قلب‌هایشان چون پاره‌های آهن خواهد بود و کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل بندگان زدوده شود و بی‌نیازی به انسان‌ها کرامت خواهد شد و علم در دل مؤمنین سرازیر می‌شود، به گونه‌ای که در آن روزگار کسی به دانش فرد دیگر محتاج نخواهد بود^۴ و این تأویل سخن خداست که می‌فرماید: «خداوند هر کسی را از توانگری خود بی‌نیاز خواهد ساخت»^۵

۱. احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۲۶۲.

۲. احتجاج طبرسی: احتجاج ۳۳۳.

۳. نجم‌الناقب: ص ۱۸۱.

۴. نجم‌الناقب: باب سوم، فصل دوم.

۵. نساء / ۱۳۰.

عیسی^۱

عیسی بن مریم یکی از پیامبران الهی است. او آخرین پیامبر صاحب شریعت است که پیش از رسول خدا محمد مصطفی ﷺ برای زمینیان آمده است. در روایات آخر الزمان در بسیاری از احادیث از بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و پیکار در لشکر حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است.

مسیح عیسی بن مریم در دمشق از آسمان نازل می‌شود او هنگام طلوع فجر در حالی که آشکارا بر ابری سوار است، دو ملک او را همراهی می‌کنند و او دست خود را بر شانیه‌های آنان نهاده است و دو جامه‌ی سرخ بر تن دارد فرود می‌آید. مردم به استقبال او خواهند آمد و فرود او را گرامی خواهند داشت، زیرا همان گونه که رسول خدا ﷺ خبر داده است، او از آسمان به زمین آمده است. عیسی بن مریم مردی است جوان، سفید روی با موهای حنایی که از میان سرش فرق گشوده است، او سلاح به دست می‌گیرد و صلیب را می‌شکند و خوک‌ها (که مسیحیان حلال می‌دانند و می‌خورند) را می‌کشند. او به همراه یاران خود و اصحاب کهف به حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندد و با لشکر حضرت مهدی علیه السلام پشت سر ایشان نماز می‌خواند. او وزارت حضرت مهدی علیه السلام را به عهده می‌گیرد و معاون و پرده‌دار ایشان خواهد بود، او در میان مردم به عدالت حکم خواهد نمود و اموال را به عدالت و تساوی بین مردم تقسیم خواهد نمود. در دم مسیحایی او نیرویی عجیب نهفته است که علاوه بر زنده کردن مردگان، با استشمام آن هر کافری هلاک می‌شود. نفس او تا جایی که چشم کار می‌کند گسترده می‌شود. او به بیت المقدس می‌رود و به جنگ دجال برمی‌خیزد. دجال که همراه هفتاد هزار یهودی در فلسطین به سر می‌برد، با دیدن او چون نمکی که در آب حل شود، به هلاکت می‌رسد و

حضرت عیسی علیه السلام ضربتی به او می‌زند و او را در دروازه شرقی دمشق به قتل می‌رساند. یهودی‌ها و مسیحی‌ها نزد او می‌آیند و هر کدام ادعا می‌کنند که یاوران او خواهند بود، اما حضرت عیسی علیه السلام آنان را تکذیب نموده و می‌گوید یاران واقعی من مهاجران هستند و کسانی که از جنگ جان سالم به در برده‌اند. یهودیان در زمان حضرت عیسی علیه السلام همگی کشته خواهند شد مگر آنکه ایمان بیاورند. حضرت عیسی علیه السلام پس از کشتن دجال چهل سال در دنیا زندگی خواهد کرد. در این چهل سال نه کسی می‌میرد و نه کسی به مرضی مبتلا می‌شود و امنیت به طور کامل در زمین برقرار می‌شود.^۱

۱. ملاحم: ص ۸۲ و کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۹۵ و ۲۹۴ - ملاحم: ص ۸۶ - ۸۳ و ۹۷ و ۱۵۳ و ۱۵۲ و یأتی: ص ۴۸۷.



غذای حضرت مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام به شخصی (که گمان می‌کرد به محض ظهور حضرت به آسایش و آرامش و راحتی می‌رسد) فرمود: چرا برای ظهور حضرت قائم علیه السلام شتابزده هستی؟ همانا او جز لباسی خشن و نانی جوین استفاده نمی‌کند و (کار) او با شمشیر و جانبازی با شمشیر است!^۱

امام رضا علیه السلام در توصیف حضرت مهدی علیه السلام فرمود: همانا حضرت قائم علیه السلام لباسی درشت به تن خواهد نمود (و لباسی نرم و راحت به بر نخواهد کرد) و غذای او نیز غذایی سخت (مانند نان جوین) خواهد بود (و غذاهای لذیذ و مطبوع و نرم نخواهد خورد)^۲

در روایتی مفصل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودند: لباس و غذای حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

حضرت پاسخ داد: نرم‌ترین لباس او کرباس است و بهترین غذای او نان جو و نمک می‌باشد و راحت‌ترین تشک او خاک است...^۳

۱. یاتی: ص ۵۲۹.

۲. غیبت: ص ۲۸۵.

۳. یاتی: ص ۵۴۳.

غرب

در روایتی کعب می‌گوید: یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرچم‌هایی است که از سوی غرب برافراشته می‌شود و عهده‌دار آن‌ها مردی لنگ از قبیله‌ی کنده است.^۱

غیبت امام زمان علیه السلام

غیبت در اصطلاح به معنی پنهان بودن امام زمان علیه السلام از نظر مردم است. ولادت حضرت مهدی علیه السلام از نظر عامه مردم مخفی بود و اکثر مردم حتی بسیاری از دوستان نیز از ولادت آن جناب اطلاعی نداشتند. این امر به خاطر این بود که دشمنان پی به حقانیت شیعه برده بودند و می‌دانستند او آخرین حجت الهی است و بنابراین به شدت سعی می‌کردند به او دست پیدا کرده و به زعم باطل خود با کشتن ایشان خیال خود را از دست امامان شیعه راحت کنند، اما غافل از اینکه خداوند وعده داده که منجی آخر الزمان ظهور خواهد کرد و جهان را از لوٹ این ظالمان پاک می‌گرداند.

امام باقر علیه السلام به عبدالله بن عطا فرمود: ... هرگاه دیدید ولادت یکی از ما اهل بیت از نظر مردم پوشیده بود و مردم از به دنیا آمدن او با خبر نشدند، او همان قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود. بدانید! هر کسی از ما ائمه، که در میان مردم ظاهر می‌شود و مردم او را دیده و درباره‌اش سخن می‌گویند، یا کشته خواهد شد یا اینکه مسموم می‌شود. در روایات زیادی نیز به شدت شیعیان را از بردن نام حضرت در مکان‌هایی که خطری دوستان یا خود آن جناب را تهدید می‌نموده منع کرده‌اند، و این مخصوص زمانی بوده که حضرت هنوز در غیبت صغری به سر می‌برند و ممکن بود که از طرف حکومت ظالم وقت، مزاحمتی برای خانواده آن حضرت یا اطرافیان و شیعیان ایشان

پیش می‌آمد.^۱

از این روست که برخی از علمای شیعه غیبت حضرت را از زمان ولادت آن حضرت می‌دانند، یعنی غیبت که پنهان بودن آن جناب از انظار عمومی است، از همان ابتدای ولادت ایشان بوده است و برخی نیز غیبت حضرت را از ابتدای غیبت صغری به حساب می‌آورند. البته گروهی از خواص شیعه، چه در غیبت صغری و چه در غیبت کبری خدمت حضرت می‌رسیدند. پیش از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام حضرت به برخی از دوستان خود امام مهدی علیه السلام را نشان می‌داد و می‌فرمود که بعد از من این کودک حجت الهی میان شما است، و از طریق این افراد خبر به دست سایر دوستان و شیعیان می‌رسید؛ زیرا شیعه معتقد است که دنیا هیچگاه از حضور حجت الهی خالی نخواهد بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند زمین را هیچگاه از حجت خود خالی نمی‌کند، چه آن حجت امام ظاهر و آشکار باشد، یا حجتی در پرده غیبت و نهان.^۲

حضرت مهدی علیه السلام در سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در سامرا به دنیا آمد و پدر بزرگوار او، امام حسن عسکری علیه السلام پس از شش سال امامت، در سن بیست و هفت سالگی در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید.

غیبت حضرت مهدی علیه السلام به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخشی از ابتدای تولد آن حضرت تا درگذشت آخرین نایب حضرت در سال سیصد و بیست و نه هجری و بخشی از درگذشت آخرین نایب حضرت تا زمانی که آن جناب ظهور نماید.

در طول امامت ائمه هدی علیهم السلام مردم به دیدن امام علیه السلام و رجوع به محضر آنان عادت داشتند، بنابراین غیبت امام و عدم دسترسی به محضر آنان برای شیعیان بسیار سخت و

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۶۷. رک: اسم حضرت.

۲. غیبت طوسی: ص ۲۲۱.

غریب بود. به همین جهت بود که از زمان امام جواد علیه السلام کم کم مردم از دیدن امام علیه السلام کمتر بهره‌مند می‌شدند، و در زمان امامت حضرت امام هادی و امام عسکری علیه السلام این امر شدت یافت. این دو امام در سامرا در یک منطقه نظامی تحت نظر بودند. از این رو مردم به دشواری می‌توانستند این دو امام را ببینند و از ترس حکومت مجبور بودند که با ترفندهای مختلف و پنهانی خدمت حضرت برسند. در برخی دیدارها حضرت میان خود و مراجعین پرده‌ای می‌آویخت که مردم به ندیدن امام علیه السلام عادت کنند. و با غیبت امام انس بگیرند.^۱ امام حسن عسکری علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری را وکیل خود قرار داده بود و او را نایب حضرت مهدی علیه السلام پس درگذشت خود معرفی کرد. عثمان بن سعید به همراه سه نفر دیگر پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام وسیله‌ی ارتباط شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام بودند و نامه‌هایی که از امام زمان علیه السلام صادر می‌شد به دست آن‌ها می‌رسید و آنان نیز نامه‌ها را به صاحبانشان می‌رساندند، و سؤالات مردم را نیز طی نامه‌هایی از حضرت می‌پرسیدند.^۲ غیبت سنتی نیست که فقط در اسلام به وجود آمده باشد، بلکه در امت‌های سابق نیز برخی انبیا و اوصیا مدتی را از میان قوم خویش غایب می‌شدند. مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف *کمال الدین* روایات متعددی را درباره‌ی غیبت انبیا و اوصیای امت‌های گذشته جمع‌آوری نموده است؛ حضرت صالح، موسی، یونس، یوسف علیهم السلام از جمله پیامبرانی بودند که مدتی را از میان امت خود غایب شدند. مسئله‌ی غیبت حضرت مهدی علیه السلام با اینکه از مدت‌ها قبل برای آن زمینه‌سازی شده بود، اما برای جمعیت کثیر شیعیان در اوایل غیبت بسیار سخت بود به گونه‌ای که خیلی از شیعیان به سردرگمی و حیرت افتاده بودند. در این زمان بود که مرحوم شیخ صدوق رحمته الله برای نجات شیعه از حیرت، کتاب شریف *کمال الدین* و تمام

۱. اثبات الوصیه: ص ۲۳۱.

۲. رک: نواب اربعه، توقیعات.

النعمة را در این راستا نوشت، و سبب تألیف کتاب را چنین بیان می‌کند: شبی در خواب دیدم که در حال طواف گرد خانه‌ی کعبه هستم. به حجر الاسود رسید و استلام حجر نمودم در آن حال دیدم که حضرت مهدی علیه السلام کنار درب خانه‌ی کعبه ایستاده است. به حضرت سلام نمودم و ایشان جواب دادند و فرمودند: چرا کتابی درباره‌ی موضوع غیبت نمی‌نویسی تا ناراحتی تو برطرف گردد؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا، من درباره‌ی غیبت چند کتاب نوشته‌ام. حضرت فرمود: خیر، منظورم آن‌ها نیست؛ کتابی درباره‌ی غیبت من بنویس و در آن کتاب، غیبت پیامبران گذشته را یادآور شو. سپس حضرت از نظر من غایب شد. من هم با اضطراب از خواب بیدار شده و تا صبح به گریه و زاری مشغول بودم. صبحگاه شروع به نوشتن کتاب کمال الدین نمودم تا امر حضرت را به انجام برسانم. البته درباره‌ی موضوع غیبت کتاب‌های زیادی نوشته شده که مشهرترین آنها کتاب «الغیبة» است که شیخ طوسی در قرن پنجم هجری نوشته و دیگر کتابی با همین عنوان است که توسط محمد ابراهیم نعمانی تألیف شده است. پس از پایان دوره‌ی غیبت صغری دیگر از طرف حضرت نایی برای ارتباط با آن جناب تعیین نشد و حضرت طی نامه‌ای مردم را به طرف راویان حدیث سوق داده‌اند.

مرحوم شیخ حر عاملی از شیخ صدوق رحمته الله روایتی نقل می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام نامه‌ای را برای اسحاق بن یعقوب به دست نایب خاص خود، محمد بن عثمان، فرستاد. در ضمن آن نامه حضرت فرمود: در پیشامدهایی که پس از این رخ خواهد داد، به راویان احادیث ما رجوع کنی، زیرا من آنان را برای شما حجت قرار دادم و من نیز حجت پروردگار بر شما هستم.^۱

در حدیث دیگری امام عسکری علیه السلام فرمود: مردم باید از فقیهانی که پرهیزگارند و به دین خود پایبند هستند و از هوای نفس خود پیروی نمی‌کنند و اوامر الهی را اطاعت

می‌کنند، فرمانبری کنند.^۱

امام هادی علیه السلام فرمود: اگر در دوران غیبت حضرت قائم علیه السلام علمایی باقی نمی‌ماندند که به سوی او دعوت کنند و با برهان‌های حق دین خدا را حفظ نمایند و شیعیانی که کمتر می‌دانند را از دست فریب‌های شیطان و پیروان او و از دست تیرهای دشمنان اهل بیت نجات دهند، هیچ مؤمنی بر روی زمین نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا روگردان می‌شود! اما این علما کسانی هستند که رشته‌ی دل شیعیان ضعف را به دست می‌گیرند، مانند ناخدایی که سکان کشتی را به دست می‌گیرد. این علما به راستی برترین‌ها نزد خدای عزوجل هستند.^۲

از این رو به فقها و علمایی که مردم در زمان غیبت بدانها رجوع می‌نمایند و احکام الهی و روایات را از آنان می‌آموزند، نواب عام گفته می‌شود.

در روایات علت غیبت حضرت متعدد بیان شده است، ترس از کشته شدن، امتحان مردم، بی‌لیاقتی مردم و عدم بیعت اجباری با حاکمان جور و... از دلایلی است که برای غیبت حضرت ذکر شده است.^۳

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: صاحب الامر، حضرت قائم علیه السلام از میان شما غایب می‌شود، اگر چنین غیبتی را مشاهده کردید انکار ننمایید و از ایمان به او روی گردان نشوید. در آن روزگار حفظ ایمان از پاک کردن شاخه گیاه پر خار با کف دست سخت‌تر است، و به راستی چه کسی می‌تواند اینگونه باشد؟ بدانید که این غیبت خواهد بود، پس پرهیزکاری پیشه کنید و دین خود را نگاه دارید.^۴

امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: حضرت مهدی علیه السلام پیش از قیام خود از میان مردم

۱. احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۲۶۲ و وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۳۱.

۲. احتجاج طبرسی: احتجاجات امام هادی x شماره ۳۳۳.

۳. احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۲۶۲ و وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۳۱.

۴. کافی: ج ۱ ص ۲۴۰ - ۲۳۵.

غایب خواهد شد. زیرا می‌ترسد، و با دست اشاره به شکم مبارک خویش فرمود (یعنی اگر از میان مردم غایب نباشد، او را نیز مانند امامان قبل از ایشان یا مسموم می‌کنند یا با شمشیر به شهادت می‌رسانند). سپس حضرت فرمود ای زراره، او همان (منجی آخر الزمان) است که همگان انتظار آمدنش را می‌کشند. (درباره او اختلاف نظر شدیدی رخ می‌دهد) گروهی در ولایت او شک خواهند کرد، و برخی گمان خواهند کرد که اصلاً به دنیا نیامده و پدرش فرزندی نداشته است، وعده‌ای می‌گویند او هنوز در شکم مادر است و برخی نیز می‌گویند او دو سال پیش از شهادت پدرش به دنیا آمده است. او از دیده‌ها پنهان شده زیرا خداوند اراده کرده شیعیان را در زمان غیبت امامشان آزمایش نماید، و کسانی که در حقیقت پیرو حق نیستند دچار شک و تردید خواهند شد. زراره پرسید: اگر چنین زمانی را درک کردیم چه باید بکنیم؟ حضرت فرمود: دعای «اللهم عرفنی نفسک...» را بخوان.^۱

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: از گسترش نام و یاد حضرت در میان مردم بپرهیزید. البته برخی از علما معتقدند که این حکم مخصوص زمان تقیه و حکومت حاکمان جور بوده که اگر نام حضرت را می‌بردند باعث آزار و اذیت خانواده حضرت و شیعیان آن جناب می‌شده ولی اکنون مصداقی ندارد.^۲ بدانید که امام شما حضر مهدی علیه السلام سالها از میان شما غایب خواهد بود و شما به آزمایش سخت آزموده می‌شوید. تا جایی که (بسیاری از مردم نا امید شده و) او را فراموش می‌کنند و می‌گویند: او از دنیا رفته است و در بیابان‌ها از پای درآمده است. چشمان مؤمنین در آن روزگار بر او خواهد گریست. مانند یک کشتی که در دریایی موج‌واژگون می‌شود، گرفتار خواهید شد و فقط کسانی که میثاق ایمان از آنان ستانده شده باقی خواهند ماند،

۱. یاتی: ص ۴۹۴. رک: دعا.

۲. رک: اسم حضرت.

کسانی که روح القدس آنان را مدد می‌کند. در آن روز دوازده گروه شک برانگیز قیام خواهند کرد به گونه‌ای که از میان آنها نمی‌توان حق را از باطل تشخیص داد. راوی از این سخن گریست و عرض نمود: پس چه باید بکنیم؟ حضرت به شعاع آفتابی که در میان اتاق افتاده بود اشاره نمود و فرمود: ای عبدالله امر ما اهل بیت از این آفتاب روشن‌تر است. (یعنی همیشه برای طالبان حق حجت تمام خواهد شد و کسانی که در فتنه‌ها، خود برانگیزاننده فتنه و پیرو آن نباشند و در پی دستورات اهل بیت علیهم‌السلام به تکالیف خود عمل نمایند، حق را می‌یابند و نجات خواهند یافت، ولی کسانی که در این فتنه‌ها خود را گرفتار کنند، دچار شک خواهند شد و ایمانشان متزلزل می‌شود)^۱

امام صادق علیه‌السلام فرمود: حضرت قائم علیه‌السلام دو غیبت خواهد داشت یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت کوتاه فقط شیعیان خالص از جایگاه او با خبر خواهند بود و در غیبت دوم دوستان مخصوص او می‌دانند که حضرت در چه مکانی بر سر می‌برند. و در یکی از این دو غیبت حضرت به زیارت خانه خدا می‌رود و مراسم حج به جای می‌آورد ولی مردم او را نمی‌توانند ببینند، بلکه او است که مردم را می‌بینند. او در زمان غیبت خود در مدینه به همراه سی نفر از یارانش در خفا و عزلت به سر خواهد برد و این سی نفر با او مأنوس خواهند بود. در غیبت اول که کوتاه است میان خانواده‌ی خود (در سامرا و مدینه) تردد می‌کند ولی در غیبت دوم دیگر مردم (خبری از او نخواهند داشت بنابراین) می‌گویند او از دنیا رفته است. در آن زمان اگر دیدید کسی ادعای مقام امامت معصوم را نمود، از او سؤالاتی را بپرسید که فقط امام معصوم می‌تواند جواب بدهد (در این صورت با عاجز ماندن او از جواب، ادعای باطل او آشکار خواهد شد)^۲

امام باقر علیه‌السلام نیز در حدیثی فرمود: هرگاه خداوند بر مردم غضب نماید، امام معصوم

۱. کافی: ج ۱ ص ۲۳۸ و ۲۳۶.

۲. همان: ص ۲۴۰ و ۲۳۹.

را از میان آنان غایب گرداند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام در غیبت دوم خود ظهور خواهد نمود، پس اگر کسی به شما خبر داد که او از دنیا رفته است، نپذیرد (زیرا او قطعاً در دومین غیبت ظاهر می‌شود).^۲

امام باقر علیه السلام به منطقه ذی طوی اشاره نمود و فرمود: صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام در میان این دره‌ها غایب خواهد شد.^۳

امام صادق علیه السلام در مسافرتی به کوه رضوی رسیدند. به آن کوه اشاره نموده و فرمودند:... این کوه جای خوبی برای آن خائف (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) خواهد بود و صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام در این کوه دو غیبت خواهد داشت، یکی کوتاه و دیگری طولانی.^۴

جابر بن عبدالله انصاری از قول رسول خدا روایت می‌کند که فرمود: به درستی که مهدی از فرزندان من است و نام و کنیه‌ی او مانند نام و کنیه‌ی من است. او از میان مردم غایب خواهد شد و از غیبت او مردم دچار حیرتی خواهند شد که بسیاری در آن گمراه می‌شوند. سپس مانند ستاره‌ای درخشان می‌آید و زمین را که از ظلم و ستم پر شده، آکنده از عدل و داد می‌کند.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: صاحب الامر، حضرت مهدی علیه السلام، به دور از چشم مردم به دنیا خواهد آمد و زمانی که (در آخر الزمان) ظهور می‌نماید، از هیچ کس به عهده‌ی او

۱. کافی: ج ۱ ص ۳۴۳.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۷۲.

۳. همان: ص ۱۸۲. رک: ذی طوی.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۵۳. رک: رضوی.

۵. یاتی: ص ۴۹۶.

بیعتی نخواهد بود.^۱

در زمان ائمه علیهم‌السلام به خاطر دوران تقیه شدید، مجبور بودند که حکومت‌های ظالمانه‌ی وقت را تحمل نموده و دم برنیاورند، اما یک علت غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام همین امر است که دیگر مجبور نیست به خاطر تقیه در حکومت ظالمان زندگی کنند و برای حفظ جان خود و پیروانشان خلاف میل باطنی خویش رفتار نماید. در روایتی دیگر فرمود: یکی از اسرار غیبت، امتحان مردم است تا افراد باطل از حق جدا گردند و سبب غیبت به حقیقت وقتی آشکار می‌شود که ایشان ظهور نمایند. همان گونه که کارهای حضرت خضر علیه‌السلام برای حضرت موسی مجهول بود، تا زمانی که خود حضرت خضر علیه‌السلام سر آن‌ها را برای موسی گفت.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه‌ی شریفه فرمود: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۲ (اگر [مؤمنان و کافران] از یکدیگر جدا می‌شدند، ما آن دسته که کافر شدند را به عذابی سخت دچار می‌ساختیم). این جداسازی مؤمنان از کافران، به معنی افراد مؤمنی است که از صلب کفار به دنیا می‌آیند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام با برخی مخالفانش به جنگ پرداخت، زیرا در صلب مخالفین خود افراد مؤمنی را یافت که به دنیا نیامده بودند. حضرت قائم علیه‌السلام نیز ظهور نمی‌نماید تا زمانی که تمام افراد مؤمنی که از پدران کافر به دنیا می‌آیند، پا به عرصه‌ی وجود بگذارند سپس حضرت قیام می‌نماید و هر کافری را که بیابد خواهد کشت.^۳

امام باقر علیه‌السلام فرمود: اگر (علاوه بر مردم عادی)، بنی فاطمه هم از آن حضرت با خبر شوند (از روی حسادت و...) او را می‌کشند و قطعه قطعه خواهند نمود. (بنابراین

۱. کمال‌الدین: ص ۴۴۹ - ۴۴۷.

۲. فتح / ۲۵.

۳. کمال‌الدین: ص ۶۴۱.

خداوند او را از میان خلق، حتی دوستان خود نیز غایب نمود تا جان آن حضرت را حفظ نماید)^۱

امام زمان علیه السلام به علی بن مهزیار فرمود: شما دچار شدید به غیبت امام‌تان زیرا به ثروت اندوزی روی آورید و مال دنیا را جمع نمودید و بر مؤمنانی که ضعیف بودند تکبر ورزیدید و صله رحم بجا نیاوردید. پس چگونه می‌خواهید که به غیبت دچار نشوید... و در نامه‌ای که حضرت مهدی علیه السلام به شیخ مفید رحمته الله نوشتند می‌فرماید: اگر شیعیان - که خداوند آنان را به اطاعت خود موفق کند - به خوبی عهد خود را وفا می‌نمودند و با یک دیگر یکدل بودند، خوشبختی دیدار ما از آنان ستانده نمی‌شد و با شناختی درست و ایمانی راستین به سعادت دیدار ما می‌رسیدند. پس یقیناً آنچه که باعث شده از میان آنان غایب شوم و مرا نبینند، همانا اعمال ناشایستی است که از آنها سرمی‌زند و ما آن اعمال را دوست نداریم و شیعیان را سزاوار انجام چنین کرداری نمی‌دانیم...^۲

در نامه‌ای دیگر حضرت مهدی علیه السلام فرمود: خداوند ما را از میان ظالمان غایب نمود و دور ساخت زیرا در این امر صلاح ما و شیعیان ما نهفته است و این تا زمانی که دنیا در دست پادشاهان ظالم اداره می‌شود ادامه خواهد داشت، ولی ما از تمام کردار و کارهای شما با خبر هستیم و هیچ خبری از شما بر ما پوشیده نیست و این ذلتی را که دچار آن شده‌اید (یعنی غیبتی را که در آن گرفتارید) می‌دانیم زیرا شما دست به کارهای زشتی می‌آلایید که نیاکان درستکار شما انجام نمی‌دادند و پیمان خود را زیر پا نهاده گویا که اصلاً چنین پیمانی نبسته‌اید!^۳

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۹۸.

۲. یاتی: ص ۲۴۱ و نوائب الدهور: ج ۳ ص ۲۵۸ - احتجاج طبرسی: توقیعات حضرت و بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۷۷.

۳. احتجاج طبرسی: باب توقیعات حضرت مهدی. x.

امام صادق علیه السلام به سدیر صیرفی فرمود: به یقین خداوند سنت پیامبران گذشته را که از میان قوم خود غایب می‌شوند، درباره حضرت مهدی علیه السلام نیز اجرا خواهد کرد و در روایتی دیگر فرمود: حضرت قائم علیه السلام ظهور نمی‌نماید تا تمام مؤمنین که در صلب کفار هستند به دنیا بیایند، آنگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام در اوایل اسلام با بسیاری از دشمنان جنگ نمود، و این تأویل کلام خداوند است که می‌فرماید: «اگر ایمان آورندگان از کفار جدا گردند ما عذابی سخت بر کفار نازل خواهیم کرد».^۱

امام صادق علیه السلام در حدیثی غیبت امام زمان علیه السلام را سستی از حضرت یوسف علیه السلام می‌داند، که در این امت نیز دربارهی حضرت مهدی علیه السلام جاری شده است. همان گونه که برادران حضرت یوسف او را می‌دیدند و با او سخن می‌گفتند و در سرزمینی می‌زیستند که او هم در آن زندگی می‌کرد، اما باز هم او را نمی‌شناختند، همین طور هم حضرت حجت علیه السلام در میان مردم زندگی می‌کند و او را می‌بینند و با او سخن می‌گویند، اما او را نمی‌شناسند.^۲

امام صادق علیه السلام به سدیر صیرفی فرمود: صاحب الامر، حضرت قائم علیه السلام، شباهتی به حضرت یوسف پیامبر خواهد داشت. سدیر عرض کرد: گویا منظور شما غیبت حضرت یوسف و زندگی او (در سرزمین مصر) است؟ حضرت فرمود: (آری) چگونه این مردم حیوان صفت، این امر (یعنی غیبت امام مهدی علیه السلام) را انکار می‌کنند؟! (آیا نشنیده‌اند که) یوسف فرزند پیامبر الهی بود، اما برادران او وی را به غلامی فروختند و (پس از مدتی) دوباره همدیگر را ملاقات نموده و با هم گفتگو کردند، ولی آنان یوسف را نشناختند، و زمانی پی بردند عزیز مصر همان یوسف است که او خود را بدان‌ها معرفی نمود و گفت: «من یوسف هستم و این برادر من (بنیامین) است». پس چگونه این مردم قبول

۱. فتح / ۲۵. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۹۷ - ۹۰ و یاتی: ص ۲۴۱.

۲. کافی: ج ۱ ص ۲۳۶.

ندارند که خداوند می‌تواند با حجت خود (حضرت مهدی علیه السلام) نیز چنین کند و او مدتی در غیبت به سر ببرد، آن گونه که یوسف علیه السلام نیز چنین بود.

به درستی که یوسف به پادشاهی مصر رسید و فاصله میان او و پدرش به اندازه‌ی هیجده روز مسافرت بود و یوسف می‌توانست پدرش را از موقعیت خود آگاه کند. زمانی که یعقوب و فرزندانش از یوسف با خبر شدند، مسیر کنعان تا مصر را در نه روز از بیابانها پیمودند. (اما این مردم با اینکه داستان حضرت یوسف را می‌دانند و بدان ایمان هم دارند) چگونه غیب حضرت مهدی علیه السلام را انکار می‌کنند و قبول ندارند که خداوند می‌تواند ولی خود را از میان مردم غایب نماید، به گونه‌ای که حجت او در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند و بر فرش‌های آنان پای می‌نهد ولی کسی او را نمی‌شناسد و فقط زمانی او را خواهند شناخت که خداوند اجازه معرفی خویش و ظهور به او بدهد؛ آن گونه که پس از مدت‌ها به یوسف اجازه داد که خود را به برادرانش معرفی کند و پیش از آنکه یوسف خود را معرفی کند، برادرانش او را می‌دیدند ولی نمی‌شناختند.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! صاحب الامر، حضرت مهدی علیه السلام (در زمان غیبت کبری) همه ساله در مراسم حج شرکت می‌کند. او مردم را می‌بیند و آنان را می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند (و نمی‌دانند که او همان حجت قائم علیه السلام است).^۱

امام باقر علیه السلام در بیان علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام فرمود: به درستی که صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام (از میان مردم پنهان خواهد شد زیرا) اگر در میان مردم ظاهر شود، با او رفتاری خواهند کرد، بسیار بدتر از رفتاری که در جاهلیت با رسول خدا صلی الله علیه و آله نمودند؛ چون زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث شد مردم بت‌هایی را می‌پرستیدند که خود از سنگ و چوب تراشیده بودند، اما زمانی که قائم علیه السلام ظهور

نماید، مردم با قرآن علیه آن جناب احتجاج می‌کنند.^۱

غیبت امام عصر ارواحنا فداه به معنی قطع شدن کامل ارتباط و نزول فیوضات الهی به دست آن جناب نیست بلکه بنا بر فرمایش خود آن حضرت، لطف آن جناب در زمان غیبت نیز جاری است.

حضرت قائم علیه السلام در توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب به دست محمد بن عثمان - دومین نایب خاصه - صادر نمود فرمود: ظهور فرج (و برطرف شدن غیبت و آشکار شدن امام زمان علیه السلام) فقط به اراده ی الهی بستگی دارد و کسانی که وقت برای آن واقعه تعیین می‌کنند دروغگو خواهند بود... و چگونگی بهره‌گیری از من در غیبت، مانند بهره‌گیری از خورشید است زمانی که ابرها آن را بپوشانند، به راستی من امان هستیم برای زمینیان، آن گونه که ستاره‌ها امانند برای آسمانیان، پس از مسایلی که به شما ربطی ندارد سؤال ننمایید و به آنچه که مکلف به دانستن آن نیستند نپردازید، و برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، زیرا این خود باعث گشایش امور خودتان است.



فتنه

فتنه به معنی آزمودن و امتحان کردن است اما در احادیث آخرالزمان که از آن بسیار یاد شده است به معانی مختلفی به کار رفته است، از آن جمله می‌توان آشوب، حوادث ناگوار روزگار، اختلاف پراکنی، تفرقه اندازی، جنگ، نا امنی، گمراهی، عذاب، بلاهای آسمانی، نامشخص بودن حق و باطل و... یاد نمود در قرآن نیز این واژه بسیار به کار رفته است.

روایات زیادی به ما رسیده که در آنها ما را از انواع فتنه‌ها بر حذر داشته‌اند و پیشاپیش آن را به ما گوشزد کرده‌اند. علما در طول تاریخ اسلام کتاب‌های زیادی در خصوص جمع آوری این روایات تألیف نموده‌اند^۱

امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: در زمان فتنه همانند بچه شتر باشید؛ زیرا بچه شتر نه آنقدر کمر محکمی دارد که بار بر روی او نهند و نه قادر به شیر دادن می‌باشد.

یعنی مؤمنین در فتنه‌ها باید به گونه‌ای رفتار کنند که هم ایمان و سلامت خود را حفظ کرده و هم بتوانند بر فتنه فایق آیند و از آن گذر کنند و این در زمانی است که فتنه‌ای برپا شود و دخالت در آن هیچ سودی برای انسان نداشته، باشد بلکه وارد شدن در آن فتنه باعث هلاکت انسان بشود. اما فتنه‌ای که نبرد حق و باطل است و ایجاب

۱. رک: ملاحم و فتن.

می‌کند انسان مؤمن پنجه در پنجه آن بیفکند و خود را به خطر بیاندازد، بحثی جداست. همان گونه که امیرمؤمنان علیه السلام در فتنه‌های پس از رحلت رسول خدا به جنگ پرداخت اما در فتنه‌های بعد از حکومت خود، هیچ‌گاه دست از قبضه شمشیر برنداشت تا زمانی که به شهادت رسید، و زمانی تن به حکمیت داد، که دید جان خود وعده کمی که اطراف ایشان بودند در خطر است و جانبازی در این برهه علاوه بر اینکه تأثیری در اعتلای حق ندارد بلکه همان تعداد اندک نیز از بین خواهند رفت. بنابراین در ضمن پذیرش حکمیت، مخالفت خود را نیز با طریقه اجرای حکمیت توسط یاران بی وفای خود ابراز داشت، و مبارزه نرم خود را در قالب خطبه‌هایی بیان نمودند و اشتباهات یاران سست عنصر را به آنان یادآور می‌شوند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه‌هایی در آینده خواهد آمد که مانند تاریکی شب، ظلمانی خواهد بود. شخصی سؤال کرد: ای رسول خدا در آن فتنه‌ها چه کنیم؟ حضرت فرمود: مانند پلاس و گلیم خانه خود باشید.^۲

در حدیث دیگری فرمود: فتنه‌ها همانند سیل به شما هجوم خواهد آورد، پس زمانی که آن را دیدید، در خانه‌های خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید و صورت خود را بپوشانید (یعنی در زمان چنین فتنه‌ای، به شدت تقیه کنید و جان خود را حفظ نمایید، فتنه را تقویت ننموده و از پرداختن به آن بر حذر باشید)^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: (در فتنه‌ها داخل نشوید و بر آشوب نیفزایید و) مانند گلیمی در خانه خود باشید زیرا غبار به چشم کسی می‌رود که خاک بر هوا کند!

و در حدیث دیگری می‌فرماید: (به هنگامه‌ی فتنه خودداری کنید و) زبان خود را

۱. نهج البلاغه.

۲. یاتی: ص ۱۴۷.

۳. همان.

نگاه دارید و ملازم خانه خود باشد تا بلا شامل حال شما نشود...^۱

امام صادق علیه السلام به سدیر صیرفی فرمودند: ای سدیر! پایبند منزل خود باش و همانند گلیمی از گلیمهای خانهات باش (و خود را داخل آشوب و فتنه منما و تقیه و خودداری بنما، تا زمانی که شب و روز به آرامی از پی هم می‌آیند این گونه باش، و زمانی که شنیدی سفیانی قیام کرده به سوی ما بشتاب، اگرچه با پای پیاده باشی).^۲

در روایتی حدیفه می‌گوید: اگر خواستید بدانید که دچار فتنه شده‌اید یا خیر، پس بنگرید که آیا چیزی را که حلال بوده، حرام می‌دانید یا خیر؛ و چیزی را که حرام بوده، اکنون حلال می‌دانید یا خیر.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از من امتم دچار چهار فتنه خواهند شد. در اولین فتنه، خون‌ریزی خواهد شد و در فتنه دوم علاوه بر خونریزی، اموال نیز از بین خواهد رفت و در سومین فتنه هم خونریزی خواهد بود، هم به تاراج رفتن اموال و هم بی حرمتی نسبت به زنان حلال شمرده خواهد شد. چهارمین فتنه، فتنه‌ای خواهد بود کور کننده و کر کننده است و همگان را فرا گیرد و چون کشتی‌ای که در دریایی طوفانی گرفتار آمده، از آن نمی‌توان رهایی یافت، این فتنه از شام (سوریه) شروع می‌شود و سرزمین عراق را فرا می‌گیرد و اثرات آن فتنه تا جزیره (امرب) نیز خواهد رسید و مردم در آن بلاها مانند پوستی که دباغی شود در فشار قرار خواهند گرفت تا جایی که امان همه را خواهد برید. از هر گوشه‌ای که آن فتنه را دفع کنند، از سوپی دیگر سر برخواهد آورد^۴ و در روایتی دیگر رسول خدا فرمود: در چنین روزگاری مردن بهتر از حیات خواهد بود.

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۹۷.

۲. روضة کافی: ج ۸ ص ۲۶۴.

۳. یأتی: ص ۱۷۹.

۴. کمال الدین: ج ۲ ص ۳۷۱ و معجم احادیث الامام مهدی: ج ۱ ص ۸۸ و ملاحم: ص ۳۹.

در روایت دیگری چنین آمده است: آن‌گاه فتنه‌ای پدید می‌آید... به گونه‌ای که خانه‌ای نیست که فتنه داخل آن نشده باشد و مسلمانی نیست که سیلی آن را به صورت خود لمس نکرده باشد، تا آن که مردی از خاندان من ظهور نماید.^۱

در احادیث متعددی از فتنه فراگیر در آخرالزمان یاد شده است. فتنه‌ای که در هر خانه‌ای خواهد رفت و گریبان هر مسلمانی را خواهد گرفت.^۲

در حدیث دیگری فرمود: فتنه‌ای برپا خواهد شد. آن‌گونه که بدن انسان می‌میرد، دل مؤمنان در آن فتنه‌ها خواهد مرد. مانند شب تار و دود همگان را فراگیرد، در طول یک روز و به فاصله‌ی یک صبح تا شام، انسان دین خود را از دست می‌دهد و بسیاری در این فتنه‌ها و آزمایش‌ها دین خود را به دنیا خواهند فروخت.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پنج فتنه در امت رسول خدا صلی الله علیه و آله به وقوع خواهد پیوست که در پنجمین فتنه، از شدت آن عقل‌های مردم زایل شده و مردم مانند بهائم و چهارپایان خواهند بود. در موضوع عقل گفته شد که زایل شدن عقول در آخرالزمان بدان معنی نیست که انسان‌ها مانند دیوانه‌های زنجیری بشوند، بلکه با توجه به مفهوم حقیقی عقل، جامعه‌ای پیش خواهد آمد که بسیاری از کرامت‌های انسانی از میان خواهد رفت و مردم صرفاً در پی به دست آوردن و آباد ساختن دنیا هستند و تنها چیزی که بدان نمی‌اندیشند آخرت دست!^۴

رسول خدا فرمود: پس از رحلت من از میان شما، پنج فتنه رخ می‌دهد که آخرین فتنه، فتنه‌ی سفیانی است. این فتنه‌ها از مدینه، مکه، یمن و شام (سوریه) برمی‌خیزد و

۱. موعود نامه: ص ۵۲۲.

۲. یاتی: ص ۱۹۳ و ملاحم: ۲۳.

۳. یاتی: ص ۲۳۸ و ۵۰۷.

۴. ملاحم: ص ۲۰ - ۲۱. رک: عقل.

فتنه سفیانی از سرزمین شام برخواهد خاست.

در برخی روایات، در زمان نزدیک ظهور، فتنه‌ای پیش‌بینی شده که در ابتدا در نظر مردم بی اهمیت جلوه می‌کنند و خیلی به آن توجه نمی‌کنند. اما همین فتنه‌ی بی ارزش کم کم پا می‌گیرد و به معضلی مهم تبدیل می‌شود، به گونه‌ای که دیگر مهار کردن آن ممکن نخواهد بود، در پی سرکوب آن از سویی، از سوی دیگر سر برمی‌آورد. در این بین نوای آسمانی به نام حضرت مهدی علیه السلام بلند می‌شود و حضرت ظهور خواهد نمود.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: فتنه‌ای ناشنوا و ناشنوا کننده روی خواهد داد و آن امتحان بزرگی خواهد بود. مردم در آن فتنه آزمایش می‌شوند، آنگونه که زرگران طلا را می‌آزمایند و خالص می‌کنند. این فتنه در زمان غیبت فرزند چهارم من (حضرت قائم علیه السلام) رخ می‌دهد که مردان تیز بین و زیرکی که از فرط دقت موی را از میان می‌شکافند، باز هم به اشتباه و خطا گرفتار خواهند شد. در آن زمان فقط دوستان و شیعیان حقیقی ما نجات می‌یابند و دوستان بسیار صمیمی یکدیگر را رها خواهند کرد. مؤمنان راستین در آن روزگار از غیبتش در اندوه و غم به سر می‌برند و از ندیدن ایشان حسرت می‌خورند و حیرانند. سپس حضرت سر مبارک را به زیر انداخت و دوباره سربلند نمود و فرمود: پدر و مادرم فدای او باد!... نام او را از آسمان ندا خواهند داد که همه‌ی مردم از دور و نزدیک، یکسان خواهند شنید. این ندا نوید رحمت برای شیعیان، و برای کافران وعده عذاب خواهد بود.

در حدیثی امام جواد علیه السلام فرمود: زمانی خواهد رسید که امام شما از دیدگان‌تان مخفی خواهد بود، پس بدا به حال کسانی که از این غیبت به شک و تردید بیفتند و

خوشا به حال کسانی که دین خود را حفظ نموده و از فتنه‌ها دوری گزینند، زیرا در آن زمان فتنه‌هایی رخ خواهد داد که همگان، حتی بزرگان مردم نیز در آن گرفتار می‌شوند، فتنه‌هایی که کوه‌های سخت را جا به جا می‌کند!^۱

فرات

رودی بزرگ در عراق است که سرچشمه آن از کوه‌های ترکیه است و در پایان به خلیج فارس می‌ریزد. در میان راه با رود دجله ادغام می‌شود و این رود از شمال تا جنوب، عراق را به دو نیم تقسیم می‌کند. در روایات منطقه اطراف این دو رود به نام «بین النهرین» یاد شده است.

از آنجا که ایران، عراق و فلسطین سه منطقه مهم در حوادث آخرالزمان هستند، بنابراین این رود مهمترین میدان جنگ آخرالزمان را نیز به دو نیمه تقسیم می‌کند و در کنار این رود جنگ‌های متعددی میان لشکرهای حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی و... رخ خواهد داد.

در روایتی حکایت از اشغال این رود توسط کفار دارد و سپس خبر از ظهور حضرت می‌دهد که آن رود را از دست کفار می‌رهاند و طومار آن کافران را برای همیشه در هم می‌پیچد.^۲

در بعضی از احادیث روایت شده است که در میان فرات کوهی از طلا پیدا خواهد شد. گروهی برای تصاحب آن هجوم می‌آورند و برای دستیابی به آن به کشتن یکدیگر می‌پردازد. در این نزاع نود درصد مردم کشته می‌شوند.^۳

عده‌ای این کوه طلا را به نفت یا همان «طلای سیاه» تعبیر کرده‌اند و عده‌ای نیز کوه

۱. یاتی: ص ۵۰۴ و ۵۰۷. غیبت نعمانی: ص ۱۸۶.

۲. رک: رود.

۳. یاتی: ۴۲۴.

طلا را به همان معنای ظاهری گرفته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: در سالی که فتح و پیروزی (برای لشکر حضرت مهدی علیه السلام) رخ می‌دهد، فرات طغیان نموده و آب فرات در کوچه‌های کوفه سرازیر خواهد شد.^۱

فرزند

رسول خدا به گروهی از بچه‌ها نگاه کرد و فرمود: وای بر فرزندان که در آخرالزمان به دنیا می‌آیند، از دست پدران آنها. سؤال کردند: یا رسول الله، آیا منظورتان پدرانی است که مشرک هستند؟ فرمودند: خیر بلکه پدرانی که مؤمن هستند، اما به فرزندان خود از واجبات دینی چیزی یاد نمی‌دهند و اگر فرزندانشان هم یاد بگیرد، او را باز می‌دارند و با اندکی از مال دنیا راضی می‌شوند. من از ایشان بیزارم و ایشان نیز از من بیزارند.^۲

در حدیث دیگری نیز فرمود: در آخرالزمان کسانی که دارای فرزند نیستند خوشحال خواهند بود و کسانی که فرزند دارند ناراحت‌اند.^۳

در روایت دیگری آمده است: در آخرالزمان (چنان اوضاع جامعه سخت شود که) اگر مردی بزرگ کردن سگی را به عهده بگیرد، از بزرگ کردن فرزند بهتر خواهد بود.^۴
 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید مردم از عمرهایی هزار ساله برخوردار خواهند شد، تا جایی که هر شخص دارای هزار فرزند از خودش خواهد بود. لباس را که به تن فرزندانش می‌کند با رشد کودک بزرگ می‌شود و به هر رنگی که بخواهد در می‌آید.^۵

۱. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۱.

۲. جامع الاخبار: ص ۱۰۶ و یاتی: ص ۱۰۰.

۳. یاتی: ص ۱۰۰. شاید بتوان گفت که در آخرالزمان به واسطه فتنه‌ها و شدت گرفتاریها مردم از داشتن فرزند گریزانند. زیرا اگر آنان را به تربیتی وادار کنی سرپیچی می‌کنند و اگر رهایشان بگذاری گمراه می‌شوند و در نهایت پدر و مادر را مسئول کردار خود خواهند دانست.

۴. یاتی: ص ۱۶۳ و کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۲۶.

۵. غیبت طوسی: ص ۲۸۰ و دلائل الامامة: ص ۲۶۰.

فلسطین

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: به زودی یهودیان برای تشکیل دولتشان از غرب به فلسطین می‌آیند. مردم پرسیدند: ای ابا الحسن پس عرب‌ها کجایند؟! حضرت فرمود: در آن روز اعراب نیروهایشان پراکنده و پیوندشان از هم گسسته است و به هم فشرده و پشتیبان هم نیستند. سپس از آن حضرت سؤال کردند: آیا این بلا به درازا خواهد کشید؟ فرمود: خیر (طول نمی‌کشد) تا اینکه بندهای اسارت عرب گسسته می‌شود و افکار مصمم آنها باز می‌گردد. سپس فلسطین به دست آنها فتح می‌شود و عرب‌ها پیروزمندانه و متحد قیام می‌کنند و نیرو از عراق می‌رسد که بر پرچم‌های آنان «قوت» نوشته شده است، عرب و اسلام همدست می‌شوند تا فلسطین را برهانند؛ درگیری عجیبی در دریا واقع خواهد شد و مردم در خون فرو خواهند رفت و زخمی‌ها بر خیل کشته‌ها می‌گذرند! سپس حضرت فرمود: سه بار عرب‌ها این کار را انجام می‌دهند و در چهارمین بار که خدا پایمردی و ایمان آنان را دید، یاری او بر سر آنها سایه می‌افکند. سپس فرمود: به خدا قسم مانند میش سربریده می‌شود تا اینکه حتی یک یهودی در فلسطین باقی نمی‌ماند.^۱



قاطع

قاطع نام جزیره‌ای بسیار بزرگ در اقیانوس کبیر است. دست رسی به این جزیره بسیار سخت خواهد بود زیرا کشتی‌ها در سواحل این جزیره به خاطر عمق کم نمی‌توانند پهلو بگیرند و فقط از نقاط خاصی می‌توانند به این جزیره نزدیک شوند. در آن جزیره نعمت‌های فراوانی وجود دارد و یک میلیون سرباز جنگی در آن قرار دارد. حضرت مهدی علیه السلام پس از فتح زنگبار به سوی این جزیره حرکت می‌کند و چون نمی‌تواند با کشتی به سوی این جزیره بروند، فریاد «الله اکبر» سر می‌دهند و دیوارهای این شهر فرو می‌ریزد. حضرت مهدی علیه السلام در این جزیره بسیاری از سربازان را خواهند کشت و این شهر به تصرف حضرت در خواهد آمد. حضرت قائم علیه السلام در این جزیره هفت سال اقامت می‌کند و غنیمت‌هایی بسیار از این جنگ عاید لشکریان حضرت خواهد شد، به گونه‌ای که ده برابر آنچه در جنگ‌های سابق در روم به دست آورده‌اند به ایشان می‌رسد. حضرت از این شهر با کشتی به سوی بیت المقدس رهسپار می‌شود و لشکری متشکل از پنج میلیون سرباز ایشان را همراهی می‌کنند.^۱

قدس

ر.ک: بیت المقدس.

۱. یاتی: ص ۵۵۹، احقاق الحق، ج ۱۳ ص ۲۲۹.

قذف^۱

یکی از معانی قذف بارش سنگ از آسمان است که نشانه عذاب الهی است برخی نیز بارش هر چیزی مثل سنگ چون بمب، تیر و ترکش را نیز بدین معنا می‌دانند. این عذاب در امت‌های پیشین رخ داده است و در قرآن بدان اشاره شده است. لشکریان ابرهه که قبل از به دنیا آمدن رسول خدا ﷺ برای خرابی خانه کعبه، به مکه یورش بردند با بارش سنگ‌هایی از «سجین» توسط پرندگان نابود شدند و این قصه را در سوره فیل می‌توان یافت. در امت آخرالزمان نیز این عذاب خواهد بود. درباره علت نزول این عذاب روایت مختلفی وارد شده است.

رسول خدا فرمود: هیچ عذابی در میان بنی اسرائیل نبوده مگر اینکه آن عذاب در امت من نیز روی خواهد داد، حتی خسف و قذف و مسخ.^۱

در روایتی دیگر حضرت قسم یاد می‌کند که این حادثه روی خواهد داد و علت آن را ارتکاب گناهانی همچون زنا و هم‌جنس‌گرایی و نوشیدن شراب و آواز خوانی زنان و گواهی ناحق و... بیان می‌کنند.^۲

در روایتی وقوع این عذاب در شهر بغداد و مصر پیش‌بینی شده است.^۳

قرآن^۴

کتاب آسمانی مسلمانان که معجزه جاوید رسول مکرم اسلام، محمد مصطفی ﷺ است و تا قیام قیامت باقی خواهد بود. قرآن به همراه اهل بیت رسول خدا ﷺ، دو

۱. رک: بغداد، بصره.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۲۱.

۳. یاتی: ص ۲۷۴ و ۲۹۸.

۴. ملاحم: ص ۱۲۲.

۵. رک: جدید.

امانت گرانبها و یادگاری است که رسول خدا ﷺ پس از خود بر جای گذاشت تا امت او در مشکلات خود به این دو پناه ببرند. قرآن در آخر الزمان و دوران غیبت امام عصر علیه السلام مورد بی توجهی امت قرار خواهد گرفت و حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور قرآن را احیا می‌نماید. در روایات مختلف یاد شده است که چنان حقیقت قرآن در آخر الزمان مورد بی توجهی قرار می‌گیرد که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور نموده و قرآن را بنا بر حقیقت آن بیان می‌کند، مردم تعجب نموده و می‌گویند این کتابی جدید است. در آخر الزمان مردم به قرآن فقط ظاهری و قشری می‌نگرند و در معانی حقیقی آن تدبر و تعقل نمی‌کنند، همانند خوارج که رو در روی امیرالمؤمنین علیه السلام با قرآن احتجاج می‌نمودند.

رسول خدا ﷺ فرمود:... در آخر الزمان گروهی قرآن می‌خوانند ولی فقط با زیانشان و قرآن از زبان آنان تجاوز نمی‌کند و در روایت دیگری حضرت فرمود در آن زمان قرآن را بسیار سبک خواهند شمرد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:... عدالت در این امت برقرار خواهد بود تا زمانی که قاریان قرآن به سوی سلاطین جور متمایل نشوند...^۲

ابن عباس در حدیثی طولانی گفت: رسول خدا در کنار کعبه، در حالی که دست در حلقه درب کعبه داشت فرمود:... در آخر الزمان گروهی خواهند آمد که قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند و با وسایل موسیقی و به صورت غنا می‌خوانند.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به زودی زمانی خواهد آمد که حق مخفی‌ترین چیز نزد مردم است و باطل آشکارترین چیز در جامعه است، دروغ بستن به خدا و رسول او

۱. یاتی: ص ۲۶۹ و کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۱۷ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۶۲.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۴۸.

۳. بحار الانوار: ج ۶ ص ۳۰۶.

بسیار شایع شود، اگر قرآن بر معنای حقیقی آن خوانده شود، بی ارزش‌ترین چیز نزد مردم است، و اگر قرآن به معنای غیر حقیقی و بنابر امیال و هواهای نفسانی خوانده شود مورد استقبال قرار می‌گیرد و آن را قبول خواهند کرد...^۱

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: در آخر الزمان قرآن در نزد مردم کهنه می‌شود و از روی هوی و هوس آن را توجیه و تأویل می‌کنند.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: یکی از نشانه‌های ظهور آن است که شنیدن قرآن برای مردم سنگین است، اما حرف‌های باطل را به راحتی گوش می‌دهند، قرآن (از فرط بی توجهی) به کهنگی گراییده است و به میل و هوای نفس خود آن را معنی و تأویل می‌کنند. هر کسی که بدون دانش و بنابر نظر شخصی خود قرآن را تفسیر کند، اهل آتش خواهند بود و اگر تفسیری که کرده درست هم باشد، باز هم گناهکار خواهد بود.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امت من به زودی به روزگاری دچار می‌شوند که از اسلام برای آن‌ها جز یک اسم باقی نخواهد بود و از قرآن نیز جز یک نوشته چیزی بر جای نمی‌ماند. مردم آن زمان گمان می‌کنند که مسلمان هستند، اما در حقیقت دورترین افراد نسبت به اسلام هستند، مساجد آنان آباد است ولی در آن از هدایت و ایمان خبری نیست، دین شناسانی که در آن روزگار زندگی می‌کنند، بدترین علما بر روی زمین هستند، زیرا آنان خود منشاء فتنه‌ها هستند.^۴

در آخر الزمان گروهی قرآن را وسیله‌ای برای تجارت قرار خواهند داد و آیات متشابه قرآن را در بحث‌های خود به کار می‌گیرند و از آیات محکم قرآن روی گردان

۱. یاتی: ص ۲۷۹.

۲. روضه کافی: ج ۷.

۳. یاتی: ص ۵۶۶.

۴. بحار الانوار: ج ۱۸ ص ۱۴۶.

هستند. قاریان قرآن بسیارند، اما عمل کنندگان به دستورات قرآن کمیابند، قرآن را وسیله‌ای برای جلب توجه دیگران می‌کنند و فقط در پی یادگیری الفاظ و کلمات قرآن هستند و حکمت و دانش حقیقی قرآن از قلب‌های مردم رخت برمی‌بندد.^۱

از دیگر مواردی که در روایات آخرالزمان بدان اشاره شده است این است که وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، قرآن را دوباره احیا می‌نماید و حقایق فراموش شده و احکام قرآن که به کلی کنار گذاشته شده است را دوباره به اجرا می‌گذارد. این تغییر و تحولی که در فهم معانی عمیق قرآنی در میان مردم آخرالزمان پدید آمده است باعث می‌شود که وقتی حضرت قائم علیه السلام قرآن را بر حقیقت آن توضیح و تأویل می‌نماید، تعجب همگان را برمی‌انیزد و گروهی نیز زبان به اعتراض می‌گشایند و می‌گویند: «این کتابی جدید است!» و گروهی نیز همان قرآنی را که در معانی و تأویلات دچار دگرگونی شده است دستاویز قرار داده و با حضرت به احتجاج برمی‌خیزند.

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، با مردمی سر و کار خواهد داشت که از مردم زمان جاهلیت (و مردمی که پیش از پیامبر به بت پرستی مشغول بودند) نادان‌تر خواهند بود؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به رسالت مبعوث شد، مردم سنگ و چوب را تراشیده و به عبادت آن می‌پرداختند، اما زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند با مردمی روبرو می‌شود که آیات قرآن را علیه حضرت تأویل می‌کنند و برای تکذیب کردن آن جناب به کار می‌برند.^۲

حضرت مهدی علیه السلام قرآنی را که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع‌آوری نموده است، آشکار می‌کند و مردم را به تعلیم آن فراخواهد

۱. رک: آخرالزمان پیش از ظهور.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۹۷.

می‌خواند. قرآن حضرت علی علیه السلام قرآنی است که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رحلت رسول خدا به جمع‌آوری آن اهتمام ورزید. ایشان پس از رحلت رسول خدا عبا بر دوش نیفکند و لباس‌های رسمی بر تن نمود تا وقتی که از گردآوری آیات الهی فارغ شد. آن قرآن را که در دو جزو نوشته شده بود، در پارچه‌ای پیچید و به مسجد رسول خدا آورد و به مردم عرضه داشت و فرمود: این قرآنی است که من کلمه به کلمه آن گونه که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است جمع نموده‌ام. اما مردم نادان آن زمان قرآن حضرت را قبول ننمودند و گفتند: ما به قرآن تو احتیاجی نداریم! حضرت آن قرآن را پیچید و به خانه برد و فرمود: دیگر این قرآن را هرگز نخواهید دید. این قرآن از امانت‌های امامت است و دست به دست از امامی به امام دیگر می‌رسد و در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار خواهد شد. در این قرآن تمام آیات قرآن آن گونه که بر رسول خدا نازل شده است و به همان ترتیب و با تمام تفسیرها و تأویل‌ها و شأن نزول‌ها نوشته شده است.^۱

در روایتی دیگر نیز نقل شده است که عمر در زمان استخلاف خود از امیرالمؤمنین علیه السلام خواست که آن قرآن را دوباره بیاورد تا اینکه مردم با تمسک به آن متحد شوند. اما حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: هرگز! چنین چیزی اصلاً امکان پذیر نیست! زیرا من در زمان ابوبکر آن را به میان مردم آوردم تا حجت بر شما مردم تمام باشد و روز قیامت زبان به اعتراض نگشایید و نگویید: ما اطلاعی از آن قرآن نداشتیم و کسی به ما نشان نداد؛ همانا آن قرآنی که نزد من است جز اوصیای پاک من بدان دسترسی نخواهند داشت. عمر گفت: آیا زمان مشخصی برای آشکار شدن آن قرآن وجود دارد؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بلی، زمانی که حضرت قائم که از

فرزندان من می‌باشد، قیام نماید، آن قرآن را نمایان خواهد کرد و مردم را بدان دعوت می‌نماید و احکام را بر طبق آن قرآن به اجرا خواهد گذاشت.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: گویا می‌بینم که برخی از شیعیان عجم در مسجد کوفه جمع شده‌اند و خیمه برپا نموده و به مردم قرآن می‌آموزند، قرآنی که به ترتیب نزول جمع آوری شده است...^۲

دانش حقیقی قرآن در زمان ظهور حضرت همه جا را فرا خواهد گرفت و همه‌ی مردم از منبع لایزال آیات الهی بهره‌مند خواهند شد و علوم حقیقی قرآن فقط مخصوص دانش پژوهان نخواهد بود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: در زمان حضرت حجت علیه السلام چنان علم گسترش خواهد یافت که مردم از دانش یکدیگر مستغنی خواهند بود و حتی زن‌های داخل خانه نیز بر اساس قرآن و احادیث حکم خدا را تشخیص می‌دهند و در خانه‌ی خود بدان حکم خواهند نمود.^۳

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که دلالت بر امر ظهور حضرت و رجعت و حوادث زمان ظهور آن جناب می‌کند. به برخی از این آیات ذیلاً اشاره می‌کنیم.

سوره آل عمران

﴿تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۴ (این روزگاری است که آن را میان مردم می‌گردانیم)

امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمود: از زمانی که خداوند حضرت آدم را آفرید: همیشه دولتی از سوی خدای متعال و دولتی از سوی شیطان وجود داشته است. اکنون

۱. تفسیرکنز الدقائق: سوره واقعه تفسیر آیه ۶۳ ۷۹.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۴.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۲ و نجم الناقب: باب سوم، فصل دوم.

۴. آل عمران / ۱۴۰.

دولت الهی کجاست؟ آگاه باشید که صاحب دولت الهی حضرت قائم آل محمد علیه السلام است!

﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^۱ (هر که در آسمان و زمین است خواه ناخواه تسلیم اوست)

امام صادق علیه السلام فرمود: تاویل این آیه در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام خواهد بود. در آن ایام زمینی نیست مگر اینکه شهادتین و اسلام راستین در آن طنین انداز خواهد شد.^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾^۳ (ای کسانی که ایمان آوردید، شکیبایی کنید و صبر نمایید و مواظب باشید)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: تاویل این آیه این است که در انجام واجبات الهی شکیبایی ورزید و بر آزار و اذیت دشمنان صبر کنید و مواظب ظهور امام خود مهدی منتظر باشید.^۴

﴿إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۵ (و [یاد کن] آن زمان که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که به شما کتاب و حکمت بخشیدم و پس از شما پیامبری خواهد آمد که گواهی به راستی [شریعت پیامبران پیشین] و آنچه از کتاب و حکمت نزد شماست، خواهد داد؛ آنگاه شما بدو ایمان بیاورید و او را یاری کنید)

۱. تفسیر عیاشی.

۲. آل عمران / ۸۳.

۳. مهدی موعود: باب پنجم.

۴. آل عمران / ۲۰۰.

۵. مهدی موعود: باب پنجم.

۶. آل عمران / ۸۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ پیامبری از زمان حضرت آدم تاکنون مبعوث نشده است مگر اینکه دوباره در زمان رجعت در آخرالزمان بازخواهد گشت و امیرالمؤمنین و حضرت نبی اکبر صلی الله علیه و آله را یاری خواهد کرد.^۱

سوره ابراهیم علیه السلام

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۲ (ما موسی را با نشانه‌های (الهی) خود فرستادیم (و گفتیم) که قوم خود را از تاریکی‌ها (ی جهل و گمراهی) بیرون آور و به عالم انوار برسان، و روزهای الهی را بدان‌ها گوشزد کن، زیرا در این یادآوری نشانه‌هایی برای هر [انسان] صبر پیشه و شکر گذار وجود دارد)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ایام الله» روزهای الهی سه روز است؛ روز قیام قائم آل محمد، روز رجعت، و روز قیامت.^۳

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾^۴ (روزی که زمین (به امر الهی) به غیر از این زمین تبدیل شود و آسمانها نیز همین گونه متغیر شوند. و همه‌ی خلائق در برابر خداوند قاهر حاضر می‌شوند)

درباره تفسیر این آیه فرموده‌اند: چهره‌ی زمین در زمان حکومت آن حضرت به خاطر عدالت حضرت به کلی تغییر خواهد کرد و باران‌های فراوان برکت را به ارمغان می‌آورد و گیاهان و درختان سرتاسر گیتی را سبز خواهند نمود، و مردم به چنان نعمتی دست می‌یابند که تاکنون زمین چنین نعمتی به خود ندیده است و درختان چندین برابر میوه

۱. تفسیر قمی.

۲. ابراهیم × ۵ /

۳. تفسیر قمی.

۴. ابراهیم × ۴۸ /

می‌دهند و هیچ جایی در روی زمین نیست مگر اینکه از گیاهان سبز شده است. گنج‌های زمین همه سربرمی‌آورند و ظاهر می‌شوند، هر گزند و آسیبی بر طرف خواهد شد و حیوانات اذیت کننده، دیگر آزاری نخواهند رساند، امنیت در همه جا برقرار می‌شود، حتی در بین حیوانات نیز امنیت و عدالت برقرار خواهد شد، تا جایی که مردم آرزو می‌کنند ای کاش گذشتگان‌شان زنده می‌شدند و آن همه وفور نعمت را می‌دیدند.^۱

سوره اسراء

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَتَّغَنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عُلُوقًا تَتَّبِعُونَ * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾^۲ (پس هنگامی که زمان انتقام اول فرا رسد، بندگان بسیار نیرومند و جنگجوی خود را بر شما برمی‌انگیزیم تا، آنکه در درون خانه‌هایتان شما را دستگیر کنند و این وعده‌ای است که قطعاً روی خواهد داد. آنگاه شما [مؤمنین] را علیه آنان برمی‌گردانیم و بر آنان غلبه می‌دهیم و با مال و فرزندان مدد می‌نماییم و عده‌ی جنگ جویان شما را بیشتر از دشمن قرار خواهیم داد، اگر نیکی کنید به خود نیکی نموده‌اید و اگر بدی کنید، به خود ستم نموده‌اید پس زمانی که وقت وعده‌ی دیگر فرا رسد، روی شما را کریه خواهد کرد و (مؤمنان) مانند

۱. نجم الناقب ص ۱۵۹.

۲. اسراء / ۸ - ۴.

بار اول، دوباره به مسجد وارد خواهند شد و به هر چه رسند، نابود سازند. امید است (اگر توبه نماید) خداوند با شما مهربانی کند و اگر به ستم‌های خود بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت.)

در تأویل این آیه فرمودند: خداوند می‌فرماید: ما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم. سپس پروردگار خطاب را از بنی اسرائیل قطع کرده و امت محمد ﷺ را مخاطب ساخته و می‌فرماید: شما ای امت محمد به راه بنی اسرائیلی خواهید رفت و دوبار در زمین دست به فساد خواهید زد و در باب خلافت امیرالمؤمنین پس از رسول خدا پیمان شکنی خواهید نمود و سرکشی‌ای بزرگ خواهید کرد و ادعای خلافت عظمی می‌نمایید. پس چون نخستین فتنه، یعنی جنگ جمل پیش آید، بندگان نیرومند خود که امیرالمؤمنین علی علیه السلام و یاران او هستند، بر شما مسلط می‌کنیم تا شما را به هلاکت برسانند هرچند به خانه‌هایتان پناه ببرید، تا بدانید که اراده‌ی خداوند انجام پذیر است. سپس دوباره به شما دولتی خواهیم داد، یعنی بنی‌امیه که بر خاندان رسول خدا چیره می‌شوید و اموال و فرزندان بی‌شمار به شما خواهیم داد و شما با این عده‌ی بسیار خود را برتر از خاندان رسول خدا خواهید یافت و با آنان به جنگ برمی‌خیزید و حسین بن علی علیه السلام و یاران او را شهید نموده و زنان و خاندان او را به اسارت می‌برید. اگر نیکی کنید، نیکی می‌یابید و اگر بدی کنید، بدی خواهید دید. چون وعده‌ی دیگر فرا رسد، یعنی قائم آل محمد علیه السلام قیام کند روی‌های شما سیاه خواهد شد و با یارانش به مسجد الحرام خواهند آمد، مانند روزی که پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سپاه اسلام نخستین بار بدین مسجد درآمدند تا دولت شما را سخت تباه سازند و بر شما غلبه نموده و همگی شما را از دم شمشیر بگذرانند و آنگاه خداوند توجه کلام را به آل محمد علیه السلام معطوف می‌دارد و می‌فرماید: پروردگار به شما ترحم خواهد نمود و شما را بر دشمنانتان پیروز خواهد کرد و سپس دوباره به بنی‌امیه خطاب می‌کند و می‌فرماید:

اگر شما با شوکت سفیانی خروج کنید، دولت حق نیز با ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام خواهد کرد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: تأویل این آیه شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، مسموم کردن امام حسن مجتبی و کشتن امام حسین علیه السلام است. هنگامی که زمان خونخواهی آن حضرت فرا رسد، خداوند مردمی را پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام برمی‌انگیزاند که هر جا دشمنی از دشمنان و ظالمین آل پیغمبر پیدا کنند نابود می‌نمایند و این کاری است که قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام به یقین واقع خواهد شد.^۲ سپس امام حسین علیه السلام با هفتاد تن از یاران خود که در کربلا شهید شدند، دوباره به دنیا بازخواهند گشت، در حالی که جامه‌هایی سفید بر تن دارند و به مردم اعلام می‌نمایند که امام حسین علیه السلام با یارانش قیام نموده است تا اهل ایمان تردید ننمایند و بدانند که او دجال یا شیطان نیست، بلکه او امامی است که در دسترس مردم است، و مردم به او یقین خواهند کرد. سپس از جانب امام حسین علیه السلام، امام زمان به همه‌ی مردم معرفی می‌شود و اهل ایمان نیز آن حضرت را تصدیق می‌کنند و چون حضرت قائم علیه السلام وفات نماید، امام حسین علیه السلام او را غسل داده و کفن نموده و حنوط می‌نماید و به خاک می‌سپارد. امام حسین علیه السلام پس از ایشان متولی امر امامت می‌شود و به قدری امامت خواهد نمود که ابروهای مبارکش به روی دیده‌گانش خواهد افتاد. و در حدیث دیگری می‌فرماید: «و بعثنا علیکم عباداً اولی بأس شدید» این بندگان خدا همانا یاوران حضرت قائم علیه السلام هستند که بسیار نیرومندند.^۳

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی.

۲. ممکن است در این جا اشاره به قیام جناب مختار باشد که از دشمنان اهل بیت و قاتلان سیدالشهدا خونخواهی نمود.

۳. تفسیر عیاشی.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱ (ای پیامبر! بگو حق آمد و

باطل نابود شد، که باطل خود نابود شدنی است)

در کتاب شریف کافی درباره‌ی این آیه شریفه فرموده: زمانی که دولت حقه‌ی قائم علیه السلام برقرار شود دولت باطل خواهد رفت^۲

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۳

(هر کسی که به ناحق کشته شود، ما برای ولی دم حق [قصاص] را قرار دادیم، پس نباید که در [قصاص] قتل زیاده روی کند، همانا ولی دم [از جانب خدا] یاری شده است).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه می‌فرماید: کسی که به ناحق کشته شده، حسین بن علی علیه السلام است که مظلومانه به شهادت رسید و حضرت قائم علیه السلام خونخواه اوست به درستی که دنیا به پایان نمی‌رسد مگر اینکه مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاری حسین بن علی علیه السلام برخواند خاست و زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده است.

سوره اعراف

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ

تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا

عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴ (ای پیامبر! از تو درباره‌ی ساعت

۱. اسراء / ۸۱.

۲. مهدی موعود؛ باب پنجم.

۳. اسراء / ۳۳.

۴. اعراف / ۱۸۷.

[قیامت یا ظهور] پرسش می‌کنند، که چه وقت فراخواهد رسید. بگو فقط خداوند آن را می‌داند و جز در زمان آن آشکارش نخواهد کرد، آن ساعت در آسمان و زمین بسیار سنگین و عظیم است، و آن زمان واقع نمی‌شود مگر ناگهانی. از تو می‌پرسند، گویا تو کاملاً بدان آگاهی؛ بگو به راستی علم آن ساعت فقط نزد خداست، اما بیشتر مردم نادانند).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! قائمی که از فرزندان شماست، چه زمانی قیام خواهد کرد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مثال ظهور حضرت قائم علیه السلام مانند ساعت قیامت است که جز هنگام آمدنش، کسی از زمان وقوع آن با خبر نخواهد شد و این بر زمین و آسمان بسیار سنگین است و ظهور حضرت قائم علیه السلام به طور ناگهانی رخ خواهد داد.

سوره انبیاء

﴿فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْتَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ﴾^۱

(هنگامی که آن ستمکاران عذاب ما را به چشم مشاهده کردند، از آن دیار پا به فرار نهادند، [در آن حال به آنان خطاب شد که] مگریزید و رو به کامرانی‌ها و خانه‌های خود آرید که روزی ممکن است از آن بازخواست شوید. ظالمان به حسرت و ندامت گفتند: وای بر ما که سخت ستمکار بودیم، و پیوسته این گفتار بر زبانشان خواهد بود تا اینکه ما همه‌ی آنان را طعمه‌ی شمشیر مرگ کرده و خاموش سازیم)

تأویل این آیه مربوط به بازگشت بنی امیه در زمان رجعت و قصاص آنان به خاطر

گناہانی که نموده‌اند می‌باشد. در تأویل و تفسیر این آیه در روایات آمده است: زمانی که بنی‌امیه عذاب ما را که به وسیله‌ی ظهور حضرت قائم علیه‌السلام بر آنان فرود می‌آید، احساس می‌کنند، از آن می‌گریزند. به آنان گفته می‌شود که فرار نکنید و باز گردید، تا شما را از آن نعمت‌ها و جایگاه‌ها که در آن به خوش گذرانی و عشرت سرگرم بودید، بازخواست کنیم. در آن زمان بنی‌امیه از ترس به سوی روم خواهند گریخت و حضرت آنان را در روم دستگیر کرده بیرون می‌آورد و تمام گنج‌هایی که پنهان نموده‌اند از آنان باز پس خواهد گرفت. بنی‌امیه می‌گویند: وای بر ما، که قومی ستمکار بودیم و یکسره این جمله‌ی حسرت را تکرار می‌کند تا اینکه به وسیله‌ی حضرت قائم و یاران او همه درو می‌شوند و از دم شمشیر خواهند گذشت.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ (ما بعد از ذکر [یعنی تورات] در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان نیکوکار من به ارث خواهند برد)

در تفسیر این آیه فرموده‌اند که بندگان صالح، یاران حضرت قائم علیه‌السلام خواهند بود که وارثان و مالکان زمین خواهند شد.^۲

سوره انعام

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾^۳ (روزی که برخی از نشانه‌های خداوندی بدان‌ها برسد. در آن روز ایمان هیچ کس نفعی نخواهد داشت مگر کسانی که از پیش ایمانی آورده‌اند، یا کسانی که در ایمان خود خیری را به چنگ آورده باشند. بگو انتظار

۱. انبیاء / ۱۰۵.

۲. تفسیر قمی.

۳. انعام / ۱۵.

بکشند، ما نیز انتظار می‌کشیم)

امام صادق علیه السلام فرمود نشانه‌ها در این آیه همان ائمه هدی علیهم السلام است و منظور از بعضی از نشانه‌ها، حضرت قائم آل محمد علیه السلام می‌باشد.^۱

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُؤُوا بِهَا بِكَاْفِرِينَ﴾^۲ (آنها کسانی بودند که ما کتاب و فرمان و مقام نبوت عطایشان کردیم، پس اگر این قوم به این‌ها کافر شوند، ما قومی را که هرگز کافر نمی‌شوند بر آنها برمی‌گماریم)

سوره انفال

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۳ (ای مؤمنان! بکشید آن [کافران] را تا دیگر فتنه و فساد نباشد و آیین همه‌ی مردم به سوی خدا باشد و اگر دست [از کفر] کشیدند، پس خداوند به کردارشان بیناست)

سوره بقره

﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾^۴ (الم، این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزکاران است، آن کسانی که به غیب ایمان دارند)

امام صادق علیه السلام فرمود: کسانی ایمان به غیب دارند که به ظهور حضرت قائم علیه السلام اقرار نمایند و متقین در این آیه به معنی شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام است و غیب آن

۱. تفسیر قمی

۲. انعام / ۸۹ - رک: مائده / ۵۴.

۳. انفال / ۳۹ - رک: توبه / ۲۶.

۴. بقره / ۱.

حجتی است که از دیده‌ها غایب می‌شود و دلیل این تأویل آیه‌ی بیست سوره یونس است که می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾؛ (ای پیامبر بگو غیب از آن خداست؛ پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظران هستم).^۱

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛^۲ (به سوی نیکی‌ها بشتابید، هر کجا که باشید خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر کاری تواناست)

این آیه درباره جمع شدن یاران حضرت مهدی علیه السلام است، آنان سیزده نفرند که در شب ظهور حضرت مهدی علیه السلام در یک شب و با طی الارض، از سرتاسر زمین در مسجد الحرام جمع می‌شوند، بدون اینکه همدیگر را بشناسند.^۳

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛^۴ (ما شما را به برخی از ترس‌ها، گرسنگی، از بین رفتن ثروت‌ها، هلاک انسان‌ها و تباه شدن میوه‌ها می‌آزماییم، و به صبرپیشگان بشارت ده)

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام، نشانه‌هایی برای آزمودن مؤمنین واقع خواهد شد. این آزمایش‌ها پیدایش ترس و بیماری‌های گوناگون و گرسنگی است. نرخ‌ها بالا می‌رود و گرانی پدید می‌آید، اموال کاهش می‌یابد و قحطی مسلط می‌شود، مرگ‌های مختلف شایع می‌شود و میوه‌ها تباه می‌شوند و باران نمی‌بارد. در آن زمان به کسانی که در اعتقاد به ما ثابت قدم هستند مژده

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. بقره / ۱۴۸.

۳. رک: یاران حضرت، طی الارض.

۴. بقره / ۱۵۵.

فرهنگ‌نامه آخرالزمان
 بده. این تأویل سخن خداست و جز راسخین در علم تأویل قرآن را نمی‌دانند و راسخین در علم ما اهلیت هستیم.^۱

سوره تکویر

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾^۲ (قسم یاد می‌کنم به ستارگان باز گردنده، که به گردش در آیند و رخ پنهان کنند)

امام باقر علیه السلام به ام هانی فرمود: منظور این آیه امامی است که در سال دویست و شصت هجری غایب می‌شود و سپس چون ستاره‌ای تابان آشکار می‌شود، اگر او را ببینی دیدگانت روشن می‌شود.^۳

سوره توبه

﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۴ (با مشرکان متحدانه نبرد کنید، آن گونه که آنان متفق شدند و با شما به جنگ برخاستند و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.)

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: هنوز زمان تأویل این آیه‌ی شریفه فرا نرسیده است. کسانی که زمان قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک نمایند، به خوبی تأویل این آیه را خواهند دید، زیرا با ظهور حضرت قائم علیه السلام شعاع دین رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان گسترده می‌شود که در روی زمین از شرک و بدبینی اثری باقی نخواهد ماند چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۵

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. تکویر / ۱۶ - ۱۵.

۳. تفسیر قمی.

۴. توبه / ۹.

۵. انفال / ۳۹.

(با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای نباشد و تمام دین از آن خداوند باشد)^۱
 این مهم فقط در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام محقق خواهد شد زیرا در ادوار
 مختلف زمانی، هیچ‌گاه پیش نیامده است که زمین یکسره از فتنه خالی باشد و فقط الله
 پرستیده شود، و این امر فقط مخصوص ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

سوره جن

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصِرًا وَّ أَقَلَّ عَدَدًا﴾؛^۲ (ای رسول
 ما، کافران را رها کن] تا روزی که عذاب وعده داده شده‌ی خود را به چشم ببینند، در
 آن روز خواهند دانست که کدام یک دارای یارانی ضعیف‌ترند، و سپاه‌یانی کمتر دارند.)
 تفسیر این آیه به زمانی تعلق دارد که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌نماید و این آیه
 درباره‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حضرت مهدی علیه السلام است که وقتی ظهور
 می‌نماید؛ دشمنان حضرت علی بن ابی طالب خواهند دانست که یاران چه کسی
 ضعیف‌ترند و کدام‌شان کم سپاه‌ترند (زیرا همیشه در دوران زندگی اهل بیت علیهم السلام، مردم
 به یاریشان بر نمی‌خاستند و آنان را تنها می‌گذاشتند و همه را مظلومانه به شهادت
 رساندند، اما در زمان ظهور حضرت، قضیه به طور دیگری رقم خواهد خورد، زمین و
 زمان، جن و انس و ملک در اختیار و به فرمان حضرت خواهند بود و با قدرت الهی بر
 جهان مقتدرانه حکومت خواهند کرد)^۳

سوره حج

﴿أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَّ إِنَّا اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾؛^۴ (به آنانی که مورد

۱. تفسیر قمی.

۲. جن / ۲۴.

۳. تفسیر قمی.

۴. حج / ۳۹.

قتل قرار گرفته‌اند رخصت [انتقام و جنگ] داده شده است، زیرا آنها [از دشمن] بسیار ستم دیده‌اند و خداوند به یاری آنان توانا است)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: عامه‌ی مردم گمان می‌کنند که این آیه درباره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است، در زمانی که قریش ایشان را از مکه بیرون کردند؛ اما تفسیر این آیه درباره‌ی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که برای خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام می‌نماید.^۱

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ... وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرْنَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ﴾^۲ (آنان کسانی‌اند که اگر در روی زمین به قدرت دست یابند، نماز را به پا خواهند داشت و زکات را پرداخت می‌نمایند و امر به معروف نموده و از منکرات جلوگیری می‌کنند... هر کس به همان مقدار که به او ظلم روا داشته شده است، به انتقام برخیزد، و اگر باز بر او ستمی بشود، البته که خداوند او را یاری خواهد نمود. همانا خداوند بسیار بخشاینده و آمرزنده است)

در تفسیر این آیه امام باقر علیه السلام می‌فرماید؛ این آیه درباره‌ی آل محمد صلی الله علیه و آله است، یعنی دوازده امام معصوم و امام مهدی علیه السلام و یاران او که (به برپای عدالت و انتقام از ستمکاران برمی‌خیزند و) خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای خواهد داد و دین اسلام را بر همه‌ی عالم گسترش می‌دهند و بر هر دینی چیره می‌شوند و هر بدعت و باطلی را به وسیله‌ی او و یارانش نابود خواهد کرد، آنگونه که حق ناشناسان را نابود ساخته است. سپس گیتی چنان در آسایش فرو رود که هیچ نشانه‌ای از ظلم باقی نمی‌ماند.^۳

۱. تفسیر قمی.

۲. حج / ۴۱ و ۶۰.

۳. مهدی موعود؛ باب پنجم.

سوره حدید

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ آيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛^۱ (بدانید

که همانا خداوند زمین را پس از مرگ دوباره زنده می‌گرداند، ما این نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کنیم تا مگر به تعقل پردازید)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند زمین را با عدالت جهانی حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله زنده می‌کند و این در زمانی خواهد بود که دنیا از شدت ظلم و ستمگری مرده باشد.^۲

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ

مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛^۳ ([ای مؤمنان] مانند کسانی نباشید که پیش از این کتاب آسمانی بر آنان نازل شد و دوره‌ای طولانی بر آنان گذشت و دل‌هایشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند.)

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام و افرادی است که در زمان غیبت او دچار خواهند شد.^۴

سوره ذاریات

﴿قَوَّ رَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾؛^۵ (پس به خدای آسمان و

زمین سوگند که او همانند سخن گفتن شما حقیقت دارد) که مقصود از این آیه حقانیت و وجود مبارک حضرت قائم علیه السلام می‌باشد.^۶

۱. حدید / ۱۷.

۲. تفسیر قمی.

۳. حدید / ۱۶.

۴. تفسیر قمی و شرح الایات الباهرة.

۵. ذاریات / ۲۲.

۶. تفسیر قمی.

سوره الرحمان

«مُدْهَامَّتَانِ»؛^۱ (درختان آن دو بهشت در نهایت سبزی و خرمی است)

یونس بن ظبیان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که تأویل این آیه در زمان برقراری دولت حقه‌ی حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و بین شهر مکه و مدینه از باغ‌های نخل به هم متصل می‌شود.^۲

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾؛^۳ ([آن روز] بدکاران به چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و از پیش سرها و پاهایشان آنان گرفته شده [و به عذاب گرفتار می‌شوند])^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: آنان که گمان می‌کنند این آیه درباره‌ی روز قیامت است سخت در اشتباهند، البته که خداوند مجرمین را در قیامت می‌شناسد! بلکه این آیه درباره‌ی زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام است که گناه‌کاران از روی صورتشان تشخیص داده می‌شوند و حضرت مهدی علیه السلام به همراهی یاران خود مجرمین را از دم شمشیر می‌گذرانند.

در روایات رجعت بسیار آمده است که امیر المؤمنین علیه السلام به دنیا باز خواهد گشت. در این روایات از حضرت به نام «دابة الارض» یاد شده است و از خصوصیاتش که برای آن حضرت فرموده‌اند «میسیم» است. میسیم عصا یا چوب دستی حضرت است که با آن بر پیشانی کفار و مؤمنین نشان کفر و ایمان می‌نهد و از چهره هر کسی می‌توان کفر یا ایمان او را فهمید.^۵

۱. الرحمان / ۶۴.

۲. تفسیر قمی.

۳. الرحمن / ۴۱.

۴. مهدی موعود: باب پنجم.

۵. رک: دابة الارض.

سوره زمر

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۱ (زمانی که زمین به نور پروردگار خود روشن شود) امام صادق علیه السلام فرمود: «رب الارض» یعنی امام زمان که مربی زمین می‌باشد، پس زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، زمین با نور ربّ زمین روشن می‌شود و نور امام علیه السلام زمین را از نور ماه و خورشید مستغنی خواهد نمود، و تاریکی‌ها همه از بین می‌رود.

سوره سجده

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲ (البته ما کافران را عذابی نزدیکتر می‌چشانیم و این غیر از عذاب بزرگتر و شدیدتر است، تا مگر اینکه پشیمان شده و باز گردند)

جناب مفضل از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: عذاب نزدیکتر که شامل این کافران می‌شود گرانی نرخ‌ها است و عذاب بزرگتر قیام حضرت قائم علیه السلام با شمشیر خواهد بود.^۳

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ * فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ﴾^۴ (بگو: روز فتح و پیروزی دیگر ایمان آوردن کافران سودی نخواهد داشت. در آن روز به کافران هیچ مهلتی داده نخواهد شد. پس از آنان روی گردان و منتظر باش که آنان نیز منتظر تو هستند)

امام صادق علیه السلام فرمود: این روز فتح و پیروزی، روز فتح جهان توسط حضرت

۱. زمر / ۶۹.

۲. سجده / ۲۱.

۳. مهدی موعود: باب پنجم.

۴. سجده / ۲۹.

قائم علیه السلام است. در آن روز اگر کسی از قبل ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمان آن روز و نزدیک شدن به حضرت قائم علیه السلام هیچ سودی به حال او نخواهد داشت. اما آنان که پیش از فتح و پیروزی به امامت او معتقد بودند و ظهور او را انتظار می‌کشیدند، ایمان آنان سودمند خواهد بود. خداوند جایگاه او را نزد حضرت قائم علیه السلام بزرگ می‌گرداند، او از دوستان اهل بیت پیامبر شمرده خواهد شد.^۱

سوره شعراء

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۲ (اگر ما بخواهیم، از آسمان نشانه‌ی خشمی بر آنان فرود خواهیم فرستاد که همگان به جبر گردن‌ها در مقابل آن فرو اندازند)

امام صادق علیه السلام فرمود: تأویل این آیه درباره‌ی بنی امیه است که ندایی آسمانی نام حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را خواهد برد و آنان در پیشگاه حضرت گردن فرمود خواهند آورد.^۳

سوره شوری

﴿وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۴ (هر کسی بعد از ظلمی که بر او روا داشته شده است، انتقام طلبد، بر آنان هیچ گناهی نخواهد بود و تنها گناه‌کاری برای آنانی است که به مردم ستم می‌نمایند و در زمین به راه ناحق رفته و شرارت می‌کنند، که برایشان عذاب دردناکی فراهم شده است)

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. شعراء / ۴.

۳. تفسیر قمی.

۴. شوری / ۴۲ - ۴۱.

ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: حضرت قائم علیه السلام و یاران او، همان کسانی هستند که پس از مورد ظلم واقع شدن، انتقام می‌گیرند و کسی را یارای مقابله با آنان نخواهد بود؛ حضرت قائم و یارانش از تمام بنی امیه و دروغگویان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام انتقام خواهند گرفت. ایشان کسانی را که بر مردم ستم می‌کردند و بی جهت در روی زمین بیداد به پا می‌کردند به جزای عملشان می‌رسانند و کیفری دردناک در پی آنان خواهد بود.^۱

﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ * يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾^۲ (چه چیز به تو آموخت؟ شاید ساعت نزدیک باشد، آنان که ایمان ندارند در وقوع آن شتاب می‌کنند، اما کسانی که ایمان آورده‌اند از آن روز در هراسند و می‌دانند که چنین روزی به یقین واقع می‌شود. آگاه باشید! آن کسانی که در ساعت جدل می‌کنند و آن را انکار می‌نمایند سخت در گمراهی به سر می‌برند)

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: منظور از ساعت ظهور حضرت قائم علیه السلام است و کسانی که به جدل و انکار می‌پردازند منکرین حضرت مهدی علیه السلام هستند. آنان [از روی انکار و ناباوری] می‌گویند: او چه زمانی متولد شده است؟ چه کسی او را دیده است؟ چه هنگام او ظهور خواهد کرد؟ و این به خاطر عجله‌ای است که در امور الهی دارند و به قضای الهی شک دارند.

۱. تفسیر قمی و تفسیر فرات الکوفی.

۲. سوری / ۱۸ و ۱۷.

سوره ص

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ

الْمَعْلُومِ﴾^۱ (شیطان گفت مرا تا روز رستاخیز مهلت بده. خداوند فرمود: تو تا زمان مشخص شده مهلت داده شده‌ای)

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: این روز مشخص شده چه روزی است؟ حضرت فرمودند: ای وهب! این روز مشخص شده، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله شیطان را به قتل می‌رساند. این واقعه پس از قیام حضرت قائم علیه السلام است^۲

سوره صف

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۳ (کافران

می‌خواهند نور الهی را با گفتار باطل خاموش کنند اما خداوند نور خود را کامل می‌کند، هرچند که کافران از این کار ناخشنود باشند).

در احادیث، تفسیر این آیه چنین آمده است: کافران با دهانشان سعی در خاموش کردن نور الهی دارند، اما خداوند نور خود را با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تمام می‌نماید، زمانی که او ظهور نماید، دین او را بر همه‌ی مذاهب‌ها غالب می‌کند، به گونه‌ای که جز خدای یگانه پرستیده نخواهد شد و در آن روزگار زمین از عدل و داد پر می‌شود همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام فرمود: اگر شما مردم روی از نور الهی بتابید، خداوند نور خود را پایدار خواهد کرد. در روایتی دیگر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: نور الهی در این آیه، دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام است، و خداوند امامت امامان حق را تا

۱. ص / ۸۱ - ۷۹.

۲. رک: شیطان - مهدی موعود: چاپ پنجم.

۳. صف / ۸.

پایان حفظ خواهد کرد.^۱

﴿وَ أُخْرٰی تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ وَ بَشْرٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ﴾^۲ (و دیگر چیزی که دوست دارید نصرت و پیروزی‌ای است که از جانب خدا می‌رسد و گشایش نزدیک، و مؤمنین را بشارت ده)

این آیه نیز به ظهور حضور قائم علیه السلام تفسیر شده است که پیروزی و گشایش نزدیک، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.^۳

﴿هُوَ الَّذِیْ اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰی وَ دِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلٰی الدِّیْنِ کُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ﴾^۴ (خداوند فرستاده‌ی خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه‌ی این‌ها چیره شود، هر چند که این کار بر مشرکان ناگوار آید)

این آیه نیز درباره‌ی حضرت قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است و او امامی است که خداوند او را بر تمامی کیش‌ها غالب خواهد نمود و او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، هم چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد، و این آیه از جمله آیاتی است که تأویل و معنی آن پس از زمان نازل شدنش به وقوع خواهد پیوست.

امام رضا علیه السلام درباره‌ی این آیه می‌فرماید: هنوز زمان تأویل این آیه فرا نرسیده است، انشاء الله هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، هر جا که کافر و مشرکی باشد، از ظهور آن جناب به سختی و ناخوشی دچار شود، تا جایی که اگر در دل سنگ پنهان شود، آن سنگ به سخن آمده و به مؤمنین خبر می‌دهد و می‌گوید: ای مؤمن! یک کافر در درون من پنهان شده است، او را به قتل برسان و خداوند او را (رسوا نموده) و به

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. صف / ۱۳.

۳. تفسیر قمی.

۴. صف / ۹.

دست مؤمنین می‌دهد تا به مجازات برسد و کشته شود.

در روایتی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: خداوند رسولی را که در این آیه از آن سخن به میان رفته است، پس از این ظاهر خواهد نمود، سوگند به آن خدایی که جان من به دست اوست، در زمان ظهور او، هیچ جایی در روی زمین نباشد مگر آنکه هر صبح و شام ندای شهادتین اذان در آن خواهد پیچید.

در حدیثی دیگر: ابن عباس روایت می‌کند: تاویل این آیه مربوط به زمانی خواهد بود که تمام یهودیان و نصرانیان و پیروان هر دینی به دین حنیف اسلام بگردند و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و مار از هر گزندی نسبت به هم در امان خواهند بود. در آن زمان هیچ موشی انبانی را پاره نمی‌کند و دیگر از هیچ اهل کتابی جزیه ستانده نمی‌شود و صلیب‌ها شکسته می‌شود و خوک‌ها از بین خواهند رفت. این در زمان قیام حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.^۱

سوره طارق

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا * فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤُودًا﴾^۲ (دشمنان تا

می‌توانند مکر می‌کنند و من نیز در مقابلشان مکر می‌کنم، پس به آنان اندکی مهلت بده) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: آنان فسونگری پیشه می‌کنند و من نیز به خوبی آن را چاره می‌کنم، پس ای محمد! آنان را اندکی مهلت بده تا وقتی که حضرت قائم صلی الله علیه و آله قیام کند، برای خدا از ستم‌گران و سرکشان قریش از بنی امیه و دیگر کافران انتقام خواهد گرفت.^۳

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. طارق / ۱۷ - ۱۵.

۳. مهدی موعود: باب پنجم.

سوره طه

﴿أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾؛^۱ (برای مردم پند و ذکری جدید ایجاد خواهد شد)
ذکر همانا ظهور حضرت قائم علیه السلام و خروج سفیانی خواهد بود.^۲

سوره عصر

﴿وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ (سوگند به عصر که انسان همواره در تباهی است، مگر آن کسانی که ایمان آورده و کرداری نیک دارند و یکدیگر را به سوی حق و صبر سفارش می‌کنند)

امام صادق علیه السلام درباره تفسیر این سوره می‌فرماید: عصر در این سوره به معنای زمان قیام حضرت قائم علیه السلام است که در آن روز دشمنان ما از زیانکاران خواهند بود و کسانی که به نشانه‌های الهی (و امامان حق) ایمان آورده‌اند و میان برادران دینی به همیاری می‌پردازند و برادران دینی خود را در اموال خود سهیم می‌کنند و همدیگر را به اعتقاد امامت و ایمان به اهل بیت رسول خدا توصیه می‌کنند.^۳

سوره عنکبوت

﴿وَ لَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ﴾؛^۴ (و هر گاه نصرت و ظفیری از سوی خدا (به مؤمنان) برسد (آن منافقان) می‌گویند: ما نیز با شما (هم آیین) بودیم! آیا خداوند بر آنچه در دل مخلوقات است

۱. طه / ۱۱۳.

۲. تفسیر قمی.

۳. کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۶.

۴. عنکبوت / ۱۰.

آگاه‌تر نیست؟!)

در روایتی تأویل این آیه دربارهٔ زمان انتقام حضرت قائم علیه السلام قرار داده است و شمشیر عدالت برافراشته شده است، به دروغ می‌گویند: ما نیز مانند سایر مؤمنین به حق ایمان داشتیم.^۱

سوره غاشیه

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ * وَجُوهُ يُومِئِدُ خَاشِعَةً * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصْلِي نَارًا

حَامِيَةً﴾؛^۲ (آیا خبر بلای عالمگیر برای تو حکایت شده است؟ آن روز رخسار برخی ترسناک و ذلیل است و همه‌ی کارشان رنج و مشقت است و به آتش فروزان دوزخ در آیند)

امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از این آیه قیام حضرت قائم علیه السلام است که با شمشیر اهل باطل را فرو می‌گیرد و صورت آنان در آن روز افتاده است، آنان بر خلاف دستور خدا عمل می‌نمایند و والیان جور نصب می‌کنند، اما در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آتش جنگ خواهند سوخت و در سرای دیگر نیز به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.^۳

سوره غافر

﴿رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾؛^۴

([کفار می‌گویند:] خدایا ما را دو بار میراندی و دو بار زنده نمودی، اکنون ما به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، آیا راهی برای خارج شدن از این عذاب و گرفتاری وجود دارد؟) امام صادق علیه السلام فرمود: این سخن را کفار در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام و هنگام رجعت خواهند گفت، که دوباره به دنیا بازگشته و به کیفر گناهانشان می‌رسند.^۵

۱. تفسیر قمی.

۲. غاشیه / ۴ - ۱.

۳. تفسیر قمی.

۴. غافر / ۱۱.

۵. مختصر البصائر: ۴۶۲، الایقاظ: ص ۲۷۸.

سوره فتح

﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۱ (اگر (عناصر کفر و ایمان) از هم

جدا بودند، همانا کسانی که از این گروه کافر شدند عذاب دردناکی خواهیم کرد)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با مخالفین خود به جنگ بر نخاست؟ حضرت فرمود: برای یک آیه در قرآن، که خداوند فرمود: «اگر از هم جدا شوند، ما آن دسته که کافر شدند به جزای سختی دچار خواهیم کرد». راوی می‌پرسید: منظور از این جدا شدن چیست؟ حضرت پاسخ داد: این جدا شدن مربوط به امانت‌هایی است که در صلب کافران قرار داده شده است. حضرت قائم علیه السلام نیز همین گونه خواهد بود، او نیز ظهور نخواهد کرد مگر زمانی که خداوند امانت‌هایی را که در صلب کفار قرار داده شده است، یعنی فرزندان مؤمنی که از پدران کافر به دنیا می‌آیند، متولد شوند. پس زمانی که آن مؤمنان از صلب پدران کافر خود بیرون آمدند، حضرت قائم علیه السلام نیز ظهور نموده و تمام دشمنان خدا را به قتل می‌رساند.^۲

سوره فصلت

﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾^۳ (ما آیات خود

را در آفاق جهان و نفوس بندگان آشکار می‌سازیم تا ظاهر شود که خداوند حق است)

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند در زمان حضرت قائم علیه السلام به اهل باطل نشان می‌دهد که چگونه منع خواهند شد و آفاق بر آنها تنگ می‌شود. پس در آن وقت قدرت پروردگار را در خود و آفاق خواهند دید و ظهور

۱. فتح / ۲۵.

۲. کمال الدین: ص ۶۴۱.

۳. فصلت / ۵۳.

حضرت قائم علیه السلام به امر خداوند حتمی است. خداوند او را ظاهر می‌کند تا همه‌ی مردم او را ببینند.^۱

سوره ق

﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾^۲ (گوش فرا ده به صدایی که آن روز ندا دهنده‌ای از جایی نزدیک ندا می‌دهد. در آن روز مردم به راستی صیحه را می‌شنوند، چنین روزی روز قیام خواهد بود) امام صادق علیه السلام فرمود: در روز قیام حضرت مهدی علیه السلام، ندا دهنده نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش را خواهد گفت و این صدایی آسمانی است که روز قیام صاحب الامر شنیده می‌شود.

سوره قدر

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾^۳ (ملائکه و روح در شب قدر تا صبح، نازل می‌شوند و رویدادهای حتمی سال را نازل می‌کنند) امام صادق علیه السلام فرمود: در شب قدر ملائکه و روح هر حادثه‌ی قطعی را نازل می‌کنند، و این (شب قدر) تا زمان قیام قائم آل محمد (هر سال) ادامه خواهد داشت.

سوره قصص

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۴

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. ق / ۴۲ - ۴۱.

۳. قدر / ۵.

۴. قصص / ۶ و ۵.

(ما اراده نمودیم بر کسانی منت نهیم که در زمین ناتوان انگاشته شدند و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و آنان را در زمین قدرت و تمکین بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانش آنچه را که از آن بر حذر بودند، بنمایانیم)

این آیه را حضرت مهدی علیه السلام در کودکی تلاوت می‌فرمودند، و امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمودند: آری خداوند به من فرزندی عنایت فرمود به نام «محمد» که سلسله‌ی امامت تا آخر الزمان پایدار بماند و سخن دروغ‌گویانی که به زعم خود گمان می‌کردند من فرزندی نخواهم داشت و امامت پس از من از بین خواهد رفت، باطل شد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند: کسانی که در روی زمین ضعیف داشته شده‌اند امامان و سفیران او هستند، ما اهل بیت عصمت هستیم. پروردگار عالم «مهدی» ما را برمی‌انگیزد تا اهل بیت را سربلند کند و دشمنان ما را سرشکسته و خوار گرداند.

سوره قمر

﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ﴾^۱ (آن ساعت نزدیک شد و ماه شکافته شد)

در روایتی آمده است که منظور از ساعت در این آیه شریفه قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.

سوره لقمان

﴿وَ اسْبَغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً﴾^۲ (خداوند نعمت‌های آشکار و پنهان را برای

شما مسخر نموده است)

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: نعمت ظاهری، امامی است که در میان مردم

۱. مهدی موعود: باب پنجم.

۲. قمر / ۱.

۳. لقمان / ۲۰.

آشکارا نمایان است و نعمت باطنی، امامی است که از میان مردم غایب است و ظاهر نیست و گنج‌های زمین برای او آشکار خواهد شد و هر چیز دوری برای او نزدیک خواهد بود.

سوره لیل

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾^۱ (قسم به شب تاریکی که همه جا را

فرا گیرد و قسم به روز هنگامی که روشن و فروزان شود)

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور شب پوشاننده در این آیه، امیرالمؤمنین علیه السلام است که در دولت باطل در حجاب شده و ناگزیر به صبر گردید، قسم به روز روشنی بخش، قیام حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که وقتی قیام می‌نماید، بر دولت باطل پیروز گشته و این مثل‌هایی است که خداوند در قرآن برای مردم نازل فرموده است، ما اهل بیت و پیامبر خدا را مخاطب این مثل‌ها قرار داده و کسی جز ما تأویل این مثل‌ها را نمی‌داند.

سوره مائده

﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾^۲ (امروز کافران از دین

شما طمع بریدند [که بتوانند خللی به دین حق وارد کنند] پس از آنان بیمناک نباشید، بلکه از من بترسید.)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: روزی را که کاملاً کافران نا امید می‌شوند و دیگری امید به ضرر رسانی دین حق نخواهند داشت، همانا روز ظهور حضرت قائم علیه السلام است که بنی امیه (و دیگر ستمگران و دشمنان دین) مأیوس خواهند شد و آنان کسانی‌اند که کفر ورزیدند و از آل محمد صلی الله علیه و آله نا امید شدند.^۳

۱. لیل / ۲ - ۱.

۲. مائده / ۳.

۳. تفسیر عیاشی.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شما از دین خود روی گردان شوید، به زودی خداوند گروهی را خواهد فرستاد که بسیار آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، در مقابل مؤمنین فروتن هستند، اما در مقابل کافران مقتدرند. در راه خدا به جهاد می‌پردازند و از هیچ ملامت کننده‌ای نمی‌ترسند.)

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام است، او در پناه خداوند محفوظ خواهد بود و اگر همه‌ی مردم از بین بروند، خداوند یاران او را می‌رساند. یاران او کسانی‌اند که خداوند درباره‌ی آنان فرموده: ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوْا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾^۲ (اگر اینان به او کفر ورزند، ما برای او گروهی را می‌گماریم که هرگز کافر نمی‌شوند).

سوره ملک

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾^۳ (بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر آب (که مایه‌ی زندگی) شما است همه به زمین فرو شود، کیست که دوباره آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟)

در این آیه امام زمان علیه السلام به آب تعبیر شده است که موجب حیات همه اشیاء است و تاویل این آیه این است: بگو اگر امام شما از نظرها غایب گردد، چه کسی می‌تواند آن امام را دوباره بر شما ظاهر کند؟

۱. مائده / ۵۴.

۲. انعام / ۸۹.

۳. ملک / ۳۰.

امام رضا علیه السلام فرمود: «آب» در این آیه به معنی ابواب (یعنی درب‌ها) است، زیرا ائمه هدی علیهم السلام دروازه‌های ورود به رحمت الهی هستند و تأویل آیه این است که اگر نتوانید به علم امام خود دسترسی پیدا کنید، چه کسی می‌تواند شما را به آن علوم آگاه کند؟ و در روایتی دیگر امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: این آیه به این معنی است: اگر زمانی رسید که امامتان از میان شما غایب شود و ندانید که او در کجا می‌باشد؟ چه کسی می‌تواند امام آشکار را برای شما بیاورد؛ امامی که خبرهای آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیان می‌کند. آنگاه حضرت فرمود: به خدا سوگند که تأویل این آیه هنوز فرا نرسیده است (یعنی تأویل این آیه مربوط به زمان امام دوازدهم می‌باشد).

سوره نحل

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾^۱ (آنانکه با کردار زشت خود به مکرها می‌اندیشند، آیا از این بلا ایمنند که ناگاه خدا همه را به زمین فرو برد، یا از جایی که اصلاً گمان نمی‌کنند، عذابی بر آنان برسد؟)

امام باقر علیه السلام فرمود: ائمه طاهرین علیهم السلام در این دنیا محکوم و مظلوم قرار گرفتند، اما مردی از آنان قیام خواهد کرد و سیصد و سیزده تن مرد فداکار وی را همراهی خواهند نمود.

پرچم رسول خدا به اوست و به سوی مدینه در حرکت هستند. زمانی که از سرزمین بیداء می‌گذرند، می‌فرماید: این جا سرزمینی است که خداوند آن دشمنان را به زمین فرو خواهد برد.^۲

۱. نحل / ۴۵.

۲. تفسیر عیاشی.

تفسیر این آیه بر خسف لشکریان سفیانی در سرزمین بیداء دلالت دارد که آنان در پی جنگ با حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به طرف مکه رهسپار می‌شوند، اما در سرزمین بیداء به امر الهی زمین همه‌ی آنان را خواهد بلعید و فقط دو تن از آنان باقی می‌مانند تا خبر نابودی‌شان را ببرند.^۱

﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲ (آنان سوگندهای سختی به خدا یاد می‌کنند که خداوند مردگان را زنده نمی‌کند! البته که زنده می‌کند، و این وعده‌ی حقی است که حتماً شدنی خواهد بود، اما بیشتر مردم این را نمی‌دانند.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابوبصیر! عامه‌ی مردم درباره‌ی این آیه چه می‌گویند؟! ابوبصیر عرض کرد: مردم در معنی این آیه می‌گویند: «مشرکان به زعم باطل خود نزد پیامبر به خدا قسم یاد می‌کنند که مردگان دوباره برانگیخته نخواهند شد.» امام صادق علیه السلام فرمود: نابود باد کسی که چنین گمان می‌کند! از آنان پرسند که آیا مشرکان به خدا قسم می‌خورند یا به لات و عزی؟! ابوبصیر پرسید: پس معنای این آیه را به من تعلیم دهید. حضرت فرمود: ای ابوبصیر! هر گاه حضرت قائم علیه السلام قیام نداید. برخی از شیعیان ما را از قبرهایشان برمی‌انگیزد و برپا می‌دارد، در حالی که شمشیرهایشان را بر دوش نهاده‌اند و این خبر به گروهی از شیعیان آن دوران می‌رسد، تعجب نموده و می‌گویند: آیا فلان شخص و فلان شخص از گور خویش زنده شده و بیرون آمده‌اند و با حضرت قائم علیه السلام همراه شده‌اند؟! این خبر به مسلمانانی که به ما ایمان ندارد، نیز می‌رسد و شیعیان را استهزاء می‌کنند و می‌گویند: «ای گروه شیعیان، چه قدر دروغگو

۱. رک: سفیانی، بیداء.

۲. نحل / ۲۸.

هستید، اکنون که دولت شما برقرار شده است، باز هم از دروغ‌گویی دست برنمی‌دارید؟ به خدا قسم آنان زنده نشده‌اند و برانگیخته نشده‌اند» خداوند در این آیه سخن آنان را حکایت می‌کند، نه سخن مشرکین را.

سوره نمل

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾؛^۱ (یا آن

کسی که دعای مضطربان را به اجابت می‌رساند و رنج را از آنان برطرف می‌سازد و شما را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد)

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه‌ی شریفه درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند که او همان «مضطرب» است که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام، در مسجد الحرام به جای می‌آورد و خداوند را می‌خواند، سپس پروردگار او را اجابت می‌نماید و گرفتاری او را برطرف می‌سازد و آنان را در زمین خلیفه و جانشین خود می‌سازد.^۲

﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ * وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾؛^۳ (زمانی که وعده‌ی عذاب کافران به وقوع بپیوندد، جنبنده‌ای از زمین برآوریم که با مردم سخن می‌گوید، به راستی که مردم به نشانه‌های ما یقین ندارند. روزی است که از هر دو امت گروهی را که نشانه‌های ما را دروغ می‌پنداشتند برمی‌انگیزانیم و آنان را برای سؤال و جواب باز خواهیم داشت) این آیات درباره‌ی وقوع رجعت در زمان قیام حضرت قائم علیه السلام است. در آن روز دابة الارض یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام دوباره به دنیا باز خواهد

۱. نمل / ۶۲.

۲. تفسیر قمی.

۳. نمل / ۸۲ - ۸۳.

گشت و گروهی از مؤمنان و برخی از کافران نیز زنده می‌شوند و کفار به جزای اعمال ناشایست خود خواهد رسید.^۱

سوره نور

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۲ (خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و عمل صالح پیشه می‌سازند وعده داده است که آن‌ها را در زمین نماینده‌ی خود گرداند، آنگونه که در گذشته نیز افرادی را جانشین خود ساخته بود و دینشان را برای آنان برمی‌گزیند و ثابت می‌دارد و ترسشان را به امنیت مبدل می‌سازد و این افراد کسانی‌اند که هیچ‌گاه به من شرک نیاورده‌اند) این آیه نیز درباره‌ی حضرت مهدی موعود علیه السلام و یاران اوست که پس از ظهور مالکان زمین خواهند بود و از سوی خدا حکومت خواهند کرد و جانشین الهی قائم آل محمد علیهم السلام است.^۳

سوره هود

﴿وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ﴾^۴ (زمانی که ما عذاب کافران را تا رسیدن آن عده مشخص به تأخیر انداختیم، آنان می‌گویند: چه چیز موجب تأخیر عذاب شده است؟ اما بدانید! زمانی که عذاب آنان فرا رسد هرگز آن عذاب از آنان برداشته نخواهد شد و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرا خواهد گرفت)

۱. تفسیر قمی، رک: دابة الارض، رجعت.

۲. نور / ۵۵.

۳. تفسیر قمی.

۴. هود / ۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أمة معدودة» افراد مشخص و شمارش شده، یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام هستند که سیصد و سیزده نفر هستند و این عذابی که از کافران به تأخیر افتاده است، عذابی است که پس از قیام قائم علیه السلام آنان را گرفتار خواهد کرد.^۱

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾^۲ (محققاً ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم، آنگاه در آن اختلاف کردند و اگر مشیت سابقه‌ی حق تعالی نبود، میان آنان حکم می‌شد و این مردم همیشه در شک هستند و بر تردید دچارند).

امام باقر علیه السلام فرمود: این امت نیز مانند بنی اسرائیل درباره‌ی معانی قرآن اختلاف خواهند کرد چنانکه درباره‌ی کتابی که همراه حضرت قائم علیه السلام است نیز اختلاف می‌کنند و بسیاری از مردم آن کتاب را انکار خواهند کرد و حضرت قائم علیه السلام تمام منکران را گردن خواهد زد و اگر حضرت قائم علیه السلام رعایت مشیت الهی را نمی‌نمود یک تن از آنان را باقی نمی‌گذاشت.

سوره یونس

﴿وَيَقُولُونَ لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾^۳ ([آن کافران از روی] می‌گویند: کاش نشانه‌ای از پروردگارش بر او فرود می‌آمد، اما تو بگو همانا غیب مخصوص خداست، انتظار بکشید که من هم همراه شما به انتظار نشسته‌ام).

۱. تفسیر قمی.

۲. هود / ۱۱۰.

۳. رک: بقره / ۱. رک: آرماگدون.

قریسا

یکی از نشانه‌های آخرالزمان که پیش از خروج سفیانی در سوریه به وقوع می‌پیوندد، جنگی بزرگ در منطقه قرقیسا می‌باشد. قرقیسا شهری است که در ساحل رودخانه فرات در عراق قرار دارد. در این سرزمین میان چند گروه باطل نبردی سخت رخ خواهد داد. میان لشکرهای بنی‌العباس و بنی‌مروان و قبیله قیس که خداوند پیروزی را شامل هیچ کدام از آنان نخواهد کرد و هیچ کدام از این گروه‌ها نمی‌توانند دیگری را شکست بدهد. بنابراین در این جنگ افراد زیادی به هلاکت خواهند رسید. این جنگ چنان دشوار است که جوانان نیرومند را پیر نموده و از پای خواهد انداخت. جنگی که از ابتدای خلقت تا کنون نظیری نداشته است و خداوند به پرنندگان و درندگان دستور می‌دهد که بروید و از جسد ستمکاران سیر شوید. سپس سفیانی در سوریه از دمشق قیام می‌کند. در آنجا با دو لشکر ابقع و اصبه به نبرد می‌پردازد و هر دو را تار و مار می‌کند و پس از پیروزی بر این دو لشکر با سرعت تمام به سوی عراق یورش می‌برد و از آن جمله به شهر قرقیسا می‌رود و در طی جنگی صد هزار نفر دیگر از مردم ستمکار آن ناحیه را به قتل می‌رساند.^۱

قریش

قریش نام قبیله‌ای معروف از قبایل عرب حجاز است. آنان در مکه می‌زیستند و بنی‌هاشم که پدران رسول خدا ﷺ جزو آن خانواده بودند، یکی از شاخه‌های قریش است. رسول خدا ﷺ بیشترین آزارها را در دوران پیامبری خود، از قریش متحمل شد. قریش تا سال‌های پایانی زندگی رسول خدا پیوسته به مخالفت و جنگ با حضرت محمد ﷺ پرداخت و هیچ‌گاه به پیروی از رسول خدا گردن ننهاد، مگر زمانی که

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۲۲۷، ۲۵۱ و غیبت نعمانی: ص ۲۷۸ و ۲۸۰ و یاقوتی: ص ۵۶۸.

لشکر اسلام مکه را فتح کرد و آنان مجبور به اطاعت از رسول خدا شدند. قریش این کینه‌ی قدیمی را فراموش نکرد و همواره در نفاق به سر می‌برد تا زمانی که پس از رسول خدا زمینه را برای کارشکنی مهیا دید. سپس سر ناسازگاری و کارشکنی را بنا نهاد و این مخالفت‌ها را از خانواده رسول خدا شروع کرد. حضرت زهرا علیها السلام و جناب محسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام اولین قربانیان این حادثه‌ها بودند. این کینه‌ها همیشه ادامه داشت و تمام ائمه علیهم السلام بر اثر این مخالفت‌ها به شهادت رسیدند. بنی امیه و بنی العباس از خویشاوندان قریشی رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که پس از رسول خدا خلافت را موروثی خویش نمودند و جنایاتی را درباره بنی هاشم مرتکب شدند که گوش از شنیدن آن همه شقاوت عاجز است. شهادت امام حسین علیه السلام اوج این جنایات بود که در همیشه‌ی تاریخ جاودانه ماند. از این رو در روایاتی که درباره رفتار حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور با قریشیان وارد شده است، ما شاهد سخت‌گیری‌های فراوانی هستیم.

امام باقر علیه السلام به جناب محمد بن مسلم می‌فرماید: اگر مردم می‌دانستند که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور خود چه کشتارهایی را انجام خواهد داد، آرزو می‌کردند که هیچ‌گاه آن حضرت را نمی‌دیدند. بدانید که قائم علیه السلام ابتدا سراغ قریش خواهد رفت و حق را با شمشیر از آنان می‌گیرد و با شمشیر در میان آنان اجرا می‌کند. تا جایی که مردم (از بسیاری کشتار زبان به اعتراض گشوده و) می‌گویند: به درستی که اگر این شخص از آل محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بود، رحم می‌نمود.^۱

در حدیثی امام صادق علیه السلام به عبدالله مغیره فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، پانصد نفر از قریش را به پا داشته و سر از تنشان جدا می‌کند و این کار را شش بار تکرار می‌کند، راوی تعجب نموده و گفت: آیا تعداد آنان به این اندازه می‌رسد؟!

حضرت فرمود: آری! حضرت خودشان و دوستان آنها را خواهد کشت. در روایتی دیگر به همین مضمون امام حسین علیه السلام به شخصی فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید پانصد نفر از قریشیان را پیش کشیده و گردن می‌زنند، و سپس پانصد نفر دیگر و باز پانصد نفر دیگر را نیز به همان گونه خواهد کشت.^۱

قسط

ر.ک: عدل

قسطنطیه^۲

«قسطنطیه» نام عربی شهر «کنستانتین» است که امروزه به استانبول مشهور است و در ترکیه قرار دارد. این شهر زمانی پایتخت روم شرقی بوده است و به کشورهای لبنان، سوریه و فلسطین حکمفرمایی می‌کرده است. این شهر در ساحل دریای مرمره در کنار تنگه «بفر» قرار دارد. در این شهر در آخر الزمان و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام میان لشکر امام زمان و لشکر روم برخوردی خواهد بود و در پایان به دست لشکریان حضرت فتح می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قطعاً قسطنطیه به تصرف مسلمانان در خواهد آمد و حاکمی درستکار بر آن حکم فرمایی خواهد نمود و لشکریانی خوب خواهد داشت.^۳

رسول خدا فرمود: شهری است که نام آن قسطنطیه است، از یک طرف به دریا و از طرف دیگر به صحرا مشرف است. زمان ظهور نمی‌رسد مگر هنگامی که هفتاد هزار نفر از قبیله بنی اسحاق برای تصرف آن شهر جنگ کنند و زمانی که (آن را فتح نموده و)

۱. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۲۷ و غیبت نعمانی: ص ۲۳۵.

۲. ر.ک: روم.

۳. یاتی: ص ۵۷۳.

داخل شهر شوند، شمشیر و تیر و کمان را کنار گذاشته و جنگ نمی‌نمایند، بلکه «لا إله الا الله والله أكبر» می‌گویند و یک طرف شهر که به بیابان مشرف است ویران می‌شود، دیگر بار این جمله را تکرار می‌کنند و طرف دیگر شهر خراب می‌شود، سومین بار که این جمله را می‌گویند، شکافی در میان شهر ایجاد می‌شود. لشکریان داخل شهر می‌شوند و مشغول جمع کردن غنایم و تقسیم آنها می‌شوند. ناگاه صدای شیون و ناله‌ای بلند می‌شود که می‌گوید: دجال خروج کرده است. لشکریان نیز همه چیز را وانهادند و از شهر بیرون می‌آیند و برمی‌گردند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: لشکر حضرت به قسطنطنیه می‌رسند و آن شهر را به مدد الهی و معجزات تصرف می‌کنند و غنیمت‌های فراوانی به دست می‌آورند. آنان اولیای خدا هستند و خداوند آنان را از ابتلا به مرض و درد و مرگ رهانیده است. سپس خداوند حضرت عیسی عليه السلام را نازل می‌کنند و آنان در رکاب او با دشمنان می‌جنگند.^۲

امیرالمؤمنین عليه السلام در حدیثی طولانی فرمود: حضرت مهدی عليه السلام با کسانی که همراه او هستند در قسطنطنیه، تخت‌گاه پادشاه روم، فرود می‌آیند. از شهر قسطنطنیه سه گنج بیرون می‌آورد، گنجی از جواهرات و گنجی از طلا و گنجی از نقره و تمام آن را میان افراد لشکر خود تقسیم می‌نماید.^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: شورش و جنگ بزرگ و فتح قسطنطنیه و خروج رجال در طی هفت ماه ظاهر می‌شوند.^۴

۱. همان.

۲. ملاحم: ص ۸۲.

۳. یاتی: ص ۵۷۴.

۴. همان.

قضاوت

قضاوت در محاکم اسلامی مبتنی بر علم و ادعای مدعی و اقامه‌ی گواهانی است که بر صحت ادعای او شهادت بدهند. اما در جامعه‌ای که بعضی افراد با پیروی از شیطان و نفس گاهی بر خلافت حقیقت عمل می‌کنند، نمی‌توان عدالت را صد در صد اجرا کرد، زیرا در بسیاری از موارد به طوری مطلب پوشیده است که نه قاضی و نه دیگران نمی‌توانند حقیقت را از غیر آن تشخیص دهند. در اینجا است که لزوم وجود علم الهی در اجرای عدالت محض مشخص می‌شود. بنابراین در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، آن جناب با استفاده از علم الهی و اطلاع از حقایق امور قضاوت می‌نماید، و احتیاجی به اقامه‌ی شاهد و گواه نمی‌باشد، بنابراین دیگر جایی برای فریب، مخفی‌کاری، و نفاق باقی نمی‌ماند.

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام کند. مانند حضرت داود و حضرت سلیمان قضاوت می‌کند و برای صدور حکم شاهد نمی‌طلبد^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام (حتی اطرافیان حضرت از عدالت وی مستثنی نخواهند بود و کسی نمی‌تواند از نزدیک بودن به حضرت سوء استفاده نموده و منافق گونه عمل کند تا جایی که) شخصی در حضور آن جناب مشغول دستور دادن به این و آن است. حضرت دستور می‌دهد او را پیش آرند و گردنش را بزنند (و به علم خود به خاطر نفاق درونی‌اش او را مجازات خواهد کرد و تقرب او به حضرت او را از مجازات نجات نخواهد داد). در آن روز هر موجودی در شرق و غرب دنیا از (عدالت) حضرت بیم‌ناک خواهد بود (و سعی می‌کند خطایی را مرتکب نشود)^۲

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۹۷ و یاتی: ص ۵۲۶.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۴۰ و یاتی: ص ۵۲۷.

شخصی از امام حسن عسکری علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام سؤال کرد. حضرت پاسخ داد: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، مانند حضرت داوود علیه السلام به دانش و علم خود در میان مردم دادرسی می‌کند، و از کسی بی‌نه و گواه نمی‌طلبد.^۱

کعب روایت می‌کند زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند به غار انطاکیه رفته و کتاب تورات و انجیل را از غاری در آن شهر بیرون می‌آورد و در میان یهودیان و مسیحیان با کتاب خودشان (و احکام آن) قضاوت می‌کند.^۲

در حدیثی امام باقر علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمودند: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، امری نو پدیدار می‌شود و سنت تازه می‌شود و قضاوتی جدید خواهد کرد و تحمل این کار بر اعراب بسیار دشوار خواهد بود.^۳

در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید به انطاکیه رفته و کتاب‌های آسمانی را از آن غار خارج می‌نماید و در میان پیروان موسی علیه السلام با احکام تورات و در بین مسیحیان با دستورات انجیل و بر اهل زبور (که پیروان حضرت داوود علیه السلام هستند) با آیات زبور قضاوت خواهد نمود و بر مسلمانان نیز با قرآن حکم خواهد کرد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌نماید به گونه‌ای قضاوت می‌کند که حتی برخی از یاران پا در رکابش نیز تحمل آن را ندارند و روی گردان می‌شود و اعتراض می‌کنند. زمانی که حضرت به روش حضرت آدم علیه السلام قضاوت می‌نماید، برخی منکر می‌شوند و حضرت آنان را مجازات نموده و می‌کشد. سپس به

۱. کافی؛ ج ۱، ص ۵۰۹.

۲. ملاحم؛ ص ۶۷.

۳. یأتی؛ ص ۵۵۰.

۴. غیبت نعمانی؛ ص ۲۲۷.

روش حضرت داود علیه السلام قضاوت می‌کند و باز هم گروهی کافر می‌شوند و کشته می‌شوند. حضرت قضاوتی نیز به سیره‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام می‌کند، برخی روی گردان می‌شوند و کشته می‌شوند. آن‌گاه حضرت به روش حضرت محمد صلی الله علیه و آله داوری می‌نماید و دیگر کسی لب به اعتراض نمی‌گشاید.^۱

قطب^۲

قطب یکی از القاب و نام‌های حضرت مهدی علیه السلام است. قطب اسم محوری است که سنگ آسیا به دور آن می‌گردد و نیز به معنی سپه سالار و مهتر جماعت هم گفته‌اند. و از این روی نام حضرت را قطب نهاده‌اند که وجود تمام کائنات به واسطه امام عصر ارواحنا فداه مستمر است و اگر قطب از میان مخلوقات بیرون شود، شیرازه گردش موجودات از هم می‌گسلد و نظام خلقت به هم می‌خورد، آن‌گونه که اگر محور میانی آسیا را بردارند، گردش آسیا از کار بیفتد. امیرالمؤمنین علیه السلام امام را این‌گونه تشبیه فرموده‌اند: «مثل الامام كالقطب من الرحى» مثل امام در میان مخلوقات مانند محور آسیا به سنگ آن است.

قم

قم شهری معروف در ناحیه مرکزی ایران است این شهر از دیرباز وجود داشته است و پس از ظهور اسلام و امامت ائمه هدی علیهم السلام پناهگاه دوستان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام بوده است در روایات زیادی از این شهر به نیکی یاد شده است و دستور داده شده است که در زمان فتنه و بلا به این شهر پناهنده شوند. مهمترین ویژگی این شهر که شرافت

۱. انبات الهداة: ج ۳، ص ۵۸۵.

۲. رک: ابدال.

قم در حقیقت بدان بستگی دارد، فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است؛ حضر فاطمه معصومه علیها السلام که با هجرت ایشان و سپس قبر مطهر آن مخدره در قم شرافت‌بخش این سرزمین می‌باشد.

گروهی از ناحیه‌ی ری به خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدند و خود را معرفی نمودند، اما حضرت فرمود: آفرین به برادران ما از قم! این گفتن و این جواب چندین بار میان آن گروه و حضرت تکرار شد؛ سپس حضرت فرمود: همانا خداوند را حرمی است که مکه می‌باشد و حرم رسول خدا مدینه است و امیرالمؤمنین را حرمی است که کوفه می‌باشد. حرم ما اهل بیت نیز شهر قم است به زودی در آن سرزمین دختری از فرزندان من به خاک سپرده می‌شود که نامش «فاطمه» است. هر کس که او را زیارت نماید بهشت سزاوار او خواهد بود. راوی می‌گوید: این سخن را امام صادق علیه السلام زمانی فرمود که هنوز حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به دنیا نیامده بود! و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما جملگی به واسطه‌ی شفاعت حضرت معصومه علیها السلام به بهشت خواهند رفت!^۱

شهر قم در آخرالزمان جایگاهی بسیار ویژه خواهد داشت، زیرا در روایات از این شهر به عنوان پناهگاه مؤمنین و مرکز تدریس و نشر علوم دینی یاد شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به زودی مؤمنی در شهر کوفه یافت نخواهد شد و «علم» همانند ماری که در سوراخ بخزد، در این شهر فرو خواهد رفت، و سپس از شهر قیم سر برخواهد آورد. شهر قم معدن علوم و فضایل خواهد شد و علم را چنان گسترش می‌دهند که هیچ فرد ناآگاهی در روی زمین باقی نخواهد ماند، حتی زنان و دختران پرده‌نشین نیز از دین اسلام آگاه خواهند شد. این حوادث هنگامی خواهد بود که ظهور

۱. بحار الانوار: ج ۶۰، ص ۲۱۸ و ۲۱۶ و یاتی: ص ۵۷۸ و ۵۸۰.

حضرت قائم علیه السلام نزدیک شده باشد. خداوند این شهر و مردمان (عالم) آن را جانشینان حجت خود بر روی زمین قرار داده است و اگر چنین نبود، زمین، ساکنان خود را فرو می‌برد و حجتی باقی نمی‌ماند. علم از این شهر به سایر نقاط زمین گسترش می‌یابد و همگان به دین حق آگاهی پیدا خواهند نمود و حجتی الهی بر آنان تمام خواهد شد. آنگاه خداوند حضرت قائم علیه السلام را ظاهر خواهد کرد و مردم گرفتار خشم و عذاب الهی خواهند شد، زیرا اگر مردم حجت الهی را انکار کنند، قطعاً از سوی خدا مجازات می‌شوند. (از این عبارت می‌توان دریافت که علمای قم دین اسلام را در نقاط مختلف جهان به گوش مردم خواهند رساند، اما طبق شیوهی همیشگی تاریخ مورد استقبال همگان قرار نمی‌گیرد و از این رو برخی آن را انکار می‌کنند و دچار عذاب‌های الهی خواهند شد)^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: فرشته‌ای در آسمان قم یکسره بال گسترانیده است که اگر فردی ستمگر بخواهد به این شهر آسیبی برساند، او را چنان که نمک در آب حل می‌شود به هلاکت برساند. آنگاه حضرت به یکی از اهالی قم به نام عیسی بن عبدالله، که در مجلس حاضر بود اشاره نمود و فرمود: سلام خداوند بر قم! خدا باران رحمت بر سرزمینشان ببارد و برکت‌ها را بر آنان فرو فرستد و گناهانشان را به حسنات مبدل گرداند. آنان اهل سجود و قیام و قعود هستند، آنان دین شناس و عالم و خردمند هستند و احادیث را خوب می‌فهمند و به نیکی بازگو می‌کنند و عبادت‌های الهی را به خوبی به جای می‌آورند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی زمانی فرا خواهد رسید که قم و اهل آن بر همه

۱. بحار الانوار: ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۲. همان.

مردم حجت باشند و این در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام است و تا زمان ظهور حضرت نیز خواهد بود و اگر چنین نبود، زمین ساکنان خود را فرو می‌برد. فرشتگان الهی بلاها را از این شهر و مردمش دور می‌سازند و هر ستمگری که آهنگ آسیب زدن به این شهر کند، خداوند کمرش را شکسته و مصیبت یا دشمنی را برمی‌انگیزد که او را مشغول سازد و شهر قم را از خاطره پادشاهان ستمگر می‌برد، آن‌گونه که ستمکاران نیز خدا را فراموش کرده‌اند.^۱

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: سرزمین قم، سرزمین پاک و نیکو است. اهل قم از ما اهل بیت هستند و ما نیز با آنان خواهیم بود. هر ستمگری که اراده کند به قم گزند برساند، به زودی به هلاکت خواهد رسید. البته این شرایط تا زمانی خواهد بود که اهل قم به برادران (دینی) خود خیانت نورزند و اگر نه خداوند نیز ظالمان را بر آنان چیره خواهد کرد. آگاه باشید که اهالی قم حضرت قائم علیه السلام را یاری خواهند کرد و حق ما اهل بیت را به جای خواهند آورد. سپس حضرت دست مبارک را به سوی آسمان برد و دعا نمود: بار خدایا! آنان را در فتنه‌ها محافظت نما و از هر سختی و بلا نجاتشان بخش.^۲

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: شهر قم خانه و پناهگاه آل محمد علیهم السلام است و جایگاه شیعیان ماست. ولی برخی از جوانان در این شهر به خاطر گناهی که پدرانشان مرتکب می‌شوند به هلاکت می‌افند زیرا آنان بزرگان خود را استهزا می‌کنند. اما خداوند (رحمت خود را از آنان دریغ نمی‌دارد) و گزند دشمنان و بلاها را از آنان دور می‌سازد.^۳

۱. همان: ص ۲۱۳.

۲. همان: ص ۲۳۱.

۳. همان: ص ۲۲۸.

از امام صادق علیه السلام سؤال نمودند که در زمان فتنه به کدام سرزمین پناه ببریم؟ حضرت فرمود: به کوفه و نواحی اطراف آن و شهر قم حومه‌ی آن، زیرا شیعیان و دوستان ما در قم به سر می‌برند و مردم از مناطق مختلف به این شهر روی آور خواهند شد و این شهر بسیار بزرگ و گسترده می‌شود.. و در حدیثی دیگر فرمود: جایگاهی که به اندازه بستن یک اسب می‌باشد به قیمت هزار مثقال نقره خرید و فروش شود.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه گرفتار دشواری‌ها و رنج‌ها شدید، به سوی قم پناهنده شوید، زیرا قم جایگاه سادات و دوست‌داران عترت رسول خداست و مکانی است که مؤمنان در آن آسایش خواهند داشت...^۲

صفوان خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شده بود و صحبت از اهالی قم و اشتیاق آنان به حضرت مهدی علیه السلام پیش آمد؛ آنگاه حضرت فرمود: آفرین بر اهالی قم! خداوند از آنان راضی شود. همانا بهشت را هشت در است که یکی از آنان مخصوص آنان است و آنان بهترین شیعیان ما در سرتاسر گیتی هستند، زیرا خداوند گل آنان را با دوستی ما سرشته است!

در حدیث دیگری فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، قمی‌ها جمع خواهند شد و به سوی حضرت قائم علیه السلام خواهند شتافت و او را یاری می‌کنند و در رکابش خواهند بود؛ از این رو نام این شهر «قم» می‌باشد. (زیرا قم و قیام و قائم از یک ریشه لغوی می‌باشد)^۳

امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کرده و فرمودند: «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا

۱. همان: ص ۲۱۵ و ۲۲۸.

۲. همان: ص ۲۱۴.

۳. همان: ص ۲۱۶.

عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا^۱ (آنگاه که زمان یکی از دو وعده‌ی ما فرا رسید، بندگان بسیار نیرومند را به سوی آنان فرستادیم که خانه به خانه دنبال آن ستمگران بگردند، و به یقین این وعده‌ای است که روی خواهد داد) به خدا سوگند که این افراد نیرومند اهل قم هستند و سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند. و در حدیث دیگری امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: مردی از اهل قم قیام خواهد کرد و مردم را به سوی حق فرا می‌خواند. گروهی به یاری او برمی‌خیزند که چون پاره‌های آهن محکم و نیرومندند و با بادهای (فتنه) نلرزیده و از جای به در تروند، هرگز از نبرد سست نشوند و توکل آنان به پروردگارشان است و عاقبت نیک، فرجام پرهیزکاران خواهد بود.^۲

حسینی یکی از سرداران دوران غیب است که پیشاپیش قیام حضرت و اندکی قبل از ظهور به پا می‌خیزد، او سید جوانی است که از شمال ایران قیام خواهد کرد و به سوی حضرت مهدی علیه السلام دعوت می‌نماید. او در مسیر پیشروی خود به قم می‌رسد و با گروهی به جنگ خواهد پرداخت و مردم بسیاری کشته می‌شوند و در نهایت به شکست قمی‌ها خواهد انجامید. این حدیث با احادیث گذشته تعارضی نخواهد داشت زیرا در روایاتی که درباره‌ی اوضاع قم در آخرالزمان نقل شده است در شرایطی خاص امکان وقوع فتنه در این شهر داده شده است که با فرض ایجاد چنین شرایطی، شهر قم نیز از فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان در امان نخواهد بود.^۳

۱. اسرا/۵.

۲. همان.

۳. رک: سید حسینی.

قیام‌های پیش از ظهور^۱

ما می‌دانیم قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام، قیام‌هایی در سرزمین‌های اسلامی به وقوع خواهد پیوست. برخی از این قیام‌ها در روایات پیش‌گوئی شده است و برخی نیز به طور مجمل به آن‌ها اشاره شده است. از جمله قیام‌هایی که حتی قبل از به دنیا آمدن آن حضرت برپا شده است، می‌توان قیام توابین و قیام زید بن علی علیه السلام و قیام شهید فخر را که به خونخواهی حضرت سیدالشهدا و مطالبه حقوق اهل بیت علیهم السلام بوده نام برد. در دوران امامت سایر اهل بیت علیهم السلام نیز مکرر قیام‌های متعددی صورت می‌گرفته که تعدادی از آن‌ها توسط بنی‌هاشم و تعدادی توسط غیر بنی‌هاشم بوده است. زمانی که از ائمه علیهم السلام درباره این قیام‌ها سؤال می‌شد، ایشان با تعبیر مختلفی آن را توصیف می‌فرمودند. مثلاً درباره قیام ابومسلم خراسانی که بر علیه بنی‌امیه قیام کرد و سلسله آنان را برانداخت، ائمه نظر مثبتی نداشتند و زمانی که نامه ابومسلم نزد امام صادق علیه السلام آمد و از امام علیه السلام تقاضای همراهی کرده بود، حضرت نامه او را جواب نداد و نامه رسان را نیز از محضر خود بیرون راند.^۲ این واضح است، زیرا حکومت را کسی نمی‌تواند به ائمه هدی علیهم السلام بدهد بلکه حکومت، حقی است که خدا برای آنان مقرر ساخته است و افرادی نظیر ابومسلم گویا به واسطه این قیام و دادن حکومت به ائمه علیهم السلام، خود را در آن حکومت سهیم می‌دانسته‌اند، بنابراین حضرت با رد کردن دعوت او، فهماند که او نیت درستی ندارد. بعد از آن که حضرت ابومسلم را رد کرد، او هم به نزد بنی‌عباس رفت و حکومت را تسلیم ایشان کرد و با این کار درستی کلام امام صادق علیه السلام مشخص شد که او به دنبال قدرت طلبی است نه دنبال حقیقت و درستی. علاوه بر اینکه این گونه افراد

۱. رک: سید حسنی، خراسانی، شعیب بن صالح، یرجم، سفیانی، هاشمی، چین.

۲. روضة کافی: ح ۴۱۲.

بدون اجازه امام حی و حاضر به این‌گونه اعمال دست می‌زند و گویا خود را در مقابل امام صاحب نظر می‌دانستند!

نمونه دیگر زید بن علی بن الحسین علیه السلام است که امام صادق علیه السلام درباره ایشان به یاران خویش فرمود: قیام خود را با قیام زید بن علی علیه السلام مقایسه نکنید، زیرا زید مردی عالم و راستگو و درست کردار بود و مردم را به اطاعت از خود دعوت نمی‌کرد (و از قیام کردن، خیال حکومت برای خود در سر نمی‌پروراند) بلکه او یاران خود را دعوت به اطاعت از شخصی می‌کرد که از آل محمد علیهم السلام باشد و مورد رضایت خدا باشد (یعنی امام معصوم علیه السلام) و اگر در قیام خویش پیروز می‌شد قطعاً به وعده خود وفا می‌نمود (و حکومت را تسلیم امام معصوم علیه السلام می‌کرد) سپس فرمودند: ما شما را شاهد می‌گیریم که به قیام کسانی که برای دعوت مردم به سوی ما قیام می‌کند راضی نیستیم...^۱

بنابراین در روایات ما شاهد احادیثی هستیم که ما را به شدت از قیام کردن بازداشته‌اند و همواره ما را به خودداری توصیه نموده‌اند. البته این احادیث در میان فقها محل بحث‌های بسیار مفصلی بوده و هست.

برخی از علما به این روایات عمل می‌نمایند و دسته‌ای آن را حمل بر تقیه نموده یا به واسطه مخالفت مضمون این احادیث با دیگر مضامین دینی آن را مسکوت عنه گذاشته و به آن عمل نمی‌کنند.^۲

مثلاً در مقدمه صحیفه مبارکه سجادیه امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام هیچ شخصی از ما اهل بیت برای دفع ظلم یا گرفتن حق، قیام نکرده و قیام نخواهد کرد مگر اینکه بلاها بنیان او را برکند و باعث بیشتر شدن ناراحتی ما و شیعیان

۱. روضة کافی: ح ۲۸۱.

۲. رک: تقیه.

ما شود.

امام سجاد علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! هیچ یک از ما اهل بیت پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، به پا نمی‌خیزد مگر اینکه همانند جوجه‌ای می‌باشد که پیش از قوت گرفتن بالهایش از آشیانه پرواز کند، و بنابراین به دست بچه‌ها افتاده که با او بازی خواهند کرد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطبه‌ای خواند و فرمود: ای مردم! پس از من آرام گیرید و از گروهی اندک و خاص که از میان خاندان رسول خدا هستند پیروی نکنید،^۲ زیرا آنان در کار خود به مقصودشان نخواهند رسید، چون به توصیه‌ی من عمل نکردند و پیمان مرا شکستند. فردی از فرزندان حسین علیه السلام بر سرکردگی امیه در کوفه به پا می‌خیزد و بلا تمامی مردم را فرا خواهد گرفت. خداوند بهترین شخص از مخلوقات خود را مبتلا می‌سازد تا اینکه پاک و ناپاک از یکدیگر جدا شوند. در آن روز مردم از یکدیگر بیزار می‌جویند و این بلا تا جایی بر آنها طولانی خواهد شد که مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و آن بلا را برطرف می‌سازد. هر کس که از فرزندان من خروج کند و چون من رفتار نکند و به روش من عمل ننماید، من از او بیزار خواهم بود و قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر کسی از خاندان من خروج نماید کشته خواهد شد...^۳

امام باقر علیه السلام در روایتی به ابوجارود فرمود: تو را توصیه می‌کنم که پرهیزکاری پیشه کنی و آرام در خانه‌ات بنشینی و در فتنه‌های مردم شرکت نکنی و از کسانی که از میان

۱. وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۳۶.

۲. در روایت عبارت «شذاز من آل محمد» آمده که به معنی گروهی اندک از میان جمعی است که خلاف عرف عمل می‌کنند و در عقیده و رفتار تکروی دارند و از نسبی که به اهل بیت دارند سوء استفاده نموده و دنبال به دست آوردن اهدافی دست نیافتنی هستند و در این میان گروهی را نیز با خود گمراه می‌کنند.

۳. ملاحم: ص ۱۲۲.

خاندان رسول‌الله (بدون دوراندیشی و بینش سیاسی و دینی بر ضد بنی‌امیه) قیام می‌کنند دوری بجوی زیرا این گونه افراد نه درست عمل می‌کنند و نه به سوی حق هدایت می‌کنند. همانا بنی‌امیه چند سالی را حکومت خواهند نمود و تا وقتی اجل آنان سر نیاید، کسی نمی‌تواند حکومت آنان را زایل کند. برای اهل حق (یعنی اهل‌بیت رسول خدا ﷺ) هم سلطنتی خواهد بود و هرگاه زمان آن فرا رسد، خداوند آن را به شخصی از ما اهل‌بیت (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) خواهد داد. هر کس در زمان برپایی آن سلطنت زنده باشد پس با دولت علیّه‌ی ما همراه خواهد بود و اگر زنده نباشد و آن حکومت حق را درک نماید، به خیر و مصلحت خداوند وفات یافته است. بدان هر گروهی که برای عزت دین و برطرف کردن ستمی قیام کند گرفتار بلا و مرگ شده، مگر آن دسته از ملائک که با رسول خدا ﷺ در جنگ بدر شرکت نمودند، که نه مجروح شده، نه کشته می‌شوند و نه مدفون می‌گردند.^۱

در زمان اهل‌بیت علیهم السلام برخی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام بر ضد حکومت بنی‌امیه و بنی‌العباس قیام می‌کردند. مقداری از این افراد علاوه بر مخالفت با غاصبین حقوق اهل‌بیت علیهم السلام اعتراض‌هایی نیز به ائمه علیهم السلام داشتند و گویا خود را از ایشان آگاه‌تر بر زمانه و شرایط دوران می‌دانستند.

به امام صادق علیه السلام خبر قیام «محمد بن عبدالله بن حسن» را دادند، حضرت در ضمن بیان حدیثی قیام او را تأیید نمودند و فرمودند تا آسمان و زمین در آرامش هستند قیامی به وقوع نمی‌پیوندد. در ادامه این حدیث که از زبان مبارک امام رضا علیه السلام صادر شده است، حضرت به تفسیر بیان امام صادق علیه السلام می‌پردازند. از محتوای حدیث می‌توان فهمید که محمد بن عبدالله بن حسن گویا با این قیام قصد برپایی قیام کلی جهانی را

حضرت در بیان فرمایش امام صادق علیه السلام فرمود: «تا آسمان و زمین ساکن هستند خروجی در کار نخواهد بود» بدین معنا نیست که هیچ قیامی رخ نخواهد داد، بلکه بدین معناست که تا وقتی ندای آسمانی و فرو رفتن لشکر سفیانی (که دو علامت از نشانه‌های حتمی ظهور است) اتفاق نیفتد حضرت قائم علیه السلام قیام نخواهد کرد. بنابراین (اگر دنبال شرکت در قیام جهانی منجی آخرالزمان هستی) در خانه‌ات بنشین و ساکت باش تا زمانی که خبر خروج سفیانی و ندای آسمانی را بشنوی، آنگاه اگر چه پیاده هم بودی، به سوی ما بشتاب.^۱

در حدیثی امام سجاده علیه السلام فرمود: به زودی زمین از خون جوجه‌گانی از آل محمد علیه السلام رنگین خواهد شد زیرا پیش از وقت پرواز می‌کنند و چیزی را می‌طلبند که هنوز وقت آن فرا نرسیده است (یعنی قیام جهانی).^۲

می‌بینید که در این روایات سخن حضرت در منع از قیام، صریح و قاطع است. اما آن دسته از علمایی که به این‌گونه روایات عمل نمی‌کنند بر آنند که اگر حدیثی با قرآن و سایر احکام مسلم اسلامی موافق نبود باید کنار گذاشته شود و علم آن را به اهل بیت علیهم السلام واگذار کنیم و آن حدیث جزو احادیث متشابه خواهد بود. البته این بحث بسیار دقیق و مفصل می‌باشد که این مجال جای پرداختن به آن نیست و برای اطلاع بیشتر می‌توان به کتاب‌هایی که در این باره خصوصاً نوشته شده رجوع نمود.^۳

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: می‌بینم روزی را که گروهی از شرق دور از شهری به نام شیلا قیام می‌کنند و حق خویش را از چینی‌ها طلب می‌کنند، ولی چینی‌ها از آن

۱. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۸۸ و روضه کافی: ۴۵۲ و یاتی: ص ۲۲۷.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۹۹.

۳. رک: برجم.

امتناع می‌کنند. دوباره آن گروه حق خود را می‌طلبند اما چینی‌ها باز هم امتناع می‌ورزند. سپس آن گروه شمشیر از نیام می‌کشند و زمانی که چینی‌ها این را می‌بینند قبول می‌کنند که آنچه را مطالبه نموده‌اند، بدهند اما آن گروه قبول نکرده و بسیاری از چینی‌ها را خواهند کشت و پس از آن به سوی سرزمین ترک (شاید منظور ترکمن‌ها باشد) و هند می‌روند و آنجا را به تصرف درآورده و سپس به سوی خراسان روان می‌شوند. مردم خراسان در مقابل ایشان ایستادگی می‌کنند و آنان با زور بر آنها غلبه خواهند کرد و خراسان را به تصرف خود درمی‌آورند و در پایان می‌خواهند که سلطنت خود را به حضرت مهدی علیه السلام تسلیم کنند.^۱

۱. یاتی: ص ۱۸۴ و الزام الناصب: ج ۲، ص ۱۶۰.



کتاب جدید

(ر.ک: جدید)

کتاب‌های آسمانی

کتاب‌های آسمانی، به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر پیامبران گذشته وحی شده است. و دستورات خداوند بر آن امت در آن کتاب جمع بوده است. این کتاب‌ها جزو میراث انبیا بوده است که دست به دست رسیده تا اکنون که در دست حضرت مهدی علیه السلام است و آن جناب پس از ظهور، تمام کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد. البته کتاب‌های آسمانی که اکنون در دست بشر است از تحریف و نقصان مصون نمانده است و در آن اختلافات زیادی دیده می‌شود، و تنها در این میان کتاب آسمانی مسلمانان است که معجزه ابدی رسول خدا است و خداوند در آن وعده داده که از آن محافظت خواهد نمود.

اما کتاب‌هایی که حضرت قائم علیه السلام در زمان ظهور از غار انطاکیه خارج می‌کنند، کتاب‌هایی است که بر شخص پیامبران گذشته نازل می‌شده و هیچ‌گونه تحریفی در آن رخ نداده است.^۱

۱. ر.ک: انطاکیه، تورات، انجیل، زبور، قضاوت.

کرخ

نام منطقه‌ای از شهر بغداد است. جناب عثمان بن سعید یکی از نایبان امام زمان علیه السلام در غیبت صغری در آن محله می‌زیسته است و به خاطر تردد زیاد شیعیان و سکونت‌شان در این محله به محله شیعیان معروف شده بود. کرخ در زمان جناب عثمان بن سعید محل رفت و آمد شیعیان و نقطه ارتباط آنان با امام زمانشان بود و امام رضا علیه السلام به احمد بن زکریا فرمود: در کدام محله از بغداد ساکن هستی؟ عرض کرد: در کرخ. حضرت فرمود: کرخ نیکوترین محله است.^۱

یکی از نشانه‌های ظهور ساخته شدن پلی است در محله کرخ بغداد.^۲
(ر.ک: بغداد)

کسوف^۳

کسوف یعنی خورشید گرفتگی. خورشید گرفتگی پدیده آسمانی است که از آن در قرآن و روایات به نشانه‌ای از نشانه‌های الهی یاد شده است؛ و آن زمانی است که سیاره ماه میان زمین و خورشید قرار می‌گیرد و قسمتی از زمین در سایه فرو خواهد رفت و در آن بخش خورشید پنهان می‌شود. اکنون این پدیده در محاسبات نجوم قابل پیش‌بینی است. این رویداد سماوی از چنان دقتی برخوردار است که حکایت از نقطه بسیار پیچیده و دقیق میان اجرام آسمانی دارد و این خود دلیل قدرت خداوند و حکمت و علم گرداننده آسمان و زمین است. زیرا اگر اندکی تغییر در میان مدارهای موجود میان کرات و نیروی جاذبه آنان پدید آید به هیچ وجه نمی‌توان این رویداد را پیش‌بینی کرد و نظم نقطه میان این اجرام به هم خواهد خورد.

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۵۵.

۲. یأتی: ص ۱۱۸، ر.ک: بغداد.

۳. ر.ک: خورشید گرفتگی.

در روایات آخرالزمان خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی یکی از نشانه‌های آن دوران خواهد بود. البته این گرفتگی‌ها خلاف پیش‌بینی‌های منجمان و ستاره‌شناسان خواهد بود.

کشتار

کشتار یکی از واقعیت‌های مهمی است که در آخرالزمان به وقوع خواهد پیوست. شیعه و سنی کتاب‌های متعددی تحت عنوان «ملاحم» نوشته‌اند. در این کتاب‌ها از فتنه‌ها، از جمله جنگ‌ها و کشتارهای آخرالزمان یاد شده است. در احادیث آخرالزمان از کشتارها و مرگ و میرهایی صحبت می‌کند که در آن دو سوم مردم جهان از بین خواهند رفت این کشتارها و مرگ‌ها توسط جنگ، مریضی، زلزله، خسف و بلاهای آسمانی خواهد بود.^۱

اخبار حاکی از کشتار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، جنگ و کشتارهایی که قبل از ظهور واقع خواهد شد و کشتارهایی که پس از ظهور به وجود می‌آید. جنگ‌های پس از ظهور غالباً میان گروه حق و باطل است، اما جنگ و کشتارهای قبل از ظهور گاهی نیز میان دو گروه باطل واقع می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پادشاهی ستمگر و خونریز در بصره به حکومت می‌رسد و آنقدر خواهد کشت که آب را خون آلود کند که نتوان آن را نوشید...^۲

امام حسن علیه السلام فرمود: در بصره شمشیرهای بسیار از نیام بیرون کشیده خواهد شد و چشم‌های زیادی را گریان خواهد کرد و چه پرده‌های عفاف را که پاره کنند و چه غم‌هایی را که به پا کنند. ضعیفان هلاک شوند، ناتوانان خواهند مرد... سپس بادی دایمی

۱. رک: بیوح، فسق، قذف، مرگ، جنگ، قریش

۲. ملاحم: ص ۱۲۵.

و صدایی از آسمان خواهد آمد که مردم را به مرگ می‌کشاند...^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از جنگ جمل خطبه‌ای خواندند و در ضمن آن به مردمان بصره فرمود: سه بار این شهر با ساکنین آن ویران خواهد شد و مرتبه چهارم خدا آن را خراب خواهد نمود... فتنه‌های بزرگ یکی پس از دیگری در این شهر واقع خواهد شد که در یکی گروهی همدیگر را می‌کشند و... زنان اسیر شده و سرشان به گونه‌ای سخت از تن جدا خواهد شد... سپس مرگ سرخ بر شما فرود آید یعنی در آب غرق شوید.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ... در بصره سیل و طوفانی به پا خواهد شد که هر کس از جنگ جان سالم به در برده باشد از آن سیل و طوفان خواهد مرد، مگر کسانی که از بصره خارج شوند...^۳

رسول خدا فرمود: فتنه‌ای به شهر زوراء خواهد رسید که مردان و زنان بسیاری کشته خواهند شد و اموال زیادی به یغما برده می‌شود و حرمت‌های زیادی هتک خواهد شد...^۴

امام صادق علیه السلام در حدیثی خبر از کشته شدن هشتاد هزار نفر در ری می‌دهد که سرهاشان از تن جدا می‌شود.^۵

امام حسن علیه السلام فرمود: ... در اهواز زلزله‌هایی رخ خواهد داد که خانه‌هایشان تبدیل به قبرستان خواهد شد.^۶

امام جواد علیه السلام در حدیثی فرمودند: (زمانی که اصحاب خاص و یاران عام حضرت

۱. همان: ص ۱۲۶.

۲. بحار الانوار: ج ۶، ص ۲۲۴.

۳. ملاحم: ص ۱۲۵.

۴. همان: ص ۱۲۷.

۵. یاقوتی: ص ۳۱۰.

۶. ملاحم: ص ۱۲۶.

مهدی علیه السلام تکمیل شود) او پیایی به جنگ خواهد پرداخت و به قدری کشتار خواهد نمود که خداوند راضی شود...^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: پس از رحلت من دچار چهار فتنه خواهید شد که در آنها ریختن خون‌ها حلال شمرده می‌شود و کشتار زیادی واقع خواهد شد...^۲

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اگر مردم می‌دانستند که حضرت قائم علیه السلام پس از قیام چه خواهد کرد، بیشتر آنها دوست داشتند که او را نینند، زیرا او مردم بسیاری را خواهد کشت و اولین کسانی را که به قتل می‌رساند از قبیله قریش هستند، سر و کار او با قریش فقط با شمشیر خواهد بود، تا جایی که مردم می‌گویند: اگر این شخص از خاندان رسول خدا بود رحم می‌نمود!^۳

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید به روش رسول خدا با مردم (به مماشات و منت و مهربانی و گذشت) رفتار نخواهد کرد... بلکه با شمشیر رفتار می‌نماید زیرا او از جانب خدا مأمور بدین کار است و توبه‌ای را نخواهد پذیرفت...^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام هرج فراوان شود و هرج یعنی قتل و کشتار.^۵

در روایتی امام باقر علیه السلام از وقوع جنگی در چین خبر می‌دهد: این جنگ میان گروهی از شرق از شهری به نام شیلا و میان چینی‌ها خواهد بود که در آن بسیاری از چینی‌ها

۱. تفسیر کنز الدقائق: ج ۱، ص ۳۷۰. رک: یاران حضرت مهدی *

۲. موعودنامه: ص ۲۵۲.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۳۳ و یاتی: ص ۵۴۹.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۵. یاتی: ص ۱۷۴.

کشته می‌شوند.^۱

در حدیثی امام باقر علیه السلام به جابر خبر از کشتاری بزرگ در بین حیره و کوفه می‌دهد، که این کشتار پیش از قیام حضرت واقع خواهد شد.^۲

در چندین حدیث یکی از نشانه‌های پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام را رواج کشتار و بی‌اهمیت شدن خون‌ریزی دانسته‌اند.^۳

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا این سخن مرجئه که می‌گویند: «در زمان ظهور، حتی به اندازه یک حجامت خون ریخته نخواهد شد» درست است؟ حضرت پاسخ داد: هرگز درست نیست! سوگند به آن خدایی که جان من به دست اوست، اگر قرار بود بدون سختی و مشقت درست شود، همانا برای رسول خدا نیز این گونه درست می‌شد و دندان‌های پیشین او (در جنگ احد) نمی‌شکست و صورت مبارک او زخمی نمی‌گشت؛ هرگز! (ظهور حضرت و قیام آن جناب) برپا نمی‌شود مگر پس از زمانی که عرق و خون لخته شده را (بر اثر شدت جنگ و کشتار و خون‌ریزی) از پیشانی خود پاک کنید.^۴

کعبه^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، مسجد الحرام و مسجد النبی را خراب کرده و به حالت اولیه و بنیان اصلی آن از نو می‌سازد و کعبه را نیز به جایگاه اصلی خود قرار می‌دهد.^۶

۱. الزام الناصب: ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. ارشاد مفید: ص ۳۶۰ و یاتی، ص ۵۲۰.

۳. یاتی: ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۴.

۵. رک: حبشه: بنی شیبه، رکن و مقام، حجر اسماعیل، مسجد الحرام

۶. غیبت طوسی: ص ۲۸۲.

کف دست

کف دست یکی از پنج نشانه‌ی حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. مردم آشکارا این کف دست را در آسمان خواهند دید که اشاره می‌کند و صدایی شنیده می‌شود که می‌گوید: امیر شما و برگزیده‌ی خلق خدا، حضرت مهدی علیه السلام است، به سوی او بروید، همانا اولیای خدا یاران او خواهند بود.^۱

یاران حضرت قائم علیه السلام قدرتی فوق‌العاده در کف دست خود خواهند داشت. حضرت مهدی علیه السلام تعدادی از یاران خود را به حکومت نواحی مختلف زمین منصوب خواهد کرد و به آنان می‌فرماید: پیمان میان ما در کف دست تو قرار دارد، پس اگر در جایی به مشکل برخوردی که حکم آن را نمی‌دانستی، پس بر کف دست خود نگاه کن و هرچه در آن مشاهده نمودی عمل کن.^۲

کفش‌های حضرت

ر.ک: جامه حضرت

کنیه‌ی حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: اسما و القاب حضرت مهدی علیه السلام

کوفه^۲

کوفه شهری بزرگ در مراکز عراق بوده است و مدتی پایتخت و مرکز فرماندهی آن محسوب می‌شده است. از زمانی که کوفه به عنوان دار‌الخلافة امیرالمؤمنین علی بن ابی

۱. ملاحم: ص ۶۲ - ۶۰

۲. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۳. ر.ک: ارمینیه.

طالب علیه السلام قرار گرفت، این شهر موقعی ویژه به خود گرفت و پس از آن نیز مرکز رفت و آمد و سکونت شیعیان و دوست‌داران اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. هرچند اهل کوفه در یاری رساندن به امیرالمؤمنین و اهل بیت رسول خدا بسیار کوتاهی از خود نشان دادند، اما در این میان نیز گوهرهایی از شیعیان ناب نیز یافت می‌شود. در طول امامت ائمه علیهم السلام این شهر خواستگاه محدثان و قاریان فراوانی از شیعیان بوده است و علاوه بر مرکزیت سیاسی، مرکزیت علمی و فرهنگی منطقه‌ی عراق نیز به حساب می‌آمد سرزمین کوفه سرزمینی مقدس است که پیامبران و اولیا و اوصیای فراوانی در آن بوده‌اند. بنای مسجد کوفه و مسجد سهله در این شهر از آبنیه‌ی بسیار مهم و ارزشمند نزد شیعیان است. این شهر در آخرالزمان مرکز تاخت و تاز و جنگ‌های مختلف خواهد بود و پس از فتنه‌ها و کشتارها و نبردهای فراوان، آرام خواهد گرفت و به مرکز حکومت جهانی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه تبدیل خواهد شد. در روایتی مرحوم سید بن طاووس در کتاب ملاحم، کوفیان را خوشبخت‌ترین افراد یاد می‌کند زیرا حضرت مهدی علیه السلام به این شهر خواهد آمد و در آن رحل اقامت خواهد افکند.^۱

هرچند در روایات از کمرنگ شدن حوزه‌ی علمیه‌ی کوفیان خبر وارد شده، اما در زمان ظهور حضرت دوباره پایگاه فراگیری علوم قرآنی خواهد شد. در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام یاد می‌کند که در مسجد کوفه مردم گروه گروه جمع می‌شوند و به آموزش و یادگیری قرآن با تأویل‌ها و تفاسیر ناب و حقیقی می‌پردازند.^۲

یکی از مزیت‌های شهر کوفه نسبت به شهرهای دیگر، وجود مسجد سهله در این شهر است، این مسجد، منزل بسیاری از پیامبران بوده است و اولیا و اوصیای زیادی در

۱. ملاحم: ص ۱۸۰.

۲. رک: قرآن.

آن نماز گزارده‌اند. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ایشان با اهل و عیال خود به این مسجد وارد می‌شوند و آن را محل سکونت خود و اهل بیت خود قرار خواهد داد و پس از ایشان نیز ائمه علیهم السلام یک یک رجعت نموده و در آن ساکن خواهند شد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: پس از حرم امن الهی و مدینه النبی، با فضیلت‌ترین زمین‌ها، شهر کوفه است که شهری پاک و منزّه است و انبیا و اوصیا و صالحان فراوانی در آن به خاک سپرده شده‌اند. در این شهر مسجد سهله قرار دارد که تمام پیامبران در آن به اقامه‌ی نماز پرداخته‌اند. در این مسجد برقرار کننده‌ی عدل الهی ظهور می‌نماید و حضرت قائم علیه السلام در این مسجد خواهد بود و امامانی که پس از او (رجعت نموده) و حکومت می‌نمایند نیز در این مسجد به سر خواهند برد. کوفه خانه‌ی پیامبران و جانشینان شایسته‌ی آنان است.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه با یاران خود نشسته بودند که فرمود: ای کوفیان! خداوند به شما موهبتی را ارزانی داشته که به هیچ کس مانند آن را نبخشیده است، و آن مسجدی است که در آن نماز می‌گزارید. این مسجد خانه‌ی حضرت آدم و نوح و ادریس علیهم السلام بوده است و محل اقامه‌ی نماز حضرت ابراهیم و جناب خضر علیه السلام است و مسجدی است که من در آن نماز می‌خواندم. این مسجد یکی از چهار مسجدی است که خداوند برای مؤمنان برگزیده است در روز قیامت این مسجد را (در هیئتی) می‌آورند که مانند افراد محرم، لباس احرام به تن کرده است و برای کسانی که در آن نماز خوانده‌اند شفاعت می‌کند، و شفاعت او مورد قبول واقع خواهد شد. در آینده سنگ حجر الاسود را در این مسجد قرار خواهند داد.^۳ این مسجد در روزگار آخر

۱. رک: مسجد سهله.

۲. تهذیب: ج ۶، ص ۳۱.

۳. قرمطیان گروهی بودند که به مکه یورش بردند و سنگ حجر الاسود را ربوده و به کوفه آوردند و در این مسجد قرار دادند.

الزمان محل اقامه‌ی نماز برای حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد و مؤمنان به سوی این مسجد خواهند آمد تا در آن نماز بخوانند. در آن ایام هر مؤمنی آرزوی این مسجد را خواهد داشت. پس از کنار این شهر و مسجد به جای دیگری کوچ نکنید و سعی کنید که با خواندن نماز در این مسجد به خداوند تقرب پیدا کنید و برای برآورده شدن دعاها و حوائج خود به سوی آن بیایید، زیرا اگر مردم از برکتی که در این مسجد قرار داده شده است با خبر بودند، هر سختی و مشقتی را برای رسیدن به این مسجد تحمل می‌نمودند حتی اگر سینه خیز از روی یخ‌ها باشد! و در روایت دیگری فرمود: هر کسی که نمازهای واجب خود را در این مسجد اقامه کند، مانند آن است که حجی مقبول و پسندیده انجام داده است و نمازهای مستحبی در آن مانند عمره‌ی قبول شده و نیکو است. از همین مسجد کشتی نوح حرکت خود را آغاز نمود و اوصیای زیادی از جمله من در آن نماز خوانده‌اند. هر گرفتاری که برای طلب حاجتی در آن دعا کند، خواسته‌ی او اجابت خواهد شد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کوفه آنقدر گسترش خواهد یافت که به شهر «حیره»^۲ متصل خواهد شد و زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند در این شهر مسجدی خواهد ساخت که پانصد درب دارد. زیرا مسجد کوفه برای ایشان و خیل نمازگزاران کوچک خواهد بود و حضرت مهدی علیه السلام در آن به نماز خواهد ایستاد و دوازده امام عادل در آن نماز خواهند خواند.^۳ حضرت قائم علیه السلام در کوفه چهار مسجد دیگر نیز خواهد ساخت که کوچکترین مسجد در شهر کوفه، همان مسجد کوفه‌ی کنونی است.^۴

۱. یاتی: ص ۵۹۹.

۲. شهری است که در ۶/۵ کیلومتری کوفه قرار دارد.

۳. شاید اشاره به رجعت پیامبر و امامان دیگر باشد.

۴. تهذیب: ج ۳، ص ۲۵۲.

در احادیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: این مسجد باغی از باغ‌های بهشت است و طرف راست و عقب او نیز یکی از باغ‌های بهشتی است و طرف چپ آن مکر و حيله است! خواندن یک نماز واجب در آن، برابر هزار نماز و خواندن یک نماز مستحبی چون پانصد نماز خواهد بود اگر کسی بدون ذکر و قرائت قرآن در آن بنشیند، عبادت کننده محسوب خواهد شد، عصای موسی و درخت کدو که برای حضرت یونس روید در این مکان بوده است. این جا محل گردآمدن پیامبران الهی است و انگشتر سلیمان در این مسجد است و کشتی نوح را در این مکان ساختند و آب از میان این مسجد فوران نمود تا کشتی نوح شناور شود.^۱

در حوادثی که در آخر الزمان برای شهر کوفه اتفاق می‌افتد می‌توان از هجوم سفیانی به سوی عراق گفت. سفیانی پس از چندین جنگ در سوریه و عراق، لشکری هفتاد هزار نفری به سوی کوفه می‌فرستد و آنان در کوفه به کشتار و اعدام افراد می‌پردازند و اسرای زیادی را دستگیر خواهند کرد. خراسانی نیز از سردارانی است که با لشکرکشی همزمان با سفیانی به کوفه وارد می‌شود.^۲ دجال نیز یکی از قیام‌کنندگان باطلی است که در آخر الزمان برمی‌خیزد و گروه بسیاری را گمراه می‌کند. در روایتی اشاره شده که او به کوفه خواهد آمد، اما به دست حضرت به دار آویخته خواهد شد.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، به کوفه رفته و چهار مسجد را در آن خراب می‌کند و از پی دوباره می‌سازد، اما سقف برای آن نمی‌سازد بلکه با سایه‌بان آن را خواهد پوشاند، و تمام مساجد را بدون سقف خواهد ساخت و در

۱. کافی: ج ۲، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

۲. رک: سفیانی، خراسانی.

۳. رک: دجال.

روایت دیگری فرمود: تمام ساختمان‌هایی که ستمگران در اطراف مسجد کوفه ساخته‌اند، تخریب خواهد شد.^۱

حضرت پس از آنکه از سامان دهی اوضاع مدینه فارغ می‌شود، با لشکر خود به سوی کوفه رهسپار می‌شود و در میان شهر کوفه و نجف اتراق می‌کند و یاران او و چهل و شش هزار ملائکه و شش هزار نفر از جنیان و سیصد و سیزده نفر یاران خاص او گرد او جمع هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پی بیان فتنه‌هایی در مصر و بصره به ابن عباس فرمود:... سپس فتنه‌ای در کوفه پدیدار خواهد شد و در آن وقت سفیانی در شام به سر می‌برد، زمانی که سفیانی به کوفه لشکرکشی کند، منتظر باشید که بهترین شخص از دودمان رسول خدا (یعنی مهدی علیه السلام) از کنار کعبه ظهور کند. آن روز (به حدی زیباست که) زنده‌ها آرزو می‌کنند که ای کاش گذشتگان ما بودند و این روزها را می‌دیدند که چگونه دنیا از عدل و داد پر شده است و ظلم و بی‌دادی که جهان را پر کرده بود رخت بر بسته است.^۲

جابر از امام باقر علیه السلام درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام سؤال نمود، حضرت پاسخ داد: این ظهور زمانی پدید خواهد آمد که در میان حیره و کوفه کشتاری بزرگ رخ دهد.^۳

در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود: در روز عاشورا امام حسین علیه السلام یاران خود را جمع نمود و به آنها خبر داد که همه به شهادت خواهند رسید، اما در زمان رجعت باز خواهند گشت. در آن حدیث حضرت از مسجد کوفه یاد می‌کند و می‌فرماید: خداوند

۱. غیب طوسی: ص ۲۸۳ و یاتی: ص ۴۶۵ و بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۵۱.

۲. ملاحم: ص ۱۲۵.

۳. ارشاد مفید: ص ۳۶۰.

در مسجد کوفه چشمه‌ای از طلا و چشمه‌ای آب و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از روغن ظاهر می‌کند.^۱

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ»^۲ (و البته ما شما را با گرسنگی و ترس و... می‌آزماییم) این آیه خاص و عام است، اما معنی خاص در کوفه رخ خواهد داد و آن گرسنگی‌ای است که فقط دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله را در بر خواهد گرفت با این گرسنگی آنان را به هلاکت خواهد رساند. ولی معنای عام آن در شام اتفاق می‌افتد، و آن ترس و گرسنگی‌ای است که همه را فرا خواهد گرفت و چنان سخت خواهد بود که کسی تاکنون نظیرش را ندیده است این قحطی و گرسنگی پیش از قیام حضرت قائم خواهد بود و ترس پس از قیام رخ خواهد داد.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام به کوفه خواهد رفت. زمانی که حضرت به کوفه می‌رسد، سه گروه در آن شهر به نزاع مشغولند. لشکر یمنی و حسنی و سفیانی. جنگ میان این سه لشکر پایان می‌پذیرد (یعنی سفیانی کشته می‌شود و یمانی و حسنی نیز با حضرت بیعت می‌کنند) حضرت در کوفه به منبر رفته و شروع به خطبه خواندن می‌نماید، اما مردم از شدت گریه متوجه سخنان حضرت نمی‌شوند. در جمعه‌ی دوم مردم نزد حضرت می‌آیند و می‌گویند ما دوست داریم همگی پشت سر شما نماز بخوانیم، زیرا اقتدا به شما مانند نماز خواندن پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است، اما این مسجد (کوفه کوچک است و) گنجایش تعداد ما را ندارد حضرت می‌فرماید: برای آن

۱. الحرائج والجرائح: ج ۲، ص ۸۴۸.

۲. بقره/۱۵۵.

۳. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۶۸.

تدبیری اندیشیده‌ام؛ آنگاه به سوی نجف می‌رود و مسجدی در آن می‌سازد که هزار درب دارد تا تمام مردم را بتواند در خود جا دهد. سپس از کنار قبر امام حسین علیه السلام در کربلا نهری حفر می‌کند تا آب شهر کوفه و نجف را از آن تأمین نماید و در میان راه نجف تا کربلا بر روی این نهر پل‌های متعدد و آسیاهای زیادی خواهد ساخت. گویا هم‌اکنون می‌بینیم که پیر زنی یک زنبیل گندم بر روی سر نهاده و به سوی کربلا می‌رود تا آن را آرد نماید!



گرما

ر.ک: بیوح

گلیم خانه خود باشید

ر.ک: فتنه

لباس حضرت مهدی علیه السلام

(ر.ک جامه حضرت)

لقب حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: اسما و القاب حضرت مهدی علیه السلام

مادر حضرت مهدی علیه السلام

مادر حضرت مهدی علیه السلام دختر پادشاه روم بود. وی از سوی مادر یکی از فرزندان وصی حضرت عیسی علیه السلام بود او در قالب گروهی از اسرا به سامرا آمد و همسر امام عسکری علیه السلام شد.

مرحوم محدث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب و مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین، چگونگی شرفیابی حضرت نرجس خاتون به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام را این گونه نقل نموده است: «بشر بن سلیمان» برده فروشی بود که از

فرزندان ابو ایوب انصاری و از پیروان حضرت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بود و در همسایگی ایشان در سامرا سکونت داشت. وی می‌گوید: شبی در منزل خود در سامرا بودم و پاسی از شب گذشته بود. ناگهان دیدم که درب منزل را می‌زنند. شتابان رفتم و دیدم «کافور» خادم امام هادی علیه السلام است و مرا به خدمت حضرت احضار نمود. من جامه‌ی خود را به تن کرده و نزد حضرت شرفیاب شدم و دیدم امام هادی علیه السلام با ابا محمد امام عسکری علیه السلام و جناب حکیمه خاتون خواهر خود در پشت پرده سخن می‌گویند. نشستیم، حضرت به من فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصار رسول خدا هستی و دوستی ما اهل بیت همیشه در میان شما بوده و از پدران تان به ارث رسیده است و شما جزو معتمدین ما اهل بیت هستید. هم اکنون می‌خواهم تو را به زیور فضیلتی آراسته کنم و تو را بدین ویژگی مشرف سازم که به واسطه‌ی انجام آن بر سایر شیعیان سبقت جویی. این رازی است که تو را از آن آگاه می‌کنم و تو را برای خریدن کنیزی می‌فرستم. سپس حضرت نامه‌ی لطیفی به خط و زبان رومی نوشت و آن را به مهر خود ممهور ساخت و کیسه‌ای زرد رنگ آورد که در آن دویست و بیست دینار بود و فرمود: این را بگیر و به بغداد برو و صبح فلان روز در کنار گذرگاه فرات برو. پس هنگامی که قایق اسیران نزدیک شد و اسیران را در معرض فروش قرار دادند، می‌بینی که گروهی از فرستادگان بنی العباس و برخی جوانان عرب برای خرید گرد آنان جمع می‌شوند. در آن هنگام تو باید تمام روز را از دور مراقب شخصی به نام عمر بن زید برده فروش باشی تا زمانی که یک کنیز را برای فروش بیاورد. آن کنیز چنین و چنان ویژگی‌هایی دارد و دو جامه‌ی حریر مرغوب بر تن کرده است و خود را از عرضه در بازار و دسترس خریداران بر کنار می‌دارد، و در برابر تعرض و تفتیش و نگاه خریداران امتناع می‌ورزد و پارچه‌ای نازک به روی افکنده است. برده فروش او را کتک می‌زند و او با زبان رومی ناله سر می‌دهد، بدان که او از این هتک حرمت می‌نالند. برخی از

خریداران می‌خواهند او را به سیصد دینار بخرد زیرا عفت و حیای او را دیده‌اند. آن کنیز بدان‌ها با زبان عربی می‌گوید: اگر تو ملک سلیمان و تاج و تخت او را داشته و به خریداری من بیایی، من هیچ رغبتی در تو نخواهم داشت، بیهوده مال خود را بر باد مده! برده فروش می‌گوید: چاره چیست؟ به هر حال باید تو را بفروشم.

آن کنیز می‌گوید: چرا اینقدر عجله می‌کنی، من باید یک خریداری را انتخاب کنم که دلم نزد او آرام گیرد و بر ایمان و امانت او اعتماد کنم.

در این لحظه تو برخیز و به نزد عمر بن یزید برده فروش برو و به او بگو: من نامه‌ای به همراه دارم که یکی از اشراف به لطافت و زیان و خط رومی نوشته است و در آن بخشش و وقار و بزرگواری و سخاوت خود را بیان داشته است، این نامه را به او بده تا در آن از اخلاق صاحب خود آگاه شود و اگر به سوی او مایل گشت و رضایت داد، من وکیل ایشان هستم که این کنیز را از تو خریداری کنم.

بشر بن سلیمان می‌گوید: من تمام آنچه را که سرورم، حضرت ابوالحسن امام هادی علیه السلام درباره آن کنیز فرموده بود انجام دادم. زمانی که آن کنیز به آن نامه نگاه کرد، سخت گریه کرد و به عمر بن یزید برده فروش گفت: مرا به دارنده‌ی این نامه بفروش و سوگندهایی شدید یاد کرد که اگر چنین نکند، خود را هلاک خواهد کرد. من پیوسته با فروشنده درباره‌ی قیمت چانه زنی می‌کردم تا اینکه به همان مقدار دیناری که امام هادی علیه السلام در کیسه‌ی زرد به من داده بود راضی شد.

عمر بن یزید آن دینارها را گرفت و کنیز را به ما تحویل داد و آن کنیز خوشحال و خندان گشت. من آن کنیز را به بغداد آوردم و در اتاقی که از پیش برای او مهیا کرده بودم بردم، به محض وارد شدن به اتاق نامه‌ی امام علیه السلام را از جامه‌ی خود بیرون آورد و می‌بوسید بر صورت خود می‌نهاد و بر دیدگان خود قرار می‌داد و آن را بر بدن خود می‌کشید. من شگفت زده شدم و گفتم: آیا نامه‌ای را می‌بوسی که نویسنده‌ی آن را

نمی‌شناسی؟! آن کنیز پاسخ داد: ای درمانده ای که از جایگاه فرزندان پیامبر معرفتی اندک داری! گوش فرا دار و دل بسپار که چه می‌گویم: من «ملیکه» دختر «یشوعا» هستم که پدرم فرزند قیصر و پادشاه روم است و مادرم از فرزندان حواریون عیسی بن مریم است و نسب او به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد. من ماجرای بسیار شگفت دارم. که تو بازگو خواهم کرد. من سیزده سال داشتم و پدر بزرگ من، پادشاه روم می‌خواست مرا به عقد پسر برادرش درآورد. برای همین منظور سیصد نفر از خاندان حواریون و قسیسین و راهبان و هفتصد نفر از بزرگان و اشراف و چهار هزار نفر از امرای لشکری و کشوری جمع کرد و از قصر خود تختی را که به انواع جواهرات آراسته بود در حیاط کاخ حاضر ساخته و بر چهل پایه نصب نمود و پسر برادر پادشاه بر آن تخت فراز آمد. در آن هنگام صلیب‌ها در گرد او نصب شد و اُسقف‌های مسیحی حلقه زدند و انجیل‌ها را گشودند، اما ناگهان صلیب‌ها از بلندی بر زمین سقوط کرد و پایه‌های تخت شکسته و واژگون شد و پسر برادر پادشاه بی‌هوش روی زمین افتاد. رنگ از چهره‌ی اسقف‌ها پرید و بدن‌شان به لرزه درآمد. بزرگ آن اسقف‌ها به پدر بزرگ من گفت: ای پادشاه، ما را از این پیشامد نامبارک و نحس معاف دار زیرا در این امر پایان کیش مسیحیت و زوال این پادشاهی خواهد بود. پدر بزرگ من که از دهشت این واقعه به سختی حیران شده بود، به اسقف‌ها گفت: پایه‌های تخت را دوباره بر پا دارید و صلیب‌ها را دوباره برافرازید و برادر دیگر این بدبخت منحوس را بیاورید تا این دختر را بدو تزویج کنم و نحوست برادر او را به مبارکی برادر دوم دفع کنم. پس زمانی که دستور وی اجرا کردند، برای برادر دوم نیز حادثه‌ای مانند برادر دوم نیز حادثه‌ای مانند برادر اول روی داد و مردم متفرق شدند و پدر بزرگ من اندوهناک به کاخ خود رفت و پرده‌ها را کشید. در آن شب من در خواب مشاهده کردم که حضرت مسیح علیه السلام با جناب شمعون و گروهی از حواریون در قصر پدر بزرگ جمع شده‌اند و در مکانی که جدم آن

تخت را نهاده بود، منبری قرار دادند که سر بر آسمان می‌سایید. آنگاه حضرت محمد ﷺ با گروهی جوانان و فرزندان خود وارد شدند و حضرت مسیح علیه السلام به استقبال رسول خدا رفت و او را در آغوش گرفت. رسول خدا ﷺ فرمود: ای روح الله! من آمده‌ام تا از وصی تو، شمعون، دخترش ملیکه را برای پسرم خواستگاری کنم و با دست مبارکش به حضرت ابا محمد امام عسکری علیه السلام اشاره نمود، همان شخص که این نامه را نوشته است. سپس حضرت عیسی علیه السلام به شمعون نظر کرد و به ایشان فرمود: شرافت به سویت روی آورده است پس با رسول خدا پیوند خویشاوندی برقرار کن. شمعون گفت: من این وصلت را برقرار کردم و آنگاه حضرت محمد ﷺ بر منبر بالا رفت. و مرا به ازدواج حضرت ابا محمد امام عسکری علیه السلام درآورد و حضرت مسیح و فرزندان رسول خدا و حواریون حضرت عیسی علیه السلام نیز شاهد این عقد بودند.

من از خواب بیدار شدم و رؤیای خود را برای پدر و پدربزرگم نقل نکردم زیرا می‌ترسیدم مرا بکشند. من پیوسته این راز را در سینه‌ام نگاه می‌داشتم و به آنان نمی‌گفتم. اشتیاق حضرت امام عسکری علیه السلام در سینه‌ی من افتاده بود و مرا از آب و غذا انداخته بود و مرا ضعیف و لاغر ساخته بود و مریضی شدیدی به جانم افتاده بود. پدر بزرگ من تمام صلیبیان روم را حاضر کرد و مداوای مرا از آنان خواستار شد، اما هیچ کدام موفق نشدند. زمانی که پدربزرگم نا امید شد، به من گفت: ای نور دیده! آیا خواهی داری که در این دنیا برای تو برآورده سازم؟ گفتم: ای پدر بزرگ، من همه‌ی درهای گشایش را به روی خود بسته می‌بینم، اگر تو بند از پای زندانیان مسلمان برداری، به شکنجه‌ی آنان پایان دهی و آنان را آزاد سازی، امیدوارم که حضرت مسیح و مریم مقدس به من شفا عنایت کند و مرا بهبود بخشد. هنگامی که پدربزرگم این خواهش‌های مرا اجابت نمود، من هم مقداری اظهار بهبودی نمودم و کمی غذا خوردم و پدر بزرگم از این بسیار خوشحال شد و اسرای مسلمان را اکرام نمود.

پس از چندی سرب دویاره خیرات دیده که سیده النساء به دیدار من آمده است و حضرت مرسل صلی الله علیه و آله و هزار حوری بهیشتی نیز همراه او بودند. حضرت مریم علیها السلام به من گشت: این سرور زنان عالم است و مادر شهر تو است. من نیز دست به دامن او شدم و شکوه به نزدیکش بردم که ابو محمد اشکری علیه السلام به دیدار من آمد.

سرور زنان فرمود: بدان که فرزندان ابی محمد امام اشکری علیه السلام به زیارت تو نخواهند آمد زیرا تو به خداوند مشرک هستی و هر کس با مشرکان هم‌دین است در حالی که این خواهر من جناب مریم علیها السلام است که از مذاهب تو بیزار است. اگر حضرت مریم علیها السلام را می‌طلبی در این فضیلت حضرت مسیح و حضرت مریم علیها السلام هستی و دیدار حضرت ابی محمد را خواستاری، پس باید شهادتین را بر زبان جاری کنی و بگویی «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله». وقتی من شهادتین را گفتم: سرور زنان مرا در آشوش گرفت و حالم نیکو گشت و به من فرمود: اکنون منتظر دیدار حضرت ابی محمد باش، من او را نزد تو خواهم فرستاد.

من از خواب بیدار شدم مشتاقانه در انتظار دیدار حضرت ابی محمد علیه السلام بودم.

فردا شب حضرت ابی محمد علیه السلام را در خواب دیدم و از فراق حضرت شکوه نمودم و گفتم: ای حبیب من، دلم را از محبت خود مالايمان نمودی و سپس بر من جفا نمودی؟! حضرت پاسخ داد: بدان که این تأخیر من در آمدن فقط به خاطر این بود که مشرک بودی و از زمانی که تو اسلام اختیار نمودی، من هر شب به دیدار تو می‌آمدم تا زمانی که خداوند این هجران را به وصال مبدل سازد و پس از آن شب، هیچ شبی نیست که ایشان به زیارت من نیامده باشد.

بشر من گوید از جناب نرجس خاتون پرسیدم: چگونه در میان اسیران قرار گرفتی؟ گفت: در یکی از شب‌ها حضرت ابو محمد علیه السلام به من خبر داد که پدر بزرگ تو در فلان روز اشکری را برای جنگ مسلمانان خواهد فرستاد، تو نیز در لباس خدمه با

برخی از کنیزان به طرز ناشناسی با آنان همراه شو. من نیز دستور حضرت را اجرا کرده و پیش قراولان لشکر مسلمانان آمدم و ما را اسیر کردند.

اما هیچ کس متوجه نشد که من فرزند پادشاه هستم مگر اکنون که تو از این راز آگاه شدی، چون من خود به تو این سر را فاش کردم. آن مردی که من هر سه مکتب او را داشتم نام مرا برسد، اما من نام واقعی خود را نگفتم و گفتم که نام من «سرجس» است.

بشر می‌گوید من تعجب کردم که او رومی است اما عربی را به خوبی می‌داند می‌کند، جناب نرجس خاتون گفت: چون بعد من بسیار مشتاق بود که من اذیت و رسوم را فرا گیرم، از این روی زنی مترجم را پیوسته نزد من می‌فرستاد و او هر صبح و شام می‌آمد و زبان عربی را به من می‌آموخت، تا اینکه زبانم به این سخن عادت کرد.

بشر می‌گوید زمانی که حضرت نرجس خاتون را به سامرا بردم، او را نزد امام هادی علیه السلام بردم و حضرت به او فرمود: آیا دیدی که خداوند چگونه اسلام را عزت بخشید و بصرانیت را خوار نمود، و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را شرافت بخشید؟ حضرت نرجس خاتون عرضه داشت: من چگونه چیزی را که شما از آن آگاه‌ترید بیان کنم؟! حضرت فرمود: اکنون می‌خواهم تو را اکرام نمایم، می‌خواهم ده هزار درهم بیا بشارتی که شرافت ابدی در آن است به تو بدهم، کدام یک را انتخاب می‌نمایی؟ نرجس خاتون گفت: البته که آن نوید پرشرف را به من بدهید! حضرت فرمود: پس بشارت ده به فرزندی که بر شرف و عریب دنیا سلطنت خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن کوبه که از طلم و ستم پر شده است. حضرت نرجس عرض کرد: این فرزند از آن کیست؟ حضرت فرمود: از آن شخصی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فلان شب تو را به عدل او درآورد و حضرت مسیح و وصی او تو را به ازواج او درآوردند. نرجس خاتون گفت: آیا از فرزند شما ابو محمد است؟ حضرت فرمود: آری او را

می‌شناسی؟ حضرت نرجس عرضه داشت: از آن شبی که به دست سرور زنان و مادر ابا محمد مسلمان شدم هیچ شبی نشده که او به زیارت من نیامده باشد.

آنگاه امام هادی علیه السلام به «کافور» فرمود: خواهرم حکیمه را نزد من بخوان. زمانی که جناب حکیمه خاتون وارد شد، حضرت به او فرمود: این همان نرجس خاتون است و حکیمه خاتون هم او را در آغوش کشید و بسیار از دیدار او خشنود شد. امام هادی علیه السلام به خواهر خود فرمود: ای دختر رسول خدا! او را به نزد خود ببر و واجبات دینی و احکام اسلام را به او بیاموز زیرا او همسر امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود و مادر حضرت قائم علیه السلام است.^۱

برای جناب نرجس خاتون، غیر از ملیکه و نرجس نام‌های دیگر نیز ذکر کرده‌اند. از جمله «سوسن، ریحانه و صیقل»^۲

۱. کمال الدین: ص ۴۱۸.

۲. نجم الثاقب: باب اول.



ماوراءالنهر

(ر.ک: زمینه سازان ظهور، سیحون، جیحون)

ماه، ماه گرفتگی

(ر.ک: خورشید گرفتگی، خسوف)

مثلث برمودا

مثلث برمودا منطقه‌ای است دریایی که در شرق آمریکای مرکزی و در اقیانوس اطلس قرار دارد. این منطقه بر روی نقشه به صورت مثلثی رسم می‌شود که یک زاویه‌ی آن به جزایر برمودا در اقیانوس اطلس می‌رسد و یک زاویه‌ی آن به ایالت فلوریدا متصل است و یک زاویه آن نیز در جزیره پوئرتوریکو قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که قاعده این مثلث دهانه‌ی خلیج مکزیک را گرفته است در این منطقه حوادث دریایی و هوایی بسیاری رخ داده است که هنوز دانشمندان نتوانسته‌اند به فرس قاطع برای آن توجیهی منطقی و علمی بیابند. هر چند احتمالاتی داده می‌شود و فرضیاتی برای آن گفته شده است، اما هنوز اثبات شده نیستند. حوادث این منطقه باعث از بین رفتن خلبانان و ملوانان و مسافران بسیاری شده است که از این منطقه عبور می‌کرده‌اند. این مثلث اسرار آمیز به نحوی پیچیده و اعجاب انگیز، هواپیماها و کشتی‌ها را در خود فرو می‌برد و وسایل ارتباطی و دستگاه‌ها و علائم هدایت‌گر را از کار می‌اندازد. علم امروز تاکنون به

راز بین بخش از اقیانوس پی نبرده است و ماجرای این منطقه در ابهام است. کشتی «ماری سیلست»، ناو جنگی انگلیسی به نام «آتلانتا». ۲۴۰ کشتی اکتشافی، ناو جنگی اوچکرافت، هواپیماها و جت‌های سوخت‌رسان بسیاری که هیچ نشانی از آنان یافت نشده برخی از حوادث شگفت مثلث برمودا است.

گروهی از پژوهشگران، این حادثه‌های مرموز را به میدان‌های مغناطیسی طبیعی زمین مربوط می‌دانند و هرگونه حادثه‌ی متافیزیکی را در این موارد منکر هستند و برخی این حوادث را ناشی از ساختار جغرافیایی خاص در بستر این دریاها می‌دانند. در این میان برخی از صاحب نظران نیز این رویدادهای مرگ‌آور و ناشناخته را معلول علت‌های ماورایی دادند که از میدان علوم امروزی بشر خارج است، علت‌هایی مانند موجودات فضایی و بشقاب‌پرنده‌ها که هنوز این موارد نیز همانند خود مثلث برمودا ناشناخته‌اند. عده‌ای از دانشمندان اسلامی این مثلث را همان جزیره‌ی خضرا می‌دانند، جزیره‌ی که در بعضی از کتاب‌های روایی از آن یاد شده است.

جزیره خضرا ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن ویژگی‌ها را در مثلث برمودا نیز مشاهده کرده‌اند، از این رو به اعتقاد برخی محققان اسلامی، مثلث برمودا همان جزیره خضرا است که جایگاه حضرت مهدی علیه السلام و فرزندان او در زمان غیبت است و خداوند آن را از چشم سایر مردم می‌پوشاند که آن را نبینند و دشمنان توان دسترسی بدان را ندارند. قدرت‌های استعمارگر غرب و شرق که همواره در پی یافتن قدرت‌هایی برتر و سلطه بر دیگر سرزمین‌ها هستند، تمام سعی خود را برای کشف راز مثلث برمودا نمودند در این راستا کشورهای مانند آمریکا، کانادا، انگلستان و روسیه پروژه‌هایی بزرگی را سرمایه‌گذاری کردند و با تشکیل گروه‌های تحقیقاتی - نظامی به اکتشاف و بررسی جوانب علمی مثلث برمودا پرداختند. پروژه «ماگنیت» و «بولیمود» از جمله بین

یروژه‌هاست.

(برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب «جزیره‌ی نوحه‌سرا است» به یس‌والتمیست»
نوشته‌ی ظریفه‌داز رجوع کنید.)

محررم

محررم اولین ماه از ماه‌های سال قمری است. سال‌های پایانی غیبت کبری در برداشته حوادثی بسیار عجیب خواهد بود و این اتفاقات در ماه‌های پایانی شفاف خواهد گرفت و سپس در ماه محررم، غیبت حضرت مهدی علیه السلام به پایان می‌رسد. در بعضی روایات گفته شده که روز عاشورا، یعنی دهم ماه محررم الحرام رزی است که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌نماید. البته پیش از پیام و پس از آن در این ماه اتفاقاتی بی‌در پی رخ می‌دهد که خواهد بود. در این ماه ندایی آسمانی که می‌گوید: حضرت قائم علیه السلام برگزیده‌ی خداست به سوی او رفته و از او فرمانبرداری کنید. کشتاری بی‌اندازه یکی از حوادث این ماه خواهد بود و در کنار دجله و فرات در نزدیکی بصره افراد بسیاری از مستشاران کشته خواهند شد.^۱

بهدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: حکومت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور

مدعیان دروغین مهدویت

مهدویت موضوعی است که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به آن پرداخته شده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرمایشات خود به آن اشاره نموده است. علاوه بر آن آمده علیه السلام نیز همواره

۱. ر.ک: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام.

۲. ملاحم: ص ۴۴، ۶۱، ۱۴۰ و ۱۵۹.

به این موضوع می‌پرداختند. از این روی بود که در اعصار مختلف کسانی در قالب ادعاهای مختلف به دروغ خود را مهدی آخرالزمان می‌نامیدند و باعث گمراهی گروهی نیز می‌شدند. در میان آنان کسانی به صراحت ادعای مهدویت نموده و برخی نیز با ادعای نیابت یا باب رابطه‌ی حضرت بودن، سعی در ادعای ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام را داشتند. این امر حتی پیش از تولد آن جناب رخ داده است. مهدی عباسی یکی از خلفای بنی‌العباس کسی بود که خود را مهدی امت و همان موعود آخرالزمان می‌دانست. در دوران غیبت صغری و پس از آغاز غیبت کبری نیز برخی از منحرفین و حتی برخی از کسانی که قبلاً از شیعیان محسوب می‌شدند. دست به چنین ادعاهایی زدند. از آن جمله «منصور حلاج» و «شلمغانی» است که از سوی حضرت توقیعاتی بر رد آنان صادر شد. در زمان معاصر ما نیز کسانی با چنین ادعاهایی سربرآورده‌اند. مشهورترین کسانی که چنین ادعایی را کرده و باعث فتنه‌ای بزرگ و تولد مذهبی انحرافی شدند، بابیه و بهائیه هستند. بابیه فرقه‌ای گمراه هستند که توسط «علی محمد شیرازی» پایه‌گذاری شد. او کتابی برای خود نوشت که به کتاب آسمانی بابی‌ها مشهور است و نام آن را «بیان» گذاشت. او در پی اعتراض و محاکمه علما به گمراهی خود اعتراف کرد و در تبریز به دار آویخته شد. بهائیان نیز فرقه‌ای منشعب از بابی‌ها هستند که توسط «میرزا حسینعلی نوری» بنیان‌گذاری شد، او معروف به بهاء الله بود و نام این فرقه از نام مؤسس آن نشأت گرفته است. این دو مرد از مهره‌های استعمار در زمان ناصرالدین شاه بودند که برای سست کردن پایه‌های تشیع برنامه‌ریزی شده بودند و با مخالفت علما فتنه‌ی آنان سرکوب شد، هرچند آنان تا حدودی توانستند که در میان مسلمانان گروهی را گمراه نمایند، هنوز هم این فرقه‌ها پیروانی سرسخت در دنیا دارند. در زمان سلطنت پهلوی بهائیان فعالیت‌های زیادی در ایران داشتند و از سوی استعمار و انگلستان به شدت حمایت می‌شدند. افراد مهمی از حکومت پهلوی در مسلک بهائیان

بودند. پس از انقلاب اسلامی این گروه زمینه را برای فعالیت‌های خود مساعد ندیدند و دامنه‌ی حرکات خود را به بیرون از ایران منتقل کردند.

مدینه

آخرین شهر از شهرهای مسلمانان که خراب خواهد شد، شهر مدینه خواهد بود.^۱

مرکب حضرت مهدی علیه السلام

درباره مرکب و اسب سواری حضرت مهدی علیه السلام در برخی از روایات، مشخصات گوناگونی یاد شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، از نجف به سوی مسجد سهله حرکت می‌نماید. گویا به چشم خویش می‌بینم که در راهش از کنار نجف و وادی السلام عبور می‌کند و بر اسب ابلقی سوار است که دست و پایش سفید و پیشانی او سفید و درخشنده است به طوری که سفیدی آن چون چراغ و ستاره‌ای چشم بینندگان را خیره می‌کند و حضرت در آن حال مشغول دعا خواهد بود.^۲

موسی ابن جعفر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: مرکب سواری آن جناب بهترین و نیرومندترین و تیزپای‌ترین مرکب‌ها خواهد بود.^۳

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لشکر حسنی با حضرت مهدی علیه السلام روبرو می‌شود، سید حسنی از حضرت می‌خواهد که برای اثبات امامت خویش اسب، شتر، قاطر و الاغ و براق را به او بنمایاند و حضرت آن‌ها را به او نشان می‌دهد.^۴

۱. یأتی: ص ۱۴، کنز العمال: ج ۱۴، ص ۲۲۴.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۳. یأتی: ص ۵۴۳.

۴. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۵، رک: سید حسنی.

مرگ جاهلیت

مرگ جاهلیت یعنی انسان بدون آگاهی و ایمان از دنیا برود و بدون شناخت حق و در حال شرک و کفر بمیرد. در روایات بسیاری در منابع شیعه و سنی این مضمون آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که از دنیا برود در حالی که امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. راوی پرسید این کدام جاهلیت است، آیا این یک جاهلیت مطلق است یا فقط ندانستن امام است؟ حضرت فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است!

در روایتی دیگر نیز فرمود: هر کس شبی را بدون اینکه امام زمانش را بشناسد به صبح برساند در جاهلیت مرده است.

در روایتی نقل شده که شخصی از حضرت امام عسکری علیه السلام پرسید: نظر شما درباره این حدیث که از پدران شما نقل شده است چیست؟ «هیچگاه زمین تا روز قیامت از حجتی الهی که خداوند بر بندگان قرار داده است، خالی نخواهد بود، و هر کسی که پیش از شناخت امام زمانش از دنیا برود، به مرگ جاهلیت مرده است». حضرت امام عسکری علیه السلام پاسخ داد: بلی! این سخن همانند روز، روشن و حق است. آن شخص پرسید: ای فرزند رسول خدا! چه کسی پس از شما حجت خدا بر روی زمین خواهد بود؟ حضرت فرمود: پس از من پسر محمد، امام و حجت است. هر کس که بمیرد در حالی که او را نشناخته، در جاهلیت مرده است. آگاه باشید که او غیبتی خواهد کرد که نادان به گمراهی افتاده و اهل باطل هلاک می‌شوند، هر کس که در غیبت او برای ظهورش وقت تعیین کند، دروغگو خواهد بود. او پس از این غیبت ظهور خواهد کرد. گویا می‌بینم که وی به نجف رفته در حالی که پرچم‌هایی سفید رنگ بر بالای سرش افراشته شده است.

مرگ

ر.ک: کشتار

مرگ سرخ و سفید

امام باقر علیه السلام در حدیثی درباره توصیف احوال قبل از ظهور می فرماید: زمانی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می نماید که مردم از بسیاری مشکلات و مصیبت های بزرگ صبح و شام آرزوی مرگ می کنند.^۱

در روایتی دیگر نیز فرموده اند: زمانی خواهد آمد که مردم تمنای مردن دارند.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام مرگ و سرخ و مرگ سفید خواهد بود که مرگ سرخ، کشته شدن با شمشیر است و مرگ سفید، مردن از مرض و با است.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام دو نوع مرگ پدیدار خواهد شد، یک مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید و با این دو نوع مرگ آنقدر مردم بمیرند که از هر هفت نفر پنج نفر خواهند مرد و مرگ سرخ، قتل با شمشیر است و مرگ سفید، مردن از مرض و با می باشد.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: ظهور واقع نخواهد شد مگر زمانی که دو سوم مردم از دنیا بروند. شخصی پرسید: اگر دو سوم مردم بمیرند دیگر چه چیز باقی خواهد ماند؟! حضرت پاسخ داد: (شما شیعیان و دوستان حضرت مهدی علیه السلام باقی می مانید) آیا دوست

۱. یاقوتی، ص ۵۵۰.

۲. همان، ص ۶۴۶.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۷۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

ندارید که جزو آن یک سوم باقی مانده باشید؟!^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام زمانی قیام خواهد کرد که یک سوم مردم کشته شده باشند و یک سوم مردم بمیرند و یک سوم از آنان باقی مانده باشد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی خواهد رسید که بهترین آرزوی مؤمن مرگ اوست و در آن زمان دجال قیام خواهد کرد.^۳

در روایتی دیگر فرمود: در آخرالزمان مردم بر سر قبرها می‌روند، بر روی آن می‌خوابند و می‌گویند: ای کاش من به جای شخصی بودم که در این قبر مدفون گشته؛ آنان برای شوق دیدار خداوند چنین نمی‌گویند، بلکه بلا به حدی شدید است که تمنای مرگ می‌کنند.^۴

مرگ ناگهانی

مرگی که به سرعت و بی مقدمه عارض می‌شود و شخص را در مدت کوتاهی از پای درمی‌آورد و معمولاً به سگته تعبیر می‌شود، در عربی به «موت فجأه» نامیده می‌شود. در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله گسترش مرگ‌های ناگهانی را یکی از نشانه‌های ظهور آخرالزمان بیان می‌کنند.^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از رحلت من زمانی که مردم به عمل منافی عفت روی بیاورند، آنگاه مرگ‌های ناگهانی در میانشان فراوان خواهد شد.^۶

۱. همان.

۲. ملاحم: ص ۵۸.

۳. یاتی: ص ۲۲۱.

۴. همان: ص ۲۶۹.

۵. همان: ص ۱۳۲.

۶. کافی: ج ۵، ص ۵۴۱.

مساجد در آخر الزمان^۱

مسجد جای عبادت مسلمانان است. جایی است که مسلمانان به نماز و یاد خدا می‌پردازند. به همراه تغییر شرایط در آخر الزمان و تغییر چهره دین، مساجد نیز تغییراتی فاحش خواهند داشت. در روایات زیادی این تغییرات ذکر شده است مانند اینکه مساجد آخر الزمان را مانند کلیساها و معابد یهود و نصاری آذین‌بندی می‌کنند و مناره‌هایی مرتفع برای آن می‌سازند و محل رفت و آمد و جای غذا خوردن مردم می‌شود و به ساختن مساجد به همدیگر مباحثات می‌کنند. در مساجد آلات موسیقی و لهُو و لعب به کار می‌رود. مسجدها آباد است و اذان از آن پخش می‌شود، اما دل‌ها از ایمان خالی است. نمازگزاران زیادی در آن جمع می‌شوند، اما هرگز این نماز گزاران با هم یکدل و یکرنگ نیستند و در پس صف‌های پرجمعیت آنان دل‌هایی متفرق و جدا از هم خواهند داشت^۲ وقتی که حضرت قائم عجل الله تعالی قیامه قیام نماید و جهان را از نو با حقیقت اسلام آشنا می‌کند، مساجد نیز از بنیان به گونه‌ای حقیقتی که باید باشد بنا می‌شود.^۳

امام باقر عجل الله تعالی قیامه فرمود: زمانی که حضرت مهدی عجل الله تعالی قیامه ظهور نماید، ابتدا به مساجد می‌رود و سقف آن‌ها را خراب نموده و برای آن‌ها سقف‌هایی چون سایه‌بان درست می‌کند.^۴

حضرت امام صادق عجل الله تعالی قیامه می‌فرماید: وقتی حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی قیامه قیام کند، خانه خدا و مسجد رسول الله و مسجد کوفه را مانند بنای ابتدایی و اصلی آن‌ها بنیان می‌کند.^۵ امام باقر عجل الله تعالی قیامه نیز در حدیثی فرمود: حضرت قائم عجل الله تعالی قیامه وارد کوفه خواهد شد و چهار

۱. رک: مسجد الحرام، مسجد النبی، کوفه، مسجد الاقصی، مسجد سهله.

۲. رک: آخرالزمان.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۶۴ و کنز العمال: ج ۱۴، ص ۲۴۶ و ۲۵۱.

۴. من لا یحضره الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۳.

۵. کافی: ج ۴، ص ۵۴۳ و تهذیب: ج ۵، ص ۴۵۲ و یاتی: ص ۵۲۹.

مسجد را خراب می‌کند و از پی دوباره مانند اولین بنای آن می‌سازد و سقف برای آن قرار نمی‌دهد بلکه آن را با سایه‌بان می‌پوشاند و مهر مسجدی که در راه واقع شود برخواهد داشت.^۱

مسجد در زمان ظهور حضرت یکی از پایگاه‌های اصلی برای رسیدگی به امور مردم خواهد بود و به مسجد توجه شایانی می‌شود در کوفه مسجدی بزرگ که دراز درب داشته باشد ساخته خواهد شد.^۲ در حیره نیز مسجدی بنا پانصد درب ساخته خواهد شد.^۳ مسجد کوفه محل حکومت حضرت خواهد بود و مسجد سهله نیز مستثنی حضرت قرار خواهد گرفت.

مسجد الحرام^۴

مسجدی در شهر مکه که قبله مسلمانان، کعبه، در آن قرار دارد، این شهر زادگاه پیامبر اسلام ﷺ و محل ولادت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، از زمان پیامبران گذشته تا زمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان، کعبه همیشه مورد توجه بوده است. با قرار گرفتن کعبه به عنوان قبله مسلمانان و مراسم حج که همه ساله در آن برگزار می‌شود، این مسجد جلوه‌ای خاص در جهان پیدا نموده است. در آخرالزمان نیز حضرت مهدی، منجی آخرالزمان، از همین مسجد قیام جهانی خود را آغاز خواهد کرد. یاران حضرت به طور معجزه آسا و با طی الارض در یک شب در این مسجد گرد هم آمده و با ایشان بیعت می‌نمایند. البته از تحولاتی که در آخرالزمان پیش می‌آید، مسجد الحرام نیز مستثنی نبوده و شاهد خرابی‌ها و بازسازی‌های فراوان شده است.

۱. غیبت طوسی: ص ۲۸۳.

۲. همان: ص ۲۸۰.

۳. تهذیب: ج ۳، ص ۲۵۲.

۴. رک: رکن و مقام.

حضرت قائم علیه السلام پس از قیام این مسجد را به حالت اولیه برخواهد گرداند.
 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه حضرت قائم اهل بیت علیهم السلام قیام نماید، خانه خدا و
 مسجد رسول الله و مسجد کوفه را به صورت بنای اصلی و ابتدایی آن بنا خواهد کرد.^۱

در نهج البلاغه

(ر.ک. مساجد)

مسجد النبی را رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای هجرت خود به یثرب بنا کرد و پس از
 شهرت یافتن یثرب به مدینه النبی، این مسجد نیز به مسجد النبی مشهور گشت. در کنار
 این مسجد رسول خدا غرفه‌هایی بنا کرد که منزل خود و بانوان ایشان بود و غرفه‌ای نیز
 مخصوص حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام قرار داد. اکنون این مسجد دیگر از نو
 بازسازی شده است و شکل اولیه خود را از دست داده است.

در زمان حضرت قائم علیه السلام، به دست ایشان این مسجد به حالت اولیه بازخواهد
 گشت.

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید مسجد الحرام و مسجد
 النبی را خراب می‌کند و به گونه‌های اولیه بنا خواهد کرد. مستثنی برای آنها نساخته و
 فقط برای آنها سایه‌بان قرار خواهد داد.^۲

در روایت دیگری حضرت فرمود: امام زمان علیه السلام در قیام شریف خود کعبه و مسجد
 النبی و مسجد کوفه را به پایه‌های اصلی و بنای ابتدایی خود بازخواهد گرداند.^۳

۱. کافی: ج ۴، ص ۵۲۳ و غیبت طوسی: ص ۲۸۲.

۲. مساجد.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۸۲.

۴. کافی: ج ۴، ص ۵۴۲ و تهذیب: ج ۵، ص ۴۵۲ و غیبت طوسی: ص ۲۸۲.

مسجد جمکران

مسجد جمکران، مسجدی با شکوه است که منسوب به امام زمان حضرت مهدی علیه السلام است. این مسجد در نزدیکی شهر مقدس قم و در کنار روستای جمکران واقع شده است و به واسطه‌ی هم‌جواری با این روستا، به نام مسجد جمکران معروف شده است. امروزه این مسجد بسیار مورد توجه علاقه‌مندان به آن حضرت قرار گرفته است و وسعت بسیاری یافته است. این مسجد در هر شب چهارشنبه و شب جمعه پذیرای نمازگزاران و عاشقان بسیاری است که به شوق قرب حضرت صاحب الامر علیه السلام به این میعادگاه روی می‌آورند.

چگونگی ساخته شدن این مسجد را مرحوم محدث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب چنین می‌گوید: جناب حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید: من در شب سه‌شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه هجری قمری در خانه‌ام خواب بودم. شب از نیمه گذشته بود که ناگهان گروهی از مردم به درب خانه‌ی من آمدند. مرا بیدار نموده و گفتند: «حضرت محمد مهدی صاحب الزمان علیه السلام تو را طلب کرده، برخیز و ایشان را اجابت نما». حسن می‌گوید: من از جای برخاستم و خواستم که مهبای رفتن شوم و به آنان گفتم «اجازه دهید تا پیراهنم را بپوشم». زمانی که خواستم پیراهنم را بردارم، صدایی شنیدم که می‌گوید: «این پیراهن از آن تو نیست» آن را به بر مکن، و زمانی که خواستم شلوار خود را بپوشم، نیز صدایی به من گفت: «این شلوار تو نیست، شلوار خودت را بگیر» من نیز آن شلوار را فرو نهادم و شلوار خود را پوشیدم و خواستم که کلید را برداشته و درب منزل را باز کنم، باز هم صدایی شنیدم که می‌گوید: «درب باز است». من به درب خانه آمدم و دیدم که گروهی از بزرگان جمع شده‌اند. بدان‌ها سلام نمودم و جواب شنیدم و به من خوش آمد گفتند. با آنان همراه شده به مکان فعلی مسجد آمدم و در آنجا دیدم که تختی قرار گرفته که بر آن فرش نیکو

گسترده‌اند و بالش‌هایی زیبا بر آن قرار داده‌اند و جوانی سی ساله بر آن تخت بر چهر بالش تکیه داده است. پیرمردی که حضرت خضر علیه السلام بود در کنار او نشسته و کتابی دست دارد و برای حضرت قرائت می‌کند. بر گرد آن تخت بیش از شصت مرد مشغول نماز بودند که برخی جامه‌هایی سفید و برخی جامه‌هایی سبز داشتند. آن پیرمرد مرا نشانید و حضرت مرا به نام خودم صدا زد و فرمود: «برو به حسن بن مسلم بگو که تو چندین سال است که این زمین را آباد می‌کنی و در آن کشت و زرع می‌نمایی، ولی ما آن را خراب می‌کنیم، امسال نیز آن را می‌خواهی برای زراعت آماده نمایی، تو دیگر اجازه نداری که در این زمین به زراعت پردازی و باید هر چه از این زمین سود برده‌ای بازگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند، به حسن بن مسلم بگو که این زمین، مکان شریفی است و خداوند این زمین را از میان دیگر زمین‌ها برگزیده است و آن را شرافت داده است. اما تو آن را با سایر زمین‌های خود تصاحب نموده‌ای. خداوند برای این کار دو پسر جوان تو را گرفت ولی تو متنبه نشدی. اگر باز هم به چنین کاری ادامه دهی خداوند تو را مجازاتی کند که تصور آن را هم نمی‌کنی»

حسن بن مثله عرضه داشت: «ای مولای من و ای سرور من! من باید برای این کار نشانه‌ای داشته باشم تا مردم حرف مرا قبول کنند زیرا بدون نشانه حرف مرا باور نخواهند کرد».

حضرت فرمود: ما این جا را علامت‌گذاری خواهیم کرد تا حرف تو را تصدیق کنند، اکنون برخیز و کاری که بر تو سپردیم به انجام برسان. به نزد سید ابوالحسن الرضا برو و به او بگو بیاید و سود چند ساله‌ی این زمین را محاسبه کرده و از حسن بن مسلم بستاند و به دیگران داده تا مسجد را بسازند و مابقی مخارج ساخت مسجد را از روستای «رهق» که در اردهال است بیاورند، زیرا آن روستا ملک ما می‌باشد. و با آن پول‌ها این مسجد را کامل کنند و ما نیمی از روستاهای رهق را وقف این مسجد نمودیم

تا هر ساله وجوه آن را آورده و برای تعمیرات این مسجد مصرف کنند. به مردم بگو به این مسجد روی آورند و این مکان را گرمی بدارند و چهار رکعت نماز در این مکان به جای آورند، دو رکعت آن را به نیت تحیت مسجد بخوانند که در هر رکعت یک بار «حمد» و هفت بار «قل هو الله احد» بخوانند و تسبیح رکوع و سجود را نیز هفتاد بار تکرار کنند. دو رکعت دیگر را به نیت نماز امام زمان علیه السلام به جای آورند، در هر رکعت سوره‌ی حمد را بخوانند و آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را صد بار تکرار کنند و پس از آن فاتحه را تمام نموده و پس از آن سوره را تلاوت کنند و ذکر رکوع و سجود را نیز هفت بار بخوانند و چون نماز تمام شد «لا اله الا الله» گفته تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را قرائت کنند. آنگاه سر به سجده نهند و صد بار صلوات بفرستند. بدانید که هر کسی در این مسجد این دو نماز را بگذارد، گویا در خانه کعبه نماز گذارده است.

حسن بن مثله جمکرانی گفت: من چون این سخنان را شنیدم با خود گفتم: «گویا جایی که این جوان نشسته است همان مکانی است که مسجد امام صاحب الزمان علیه السلام بنا می‌شود»

آن جوان به من اشاره نمود و فرمود: برو. من هم آمدم و چون قدری دور شدم، دوباره مرا فراخواند و فرمود: در گله‌ی چوپانی به نام جعفر کاشانی یک بز است که باید آن بز را خریداری کنی و اگر مردم روستا بهای آن را نپردازند، از مال خودت آن را بخر و فردا شب در این مکان آن را ذبح کن. سپس در روز هجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن بز را در میان بیماران تقسیم کن که خداوند همه‌ی آنان را شفا می‌دهد. آن بز ابلق است و موهایی بسیاری دارد و هفت لکه سیاه و سفید در بدن این بز می‌باشد که سه تا در یک طرف و چهار تا در طرف دیگر قرار دارد.

من خواستم برگردم که دوباره حضرت مرا صدا زدند و فرمودند: ما هفت روز [یا هفتاد روز] در این جا اقامت خواهیم کرد.

حسن بن مسئله می‌گوید: من به خانه بازگشتم و تا صبح در فکر بودم. زمانی که فجر طلوع کرد برخاستم و نماز صبح را خواندم و نزد «علی منذر» آمدم و آن ماجرا را برای او باز گفتم و با او به همان جا آمدم که دیشب مرا برده بودند. گفت به خدا سوگند نشانه‌هایی که امام علیه السلام فرموده بود این میخ‌ها و زنجیرهایی است که در این جا نهاده‌اند.

آن‌گاه به نزد سید ابوالحسن الرضا آمدم. زمانی که به درب خانه‌ی او رسیدیم، دیدیم که خدمتکاران او منتظرند و با دیدن ما گفتند: «از سحر تاکنون سید ابوالحسن چشم به راه شماست، تو از جمکران هستی؟» گفتم: آری من به داخل خانه رفتم و سلام نمودم، او به نیکی پاسخ داد و مرا احترام نمود و در کنار خود جای داد و پیش از آن که سخنی بگویم، گفت: ای حسن بن مسئله، من خواب بودم که در خواب دیدم شخصی به من می‌گوید: صبح مردی از جمکران به نام حسن بن مسئله به نزد تو می‌آید، هرچه گفت تصدیق کن و به گفته‌ی او اعتماد کن، زیرا سخن او سخن ماست و حرف او را رد منما». من از خواب بیدار شدم و تاکنون در انتظار تو بودم. حسن بن مسئله تمام ماجرا را مفصلاً برای سید ابوالحسن بازگفت و سید دستور داد که اسب‌ها را آماده کنند و سوار شدند و به روستای جمکران آمدند. در کنار روستا جعفر چوپان را دیدند که گله‌ی خود را از کناره‌ی راه می‌برد، و آن بزی که حضرت توصیف آن را نموده بود از پشت گله می‌آمد. حسن بن مسئله میان گله رفت و آن بز به نزد او آمد. حسن به مسئله بز را گرفت و نزد چوپان آورد تا از او خریداری کند، اما چوپان گفت: من تاکنون این بز را داخل گله‌ام ندیده بودم، و فقط امروز آن را در میان گله یافتم و هر چه سعی کردم آن را بگیرم، نتوانستم. سپس آن بز را در آن جایگاه آوردند و ذبح نمودند. سید ابوالحسن نیز حسن بن مسلم را حاضر نمود و سود آن زمین را از وی گرفت و سود ملک رهق را نیز آوردند و مسجد جمکران را با سقفی چوبی ساختند. سید ابوالحسن الرضا آن زنجیرها و

فرهنگ‌نامه آخرالزمان میخ‌ها را به قم آورد و در خانه‌ی خود نهاد. هر مریض و دردمندی که می‌رفت و خود را بدان زنجیرها می‌مالید، خداوند او را به زودی شفا عنایت می‌فرمود و حالش خوب می‌شد.

محمد بن حیدر می‌گوید: وقتی سید ابوالحسن الرضا از دنیا رفت در «موسویان» شهر قم مدفون گشت و از افراد بسیاری شنیدم که پس از مرگ وی یکی از فرزندانش مریض شد و خواستند بدان زنجیرها او را مداوا کنند، اما آن‌ها را نیافتند.^۱

مسجد سهله

مسجد سهله مسجدی است که در بیرون شهر کوفه قرار دارد و فاصله آن تا مسجد کوفه حدود ۱/۵ کیلومتر است. این مسجد مکانی بسیار مقدس است و انبیا و اوصیای زیادی در آن نماز خوانده‌اند که محل نمازگزاری آنان در این مسجد مشخص شده است و به مقامات مختلف مشهور است. مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب شریف مفاتیح الجنان روایت می‌کند: بدان که بعد از مسجد بزرگ کوفه، در آن نواحی مسجدی با فضیلت‌تر از مسجد سهله نیست زیرا آن مسجد خانه حضرت ادریس و حضرت ابراهیم و محل ورود و مسکن حضرت خضر علیه السلام است. ابوبصیر پرسید: آیا امامانی که پس از او (رجعت می‌نمایند) نیز در آن مسجد ساکن خواهند بود؟ حضرت فرمود: بلی تا پایان زندگی دنیا چنین خواهد بود.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابا محمد! گویا می‌بینم که صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام به مسجد سهله آمده است و اهل و عیال آن حضرت نیز همراه او هستند. خدای متعال هیچ پیامبری را به پیامبری نفرستاده مگر آنکه در این مسجد نماز گزارده است. هر کسی که در این مسجد اقامت نماید مانند شخصی است که در خیمه‌ی

۱. نجم‌الناقب: باب هفتم، حکایت اول.

رسول خدا ﷺ ساکن است. تمام مردان و زنان مؤمن دلشان به سوی این مسجد پر می‌کشد و در این مسجد سنگی قرار دارد که شمایل هر پیامبری بر آن نقش بسته است.^۱ هر کسی که صادقانه در این مسجد دعا کند، به یقین حاجتش برآورده خواهد شد. هر کسی که به این مسجد پناهنده شود، از هر گزندى که از آن بیم دارد در امان خواهد بود. سپس حضرت اضافه فرمود که این مسجد از جمله بقاع متبرکهای است که خداوند دوست دارد او را در آن بقاع یاد کند و در هر شب و روز ملائکه به این مسجد آمده و به عبادت پروردگار می‌پردازند. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: اگر من در نزدیکی این مسجد زندگی می‌کردم، تمام نمازهایم را در این مسجد به جای می‌آوردم، ای ابا محمد! این توصیفاتی را که گفتم اندکی از فضایل این مسجد است. سپس ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد: قربان شما کردم! آیا حضرت قائم علیه السلام پیوسته در این مسجد اقامت خواهد داشت؟ حضرت پاسخ داد: بلی: در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مستحب است دو رکعت نماز میان نماز مغرب و عشا در این مسجد خوانده شود و پس از آن دعا کنند، این کار باعث زدوده شدن غم‌های انسان خواهد شد.^۲

سید بن طاووس بهترین وقت برای رفتن به این مسجد و دعا و نماز را شب چهارشنبه می‌داند و اعمالی را برای آن نقل نموده است.

از قدیم الایام مرسوم بوده است که هر کس چهل شب چهارشنبه را در این مسجد بیتوته کند، حضرت قائم علیه السلام را زیارت خواهد نمود. این مطلب را به تجربه بسیاری از افراد آزموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند و داستان‌های تشریف‌آنان در کتبی که این دسته از داستان‌ها را جمع‌آوری نموده‌اند موجود است.^۳

۱. شاید زمانی که حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه ظهور نماید آن سنگ را خارج نموده تا همگان مشاهده کنند.

۲. مفاتیح الجنان: اعمال مسجد سهله و بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۸۱ و کافی: ج ۳، ص ۴۹۵ و بحار الانوار: ج ۱۰۰، ص ۴۳۵ و

۴۳۶.

۳. نجم الناقب: باب تشرفات.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: محلی که حضرت قائم علیه السلام پس از قیام برای سکونت خود انتخاب می‌نماید مسجد سهله است و در برخی روایات این مسجد را مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی معرفی می‌کند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام دعایی را از زبان حضرت قائم علیه السلام نقل می‌نماید و می‌فرماید: گویا می‌بینم که حضرت قائم علیه السلام از وادی السلام به سوی مسجد سهله می‌رود و خوشه‌ای خرما به دست اوست که خرماهایی پر تالو دارد و به خواندن این دعا مشغول است «لا اله الا الله حقاً حقاً...»^۲

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: پس از مسجد الحرام و مسجد النبی، بهترین سرزمین‌ها کوفه است زیرا آن سرزمین است که پاک گشته و قبور انبیای و پیامبران و قبور اوصیا و صالحان بسیاری در آن است و مسجد سهله که تمام پیامبران در آن نماز خوانده‌اند در آن قرار دارد. خداوند عدل خود را از آن مکان آشکار می‌کند و حضرت قائم علیه السلام و ائمه‌ای که پس از او رجعت خواهند نمود در آن ساکن خواهند شد...

مسجد کوفه

ر.ک: کوفه.

مسخ^۳

مسخ شدن عذابی است که در امت‌های گذشته چندین بار اتفاق افتاده است. در قرآن کریم نیز از مسخ شدن گروهی به صورت میمون اشاره شده است. این عذاب در امت آخرالزمان نیز به وقوع خواهد پیوست. زیرا آنان نیز مرتکب گناهایی می‌شوند که

۱. یأتی: ص ۵۴۳ و بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. یأتی: ص ۵۴۵.

۳. ر.ک: زوراء، باد.

امت‌های پیشین انجام می‌دادند. در تفسیر آیه «لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» آمده که امت آخر الزمان نیز مانند امت‌های پیشین خواهند شد.^۱

رسول خدا فرمود: قسم به خداوندی که مرا به راستی فرو فرستاده! زندگی این جهان پایان نپذیرد مگر زمانی که مردم (آخر الزمان) به واسطه گناهایی چون هم‌جنس‌گرایی و گواهی ناحق و نوشیدن و خوردن در ظرفهای طلا و نقره و... مسخ شوند و در زمین فروروند و از سوی آسمان سنگباران شوند.^۲

در روایتی دیگر می‌فرماید بادی سرخ رنگ از سوی مشرق بر گروهی بوزد زیرا هم‌جنس‌گرایی در میانشان رواج می‌یابد سپس به خاطر ارتکاب این گناه، عده‌ای از آنها مسخ می‌شوند و عده‌ای به زمین فرو خواهند رفت.^۳

در روایتی رسول خدا فرمود: امت من گرفتار خسف و مسخ و سنگباران خواهند شد، و این زمانی خواهد بود که رقص زنان و نواختن موسیقی و نوشیدن شراب در میانشان فراوان شود.^۴

در روایتی دیگر حضرت فرمود چنین بلائی قطعاً بر امت من نازل خواهد شد و این در هنگامی خواهد بود که گناهایی چون زنا و ربا و هم‌جنس‌گرایی و پوشیدن لباس حریر و صید حرم را جایز بشمارند و زنان خواننده فراوان شدند.

رسول خدا فرمود: چهار بلا بر سر مردم شهر زوراء خواهد آمد، یکی مسخ شدن گروهی از آنهاست و در روایتی دیگر ابن عباس نقل می‌کند: در زوراء بادی سرخ رنگ خواهد وزید و مردم بسیار می‌ترسند و به سوی علماء می‌روند و بدان‌ها پناهنده

۱. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۲۱.

۲. یاتی: ص ۲۹۸.

۳. همان: ص ۲۹۹.

۴. همان: ص ۲۰۴.

می‌شوند، اما ناگه متوجه می‌شوند که علمایشان به صورت بوزینه و خوک مسخ شده‌اند و صورتشان سیاه شده است و چشمان کبود گشته است.^۱

مصر^۲

در مصر و سوریه دو نفر به حکومت می‌رسند و جنگ بین آنها در خواهد گرفت و تعدادی از اهالی مصر به دست لشکر سوریه اسیر خواهند شد. در این حال گروهی از سوی مشرق با پرچم‌هایی کوچک و سیاه آمده و از این جنگ را به نفع خود پایان می‌دهند و عدالت را در آنجا برقرار می‌کنند و سپس به سوی حضرت مهدی علیه السلام می‌روند و حکومت را تسلیم آن حضرت نموده و خود در رکاب آن حضرت به نبرد با دشمنان می‌پردازند.

یکی از نشانه‌های آخرالزمان وقوع سه خسف و شش زلزله می‌باشد و مصر در آخرالزمان سنگ باران خواهد شد و پس از آن فتنه در کوفه برپا می‌شود و در آن هنگام سفیانی از شام قیام خواهد نمود...^۳ مصر پس از خروج سفیانی نیز مورد هجوم قرار خواهد گرفت. سفیانی در طی پیشروی‌های خود به مصر هم هجوم می‌برد و چهار ماه در آن خواهد بود^۴

مقام ابراهیم

ر.ک: رکن و مقام

۱. ر.ک: زوراء.

۲. ر.ک: آرمینیه، پرچم.

۳. ملاحم: ص ۵۴.

۴. ملاحم: ص ۱۲۵. ر.ک: سفیانی.

مکه^۱

مکه زادگاه پیامبر اسلام است و خانه کعبه در مسجد الحرام، در این شهر واقع شده است. مکه به خاطر مسجد الحرام و کعبه که قبله تمام مسلمین است، همیشه مورد توجه مسلمانان بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که در بستر شهادت بودند در ضمن وصیت خود فرمود: شما را به خدا، شما را به خدا! تازنده هستید خانه‌ی پروردگارتان را خالی مگذارید، زیرا اگر چنین کنید، مهلت داده نخواهید شد (و بلا شما را فرا خواهد گرفت). شهر مکه در آخر الزمان شاهد حوادث بسیاری خواهد بود که به فراوانی در احادیث ملاحم و فتن و احادیث آخر الزمان از آن یاد شده است.

حضرت قائم علیه السلام ابتدای قیام خویش را از کنار خانه کعبه در این شهر آغاز می‌کند و از یاران خویش در کنار مقام ابراهیم بیعت می‌ستاند. در کنار کعبه به تمامی مردم دنیا پیام می‌دهد و آنان را از ظهور خویش آگاه می‌نماید. مکه در آخر الزمان و پس از ظهور حضرت شاهد جنگ‌های فراوانی خواهد بود.

در روایات از مردی یاد شده که از حبشه می‌آید و کعبه را سنگ به سنگ ویران می‌سازد.^۲

در روایتی پیشاپیش ظهور حضرت از جنگ در مکه چنین یاد شده: حج گذاران با هم مشغول حج هستند و پس از عرفه به منی می‌روند، در آنجا مانند شخصی که سگ او را گزیده باشد، دیوانه‌وار به جان هم می‌افتند و به جنگ و خون ریزی می‌پردازند، تا جایی که خون گردنه را خواهد گرفت. مهدی علیه السلام در آن حال صورت خود را بر کعبه نهاده و اشک از چشمان او جاری است. مردم به سوی او می‌روند و از او درخواست می‌کنند که بیاید تا با او بیعت کنند. آنگاه حضرت می‌فرماید: وای بر شما! چه پیمانها که

۱. رک: رکن و مقام، مسجد الحرام، حبشه، کعبه، یاران حضرت مهدی علیه السلام، بیعت.

۲. رک: حبشه.

بستید و سپس آن را شکستید و چه خون‌های (ناحقی) که ریختید؛ و با کراحت و (ناراحتی) با آنان بیعت خواهد کرد. اگر شما در آن زمان بودید، با او بیعت نمایید زیرا او هدایت کننده در آسمان و زمین است.^۱

ملائکه^۲

فرشتگان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام جزء یاری کنندگان ایشان خواهند بود و ایشان را در جنگها و امور حکومتی امداد خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمودند: گویا می بینم که حضرت قائم علیه السلام به سوی کوفه می آید و پرچم رسول خدا را برافراشته می سازد و ملائکه گرداگرد او جمع می شوند...^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می نماید... جبرئیل پرچم رسول خدا را می آورد و می گشاید... سپس سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک در خدمتش نازل می شوند. راوی سؤال کرد آیا این ملائک قبل از حضرت مهدی علیه السلام با انبیاء گذشته هم بوده اند؟ حضرت فرمود: بلی ایشان با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بودند و همراه حضرت ابراهیم علیه السلام در آتش بودند و همراه حضرت موسی علیه السلام هنگامی که دریا شکافته می شد بودند و زمانی که حضرت عیسی علیه السلام به آسمان بالا می رفت او را مشایعت می نمودند و چهار هزار ملائکه از ایشان صف زده همراه پیامبر اسلام بودند و سیصد و سیزده ملک که در روز جنگ بدر به یاری رسول خدا آمدند، و چهار هزار ملک که در کربلا مأمور شدند و به یاری امام حسین علیه السلام آمدند اما حضرت به آنان اجازه جنگ نداد و آنان بازگشتند تا دستوری دوباره بگیرند، اما زمانی که بازگشتند حضرت سیدالشهدا علیه السلام شهید شده بود؛ لذا آنان نزد قبر امام حسین علیه السلام

۱. یأتی: ص ۶۹۱.

۲. رک: جبرئیل، میکائیل.

۳. غیبت نعمانی: ص ۲۰۸ و پرچم یأتی.

غبارآلوده و موپریشان به گریه سر می‌کنند تا روز قیامت و بزرگ ایشان ملکی است به نام «منصور» که مأموریت آنان استقبال از زوار حضرت است و زایران امام حسین علیه السلام را به هنگام وداع بدرقه می‌کنند و از مریض‌های آنان عیادت می‌کنند و بر مردگان آنان نماز می‌خوانند و برایش استغفار می‌کنند و جملگی انتظار ظهور حضرت قائم علیه السلام را می‌کشند...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: واژه امر در آیه شریفه ﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾^۲ به معنای قیام حضرت قائم علیه السلام است که خداوند به ما فرمان داده در آن عجله نکنیم. زمانی که حضرت حجت ظهور کند، سه لشکر او را همراهی و یاری خواهند کرد؛ جنودی از ملائکه و لشکریان ترس و سپاه مؤمنین. قیام حضرت قائم آل محمد همانند قیام رسول خداست (که مؤمنینی اندک، گرداگرد او بودند، اما چون خداوند او را با لشکر ترس و ملائکه یاری می‌رساند، بر مشرکان پیروز شدند)^۳

در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: گویا حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که از مکه به سوی نجف می‌آید و پنج هزار ملائکه او را همراهی می‌کنند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی به ابوجارود فرمود: ... زمانی که هنگام برپایی دولت حق فرا رسد، خداوند آن را به مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) خواهد داد و ملائکه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در جنگ بدر یاری می‌کردند، به مدد او خواهند آمد و آنان نه کشته می‌شوند و نه مجروح شده و نه مدفون می‌شوند.^۴

در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود: امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به یاران خود خبر داد که آنها فردا به شهادت خواهند رسید اما در زمان حضرت قائم علیه السلام به دنیا رجعت

۱. غیبت: ص ۳۱۰.

۲. نحل / ۱.

۳. تفسیر کنز الدقائق: ج ۷، ص ۱۷۶. رک: ترس.

۴. غیبت نعمانی: ۱۹۴ و یاتی: ص ۱۹۷.

خواهند کرد. در آن زمان امام حسین علیه السلام و یاران او باز می‌گردند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکریانی از ملائکه به یاری آنان می‌آیند و حضرت محمد و حضرت علی علیه السلام و امام حسین و سایر ائمه و مردمی که خداوند آنان را انتخاب نموده بر مرکب‌های از نور که از بهشت آمده‌اند سوار خواهند شد...^۱

محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند: هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که بر مؤمنین فرود آمده و بر آنان سلام کنند و با آنان نشست و برخاست کنند. اگر فردی احتیاج به چیزی داشته باشد، حضرت قائم علیه السلام برخی فرشتگان را می‌فرستد تا آن مؤمن را نزد حضرت بیاورند و حاجتش را برطرف ساخته و دوباره او را به جای اول باز می‌گردانند. در آن روزگار برخی از مؤمنین در میان ابرها به حرکت می‌پردازند و برخی با ملائکه به پرواز درمی‌آیند و برخی با ملائکه الهی قدم می‌زنند، و برخی از ملائکه سبقت می‌جویند. در آن روزگار گروهی از مؤمنین توسط بعضی از فرشتگان به حکومت می‌رسند؛ مؤمن در آن ایام نزد خدا از فرشتگان نیز گرمی‌تر خواهد بود تا جایی که بعضی از مردان مؤمن بر صد هزار ملائکه حکومت می‌کنند.^۲

مفضل می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: مولای من! آیا در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام، ملائکه و اجنیان بر مردم آشکار خواهند شد؟ حضرت فرمود: آری! ای مفضل، سوگند به خدا آشکار خواهند شد و با مردم گفتگو خواهند کرد آن گونه که اکنون مردم با هم سخن می‌گویند. مفضل پرسید: آیا همراه او به این سو و آن سو خواهند آمد؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند آری ای مفضل! به راستی که آنان در میان کوفه و نجف فرود می‌آیند و در آن ایام شماره‌ی یاران حضرت چهل و شش هزار نفر

۱. الخرائج و الجرائح؛ ج ۲، ص ۸۴۸.

۲. یاتی؛ ص ۸۴۸.

از ملائکه و چهل و شش هزار از آنچه خواهد بود که به یاری آن جناب آمده و در جنگ‌ها او را یاری می‌کنند.^۱

ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: زمانی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام نماید چهار گروه از ملائکه و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ایشان را همراهی خواهند کرد. این چهار گروه ملائکه مسومین (فرشتگان نشان دار) ملائکه مردفین (فرشتگان صف زده و ردیف شده) ملائکه منزلین (فرشتگان نازل شونده) ملائکه کروییین (فرشتگان بلند مرتبه الهی) هستند و جبرئیل از پیش رو و میکائیل از جانب راست و اسرافیل از سوی چپ حضرت خواهند بود. ترس به فاصله‌ی یک ماه راه از چهار سو در دل دشمنان خواهد افتاد و ملائکه مقرب الهی در کنار حضرت وی را مشایعت می‌کنند. اولین کسی که (رجعت نموده) و پیروی او خواهد کرد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و پس از او علی بن ابی طالب علیه السلام...^۲

در روایت دیگری ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: آنگاه که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، پنج هزار فرشته‌ای که در جنگ بدر حضور داشتند، فرود آمده و به یاری حضرت خواهند شتافت. از این گروه ملائکه، یک سوم آن بر اسب‌هایی ابلق سوارند و یک سوم آنان بر اسب‌هایی سرخ رنگ و مابقی بر اسب‌هایی سیاه و سفید سوار خواهند بود.^۳

امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یکی از نشانه‌های ظهور حضرت آن است که آسمان سرخ فام خواهد شد. این سرخی اشک‌های چشم ملائکه و حاملان عرش الهی برای اهل زمین است.^۴

۱- بحار، ج ۱، ص ۱۵۲

۲- بحار، ج ۱، ص ۲۳۴

۳- همان، ص ۲۴۴

۴- همان، ص ۱۴۷ و یاتی، ص ۶۵۶

۱. نجم الناقب: ص ۱۵۲.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۳۴.

۳. همان: ص ۲۴۴.

۴. همان: ص ۱۴۷ و یاتی: ص ۶۵۶.

ملاحم و فتن^۱

ملاحم جمع مَلْحَمَة است و فتن جمع فتنه. ملحمه از ماده «لحم» است که به معنای گوشت می‌باشد و به استعاره برای جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها و آشوب‌ها استفاده می‌شود؛ زیرا در جنگ‌ها انسانها از بین می‌رود و بدن‌ها قطعه قطعه می‌شود.

منجی آخرالزمان

ر.ک: موعود و منجی آخرالزمان.

منی

منی! سرزمینی است نزدیک مکه و عرفات که غار حرا نیز در کوهی نزدیک این منطقه واقع شده است. حجاج سه شب در این بیابان وقوف می‌کنند و در سه قسمت در آن «رجم» نموده و در نهایت در آن قربانی می‌نمایند.
در آخرین سال قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام آشوبی بزرگ در این بخش روی می‌دهد.

رسول خدا فرمود: (در سال پایانی پیش از ظهور) در ماه ذی قعدة قبایل به نزاع برخیزند و حجاج را غارت نموده و در منی شورش برپا می‌شود و کشتاری بزرگ رخ می‌دهد، به گونه‌ای که تا گردنه جمره خون‌ها جاری شود. سپس سردسته آنان فرار می‌کند و در بین رکن و مقام حضرت با اکراه به آن‌ها بیعت می‌نماید...^۲

در روایت دیگری می‌فرماید: قبایل با هم دیگر به نزاع برمی‌خیزند و جنگ سختی میان آنان در می‌گیرد، سپس در حالی که در منی و عرفات هستند، صدایی می‌شنوند که می‌گوید امیر شما فلان شخص است و پس از آن صدای دیگری می‌شنوند که می‌گوید:

۱. ر.ک: فتنه.

۲. یاتی: ص ۲۵۴.

بدانید که راست است. سپس با هم چنان جنگ کنند گویا سگ‌ها را گاز گرفته است. بسیاری کشته شوند و خون تا گردنه جمره را فرا گیرد. سپس به حضرت مهدی علیه السلام پناهنده می‌شوند در حالی که او صورت خود را به کعبه چسبانده و گریه می‌نماید و می‌خواهند که با حضرت بیعت نمایند. حضرت مهدی علیه السلام به آنان یادآور می‌شود که چقدر پیمان بستند و شکستند و در پایان با اکراه، با آنها بیعت می‌نماید.^۱

موسی

موسی علیه السلام یکی از انبیای الهی است که کتاب آسمانی توات بر او نازل شد و هدایت بنی اسرائیل را بر عهده داشت. از معجزات او عصا و سنگی بود که با آن برهان نبوت خویش را برای مردم ثابت می‌کرد. این عصا و سنگ عجائب زیادی را در بر دارد و اکنون جزء میراث ائمه علیهم السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام است. حضرت موسی علیه السلام با آن عصا بر نیل زد و آن را شکافت و از میان آب راهی خشک برای بنی اسرائیل فراهم کرد تا از گزند فرعونیان رهایی یابند و عصا بر آن سنگ می‌کوبید و از آن چشمه آب و غذا بیرون می‌آمد و بنی اسرائیل از آن استفاده می‌کردند.

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی حضرت قائم علیه السلام ظهور فرماید پرچم رسول خدا را به همراه دارد و انگشتر سلیمان و عصای موسی و سنگ او نیز با وی خواهد بود. منادی حضرت در میان اصحاب می‌گوید: در سفر هیچ کس آب و غذا برای خود و مرکب خویش ذخیره نکند. اصحاب می‌گویند: با این کار او ما و حیوانات مان را از گرسنگی و تشنگی تلف خواهد نمود! سپس حرکت می‌کنند و در اولین مکانی که اتراق می‌کنند، حضرت بر سنگ موسی می‌زند و از آن آب و غذا برای آنها و مرکب‌هایشان می‌جوشد و لشکر به همراه مرکب‌هایشان می‌خورند و می‌آشامند تا اینکه به شهر نجف وارد

می‌شوند.^۱

در حدیث دیگری نیز به همین مضمون فرمودند: این سنگ به اندازه بار یک شتر وزن دارد و در هر مکانی که لشکریان حضرت پیاده می‌شوند، آن سنگ چنان جوشش کند که هر گرسنه و هر تشنه‌ای از آن بهره برد و سیر شود و سیراب گردد. و این برنامه همین طور خواهد بود تا اینکه لشکریان حضرت به نجف اشرف برسند.^۲

و در روایت دیگری می‌فرماید: آن سنگ را چون بر زمین می‌نهد، زمین یکسره سبز خواهد شد.^۳

موعود و منجی آخرالزمان

موعود و منجی دو نام مشهور برای شخصی است، که در آخرالزمان به دست او دنیا از ظلم و ستم رها خواهد شد و گاه از این شخص با لقب مهدی، یعنی هدایت‌گر یاد می‌کنند. شاید بتوان گفت که در هر مکتبی از مکاتب اعتقادی دنیا، به گونه‌ای اعتقاد به منجی وجود دارد. موعود به معنای شخصی است که در ادیان به آمدن او مژده داده شده است. شخصی که نجات دهنده‌ی انسان‌ها است. منجی که واژه‌ای مشتق شده از نجات است نیز به همین معنی دلالت دارد.

در قرآن مجید خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۴ (خداوند به کسانی

۱. غیبت: ص ۲۳۸.

۲. وافی: ج ۲، ص ۱۱۲. رک: تورات.

۳. یاتی: ص ۵۴۸.

۴. نور / ۵۵.

که ایمان آورده و به کارهای نیک می‌پردازند نوید می‌دهد، که آنان را در زمین جانشین خود گرداند، همان‌گونه که در امت‌های پیشین نیز مؤمنان جانشینان در زمین بودند، و بدان‌ها نیرو و تسلطی عطا کند که دین مورد رضایت الهی را بر زمین بگسترانند و ترس آنان را به امنیت و آسایش تبدیل کند به گونه‌ای که در آن روز فقط خداوند پرستیده شود و شرک نابود شود) در تفاسیر این آیه به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است و خداوند بدین آیه به مؤمنان مژده‌ی زمانی را می‌دهد که از استیلای ظلم و ستم و شرک نجات خواهند یافت.

در زیارت حضرت مهدی علیه السلام نیز به دو مضمون نجات بخشی حضرت و نویدی که به آمدن آن جناب داده شده است اشاره می‌شود: «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَّ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَّ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ (سلام بر مهدی، آن کسی که خدای عزوجل مژده‌ی آمدنش را به سایر امت‌ها داده است، که با آمدنش تمام مردم هم‌سخن گشته و از پراکندگی و تفرقه نجات می‌یابند و زمین از عدل داد او پر می‌شود و او را در زمین صاحب قدرت و سلطنت قرار خواهیم داد و مژده‌ای که به مؤمنان داده‌ایم محقق خواهد شد).

موعود و منجی در مکتب شیعه یکی از اصول و پایه‌های اعتقادی مذهب به شمار می‌رود و عدم اعتقاد به آن را جایز نمی‌دانند. موعود و منجی از دیدگاه مکتب تشیع، امام دوازدهم از امامان دوازده‌گانه و فرزند امام عسکری علیه السلام است. او پس از غیبتی طولانی ظهور خواهد نمود و جهان را از ظلم و ستم رهایی خواهد بخشید. در مذهب شیعه موعود آخرالزمان و منجی بشریت شخصی جز حضرت مهدی، حجة بن الحسن،

۱. مفاتیح الجنان: زیات حضرت صاحب الامر x.

امام دوازدهم علیه السلام نیست. اما در مکاتب مختلف علی رغم اینکه همه‌ی آنها به آمدن یک نجات بخش اذعان می‌کنند، اما به انحصار او در شخص حضرت مهدی ارواحنا فداء معتقد نیستند. شاید بتوان گفت تنها مکتبی که به «شخصی خاص» و «موجود»، به عنوان منجی و موعود آخرالزمان معتقد است، تنها مکتب «تشیع» است و در میان مذاهب فقط مذهب شیعه است که منجی خود را در تمام ادوار آخرالزمان موجود می‌داند، زیرا یکی از اصول اعتقادی شیعه این است که هیچ‌گاه زمین از حجت الهی خالی نخواهد بود و موعود شیعه نیز آخرین امام خواهد بود.

حتی در میان احادیث اهل سنت نیز روایات بسیاری را می‌بینیم که بر آمدن موعودی از نسل پیامبر و از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام دلالت می‌کند در این روایت به خصوصیات اشاره می‌شود که مکتب تشیع نیز بدان‌ها معتقد است، برای مثال از ویژگی‌هایی که برای موعود آخرالزمان برشمرده‌اند این است که از اولاد حسین بن علی علیه السلام است و هرگاه آمدن او فرا رسد، حضرت عیسی از آسمان فرود خواهد آمد و دنیا به دست او از ظلم و ستم رها خواهد شد. با توجه به اینکه اهل سنت امامت حضرت مهدی علیه السلام را قبول ندارند بنابراین منتظر شخصی دیگر هستند که دارای این خصوصیات باشد، اما اعتقاد به مهدویت جزو یکی از اصول اعتقادی آنان می‌باشد.

در میان ادیان ابراهیمی، اعتقاد به منجی و موعود از سایر امت‌ها بسیار پررنگ‌تر است. علی رغم پیدایش تحریف‌ها در کتاب‌های آسمانی، هنوز هم مژده‌های فراوانی را در خلال کتاب عهد عتیق می‌توان یافت. در اناجیل اربعه نیز بیش از سایر منابع دینی به این موضوع پرداخته شده است.

بر اساس مژده‌های فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح علیه السلام در آخرالزمان دوباره به زمین بازخواهد گشت. حضرت عیسی علیه السلام در طول پیامبری خود به یاران و شاگردان خود توصیه می‌نمود که مراقب و آماده باشند زیرا او دوباره رجعت

خواهد نمود.

در این پیشگویی‌ها اشاره شده است که مراقب مسیح‌های دروغین باشند زیرا افراد بسیاری به دروغ ادعا خواهند کرد که عیسی هستند و مردم بسیاری را به گمراهی خواهند کشاند. از این فتنه‌ها به اضطراب و تشویش نیفتید، زیرا این آزمایش‌ها باید رخ دهد و قحطی‌ها و زلزله‌های فراوانی پدیدار شود، در آن روزهای فتنه زده، آفتاب و ماه خواهند گرفت و ستارگان خواهند ریخت و نیروی افلاک به سستی می‌گراید و نشانه‌های آسمانی موعود در آسمان رخ می‌دهد و مردم دنیا سراسیمه می‌شوند و به فزع خواهند افتاد و موعود بر ابرهای آسمانی با قوت و جلال عظیم خواهد آمد. از زمان وقوع این امر هیچ کس جز خداوند خبر ندارد حتی فرشتگان نیز زمان آن را نمی‌دانند و این امر به طور ناگهانی رخ خواهد داد، پس منتظر باشید، کمر برای شرکت در آن ایام ببندید و مانند بنده‌ای که انتظار سرور خود را می‌کشد، چراغ بدست چشم به راه باشید، تا زمانی که او می‌آید شما کاملاً آماده باشید، زیرا او در زمانی می‌آید که اصلاً گمان آمدنش را نمی‌برید. زمانی که آن موعود بیاید، مردگان صدای او را می‌شنوند و دوباره زنده می‌شوند و موعود در میان آنان به داوری خواهد پرداخت و نیکان را جزای نیکی و بدان را جزای بدی خواهد داد. موعود چون دین خود را ابلاغ کرد در مقابل چشم‌ها به سوی آسمان عروج کرد و ابری وی را از پیش دیده‌هایشان پنهان کرد. مردم در همان حال که بر آسمان می‌نگریستند، دو مرد سفید پوش را دیدند که می‌گویند، ای مردان جلیل! چرا به سوی آسمان می‌نگرید؟ همین عیسی که این گونه از نزد شما به آسمان صعود کرد، همین طور دوباره از آسمان فرود خواهد آمد.^۱

۱. موعود نامه: ص ۱۳۳. این بشارت‌ها در کتاب مقدس: انجیل متی: ص ۴۱ باب ۲۴، انجیل لوقا: ص ۱۱۶ باب ۱۲، انجیل مرقس: ص ۷۷ باب ۱۳، انجیل یوحنا: ص ۱۵۲ باب ۵، مکاشفه‌ی یوحنا: ص ۴۰۸ باب ۱۲، رساله‌ی پولس به رومیان: ص ۲۵۲ و ۲۶۱ باب ۸ و ۱۵، اعمال رسولان: ص ۱۸۷ باب ۱ آمده است.

در میان قوم یهود نیز اعتقاد به منجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این اعتقاد امروزه در قالب یک تفکر انحرافی و نژاد پرستانه، به نام صهیون، در بین گروهی از یهودیان رواج یافته است.^۱

اما آن دسته از یهودیان غیر صهیون، هنوز بر روش یهودیان پیشین به نزول عیسی معتقدند که خواهد آمد و منجی بشریت خواهد شد. در تورات که کتاب آسمانی یهودیان است و هم‌اکنون در دست یهودیان وجود دارد و مورد قبول آنهاست، با وجود تحریفات بسیار نسبت به تورات اصلی، بشارت‌های فراوانی از آمدن موعود و ظهور مصلح جهانی در آخر الزمان آمده است. در «زبور»، کتاب حضرت داود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام به بیان‌های گوناگون داده شده است، و در سی و پنج بخش از مزامیر صد و پنجاه گانه، اشاره‌ای به ظهور موعود و نوید پیروزی صالحان بر تبه‌کاران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید، موجود است.^۲ در قرآن کریم نیز به این بشارت‌های موعود که در زبور آمده است اشاره شده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳ (ما علاوه بر ذکر [تورات] در زبور نیز یادآور شدیم که بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد). در این آیه‌ی شریفه منظور از ذکر، کتاب تورات موسی علیه السلام است و حضرت داود در شریعت پیرو شریعت تورات بوده است. این خبر که در قرآن از آن یاد شده است هم‌اکنون نیز در زبور وجود دارد و از تحریف مصون

۱. رک: صهیون.

۲. آخرین امید: داود الهامی، ص ۱۹۳.

۳. انبیاء / ۱۰۵.

مانده است.

در زبور آمده است: «شروورها نابود خواهند شد، اما توکل کنندگان به خدا، وارث زمین خواهند شد.^۱ ... اسم او تا ابد باقی خواهد ماند، اسم او مانند آفتاب ماندگار است و مردم از او به برکت دست پیدا می‌کنند و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، بلکه اسم صاحب جلال او، پیوسته مبارک است و سر تا سرزمین از جلال آکنده می‌شود.»^۲ اساساً اعتقاد به منجی در قوم یهود جزو اصول اعتقادی آنان است. این موعود در میان یهود با نام ماشیح (ماشع) شناخته می‌شود، و هر فرد یهودی که به ظهور ماشیح و دوره‌ی نجات نهایی و نجات در آخر الزمان (گئولا) ایمان نداشته باشد و یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی و سایر انبیای بنی اسرائیل خواهد بود زیرا موضوع ماشیح به دفعات در متون مقدس عنوان شده است. در تلمود^۳ کسانی که به محاسبه‌ی دقیق زمان ظهور ماشیح می‌پردازند مورد نفرین قرار گرفته‌اند، و تنها به انتظار ظهور ماشیح تشویق و توصیه شده‌اند. در مقاطعی که آزار و شکنجه و رنج و مشقت یهودیان توسط مشرکین به علت اعتقادات مذهبی و توحیدی آنان به اوج خود می‌رسد، ایمان به ماشیح و گئولا (نجات نهایی) بوده است که جرقه‌های امید را روشن نگاه داشته است و باعث شده که یهودیان بدترین و هولناک‌ترین مصیبت‌های تاریخ را تحمل کنند و به انتظار روز قضاوت الهی باشند.

متون مذهبی یهود، موضوع ماشیح و گئولا، از جمله اهداف اولیه‌ی آفرینش است. ماشیح، انسانی است خاکی از جنس بنی‌آدم که چون سایر مردم به صورت عادی متولد

۱. عهد عتیق: کتاب مزامیر: مزمو ۳۷.

۲. همان: مزمو ۷۲ و موعودنامه: ص ۲۹۹.

۳. کتابی است که یهودیان از جمع آوری سخنان و آموزه‌های شفاهی دانشمندان بزرگ خود و مناسیح یهود گردآوری کرده‌اند. فرهنگ جامع.

شده است. اصل و نسب او به حضرت داود و سلیمان علیهم‌السلام می‌رسد. صداقت و پارسایی او از بدو تولد رو به فزونی است و به خاطر کردار شایسته‌ی خود به عالی‌ترین و برترین درجات تکامل روحانی دست خواهد یافت. در هر دوره‌ای امکان دارد که ماشیح ظهور نماید، اما نه به این معنی که در زمانی مناسب از آسمان‌ها پایین آمده و در زمین ظاهر شود، بلکه او همواره بر روی زمین وجود دارد، بشری خاکی با نشأت و مقامی بسیار مقدس و روحانی. در هر دوره‌ای ماشیح وجود دارد و حاضر و ناظر است. یعنی در هر برهه‌ای از زمان، فرزندی از خاندان یهود به دنیا می‌آید که برای مقام ماشیح برآزنده است. روح خداوندی بر ماشیح می‌آید؛ روح عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش و ترس الهی. او با ترس الهی الهام می‌گیرد. او تنها با تکیه بر آنچه با چشم می‌بیند و با گوش می‌شنود قضاوت نمی‌کند و حکم صادر نمی‌نماید (بلکه به علم الهی و بنابر حقیقت امور قضاوت می‌کند)^۱ برای تهیدستان با عدالت داوری می‌کند و درماندگان و از پای افتادگان را با تساوی حقوق رسیدگی می‌کند. ستمگران را با عصای دهان خود خواهد کوبید و تبه کاران را با نفس‌لب‌های خود نابود می‌کند. بنابر عقیده‌ی رامبام (موسی بن میمون) عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر است، او از پدران قوم یهود یعنی ابراهیم و اسحاق و یعقوب و نیز از تمام انبیای بنی اسرائیل که پس از موسی برانگیخته شدند، بلند مرتبه‌تر خواهد بود. زمان ظهور ماشیح که توسط خداوند تعیین شده است، رازی بسیار پوشید، و پنهان است. با این وجود، نشانه‌های بسیار در مورد شرایط آمدن او بیان شده است که برخی از این نشانه‌ها اضطراب‌آمیز و نگران‌کننده‌اند. در زمان گئولا (نجات نهایی در آخرالزمان) نیز جهان به یک مدینه‌ی

۱. همان‌گونه که به اعتقاد شیعه، وقتی حضرت مهدی عج ظهور نماید با علم الهی خود قضاوت می‌کند، شاهد نمی‌طلبد و چون داود حکم می‌کند. رک: قضاوت

فاضله تبدیل خواهد شد؛ سنت‌های اولیه‌ی یهود و عبارات‌های پیشین دوباره احیا می‌شوند، بدی‌ها و گناهان از کسی صادر نمی‌شود، مردم به حقیقت خداشناس می‌شوند و خداباوری در عمق جان مردم خواهند بود، همه‌ی مردم دنیا به خداپرستی روی خواهند آورد، مردم در کمال آرامش و آسایش در کنار هم زندگی می‌کنند و صلح سرتاسر دنیا را فرا خواهد گرفت، گروهی از مردگان دوباره به زندگی دنیا باز می‌گردند، برکت و سعادت در همه جا دیده می‌شود و بیماری‌ها پایان می‌پذیرد، و معجزاتی به مراتب بزرگتر از معجزات خروج بنی اسرائیل از مصر رخ می‌دهد.^۱

«ماکس» نویسنده‌ی آمریکایی کتاب «قاموس کتاب مقدس» درباره‌ی شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم یهود چنین می‌نویسد: «عبرانیان منتظر قدوم مبارک مسیح، نسل به نسل بودند و وعده‌ی آن وجود مبارک مکرراً در زبور و کتب انبیا، خصوصاً در کتاب اشعیا داده شده است. تا وقتی که یحییای تعمید دهنده (حضرت یحیی بن زکریا عليه السلام) به دنیا آمد و به قدوم مبارک او بشارت داد. اما یهود آن بنوآت (پیش‌گویی‌ها) را نفهمیده و با خود می‌اندیشیدند که مسیح، سلطان زمان خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ستمگران رهایی خواهد بخشید و به بالاترین درجات فرّ و جلال خواهد رساند.^۲

با توجه به افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند مصر باستان، هند، چین، ایران، یونان و بررسی افسانه‌های دیگر اقوام مختلف بشری، می‌توان یافت که با وجود اختلاف‌های بسیار و گاهی متضاد در موضوع موعود و منجی آخرالزمان، اما در اصل وجود یک چنین شخصی اتفاق نظر دارند.

۱. موعود نامه ص ۷۰۸. تشریح موعود شماره‌ی ۱۹ ص ۶۱.

۲. قاموس کتاب مقدس: ص ۸۰۶.

ایرانیان باستان معتقد بودند که «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده است. صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند، تا روزی که بیدار شده و قیام کند و جهان را اصلاح نماید، گروهی دیگر از ایرانیان نیز می‌پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده‌ی فرمانروایی، تاج پادشاهی خود را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آن جا آرمید و همان گونه خواهد بود تا زمان آشکار شدنش برسد و گیتی را از اهریمنان پاک گرداند.

در منابع زرتشتیان به ظهور موعود و منجی آخرالزمان اشاره شده است. کتاب «زند» که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان است، درباره‌ی انقراض بدسرشتان و حاکم شدن نیکان چنین می‌گوید: «لشکر اهریمنان با ایزدان، دایم در روی خاکدان محاربه و کشمش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان می‌باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را کاملاً از بین ببرند و نابود سازند. زیرا در هنگام تنگی از سوی «اورمزد» که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندهای او هستند یاری می‌رسد. جنگ میان این دو گروه نه هزار سال به طول می‌انجامد. سپس پیروزی بزرگ شامل ایزدان خواهد شد و اهریمنان از پای در خواهند آمد و نابود می‌شوند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده و بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.

در بخش کات‌ها که یکی از بخش‌های چهارگانه‌ی اوستا است، مژده‌هایی درباره‌ی ظهور منجی آخرالزمان و حکومت جهانی او داده شده است؛ در آن کتاب گفته شده: «زمانی که سزای این گنه‌کاران فرا برسد، پس ای مزد! «بهمن» کشور تو را برای کسانی که دروغ را به راستی مبدل نموده‌اند برپا می‌کند. ما نیز می‌خواهیم که از آن گروه باشید که زندگی‌ای نو خواهند کرد. ای مزد! آن صبح کسی فرا خواهد رسید؟ چه زمانی دین راستین در گیتی گسترش خواهد یافت، دینی که با آموزه‌های روزافزون و خردمندانه

انسان‌ها را رهایی می‌بخشد، آنان که بهمن به یاریشان خواهد آمد چه کسانی‌اند؟ ای اهورا! من تو را برای آگاه ساختن برگزیده‌ام» جاماسب در کتاب معروف خود «جاماسب‌نامه» می‌گوید: پیامبر عرب، آخرین پیامبر است که در میان کوه‌های مکه پدیدار خواهد شد، او بر شتر سوار می‌شود و قوم او نیز شترسوارانند، با بنده‌ها غذا می‌خورد و به روش آنان می‌نشیند، او را سایه نیست و از پشت سر مانند پیش رو می‌بیند. دین او اشرف ادیان است و کتاب او تمام کتاب‌های پیشین را نسخ خواهد کرد. از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد، شخصی به حکم یزدان در دنیا پادشاه خواهد شد. او آخرین جانشین آن پیامبر است. او در میان دنیا که مگه است ظهور می‌نماید و دولت او تا به قیامت ادامه خواهد داشت و پس از پادشاهی او دنیا تمام خواهد شد. تمام دنیا در آن روز بر یک دین خواهند بود و هیچ گبر و زرتشتی باقی نخواهد ماند. در آن روزگار همه‌ی پیامبران خدا و حکیمان و پری‌زادگان و دیوها و مرغان و تمام گونه‌های جانوری و ابرها و باده‌ها و مردان سفید روی در خدمت او خواهند بود.

در «زند و هومن سن» از ظهور شخصیت فوق‌العاده‌ای به نام «سوشیانس» (نجات‌دهنده‌ی بزرگ) خبر داده است و درباره‌ی نشانه‌های ظهور وی چنین می‌گوید: «نشانه‌های شگفت‌انگیزی در آسمان پدید می‌آید که به ظهور منجی دلالت می‌کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند، و به همه‌ی دنیا پیام می‌فرستند. سوشیانس دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه‌کن سازد، یزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم گردار گرداند». اعتقاد به «سوشیانس» در میان ملت ایران باستان به اندازه‌ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست‌های جنگی و فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور چنین

نجات دهنده‌ی مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند.^۱

ژرمنی‌ها در مورد منجی و موعود آخرالزمان معتقدند که او یک نفر از نژاد آنان است که نژاد ژرمن را بر دنیا مسلط خواهد کرد.

نژاد اسلاو بر این باورند که منجی آخرالزمان و موعود بشر فردی است از مشرق زمین که به متحد کردن اقوام اسلاو می‌پردازد و آنان را بر تمام دنیا چیره خواهد کرد. نژاد صربی نیز در انتظار موعودی به نام «مارکو کرا لیویچ» هستند.

در میان گروه‌های مختلف هندوها کتاب‌هایی موجود است که به عنوان کتاب‌های مقدس آسمانی شناخته می‌شود و پدیدآورندگان این کتاب‌ها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند. در این کتاب‌ها تصریحات بسیاری مبنی بر بشارت موعود آخرالزمان آمده است. در کتاب او پانیشاد که یکی از کتب معتبر و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت ظهور موعود آخرالزمان چنین آمده است: این مظهر ویشنو (یعنی مظهر دهم) در پایان دوران یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید، در حالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی مانند ستاره‌ی دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و تبه‌کاران را خواهد کشت. در کتاب «باسک» که از کتب مقدسه آسمانی هندوها است بشارت ظهور موعود آخرالزمان این‌گونه آمده است: «دور دنیا تمام می‌شود، پادشاه عادل در آخرالزمان می‌آید که پیشوای فرشتگان و پریان و بنی آدم است و حق و راستی همراه اوست، آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آنچه در آسمان‌ها و زمین است خبر می‌دهد و از او عظیم‌الشان‌تر کسی به جهان پای ننهاده است» در کتاب «یاتیکل» نیز که از کتاب‌های مقدس هندوهاست، بشارت ظهور منجی آخرالزمان بدین صورت آمده: زمانی که مدت روز تمام شود، دنیای کهنه دوباره نو شده و زنده می‌گردد

۱. موعود نامه: ص ۳۷۶، بشارت عهدین: ص ۲۲۷، لمعات النور: ج ۱، ص ۲۳ - ۲۵، او خواهد آمد: ص ۱۰۸ و ۱۲۱ و ۱۲۲.

ظهور حضرت مهدی x از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان: ص ۲۵۵.

و صاحب پادشاهی تازه آشکار خواهد شد. او از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان است که یکی «ناموس آخرالزمان» و دیگری «صدیق اکبر» است، یعنی وصی بزرگ‌تر. او «پشن» نام دارد و نام آن کسی که پادشاهی تازه را داراست «راهنما» می‌باشد. او به حق به پادشاهی می‌رسد و جانشین «رام» خواهد بود و به فرمانفرمایی پردازد و معجزات فراوانی خواهد کرد.

در این بشارت، مقصود از «ناموس آخرالزمان» پیامبر اسلام ﷺ است و «پشن» نام هندی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. «دارنده‌ی پادشاهی تازه» حضرت ولی عصر علیه السلام است و «راهنما» نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام است و واژه‌ی «رام» به زبان سانسکریت است و نام مقدس حضرت باری تعالی است.

در کتاب وشن جوک یا یکی دیگر از کتب مقدس هندوها نیز بشارت به ظهور حضرت آمده است: «آخر دنیا به کسی بر می‌گردد که خدا را دوست داد و از بندگان خاص الهی است، نام او «خجسته» و «فرخنده» است.

در کتاب «دید» که از کتاب‌های مقدس هندوهاست نیز آمده است که: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان خواهد آمد که پیشوای خلایق است و نام او «منصور» است. او تمام عالم را تصرف خواهد کرد و به دین خود در خواهد آورد» در کتاب «دادتک» هندوها نیز آمده است: «پس از آنکه مسلمانی به هم رسد، در آخرالزمان، و به واسطه‌ی فراوانی ظلم از سوی ستمگران و فاسق شدن علما، اسلام از میان مسلمانان رخت بر بندد و دنیا از ظلم و ستم آکنده شود، دست حق به در آید و آخرین جانشین «ممتاطا» (که در زبان هندی به معنی محمد است) ظهور خواهد کرد و شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.

در کتاب «ریگ ودا» نیز آمده است که: «ویشنو» (یعنی نجات دهنده) در میان مردم ظاهر می‌شود. او از همه قوی‌تر است، در یک دست ویشنو شمشیری است مانند

فرهنگ‌نامه آخرالزمان

ستاره‌ی دنباله‌دار و در دست دیگر او انگشتی درخشانده است، در زمان ظهور ویشنو خورشید و ماه تاریک خواهند شد و زمین به لرزه درخواهد آمد.

در کتاب «شاکمونی» نیز که از کتب مقدسه هندیان است آمده است: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، او کسی است که بر کره‌های مشرق و مغرب دنیا حکم رانی خواهد کرد و فرمانروای سرتاسر گیتی خواهد شد. او برابرها سوار می‌شود و فرشتگان در خدمت او خواهند بود. دین خدا در آن روز یک دین واحد خواهد شد. نام او «ایستاده» و «خداشناس» است. (گشن در لغت هندی، نام پیامبر اسلام ﷺ است و حضرت مهدی علیه السلام به نام ایستاده و خداشناسی خوانده می‌شود) برخی از هندوها که بدان‌ها بودایی می‌گویند، آمدن بودا را انتظار می‌کشند.^۱

ساکنان جزایر انگلستان از قرن‌ها پیش منتظرند که روزی «آرتور»^۲ از جزیره‌ی «آوالون» ظهور نموده و نژاد «ساکسون»^۳ را بر دنیا غلبه دهد و آنان را سعادت‌ی جهانی ببخشد. اسن‌ها^۴ معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور خواهد کرد که دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

سلت‌ها^۵ می‌گویند: پس از بروز آشوب‌هایی در جهان «پودیان بور ویهیم» قیام می‌کند

۱. موعودنامه: ص ۷۷۶، ظهور حضرت مهدی * از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان: هاشمی شهیدی، ص ۳۲۷.

۲. آرتور: پادشاهی عدالت گستر که در قرون وسطی بر بریتانیا سلطنت کرده است.

۳. ساکسون، آنگلو ساکسون: نام آنگلو ساکسون‌ها (Anglo-Saxons) معمولاً برای اشاره به قبایلی از زمین‌ها به‌کار می‌رود که از اوایل سده ۵ میلادی در جنوب و خاور بریتانیای بزرگ سکونت داشتند. آن‌ها ملست انگلیس را تشکیل دادند و دوره آن‌ها تا زمان تصرف منطقه به دست نورمن‌ها یعنی سال ۱۰۶۶ ادامه یافت.

آنگلو ساکسون‌ها از سه قبیله، آنگل، ساکسون و زوت تشکیل شده بودند.

۴. اسن: یکی از شهرهای منطقه رور در ایالت نوردراین-وستفالن آلمان می‌باشد و رودخانه رور از داخل آن می‌گذرد.

۵. سلت: در حدود سال ۷۰۰ قبل از میلاد، یک گروه از قبایل، به نام سلت‌ها، در اروپای مرکزی ساکن شدند. تا پیش از سال

و دنیا را به تصرف خود در می‌آورد.

ساکنان منطقه‌ی اسکاندیناوی^۱ بر این باورند که برای مردم دنیا بلاهایی می‌رسد، جنگ‌های جهانی اقوام را نابود می‌کند، آنگاه «اودین» با نیرویی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می‌شود. اقوام ساکن اروپای مرکزی نیز در انتظار آمدن «بوخص» هستند. اقوام ساکن در آمریکای مرکزی معتقدند که «کوتز لکوتل» نجات بخش جهان است و پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

چینی‌ها بدین عقیده‌اند که منجی آخرالزمان «کرشنا» است، او ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد.

قبایل ای پوور می‌گویند: روزی فراخواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی رخ نمی‌دهد و این صلح جهانی را پادشاهی دادگر در پایان جهان برقرار خواهد کرد. گروهی از مصریان باستان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» می‌زیسته‌اند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می‌شود. طبقاتی را از بین برده و مردم را به آسایش و آرامش دعوت می‌کند.

۵۰۰ قبل از میلاد، آنها به عنوان کشاورزان در سراسر اروپای مرکزی و شمالی پراکنده شده بودند. سلتها آهنگران ماهری بودند که ابزار آهنی، سلاح آهنی و جواهرات ظریف می‌ساختند. آنها جشنهایی برگزار کرده و به تفریح می‌پرداختند آنها جنگجویانی خشن اما بی‌نظم بودند برای همین رومی‌ها آنها را به آسانی شکست دادند. سلتها زبان نوشتاری نداشتند و قوانین، تشریفات مذهبی و داستان‌های خود را به طور شفاهی به دیگران منتقل می‌کردند.

جنگجویان سلت ظاهر و صدای ترسناکی داشتند. مردان سلت شلوارهای زبر و خشن می‌پوشیدند. اما به هنگام جنگ به صورت برهنه و فقط با یک گردنبند، به میدان می‌رفتند. روی بدن آنها با رنگ آبی که از برگ‌های یک گیاه به نام «نیل»، گرفته می‌شد. طراحی و نقاشی می‌شد.

۱. اسکاندیناوی: اسکاندیناوی Scandinavian Peninsula شبه جزیره‌ای در شمال اروپا و دربرگیرنده سه کشور سوئد، نروژ، دانمارک است. تبار مردم این کشورها به وایکینگ‌ها می‌رسد. از دید زبانی نیز زبان سوئدی‌ها و نروژی‌ها به هم نزدیک و از خانواده زبان‌های هندواروپایی شاخه ژرمنی است. مردم کشور فنلاند نیز از دید زبانی و فرهنگی اسکاندیناویایی شمرده می‌شوند. گاه جزایر فارو و ایسلند را هم از کشورهای اسکاندیناوی می‌شمرند.

موعود یونانیان به نام «گالویبرگ» است، او نجات دهنده‌ی بزرگ است که ظهور خواهد کرد و دنیا را نجات خواهد بخشید.

اسپانیایی‌ها نیز در انتظار بزرگ خود «رودریک» هستند.

تفکر و اعتقاد به وجود یک منجی و موعودی که در آخرالزمان جهان را تحت سیطره‌ی حکومت عدالت محور خود قرار می‌دهد، در سخنان دانشمندان اقوام مختلف به وضوح دیده می‌شود. «برتراند راسل» فیلسوف شهیر انگلیسی می‌گوید: «جهان چشم به راه مصلحی است که همه‌ی مردم دنیا را زیر یک پرچم و با یک شعار واحد متحد کند»
 «آلبرت اینشتاین» دانشمند و فیزیکدان بی‌نظیر جهان می‌گویند: دیری نمی‌پاید که در جای جای جهان صلح و صفا حکومت خواهد کرد و تمام اعضای جامعه‌ی بشری با همه دوست و برادر خواهند شد.^۱

مؤمنین آخرالزمان

ر.ک: دین و دین داران، اسلام.

مهدی علیه السلام

واژه‌ای مشهور که از القاب معروف حضرت صاحب الامر علیه السلام است. این واژه به معنی راهنما و هدایت‌گر و نجات بخش استعمال می‌شود. این واژه به معنای عام یعنی هدایت‌گری و راهنمایی کردن خلائق، بر تمام امامان دوازده‌گانه اطلاق می‌شود. در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمود: ما اهل بیت، دوازده مهدی هستیم که اولین آنان امیرالمؤمنین علیه السلام است و آخرین‌شان نهمین فرزند من

خواهد بود»^۱. اما معنای خاصی که برای این واژه مصطلح است همان معنای موعود و منجی آخرالزمان است که در دوران پایانی جهان قیام می‌نماید و جهان را یکسره از ظلم و بیداد نجات خواهد داد. نام مهدی با این معنی فقط بر منجی آخرالزمان و آخرین وصی الهی قرار دارد.^۲

میراث پیامبران و ائمه علیهم‌السلام

به اعتقاد شیعه علم و دانش پیامبران، همه به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسیده و پس از ایشان نیز به اوصیای او خواهد رسید و اکنون نزد امام زمان علیه‌السلام است. علاوه بر علوم، اشیاء دیگری نیز از پیامبران بر جای مانده که به ایشان رسیده است و هر امامی این میراث را به امانت نزد امام بعد از خود می‌سپارد.

از آن جمله می‌توان جامه حضرت آدم علیه‌السلام و پیراهن حضرت ابراهیم که با آن در آتش نمرود افتاد و آتش بر او سرد و سلامت شد، پیراهن حضرت یوسف که به واسطه آن چشمان نابینای حضرت یعقوب علیه‌السلام بینا شد، انگشتر حضرت سلیمان، عصای حضرت موسی، الواح تورات، تابوت موسی، سنگ (معجزه آسای) حضرت موسی، کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته، و... را نام برد.

حضرت مهدی علیه‌السلام از سایر ائمه نیز علوم و اشیائی به ارث برده‌اند که همه از امانت‌های امامت است زره، شمشیر، پیراهن، نعلین، عمامه، ردای رسول خدا، قرآنی که امیرمؤمنان علیه‌السلام به دست خویش جمع‌آوری فرمود، مصحف فاطمه علیها‌السلام، کتاب جفر اعظم و شمشیر ذوالفقار و...

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲. ر.ک: موعود و منجی آخرالزمان.

میکائیل^۱

«میکائیل» یا به تعبیر قرآن «میکال» فرشته‌ای از فرشتگان مقرب الهی است که موکل بر ارزاق مخلوقات است و سرپرستی ملائکه ارزاق و رعد و برق و باد و باران را بر عهده دارد در میان فرشتگانی که در زمان ظهور در خدمت حضرت حجت علیه السلام هستند، این ملک نیز خواهد بود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: روزی را می‌بینم که حضرت قائم علیه السلام از مکه به سوی نجف آمده و پنج هزار ملک او را همراهی می‌کند و در آن میان جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در طرف چپ او و مؤمنین در پیش روی او در حرکتند، و آن حضرت لشکریانش را به اقصی نقاط دنیا گسیل می‌دارند.^۲

۱. رک: ملائکه، جبرئیل.

۲. وافعی: ج ۳، ص ۱۱۲.



نا امیدی و یأس

چیزی که همواره ائمه ما در دوران غیبت از گرفتار شدن ما بدان می‌ترسیدند، یأس و نا امیدی شیعیان‌شان می‌باشد، به خاطر همین همیشه ما را از آن بر حذر داشته‌اند و پیشاپیش آن را به ما گوشزد کرده‌اند. شاید بتوان یکی از فلسفه‌های انتظار و تعیین نکردن وقت قطعی ظهور را نیز همین دانست، یعنی یک شیعه حقیقی هر لحظه انتظار می‌کشد و در هر زمانی توقع پیدایش آن حکومت عدل جهان گستر را ممکن می‌داند و خود را دچار نا امیدی نمی‌کند و به تبع آن گرفتار سردرگمی‌ها و کج‌روی‌ها نمی‌شود. از این روست که در بسیاری از روایات تأکید شده که صبح و شام توقع ظهور را داشته باشید و از تعیین وقتی مخصوص برای آن پرهیز کنید و وقت گذاران را دروغگو بدانید و همیشه امامان علیهم‌السلام وقت گذاران ظهور را تکذیب کرده‌اند و فقط به دادن نشانه‌ها و علامت‌هایی بسنده کرده‌اند، زیرا با توجه به امکان تغییر زمان ظهور در مشیت الهی، ممکن است این تغییرات در روحیه شیعیان ایجاد نا امیدی و دل سردی کند. اما متأسفانه نا امیدی بلایی است که خواه ناخواه بعضی را گرفتار خواهد کرد حال ممکن است این نا امیدی، نسبت به نزدیک بودن زمان ظهور آن جناب باشد یا نا امیدی کلی از آمدن حضرت. برخی نیز با تعیین وقت، خود و دیگران را تا سررسید آن مدت از انتظار دور می‌دارند و نا امیدی را تا قبل از آن وقت تعیین شده در روحیه آنان می‌رویانند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: امر ظهور امام زمان علیه‌السلام واقع نخواهد شد مگر زمانی که غربال شوید و امتحان شوید و (خوب و بد) از یکدیگر جدا شوید، به خدا قسم ظهور

به وقوع نمی‌پیوندد مگر زمانی که (عده‌ای از شما) نا امید شده باشید...^۱

در حدیث دیگری دارد: که مردم از فرط نا امیدی می‌گویند: مهدی دیگر مرد و در بیابانها هلاک شد و از بین رفت!^۲

از این روست که در روایات بسیاری آمده است که انتظار آمدن آن حضرت را بکشید زیرا خداوند برای آمدن ایشان وعده داده است و خداوند وعده خود را نمی‌شکند و اگر حتی یک روز بیشتر از زندگانی دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند که آن جناب تشریف آورده و وعده خداوند به دست ایشان متحقق شود. با توجه به این روایات متوجه می‌شویم که اهل بیت علیهم‌السلام هیچ گونه مجال برای ورود نا امیدی قرار نداده‌اند و هرگونه یأس در مورد ظهور امام زمان علیه‌السلام را برای ما جایز ندانسته‌اند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: سعی کنید توجه (دشمنان) را به سوی حضرت مهدی علیه‌السلام معطوف نکنید، همانا امام شما سالها از نظر شما غایب خواهد شد و شما به امتحان سختی سنجیده خواهید شد، به حدی که خواهند گفت: او به بیابانها سر نهاده است و از دنیا رفته است! باید دیده مؤمنین بر او بگرید...^۳

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشانه‌های آخرالزمان را یاد می‌فرموده، در آن میان فرمود: چنان بلا و گرفتاری و پریشانی بر مردم فرود خواهد آمد... و این بلا طولانی خواهد شد که یأس و نا امیدی بر مردم مستولی خواهد شد و بد گمانی همه‌گان را فرا می‌گیرد، به ناگاه حضرت در آن زمان ظهور خواهد نمود...^۴

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۵۷.

۳. رک: توقیعات حضرت مهدی *.

۴. ملاحم: ص ۱۲۳.

نام حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: اسما و القاب حضرت مهدی علیه السلام.

نامه‌های حضرت مهدی علیه السلام

رابطه میان مردم و امام زمان علیه السلام پس از آغاز غیبت صغری توسط نواب اربعه صورت می‌گرفت که این ارتباطات توسط نامه‌هایی که از سوی مردم به حضرت نوشته می‌شد و جواب‌هایی که از ایشان صادر می‌شد صورت می‌گرفت.^۱

نجباء

جمع نجیب است به معنای نیکو سرشت و جوانمرد و بزرگوار. لقب گروهی از یاوران حضرت مهدی علیه السلام است.^۲

نجف

شهری است در عراق کنونی که مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در آن واقع است. امروزه نجف شهری بزرگ است و در کنار شهر کوفه قرار دارد، ولی در زمان ائمه علیهم السلام منطقه‌ای بوده که در حومه شهر بزرگ کوفه آن روز قرار داشته است. معمولاً منطقه نجف را در روایات به «ظهر کوفه» یعنی منطقه‌ای که پیش کوفه قرار دارد، یاد نموده‌اند. نجف به واسطه قرار گرفتن در کنار شهر کوفه، شهری که خانه و محل حکومت حضرت در آن خواهد بود، شهری قابل توجه در آخرالزمان و دوران پس از ظهور حضرت خواهد بود.

در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت قائم علیه السلام پس از ظهور در مکه از آنجا به

۱. ملاحم: ص ۱۲۳.

۲. ر.ک: ابدال.

سوی نجف - که منطقه‌ای از کوفه است - حرکت می‌کند در حالی که پنج هزار ملائکه و جبرئیل از راست و میکائیل از چپ و مؤمنین از پیش روی او را همراهی می‌کنند و آن حضرت لشکریانش را از آنجا به اطراف و اکناف عالم گسیل می‌دارد.^۱

امام حسن عسکری درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم که مهدی علیه السلام در نجف است و پرچم‌های سفیدی بر فراز سر او در اهتزاز است.^۲

نسب حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام امام دوازدهم شیعیان است او فرزند ابا محمد امام حسن عسکری علیه السلام و نسب او اینگونه به رسول خدا می‌رسد: محمد فرزند حسن (العسکری) فرزند علی (الهادی) فرزند محمد (الجواد) فرزند علی (الرضا) فرزند موسی (الکاظم) فرزند جعفر (الصادق) فرزند محمد (الباقر) فرزند علی (السجاد) فرزند حسین (الشهید) فرزند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه الزهرا فرزند رسول خدا محمد بن عبدالله صلی الله علیهم اجمعین. ایشان از آن روی که مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر امام حسن علیه السلام بود از فرزندان امام حسن علیه السلام نیز محسوب می‌شوند.

در روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده اظهار علیه السلام تصریح شده است که مهدی آخر الزمان و حضرت قائم مردی است از اولاد حسین بن علی علیه السلام. ایشان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا جهان را به قدم مبارکش مزین نمود. مادر حضرت، یکی از پاک‌ترین زنان عصر خود به نام «نرجس خاتون» بود. در توصیف این بانوی جلیل‌القدر در روایات عباراتی چون «شایسته‌ترین کنیزان»، «بهترین زنان» و «سرور زنان» وارد شده است. برای مادر حضرت مهدی علیه السلام نام‌های دیگری نیز ضبط

۱. وافعی: ج ۳، ص ۱۱۲.

۲. موعود نامه: ص ۱۹۴.

شده است، از جمله: سوسن، سببکه، مریم، صیقل، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه و خمط، مشهورترین لقب ایشان نیز ام محمد است.^۱

ایشان در ابتدا کنیزی بود که از روم به بغداد آورده شده بود و به دستور امام هادی علیه السلام توسط یکی از شیعیان به نام بشر بن سلیمان خریداری شد و سپس به همسری امام حسن عسکری علیه السلام در آمد و حضرت صاحب الامر علیه السلام از این مادر ارجمند متولد شد.^۲

امام حسین علیه السلام فرمود: قائم این امت، نهمین فرزند از اولاد من است، او کسی است که از میان مردم غایب خواهد شد...^۳

نشانه‌های آخرالزمان

ر.ک: آخرالزمان پیش از ظهور.

نشانه‌های حتمی ظهور

ر.ک: آخرالزمان پیش از ظهور، سفیانی، خسف، بیداء، صدای آسمانی، نفس زکیه، یمانی، کف دست در آسمان.

نفس زکیه

نفس زکیه اسمی است برای یکی از مردان بنی هاشمی که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام در مکه به شهادت می‌رسد. شهادت نفس زکیه یکی از نشانه‌های حتمی ظهور به حساب می‌آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به یقین ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶، کشف الغمه: ج ۳، ص ۲۶۵، موعودنامه: ص ۶۰۷.

۲. ر.ک: مادر حضرت مهدی x و کمال الدین: ج ۲، ص ۴۱۸.

۳. کمال الدین: ص ۲۵۷.

پس از شهادت نفس زکیه خواهد بود. نفس زکیه مردی است از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و نام او محمد است و نام پدرش حسن. حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام پیش از قیام، نفس زکیه را به نیابت از خود به سوی مردم مکه می‌فرستد تا آنان را به سوی حضرت دعوت نماید و به او دستور می‌دهد: به مکه برو و به مردم آن بگو من فرستاده‌ی مهدی هستم. نفس زکیه به مکه رفته و پیام حضرت را به مردم مکه می‌رساند و می‌گوید: ما خاندان رحمت الهی هستیم و پیامبری و خلافت از آن ماست و ما فرزندان رسول خدا و ذریه پیامبران الهی هستیم. ما همواره پس از درگذشت رسول خدا مورد ستم قرار گرفته‌ایم و حق ما را از ما گرفته‌اند، اکنون ما شما را به یاری می‌طلبیم. مردم مکه علیه او برمی‌خیزند و او را همراه برادر و هفتاد نفر از مردان صالح، بدون هیچ گناهی در بین رکن و مقام، در مسجد الحرام خواهند کشت. زمانی که آنان مظلومانه به شهادت می‌رسند دیگر مهلت عذرخواهی و توبه از ستمکاران گرفته خواهد شد و آسمان و زمین بر آنان غضب خواهند کرد. پس از گذشت پانزده روز از شهادت نفس زکیه و یاران او، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قیام خود را آغاز می‌نماید و با یاران اندکی که گرد او جمع شده‌اند خروج می‌نماید. در این حال صدایی آسمانی مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: ای مردم امیر و امام شما مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است. یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ایشان را در کمال عزت و شکوه و جلال همراهی می‌کنند و به شرق و غرب عالم رفته و همه‌ی دنیا را فتح خواهند کرد، و عدالت را در سرتاسر گیتی به اجرا خواهند گذاشت. و دنیا در آن روز چنان پربرکت خواهد بود که مردم هرگز چنین نعمتی را مشاهده نکرده‌اند، آسمان یکسره باران رحمت می‌بارد و زمین تمام سرسبزی خود را آشکار می‌کند.^۱

۱. ملاحم: ص ۱۲۹ - ۱۷۹ - ۶۱ و الزام الناصب: ج ۲، ص ۱۴۸ و غیبت طوسی: ص ۲۷۱ و ۲۷۹ و بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۰۷.

نماز حاجت

از ناحیه‌ی مقدسه‌ی حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است که هر کسی که حاجتی دارد، باید بعد از نیمه شب جمعه، غسل کند و به محل نماز خود رفته و دو رکعت نماز بگذارد. در هر رکعت سوره‌ی حمد را بخواند و چون به آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، صد مرتبه آن را تکرار کند، سپس حمد را کامل کرده و سوره را نیز بخواند رکوع و سجده نماید. در رکوع «سبحان ربی العظیم و بحمده» را هفت مرتبه بگوید و در سجده‌ها نیز هر کدام هفت بار «سبحان ربی الاعلی و بحمده» بگوید. آنگاه خداوند هرگونه حاجتی که داشته باشد بر آورده می‌کند، مگر آنکه حاجت او در برگیرنده‌ی قطع صلہ رحم باشد.

نوآوری در دین

ر.ک: بدعت.

نواب اربعه

نواب اربعه، چهار نفر از شیعیان بودند که در زمان غیبت صغری نیابت ویژه‌ی حضرت مهدی علیه السلام را به عهده داشتند و وکیل حضرت در میان مردم بودند. با توجه به غیبت حضرت و عدم دسترسی مردم به ایشان، نواب اربعه نقش واسطه میان حضرت مهدی علیه السلام و مردم را دارا بودند. مشکلات و پرسش‌های مردم را توسط نامه‌هایی از آن حضرت پرسیده و جواب آن را به مردم می‌رساندند، اموالی را که مختص امام علیه السلام بود به واسطه‌ی این نواب به حضرت می‌رسید. به جز این چهار نایب، اشخاص دیگری نیز بودند که مورد اعتماد امام علیه السلام بودند و در نقاط مختلف خمس و اموار حضرت و نامه‌های مردم را به نواب اربعه می‌رساندند، اما این چهار نایب به جهت وظیفه خاصی که داشتند از دیگر نایبان متمایز بوده و بدانها نایبان خاص می‌گفتند. این چهار نایب

عبارت بودند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری ۲- ابو جعفر محمد بن عثمان عمری ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ۴- ابوالحسن علی بن محمد سمري
 اولین نایب حضرت، ابو عمر عثمان بن سعید عمری، از زمان امام هادی و امام
 عسکری علیه السلام جزو وکلای اهل بیت به شمار می‌رفت و امام علی النقی و امام حسن
 عسکری علیه السلام در فرمایشات خود به عدالت و امانت‌داری آنان تصریح کرده‌اند و به یاران
 خود می‌فرمودند که ابو عمر مردی مورد اطمینان و امانت‌دار است، و هر چه بگوید از
 طرف من گفته است. او پس از شهادت امام عسکری علیه السلام همچنان وکالت امام معصوم
 را به عهده داشت و نایب حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم بود. نیابت امام و وکالت از
 طرف آن حضرات باید به تصریح و نصب از سوی خود امام صورت می‌گرفت. او در
 میان شیعیان به القاب مختلفی شهرت داشت. از جمله «سمان» یا «زیات» زیرا او در
 بغداد به شغل زیتون فروشی و داد و ستد روغن مشغول بود

او پنج سال در این مقام باقی بود و پس از آن از دنیا رفت و در بغداد به خاک سپرده
 شد. پس از وفات جناب عثمان بن سعید، حضرت مهدی علیه السلام نامه‌ای به پسر وی
 نوشت. حضرت مهدی علیه السلام از وفات عثمان بن سعید بسیار محزون شده بود. در آن نامه
 حضرت مهدی علیه السلام ضمن تجلیل از مقام عثمان بن سعید و محمد بن عثمان وی را
 جانشین پدر معرفی نمودند. محمد بن عثمان حدود چهل سال در منصب نیابت
 حضرت مهدی علیه السلام قرار داشت و شیعیان همه او را به عدالت و نیابت قبول داشتند و
 کرامات و معجزاتی از او نیز صادر می‌شد. وی در سال ۳۰۵ هجری قمری در بغداد از
 دنیا رفت و در بغداد نیز مدفون شد.

زمانی که وفات جناب محمد بن عثمان نزدیک شده بود، نامه‌ای از سوی حضرت
 مهدی علیه السلام صادر شد و در آن به محمد بن عثمان دستور داده شده بود که ابوالقاسم
 حسین بن روح نوبختی را جانشین خود قرار دهد. حسین بن روح یکی از کارگزاران

محمد بن عثمان بود با دیگر وکلا در سایر نقاط ارتباط داشت. محمد بن عثمان هنگام وفات بسیاری از بزرگان شیعه را پیش طلبید و به جانشینی حسین بن روح تصریح نمود. حسین بن روح بیست و یک سال نیابت حضرت مهدی علیه السلام را به عهده داشت و سرانجام در سال سیصد و بیست و شش هجری قمری از دنیا رفت و در بغداد مدفون شد. پس از او جناب ابوالحسن علی بن محمد سمري قائم مقام نیابت خاصه‌ی حضرت مهدی علیه السلام شد. نیابت علی بن محمد سمري توسط حسین بن روح ابلاغ شد و سه سال امر نیابت حضرت مهدی علیه السلام را به عهده داشت. او از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود و در سال سیصد و بیست و نه از دنیا رفت و در بغداد مدفون شد. آغاز غیبت کبری توسط این نایب به شیعیان ابلاغ شد. او نامه‌ای را که از حضرت مهدی علیه السلام دریافت کرده بود برای گروهی از شیعیان قرائت کرد. در آن نامه از وفات قریب الوقوعش خبر داده شده بود و به او دستور داده شده بود که پس از خود کسی را به نیابت خاص حضرت منصوب نکند، زیرا غیبت تامه^۱ به وقوع پیوسته است.

نواب خاص و عام حضرت مهدی علیه السلام

نواب خاص حضرت مهدی علیه السلام عبارتند از چهار نفر که پس از به امامت رسیدن آن جناب از سوی حضرت منصوب شدند و وظیفه‌ی ارتباط مردم با حضرت را به عهده داشتند^۲. نواب عام، اصطلاحی است که بعدها به علما و فقهای شیعه داده شد. در احادیث مختلفی در دوران غیبت کبری ما مأمور به رجوع به فقها و محدثین و راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام کرده‌اند تا مسایلی را که تشخیص صحیح از ناصحیح آن را نمی‌دانیم، از آنان

۱. غیب تامه همان غیبت کبری است و از این رو به تامه تعبیر می‌شود که در آن هیچ وسیله‌ای ارتباط مشخص و معین برای ارتباط با حضرت وجود ندارد. بخلاف غیبت صغری که نایبانی وظیفه این ارتباط را به عهده داشتند. حق الیقین، علامه مجلسی: ص ۲۱۰ و یاتی: ص ۷۲۴، احتجاج طبرسی باب توقیعات.

۲. رک: نواب اربعه.

پرسیم و در برخی روایات حضرت این علما را حجت بر سایر مردم قرار داده است. از این روی بدان‌ها لقب نواب عام داده شده است. یعنی کسانی که از سوی حضرت بدون اینکه شخص خاصی تعیین شود، به وظیفه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی مردم گماشته شده‌اند، بر خلاف نواب عام که علاوه بر چنین وظیفه‌ی شخص آنان نیز از سوی حضرت تعیین می‌شد. در نواب عام برخی ویژگی‌ها را تعیین نموده‌اند که فرد باید با تفحص و یافتن چنین خصوصیتی در یک فقیه از او پیروی کند.^۱

نوروز

اولین روز از سال شمسی است و در برخی روایات ظهور حضرت مهدی علیه السلام مصادف با نوروز خواهد بود.^۲

نومه

نومه به معنی افراد ناشناس است. این عبارت در روایات آخرالزمان وارد شده است و این گونه افراد را افرادی نجات یافته می‌نامند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس از من فتنه‌هایی کورکننده و کرکننده رخ خواهد داد که در آن فتنه‌ها جز مردم «نومه» نجات نمی‌یابند، کسانی که مردم از اسرار درونی آنان خبری ندارند، آنان مردم را به خوبی می‌شناسند ولی مردم به آنان توجهی ندارند و کسی آنان را نمی‌شناسد. و اگر هم بشناسند فقط ظاهری می‌شناسند. به خبرچینی نمی‌پردازند و سخنان بیهوده نمی‌گویند، در میان مردم رفت و آمد دارند اما در باطن با اعمال ناشایست مردم موافق نیستند. چنین افرادی منبع هدایت و چشمه‌های علم خواهند بود و ظلمت فتنه‌ها آنان را فرا نخواهد گرفت و خداوند رحمتش را بر آنان خواهد فرستاد.^۳

۱. رک: غیبت.

۲. رک: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام.

۳. یأتی؛ ص ۷۲۸.

نیشابور

شهری است در استان خراسان رضوی در نزدیکی مشهد. این شهر در روزهای قریب به ظهور، توسط لشکریان سید حسنی تصرف می‌شود و نواحی آن تقسیم می‌شود...^۱

نیل

نیل یکی از طولانی‌ترین و پر آب‌ترین رودهای دنیاست که قسمت اعظم آن در کشور مصر قرار دارد. در کنار آن تمدنی چندین هزار ساله قرار دارد.

در روایات آخرالزمان و احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام از این رود یاد شده است و خبر از تصرف این رود توسط کفار می‌دهد. البته این رود پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دست کفار بازستانده خواهد شد و برای همیشه طومار کافران در هم پیچیده خواهد شد.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام را برمی‌شمرد و در آن حدیث می‌فرماید: فتنه‌ای بر مصر نازل خواهد شد و بلائی به آنان خواهد رسید و رود نیل خشک خواهد شد...^۳

۱. رک: سید حسنی.

۲. رک: رود.

۳. نواب الدهور: ج ۳، ص ۳۰.



وفات حضرت مهدی علیه السلام

آن گونه که از روایات استفاده می‌شود حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور خود چند سال بر جهان حکومت خواهد کرد و سپس به مرگ طبیعی یا به دست شخصی به شهادت خواهد رسید. در روایات رجعت به وضوح آمده است حضرت مهدی علیه السلام از دنیا خواهد رفت و امام حسین علیه السلام متصدی امور غسل و کفن و دفن حضرت خواهد شد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهد نمود. در این روایات مکرر یاد شده است که هر امامی و هر مؤمنی، یک بار با مرگ طبیعی وفات خواهد نمود سپس در رجعت به دنیا باز می‌گردد و یک بار هم به فیض شهادت خواهد رسید؛ همچنین کسانی که پیش از ظهور به شهادت نایل آمده باشند، در رجعت بازگشته و با مرگ طبیعی از دنیا خواهند رفت.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در تفسیر آیه ششم سوره اسرا فرمود: امام حسین علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، هنگامی که او در میان مردم ظاهر و آشکار است، با هفتاد نفر رجعت خواهد نمود، زمانی که مردم به وجود امام حسین علیه السلام یقین کردند، حضرت مهدی علیه السلام از دنیا خواهد رفت، سپس حضرت امام حسین علیه السلام امور غسل، کفن، حنوط، و دفن حضرت مهدی علیه السلام را بر عهده خواهد گرفت، زیرا امور ولی را جز ولی عهده‌دار نخواهد شد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: ما امامان دوازده گانه همگی شهید می‌شویم یا به وسیله‌ای کشته خواهیم شد و در روایت دیگری امام حسن علیه السلام فرمود: امر امامت بر عهده‌ی دوازده نفر از نسل علی و فاطمه است که همه یا با سم به شهادت می‌رسند و یا کشته خواهند شد.^۱

سلیمان بن عیسی روایتی نقل می‌کند که حضرت به فلسطین رفته و تابوت سکینه را از دریاچه طبریه خارج می‌کند و در بیت المقدس قرار می‌دهد. سپس حضرت از دنیا خواهد رفت.

در حدیثی آمده است که حضرت پس از ظهور سال‌هایی را در زمین حکومت خواهد کرد و در اواخر حکومت حضرت، امام حسین علیه السلام با یاران خود به دنیا رجعت خواهند کرد، سپس حضرت به دست زنی ترور خواهد شد. این زن که دارای ریشی مثل مردان است، سعیده نام دارد. حضرت در حالی که از راهی در حال عبور هستند توسط این زن از روی پشت بام با سنگی بزرگ مورد ضربت قرار گرفته به شهادت می‌رسند و سپس حضرت امام حسین علیه السلام ایشان را دفن خواهد کرد.^۲

این حدیث نزد علما مورد نقد قرار گرفته است و عده‌ای این حدیث را نپذیرفته‌اند. البته نمی‌شود با یک نظر ظاهری این احادیث را مورد استبعاد قرار داد زیرا توطئه و ترور حضرت هیچ امر غریبی نیست و امیرالمؤمنین علیه السلام در عین شجاعت با ترور به شهادت رسیدند، و مرگ نیز امری است که هر بشری را گریبان‌گیر خواهد کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾^۳ (ای پیامبر! تو از دنیا خواهی رفت و آنان نیز خواهند مرد). اهل بیت علیهم السلام با اینکه به علوم الهی آگاهی داشتند و از

۱. اعلام الوری: ۳۴۹. بحار الانوار: ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۲. ملاحم: ص ۷۱.

۳. زمر/۳۰.

جانب خداوند به علم غیبت دسترسی داشتند، اما با سم به شهادت می‌رسیدند و امام حسین علیه السلام پیش از شهادت به کشته شدن خود در کربلا خبر می‌داد. بنابراین در این حدیث هیچ موردی یافت نمی‌شود که متناقض با اعتقادات شیعه باشد.

ولادت حضرت مهدی علیه السلام

جناب حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی علیه السلام روایت می‌کند: به درستی که خدای تعالی زمین را از امام و حجت خالی نخواهد گذاشت، حجتی که ناطق باشد یا ساکت، و خداوند دو امام را برادر قرار نخواهد داد مگر امام حسن و امام حسین علیه السلام (یعنی جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام امام معصوم نیست)... سپس فرمود: من کنیزی در خانه داشتم که نام او «نرجس»^۱ بود. روزی امام عسکری علیه السلام به دیدن من آمده بود و نگاهی عجیب به او نمود. به حضرت عرض کردم اگر شما دوست دارید که این کنیز از آن شما باشد، او را برای شما قرار دهم؛ حضرت فرمود: خیر، اما از او در شگفت هستم! عرض کردم: از چه چیز تعجب کرده‌اید؟ فرمود: چون از این کنیز فرزندی متولد می‌شود که نزد خداوند بسیار ارجمند است و خدا بدست آن فرزند زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است. جناب حکیمه خاتون عرض کرد، آیا این کنیز را به خانه‌ی شما بفرستم؟ امام عسکری علیه السلام فرمود: درباره‌ی این کار از پدرم امام هادی علیه السلام اجازه بگیر. حکیمه خاتون می‌گوید: من لباس‌های خود را پوشیده و به منزل امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و سلام نموده و خدمت حضرت نشستم. امام هادی علیه السلام سخن آغاز نمود و فرمود: ای حکیمه! نرجس را برای پسرم ابا محمد (امام حسن عسکری) بفرست. حکیمه گفت: اتفاقاً من نیز برای همین خدمت شما آمده بودم و می‌خواستم برای انجام این کار از شما کسب اجازه کنم. آنگاه امام

هادی علیه السلام فرمود: ای بانوی با برکت! همانا خداوند تبارک و تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این کار شریک گرداند و در آن خیر بزرگ تو را سهم گرداند. حکیمه می‌گوید: من نیز درنگ نکردم و به خانه برگشته و نرجس خاتون را آراسته و به امام عسکری علیه السلام تقدیم نمودم و ازدواج حضرت را در خانه‌ی خود برقرار نمودم و پس از چند روز حضرت با جناب نرجس خاتون به خانه خود رفتند. پس زمانی که امام هادی علیه السلام از دنیا رفت و امام عسکری علیه السلام جانشین او شد، من هر روز به زیارت آن جناب می‌رفتم همان گونه که به زیارت پدرشان می‌رفتم و همیشه دعا می‌کردم که خداوند فرزندی به ایشان عنایت فرماید. روزی جناب نرجس خاتون به استقبال من آمده و خواست به رسم قدیم کفش‌های مرا از پای درآورد. من دست‌های او را بوسیدم و نگذاشتم و گفتم: اکنون تو دیگر سرور من هستی زیرا اکنون تو مادر حجت الهی هستی و سرور آسمان و زمین، و من هرگز نمی‌گذارم که کفش‌های مرا از پای درآوری و به من خدمت نمایی! بلکه من خدمت گذاری تو را به دیده‌ی منت انجام خواهد داد! امام هادی علیه السلام این سخن مرا شنید و مرا دعا کرده، فرمود: ای عمه خداوند تو را پاداشی نیکو عنایت فرماید. آنگاه من تا غروب خورشید نزد حضرت نشستم، سپس کنیزی را صدا زدم و گفتم لباس‌های مرا بیاور، می‌خواهم بروم. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه! امشب را نزد ما بمان، زیرا در این شب آن فرزند ارجمندی به دنیا خواهد آمد که حجت الهی است و خدای عزوجل زمین مرده را به دست او جانی تازه خواهد بخشید. این واقعه در شب جمعه، نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه هجری قمری بود. سپس از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: از کدام یک از بانوان این فرزند به دنیا خواهد آمد، من که در نرجس خاتون نشانه‌ای از بارداری نمی‌بینم؟! حضرت فرمود: این مولد از نرجس به دنیا خواهد آمد و از کسی غیر او متولد نخواهد شد. حکیمه خاتون می‌گوید: نرجس خاتون را من بیش از همه‌ی کنیزان حضرت دوست داشتم، من به سوی نرجس رفتم و به دقت

او را نظاره کردم اما باز هم هیچ نشانه‌ای از بارداری در او مشاهده نکردم! و دوباره خدمت امام علیه السلام آمدم و ماجرا را برای حضرت تعریف نمودم. امام عسکری علیه السلام تبسمی نموده و فرمود: هنگام صبح نشانه‌های بارداری را در او خواهی دید، زرا او مانند مادر حضرت موسی علیه السلام است که تا هنگام ولادت موسی هیچ اثری از حاملگی در او آشکار نبود، چون فرعون برای دست یابی به موسی شکم زنان باردار را می‌درید، فرزند من نیز شبیه حضرت موسی است، ما اوصیای الهی هستیم که در بطن‌ها قرار نمی‌گیریم و از ارحام نمی‌آییم، بلکه در پهلوها قرار می‌گیریم و نورهای خداوندی هستیم که ناپاکی و کثافت به ما تعلق نخواهد گرفت، (بنابراین تولد ما نیز مانند سایر مردم نیست و خارق العاده است). حکیمه خاتون می‌گوید: من نزد نرجس خاتون بازگشته و او را از سخنان امام عسکری علیه السلام آگاه کردم و احوال او را جویا شدم. او گفت: من نیز هیچ اثری از بارداری در خود نمی‌بینم!

سپس نماز مغرب و عشا را خواندم و با نرجس خاتون افطار نمودم و به رختخواب رفتیم، اما پیوسته مراقب او بودم و او نزد من در خواب بود. نیمه‌ی شب برای نماز شب برخاستم و نمازم را خوانده مدتی را به تعقیب نماز مشغول بودم و به پهلو دراز کشیدم و خوابم برد. اما یکباره هراسان از خواب بیدار شدم، از اتاق بیرون رفتم که ببینم فجر طلوع کرده است یا خیر و سپس بازگشته و دیدم نرجس خاتون هم چنان بی حرکت خوابیده است. نماز خود را خواندم و نرجس خاتون نیز برخاست و نماز خود را خواند و دوباره به خواب رفت.

من از این اوضاع بسیار متعجب و حیرت زده شده بودم و گمانی در ذهنم افتاد که ناگاه صدای حضرت ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام را از اتاق خودشان شنیدم که می‌فرمود: ای عمه! عجله نکن زیرا ولادت حضرت نزدیک شده است، من نیز نشستم و سوره سجده و یاسین را خواندم، در حال خواندن بودم که ناگاه نرجس خاتون را دیدم

هراسان از خواب بیدار شده به سویش رفتم و او را در آغوش گرفتم و نام خداوند را بر او خواندم و از نرجس خاتون پرسیدم که چه احساسی داری؟ جواب داد آنچه را که سرورم بدان خبر داده بود (یعنی تولد حضرت قائم علیه السلام) اکنون پدیدار شده است. امام حسن عسکری علیه السلام از اتاق خود صدا زد: سوره‌ی «إنا انزلناه فی لیلۃ القدر» را بر نرجس خاتون بخوان و من نیز شروع کردم به خواندن، ناگاه دیدم طفلی که در باطن نرجس خاتون است با من همراهی کرد و سوره‌ی انا انزلناه را قرائت می‌کند و به من سلام کرد. من از آنچه شنیدم ترسیدم. امام عسکری علیه السلام صدا زدند: ای عمه! از قدرت الهی شگفت زده مباش زیرا خدای عزوجل در خردسالی ما را به حکمت گویا می‌کند و در بزرگسالی حجت خود در روی زمین قراژ می‌دهد. هنوز سخن امام عسکری علیه السلام به پایان نرسیده بود که جناب نرجس خاتون از پیش دیدگان من غایب شد و دیگر او را نمی‌دیدم، گویا میان من و او پرده‌ای آویخته‌اند. آنگاه شتابان و شیون زنان به سوی امام عسکری علیه السلام رفتم؛ حضرت فرمود: ای عمه! بازگرد که او را در جای خود خواهی یافت. من نیز به جای خود برگشته و دیری نگذشت که آن حجاب از میان من و نرجس خاتون برطرف شد و او را در هاله‌ای از نور دیدم، نوری که چشم‌ها را خیره می‌کرد و حضرت صاحب الامر علیه السلام را دیدم که به حالت سجده افتاده است و بر بازوی راستش نوشته شده بود: «جاء الحقّ و زهق الباطل إنّ الباطل کان زهوقاً»؛^۱ (حق آمد و باطل رفت، همانا باطل رفته است) و زانوهای مبارکش را بر زمین نهاده و انگشتان اشاره‌ی خود را به سوی آسمان بلند کرده و می‌فرماید، «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و أن جدی محمد رسول الله وأن ابی امیر المؤمنین» آنگاه یک یک سایر امامان را برشمرد تا به نفس مبارک خود رسید و فرمود: «اللهم انجر لی ما وعدتني و اتمم لی

امری و ثبت و طأتی و املاء بی الارض قسطاً و عدلاً»؛ (بارالها! آن وعده‌ای که به من دادی به سرانجام برسان و امر (ظهور) مرا محقق نمای و مرا ثابت قدم دار و زمین را به واسطه‌ی من از عدل و داد پر کن و فرج شیعیان را به دست من قرار ده). سپس عطسه‌ای زد و فرمود «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله، عبداً ذاکراً لله غیر مستنکف ولا مستکبر»؛ (سپاس خدایی را سزات که پروردگار عالمیان است و صلوات خداوند بر محمد و خاندان او باد. ما بندگانی هستیم که یاد خدای می‌نمائیم و از فرمان وی سرپیچی نمی‌کنیم و بر خدای خود گردن کشی نمی‌نماییم، ستمکاران گمان می‌کردند که امر امامت از بین خواهد رفت، اما اگر اجازه داشتم شک و ریب را از بین می‌بردم (و بر همگان آشکار می‌نمودم که پس از امام حسن عسکری علیه السلام حجت الهی من هستم و زمین از خلیفه الله خالی نیست)!

آنگاه نوری از آن جناب به سوی آسمانها تابیدن گرفت و آسمان را پر کرد و پرنده‌گانی سفید رنگ از آسمان به سوی زمین نازل شدند و پر و بال خود را بر سر و تن آن جناب می‌سودند و به سوی آسمان پرواز می‌کردند. حکیمه خاتون می‌گوید: در آن هنگام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه فرزندانم را بردار و نزد من آور. من حضرت صاحب علیه السلام را برداشته و او را پاکیزه یافته و در پارچه‌ای پیچیده و نزد حضرت بردم و همان‌گونه که بر روی دست من قرار داشت به پدر بزرگوارش سلام نمود. امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را گرفت. و در حالی که آن پرنده‌گان سفید گرد سر مبارکش در پرواز بودند وی را بر دست چپ خود نشانید و با دست راست پشت او را گرفت و انوار او را مسح می‌فرمود و زبان مبارکش را بر دیدگان و کام او قرار داد و گوش مبارک حضرت را با زبان مطهرش مکید (تا به نور الهی ببیند و به ندای الهی بشنود و به زبان الهی سخن گوید) آنگاه حضرت قائم علیه السلام دیده‌های خود را گشود و امام حسن عسکری علیه السلام به او فرمود: ای فرزند من! به قدرت الهی سخن بگوی

ای حجت الهی، ای یادگار انبیاء، ای نور برگزیدگان، ای پناه نیازمندان، ای آخرین وصی الهی، ای روشنی دیده‌ی پرهیزکاران! سپس حضرت مهدی علیه السلام لب به سخن گشود و شهادتین بر زبان جاری نمود و نام ائمه علیهم السلام را برد و بر آنان صلوات فرستاد تا به نام خود رسید در آن هنگام امام حسن عسکری علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام فرمود: قرائت کن! و حضرت حجت علیه السلام در آغاز از گزند شیطان به خدا پناه برد و بسم الله الرحمن الرحیم گفت و خواند ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾؛ (ما خواستیم که بر ضعیف شمردگان در زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان قرار داده و وارث [ملک زمین] قرار دهیم* و آنان را در دنیا به قدرت رسانده و فرعون و هامان و لشکریانش را به آن سزایی دچار سازیم که از آن بیم داشتند) سپس خواندن کتاب‌های آسمانی پیامبران پیشین را آغاز نمود و ابتدا صحف ابراهیم را به زبان سریانی خواند و کتاب ادریس، نوح، صالح را خواند و تورات موی و انجیل عیسی را قرائت نمود و داستان انبیا را بیان نمود. سپس امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ای عمه، بیا او را نزد مادرش بازگردان تا به وی سلام کند و از او شیر بنوشد. من او را نزد نرجس خاتون آوردم و او فرزند خود را شیر داد و دوباره حضرت را نزد پدرش آوردم. آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام به حضرت نرجس خاتون فرمود که با فرزند خود وداع نما و به یکی از پرندگان که برگرد سر او در پرواز بودند فرمود: او را بردار و از وی مراقبت کن و هر چهل روز او را نزد ما بازگردان و آن پرنده حضرت قائم علیه السلام را برداشت و به پرواز در آمد و بقیه‌ی مرغان نیز از پی او پریدند. امام حسن عسکری علیه السلام پشت سر او فرمود: تو را به آن کسی سپردم که مادر حضرت موسی ابن عمران فرزند خود را بدو سپرد! پس دیدم که جناب نرجس خاتون گریان شد و حضرت فرمود: گریه مکن، زیرا او از هیچ کسی جز تو شیر نخواهد نوشید و به زودی به تو بازگردانده

خواهد شد. حکیمه خاتون می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدم: این پرنده‌ی سفید چه بود؟ حضرت فرمود او «روح القدس» است که مأمور است با ائمه علیهم السلام بوده و آنان را در کارهایشان پیروز کند و یاری بخشد و با علوم مختلف آنان را زینت بخشد. امام عسکری علیه السلام گروهی از کنیزان خود را که می‌دانست رازدار هستند فراخواند و حضرت را بدانها نیز نشان داد. آن کنیزان آمدند و به حضرت حجت علیه السلام سلام کردند و حضرت را بوسه زدند و او را به خدای سپردند و بازگشتند. جناب حکیمه خاتون می‌فرماید: پس از چند روز دیگر برای دیدن ولی الله بی‌تاب شده بودم. به عیادت حضرت نرجس خاتون رفتم و دیدم در حجره نشسته. سلام کردم و در گوشه اتاق گهواره‌ای دیدم که پارچه‌ای سبز رنگ بر آن انداخته شده بود. به سوی گهواره رفتم و پارچه را از روی آن برداشته، دیدم حضرت ولی الله را که بر پشت خوابیده است و کمر و دست‌هایش را (در قنناق) نبسته‌اند. حضرت چشم‌های مبارکش را گشود و تبسم نمود و با انگشتان خود با من به نجوا پرداخت. من حضرت را برداشتم و به نزدیک دهان خود بردم و وی را بوسیدم، عطری دل‌انگیز از او به مشام می‌رسید که هرگز از آن خوشبوتر ندیده بودم. در آن حال امام حسن عسکری علیه السلام مرا صدا زد و فرمود: ای عمه! جوان مرا نزد من آور و من نیز او را نزد پدر برده و حضرت با وی مانند قبل به سخن پرداخت و پس از آن او را به مادرش برگرداندم، امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ولادت حضرت مهدی علیه السلام را کتمان کن و با هیچ کس درباره‌ی او سخن مگوی تا خداوند زمان آن را برساند. پس از چهل روز حضرت حجت علیه السلام دوباره از آسمان به سوی مادرش بازگشت و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در پی من فرستاد. من خدمت آن جناب رفتم و دیدم که آن کودک در مقابل امام علیه السلام راه می‌رود و من رخساری نیکوتر از آن جناب ندیده بودم و زبانی فصیح‌تر از آن حضرت مشاهده نموده بودم! گفتم: ای سرور من! این پسری دو ساله است؟! حضرت امام عسکری علیه السلام

تبسم نمود و فرمود: هرگاه یکی از فرزندان انبیا و اوصیاء، ائمه‌ی خلق باشند، رشد و نمو آنان مانند سایر مردم نخواهد بود، آنان در یک ماه مانند فرزندی یک ساله خواهند بود و کودکان ما در شکم مادر به تلاوت قرآن می‌پردازند و در دوره‌ی شیرخوارگی عبادت پروردگار می‌نمایند و فرشتگان الهی در فرمان آنها خواهند بود و هر صبح و شام به زیارت آنان می‌آیند.

سپس جناب حکیمه خاتون فرمود: من پیوسته هر چهل روز یک بار آن جناب رامشاهده می‌نمودم تا اینکه در روزهای پایانی عمر شریف امام حسن عسکری علیه السلام روزی وی را چون جوان برومندی دیدم و او را نشناختم. به برادرزاده‌ی خود عرض کردم: این جوان کیست که مرا امر می‌کنید روبرویش بنشینم؟ حضرت فرمود: این جوان پسر جناب نرجس خاتون است، او پس از درگذشت من جانشینم خواهد بود و بدان که به زودی من از میان شما می‌روم و دار فانی را واع خواهم گفت، پس شما باید به سخن او گوش فرا دهید و از وی پیروی کنید. امام حسن عسکری علیه السلام پس از چند روز از دنیا رفت و من اکنون هر صبح و شام صاحب الامر علیه السلام را می‌بینم و جواب پرسش‌هایی که از من می‌شود، به من می‌فرماید و من به آنان می‌رسانم. به خدا سوگند گاهی پیش از آنکه از او سؤالی کنم، جواب پرسش مرا می‌فرماید و گاهی نیز برای مسئله‌ای که برایم پیش می‌آید جواب ارسال می‌نماید. جناب حکیمه خاتون فرمود: امام حسن عسکری علیه السلام فرموده فرزندم به همراه ملائکه به عرش الهی رفت و به حضور قرب الهی رسید و در پیش پروردگار به پا خواست. خداوند وحی فرمود: مرحبا به تو ای بنده‌ی من! تو دین مرا یاری خواهی کرد امر الهی را آشکار خواهی ساخت و بندگانم را هدایت می‌نمایی، همانا من برای (دوستی) تو بخشش می‌کنم و برای دوستی تو (عذاب‌ها و بلاها را) برطرف می‌کنم و به (حرمت) تو (گناه‌کاران را) می‌آمرزم و بر خاطر (دشمنی) تو (دشمنانت) را به عذاب گرفتار خواهم ساخت. سپس به ملائکه

فرمان داد تا آن حضرت را در نهایت ملاحظت به پدرش بازگردانند و برای امام حسن عسکری علیه السلام پیام فرستاد که حضرت قائم علیه السلام تا زمان ظهور خود در پناه و حمایت و لطف الهی به سر خواهد برد و خداوند او را حفظ خواهد نمود و پس از ظهور، باطل را به دست او نابود کرده و دین خالص الهی را آشکار می‌سازم.^۱

امام عسکری علیه السلام پس از ولادت حضرت قائم علیه السلام سیصد گوسفند عقیقه نمود و میان شیعیان تقسیم نمود و سیصد من (معادل سه هزار کیلو) گوشت و سیصد من نان قربة الی الله در میان بنی هاشم پخش کرد و نامه‌هایی به سوی بعضی از وکلای خود نوشت و خبر ولادت حضرت را به آنان داد و آنان را امر به کتمان این خبر نمود و فرمود: ما فقط به کسانی که از نزدیکان ما و دوستان ما هستند خبر می‌دهیم تا همچنان که ما خوشحال شدیم، آنان نیز از ولادتش شادمان شوند. امام حسن عسکری علیه السلام، در روز سوم ولادت گروهی از اصحاب را فراخواند و حضرت قائم علیه السلام را بدانها نمایان کرد و فرمود که او بعد از من امام شماست و جانشین من خواهد بود و او قائم آل محمد است که همگان بی صبرانه انتظار او را می‌کشند.^۲

ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام^۳

اهل بیت علیهم السلام خصوصیات و ویژگی‌های جسمانی حضرت را در برخی روایات بیان نموده‌اند. مرحوم محدث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب روایات زیادی را در این مورد خلاصه نویسی کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در توصیف چهره حضرت قائم علیه السلام می‌فرماید: به راستی

۱. نجم الثاقب: ص ۳۳، با تصرف.

۲. کمال الدین: ص ۴۳۱ - ۴۳۴.

۳. ر.ک: جامعة حضرت، سن حضرت، شباهت حضرت مهدی * به پیامبران الهی؛ ولادت حضرت مهدی *.

مهدی علیه السلام در چهره و رفتار و گفتار شبیه‌ترین مردم به من است. و در روایتی دیگر فرمود: حضرت مهدی علیه السلام شما یلی چون شمایل من خواهد داشت. حضرت قائم علیه السلام جوانی است با صورتی گندم‌گون و با وقار، بدن مبارکش رنگ‌عرب را دارد (یعنی گندم‌گون است)، صورتش چون ماه و چون سکه‌ی طلای بی‌نقص می‌درخشد، چهره‌اش از شب زنده‌داری به زردی افتاده است، نور چهره‌ی او چنان تابان است که بر سیاهی محاسن شریف و موی سرش غلبه کرده است، گونه‌هایی صاف دارد و بر گونه راست او خالی سیاه است که گویا دانه‌ای مشک بر صفحه‌ای نقره افتاده است و چون ستاره‌ای درخشان تالوؤ دارد، سر مبارکش گرد و مدور است، محاسن انبوه و گیسوانی پیچ‌خورده دارد که از میان فرق گشوده است و به زیبایی بر دو شانه او فرو افتاده است، گویا الفی است که میان دو واو قرار گرفته است، پیشانی‌اش بلند و گشاده است و از آن نور ساطع است، ابروانی کشیده و قوس‌دار و نزدیک به هم دارد، چشمانی درشت و سرمه‌سوده دارد که در کاسه چشم فرو رفته است و برآمده نیست، بینی مبارکش بلند و کشیده است که در میان آن اندکی برآمدگی وجود دارد، دندان‌هایی سفید و گشوده از هم دارد، در قامت چون جوان بنی اسرائیل چهارشانه و میانی بالا و قوی است، کتفی عریض و درشت دارد، بر آن علامتی است که پیامبر نیز این نشانه را بر کتف خود داشت و بر پشت او علامتی است به رنگ پوست بدنش، بر بازوی راست او آیه‌ی ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱ نوشته شده است، دستانی قوی و نیرومند دارد که بر دست راست او خالی قرار دارد، شکم مبارکش بزرگ است و سینه‌ای فراخ دارد، و از سینه تا ناف حضرت مویی سبز رنگ رویده است، ران‌های حضرت ستر است و

ساق‌هایی باریک دارد و چون در نور قرار گیرد برای او سایه‌ای نمی‌باشد. در تناسب و اعتدال هیچ چشمی به نیکویی او ندیده است.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: یکی از سروران اهل بهشت حضرت مهدی علیه السلام است.^۲
در روایتی دیگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است (یعنی زیباترین فرد در میان بهشتیان است) چهره‌اش چون ماه درخشنده تابناک است و بر او جامه‌هایی از نور پوشیده است که از شعاع انوار الهی در تالو است.

امام رضا علیه السلام در توصیف حضرت مهدی علیه السلام به ریان بن صلت می‌فرماید:
هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید سن زیادی خواهد داشت اما در چهره‌ی جوانان ظاهر خواهد شد. بدن حضرت چنان نیرومند است که اگر پنجه در بزرگترین درخت زمین افکند. آن را از ریشه بیرون خواهد آورد و اگر در میان کوه‌ها صیحه زند، صخره‌ها از هم متلاشی شود و در روایتی دیگر فرمود: آن حضرت پیر نخواهد شد تا از دنیا برود.^۳

مرحوم محدث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب ویژگی‌های زیادی برای حضرت قائم علیه السلام جمع‌آوری نموده است. حضرت حجة بن الحسن المهدی، قائم آل محمد علیه السلام آخرین وصی الهی است، او خاتم الأوصیاء است که خداوند او را برای یاری دین حق و آشکار ساختن اوامر الهی و هدایت انسانها ذخیره کرده است. خداوند او را از ابتدای ولادت به روح القدس سپرد و او را در عالم نور و فضای قدس ملکوت تربیت نمود، ذره‌ای از وجود آن جناب به ناپاکی و کثافت گناهان و شیاطین آلوده نشده است و با قدیسان عالم بالا رفت و آمد و مجالست دارد.

۱. نجم الثاقب: باب سوم، یاقی: ص ۳۹۲، اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۴۱.

۲. غیبت طوسی: ص ۱۱۳.

۳. وافی: ج ۲، ص ۱۱۲.

حضرت مهدی علیه السلام هیچ تعهدی نسبت به طاغوت‌ها به گردن ندارد و این خود یکی از دلایل غیبت حضرت است. زیرا سایر ائمه علیهم السلام به خاطر تقیه مجبور بودند که خلاف میل باطنی خود با حاکمان جور زمان خود مدارا کنند تا جایی که می‌فرمودند: ما مجبور به بوسیدن دستهایی هستیم که اگر توان داشتیم قطعشان می‌کردیم. اما حضرت مهدی علیه السلام زمانی که ظهور می‌نماید هیچ بیعتی از دشمنان بر گردن نخواهد داشت. و غیبت نموده تا مجبور به مصاحبت و مجالست با دشمنان نباشد بلکه فقط با اولیا و اوصیای الهی همچون خضر علیه السلام هم‌نشین است.

گردش ایام و روزگار و گذشت زمان تغییری در بنیه و مزاج و اعضا و نیرو و چهره‌ی او ایجاد نخواهد کرد و با این زندگی طولانی، مانند مردی سی یا چهل ساله ظهور خواهد نمود. همه چیز در فرمان ایشان و یاران آن حضرت خواهد بود، حتی حیوانات نیز جملگی فرمانبر آنان خواهند بود. او عدالت و امنیت و برکت را به زمین هدیه خواهد کرد. به برکت او زمین یکسره سرسبز خواهد شد به گونه‌ای که زنی از عراق پیاده به سوریه می‌رود و پای خود را جز بر گیاه نمی‌گذارد و از هیچ گزندی هراس ندارد.

در روایات متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که مهدی علیه السلام مردی است از قریش و از خاندان من و از نسل علی و فاطمه زهرا علیها السلام و از فرزندان حسن و حسین علیهم السلام، بشارت می‌دهم که او در آخر الزمان خواهد آمد، هنگامی که اختلاف‌ها و زلزله‌ها و کشتار بسیار شده باشد و ظلم و بیداد در تمام زمین گسترده شده باشد. آنگاه او زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود.^۱

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام، سن کم ایشان هنگام امامت است، زمانی

۱. ملاحم: ص ۷۵، ۱۶۲ و ۱۶۵ و کنز العمال: ج ۱۴، ص ۵۸۴ - ۲۶۱ و یأتی: ص ۶۶۵ و ۶۷۱، ر.ک: نسب حضرت مهدی. x.

که امام عسکری علیه السلام به شهادت رسید و حضرت قائم علیه السلام جانشین ایشان شد، ایشان پنج سال از عمر شریفشان می‌گذشت. پیش از ایشان، امام محمد تقی علیه السلام نیز در سن کودکی و نه سالگی به امامت رسیدند و مورد قبول بسیاری از علمای زمان خود نبودند. آنگاه حضرت با اعجاز امامت تمامی علمای زمان خود را در همان سن نه سالگی مبهوت و مغلوب نمودند و بر همگان ثابت شد که سن کم ایشان هیچ دخالتی در امر خطیر امامت ندارد و اگر خداوند اراده کند، جانشینی خود را به امامان حتی در سنین کودکی خواهد داد. امامت و رهبری در سنین کودکی، در امت‌ها پیشین نیز روی داده است، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام دو تن از پیامبران عظیم الشان الهی بودند که در کودکی به پیامبری مبعوث شدند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا * وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾^۱ [عیسی علیه السلام در حالی که روی دستان مادرش بود گفت:] به راستی من بنده‌ی خدا هستم، که کتاب [آسمانی] بر من نازل و مرا پیامبر قرار داده و نیز هر جا که هستم مرا مایه برکت گردانده و مرا در طول زندگی‌ام به ادای نماز و زکات سفارش نموده است؛ ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۲ (ای یحیی! کتاب [آسمانی] را با تمام نیرو فراگیر و او را در سن کودکی حکمت آموختیم) از این دو آیه‌ی شریفه به خوبی می‌توان دریافت که کم یا زیاد بودن سن هیچ ارتباطی با حجت الله بودن ندارد و هرگاه خدا اراده کند که شخصی را حجت بر بندگان گرداند، چیزی معارض اراده‌ی او نخواهد بود.

۱. مریم / ۳۱.

۲. مریم / ۱۲.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: نهمین فرزند از حسین علیه السلام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود و او ظاهر اهل بیت و باطن ایشان خواهد بود. (یعنی او کسی است که امر امامت را به گونه‌ای که شاسته‌ی این مقام رفیع است در میان خلق ظاهر می‌نماید و به خاطر تقیه و دیگر موانع، مجبور به سکوت و عدم ظهور مطلقه‌ی امر امامت نیست، و حقیقت تمام ائمه علیهم السلام در وجود مبارک ایشان خلاصه شده است)^۱

ویژگی یاران حضرت مهدی علیه السلام

ر.ک: یاران حضرت مهدی علیه السلام.



هم جنس گرایی

گناهی که قوم حضرت لوط علیه السلام مرتکب می‌شدند و خداوند به خاطر آن عذاب‌شان نمود و مسخ شدند و جملگی مردند. این گناه در اسلام بسیار ناشایست دانسته شده و عقوبت آن نیز بسیار شدید است. در روایات یکی از نشانه‌های آخرالزمان را، رواج این عمل زشت دانسته‌اند. گروهی از مردم در آخرالزمان این کار ناپسند را رواج می‌دهند و به عقوبتی سخت نیز دچار می‌شوند.

متأسفانه در جامعه متمدن!! امروزی، یکی از اعتراضات مهم غربی‌ها نسبت به ایران، «رعایت نکردن حقوق هم جنس گرایان!!» است. آیا آنان که صدای تمدن حقوق بشرشان، گوش فلک را کر کرده است چنان به ظلمت جاهلیت فرو رفته‌اند که انسان را به سوی پست‌ترین اعمال تشویق می‌کنند و از مرتکبین این گناه حمایت می‌نمایند و مؤمنین را برای مقابله با این گناه توبیخ می‌کنند؟!!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به آن خدایی که مرا به حق فرستاده، زندگانی این دنیا به پایان نرسد مگر زمانی که مردم به خاطر گناهایی از جمله هم جنس گرایی و... دچار عذاب‌هایی مانند فرورفتن در زمین، مسخ شدن و سنگباران شدن از آسمان شوند.^۱

در روایت دیگری وارد شده است: زمانی که هم جنس گرایی فزونی یابد، مردم را به

آمدن بادی سرخ بشارت ده که از سوی شرق می‌آید و گروهی به واسطه ارتکاب این گناه مسخ شوند و گروهی به زمین فرو روند.^۱

هند

در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در شب عاشورا امام حسین علیه السلام یاران خود را جمع کرد و خبر شهادتشان را به آنها داد و فرمود در آخر الزمان وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند ما رجعت خواهیم کرد و رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز باز خواهند گشت، امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر رسول خدا را به من می‌دهد و من به شرق و غرب خواهم رفت و دشمنان را هلاک خواهم ساخت و بت‌ها را نابود می‌کنم و هند را تصرف خواهم نمود...^۲

در روایت دیگری آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از بیت المقدس لشکری را برای تصرف هند گسیل می‌دارد. آنان به سوی هند روانه می‌شوند، آن سرزمین را فتح می‌نمایند و در شهرهای آن داخل می‌شوند و پادشاهان آن را دستگیر کرده و به بند می‌کشند آن سپاه گنج‌های هند را برای زینت بیت المقدس می‌آورند و تا زمان شورش دجال در هند باقی خواهند ماند.^۳

۱. کنز: ج ۱۴، ص ۲۲۶.

۲. الخرائج و الجرائح: ج ۲، ص ۸۴۸.

۳. ملاحم: ص ۸۱.



یاجوج و ماجوج

یاجوج و ماجوج نژادی از مخلوقات هستند که بر روی زمین زندگی می‌کنند. در قرآن از این گروه یاد شده است. ذوالقرنین به مقابله با این گروه فاسد می‌پردازد و عصیانگری آنان را مهار می‌کند.

در روایات بسیاری برای این گروه توصیفات گوناگونی بیان شده است. اکنون به طور مختصر این ویژگی‌ها را یاد می‌کنیم: یاجوج نام جنس نر و ماجوج نام جنس ماده‌ی این نژاد است. آنان دسته‌ای از نژاد آدمیان هستند و هر روز سعی می‌کنند زندانی را که ذوالقرنین برای شان ساخته خراب کنند. نزدیک ظهور حضرت قائم علیه السلام از سوی سرزمین فلسطین خروج می‌کنند. آنان از لشکری بسیار بزرگ و بی شمار برخوردارند و با قیافه‌های عجیب، به خراب کردن دنیا می‌پردازند و هر آبی را که می‌یابند تباه می‌کنند، آنان عمرهایی طولانی دارند و با خدا نیز سر جنگ دارند. خروج این قوم در زمانی است که حضرت مسیح علیه السلام نیز در فلسطین به سر می‌برد و در رویارویی یاجوج و ماجوج با لشکر حضرت عیسی علیه السلام، سپاه حضرت عیسی در محاصره واقع می‌شود و عرصه بر آنان تنگ می‌شود. سپس دست به دعا برمی‌دارند و برای نابودی یاجوج و ماجوج و رهایی خود دعا می‌کنند. خداوند نیز عذابی می‌فرستد و همه‌ی آنان را هلاک می‌کند و زمین از بوی لاشه‌های آنان پر می‌شود. سپس

پرنده‌گانی شکاری می‌آیند و بدن متعفن یا جوج و مأجوج را برداشته و نابود می‌کنند و بارانی زمین را از لوث آنان پاک می‌کند.^۱

یاران امام زمان علیه السلام^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید اصحاب حضرت مهدی علیه السلام تماماً جوان هستند و در میان آنان پیر یافت نمی‌شود؛ و در روایت دیگری دارد که همگی جوانند و پیر در آنها یافت نمی‌شود بجز مانند سرمه در چشم و نمک در آش (یعنی به ندرت).^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اصحاب و یاران حضرت قائم علیه السلام خیمه‌هایشان را در مسجد کوفه برپا می‌کنند، سپس برنامه جدیدی برای آنان مهیا می‌شود، برنامه‌ای که تحمل آن بر عرب سخت باشد.^۴

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «آیا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند که خانه اصحاب حضرت مهدی علیه السلام کجاست، همان‌گونه که تعداد ایشان را می‌داند؟» حضرت فرمود: آری، به خدا قسم او تک تک آن‌ها را به اسم‌شان و اسم پدرشان می‌شناسد و می‌داند خانه‌های آنان کجاست. ابوبصیر گفت: جانم به قربانت! آنچه را امیرالمؤمنین می‌داند، حسن و حسین هم می‌دانند، و آنچه را ایشان می‌دانند شما هم می‌دانید؛ پس به ما هم بیاموزید! حضرت فرمود روز جمعه بعد از نماز به نزد من بیا. ابوبصیر می‌گوید: من هم روز جمعه خدمت حضرت رفتم و حضرت به شخصی فرمود: آنچه را که می‌گویم برای ابوبصیر بنویس: «بسم الله الرحمن الرحيم، این کلماتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام املاء فرمود و به او سپرده، و آن نام یاران حضرت قائم علیه السلام است و عده‌ای که

۱. یأتی: ص ۷۶۵.

۲. رک: ابوالبیعت.

۳. یأتی: ص ۲۵، ملاحم: ص ۱۴۵.

۴. غیبت نعمانی: ص ۳۱۹.

بعداً به حضرت ملحق می‌شوند؛ کسانی که شبانه از رختخواب‌هایشان غایب می‌شوند و در یک شب (باطی الارض) به مکه می‌آیند و این رخداد زمانی خواهد بود که ندا(ی حضر) را در سالی که امر خداوند بر ظهور صادر می‌شود، بشنوند و این افراد نجیبان و فقیهان و حاکمان مردم هستند.^۱ این‌ها سیصد و سیزده نفرند که خداوند در یک شب جمعه ایشان را در مکه، در مسجد الحرام جمع می‌کند و حتی یکی از آنها نیز تخلف نخواهد کرد. آنگاه در کوچه‌های مکه برای سکونت دنبال منزلگاهی می‌گردند. اهل مکه چون ایشان را نمی‌شناسند میان خود می‌گویند: امروز جماعتی نا آشنا را می‌بینیم که از یک نژاد و یک شهر هم نیستند و بدون خانواده و مرکب هم آمده‌اند. آن‌ها به این سخنان مشغولند که مردی از بنی مخزوم جلو می‌آید و می‌گوید: دیشب خوابی دیدم که عجیب است و ترس مرا گرفته است. اهل مکه به او می‌گویند بیا تا به نزد فلان مرد ثقفی برویم و خوابت را برای او تعریف کن. آنگاه همه نزد او می‌روند. مرد مخزومی می‌گوید: خواب دیدم ابری از آسمان جدا شد و روی کعبه پراکنده شد، در آن ابر ملخ‌هایی بالدار و سبز رنگ بودند که به اطراف زمین منتشر شدند و به هر شهری که می‌رسیدند آتش می‌زدند و به قلعه‌ای رسیدند که آن را ویران نمودند. آن مرد ثقفی تعبیر کرد که در این شب لشکری از لشکرهای خداوند به شهرتان وارد شده است که شما را یارای مقابله با آن نیست. اهل مکه از پیش او برخاستند و در اندیشه حمله به اصحاب حضرت افتادند، اما خدا قلب ایشان را از وحشت آکنده نموده و با یکدیگر مشورت کرده و می‌گویند: بهتر است عجله نکنیم و اکنون به آنها حمله نکنیم، زیرا هنوز خلافتی از آنها سر نزده است و اظهار مخالفت نکرده‌اند و سلاح به دست نگرفته‌اند؛ شاید از بستگان ما در میان آنان باشند. هر

۱. یاتی: ص ۲۵، ملاحم: ص ۲۰۲. آنگاه حضرت نام یک یک آنان را فرمود و برای ابوبصیر نوشت و دربارہ نام آنان و خصوصیات‌شان در متون حدیثی اختلاف است. برای یافتن تفصیل نام اصحاب حضرت به کتابهای ملاحم و الزام الناصب و دلائل الامة و نواب الدهور و یاتی رجوع کنید.

گاه دیدیم که مرتکب کاری ناپسند شدند، آنها را از شهرتان بیرون می‌کنیم. زیرا ایشان گروهی عابد هستند و ظاهری نیکو دارند و در حرم امن الهی هم به سر می‌برند، بنابراین نمی‌توان آنها را ترساند مگر وقتی که خلافی مرتکب شوند. مرد مخزومی که خواب دیده بود می‌گوید: من خاطر من از طرف اینها راحت نیست.

می‌ترسم گروهی دیگر به آنان ملحق شوند و کار ما سخت‌تر شود، اکنون که تعدادشان کمتر است بهتر که کار ایشان را تمام کنیم، من فکر می‌کنم تعبیری که مرد ثقفی کرد درست است.

شخصی در آن میان گفت: اگر جماعتی که می‌خواهند به آنها ملحق شوند نیز مثل آنان سلاح نداشته باشند که مشکلی نیست و اگر لشکری به یاری آنان آمد، باز هم اینها چون جماعتشان کم است به راحتی می‌توانیم قتل‌عامشان کنیم. با این صحبتها به خواب رفتند و دیگر بار با هم جمع نمی‌شوند که حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند و با یاران خود ملاقات می‌کند و (به گونه‌ای آنها را می‌شناسد که) گوئی از یک پدر و مادر هستند. صبح‌ها از هم جدا می‌شوند و شبها جمع می‌شوند. ابوبصیر کرد: فدایت شوم آیا غیر از این سیصد و سیزده نفر بر روی زمین مؤمنی یافت می‌شود؟ حضرت فرمودند: آری اما این سیصد و سیزده نفر کسانی هستند که حضرت با ایشان قیام می‌کند و آنان نجیب‌ها و فقیه‌ها و حاکم‌ها و قاضی‌ها هستند که با دست مبارک خود پشت و روی آنها را مسح کرده تا در هیچ مسئله‌ای به مشکل بر نخورند.

امام صادق علیه السلام فرمود: یاران جناب طالوت به واسطه نهر آبی آزمایش شدند زیرا خداوند می‌فرماید «به زودی شما را به نهری امتحان می‌کنم»؛ همین‌گونه یاوران حضرت قائم علیه السلام نیز امتحان خواهند شد.^۱

طالوت پادشاهی بود که خداوند بر بنی اسرائیل گماشته بود و به او دستور داده بود

که با بنی اسرائیل به جنگ جالوت برود. در میان راه طالوت و یاران او به نهر آبی رسیدند و خداوند برای امتحان به طالوت دستور داد که به یارانش بگوید: ﴿فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ﴾^۱ (هر کسی که از این [نهر] بنوشد از گروه ما نخواهد بود و کسی که از این آب جز یک مشت ننوشد جزو یاران ماست) اما بسیاری از یاران او مخالفت کرده و بیش از یک مشت از آن آب خوردند به جز سیصد و سیزده نفر آنان. بنابراین در جنگ با جالوت ترسیدند و پا پس کشیدند. درباره اصحاب حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین امتحانی وجود دارد و حضرت آنان را امتحان خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یاران صاحب الامر علیه السلام محافظت شده‌اند، اگر تمام مردم از بین بروند خداوند اصحاب حضرت را برای او جمع خواهد کرد.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دوست داشته باشد که از یاوران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و پرهیزکاری پیشه کند و اخلاق نیکو برگزیند؛ اگر این گونه باشد و پیش از ظهور آن جناب از دنیا برود، ثواب او مانند شخصی است که دری حضور حضرت مهدی علیه السلام را نموده باشد.^۳

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند سیصد و سیزده نفر یاوران حضرت مهدی علیه السلام را گرد هم جمع می‌کند، بدون این که از قبل با هم قراری گذاشته باشند مانند به هم پیوسن ابرهای پائیزی و این نشانه‌ای است که در قرآن کریم یاد فرموده: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۴ (هر کجا که باشید خداوند

۱. بقره / ۲۴۹.

۲. یاتی ص ۷۲ و غیبت نعمانی ص ۳۱۶.

۳. یاتی: ص ۷۲، غیبت نعمانی: ص ۲۰۰.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۸۲. بقره / ۱۴۸.

شما را حاضر خواهد کرد، همانا خدا بر همه چیز تواناست).

مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: زمانی که به حضرت مهدی علیه السلام از جانب خداوند اجازه قیام داده می‌شود، خداوند نام عبرانی حضرت را می‌خواند و یاران او را برای او آماده می‌کند که سیصد و سیزده نفرند، مانند پیوستن ابرهای پائیزی در کنار هم جمع می‌شوند و آنان دارندگان پرچم‌ها هستند (یعنی هر کدام امارت و حکومت مملکتی را بر عهده خواهند داشت) بعضی از ایشان، شب هنگام از رختخواب خود ناپدید می‌شود و صبح در مکه حاضر خواهد بود و بعضی از آنها را در روز می‌بینند که در ابر حرکت می‌کند و نام خود و پدر و همسر و نسبش را معرفی می‌کند. مفضل عرض کرد: فدای تو گردم! کدام دسته از این دو گروه ایمانشان بیشتر است؟ حضرت پاسخ دادند: آنانکه در روز با ابر حرکت می‌کنند.^۱

ابان بن تغلب می‌گوید: با امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در مسجد الحرام بودم و حضرت دست مرا گرفته بود، سپس فرمود: ای ابان! به زودی خداوند سیصد و سیزده نفر را در این مسجد گرد هم جمع می‌کند که هنوز پدران و اجداد ایشان به دنیا نیامده‌اند؛ آنها شمشیرهایی دارند که نام هر یک و نام پدرش و مشخصات او و نسب او بر آن نوشته شده است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: جوانانی از شیعیان بر روی پشت بام منزلشان خوابیده‌اند که جملگی در یک شب، و بدون قرار قبلی گرد هم جمع شده و در صبح آن روز در مکه هستند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی خداوند سیصد و سیزده نفر را به سوی مسجد

۱. یاتی: ص ۳۸۱ و غیبت نعمانی: ص ۳۱۳.

۲. یاتی: ص ۳۸۲.

۳. غیبت نعمانی: ص ۳۱۶.

الحرام می‌فرستد که هنوز نه پدرانشان متولد شده‌اند و نه اجدادشان و این را اهل مکه می‌دانند؛ دارای شمشیرهایی هستند که بر آن هزار کلمه نوشته شده است و هر کلمه‌ای کلید هزار کلمه است. خداوند به باد فرمان دهد، به هر وادی که اراده کند روانه شود و ندا دهد: این مهدی است! به روش حضرت داود حکم می‌کنند و در قضاوتش شاهد نمی‌طلبند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا که حضرت قائم علیه السلام از قلّه ذی طوی^۲ فرود می‌آید که سیصد و سیزده نفر، - به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر - همراه او هستند. آنگاه به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز درمی‌آورد.^۳

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بدانید! هرگاه یاران حضرت مهدی علیه السلام به آن تعداد معهود که سیصد و سیزده نفرند، کامل شود، ظهوری را که شما در انتظار آن هستید به وقوع خواهد پیوست.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد نمود، اما مردم او را انکار می‌کنند. (و از او روی می‌گردانند. سپس حضرت دوباره آنان را دعوت می‌کند. و به او نخواهند گروید جز جوانان موفق و ثابتی که خدا در عالم زر از او پیمان گرفته است.^۵

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: یاران حضرت قائم علیه السلام سیصد و سیزده نفرند که از نژاد غیر عرب می‌باشند...^۶

در روایات مختلفی آمده که بسیاری از یاران حضرت از ایرانی‌ها و اهالی ری و

۱. غیبت نعمانی: ص ۳۱۴.

۲. کوهی بین مکه و مدینه و در دعای ندبه از آن یاد شده است و احتمال سکونت حضرت در آن داده می‌شود.

۳. یاتی: ص ۳۸۲، غیبت نعمانی: ص ۳۱۵.

۴. غیبت نعمانی: ص ۲۰۳.

۵. یاتی: ص ۱۷۲.

۶. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۹.

خراسان و طالقان و قم و دیگر مناطق ایران هستند، درباره اینکه آیا در میان یاران حضرت مهدی علیه السلام از نژاد عرب شخصی هست یا خیر، روایات گوناگونی آمده است که برخی در نگاه اول با هم متعارض می‌آیند.

امام صادق علیه السلام فرمود: همراه حضرت قائم علیه السلام تعداد اندکی از اعراب خواهند بود...^۱ بدا به حال حاکمان ستمگر عرب، از بلائی که به زودی به آنها خواهد رسید. راوی پرسید: جانم به قربانت! با حضرت قائم چند نفر از عرب خواهند بود؟ حضرت پاسخ دادند: عده اندکی! راوی سؤال کرد: اما بسیاری از اعراب ادعا دارند که از شیعیان شما هستند؟! حضرت فرمود: باید آنها امتحان شوند و غربال شوند و بسیاری از مردم از امتحان سربلند بیرون نمی‌آیند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: از عرب‌ها پرهیز کن و آگاه باش که هیچ عربی با حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند.^۳

همچنین از امام باقر علیه السلام می‌فرماید: با حضرت قائم آل محمد علیهم السلام بین رکن و مقام در مکه مکرمه سیصد و چند نفر با او بیعت می‌کنند، به تعداد افرادی که در جنگ بدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. در میان آنها نجیبانی از مصر، ابدال که اهل شام (سوریه) هستند و برگزیدگانی از عراق وجود دارند و حضرت تا زمانی که حکم الهی اقتضا کند در میان آنها خواهد بود.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: انسانهای شریفی از شام (سوریه) و نیز افرادی از قبیله‌ها و سرزمین‌های اطراف آن به حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند که در شب چون مردان پارسا به عبادت و در روز چون شیر غران هستند.^۴

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۰۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۷۰.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۸۴.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۴.

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند و به کوفه بیاید، خداوند از پشت کوفه هفتاد هزار مرد صدیق را برمی‌انگیزد که آن‌ها همه از یاران و اصحاب آن جناب خواهند بود.^۱

در ظاهر این روایات را مخالف یکدیگر می‌بینیم، اما اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم که حضرت می‌فرماید مردمانی از مصر و شام و عراق با حضرت بیعت می‌کنند و در دنیای امروز می‌دانیم که تابعین و ساکنین یک کشور می‌توانند از ملیت‌های مختلف باشند. شاید بتوان گفت اصحاب حضرت از این کشورهای عربی باشند، اما نژاد آنها غیرعرب باشد و حدیثی که می‌فرماید هیچ عربی با حضرت قیام نمی‌کند را به این معنا گرفت که در سیصد و سیزده نفر، عرب وجود ندارد اما در لشکر حضرت که هزاران نفر خواهند بود و بعد از گسترش قیام به آن حضرت ملحق خواهند شد، عرب‌های زیادی وجود خواهند داشت. (والله العالم)

حارث اعور همدانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کند که بر فراز منبر فرمود: ... زمانی که صاحب الزمان پنهان شود و دلهای آشفته و زیر و زبر شده (ی مردم) باقی ماند، در این زمان بعضی از دل‌ها پر خیر و بعضی بدون خیر خواهند بود. آرزومندان هلاک می‌شوند و سست عنصران از بین می‌روند و مؤمنین باقی می‌مانند که بسیار اندکند، سیصد و اندی هستند، ملائکه‌ای که در جنگ بدر به یاری پیامبر آمدند آنها را نیز یاری می‌دهند که (این ملائکه) نه کشته می‌شوند و نه می‌میرند.^۲

در روایتی امام باقر علیه السلام از برخی یاران حضرت قائم علیه السلام یاد می‌نماید که در منطقه «ذی طوی» جمع می‌شوند. حضرت به سوی این ناحیه اشاره کرد و فرمود: صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام در این دره‌ها غیبتی خواهد نمود تا زمان ظهورش فرا رسد.

۱. ملاحم: ص ۴۳.

۲. یاتی: ص ۸۸، غیبت نعمانی ص ۱۹۵.

سپس غلام آن حضرت نزد گروهی از یاران حضرت می‌آید که در آنجا جمع شده‌اند و از آن‌ها می‌پرسد، شما چند نفر هستید؟ پاسخ می‌دهند ما چهل نفر هستیم. سپس از آنان سؤال می‌کند: اگر صاحب خود حضرت مهدی علیه السلام را ببینید چه می‌کشید؟ می‌گویند: به خدا سوگند: اگر او دستور دهد که کوه‌ها را از جای برکنیم، انجام می‌دهیم و همراه او خواهیم بود. این دیدار به پایان می‌رسد و یک سال بعد دوباره آن غلام آمده و به آن گروه می‌گوید: ده نفر از میان خود معرفی کنید و با آنان نزد حضرت می‌آید و امام علیه السلام به آنان وعده می‌دهد که فردا شب قیام نماید. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم گویا می‌بینم که او چگونه پشت خویش را به حجر نموده و خداوند را به حق خودش سوگند می‌دهد (تا ظهورش را محقق نماید) سپس رو به مردم کرده و می‌گوید: ای مردم هر کسی که درباره‌ی خدا، حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و یا محمد و قرآن کریم سؤالی دارد، من سزاوارترین فردی هستم که می‌تواند پاسخ آن را بدهد.

حضرت مهدی علیه السلام سپس از این صحبت به سوی رکن و مقام رفته و دو رکعت نماز می‌خواند و دوباره خداوند را به حق خویش قسم می‌دهد. آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم او همان مضطری است که خداوند در آیه شریفه: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۱ یاد نموده است و این آیه درباره او و برای حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است.^۲

در بعضی روایات صحبت از ده هزار نفر یاران حضرت شده است. این گروه غیر از سیزده و سیزده نفر هستند و آنان در رکاب حضرت جهاد خواهند نمود و سیزده و سیزده نفر کارگزاران حضرت خواهند بود. از این گروه به «عقد» نام برده شده است. در روایتی امام جواد علیه السلام فرمود: قائم ما اهل بیت کسی خواهد بود که... به تعداد

۱. نمل / ۶۲.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۸۲.

اصحاب رسول خدا در جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر از نقاط مختلف زمین گرد او جمع خواهند شد و این سخن خداست که می‌فرماید «هر کجا باشید خداوند شما را جمع خواهد نمود، همانا خداوند بر هر کاری تواناست».^۱ زمانی که این گروه پاکیزه سرشت نزد او جمع شوند، خداوند ظهور او را محقق خواهد نمود. اما زمانی که تعداد «عقد» برای او گرد آمدند - و عقد به حداقل ده هزار نفر گفته می‌شود - به اذن خدا قیام خواهد نمود، سپس پیایی دشمنان خدا را خواهد کشت تا اینکه خداوند راضی شود. راوی سؤال نمود: از کجا می‌فهمد که خداوند راضی شده است؟ فرمود: در قلب او شفقت و مهربانی ویژه‌ای قرار می‌گیرد...^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید به منطقه‌ی رجبه (در ۱۸ کیلومتری کوفه) می‌آید و با پای خود به جایی اشاره می‌نماید می‌فرماید این مکان را حفر کنید. وقتی آن جا را حفر می‌کنند دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود دو رو بیرون می‌آورند. آنگاه حضرت دوازده هزار نفر از موالیان و مردان عجم را فرا می‌خواند و آن لباس‌های رزم را بر آنان می‌پوشاند و بدانها می‌فرماید: هر کسی که (در عقیده و مرام) چون شما نبود به قتل برسانید.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر به «فئة» و «فئة» به گروهی می‌گویند که از ده هزار نفر بیشتر باشند.^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:... گروهی از یارن حضرت وارد شهر قسطنطنیه می‌شوند اما با شمشیر و تیر و کمان نمی‌جنگند، آنان سلاح را کنار می‌گذارند و با گفتن

۱. بقره / ۱۴۸.

۲. تفسیر کنز الدقائق: ج ۱، ص ۳۷۰.

۳. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۷ و نجم الناقب: باب سوم بخش سی و نهم.

۴. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۱۳۴. تفسیر کنز الدقائق: ج ۱، ص ۵۹۳.

جمله «لا إله إلا الله، الله أكبر» شهر را ویران می‌نمایند و بار دیگر این جمله را می‌گویند و طرف دیگر شهر خراب می‌شود و در مرتبه سوم که این جمله را می‌گویند شکافی در میان شهر ایجاد می‌شود.^۱

و در روایتی دیگر می‌فرماید که گروهی از اولیای خدا قسطنطنیه را فتح می‌کنند، خداوند درد و مریضی و مرگ را از آنها دور ساخته است. وقتی حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل شود به او خواهند پیوست و با دجال نبرد خواهند نمود.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: اکنون خداوند ترس را در دل‌های شیعیان ما انداخته است (تا خود را بی جهت به مهلکه نیاندازند) اما زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید هر کدام از شیعیان ما از شیر ژیان بی‌باک‌تر و از نیزه و تیر برنده‌تر خواهند بود.^۳

حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: زمانی که ظهور حضرت قائم علیه السلام فرا رسد، صدایی از آسمان به گوش می‌رسد که می‌گوید: «ای مردم! دیگر ستمکاران بر شما حکومتی نخواهند کرد، اکنون زمان رهبری بهترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله است، پس به سوی مکه بشتابید». آنگاه نجبا از مصر و ابدال از شام و مردانی نیرومند از عراق خواهند آمد. مردانی که در شب به عبادت خدا مشغولند و در روز مانند شیر غران هستند، دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است. آنان در میان رکن و مقام در مسجد الحرام گرد آمده و با حضرت بیعت خواهند نمود.^۴

یکی از خصوصیات زمان ظهور این است که کارگزاران حضرت در هر نقطه‌ای ارتباط عینی با حضرت دارند در روایات متعددی فرموده‌اند که حضرت در مناطق

۱. یاتی: ص ۵۷۳.

۲. ملاحم: ص ۸۲.

۳. یاتی: ص ۱۵۷.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۴.

مختلفی که فتح می‌نماید، افرادی را می‌گمارد و بدان‌ها می‌فرماید ارتباط میان من و شما در کف دستتان می‌باشد، هرگاه که در مسئله‌ای به مشکل برخوردید به کف دست خود نگاه کنید و آنچه در آن می‌یابید بدان عمل کنید. در برخی روایات وارد شده است که در شرق و غرب عالم مردم بدون هیچ حجابی همدیگر را می‌بینند و با هم سخن می‌گویند.^۱

در روایتی امام صادق علیه السلام به مفضل از آزمایشی سخت برای یاران امام زمان علیه السلام خبر می‌دهد. این آزمون توسط خود حضرت قائم علیه السلام در کوفه انجام می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: گویا حضرت صاحب الامر علیه السلام را می‌بینم که در کوفه بر منبر جلوس فرموده است و یاران او که سیصد و سیزده نفر می‌باشند گرد او حلقه زده‌اند. حضرت از میان جامه خود نامه‌ای را بیرون می‌آورد که مهری زرین بر آن نهاده‌اند. در آن نامه پیمانی نوشته شده است که رسول خدا ستانده است. با خواندن آن نامه همه از اطراف او می‌گریزند، مانند رمه‌گان! و جز وزیر او و یازده تن نقباء، کسی با او نخواهد ماند، آنگونه که با حضرت موسی نیز ۱۲ نفر بیشتر باقی نماندند. سپس افرادی که فرار نموده‌اند در تمام زمین می‌گردند و راهی به سوی حق جز آن حضرت نمی‌یابند، آنگاه برمی‌گردند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود به خدا سوگند من آن سخنی را که به آنان می‌گوید و باعث می‌شود که نسبت به او کافر شده و بگریزند، می‌دانم!^۲

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت لوط علیه السلام (زمانی که از رفتار قوم خو به ستوه آمد، آرزو کرد) گفت: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۳ (ای کاش من نیرویی برای مقابله با شما داشتم و یا به تکیه‌گاهی قوی و استوار پناهنده

۱. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹۱ و نجم الثاقب: ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۳. هود / ۸۰.

می‌شدم) منظور حضرت لوط علیه السلام از آرزو که کرد این بود: ای کاش نیرویی چون نیروی حضرت قائم علیه السلام می‌داشتم و یارانی به قدرت و پایداری یاران او برای من وجود داشت. زیرا به هر کدام از یاران حضرت مهدی علیه السلام نیروی چهل مرد داده می‌شود و دل‌های آنان چنان قوی و بی‌باک است که چون پاره‌های آهن خواهند بود. اگر بر کوه‌هایی از آهن بگذرند، آن را متلاشی خواهند کرد. آنان تا زمانی که خداوند راضی نشود شمشیر بر زمین نمی‌نهند. و در روایتی دیگر حضرت امام باقر علیه السلام فرمود اصحاب حضرت قائم علیه السلام در سرتاسر عالم پراکنده خواهند شد و همه چیز، حتی درندگان و پرندگان نیز از آن‌ها فرمانبری خواهند نمود و همه چیز در پی انجام دستورات آنان است، حتی زمینی که بر آن قدم می‌نهند به گذر اصحاب حضرت بر خود، می‌بالند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید: گروهی از یاران حضرت مهدی علیه السلام که همه گمان می‌کردند جزو یاران آن حضرت هستند، دست از یاری حضرت برداشته و نسبت به ایشان کافر می‌شوند و بسیاری از کفار و مشرکین به حضرت ایمان آورده و به یاری او می‌شتابند!^۲

امام صادق فرمود، خداوند در شرق زمین شهری بنا نموده که نام آن «جابلقا» است. این شهر دوازده هزار دروازه‌ی طلایی دارد که هر دروازه‌ای از دروازه‌ی دیگر یک فرسنگ فاصله دارد. بر هر کدام از این درب‌ها برجی وجود دارد که یک لشکر دوازده هزار نفری را در خود جای می‌دهد. این لشکرها تجهیزات جنگی و سلاح و شمشیر خود را آماده کرده‌اند و منتظر ظهور حضرت قائم علیه السلام می‌باشند. خداوند در غرب زمین نیز شهری بنا نموده که همچون «جابلقا» دارای دوازده هزار در است و همان تعداد

۱. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۷۱، بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۴.

لشکر در آن‌ها جای دارد. نام این شهر «جابلسا» است. این لشکریان نیز آماده‌ی حضور در قیام حضرت مهدی علیه السلام هستند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: من حجت الهی بر تمام آن افراد هستم.^۱

در روایات رجعت از افراد بسیاری نام برده شده است که در زمان ظهور حضرت دوباره به دنیا بازخواهند گشت و در لشکر حضرت با دشمنان به جنگ خواهند پرداخت. یکی از این افراد شخصی است به نام «جبیر بن خابور» او گنجینه‌دار معاویه بوده برای دیدن مادرش به کوفه آمد و به امیرالمؤمنین علیه السلام پیوست. حضرت علی علیه السلام درباره‌ی او فرمود: «این شخص در کوه‌های منطقه‌ی اهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی که شمشیرهای خود از نیام کشیده‌اند در انتظار قیام حضرت قائم اهل بیت علیهم السلام هستند، و زمانی که حضرت قیام کند، او در رکابش خواهد جنگید.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یاران حضرت مهدی علیه السلام شمشیرهایی آهنین دارند. اما گویا از آهن نیست، اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه بزند، آن را دو نیم خواهد ساخت! در حدیث دیگری حضرت می‌فرماید: یاران حضرت مهدی علیه السلام اگر با سپاه‌یانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته است درگیر شوند، همه‌ی آن‌ها را در لحظه‌ای نابود خواهند کرد و سلاح دشمن در آن‌ها کارگر نخواهد بود.^۳

یکی از خصوصیات یاران حضرت مهدی علیه السلام دوستی و همدلی و هم‌رازی آنان با همدیگر است.

دوستی آنان چنان محکم و استوار است که گویا همه از یک پدر و مادرند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: زمان قیام حضرت قائم علیه السلام دوران رفاقت فرا می‌رسد.^۴

۱. بحار الانوار: ج ۵۴، ص ۳۳۴ و ج ۲۶، ص ۴۷. رک: جابلسا جابلقا.

۲. بحار الانوار: ج ۴۱، ص ۲۹۶. رک: رجعت.

۳. موعود نامه: ص ۴۰۶، بحار الانوار: ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴، اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۲۳.

۴. چشم به راه مهدی: ص ۳۸۱ و بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۲ و موعودنامه: ص ۶۴۱.

احادیث درباره خصوصیات یاران حضرت مهدی علیه السلام بسیار است. در این جا برای اختصار برخی از ویژگی‌های یاران حضرت را به طور فهرست می‌آوریم: آنان مردانی هستند که دل‌هایشان چون پاره‌های آهن محکم است؛ لحظه‌ای را به خدای عزوجل شک نکرده‌اند و در توحید خود تردید به دل راه نداده‌اند؛ شب زنده دارند و خواب‌شان سبک و کم است؛ زمزمه‌ی آنان چون نوای زنبور عسل در نماز به ذکر و مناجات شنیده می‌شود؛ چون چراغ‌های فروزنده‌ای هستند که گویی دل‌هایشان نورباران است؛ از ناخشنودی پروردگارشان هراسانند؛ برای شهید شدن دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدا هستند در میدان رزم با چالاکی و شجاعت تمام نبرد می‌کنند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آنان فرمود: پدر و مادرم فدای آن گروه اندکی که نام آنان در آسمان‌ها شناخته شده و معروف است ولی در زمین ناشناخته‌اند! آنان معرفت خدای را به حقیقت و شایستگی دارا هستند؛ بر مرکب‌هایشان نیز از تسبیح خداوند غافل نیستند؛ در برابر فرمان امام خود، از بنده‌ای در مقابل مولای خود مطیع‌ترند؛ در اطاعت از دستورات حضرت مهدی علیه السلام کمال همت را می‌گمارند؛ هر کدام از آنان برابر نیروی چهل مرد را دارا هستند (در بعضی روایات سیصد مرد گفته‌اند)؛ و چنان دل‌هایشان استوار و نیرومند است که اگر بر کوه‌ها بگذرند؛ صخره‌ها به حرکت درآید و از هم پاشیده شود؛ آنان شمشیرها را در نیام نخواهند کرد تا زمانی که خداوند از آنان خشنود شود؛ تا فاصله‌ی یک ماه راه، ترس در دل دشمنانشان می‌افتد؛ در جنگ‌ها غران‌تر از شیران خشمناک به دشمن حمله می‌برند؛ آنان در میان خود چنان مهربانند و با هم همدل و یار و غمخوار یکدیگرند که گویی یک مادر آنان را به دنیا آورده و پرورش داده است؛ هرچه در دنیاست تحت فرمان آنان و پیرو آنان خواهد بود، حتی حیوانات و زمین و پرندگان آسمان در تمام امور، در پی کسب رضایت آنان خواهند بود؛ چون بر قطعه زمینی گذر می‌کنند، آن زمین بر خود می‌بالد و مباحثات می‌کند که

امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر من گام نهاد و از اینجا عبور کرد؛ از قدرت عجیبی در شنوایی و بینایی برخوردارند که هیچ چیز مانع دیدن و شنیدن آنان نمی‌شود و همان‌گونه که در جایی ایستاده‌اند، به شرق و غرب عالم احاطه دارند؛ جمادات نیز با آنان سخن می‌گویند و اگر دشمن در میانشان پنهان شده باشد او را بدان‌ها معرفی می‌کنند؛ با طی الارض بدین سوی و آن سوی حرکت می‌کنند؛ در زهد و پارسایی و دوری از دنیا طلبی و شوق به آخرت و انجام عبادت سرآمد روزگارشان هستند؛ در ادای راستی و ایفای حق هرگز کوتاهی و مدارا نمی‌کنند و در کردار خود به سوی باطل گرایش نخواهند داشت؛ هرگز طمع و آز در دلشان رخنه نمی‌کند، تا آنان را از حقی به باطل سوق دهد.^۱

زهد و پارسایی یکی از ویژگی‌های اصلی یاران حضرت مهدی علیه السلام است. آن‌ها تا زمانی که اصلاح دنیا به پایان نرسیده است و شکوفایی جهان کامل نشده است، و تمام مؤمنین در آرامش نیارمیده‌اند، آسایش را بر خود نمی‌پذیرند. آسایش و راحتی آنان زمانی است که جنگ‌ها پایان یافته و باطل یکسره از بین رفت باشد و جهان را یکسره نعمت و گشایش فرا گرفته باشد.^۲ امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: گویا حضرت قائم علیه السلام و یارانش را می‌بینم که توشه‌های آنان تمام شده و جامه‌هایشان مندرس شده است. جای سجده بر پیشانی آن‌ها نمایان است. در روز چون شیر ژیان حمله می‌برند، در شب چون راهبان به عبادت پروردگار مشغولند.^۳

۱. نهج البلاغه: کلامات قصار شماره ۱۱۰ و البدایه و النهایه: ج ۱ ص ۱۴۳ و عقدالدرر: ص ۶۵ و الزام الناصب: ج ۲ ص ۲۰ و بشارة الاسلام: ص ۲۲۴ و ۵۲ و حلیة الاولیاء: ج ۲ ص ۱۸۴ و کمال الدین و تمام النعمه: ج ۲ ص ۶۷۳ و ۶۷۲ و روضة الواعظین: ج ۲ ص ۲۶۳ و دلائل الامامه: ص ۳۲۰ و عیون اخبار الرضا: ج ۱ ص ۶۳ و ینایع الموده: ص ۵۱۲ و ۴۴۹ و بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۰۸ و ۳۱۰ و ۳۴۳.

۲. ر.ک: آخرالزمان پس از ظهور.

۳. بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۷.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی طولانی از اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام یاد فرمود و آنان را سیصد و سیزده تن، به تعداد یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر برشمرد. سپس فرمود: خداوند آنان را از شرق و غرب عالم، در کمتر از چشم بر هم زدن در کنار خانه‌ی خدا در مسجدالحرام گرد خواهد آورد. آنگاه مکیان که از خروج سفیانی با خبر شده‌اند از حضور این افراد مضطرب خواهند شد، زیرا می‌بینند گروهی در کنار خانه خدا جمع شده‌اند و پرده‌های تاریکی از آنان برداشته شده. و دیگر پنهان و ناشناخته نیستند و برخی از آنان به برخی دیگر مژده‌ی نجات می‌دهد. مردم به تماشای آنان می‌آیند و مأموران دولتی در فکر فرو می‌روند (که این افراد چه کسانی هستند). سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گویا هم اکنون آنان را می‌بینم! که در جامه، زینت، اندام و کسوتی یکسان در پی گمشده‌ای هستند و متحیر و سرگردانند. در آن هنگام مردی از کنار پرده‌ی کعبه ظاهر می‌شود که شبیه‌ترین فرد به رسول خداست، چه در زیبایی رفتار و چه در نیکویی چهره. یاران حضرت از ایشان می‌پرسند: آیا شما مهدی هستید؟ حضرت پاسخ می‌دهند: آری من مهدی هستم و می‌فرماید: چهل ویژگی را در شما خواستارم تا بتوانید با من بیعت کنید و اگر این ویژگی‌ها را رعایت نمودید، من نیز ده شرط را در حق شما به جای خواهم آورد. ویژگی‌های یاران حضرت این است که هرگز به دزدی دست نمی‌زنند؛ روابط نامشروع ندارند؛ (به ناحق) کسی را نمی‌کشند؛ بر حریم خصوصی کسی که نباید تجاوز کنند، دست نمی‌برند؛ به هیچ مسلمانی ناسزا نمی‌گویند؛ به خانه‌ی کسی یورش نمی‌برند؛ جز در مواقع حق به کسی صدمه وارد نمی‌کنند؛ بر مرکب‌های لاغر و نحیف سوار نمی‌شوند (و در حقوق حیوانات نیز عدالت را رعایت می‌کنند)؛ لباس زرین و خز و حریر نمی‌پوشند؛ کفش‌های نو و فاخر به پای نمی‌کنند؛ مسجدی را به ویرانه مبدل نمی‌کنند؛ راهزنی نمی‌کنند؛ به یتیمی ستم روا نمی‌دارند؛ رهگذری را نمی‌ترسانند؛ در اندیشه‌ی

مکر و حيله نمى‌روند؛ ارث بچه‌هاى صغير را تصاحب نمى‌کنند؛ مشروب نمى‌نوشند؛ در امانت خيانت نمى‌کنند؛ پيمان شکنى نمى‌کنند؛ آذوقه‌ى مردم از گندم و جو را احتکار نمى‌کنند؛ کسى که از آنان امان بخواهد به قتل نمى‌رسانند؛ شخصى که از آنان بگريزد تعقيب نمى‌کنند؛ خونى را به نا حق بر زمين جارى نمى‌کنند؛ با مجروحان جنگى نبرد نمى‌کنند؛ لباس‌هاى زبر مى‌پوشند؛ گونه‌ها را براى خواب بر خاک مى‌نهند؛ نان جوين مى‌خورند؛ به اندک چيزى قانع‌اند؛ جهاد در راه خدا را به بهترين وجه به جاى مى‌آورند؛ خوش بوى مى‌گردند و از کثيفى به دورند. اين ويژگى‌هاى است که در ياران حضرت مهدى عليه السلام است و حضرت پس از آنکه اين خصوصيات را در آنان يافت و بيعت‌شان را پذيرفت، خود را موظف مى‌کند که براى ياران خود اين شرايط را به جاى آورد: اصحابى جز آنان بر نگزینند؛ همه جا با آنان همراه باشد و از آنان در هيچ حال جدا نگردد؛ از آنان توقع گزاف ننمايد و به يارى خداوند زمين را از عدل پر کند آنگونه که از ستم پر شده است، تا جايى که خداوند به شايستگى پرستيده شود.^۱

لشکرى از چابکسواران يمنى از قبيله «همدان» و «خولان» پيشاپيش ايشان حرکت مى‌کند و لشکرى از شهر «جده» نيز به يارى حضرت مى‌آيد. قبيله‌ى «اوس» و «خزرج» به سوى حضرت مى‌شتابند. «سلمان» در کنار حضرت او را يارى مى‌کند و «عقيل» لشکر پيش‌رونده را رهبرى مى‌کند و «حرث» سپاهى که از پس مى‌آيند پيش مى‌برد. خداوند به واسطه اين افراد اجتماع بزرگى را براى حضرت جمع مى‌کند. قبيله «مَضْر» به کمک حضرت خواهند آمد و در لشکر پيش‌رو قرار مى‌گیرند و قبائل «جيله» و «ثقيف» و «مجمع» و «غداف» از پى حضرت در حرکت خواهند بود. حضرت قائم عليه السلام با اين سپاه

عظیم حرکت می‌کند تا از سرزمین فتنه^۱ عبور می‌کنند. سید حسنی با دوازده هزار لشکر به حضرت ملحق می‌شود و حضرت به او می‌فرماید: من به امر قیام از تو سزاوارترم! سید حسنی هم می‌گوید: بنابراین نشانه‌های این امر را آشکار نمایید و حضرت به پرنده‌ای که در پرواز است اشاره می‌کند و آن پرنده می‌آید و بر کتف حضرت می‌نشیند و چوب دستی خود را در زمین فرو می‌کند و آن چوب دستی فوراً سبز شده و برگ می‌رویاند. سید حسنی که چنین می‌بیند لشکر خود را تسلیم حضرت نموده و خود در لشکر پیش رو مستقر می‌شود...^۲

یمانی

یمانی یا فردی از اهالی یمن، یکی از افرادی است که پیش از قیام حضرت حجت علیه السلام قیام خواهد نمود. او مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام است. قیام یمانی یکی از نشانه‌های قطعی ظهور شمرده می‌شود.^۳

سه گروه در آخرالزمان همزمان از سه نقطه قیام خواهد نمود؛ سفیانی و خراسانی و یمانی که در این میان یمانی از همه با هدایت‌تر خواهد بود، زیرا مردم را به سوی صاحب الامر، حضرت قائم علیه السلام سوق می‌دهد^۴

و در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: با خروج این سه گروه جنگ‌هایی خونین به پا خواهد شد و زمانی که یمانی خروج کرد به او ملحق شوید و با او به مبارزه برسرخیزید که از اهل دوزخ می‌شوید، زیرا او مردم را به راه راست می‌خواند.^۵

۱. شاید منظور سرزمینی باشد که لشکر سفیانی در آن به زمین فرو رفتند و در بین راه مکه و مدینه است.

۲. رک: سید حسنی.

۳. غیبت طوسی: ص ۲۶۷.

۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۰.

۵. همان: ص ۲۳۲.

یمن

ر.ک: آتش.

یونس

حضرت یونس علیه السلام یکی از پیامبران الهی است که در شهر نینوا پایتخت آشوریان می‌زیست. داستان این پیامبر در قرآن نیز آمده است. در قرآن از او با نام «ذوالنون» نیز یاد شده است. در احادیث ما این پیامبر الهی جزو رجعت کنندگان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. او به همراه حضرت دانیال نبی به جنگ با گروهی در بصره خواهند رفت.^۱

یهود^۲

یهود به پیروان شریعت حضرت موسی علیه السلام گفته می‌شود. یهودیان از صدر اسلام تاکنون همواره برای مسلمانان ایجاد مزاحمت داشته‌اند. برخی از یهودیان امروزه تحت یک ایدئولوژی نژاد پرستانه به نام صهیونیست، جزو کثیف‌ترین و جنایت‌کارترین مردمان روی زمین هستند. یهودیان در آخرالزمان یکی از حادثه‌سازترین اقوام هستند. در روایتی رسول خدا فرمود: هفتاد هزار یهودی به لشکر دجال خواهند پیوست و در نهایت دجال به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته می‌شود و لشکر او نیز به دست سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام تار و مار می‌شوند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام، امام حسین علیه السلام با یاران خود رجعت خواهد نمود و تمام یهودیان و مسیحیان و تمام کسانی که بر دین اسلام نیستند بر اسلام دعوت می‌کند و می‌فرماید یا مسلمان شوید یا تمام

۱. ر.ک: دانیال

۲. ر.ک: فلسطین.

شما کشته خواهید شد.^۱

در زمان ظهور جنگی سخت میان مسلمانان و یهود درخواهد گرفت. در آن جنگ یهودیان شکست می‌خورند و فرار خواهند کرد. زمانی که مسلمانان به مخفی‌گاه یهود گذر می‌کنند، آن مخفی‌گاه به اذن خدا به سخن آمده و خبر می‌دهد که یک یهودی نزد من مخفی شده است، او را دستگیر نموده و به قتل برسانید.^۲

در روایتی سلیمان بن عیسی نقل می‌کند حضرت مهدی علیه السلام تابوت سکینه را از دریاچه طبریه در فلسطین خارج می‌کند و در بیت المقدس قرار می‌دهد. یهودیان چون چنین می‌بینند، اکثراً تسلیم می‌شوند. اما عده کمی از آنان ایمان نخواهند آورد...^۳

۱. الخرائج والجرائح: ج ۲، ص ۸۴۸.

۲. کنز العمال: ج ۱۴، ص ۲۰۴.

۳. ملاحم: ص ۷۱.

فهرست

مقدمه ۵

الف

آخرالزمان ۱۴	آتش ۱۰
ابر ۵۹	آخرین حکومت دنیا ۴۷
أَبْقَعُ ۶۰	آدم ۴۷
ابلیس ۶۰	آذربایجان ۴۸
أَخْلَاقُ ۶۱	آرماگدون ۴۸
أَرْمِیَهِ ۶۱	آزمایش مردم قبل از قیام حضرت حجت ۵۱
ارث ۶۳	آسیا ۵۵
استانبول ۶۴	آفریقا ۵۵
اسرائیل ۶۴	آمادگی برای ظهور ۵۵
اسلام ۶۴	أَبْدَالُ ۵۶
اسماء و القاب حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small> ۷۰	إِبْدَالُ ۵۹
امیرالمؤمنین ۱۰۷	اصحاب کهف ۱۰۰
انتظار ۱۰۹	أَصْنَهَبُ ۱۰۱
انتقام ۱۱۷	ام ایمن ۱۰۲
انجمن حجّیه ۱۲۴	امت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> ۱۰۳
إنجیل ۱۲۵	امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۳
انطاکیه ۱۲۷	امنیت ۱۰۵

۱۲۹..... اهواز	۱۲۸..... انگشتر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲۹..... ایران	۱۲۸..... اوتاد

ب

۱۴۷..... بنی امیه	۱۳۱..... باد
۱۴۹..... بنی شیبیه	۱۳۲..... باران
۱۴۹..... بنی عباس	۱۳۳..... بتریه
۱۵۱..... بنی قنطورا	۱۳۳..... بداء
۱۵۳..... بنی هاشم	۱۳۸..... بدعت
۱۵۵..... بیت المال در زمان ظهور	۱۳۹..... برادران رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۵۶..... بیت الحمد	۱۴۰..... برکت در زمان ظهور
۱۵۶..... بیت المقدس	۱۴۲..... برهوت
۱۵۸..... بیداء	۱۴۲..... بشارت ظهور
۱۵۹..... بیعت	۱۴۲..... بصره
۱۶۳..... ییوح	۱۴۶..... بغداد

پ

۱۷۲..... پیراهن حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۶۴..... پرچم
	۱۷۰..... پرچم حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

ت

۱۷۸..... تقیه	۱۷۳..... تابوت
۱۸۰..... توبه	۱۷۳..... ترس
۱۸۲..... تورات	۱۷۷..... ترک‌ها
۱۸۳..... توقیعات حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۷۸..... تشرف
۱۸۳..... تهران	۱۷۸..... تعیین وقت ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

ث

تویه ۱۸۴

ج

جابلسا و جابلقا ۱۸۵	جمادی ۲۰۵
جامه‌ی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۱۸۶	جعه ۲۰۶
جایگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در غیبت کبری ۱۹۰	جن ۲۰۷
جبرئیل ۱۹۱	جنگ ۲۰۸
جدید ۱۹۳	جوان، جوانان ۲۱۰
جدام ۱۹۷	جهل ۲۱۱
جزیره ۱۹۷	جیحون ۲۱۲
جزیره خضراء ۱۹۸	

چ

چهار پایان ۲۱۳

چین ۲۱۳

ح

حبشه ۲۱۵	حراستا ۲۲۰
حجر اسماعیل ۲۱۶	حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> پس از ظهور ۲۲۱
حجاز ۲۱۶	حکومت پیش از ظهور ۲۲۶
حج ۲۱۷	حکیمه ۲۲۶
حجر الاسود ۲۱۷	حیره ۲۲۷
حرز امام زمان <small>علیه السلام</small> ۲۱۹	

خ

خانواده حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۲۲۸	خراسان ۲۳۰
خانه‌ی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۲۳۰	خراسانی ۲۳۱

۲۳۳..... خسف	۲۳۷..... خورشید، خورشید گرفتگی
۲۳۵..... خسوف	۲۴۱..... خونخواهی از کشتندگان سیدالشهدا <small>علیهم‌السلام</small>
۲۳۵..... خضر	

د

۲۴۲..... دابة الارض	۲۷۲..... دمشق
۲۴۷..... دانیال	۲۷۲..... دود
۲۴۸..... دجال	۲۷۲..... دیدار حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small>
۲۶۰..... دجله	۲۷۶..... دیلم
۲۶۱..... دروغ، دروغ‌گویی	۲۷۷..... دین جدید
۲۶۲..... دعا	۲۷۷..... دین و دین‌داری در آخرالزمان

ذ

۲۷۸..... ذوالسُوَيْقَتَيْنِ	۲۸۰..... ذی حجه
۲۷۸..... ذوالفقار	۲۸۱..... ذی طوی
۲۷۸..... ذوالقرنین	۲۸۲..... ذی قعدة

ر

۲۸۴..... رجب	۳۲۱..... رود
۲۸۵..... رجعت	۳۲۲..... روز قیام حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small>
۳۱۶..... رُحْبَه	۳۲۴..... روش حکومت حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small>
۳۱۷..... رضوی	۳۲۴..... روم، رومیه
۳۱۸..... رکن و مقام	۳۲۷..... ری
۳۱۹..... رمضان	

ز

۳۲۹..... زبور	۳۲۹..... زره حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small>
---------------	---

۳۳۰.....	زلزله	۳۳۳.....	زنان
۳۳۱.....	زمان ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۳۹.....	زوراء
۳۳۱.....	زمینه سازان ظهور	۳۴۵.....	زیارت، زیارت‌های امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۳۲.....	زنا	۳۴۶.....	زید، زیدیه

س

۳۴۹.....	ستاره، ستاره‌ی دنباله دار	۳۶۹.....	سن حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۵۱.....	ستم و ستمگری	۳۷۱.....	سوریه
۳۵۱.....	سرداب سامرا	۳۷۴.....	سیحون
۳۵۴.....	سفیانی	۳۷۴.....	سید حسنی
۳۶۷.....	سکته	۳۷۷.....	سیره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۷.....	سلیمان	۳۷۷.....	سیصد و سیزده
۳۶۸.....	سمیه		

ش

۳۷۸.....	شام	۳۸۴.....	شنبه
۳۷۸.....	شبهات حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به پیامبران الهی	۳۸۵.....	شوال
۳۸۰.....	شرق	۳۸۵.....	شورای سقیفه
۳۸۰.....	شعار یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۸۶.....	شیصبانی
۳۸۱.....	شعبان	۳۸۶.....	شیطان
۳۸۲.....	شعیب بن صالح	۳۹۰.....	شیعه اثنی عشریه
۳۸۴.....	شمشیر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>		

ص

۳۹۳.....	صاحب الامر، صاحب شما	۳۹۹.....	صفا و مروه
۳۹۴.....	صداهای خارق العاده در آخرالزمان	۳۹۹.....	صفر

صلحاء ۴۰۰	صهیون، صهیونیسم ۴۰۲
صلوات ۴۰۰	

ط

طالقان ۴۰۵	طی الارض ۴۰۷
طبرستان ۴۰۶	

ظ

ظلم ۴۰۹	
---------------	--

ع

عاشورا ۴۱۰	عراق ۴۲۵
عبور از روی آب ۴۱۱	عرب ۴۲۶
عجله ۴۱۲	عقل ۴۲۶
عجم ۴۱۹	علم، علماء ۴۲۸
عدل، عدالت، دادگری ۴۲۰	عیسی ۴۳۳

غ

غذای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۴۳۵	غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> ۴۳۶
غرب ۴۳۶	

ف

فتنه ۴۴۹	فرزند ۴۵۵
فرات ۴۵۴	فلسطین ۴۵۶

ق

قاطع ۴۵۷	قذف ۴۵۸
قدس ۴۵۷	قرآن ۴۵۸

فرهنگ‌نامه آخرالزمان

قضاوت ۵۰۱	قرقیسا ۴۹۷
قطب ۵۰۳	قریش ۴۹۷
قم ۵۰۳	قسط ۴۹۹
قیام‌های پیش از ظهور ۵۰۹	قسط‌نظیه ۴۹۹

ک

کعبه ۵۲۰	کتاب جدید ۵۱۵
کف دست ۵۲۱	کتاب‌های آسمانی ۵۱۵
کفش‌های حضرت ۵۲۱	کرخ ۵۱۶
کنیه‌ی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۲۱	کسوف ۵۱۶
کوفه ۵۲۱	کشتار ۵۱۷

گ

لقب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۲۹	گرما ۵۲۹
مادر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۲۹	گلیم‌خانه خود باشید ۵۲۹
	لباس حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۲۹

م

مرگ جاهلیت ۵۴۲	ماوراءالنهر ۵۳۷
مرگ ۵۴۳	ماه، ماه گرفتگی ۵۳۷
مرگ سرخ و سفید ۵۴۳	مثلث برمودا ۵۳۷
مرگ ناگهانی ۵۴۴	محرم ۵۳۹
مساجد در آخرالزمان ۵۴۵	مدت حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۳۹
مسجد الحرام ۵۴۶	مدعیان دروغین مهدویت ۵۳۹
مسجد النبی ۵۴۷	مدینه ۵۴۱
مسجد جمکران ۵۴۸	مرکب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ۵۴۱

۵۶۲..... منجی آخرالزمان	۵۵۲..... مسجد سهله
۵۶۲..... منی	۵۵۴..... مسجد کوفه
۵۶۳..... موسی	۵۵۴..... مسخ
۵۶۴..... موعود و منجی آخرالزمان	۵۵۶..... مصر
۵۷۸..... مؤمنین آخرالزمان	۵۵۶..... مقام ابراهیم
۵۷۸..... مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۵۷..... مکه
۵۷۹..... میراث پیامبران و ائمه <small>علیهم السلام</small>	۵۵۸..... ملائکه
۵۸۰..... میکائیل	۵۶۲..... ملاحم و فتن

ن

۵۸۷..... نماز حاجت	۵۸۱..... ناامیدی و یأس
۵۸۷..... نوآوری در دین	۵۸۳..... نام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۸۷..... نواب اربعه	۵۸۳..... نامه‌های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۸۹..... نواب خاص و عام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۸۳..... نجباء
۵۹۰..... نوروز	۵۸۳..... نجف
۵۹۰..... نومه	۵۸۴..... نسب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۹۱..... نیشابور	۵۸۵..... نشانه‌های آخرالزمان
۵۹۱..... نیل	۵۸۵..... نشانه‌های حتمی ظهور
	۵۸۵..... نفس زکیه

و

۶۰۲..... ویژگی‌های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۹۲..... وفات حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۰۷..... ویژگی یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۵۹۴..... ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

ه

۶۰۹..... هند	۶۰۸..... هم‌جنس‌گرایی
--------------	-----------------------

ی

۶۳۰.....	یمن	۶۱۰.....	یاجوج و ماجوج
۶۳۰.....	یونس	۶۱۱.....	یاران امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۳۰.....	یهود	۶۲۹.....	یمانی
۶۳۲.....			فهرست
۶۴۱.....			منابع

منابع

- قرآن کریم: بنیاد قرآن و عترت، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، خط عثمان طه.
- مفاتیح الجنان: حاج شیخ عباس قمی، قم، انتشارات آئین دانش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹ هـ ش، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- الملاحم و الفتن: سید بن طاووس، چاپ بیروت، ۱۳۹۸ هـ ق. چاپ افست نجف اشرف.
- ینابیع الموده: حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی الحنفی، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ هـ ق.
- کنز العمال: علی متقی هندی
- مهدی موعود منتظر: علی دوانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مستدرک: حاکم نیشابوری، چاپ بیروت.
- کمال الدین و تمام النعمه: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، قم، مؤسسه نشر السلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غیبت نعمانی: ابو عبدالله محمد ابن ابراهیم بن جعفر نعمانی، معروف به ابن ابی زینب، طبع نجف، ۱۳۹۷ هـ ق، و ایران نشر انتخاب اول، ۱۳۹۰ هـ ش، چاپ اول.

کافی: محمد بن یعقوب کلینی، چاپ ایران، ۱۳۸۸ و چاپ نجف ۱۳۹۸ هـ ق.

کفایه الخصام: سید هاشم بن سلیمان بحرانی

یأتی علی الناس زمان: سید محمود بن سید مهدی دهرخی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ ق.

نجم الثاقب: میرزا محدث نوری، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول،

۱۳۵۷ هـ ش.

احتجاج طبرسی: ابومنصور احمد بن ابی طالب طبرسی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ هـ

ق، چاپ دوم.

بحار الانوار: محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

و طبع نجف اشرف، ۱۳۷۹ هـ ق.

من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق، طبع نجف، چاپ افست، ۱۴۰۴ هـ ق.

اختصاص: محمد بن محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید، قم، مؤسسه نشر اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ هـ ق.

بصائر الدرجات: ابوجعفر محمد بن حسن بن فرخ صفار قمی، قم، منشورات کتابخانه

آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ هـ ق.

نوائب الدهور فی علائم الظهور: حاج سید حسن میرجهانی، چاپ افست تهران.

فرهنگ لغت: دهخدا، معین، المنجد، عمید، جامع، مجمع البحرین.

الغیبه: محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی و شیخ الطایفه، چاپ نجف، ۱۳۵۷

هـ ق، و چاپ ایران ۱۳۸۳ هـ ش.

رجال: کشی، علامه مامقانی

الخصال: شیخ صدوق، قم، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم، چاپ پنجم ۱۴۱۶ هـ ق.

موعود نامه: مجتبی تونه‌ای، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۸ هـ ش.

الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: شیخ محمد بن حسن خُرّ عاملی معروف به شیخ حر عاملی.

اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات: شیخ حر عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۴ هـ ق.

اثبات الوصیه: علی بن حسین مسعودی.

توحید صدوق: شیخ صدوق، قم مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ هـ ق.

تفسیر: قمی، چاپ بیروت

عیاشی، انتشارات الاعلمی.

کنز الدقائق، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ ش.

برهان، قطع رحلی، تهران، چاپ چاپخانه آفتاب.

مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۶ هـ ش.

تأویل الایات، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.

نهج البلاغه: ابوالحسن محمد بن حسین رضی معروف به سید رضی یا شریف رضی،

نسخه معجم المفهرس، قم، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ هـ ق.

روزگار رهایی: علی اکبر مهدی‌پور، تهران، انتشارات آفاق، ۱۳۷۱ هـ ش.

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، قم،

مؤسسه الامام مهدی علیه السلام، حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ هـ ش، ۱۴۰۴ هـ ق و ترجمه مکیال المکارم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات بدر، ۱۳۷۶ هـ ش.

الزام الناصب: شیخ علی یزدی حائری، تهران، چاپ ایران، ۱۳۵۱ هـ ش.

جزیره خضراء: ناجی النجار، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران، انتشارات نصر، ۱۴۰۴

هـ ق.

برخی منابع ثانویه که در پاورقی‌ها ذکر شده‌اند، فقط از کتاب مرجع درج شده‌اند و ممکن است با کتاب مرجعی که در این فهرست آمده است همخوانی نداشته باشند.